

# پنجر اقتصاد

کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال پنجم ● شماره ۱۳ ● بهار ۱۴۰۱ ● ۱۸۴ صفحه ● ۵۰ هزار تومان



## انتخاب یا الزام؟

تولید کالا و خدمات دانش بنیان  
انتخابی الزامی در مسیر شکوفایی اقتصاد

با مطالبی درباره سیاست‌گذاری، تولید، بازرگانی، خدمات و جامعه

گفت‌وگو با دکتر «مسعود جمالی» رئیس انجمن مدیران صنایع استان اصفهان  
**بنگاه‌داری تولیدی در ایران؛ چالشی بزرگ**

گفت‌وگو با دکتر «حسن فروزان فرد» عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران  
**اقتصاد محروم از منابع مالی مناسب و باکیفیت**

گفت‌وگو با «محسن جلال پور»؛ فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی  
**هنوز تکلیف استراتژی اقتصادی معلوم نشده است**

مقاله‌ای از «علی ایار» پژوهشگر پسادکتری جامعه‌شناسی اقتصادی - توسعه دانشگاه تهران  
**سازوکارهای ارتقاء توسعه اجتماعی**

مقاله‌ای از دکتر «جعفر رودری» رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان  
**اقتصاد دانش بنیان، الزامات و ظرفیت‌های آن در اقتصاد کرمان**

گفت‌وگو با دکتر «محمدجواد فدائی» عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان  
**لزوم تهیه طرح آمایش دانشگاه‌ها مبتنی بر آمایش کشور**




اتاق بازرگانی، صیغ، معادن و کشاورزی کرمان

 [www.otagh-bazargani.com](http://www.otagh-bazargani.com)

 [sepehr@kccim.ir](mailto:sepehr@kccim.ir)

 ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۸

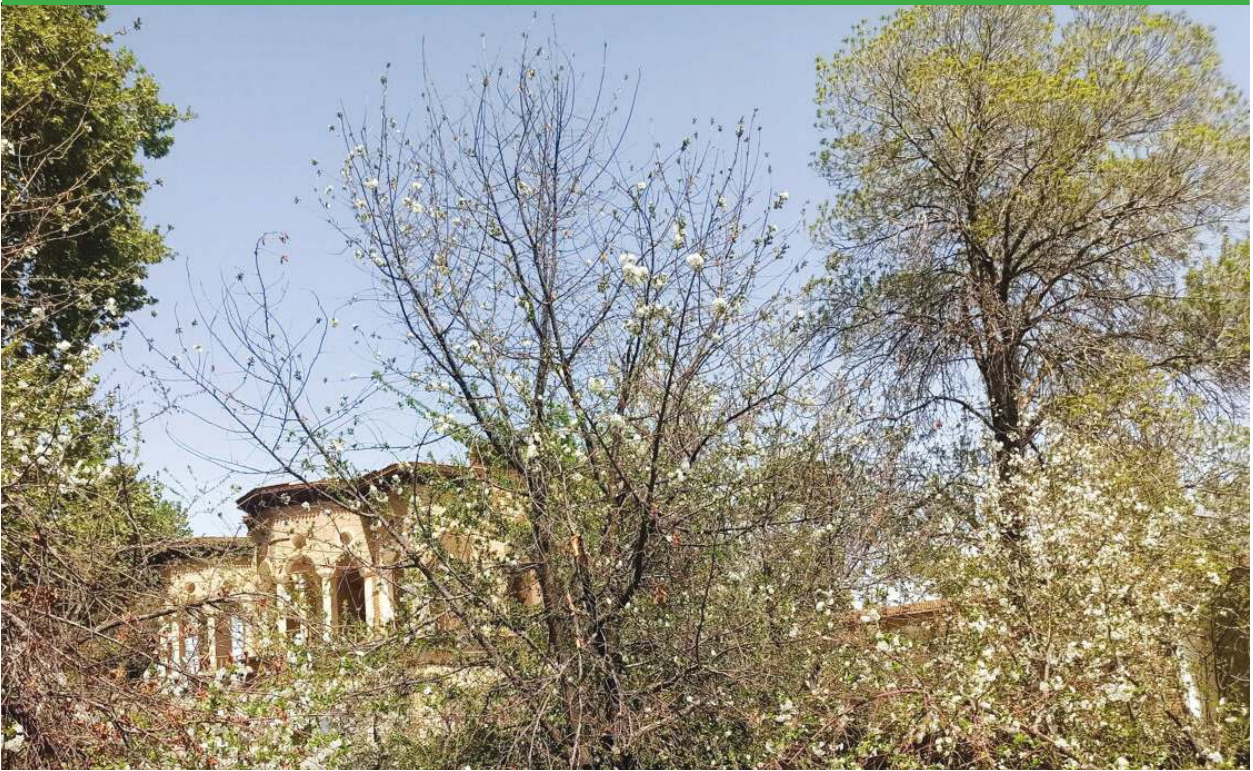
 ۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸

 ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹ (فضای مجازی)

 Kccima



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● بهار در باغ شاهزاده ماهان - کرمان | عکس: ابوذر احمدی زاده ●

## حدیث

امام علی علیه السلام:

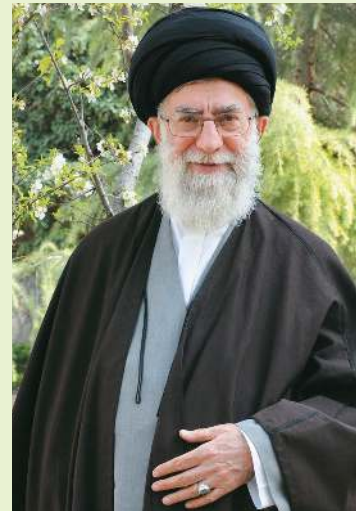
انَّ العِلْمَ حَيَاةُ القُلُوبِ وَ نُورُ البَصَارِ مِنَ العَمَى  
وَ قُوَّةُ البَدَانِ مِنَ الضَّعْفِ؛

بهراستی که دانش، مایه حیات دل‌ها، روشن‌کننده دیدگان کور  
و نیروبخش بدن‌های ناتوان است.

(تحف العقول، ص ۲۸)

از بیانات رهبر معظم انقلاب در اولین روز سال ۱۴۰۱: سال «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین»

## باید به سمت اقتصاد دانش‌بنیان حرکت کنیم



حرف امروز من این است که برای رشد اقتصاد کشور و اصلاح امور اقتصادی کشور، به‌طور قاطع باید به سمت اقتصاد دانش‌بنیان حرکت بکنیم؛ خلاصه‌ی عرض امروز ما این است. «اقتصاد دانش‌بنیان» یعنی چه؟ یعنی این‌که دانش و فناوری پیشرفته نقش‌آفرینی فراوان و کاملی داشته باشد، در همه‌ی عرصه‌های تولید. «همه‌ی عرصه‌های تولید» که عرض می‌کنیم، یعنی حتی انتخاب آن کار تولیدی؛ چون لزومی ندارد که انسان همه‌ی کارهای تولیدی را انجام بدهد. انتخاب آن کار تولیدی هم [باید] برخاسته‌ی از نگاه دانشی و بینشی و علمی باشد؛ این معنای اقتصاد دانش‌بنیان است که در همه‌ی عرصه‌های اقتصاد دخالت داشته باشد. اگر ما این سیاست را دنبال کردیم و دانش را پایه و زمینه‌ی اقتصاد کشور قرار دادیم و بنگاه‌های اقتصاد

دانش‌بنیان را افزایش دادیم — که بعد عرض می‌کنیم — منافع زیادی برای کشور و برای اقتصاد کشور خواهد داشت: هزینه‌ها را کاهش می‌دهد؛ یعنی اقتصاد دانش‌بنیان موجب کاهش هزینه‌های تولید می‌شود، بهره‌وری را افزایش می‌دهد که امروز یکی از مشکلات ما کاهش بهره‌وری است، کیفیت محصول را افزایش می‌دهد، بهبود می‌بخشد و محصولات را رقابت‌پذیر می‌کند؛ یعنی در بازارهای جهانی، ما می‌توانیم از این محصولات به‌عنوان محصولات رقابت‌پذیر استفاده کنیم، در داخل کشور هم همین‌جور؛ یعنی در داخل کشور هم، ولو ما در مورد واردات هم خیلی تعرفه نگذاریم و واردات سرازیر بشود، وقتی محصول داخلی کیفیت بهتری داشت، قیمت ارزان‌تری داشت، مردم طبعاً به آن اقبال می‌کنند؛ یک چنین خصوصیتی در تولید دانش‌بنیان وجود دارد.



اتاق بازرگانی معادن و کشاورزی کرمان

افصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان |  
دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی |  
سال پنجم | شماره سیزدهم | بهار ۱۴۰۱ | صفحه ۱۸۲

# سپهر اقتصاد

با نوشتارها و گفتارهایی از:	صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / رییس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده / سرمدیبر و ویراستار: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده / طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / چاپ و صحافی: احسان- قم /
علی ایاری / حسن فروزان‌فرد / محسن جلال‌پور / علی کرباسی زاده / مسعود رضایی زاده / سعید ایرانمنش / جعفر رودری / عماد جمعه‌زاده / فرهاد افشار / سحر بنگداریور / عابد شیخ بهایی / مسعود جمالی / رضا پدیدار / عباس جبالبارزی / غلامرضا بسطامی‌پور / سینا مشکانی / نازنین جبال‌بارزی / مهدی ایرانی کرمانی / لادن شفیعی / محمد کهنوجی / سمیه نقوی / نادیا انجم‌شعاع / امیر عابدی / نعمت اسماعیلی / محدثه رضایی / وحید سلطانی‌نژاد / معصومه سعید / فاطمه مهربانی / محمدجواد فدائی / سعید ده‌یادگاری / نیما جهان‌بین / حسین وحیدی / محمد سلیمانی‌ها / محمدعلی گلاب‌زاده / محسن جلال‌پور	نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴ / www.otagh-bazargani.com / پیامک: ۱۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / sepehr@kccim.ir /
	«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.
	شماره برای ارتباط با «سپهر اقتصاد کرمان» در فضای مجازی: ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹
	برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴

## سیاست‌گذاری

مقاله‌ای از «علی ایار» پژوهشگر پسادکتری جامعه‌شناسی اقتصادی- توسعه دانشگاه تهران

سازوکارهای ارتقاء توسعه اجتماعی

۰۸

گفت‌وگو با دکتر «حسن فروزان‌فرد» عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران

اقتصاد محروم از منابع مالی مناسب و باکیفیت

۱۶

گفت‌وگو با «محسن جلال پور» فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی

هنوز تکلیف استراتژی اقتصادی معلوم نشده است

۲۶

گفت‌وگو با «علی کرباسی زاده» مشاور عالی رییس اتاق اصفهان

بخش خصوصی مناسب‌ترین شریک در توسعه پایدار

۳۱

مقاله‌ای از دکتر «مسعود رضایی زاده» معاون پارک علم و فناوری استان کرمان

ارزیابی SWOT ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در استان کرمان

۳۵

مقاله‌ای از «سعید ایرانمنش» دانشجوی دکتری اقتصاد بین‌الملل دانشگاه شهید باهنر کرمان

راهبرد توسعه نوآوری منطقه‌ای برای پیشبرد اقتصاد دانش‌بنیان در جمهوری اسلامی ایران

۳۸

مقاله‌ای از دکتر «جعفر رودری» رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان

اقتصاد دانش‌بنیان الزامات و ظرفیت‌های آن در اقتصاد کرمان

۴۱

گفت‌وگو با دکتر «عماد جمعه‌زاده»؛ عضو هیئت مدیره انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان

حرکت در مسیر فناوری و نوآوری الزام است، نه انتخاب

۴۷

گفت‌وگو با «فرهاد افشار» کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی

نیروی انسانی؛ ارزشمندترین سرمایه

۵۰

گفت‌وگو با دکتر «سحر بنکدارپور» رییس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق تهران

اشتراک تکنولوژی؛ راهگشای اقتصاد دانش‌بنیان

۵۵

مقاله‌ای از «عابد شیخ بهایی» رییس انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان

الزامات شکل‌گیری اقتصاد و اشتغال دانش‌بنیان

۵۷



## تولید

گفت‌وگو با دکتر «مسعود جمالی» رئیس انجمن مدیران صنایع استان اصفهان  
بنگاه‌داری تولیدی در ایران؛ چالشی بزرگ

۶۲

مقاله‌ای از دکتر «جعفر رودری» رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان  
بررسی و تجزیه و تحلیل نرخ مشارکت نیروی کار در استان کرمان

۷۰

گفت‌وگو با «رضا پدیدار» رئیس کمیسیون انرژی و محیط‌زیست اتاق تهران  
بازماندگی از تکامل صنعتی

۷۵

مقاله‌ای از «عباس جبالبارزی» نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران  
ضعف‌ها و خطاهای بنگاه‌داری

۸۰

گفت‌وگو با «غلامرضا بسطامی‌پور» مدیر کارخانه کاغذ و مقوای کرمان  
منافع مشترکی میان بخش دولتی و خصوصی وجود ندارد

۸۳

گفت‌وگو با «سینا مشکانی» مدیرعامل شرکت مهندسی سینا چوب  
وجه بنگاه ایرانی در دنیا باید تغییر کند

۸۸

مقاله‌ای از «نازنین جبال‌بارزی» مدیرعامل و هم‌بنیان‌گذار شرکت نقش اورس کویر  
بحران بی‌مهارتی؛ بزرگ‌تر از مشکل بیکاری

۹۲

یادداشتی از «مهدی ایرانی کرمانی» پژوهشگر فرهنگی و فعال حوزه کشاورزی  
ما با توهم فراوانی زندگی کرده‌ایم

۹۴

گفت‌وگو با دکتر «لادن شفیعی» عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات کشاورزی استان کرمان  
بهره‌وری پایین عوامل تولید؛ ویژگی اقتصاد روستایی استان

۹۷

مقاله‌ای از «محمد کهنوجی» مدیر آب و خاک سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان  
زیرساخت افزایش بهره‌وری آب در استان کرمان

۹۹

مقاله‌ای از دکتر «سمیه نقوی» عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه جیرفت  
توسعه پایدار کشاورزی

۱۰۱

گزارشی از «نادیا انجم شعاع» دبیر اندیشکده تدبیر انرژی اتاق کرمان  
گزارش نشست مدیریت انرژی

۱۰۴



## بازرگانی و خدمات

گفت‌وگو با «امیر عابدی» رییس کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق بازرگانی ایران

تأثیر بهبود فضای کسب‌وکار در کاهش ریسک‌های تجاری

مقاله‌ای از «نعمت اسماعیلی» مدیرعامل شرکت ارزیابان نام‌آور توسعه رویدادهای فناوری

آشنایی با گام‌ها، مراحل و نحوه بازاریابی صادراتی در بازارهای اروپایی

مقاله‌ای از «محدثه رضایی» دانشجوی دکتری برق دانشگاه شهید باهنر کرمان

ویژگی‌های مثبت و منفی ارزهای دیجیتال

مقاله‌ای از «وحید سلطانی‌نژاد» مدرس حوزه رمز ارزها

سرعت تحول در ارزهای دیجیتال و تأثیر آن‌ها بر فضای مالی جهان

مقاله‌ای از «معصومه سعید» مدیر بخش توسعه بازار و بهبود فضای کسب‌وکار اتاق کرمان

فرصت‌ها و چالش‌های تجارت استان کرمان با روسیه بعد از جنگ روسیه و اوکراین

گزارشی از «فاطمه مهرابی» مدیر امور تشکل‌های اتاق کرمان

تشکل‌های اتاق کرمان در شش‌ماهه دوم سال ۱۴۰۰

گفت‌وگو با دکتر «محمدجواد فدائی» عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

لزوم تهیه طرح آمایش دانشگاه‌ها مبتنی بر آمایش کشور / ۱۴۶

مقاله‌ای از دکتر «سعید ده‌یادگاری» عضو هیئت‌علمی گروه مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان

ضرورت حرکت نهاد دانشگاه به سمت بازار

مقاله‌ای از دکتر «نیما جهان‌بین» عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

آینده شهرنشینی در کرمان

مقاله‌ای از دکتر «حسین وحیدی» عضو هیئت‌علمی دانشگاه تحصیلات تکمیلی کرمان

حیات سرزمینی و توسعه بخش‌های سازگار با محیط‌زیست در استان کرمان

گفت‌وگو با «محمد سلیمانی‌ها» مسئول کارگروه سیاست پژوهی اندیشکده تدبیر آب ایران

مروری بر حکمرانی آب کشور

یادداشتی از «محمدعلی گلابزاده» مدیر مسئول فصلنامه و مدیر مرکز کرمان‌شناسی

حمایت از توسعه کرمان؛ در عمل یا بیان؟!

یادداشتی از «محسن جلال‌پور» فعال و تحلیل‌گر اقتصادی

اندیشه‌های آگاه

۱۰۸

۱۱۲

۱۱۵

۱۱۸

۱۲۱

۱۳۶



## جامعه

۱۵۰

۱۵۴

۱۵۸

۱۶۲

۱۶۷

۱۷۰



# دانش؛ اهرم قدرتمند عرصه رقابت اقتصادی

## ♦ سید مهدی طبیب زاده

رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان  
و رییس شورای سیاست گذاری فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان



صاحب‌نظران اقتصادی سه مرحله توسعه برای اقتصاد کشورها تصویر می‌کنند: اول، اقتصاد وابسته به عوامل طبیعی که در دل آن الزامات اساسی شامل فضای اقتصاد کلان، نهادها، زیرساخت‌ها، بهداشت و آموزش جای می‌گیرد. در مرحله دوم توسعه، اقتصاد رو به سوی افزایش کارایی می‌برد و با رویکرد تقویت بهره‌وری بر اساس شاخص‌های هدفمند در حوزه آموزش عالی و تربیت نیروی انسانی، کارایی بازارهای کالا و کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فنی و اندازه بازار هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند. نهایتاً در مرحله سوم توسعه، اقتصاد خلاق و خلاقیت محور ظهور می‌یابد و مهارت‌های کسب‌وکار و نوآوری به‌عنوان مهم‌ترین عوامل پیشرفت اقتصاد مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد نام‌گذاری سال ۱۴۰۱ به نام تولید، دانش‌بنیان، اشتغال آفرین از سوی رهبری معظم، بهترین فرصت گفتمان سازی و تمرکز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کشور برای تحقق اقتصاد خلاقیت محور و دانش‌بنیان باشد؛ اقتصادی که در آن محور اصلی نه دولت، بلکه بخش خصوصی و مردمی است و وظیفه دولت به‌طور مشخص تسهیلگری، بسترسازی، ظرفیت‌سازی، هدایت، حمایت و نظارت است.

که علم، دانش و فناوری در چرخه تولید ارزش در کنار توسعه مهارت‌های مدیریت دانشی، تقویت فرهنگ‌سازمانی، ارتقای بهره‌وری منابع (به‌طور خاص سرمایه و منابع انسانی) و نهایتاً موضوع بسیار مهم «دانش بازار» قرار بگیرد تا منجر به خلق ارزش افزوده شود. اما در این بین خلایبی به نام «ضعف ارتباط مؤثر صنعت و دانشگاه» وجود دارد که بارها و بارها در مورد آن صحبت شده، برای حل آن سمینارها و همایش‌ها برگزار شده، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری شده، اما همچنان می‌توان گفت، بار تقصیر «گره کور تحقق اقتصاد دانشی و ضعف استفاده کاربردی و مؤثر دانش در گسترش ظرفیت‌ها و ارتقای بهره‌وری در بهره‌برداری از منابع کشور» بر دوش همین ارتباط ضعیف است. مسئله‌ای که لازمه حل آن تدوین مدلی جامع و همه‌جانبه برای حرکت دانشگاه‌ها به سمت دانشگاه‌های نسل سوم و حرکت صنعت به سوی نسل چهارم صنعت است، تا از این طریق از طرفی زنجیره دانش تا فناوری در دانشگاه تکمیل شود و از سوی دیگر صنعت به توسعه فناوری‌های روز احساس نیاز کند و بالاتر از آن دواطلبانه حاضر به سرمایه‌گذاری برای ایجاد زیرساخت‌های تولیدات فناورانه و نوآوری‌های جدید باشد. فقط کافی است دقایقی خود را در سال ۱۴۲۱ تصور کنیم، تفاوت ایجاد شده در آن روز در حالت ادامه مسیر فعلی و تمرکز بر اقتصاد منابع محور و یا تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و خلاقیت محور به‌خوبی می‌تواند ضرورت، فوریت و اولویت بسترسازی امروز را اثبات کند. ♦♦

امروز در دنیا شاخص‌هایی مثل حجم سرمایه و اندازه بازار جای خود را به بهره‌برداری مؤثر از دانش و تکنولوژی داده‌اند و این دانش است که نقش اساسی را در افزایش ثروت کشورها ایفا می‌کند. در حقیقت در دنیای امروز، دانش مهم‌ترین عامل برای افزایش مزیت‌های رقابتی و ایجاد ارزش افزوده است. طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته، به‌طوری که در آن سرمایه‌گذاری‌ها متمرکز بر استفاده‌های کاربردی از دانش است و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار دارند. عامل موفقیت این اقتصاد وابسته به دو ویژگی اصلی است: اول، درون‌زایی و دوم، برون‌گرایی، به این معنا که متکی به توانمندی‌ها و دانش داخلی است، اما با رویکرد تصاحب بازارهای جهانی با اقتصادهای جهان در تعامل است. به عبارت دیگر اقتصادی مبتنی بر پیشرفت‌های علمی مراکز علمی و پژوهشی، هم‌راستا با نیازها، تجارب و مهارت‌های صاحبان صنعت و بر پایه ایده‌های نوآورانه که خلق ارزش جهانی می‌کند، اما برخلاف تصور عام، دانش‌بنیان بودن تنها منحصر به در اختیار داشتن دانش فنی تولید یک محصول با فناوری نو نیست. دانش‌بنیان بودن باید به‌عنوان یک فرهنگ مدنظر باشد به این معنا



# سیاست‌گذاری



- + سازوکارهای ارتقاء توسعه اجتماعی
- + اقتصاد محروم از منابع مالی مناسب و باکیفیت
- + هنوز تکلیف استراتژی اقتصادی معلوم نشده است
- + بخش خصوصی مناسب‌ترین شریک در توسعه پایدار
- + ارزیابی SWOT ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در استان
- + راهبرد توسعه نوآوری منطقه‌ای برای پیشبرد اقتصاد دانش‌بنیان
- + اقتصاد دانش‌بنیان، الزامات و ظرفیت‌های آن در اقتصاد کرمان
- + حرکت در مسیر فناوری و نوآوری الزام است، نه انتخاب
- + نیروی انسانی؛ ارزشمندترین سرمایه
- + اشتراک تکنولوژی؛ راهگشای اقتصاد دانش‌بنیان
- + الزامات شکل‌گیری اقتصاد و اشتغال دانش‌بنیان

# سازوکارهای ارتقاء توسعه اجتماعی

## ♦ علی ابار

دانش آموخته دکترای جامعه‌شناسی نظری - فرهنگی دانشگاه تهران و  
پژوهشگر پساکتوری جامعه‌شناسی اقتصادی - توسعه دانشگاه تهران



توسعه مفهومی است که از کشاکش اندیشه‌ها پس از جنگ جهانی دوم سر بر آورد، در این شرایط با تجربه خرابی‌ها و ویرانی‌های به جای مانده از جنگ از یک‌سو و عدم توانایی دولت‌های اروپایی در بازسازی این خرابی‌ها از سوی دیگر، کشورهای آمریکا و کانادا دصدد جبران و بازسازی مناطق آسیب دیده از جنگ برآمدند. در تاریخ مطالعات توسعه، شاهد رویکردها، پارادایم و در نتیجه تئوری‌های متنوع بوده‌ایم. مفهوم توسعه از دهه ۱۸۰۰ م. مقارن با دیدگاه اقتصادی سیاسی کلاسیک به معنای راهکاری برای پیشرفت<sup>۱</sup>، در دهه ۱۸۵۰ در اندیشه متأخران به معنای صنعت و پیگیری پیشرفت؛ در دهه ۱۸۷۰ از نظر رویکرد اقتصاد استعماری در معنی مدیریت منابع و قیمومیت؛ در ۱۹۴۰ وفق رویکرد اقتصاد توسعه هم‌معنی با رشد اقتصادی و صنعتی شدن؛ ۱۹۵۰ بنا بر رویکرد نوسازی، رشد، نوسازی سیاسی و اجتماعی؛ ۱۹۶۰ نظریه وابستگی توسعه معادل انباشت و خوداتکایی ملی؛ ۱۹۸۰ توسعه انسانی به معنی ظرفیت و گسترش انتخاب‌های مردم؛ ۱۹۸۰ نو لیبرالیسم توسعه به معنی رشد اقتصادی، اصلاحات ساختاری، مقررات زدایی، آزادسازی؛ ۱۹۹۰ در رویکرد پسا توسعه به معنی مهندسی مستبدانه و فاجعه در سال ۲۰۰۰ در رویکرد اهداف توسعه هزاره به معنی اصلاحات ساختاری<sup>۲</sup>، یکی از مفاهیم متأخرتر در ادبیات توسعه، مفهوم «توسعه اجتماعی»<sup>۳</sup> است توسعه اجتماعی مفهومی بر فراز توسعه اقتصادی است و اهداف گسترده‌تری را دنبال می‌کند، پیرامون ابعاد و وجوه گوناگون «توسعه اجتماعی» نظرات متفاوتی وجود دارد. تجربه دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نشان داد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه در مجموع به هدف‌های سازمان ملل که عمدتاً به صورت رشد اقتصادی یعنی نرخ رشد ۵ درصد سالانه تعریف شده بود دست یافته‌اند، ولی وضعیت مردم این کشورها نه تنها بهبود نیافت بلکه نابرابری و فقر، بحرانی‌تر نیز شد، همین امر موجب توجه بیشتر به توسعه اجتماعی تا دهه‌های پایانی قرن بیستم شد. به صورتی که دهه ۱۹۹۰ به ابعاد اجتماعی توسعه در قالب توسعه انسانی با تمرکز بر شاخص‌هایی

مانند دانش، طول عمر و بهداشت کافی توجه شد. این دهه را می‌توان دهه استیضاح توسعه تلقی کرد؛ زیرا تا قبل از این نقادی و بازاندیشی، تصور بر آن بود که توسعه روندی است که از طریق آن کشورهای عقب‌مانده به رفاه اقتصادی و توسعه‌یافتگی رهنمون می‌شوند. متأثر از این شرایط بود که «مک نیف»<sup>۴</sup> در نقد توسعه اقتصادی و صنعتی معتقد است که توسعه از افسانه غیرعقلانی ترقی، سرچشمه گرفته است و پیشرفت همراه با تخریب منابع و محیط را نماد بارز زیان‌های و عدم عقلانیت توسعه می‌داند و پیترز معتقد است که در مورد مفهوم «توسعه» بزرگ‌نمایی صورت گرفته است<sup>۵</sup>. توسعه در تلقی غالب و متعارف خود بیشتر به مثابه یک پویای اقتصادی درک شده است؛ بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی از درآمد ناخالص ملی سرانه<sup>۶</sup> برای مقایسه سطح توسعه استفاده می‌کنند مفروضه این رویکردها آن است که با ثروت بیشتر سودمندی‌های دیگری نظیر بهبود وضعیت بهداشتی، آموزش و کیفیت زندگی به دست می‌آید. هدف از توسعه آن نیست که کالاها و خدمات افزایش

اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می‌گیرد مایکل تودارو<sup>۱۱</sup> معتقد است: توسعه دسترسی بیشتر به امکانات تداوم بخش زندگی چون خوراک، مسکن و بهداشت؛ بالا رفتن سطح زندگی با افزایش درآمد، ایجاد زمینه اشتغال و آموزش بهتر و گسترش دامنه انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی افراد و ملت‌ها است. توسعه اجتماعی از منظر عام و خاص می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد: وقتی توسعه اجتماعی در معنای عام مطرح نظر باشد توسعه سیاسی، اقتصادی، صنعتی و... جزئی از این مفهوم محسوب می‌شود، اما در معنای خاص توسعه اجتماعی متمایز از توسعه اقتصادی، صنعتی و سیاسی است. در نتیجه در اینجا است که بحث توسعه اجتماعی موضوعیت پیدا می‌کند و ضرورت دارد در خصوص ابعاد و شاخص‌های آن بحث شود<sup>۱۲</sup>. از توسعه اجتماعی تعاریف متفاوت، اما نزدیک به هم ارائه شده است که در ادامه به اختصار به منظور روشن شدن فضای مفهومی «توسعه اجتماعی» به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد: دیارتمان توسعه اجتماعی بانک جهانی، توسعه اجتماعی را به مثابه ترکیب نخست توانمندسازی؛ یعنی برخورداری از حق انتخاب فردی، دوم پوشش همگانی یا تأکید نهادها و سیاست‌ها بر نیازهای افراد فقیر جامعه و توجه به آن‌ها و سوم امنیت یعنی ارتقای ثبات اجتماعی و امنیت انسانی تعریف کرده است. مرکز توسعه‌ای منطقه‌ای سازمان ملل متحد<sup>۱۳</sup>، توسعه اجتماعی را تدارک خدمات اجتماعی مورد نیاز شهروندان می‌داند و بر بهبود کیفیت زندگی مردمان از راه تأمین آموزش، کار، بهداشت، مسکن، رفاه اجتماعی، اصلاحات ارضی، توسعه محلی، ایمنی در برابر آسیب‌های طبیعی، توجه به بخش‌های گوناگون جامعه از جمله زنان و کودکان و غیره تأکید می‌کند. «وارنر» (۱۹۵۸) معتقد است که توسعه اجتماعی عبارت است از امکانات رفاهی برای زندگی بهتر مردم جامعه، دونگ کیم توسعه اجتماعی را میزانی از تحول در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند که به اکثریت محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری سهم خود از منابع ملی را می‌دهد، بلکه در جهت رسیدن به آن نیز یاریگر است<sup>۱۴</sup>. همچنین از نظر سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد با استناد به گزارش‌های توسعه انسانی - اجتماعی، هدف نهایی توسعه، ارائه فرصت‌های مناسب به مردم برای زندگی بهتر از طریق دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن، اشتغال و مانند آن است. همچنین بانک جهانی در تعریف توسعه اجتماعی بر دگرگونی ساختاری در زمینه افزایش انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران و سازمان‌های صاحب قدرت تأکید می‌کند. وارنر<sup>۱۵</sup> توسعه

یابند. بلکه هدف آن است که توانمندی‌ها و توانایی‌های افراد به‌گونه‌ای رشد یابند که زندگی سرشار از آرامش، خلاقیت و رضایت شود<sup>۱۵</sup>. افزایش امکانات مادی از قبیل افزایش تولید سرانه لزوماً با توسعه اجتماعی یعنی رفاه و امنیت و رضایت از زندگی همراه نیست. «آمار تیاسن» معتقد است که نیل به توسعه در گروه رفح تنگناهای عمده نآزادی‌های<sup>۱۶</sup> موجود است: فقر، استبداد، فرصت‌های اقتصادی محدود، محرومیت‌های نظام‌دار اجتماعی، به فراموشی سپردن خدمات عمومی، عدم تساهل و فعالیت‌های بازدارنده دولت‌های دخالت‌گر از جمله این نآزادی‌هاست. در جامعه ایران، ادراک بیش از حد اقتصادی شده از مشکلات خود داریم، مشکلات رفاهی جامعه ایران قبل از آنکه به رشد و توسعه اقتصادی مربوط باشد به سیاست‌گذاری اجتماعی مربوط است. خلاصه نمودن توسعه در احداث کارخانه، اعطای تسهیلات، جذب سرمایه‌های خارجی و... بدون توجه به پیوست اجتماعی و فرهنگی موجب شده است. توسعه اجتماعی بدون شک فرایندی چند بعدی است و در برگیرنده‌ی زنجیره‌ای از عوامل، شامل جنبه‌های سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و حقوقی است و نیز مجموعه‌ای از فعالیت‌های چند سطحی است که دولت و نهادها، جامعه مدنی و حتی اجتماع جهانی در آن نقش دارند. مفهوم توسعه اجتماعی به ما اجازه می‌دهد که بررسی کنیم چگونه ممکن است و چرا در جامعه‌ای می‌توان همزمان شاهد توسعه صنعتی بود، رشد اقتصادی داشت اما «رفاه تعمیم یافته» نداشت؟ بدون تحقیق و بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی هر توسعه‌ای با رفاه جامعه و مردم آن جامعه نسبتی ندارد. در بسیاری از موارد توسعه و رشد اقتصادی بدون بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی در صورت واژگونه تنها می‌تواند منجر به ایجاد نابرابری، خشم و فلاکت بیشتر منجر شود. بی‌خود نیست که بورديو در نقد علم اقتصاد متعارف از آن به عنوان «علم شوم» یاد می‌کند و به دنبال روایتی دیگر از اقتصاد تحت عنوان «اقتصاد سعادت» است؛ ما باید از «توسعه شوم» فاصله بگیریم، توسعه‌ای که چرخش می‌چرخد اما تحولی و بهبودی در مصائب و مشکلات جامعه ایجاد نمی‌کند. برای مهار کردن این توسعه، مفهوم «توسعه اجتماعی» سنج مناسبی به نظر می‌رسد.

### اما توسعه اجتماعی چیست؟

قبل از پرداختن به توسعه اجتماعی ابتدا باید اشاره نمود که توسعه چیست؟ دادلی سیرز<sup>۱۷</sup> توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد. به عقیده وی توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی

### تجربه دهه‌های

۱۹۵۰ و ۱۹۶۰

### نشان داد که

### بسیاری از

### کشورهای در

### حال توسعه

### در مجموع

### به هدف‌های

### سازمان ملل که

### عمدتاً به صورت

### رشد اقتصادی

### یعنی نرخ رشد

### ۵ درصد سالانه

### تعریف شده بود

### دست یافته‌اند،

### ولی وضعیت

### مردم این کشورها

### نه تنها بهبود

### نیافت بلکه

### نابرابری و فقر،

### بحرانی‌تر نیز شد،

### همین امر موجب

### توجه بیشتر به

### توسعه اجتماعی

### تا دهه‌های پایانی

### قرن بیستم شد.

### به صورتی که دهه

### ۱۹۹۰ به ابعاد

### اجتماعی توسعه

### در قالب توسعه

### انسانی با تمرکز

### بر شاخص‌هایی

### مانند دانش،

### طول عمر و

### بهداشت کافی

### توجه شد.



شکل شماره (۱): شاخص‌های توسعه اجتماعی

اجتماعی را شاهد هستیم. در برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب هم موضوعات خودکفایی و تعدیل ساختاری از اولویت اصلی برخوردار بوده‌اند<sup>۱۶</sup> و در نتیجه سیاست غالب برنامه‌های توسعه اجتماعی از مرکز توجه سیاست‌گذاری خارج شده است. از جهت و منظر وضعیت واقعی توسعه اجتماعی به اختصار به گزارش پایگاه لگاتوم اشاره می‌کنیم. داده‌های این مرکز و البته شیوع گسترده آسیب‌های اجتماعی و مسائل اجتماعی نشان می‌دهند که وضعیت توسعه اجتماعی در ایران نسبت به کشورهای پیشرفته دنیا و حتی کشورهای منطقه مانند امارات که از رتبه‌های اول توسعه اجتماعی است، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. سیر صعودی نرخ تورم و بی‌ثباتی اقتصادی در دهه اخیر با عنایت به اثر بعد اقتصادی بر سایر ابعاد این وضعیت می‌تواند موجب افت سایر شاخص‌های توسعه اجتماعی شود. گزارش موسسه لگاتوم در سال ۲۰۲۰ به وضوح نشان می‌دهد که توسعه اجتماعی در کشور از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست<sup>۱۸</sup>. ایران در رده‌بندی شاخص کل رفاه، در رتبه ۱۲۳ قرار دارد و از سال ۲۰۱۱ تاکنون ۲ پله صعود در جدول رده‌بندی داشته است. در رتبه‌بندی ستون‌ها ایران در زمینه بهداشت و شرایط زندگی، قوی‌ترین عملکرد را دارد، اما در آزادی شخصی ضعیف‌ترین است. توسعه راستین هنگامی به واقعیت می‌پیوندد که مشارکت وسیع مردم در جریان طراحی و در مراحل اجرای برنامه‌های توسعه میسر شود. بعد اجتماعی توسعه فرایند توسعه را مستلزم کسب اعتماد اجتماعی، گسترش شبکه روابط اجتماعی، تسهیل هنجارهای همکاری و اقدام جمعی می‌داند.

اجتماعی را فراهم کردن امکانات زندگی برای مردم می‌داند. بنا به تعریف، استس<sup>۱۶</sup> توسعه اجتماعی را حوزه‌ای میان‌رشته‌ای و میان بخشی دانسته است که در جستجوی بهبود رفاه مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه است. خلاصه آنکه از منظر توسعه اجتماعی، توسعه یعنی زندگی بهتر، انسانی‌تر، آرام‌تر و امن‌تر در معنایی فراخ‌تر از معنای صرفاً کمی رشد اقتصادی و چنین استدلال می‌شود که به طور کلی در مواجهه با توسعه اجتماعی می‌توان دو بعد در نظر گرفت: ۱- بعد رفاه گرایانه، ۲- بعد انسان گرایانه.

سازمان‌های مختلف بین‌المللی در تلاش برای ارائه معرفیهایی به منظور سنجش مفهوم توسعه اجتماعی بوده‌اند از جمله این شاخص‌ها می‌توان به گزارش توسعه اجتماعی در سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ اشاره کرد که برخی از این شاخص‌ها در شکل شماره (۱) آورده شده است.

#### وضعیت توسعه اجتماعی در ایران

با روشن شدن فضای مفهومی توسعه اجتماعی و اشاره به برخی از مؤلفه‌های و سنججهای این مفهوم نیاز است تا گزارشی مختصر از وضعیت توسعه اجتماعی در ایران ارائه شود، از حیث سیاستگذاری به‌طور مشخص در کشور ما اولین برنامه برای توسعه، آغاز تدوین برنامه در سال ۱۳۲۴ بود که در قالب برنامه‌های عمرانی از سال ۱۳۲۷ آغاز گردید. در برنامه‌های قبل از انقلاب اولویت اساسی و اصلی با رشد اقتصادی و توجه اندک و البته ابزاری به برخی از مؤلفه‌های کیفیت زندگی و توسعه

#### هدف از توسعه

آن نیست که

کالاها و خدمات

افزایش یابند.

بلکه هدف

آن است که

توانمندی‌ها و

توانایی‌های

افراد به‌گونه‌ای

رشد یابند که

زندگی سرشار از

آرامش، خلاقیت

و رضایت شود.

افزایش امکانات

مادی از قبیل

افزایش تولید

سرانه لزوماً با

توسعه اجتماعی

یعنی رفاه و امنیت

و رضایت از زندگی

همراه نیست.



نمودار شماره (۱): برخی شاخص‌های توسعه اجتماعی در کشور ایران<sup>۱۹</sup>

### سازوکارهای بهبود توسعه اجتماعی

بنابراین ذیل مفهوم توسعه اجتماعی به منظور کاهش عوارض و پیامدهای آسیب‌زای توسعه در معنای متعارف، باید به موارد زیر توجه نمود:

#### ۱- توجه به توسعه متوازن:

ناهمگونی و نابرابری درون بخشی و میان بخشی و نابرابری‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای در تجربه توسعه، موجب شده است تعادل جامعه به مثابه سیستم به هم ریخته شود. این وضعیت که از نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید مخالف اصول توسعه پایدار، متوازن و عدالت محور است. نابرابری فضایی در توسعه می‌تواند در قالب نابرابری بین مناطق شهری و روستایی، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق برخوردار و محروم در کشور بروز کند و نشان می‌دهد که در کشور شاهد رشد و در نتیجه توسعه قطبی بوده‌ایم و در نتیجه این رشد قطبی شاهد مهاجرت‌ها از مناطق روستایی به شهرها، از شهرهای کوچک و کم برخوردار به مناطق برخوردار هستیم که این وضعیت در قالب آسیب‌ها و مسائل متنوع اجتماعی-اقتصادی در شهرها و مناطق برخوردار مانند حاشیه‌نشینی، حلبی‌آبادی‌ها و... پدیدار می‌شود. نامتوازن بودن توسعه در بسیاری از موارد با اعتراضات و انقلاب‌های سیاسی هم مرتبط است به نوعی که عدم همسویی بین نوسازی اقتصادی، اجتماعی با نوسازی سیاسی همراه نباشد، منجر به شورش‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود. مطالعات نشان

می‌دهد که مناطق مرزی کشور از جمله نواحی شرقی، جنوب و جنوب غرب کشور در بسیاری از مؤلفه‌های توسعه با فاصله زیادی از استان‌های برخوردار کشور قرار دارند. از منظر توسعه و برخورداری از امکانات می‌توان استدلال نمود که ما شاهد یک نوع قطبی شدن هستیم. استان‌هایی که قطب‌های توسعه هستند از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی از مناطق پایین دست خود بریده‌اند و با تمرکز بخشی در زمینه جذب سرمایه، جمعیت و صنعت زمینه‌های عدم تعادل توسعه‌ای درون و برون منطقه‌ای را به وجود آورده‌اند. این وضعیت تحلیل برنده بسیاری از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی مخرب سرمایه اجتماعی، احساس امنیت، مقوم احساس تبعیض و محرومیت بوده و می‌تواند تهدیدکننده رفاه و بهزیستی در جامعه باشند.

#### ۲- توانمندسازی<sup>۲۰</sup>:

توانمندسازی افراد را قادر می‌کند که خودمختاری و اعتمادبه‌نفس را به دست بیاورند و با احساس قدرت فردی و جمعی برای غلبه بر مشکلات و محدودیت‌های موجود اقدام نمایند. در توانمندسازی اقتصادی باید تلاش بر این امر متمرکز شود که با ایجاد قابلیت‌های لازم با کسب مسئولیت‌های اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی و دستیابی به یک زندگی بهتر از طریق مدیریت توسعه است. به عبارتی دیگر توانمندسازی به معنای ایجاد قدرتی قانونی برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است. آمارتپاسن معتقد است که توانمندسازی از طریق ایجاد اشتغال، ترتیبات آموزشی و حقوق

#### مفهوم توسعه

#### اجتماعی به ما

#### اجازه می‌دهد که

#### پرسیم چگونه

#### ممکن است و

#### چرا در جامعه‌ای

#### می‌توان همزمان

#### شاهد توسعه

#### صنعتی بود،

#### رشد اقتصادی

#### داشت اما «رفاه

#### تعمیم یافته»

#### نداشت؟ بدون

#### تحقیق و بهبود

#### شاخص‌های

#### توسعه اجتماعی

#### هر توسعه‌ای با

#### رفاه جامعه و مردم

#### آن جامعه نسبتی

#### ندارد. در بسیاری

#### از موارد توسعه

#### و رشد اقتصادی

#### بدون بهبود

#### شاخص‌های

#### توسعه اجتماعی

#### در صورت واژگونه

#### تنها می‌تواند به

#### ایجاد نابرابری،

#### خشم و فلاکت

#### بیشتر منجر شود.

مالکیت می‌تواند آزادی بیشتری به افراد بدهد. توانمندسازی با ارتقاء کیفیت مباحث عمومی فراتر از دستاوردهای ابزارهای مانند تولید کالا اثر می‌گذارد، توانمندسازی علاوه بر تأثیر بر تولید کالا، بر رفاه و آزادی مردم و تغییرات اجتماعی نیز تأثیرگذار است. توانمندسازی در اصل مقابله با عوامل بی‌قدرتی مردم است. به این منظور در بعد اقتصادی باید فقرزدایی مورد توجه قرار گیرد. در توانمندسازی باید تلاش شود که فقرا به عنوان سوزدها مورد توجه باشند؛ یعنی عاملی‌هایی با توانمندی‌ها و البته محدودیت‌های خاص خود، که از طرق حمایت و البته با مشارکت خودشان می‌توانند از وضعیت موجود خارج شوند. بسیاری از عواملی که موجب فرسایش و تحلیل رفتن «توسعه اجتماعی» می‌شوند با زندگی فقرا پیوند خورده‌اند. بنابراین با توانمندسازی اجتماعات محلی و اقشار آسیب‌پذیر می‌توان شاخص‌های توسعه اجتماعی را ارتقاء داد؛ زیرا توانمندسازی نوعی دعوت اقشار آسیب‌پذیر و محروم از مواهب توسعه به کنشگری است.

### ۳- اشتغال و بهبود فضای کسب‌وکار:

فقر و سطح پایین رفاه خانوارها با فضای کسب‌وکار مرتبط است، فضای کسب‌وکار مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران و فعالان بنگاه‌های

#### وقتی توسعه

#### اجتماعی در

#### معنای عام

#### مطمح نظر باشد

#### توسعه سیاسی،

#### اقتصادی، صنعتی

#### و... جزئی از این

#### مفهوم محسوب

#### می‌شود، اما در

#### معنای خاص

#### توسعه اجتماعی

#### متمایز از توسعه

#### اقتصادی، صنعتی

#### و سیاسی است.

#### در نتیجه در

#### اینجاست که

#### بحث توسعه

#### اجتماعی

#### موضوعیت

#### پیدا می‌کند و

#### ضرورت دارد در

#### خصوص ابعاد و

#### شاخص‌های آن

#### بحث شود.



از یک‌سو دلیل اصلی بیماری، گرسنگی، سوءتغذیه، آسیب‌های اجتماعی و... درآمد است و از سوی دیگر دسترسی به آموزش و سلامت بالاتر می‌تواند درآمد بیشتر را ایجاد کند. آمارتیباسن می‌گوید که «بیکاری منشاء بروز ضعف و فتور در آزادی‌های فردی، نوآوری و مهارت‌ها نیز می‌باشد. از جمله اثرات وسیع و منفی بیکاری «حذف اجتماعی» گروه‌هایی از مردم است که خودبه‌خود منجر به از دست دادن اعتمادبه‌نفس، خودباوری و سلامت روحی و جسمی می‌شود»

#### ۴- سیاست‌گذاری توسعه‌ای حامی فقر:

سیاست‌های حامی فقر با هدف تأثیرگذاری بر عوامل تعیین‌کننده اقتصاد کلان رشد سهم فقر از رشد درآمد سرانه را افزایش می‌دهد، شواهد نشان می‌دهد که علی‌رغم تحقق وعده‌های رشد اقتصادی فقر همچنان در حال گسترش است، به عبارت دیگر بنابر فرضیه کوزنتوس (۱۹۹۵) رشد در قالب یک تابع U معکوس در نهایت به نفع فقر عمل می‌کند، اما تجربه رشد نشان داد که در درون رشد، مکانیزمی که آگاهانه سراغ فقر را بگیرد وجود ندارد. نشت درآمد از بالا به پایین بدون سیاست‌گذاری مناسب چندان ناچیز است که در عمل می‌تواند فاصله ثروتمندان و فقر را افزایش دهد؛ بنابراین یک راه برای خاتمه دادن به وضع موجود اتخاذ سیاست حامی فقر است. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد در سال‌های اخیر رشد صورت گرفته در جهت کاهش فقر عمل نکرده است. به عبارتی دیگر تحقیقات نشان می‌دهند سهم دهک‌های بالا و خانوارهای پردرآمد از رشد اقتصادی نسبت به فقر به مراتب بیشتر است. در ایران به ازای هر درصد رشد اقتصادی ۰.۰۰۶ درصد فقر کاهش پیدا می‌کند، در صورتی که در برخی از کشورها ما از ازای هر درصد رشد می‌توانیم انتظار کاهش فقر ۲ و ۳ درصدی داشته باشیم. بنابراین لازم است در کنار توجه به رشد به منظور ارتقاء توسعه اجتماعی به کم و کیف پیامدهای ناشی از رشد نیز تمرکز نمود به عبارتی دیگر، سیاست‌گذاری اجتماعی باید عدالت محور باشد، در خصوص پیوست عدالت در کشور باید گفت عملیاتی شدن این پیوست می‌توان امیدوار به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بود. این امید وجود دارد که توزیع درآمد و مواهب ناشی از توسعه عادلانه‌تر شود. با هدایت مواهب رشد و دسترس‌پذیرتر نمودن رشد برای فقرا می‌توان شاهد بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی بود.

#### ۵- مدیریت سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>:

سرمایه اجتماعی آن نوع شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت و انرژی لازم برای تسهیل کنش در جهت تحقق

اهداف فردی و جمعی باشد و از جانب دیگر سرمایه اجتماعی بر تمایلات، رفتارها و گرایش‌هایی دلالت دارد که برای ایجاد نهادهای جامعه مدنی و جهت‌گیری‌های اخلاقی دموکراسی مدرن اهمیت و ضرورت دارد سرمایه اجتماعی نه محصول خصایص ذاتی افراد و نه می‌توان آن را به صورت مصنوعی ایجاد نمود، بلکه محصول تاریخی و اتوماتیک شرایط اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه است. به منظور ارتقاء سرمایه اجتماعی باید تلاش نمود تا با بهبود عملکرد نهادها و سازمان‌های دولتی اعتماد مردم به این نهادها ارتقاء پیدا کند؛ با بهبود سیستم و مکانیزم‌های خدمت‌رسانی به شهروندان در حوزه بهداشت، کسب‌وکار و... رضایت از خدمات دولت افزایش یافته و نوعی تعهد سیاسی ایجاد کرد. مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان مکانیزمی به منظور ادغام یک جامعه مدنی با دولت و اقتصاد نیرومند خوش‌بین هستند. سرمایه اجتماعی از دو منظر نهادی و انجمنی تحلیل شده است، از منظر نهادی سرمایه اجتماعی به وضعیت عملکرد نهادها بستگی دارد، بنابراین عملکرد ضابطه‌مند و قانونمند نهادها می‌تواند بر هنجارهای رفتاری و اعتماد اجتماعی تأثیرگذار باشد. تقویت سرمایه اجتماعی موجب تسهیل در مبادله، حس تعلق، مشارکت، همبستگی و حمایت‌های اجتماعی شده و از این طریق موجب بهبود توسعه اجتماعی شود.

#### ۶- دموکراسی مشارکتی تقویت جامعه مدنی:

دموکراسی شیوه‌ای است که از طریق آن شهروندان تصمیمات جمعی و عقلانی می‌گیرند. فضایی که باید عرصه را برای مشارکت مردم فراهم کند به تعبیری فضای عمومی است، فضایی که به تعبیر هابرماس در دسترس همه شهروندان است و تحت سلطه دولت و کارگزاران دولت نیست؛ بنابراین نیاز است که انجمن‌های داوطلبانه، سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی شکل بگیرد. مشارکت فعالانه و آگاهانه یکی از عوامل اصلی توسعه اجتماعی است در این خصوص گریفین و کنلی عقیده دارند که توسعه اجتماعی مستلزم مشارکت فزاینده و مداوم مردمی است؛ زیرا توسعه منهای مشارکت توسعه‌ای بی‌نسبت و بی‌ربط با زندگی واقعی مردم است، توسعه و سیاست‌گذاری توسعه‌ای باید دغدغه مردم را داشته باشد و برای درک مسائل و دغدغه‌های واقعی مردم باید آن‌ها را در سیاست‌گذاری توسعه شریک نمود. سن (۱۳۹۵) معتقد است که در هیچ کشور مردم‌سالاری قحطی رخ نمی‌دهد. استدلال وی چنین است که عدم امنیت اقتصادی نتیجه عدم وجود آزادی‌ها و حقوق مردم‌سالارانه است و با تأکید اظهار می‌دارد که «ناآزادی اقتصادی، مادر ناآزادی اجتماعی است. البته ناآزادی‌های اجتماعی و سیاسی نیز تشدیدکننده ناآزادی‌های اقتصادی اند.»

#### همچنین از نظر

سازمان‌های

بین‌المللی

همچون

سازمان ملل

متحد بااستناد

به گزارش‌های

توسعه انسانی.

اجتماعی، هدف

نهایی توسعه،

ارائه فرصت‌های

مناسب به مردم

برای زندگی بهتر

از طریق دسترسی

به تسهیلات

آموزشی،

بهداشتی، رفاهی،

تغذیه، مسکن،

اشتغال و ماندن آن

است. همچنین

بانک جهانی در

تعریف توسعه

اجتماعی بر

دگرگونی ساختاری

در زمینه افزایش

انسجام اجتماعی

و پاسخگو

کردن کارگزاران

و سازمان‌های

صاحب قدرت

تأکید می‌کند.

## ۷- کاربست فناوری اطلاعات:

فناوری اطلاعات با توجه به ویژگی‌های خود باعث جریان کارآمد اطلاعات، کالا، مردم و سرمایه‌ها می‌گردد و پتانسیل لازم را در کمک به فقرای روستایی به عنوان ابزاری در از بین بردن تردیدی برخی از موانع توسعه از طریق افزایش دسترسی به اطلاعات، گسترش بازارهای اصلی آن‌ها، افزایش فرصت‌های شغلی و دسترسی به خدمات دولتی بهتر را دارا است، اما باید توجه داشت که به تعبیر کلس (۲۰۰۵) دست یافتن به فناوری اطلاعات برای فقرا بسیار گران است؛ فقرا نیازی به تصور کردن در خصوص این پدیده را ندارند، آن‌ها به غذا نیازمندند (ایتا کلس، ۲۰۰۵). تکلیف دولت در دسترسی همگان به اینترنت ارزان، پرداخت یارانه اینترنتی در قالب بسته‌های ماهیانه برای اقشار آسیب‌پذیر می‌تواند این فضا را برای همگان دسترسی‌پذیر کند.

این فناوری‌ها امکان ارائه خدمات بهداشتی اولیه به کسانی را فراهم می‌آورد که به شدت به این خدمات نیاز دارند و در مناطقی زندگی می‌کنند که در آن مناطق دسترسی به تسهیلات بهداشتی چندان یا اصلاً وجود ندارد. این فناوری‌ها حوزه دسترسی متولیان سلامت، آموزش و امنیت را گسترده‌تر می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد که دانش را به دور افتاده‌ترین و محروم نقاط کشور برسانند البته باید اشاره نمود که فاوا<sup>۲۱</sup> دوی تمام دردهای توسعه روستایی و کشاورزی نیست، اما آن می‌تواند با توجه به قابلیت‌هایی که دارد منابع اطلاعاتی جدید ایجاد نماید. با توجه به نقش دانش در توسعه اقتصادی اجتماعی کشورها بسیاری از نظریه‌پردازان به ارتباط دانش و دسترسی به منابع اطلاعاتی از طریق زیرساخت‌های مخابراتی و ارتباطی برای مردم فقیر ساکنین دورافتاده اذعان دارند. فاوا با ایجاد کانال‌های ارتباطی جدید بین جوامع روستایی، ارتباط پایین به بالا، تسهیم اطلاعات درباره نیازها، حمایت از دانش محلی، کاهش هزینه ارتباطات، ارائه اطلاعات مناسب و به موقع در اختیار کاربران که تمامی این‌ها منجر به کارایی و اثربخشی فعالیت‌های توسعه می‌شود (معماریان و تقوی اول، ۱۳۹۳). فناوری اطلاعات امکان تولید، تنوع و توزیع ثمربخش‌تر برای همه مردم فراهم می‌کند و البته در صورت مدیریت می‌تواند نقش زیادی را در توانمندسازی و بهبود حکمرانی ملی و محلی ایفا کنند.

البته در خصوص فناوری اطلاعات آمار خیره کننده‌ای از شکاف دیجیتال و آپارتاید سایبری وجود دارد، اگرچه این شکاف محصول مختصات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورها است. جان ندریون پیترز معتقد است «پر کردن شکاف دیجیتال مانند خشک کردن زمین در حین باز گذاشتن شیر آب است»، سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات به منظور

توسعه و توانمندسازی مردم مادامی که با فقر و بیکاری دارد، چندان کارایی ندارد. به حاشیه رفتگان برنامه‌های توسعه توانایی فرصت و تمرکز لازم برای استفاده از فناوری اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی به منظور پیوند آن با سیاست رفاهی شخصی ندارند.

## ۸- حکمرانی خوب<sup>۲۳</sup>:

حکمرانی نوعی توسعه و مشارکت غیردولتی را دنبال می‌کند. دولت‌ها زمانی می‌توانند به وظایف توسعه‌ای خود عمل کنند که از حکمرانی خوب و ویژگی‌های آن شامل جلب مشارکت مردمی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی برخوردار باشد. الگوی حکمرانی خوب با بازسازی نیروهای اجتماعی در ساختار شبکه‌ای، هماهنگ و منسجم، دولت را بر اساس ویژگی‌ها و ماهیتی خاص در کنار جامعه‌ای با بازیگران متنوع قرار می‌دهد که بر اولویت‌دهی به نقش دولت در جامعه در مسیر توسعه غلبه می‌کند. در حکمرانی خوب دولت سیطره بلامنازع خود بر مدیریت جامعه و سیاستگذاری توسعه را از دست می‌دهد و در نتیجه نیروهای گوناگون اجتماعی در قالب جامعه مدنی، بخش خصوصی در جهت‌دهی به توسعه، طراحی سیاست توسعه‌ای به منظور نیل به هدف مشترک به ایفای نقش می‌پردازند. از دیدگاه اوانز لازمه توسعه و تحول حضور همزمان استقلال و اتکا به جامعه است. مدل حکمرانی خوب نحوه حکمرانی، کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می‌دهد. در این نظریه دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی آن تأکید دارد. در حقیقت حکمرانی خوب اصطلاحی که نشانه تغییر پارادایم نقش حکومت است و اینکه اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزاء گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند. بانک جهانی ویژگی‌هایی را برای حکمرانی خوب تعریف کرده است، ۱- حق اظهار نظر و پاسخگویی؛ ۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت، ۳- بار مالی مقررات؛ ۴- حاکمیت قانون، ۵- کنترل فساد؛ ۶- کارایی و اثربخشی دولت. الگوی حکمرانی خوب با عنایت به ویژگی‌های مذکور می‌تواند مقوم توسعه اجتماعی باشد، زیرا ویژگی پاسخگویی موجب می‌شود که شهروندان در خصوص پیامدهای نامطلوب سیاستی از دولت‌ها سؤال بپرسند و توسعه و مکانیزم‌های اجرایی آن را استیضاح کنند. در صورت کنترل فساد می‌توان به استفاده و بهره‌وری استعدادهای امیدوار بود با وجود فساد فعالیت‌های اقتصادی به سمت فعالیت غیر مولد، غیرقانونی سوق داده شده، وصول درآمدهای مالیاتی به حداقل می‌رسد و همچنین مالیات به مثابه ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی و سیاست‌های رفاهی ناکارآمد خواهد شد، قوانین و مقررات برای توسعه اجتماعی بسیار مهم هستند؛ به نوعی که بوروکراسی دست‌وپا گیر امکان راه‌اندازی مشاغل برای

▼

**توسعه راستین**  
**هنگامی**  
**به واقعیت**  
**می‌پیوندد که**  
**مشارکت وسیع**  
**مردم در جریان**  
**طراحی و در**  
**مراحل اجرای**  
**برنامه‌های توسعه**  
**میسر شود. بعد**  
**اجتماعی توسعه**  
**فرآیند توسعه را**  
**مستلزم کسب**  
**اعتماد اجتماعی،**  
**گسترش شبکه**  
**روابط اجتماعی،**  
**تسهیل**  
**هنجارهای**  
**همکاری و اقدام**  
**جمعی می‌داند.**



در آن زمان سطوح زندگی نامگذاری شده بوده است. توسعه اجتماعی کمک می‌کند که سیاست‌گذاری توسعه‌ای با حداقل عوارض و ناگواری‌های اجتماعی عملیاتی شود. برای نیل به توسعه اجتماعی، نیازمند تجدیدنظر در سیاست‌گذاری توسعه‌ای یعنی توجه به توسعه متوازن و کاهش نابرابری فضایی در توسعه، رشد حامی فقرا، بهبود فضای کسب‌وکار، استفاده از ظرفیت فناوری اطلاعات و ارتباطات، دموکراسی مشارکتی، تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جامعه هستیم؛ بنابراین توسعه اجتماعی به مثابه رویکردی در توسعه، فراتر از کاهش فقر و دارای جهت‌گیری پیشگیرانه است و در مرحله بعد فراتر از توسعه انسانی به سایر ابعاد اجتماعی زندگی انسان‌ها توجه دارد. اگرچه رشد اقتصادی برای بهبود کیفیت زندگی مهم است، اما برای استفاده بهینه از مواهب رشد باید کژاندیشی‌های سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای در ارتباط با نسبت توسعه، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی اصلاح شود. باید مردم و خاصه اقشار آسیب‌پذیر نه به عنوان ابزار جهت رشد اقتصادی که شریک اصلی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شوند. بدون لحاظ کردن مؤلفه‌های توسعه اجتماعی، توسعه متعارف چیزی جز توسعه شوم یا مهندسی فاجعه نیست. ♦♦

#### فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ مبارکی، مهدی و شهبازی، زهره (۱۳۹۱) بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی)، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ش ۱، صص ۳۰-۷.
- کلانتری، خلیل (۱۳۷۷) مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۳۲-۱۳۱.
- ویلیس، کتی (۱۳۹۳) نظریه‌های و تجربه‌های توسعه، ترجمه حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پور حبیب، تهران: نشر پژوها.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۹۰) کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران: شیرازه.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۰) توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار.
- ناطق پور، محمدجواد (۱۳۸۶) رویکردی نو در آسیب‌شناسی اجتماعی از منظر توسعه، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی و دانشگاه تهران.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۵) توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، تهران: نشر نی.
- ندروین پیترز، جان (۱۳۹۵) نظریه توسعه: فرهنگ، اقتصاد، جامعه، ترجمه انور محمدی، تهران: گل آذین.
- عنبری، موسی (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سمت.

بخش عظیمی از جامعه، خاصه اقشار محروم و آسیب‌پذیر را دشوار می‌کند و ذیل حکمرانی خوب می‌توان به تحقق عدالت اجتماعی امیدوار بود که با بهبود نابرابری‌های مکانی، جنسیتی، اجتماعی و... می‌تواند به ارتقاء توسعه اجتماعی کمک کند. حکمرانی خوب توانمندسازی، همکاری و مشارکت و ارتقای احساس تعلق و افزایش رضایتمندی، برابری و عدالت و در نتیجه کاهش یا زوال احساس محرومیت و تضعیف فرآیند قطبی شدن جامعه را تسهیل و موجب می‌شود. مدل حکمرانی خوب در توسعه اجتماعی کارکردی چندگانه دارد: کارایی، شفافیت، پاسخگویی، کنترل فساد و قانونمندی که در قالب حکمرانی خوب ایجاد خواهد شد بر شخصیت، آگاهی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، حسن اعتماد بین افراد و بهبود سرمایه اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود و از این طریق می‌تواند توسعه متعارف را به توسعه اجتماعی پیوند بزند.

#### نتیجه‌گیری

توسعه اجتماعی یعنی دغدغه پس از رشد و تنظیم بازار داشتن است، توسعه اجتماعی با تمرکز بر مقوله عدالت اجتماعی و مؤلفه‌های کیفیت زندگی به جبران یا کنترل صدمات ناشی از توسعه می‌پردازد، توسعه به مثابه سایر تحولات و فرایندهای اجتماعی دارای پیامدهایی متفاوت و ایجادکننده صف برندگان و بازندگان است؛ در این راستا توسعه اجتماعی درصدد است که سناریوی بازندگان توسعه را به سناریوی برندگان تغییر دهد. چرا که بازنده بودن توسعه یعنی احساس محرومیت، نابرابری نه تنها منجر به ایجاد هزینه‌های اخلاقی، فروپاشی سرمایه اجتماعی و هزینه‌های سیاسی می‌شود که در نهایت منجر به تضعیف کارایی اقتصادی می‌شود. توسعه‌گرایی با اقتباس مدل لیبرال برای کشورهای در حال توسعه با تخریب سرمایه اجتماعی وعده رشد اقتصادی می‌دهد و بعد از آن که مدل توسعه نئولیبرالی سرمایه اجتماعی را به تحلیل برد و سرچشمه زایش آسیب‌ها و مسائل متنوع اجتماعی شد در قالب سیاست‌گذاری اجتماعی درصدد جبران این پیامدهای شوم برمی‌آید. مؤلفه توسعه اجتماعی به عنوان امری معطوف به بهبود وضعیت اجتماعی زندگی انسان، به رغم آنکه در پنج دهه گذشته مورد توجه جدی صاحب‌نظران و اندیشمندان جهان قرار گرفته، اما هنوز از جایگاه بایسته‌ای در نظام برنامه‌ریزی و توسعه کشور برخوردار نبوده یا حداقل به عنوان مقوله‌ای در حاشیه مباحث توسعه، به‌ویژه توسعه اقتصادی یا صنعتی مورد توجه قرار نگرفته است. می‌توان گفت اولین سند مهم سازمان ملل متحد در خصوص توسعه اجتماعی مربوط به تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و گزارش سال ۱۹۵۴ گروهی از کارشناسان در خصوص سطوح توسعه اجتماعی که

در توانمندسازی باید تلاش شود که فقرابه عنوان سوژه‌ها مورد توجه باشند؛ یعنی عاملیت‌هایی با توانمندی‌ها و البته محدودیت‌های خاص خود، که از طرق حمایت و البته با مشارکت خودشان می‌توانند از وضعیت موجود خارج شوند. بسیاری از عواملی که موجب فرسایش و تحلیل رفتن توسعه اجتماعی می‌شوند با زندگی فقرا پیوند خورده‌اند. بنابراین با توانمندسازی اجتماعات محلی و اقشار آسیب‌پذیر می‌توان شاخص‌های توسعه اجتماعی را ارتقاء داد؛ زیرا توانمندسازی نوعی دعوت اقشار آسیب‌پذیر و محروم از مواهب توسعه به کوشگری است.



گفت‌وگو با دکتر «حسن فروزان فرد» عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران

## اقتصاد محروم از منابع مالی مناسب و باکیفیت

با دکتر حسن فروزان فرد عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران در باب مسائل بهبود مبادلات مالی، تقاضای بسیار زیاد وام از سوی مردم و نیز بنگاه‌های اقتصادی و عدم توان بانک‌ها برای پرداخت وام و ایفای نقش آن‌ها در سرمایه‌گذاری مناسب، پایین نگه‌داشتن مصنوعی نرخ بهره و تأثیر در تحرک اقتصادی، ایده مبادلات دوجانبه مبتنی بر ارزشهای غیر از دلار و یا استفاده از بستر رمز ارز، راه‌حل برون‌رفت از بحران مالی و ارزیابی چگونگی هدایت اعتبارات بانکی به سمت-وسوهای که ضریب تولید و اشتغال‌زایی بالاتری داشته است، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه، نقطه نظرات و گفتار مفصل کارشناسی، علمی و تجربی ایشان را مطالعه می‌کنیم.



◆ بهبود مبادلات مالی بستر ساز چه گشایش‌ها و

تصمیم‌های کلان اقتصادی است؟

یکی از مشکلات مهم فضای کسب‌وکار، موضوع تأمین مالی است. گرچه بازار بورس اوراق بهادار و سهام شکل گرفته، اما در عمل بانک‌ها منبع اصلی تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی در اندازه‌های کوچک و متوسط و نیز بسیاری از واحدهای بزرگ هستند.

چنانچه روال تأمین مالی در فعالیت‌های اقتصادی، روند بهتر، مطمئن‌تر، قابل پیش‌بینی‌تر و منطقی‌تری پیدا کند، حتماً زمینه‌های توسعه در اقتصاد کلان فراهم می‌شود. اغلب بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط و حتی خیلی از بزرگ‌ها، علی‌رغم این‌که ایده‌هایی داشته و فرصت‌هایی را برای رشد و توسعه پیدا می‌کنند، به‌واسطه محدودیت‌هایی که در نحوه تأمین مالی با آن مواجه هستند، ممکن است آن ایده‌ها را پیگیری نکنند و همین موضوع، زمینه منفی شدن خالص سرمایه‌گذاری ملی را فراهم می‌کند. البته این منفی بودن دلایل متعددی دارد از جمله این‌که کسانی که اکنون در حال فعالیت هستند، انگیزه لازم برای توسعه را از دست داده‌اند و یا امور جاری را با حداقل ریسک اداره می‌کنند.

این نکته کلیدی را لازم است عرض کنم که اساساً ما در فضای اقتصاد ایران از محدودیت منابع تأمین مالی که امروزه جزو دسترس‌ترین منابع بین‌المللی است، رنج می‌بریم. در صورتی که در همسایگی ما در جنوب خلیج فارس اقتصادهای متعددی به وجود آمده‌اند که هیچ محدودیت مهمی برای تأمین مالی در آن‌ها به وجود نیامده و صرفاً توانمندی و دانایی افراد و اندیشه‌ها و انگیزه‌های آن‌هاست که زمینه را برای استفاده از منابع مالی بزرگ و مطمئن بانک‌ها و برندهای مختلف دنیا فراهم می‌کند. با وضعیت اقتصاد سیاسی که انتخاب کرده‌ایم، فعالان اقتصادی ما از منابع مالی مناسب بهره‌مند نیستند؛ یعنی در فضای اقتصاد کلان ما یک محدودیت پایدار تکرار شونده‌ای در طول چند دهه اخیر به وجود آمده و آن‌هم محدودیت تأمین منابع مالی به‌موقع، باکیفیت و قابل پیش‌بینی است که با اصلاحات لازم، حتماً زمینه تحولات مثبت در اقتصاد کلان فراهم می‌شود.

◆ به نظر شما، چرا از یک‌طرف تقاضای بسیار زیادی هم از سوی

مردم و هم بنگاه‌های اقتصادی برای دریافت وام از بانک‌ها

وجود دارد و از طرف دیگر بانک‌ها توان پرداخت وام ندارند؟

همان‌گونه که عرض کردم، ما در کشور دچار محدودیت در زمینه تأمین منابع مالی هستیم؛ به این معنا که تنها مسیر تأمین منابع مالی در کشور برای سالیان دراز، بانک‌ها بوده‌اند و همین موضوع باعث ازدحام و تشکیل صف در مقابل بانک‌ها شده است. پس از این‌که فعالیت بورس دوباره آغاز شد و کم‌کم رشد نمود، توجه فعالان اقتصادی به آن جلب شد و تعدادی از شرکت‌ها وارد بورس شدند. پس بازیگری هم به نام بازار بورس داریم که تا اندازه زیادی تا همین چند سال قبل، محلی برای آی پی او (IPO) و در واقع تأمین سرمایه و منابع از طریق جابه‌جایی سهام، عرضه اولیه سهام و جابه‌جایی سهام در عرضه‌های ثانویه بوده است. از حدود سال ۱۳۹۶ به بعد نیز بیشتر به دلیل تأمین نیازهای دولت و فراهم آوردن زمینه فروش اوراق دولتی، بازار بدهی در بورس رشد کرده و جدی‌تر شده است. تعداد بانک‌ها با وجود این‌که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، بانک‌های خصوصی نیز به آن‌ها اضافه شده، محدود هستند. منابع جدیدی وارد کشور نشده و عملاً جابه‌جایی منابع بین بانک‌ها انجام شده است. از طرفی ما با بانکداری بین‌المللی مرتبط نیستیم و بانک‌های بین‌المللی نیز در کشور ما حضور ندارند؛ بنابراین منابع مالی قابل تخصیص،

- اساساً ما
- در فضای
- اقتصاد ایران از
- محدودیت منابع
- تأمین مالی که
- امروزه جزو در
- دسترس‌ترین
- منابع بین‌المللی
- است، رنج
- می‌بریم. در
- صورتی که در
- همسایگی
- ما در جنوب
- خلیج فارس
- اقتصادهای
- متعددی به
- وجود آمده‌اند که
- هیچ محدودیت
- مهمی برای
- تأمین مالی در
- آن‌ها به وجود
- نیامده و صرفاً
- توانمندی و
- دانایی افراد
- و اندیشه‌ها
- و انگیزه‌های
- آن‌هاست که
- زمینه را برای
- استفاده از منابع
- مالی بزرگ و
- مطمئن بانک‌ها
- و برندهای
- مختلف دنیا
- فراهم می‌کند.



همین منابع محدود هستند که عملاً دست‌به‌دست، بین بانک‌ها می‌چرخند.

به عنصر اول در سمت عرضه پرداختیم، این که چرا صف وجود دارد، عنصر دوم از سمت تقاضا است؛ ما کشوری هستیم که از اوایل دهه ۵۰ تاکنون بدون توقف، نرخ تورم تکرارشونده بالا را داشته‌ایم و اوج‌های ۴۰ درصدی و بیشتر از آن را نیز چند بار تجربه کرده‌ایم، در بهترین شرایط، در این بازه زمانی بلندمدت همواره تجربه تورم دورقمی را داشته‌ایم (به استثنای یکی دو سال در دوره ابتدایی دولت تدبیر و امید). در اغلب این سال‌ها نرخ تورم بالاتر از نرخ بهره بانکی مصوب بوده است. در واقع نرخ بهره واقعی همواره منفی بوده و در این شرایط، یک فعال اقتصادی حقیقی یا حقوقی همواره به دریافت وام یا گرفتن منابع مالی، به‌صورت یک ابزار ثروت آفرینی مستقل نگاه می‌کند؛ فارغ از این که چقدر بتواند از این منابع در جهت توسعه اقتصادی، تولید و افزایش آن، اصلاح مکانیزم‌های تولید به‌خوبی و بهره‌ورانه بهره‌مند باشد و پروژه‌ها را به‌موقع انجام دهد؟ او احساس می‌کند، همین دسترسی به منابع و استفاده از آن، زمینه افزایش و بهبود ثروت او را فراهم می‌کند؛ چون دسترسی به منابع، یعنی پیشی گرفتن از نرخ تورم و موفقیت در بازار تورمی.

بنابراین فعال اقتصادی فارغ از این که از این منابع چه استفاده‌ای می‌شود و با چه مکانیزم و در قالب چه پروژه یا پروژه‌هایی به کار برده می‌شوند، اصل دسترسی به پول ارزان‌قیمت نسبت به نرخ تورم را آیتمی می‌داند که می‌تواند با آن ثروت‌اندوزی کند. از طرفی قیمت کالاهای سرمایه‌ای مهمی مانند طلا، ارز، ساختمان، مسکن و ملک که معمولاً خرید و پس‌انداز کردن آن‌ها خیلی هم کار دشواری نبوده، همواره با سرعت بسیار بالاتری نسبت به نرخ تورم رشد کرده است؛ بنابراین برای هر فرد حقیقی و حقوقی دسترسی به منابع مالی که زمینه‌ساز تهیه دارایی‌هایی از این دست شود، فارغ از نوع کسب‌وکار و پروژه‌های مربوط به آن حتماً سود آفرینی مستقل می‌کند؛ بنابراین در واقع اصل دسترسی به یک منبع ارزان‌قیمت، همیشه می‌تواند جذاب باشد، زمانی که نرخ تورم بالاتر رفته و نرخ بهره واقعی کمتر و کمتر شده و منفی بزرگ‌تری را شکل داده، جذابیت و صف دریافت اعتبارات بیشتر شده و هر زمان که این فاصله کمتر شده و نرخ تورم کاهش یافته و نرخ

بهره واقعی افزایش یافته، این صف کوتاه‌تر شده و از هیجان تقاضا در این زمینه کاسته شده است. سعی شد در دو آیتم عرضه و تقاضا به این مهم پرداخته شود، حتماً می‌توان در زیر آیت‌های مربوط به عرضه و تقاضا، موارد دیگری را اضافه نمود و از آن بهره برد.

### ♦ چرا بانک‌ها در طول سال‌های گذشته نتوانسته‌اند سرمایه‌گذاری‌های مناسبی را انجام دهند؟

کار بانک‌ها در اقتصاد، اصولاً سرمایه‌گذاری نیست و آن‌ها وظیفه سرمایه‌گذاری ندارند و وظیفه تأمین سرمایه برای سرمایه‌گذاران را دارند، بانک‌ها باید بتوانند فرصت سرمایه‌گذاری را از محل تجمیع منابع کوچک، متوسط و بزرگی که در قالب پس‌انداز اقشار مختلف جامعه در اختیار دارند، فراهم آورند.

اگر سؤال این است که چرا بانک‌ها نتوانسته‌اند سرمایه‌گذاری‌های موفق داشته باشند، پاسخ بنده این است که اساساً قرار نبوده بانک‌ها سرمایه‌گذاری موفق داشته باشند و قرار نبوده وارد حوزه‌های سرمایه‌گذاری شوند، اما اگر سؤال این است که چرا نتوانسته‌اند زمینه‌های سرمایه‌گذاری مطلوب را فراهم کنند، پاسخ این است که بانک‌ها با یک حجم مراجعه بسیار بالا و متنوعی برای دریافت منابع روبه‌رو بوده‌اند؛ زمینه جذابیت پایین بودن نرخ بهره واقعی در مقابل واقعیت تورم، همواره به این هیجان برای دریافت آن‌ها دامن زده است و این فضا یک فضای رانتی است که منابع محدود است و افراد اگر بتوانند به این منابع دسترسی پیدا کنند، فارغ از این که اساساً چقدر رفتار دقیق اقتصادی دارند یا ندارند، حتماً برنده جدی این بازی هستند و در این فضا حتماً زمینه‌های فساد شکل می‌گیرد و زمینه‌هایی ایجاد می‌شود که بهترین انتخاب‌ها با بهترین روش و بهترین مسیر اتفاق نیفتد و این نکته‌ای است که حتماً باید مورد توجه قرار گیرد.

بانک‌ها با یک تقاضای گسترده مواجه بودند که مکانیزم‌های تعیین تکلیف این تقاضا و ارزیابی درست آن به‌اندازه کافی دقیق نبوده است، توان ارزیابی حرفه‌ای برای این تعداد متقاضی را نداشته‌اند و عملاً مهم‌ترین آیتم تصمیم‌گیری برای انتخاب در بین متقاضیان، لزوماً بهترین طرح‌های سرمایه‌گذاری نبوده و در کنار بررسی‌هایی که انجام می‌شده، همواره توصیه‌ها، روابط و ارتباطات

کار بانک‌ها در اقتصاد، اصولاً سرمایه‌گذاری نیست و آن‌ها وظیفه سرمایه‌گذاری ندارند و وظیفه تأمین سرمایه برای سرمایه‌گذاران را دارند، بانک‌ها باید بتوانند فرصت سرمایه‌گذاری را از محل تجمیع منابع کوچک، متوسط و بزرگی که در قالب پس‌انداز اقشار مختلف جامعه در اختیار دارند، فراهم آورند.

برای توسعه توسط خود شهروندان فراهم کند. به عقیده اینجانب در این زمینه دچار نقص جدی بوده‌ایم و هستیم، علی‌رغم این که سخت‌گیری‌های بیشتری نسبت به گذشته اعمال می‌شود و دقت نظرهای بیشتری توسط بانک مرکزی به خرج داده شده، اما همچنان منابع محدود با توجه به وضعیت نرخ بهره، در اختیار همه فعالان اقتصادی به یک روش درست و یکنواخت قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت، بانک‌ها در تجهیز منابع برای کمک به یک روند سرمایه‌گذاری حرفه‌ای توسط فعالان اقتصادی موفق نبوده‌اند و همین غیرواقعی بودن نرخ بهره و فضای غیررقابتی که در سیستم بانکداری وجود دارد، در کنار نبود فعالان جدی بین‌المللی در کشور موجب شده که عدم کارایی جدی و اثربخشی پایین را در زمینه سرمایه‌گذاری شاهد باشیم.

### ♦ آیا دولت می‌تواند با پایین نگه‌داشتن مصنوعی نرخ بهره، اقتصاد را به تحرک وا دارد؟

اصولاً از نظر من هر نوع دخالت دولتی در تعیین نرخ‌ها، همواره پیام‌های اشتباهی را در میان‌مدت و بلندمدت به اقتصاد منتقل می‌کند، این موضوع درباره تمام زمینه‌ها بخصوص درباره نرخ بهره صدق می‌کند و آثار آن در این بخش می‌تواند جدی‌تر و وخیم‌تر باشد.

پایین نگه‌داشتن تصنعی نرخ بهره، زمینه را برای درخواست غیرواقعی و پر حجم منابع مالی فراهم می‌کند، اما آیا این درخواست برای آن است که از این منابع به منظور توسعه، ساخت‌وساز، بهبود، پیشرفت و سرمایه‌گذاری بهره گرفته شود؟ لزوماً خیر.

آنچه ما تجربه کرده‌ایم این است که علی‌رغم پایین نگه‌داشتن نرخ بهره، درخواست‌ها صرفاً برای فعالیت توسعه‌ای نبوده و قسمت زیادی از این درخواست‌ها برای خرید دارایی بوده است، زیرا این کار می‌توانسته از افراد در برابر تغییرات نرخ تورم نگهداری کرده و از منافع آن‌ها نگهداری کند؛ بنابراین به صورت سیری‌ناپذیری افراد حقیقی و حقوقی مایل بوده‌اند که از منابع بانکی با این نرخ بهره استفاده کنند و خود بانک‌ها نیز از اصلی‌ترین متقاضیان استفاده از این نرخ بهره در قالب سرمایه‌گذاری‌هایی که شرکت‌های اقماری آن‌ها انجام داده‌اند، بوده‌اند.

غیررسمی یکی از مهم‌ترین عواملی بوده که زمینه‌ساز تخصیص این منابع شده است؛ بنابراین به واسطه غیرواقعی بودن نرخ بهره، دسترسی به منابع بانکی، یک فضای رانتی را ایجاد کرده بوده که معمولاً چنین بستری زمینه‌ساز خطا و رفتارهای فسادآلود است و در آن بهترین تصمیم‌ها گرفته نمی‌شود و در نتیجه کارآمدی حاصل نمی‌گردد.

در زمینه دریافت وام‌های کوچک با اندازه‌های کم برای فعالیت‌های متوسط و کوچک، بارها دیده‌ایم که بانک‌ها چقدر سخت‌گیری و ریزه‌کاری را به کار می‌گیرند، اما بارها و بارها نمونه‌هایی را دیده‌ایم که برای مبالغ بسیار بزرگ، هیچ‌کدام از آن ضمانت‌های مهم بانکی فراهم نبوده، اما این واگذاری‌ها اتفاق افتاده است.

زمینه این مسئله در مکانیزم‌های بانکداری دولتی، فراهم بوده و سطح نظارت‌ها کافی نبوده و بانک‌های خصوصی نیز با توجه به فرصت‌های فراهم شده در شکل تأسیس آن‌ها و ترکیب سهامداران و مالکین عملاً نتوانسته‌اند در راستای سرمایه‌گذاری واقعی زمینه‌سازی کنند، بلکه منابع جمع‌آوری شده در صندوق بانک‌ها، عملاً در اختیار وابستگان یا پیوستگان به سهامداران و مالکین بانک‌ها در شرایط خاص قرار داده شده است.

قسمتی از فعالیت‌های این بانک‌ها نیز معطوف به تلاش‌های آن‌ها برای ورود به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری به‌منظور حفظ ارزش دارایی‌هایشان بوده است.

بانک‌ها با اقداماتی از جمله اضافه کردن تعداد شعب، خرید دارایی‌ها، ورود به بازار مسکن، ورود به بازار ارز و سکه و زمینه‌هایی که تورم نمود جدی داشته، سعی کرده‌اند که قسمتی از زیان‌ها و خسارت‌هایی را که دیده‌اند جبران و دارایی‌های خود را از این طریق حفظ کنند و افزایش دهند؛ در صورتی که قاعدتاً بانک‌ها وظیفه تأمین منابع برای فعالان اقتصادی و افرادی غیر از سهامداران و شرکت‌های اقماری خود را دارند. امروزه در بخش خصوصی و حتی در بخش دولتی بانک‌هایی داریم که یکی از کارهایی که مرتب تکرار کرده‌اند، سرمایه‌گذاری توسط اقمار خودشان و یا تهیه منابع برای توسعه اقمار خودشان بوده است که این موضوع از مکانیزم بانکداری حرفه‌ای به دور است و در واقع این فضایی که برای جمع‌آوری منابع مالی شهروندان فراهم شده است، قرار بوده که زمینه را

#### بانک‌ها با

اقداماتی از جمله

اضافه کردن

تعداد شعب،

خرید دارایی‌ها،

ورود به بازار

مسکن، ورود به

بازار ارز و سکه

و زمینه‌هایی

که تورم نمود

جدی داشته،

سعی کرده‌اند که

قسمتی از زیان‌ها

و خسارت‌هایی را

که دیده‌اند جبران

و دارایی‌های

خود را از این

طریق حفظ کنند

و افزایش دهند؛

در صورتی که

قاعدتاً بانک‌ها

وظیفه تأمین

منابع برای

فعالان اقتصادی

و افرادی غیر

از سهامداران

و شرکت‌های

اقماری خود را

دارند.



ایده غیرقابل انجامی نیست، اما در واقع باید بررسی کرد که دلیل انتخاب این ایده چیست؟ اگر در یک فضای استاندارد و حرفه‌ای بین‌المللی در حال فعالیت بودیم، آن‌گاه به این نتیجه می‌رسیدیم که به دلایل توجیه‌پذیر شایسته است که از ظرفیت ارتباطات خود با یک کشور (مانند عراق به‌عنوان یک کشور همسایه در کنار مبادلات رسمی و حرفه‌ای که با آن داریم) می‌توانیم زمین‌ها را برای تقویت پول ملی خود فراهم کرده و مبادلات را به سمت مبادلات مدیریت شده بر اساس یک ارزش مشترک مدنظر، غیر از دلار ببریم. در آن شرایط امکان داشت در این زمینه پیشرفت‌هایی به وجود آید و توفیقاتی حاصل کنیم، اما باید یادمان باشد که چرا ما برای ارتباطات بین‌المللی بر مبنای دلار، دچار محدودیت هستیم.

در اینجا به دو عامل مهم می‌توان اشاره نمود: مورد اول تحریم‌ها و این‌که اصولاً زمینه قانونی این مبادلات فراهم نیست و عمده کشورهای جهان ثابت کرده‌اند که حاضر نیستند ریسک تعامل با ما را حتی در مقابل تحریم‌هایی که صرفاً برای کشور آمریکا باشد را قبول کنند، دومین عامل نیز ناتوانی ما در تعامل با نظام بانکداری بین‌المللی است و عقب‌افتادگی نزدیک به سه دهه‌ای ما از مکانیزم‌های به‌روز بانکداری دنیا است. به دلیل این‌که ما این استاندارد را به رسمیت نشناخته‌ایم و یا دیرنگام به آن مراجعه کرده‌ایم، نظام بانکداری بین‌المللی، نظام بانکی ما را به‌عنوان یک بازیگر حرفه‌ای به رسمیت نمی‌شناسد و در واقع اجازه استفاده از ظرفیت‌های نظام بانکداری بین‌المللی به ما داده نمی‌شود.

بنابراین، موقعیت‌شناسی را نباید از دست بدهیم، زیرا به دلیل تحریم‌ها، کشورهای دیگر و اقتصادهای دیگر مایل به معاملات با ما بر روی ارزش‌های شناخته شده بویژه ارز دلار نیستند و دوم این‌که حتی اگر تمایل نسبی را به هر علتی برای آن‌ها حاصل کنیم، نظام بانکداری بین‌المللی ما را کنار گذاشته؛ زیرا نتوانسته‌ایم استانداردهای موردنظر آن را به کار بگیریم و استفاده کنیم. بنابراین در شرایطی درباره این راه‌حل صحبت می‌کنیم که دستمان از نظام بین‌المللی بانکداری کوتاه است و کشورها و مقامات سیاسی کشورها و مقامات اقتصادی شرکت‌های بزرگ هم در قالب رعایت مکانیزم‌های تحریمی بین‌المللی و بویژه تحریم‌های مربوط به آمریکا، مایل به تعامل

اما توسعه حاصل ترکیبی از المان‌های مهم اقتصادی است و اگر آن‌ها کنار هم جمع باشند، می‌توان امیدوار بود که توسعه اتفاق بیفتد.

در فضای اقتصادی که متغیرهای مهم اقتصاد کلان برای دوره‌های پیش رو قابل تخمین، بررسی، محاسبه و پیش‌بینی حرفه‌ای نیست، زمینه برای توسعه فراهم نیست؛ حتی اگر به‌صورت ویژه برخی از این المان‌ها توسط یک مکانیزم دولتی مدیریت شود، اما از آنجا که زمینه برای توسعه فراهم نیست، نتیجه نهایی توسعه نخواهد بود.

نرخ بهره به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم اقتصاد کلان، حتماً می‌تواند در جهت اتخاذ تصمیمات توسعه‌ای برای فعالان اقتصادی تحریک‌کننده باشد، اما اگر نااطمینانی نسبت به آینده، نامشخص بودن سیاست‌های کلان توسعه، مکانیزم‌های اقتصاد سیاسی، نحوه برقراری ارتباط با سایر نقاط دنیا و سیاست‌های واردات و صادرات، سطح کلی وضعیت فساد و گرفتاری‌های مربوط به آن در اقتصاد و بسیاری از موردهای دیگر وضعیت روشنی نداشته باشد، حتی دسترسی به منابع ارزان‌قیمت هم نمی‌تواند عامل مستقلاً برای انجام فعالیت‌های توسعه‌ای باشد. ممکن است که بتوان نمونه‌هایی را ذکر کرد که دسترسی به منابع ارزان‌قیمت و پایین بودن نرخ بهره، زمینه تصمیماتی در راستای توسعه برای برخی افراد و برخی شرکت‌ها فراهم کرده باشد، اما این قابل تعمیم نیست. در برخی از موارد دسترسی به چنین منابعی، رفتارهای ضد توسعه‌ای را هم به همراه داشته و آن موضوعی است که به شرایط تورمی ذکر شده می‌انجامد، زیرا وقتی منابع ارزان‌قیمت در شرایط تورمی در اختیار است، می‌تواند به دامنه تورم بیفزاید و این تورم افسارگسیخته، زمینه را برای کاهش روند توسعه فراهم می‌آورد؛ بنابراین به‌صورت عمومی معتقدم که دست‌کاری دولت و اعلام نظر مستقل آن در بازار پول و معاملات بانک مرکزی و رفتارهای دستوری از سوی حاکمیت در اقتصاد، هیچ‌گاه زمینه‌ساز توسعه در کشور نبوده و نخواهد بود.

♦♦ **ایده مبادلات دوجانبه مبتنی بر ارزش‌های جز دلار و یا استفاده از بستر رمز ارز، چقدر اصولی و منطبق بر واقع‌بینی علمی است؟**

ایده مبادلات بر مبنای ارزش‌های مشترک بین کشورها،

آنچه ما تجربه

کرده‌ایم این

است که علی‌رغم

پایین‌نگه‌داشتن

نرخ بهره،

درخواست‌ها

صرفاً برای فعالیت

توسعه‌ای نبوده و

قسمت زیادی از

این درخواست‌ها

برای خرید

دارایی بوده

است، زیرا این

کار می‌توانسته

از افراد در برابر

تغییرات نرخ تورم

نگهداری کرده

و از منافع آن‌ها

نگهبانی کند؛

بنابراین به‌صورت

سبزی ناپذیری

افراد حقیقی و

حقوقی مایل

بوده‌اند که از

منابع بانکی با

این نرخ بهره

استفاده کنند و

خود بانک‌ها

نیز از اصلی‌ترین

متقاضیان استفاده

از این نرخ

بهره‌ها در قالب

سرمایه‌گذاری

هایی که

شرکت‌های

اقتاری آن‌ها

انجام داده‌اند،

بوده‌اند.



و ارتباط با ما نیستند و فرض می‌کنیم در چنین شرایطی بخواهیم پیشنهاد تعامل با ارزی جدای از این ارز را مطرح کنیم که به نظر من توفیقی در این زمینه حاصل نخواهد شد، همچنان که در طول زمان حاصل نشده است.

آمریکا به‌شدت و با همه توان از قدرت مبادلاتی دلار در دنیا حفاظت می‌کند و می‌دانیم آنچه آمریکا همیشه در طول چند دهه اخیر به دنبال آن است، حفظ و نگهداری از جایگاه و ارزش دلار در سطح بین‌المللی است و از تمام هژمونی سیاسی و نظامی خود برای حفظ این قاعده بهره می‌گیرد و در غیر این صورت، هر آسیبی که به این چارچوب قدرتمند وارد شود، بلافاصله آثار تورمی سهمگینی را در اقتصاد آمریکا می‌تواند فراهم کند، بنابراین با همه توان هژمونی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در جهت حفظ جایگاه دلار به‌عنوان ارز مبادله‌ای عمومی بین‌المللی استفاده می‌کند. از طرفی مهم‌ترین کالایی که در سطح بین‌المللی می‌فروشیم نفت و اجزای مربوط به آن است که مهم‌ترین صادرات ما را تشکیل می‌دهد که این مبادله در سطح بین‌المللی با دلار انجام می‌شود و کسی حاضر به استفاده از ابزار دیگری نیست.

سایر فعالیت‌ها که اندازه بسیار کوچکی هم دارند، جذابیت لازم برای کشورهای مقصد و هدف ما برای

همکاری در این زمینه فراهم نیست.

درباره رمز ارزها، فضا مقداری متفاوت است. اساساً رمز ارزها با هدف دور زدن بانک‌های مرکزی و تضعیف مکانیزم‌های مدیریتی بانک‌های مرکزی و تسلط حکومت‌ها راه‌اندازی شده و توسعه پیدا کرده‌اند و در حال توسعه هستند، بنابراین درست است که در سطح بین‌المللی و در کشورهای مختلفی مخصوصاً در کشورهایی مانند آمریکا و جاهای دیگر سعی می‌کنند، تعاملاتی را بین مکانیزم‌های رسمی و رمز ارزها ایجاد کنند، اما در نهایت رمز ارزها جزو پدیده‌های انقلاب صنعتی چهارم و پنجم هستند که زمینه تضعیف جدی بانک‌های مرکزی و مجموعه حکومت‌ها را فراهم خواهند کرد.

بنابراین مکانیزم رمز ارز یک مکانیزم تهاجمی نسبت به نظام بانکداری بین‌المللی است و می‌تواند فضا را در بلندمدت تغییر دهد، البته همچنان به‌عنوان یک موضوع مهم تأثیرگذار نمی‌توان درباره آن صحبت کرد و اندازه این اعداد و ارقام تناسبی با اعداد و ارقامی که نظام بانکداری بین‌المللی در حال چرخش است، ندارد، اما ایده، ایده‌ای است که به‌صورت تصاعدی در حال رشد است و دستاوردهایی که برای استفاده‌کنندگان دارد، روزبه‌روز بیشتر خودنمایی می‌کند و به نظر من نسلی که امروز دارند دوره نوجوانی خود را سپری می‌کنند، روزهایی را شاهد

#### در فضای

#### اقتصادی که

#### متغیرهای مهم

#### اقتصاد کلان برای

#### دوره‌های پیش

#### رو قابل تخمین،

#### بررسی، محاسبه

#### و پیش‌بینی

#### حرفه‌ای نیست،

#### زمینه برای

#### توسعه فراهم

#### نیست؛ حتی اگر

#### به‌صورت ویژه

#### برخی از این

#### المان‌ها توسط

#### یک مکانیزم

#### دولتی مدیریت

#### شود، اما از آنجا

#### که زمینه برای

#### توسعه فراهم

#### نیست، نتیجه

#### نهایی توسعه

#### نخواهد بود.



وقتی منابع  
ارزان قیمت در  
شرایط تورمی  
در اختیار است،  
می‌تواند به دامنه  
تورم بیفزاید  
و این تورم  
افسارگسیخته،  
زمینه را برای  
کاهش روند  
توسعه فراهم  
می‌آورد؛ بنابراین  
به صورت  
عمومی معتقدم  
که دست‌کاری  
دولت و اعلام  
نظر مستقل آن  
در بازار پول و  
تعاملات بانک  
مرکزی و رفتارهای  
دستوری از سوی  
حاکمیت در  
اقتصاد، هیچ‌گاه  
زمینه‌ساز توسعه  
در کشور نبوده و  
نخواهد بود.

خدمات استخراج ارز دیجیتال در منطقه باشیم و به‌صورت غیررسمی، مبهم و غیرشفاف این اتفاق توسط خیلی از سازمان‌های دولتی و نهادها هم رخ داد و از این فرصت استفاده شد، اما خیلی از این منابع در راستای توسعه و پیشرفت و تأثیرگذاری بر بدنه اقتصاد واقعی ایران، استفاده نشد و در خیلی از موارد زمینه پول‌شویی و خروج ارز از کشور را فراهم کرد و این به این معنی است که ارز دیجیتال یک تیغ دو لبه است که اگر درست فعالیت کند، توسط آدم‌های حرفه‌ای شناخته شود و به آن فضا داده شود، می‌تواند حتی در شرایط تحریمی، موقعیت‌هایی را برای تسریع مبادلات و ایجاد شرایط بهتر در تعاملات برای حفظ بازارها و حفظ اندازه صادرات فراهم کند و اگر ابهام در آن باقی بماند و به‌صورت غیر شفاف فعالیت کند، می‌تواند تبدیل به ابزاری برای خروج ارز از کشور، جابه‌جایی کالای غیررسمی، ایجاد زمینه‌های قاچاق و اقتصاد زیرزمینی شود و آسیب‌های خود را داشته باشد؛ بنابراین، ابزار، یک ابزار حرفه‌ای و پیشرو است و هر روز متنوع‌تر، جذاب‌تر و پرمخاطب‌تر می‌شود، اما واکنش ما و نوع فهم حاکمیت و نوع مواجهه با آن تعیین‌کننده است که این ابزار چقدر می‌تواند کمک کند یا چقدر می‌تواند ما را با آسیب‌های بیشتری مواجه کند.

خواهند بود که به‌واسطه حضور رمز ارزها و توسعه مکانیزم‌های مرتبط با آن، دیگر با این نظام با این گستردگی در عرصه بانکداری رسمی و بین‌المللی مواجه نیستند؛ ظرفیت رمز ارزها به‌گونه‌ای عمل می‌کند که نظام بانکداری بین‌المللی و بانک‌های مرکزی را تضعیف خواهد کرد و می‌تواند به‌عنوان یک جایگزین خیلی خوب در بلندمدت به حساب آید، اما این که در کوتاه‌مدت تا چه اندازه می‌توانیم با استفاده از این ابزار موفق باشیم، بستگی به آن دارد که مجموعه حاکمیت چقدر درست این ابزار را بشناسد، از ظرفیت آن برای استفاده از موقعیت‌هایی که با آن مواجه است بهره‌مند شود و چقدر تمایل داشته باشد دوباره به مکانیزم‌های اقتصاد بین‌المللی برگردد و بخواهد از ظرفیت‌های رسمی نظام‌های بانکداری بین‌المللی استفاده کند و یا این که چقدر تمایل داشته باشد که در قالب تصمیمات اقتصاد سیاسی که می‌خواهد بگیرد، همچنان بیرون از این بازی قرار گیرد. تصمیمی که در اینجا اتخاذ می‌شود و درکی که نسبت به این مسئله در بین حاکمیت فراهم می‌شود، در میزان بهره‌ای که در این مرحله می‌توانیم ببریم، تأثیرگذار است. ما این امکان را داشته‌ایم که تولیدکننده و ارائه‌دهنده



## ◆ برون‌رفت از بحران مالی چه راه‌حلی دارد؟

مهم‌ترین راه برای برون‌رفت از بحران مالی، این است که باید فعالان اقتصادی (حقیقی و حقوقی) در بازار پس از دوره ابتدایی فعالیت کنند و طی دوره بلوغ، با سرعت و با کیفیت برای تأمین منابع مالی خود وارد عرصه جدیدی به نام بورس شوند. بورس ما به هیچ عنوان نمایانگر اندازه اقتصاد ما نیست. تعداد و تنوع فعالان اقتصادی و حجم منابع اقتصادی موجود کشور با منابعی که در بورس وجود دارد، قابل مقایسه نیست. تمام منابعی که در بورس با این تعداد شرکت‌هایی که در آن حاضر هستند، وجود دارد، ارزششان حتی به اندازه ارزش املاک دو منطقه یا دو محله متوسط در سطح شهر تهران هم نیست! اندازه این بورس همچنان به شدت کوچک است.

یکی از راه‌های مواجهه با بحران‌های مالی که از نظر من بحران بلندمدتی است که به دلیل شرایط تورمی با آن درگیر بوده‌ایم، فعالیت جدی‌تر بازار بورس و در داخل بازار بورس، بازار بدهی است. اتفاقی که از سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ در بورس رخ داده و بازار بدهی در بورس شکل مسنجم‌تری به خود گرفته و جدی‌تر شده و مشکلات فقهی و از این قبیل برطرف شده و برای دولت به یکی از محل‌های مهم تأمین مالی تبدیل شده است، اما هنوز برای بخش خصوصی تبدیل به محل مهمی جهت تأمین مالی نشده. عدم وجود مکانیزم‌های رتبه‌بندی اعتباری قابل اتکا و قدرتمند، تأمین مالی برای فعالان اقتصادی را در قالب بازار بدهی بسیار دشوار کرده و روانی لازم در آن وجود ندارد. بنابراین در واقع علی‌رغم ایجاد بازار بدهی، استفاده‌کننده اصلی آن همچنان دولت است و بخش خصوصی عملاً فعال جدی در این بازار نیست و اگر هم شرکت‌های تأمین سرمایه‌ای در بورس وجود دارند و زمینه را برای تأمین مالی فراهم می‌کنند، اغلب یا مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به بانک‌ها و هلدینگ‌های بزرگ مالی هستند و این تأمین منابع برای زیرمجموعه‌های خودشان، با افراد شناخته شده و یا بازیگران اصلی که دارای منافع مشترک هستند، اتفاق می‌افتد. یک فعال اقتصادی معمولی و با سابقه، مسیر روشنی برای بهره‌گیری از منابع مالی بورس از جنس تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی ندارد. غیر شفاف بودن فعالیت‌های اقتصادی، تک دفتر نبودن شرکت‌ها و گرفتاری‌هایی که برای تعیین واقعیت رفتاری اقتصادی شرکت‌ها همچنان

بویژه در اندازه‌های کوچک و متوسط وجود دارد، زمینه را برای استفاده درست از منابع بورس فراهم نمی‌کند و بورس ما نسبت به اقتصاد ما هنوز بسیار کوچک است و ابزارهایی که در آن به‌صورت جدی فعال است، ابزارهای محدودی در حوزه مالی است و ممکن است به‌صورت اسمی وجود داشته باشد، اما تعداد استفاده‌کنندگان، حجم استفاده و گردش مالی آن هنوز نسبت به کل اقتصاد ما محدود است؛ یعنی یک بازیگر مهم تأمین مالی در کشور که باید بازار بورس اوراق بهادار و سهام باشد، همچنان به‌صورت یک بازیگر درجه یک فعالیت نمی‌کند و فشار این موضوع را بانک‌ها متحمل می‌شوند و بنگاه‌های کوچک و بزرگ تازه تأسیس و با سابقه همچنان مایل هستند که تأمین مالی خود را از نظام بانکی انجام دهند، زیرا نظام بانکی یک مکانیزم تعرفه‌ای یکسان قابل پیش‌بینی‌تر دارد. نرخ بهره واقعی در شرایط تورمی معمولاً منفی است و ریسک کمی دارد و می‌توان با آن در تعامل قرار گرفت و با یک ذینفع خاص مواجه بود، بنابراین بازی با آن راحت‌تر و کم‌دردس‌تر است و ترجیحاً آنجا انتخاب می‌شود و این باعث ایجاد یک صف بزرگ در مقابل سیستم بانکی ما و ناتوانی بانک‌ها برای تأمین همه نیازها می‌شود.

البته قسمتی از این تقاضا از طریق حرفه‌ای‌تر شدن مکانیزم‌های تأمین مالی از بین خواهد رفت و قسمتی از آن نیز با پاسخ‌دهی حرفه‌ای در فضای بازار بورس می‌تواند، تأمین شود. موضوع فعالیت بانک‌های حرفه‌ای در سطح بین‌المللی و پیوستگی به بازارهای مالی و پولی دنیا از ابزارهایی است که می‌تواند در زمینه برون‌رفت از بحران مالی کمک کند.

این‌که شرکت‌ها و فعالان اقتصادی با بالا بردن توان اطلاعاتی و اجرایی خود بتوانند تأمین منابع از سایر بازارهای مالی مهم کشورهای دیگر را داشته باشند، ابزار دیگری است که تجربه مهمی درباره آن در این سال‌ها نداشته‌ایم.

حتی شرکت‌های باکیفیت ما که صاحب برندهای بین‌المللی شده‌اند، به‌صورت بسیار نادر توانسته‌اند در عرصه بین‌المللی و در بورس‌های بین‌المللی تأمین منابع مالی را انجام دهند.

از طرفی با جذاب‌تر کردن مکانیزم‌های تأمین بدهی در بازار بورس و جذاب کردن فضای عمومی کشور می‌توانیم فرصت‌هایی را فراهم کنیم که از

اساساً رمز ارزها

با هدف دور

زدن بانک‌های

مرکزی و تضعیف

مکانیزم‌های

مدیریتی

بانک‌های مرکزی و

تسلط حکومت‌ها

راه‌اندازی

شده و توسعه

پیدا کرده‌اند و

در حال توسعه

هستند، بنابراین

درست است

که در سطح

بین‌المللی و در

کشورهای مختلفی

مخصوصاً در

کشورهایی مانند

آمریکا و جاهای

دیگر سعی

می‌کنند، تعاملاتی

رایین مکانیزم‌های

رسمی و رمز ارزها

ایجاد کنند، اما

در نهایت رمز ارزها

جزو پدیده‌های

انقلاب صنعتی

چهارم و پنجم

هستند که زمینه

تضعیف جدی

بانک‌های مرکزی

و مجموعه

حکومت‌ها را

فراهم خواهند

کرد.

عنوان در خور پاسخ به چنین نیازی نیست؛ به‌طور مثال، هیچ بانکی امروز برای من (به‌عنوان یک فعال اقتصادی که در یک بنگاه خانوادگی با بیش از ۵۰ سال سابقه مثبت، بدون داشتن یک چک برگشتی و بدون داشتن رفتار نامنظم و غیرقابل اعتماد برای سیستم بانکی) پیشنهاد استفاده از منابع برای انجام یک پروژه توسعه‌ای را ندارد، حتی اگر این پروژه یک پروژه سودآور و منطقی باشد!

بانک‌ها در شرایط تورمی ترجیح می‌دهند که حداکثر تأمین‌کننده منابع برای گردش مالی جاری شرکت‌ها باشند و علی‌رغم ادعاها در تصمیمات دستوری قسمت عمده‌ای از تسهیلات تکلیفی با مدت بلندتر از یک سال عملاً با توجه به واقعیت‌های اقتصادی، صرف فعالیت‌های توسعه‌ای نشده و در واقع تمام یا قسمت قابل توجهی از آن صرف خرید و اقلامی می‌شود که بتواند جبران‌کننده نرخ تورم و پاسخ‌دهنده در تأدیه دیون بانکی باشد.

سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از محل تسهیلات تکلیفی در دهه‌های پشت سر اغلب منجر به گرفتارهایی در زمینه بازپرداخت دیون بانکی شده که همین موضوع باعث شده است تا بانک‌ها نسبت به دادن تسهیلات تکلیفی، مقاومت‌های بیشتری هم داشته باشند. واقعیت‌های چگونگی تخصیص منابع توسط بانک‌ها در قالب گزارش‌هایی که از سال‌های مختلف موجود هست، نشان می‌دهد که برای بانک‌ها تعامل با بخش تولیدی اقتصاد و قسمت مربوط به صنایع و کشاورزی به‌اندازه کافی جذابیتی وجود ندارد. بانک‌ها ترجیح می‌دهند منابع خودشان را در گردش‌های کوتاه‌مدت و در تعامل با بخش خدمات به چرخش و گردش درآورند و با اطمینان بیشتری در سررسید وام‌ها مطالبات خود را دریافت نمایند.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که اقتصاد ایران علی‌رغم همه ظرفیت‌ها و موقعیت‌های مناسبی که به‌صورت پایه‌ای از آن بهره‌مند است؛ از جمله منابع زیرزمینی گسترده، منابع انسانی ارزنده، رشد جمعیت قابل توجه در طول ۴۰ سال گذشته، موقعیت‌های ژئوپلیتیک جذاب، موقعیت‌های ژئواکونومیک جذاب، دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی، داشتن منابع مهم انرژی و زمینه‌های صادرات، عملاً به دلیل

طریق شرکت‌های تأمین سرمایه باکیفیت خصوصی، زمینه‌هایی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بازار بورس کشور ایجاد شود. این اقدام می‌تواند زمینه مناسبی برای تأمین منابع مالی در سطح ملی باشد و از بحران‌هایی که با آن مواجه هستیم بکاهد. فعالیت حرفه‌ای‌تر این شرکت‌های تأمین سرمایه یا بانک‌های سرمایه‌گذاری در بورس و توسعه مکانیزم‌های رتبه‌بندی اعتباری حتی در شرایطی که ارتباطات بین‌المللی نیز زیاد تغییر نکند، می‌تواند در زمینه تأمین سرمایه و منابع مالی برای پروژه‌ها، تعیین‌کننده باشد.

اگر آزادسازی در اقتصاد ایران به‌صورت حساب‌شده هدایت شود و قیمت واقعی پول خودنمایی کند و تقاضاهای سفته‌بازانه از میان برداشته شود، می‌تواند زمینه را برای عبور از بحران تا اندازه‌ای فراهم کند.

#### ◆ ارزیابی شما از چگونگی هدایت اعتبارات بانکی به سمت‌هایی که ضریب تولیدی و اشتغال‌زایی بالاتری داشته است، چیست؟

یک ارزیابی کاملاً منفی دارم و به نظرم در سیاست‌های مربوط به هدایت مکانیزم‌های اعتباری بانکی کاملاً شکست‌خورده هستیم و آخرین وضعیت اندازه تخصیص‌ها نیز نشان می‌دهد که همچنان بخش خدمات مهم‌ترین بخشی است که از منابع مالی بانکی استفاده می‌کند. اصولاً منابع مالی بانکی در شرایط تورمی بویژه شرایطی که در طول چند سال اخیر تجربه می‌کنیم، به‌گونه‌ای است که به‌هیچ‌عنوان مایل نیست به سمت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و میان‌مدت و مشارکت در پروژه‌های توسعه‌ای حرکت کند و ترجیح می‌دهد که به‌صورت جاری مورد استفاده قرار گیرد. بانک‌ها و فعالان اقتصادی منابع خود را صرفاً در زمینه تأمین نیازهای جاری و کوتاه‌مدت بنگاه‌ها صرف می‌کنند. بانک‌ها حاضر به همراهی در پروژه‌های بلندمدت نیستند و شرایط تورمی آن‌ها را به نگاه کوتاه‌مدت واداشته است، لذا اعتبارات بانکی حداکثر به تأمین منابع جاری موردنظر شرکت‌ها اختصاص یافته که تنها برای گردش امور جاری و عدم توقف آن‌ها کاربرد دارد.

بنگاه‌های تولیدی برای بقا و نقش‌آفرینی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های جدی و توسعه‌ای دارند و آنچه امروز در قالب منابع بانکی در اختیار است به هیچ

#### ارز دیجیتال یک

تیغ دولبه است

که اگر درست فعالیت کند،

توسط آدم‌های حرفه‌ای شناخته

شود و به آن فضا داده شود،

می‌تواند حتی در شرایط تحریمی،

موقعیت‌هایی را برای تسریع

مبادلات و ایجاد شرایط بهتر در

تعاملات برای حفظ بازارها

و حفظ اندازه صادرات فراهم

کند و اگر ابهام در آن باقی بماند

و به‌صورت غیر شفاف فعالیت

کند، می‌تواند تبدیل به ابزاری

برای خروج ارز از کشور، جابه‌جایی

کالای غیررسمی، ایجاد زمینه‌های

قاچاق و اقتصاد زیرزمینی شود و

آسیب‌های خود را داشته باشد.

دارند و با هزینه کم و در زمانی کوتاه می‌توانند نحوه تأمین منابع مالی در اطراف ایران را مورد بررسی قرار دهند. شرایط کسب‌وکار بهتر که یکی از مهم‌ترین آن شرایط، دسترسی به منابع مالی و نظام‌های بانکی بین‌المللی است، در چند کیلومتر آن‌طرف‌تر از مرزهای ما در کشورهایی مانند ترکیه، امارات متحده عربی، عمان، قطر و غیره به‌شدت برای فعالان اقتصادی ایرانی فراهم است، بی‌توجهی به مسئله تأمین مالی می‌تواند موجب کوچ سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی و نخبگان برای ادامه و توسعه فعالیت اقتصادی آن‌ها در خارج از مرزهای ما شود؛ این خسارتی است که شاید در کوتاه‌مدت و میان‌مدت قابل جبران نباشد و از این‌رو این موضوع باید به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گیرد. ♦♦



محدودیت تأمین منابع مالی از سرعت و قدرت لازم برای توسعه برخوردار نیست، حتی با نرخ توسعه منفی نیز مواجهیم و رشد اقتصادی منفی را هم تجربه کرده‌ایم به‌طوری که دهه ۹۰ کدرترین و مخدوش‌ترین دهه در زمینه وضعیت رشد اقتصادی بعد از انقلاب است.

امروزه موضوع دسترسی به منابع مالی مناسب و باکیفیت، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هدایت‌کننده و پیش‌برنده در توسعه اقتصادی، اهمیت بالایی دارد و ما از این دسترسی به دلایلی که بیان شد، محروم هستیم و اگر نسبت به تغییر فضا و بستر فعالیت و استفاده از ظرفیت‌های داخلی و فرصت‌های موجود با جلب نظر عمومی و اعتماد عمومی بهره نبریم، باید این شرایط را سخت‌تر و سخت‌تر در آینده ببینیم. اگر اتفاقی که در یکی دو سال گذشته رخ داد و شرایطی فراهم شد که عموم مردم متوجه بازار بورس شوند و تصمیم بگیرند قسمتی از منابع خود را وارد آن کنند، به‌درستی هدایت شده بود و با نگاه‌های کوتاه‌مدت و ساده‌انگارانه به آن برخورد نمی‌شد، می‌توانست حداقل برای بخشی از اقتصاد ایران، زمینه‌ساز تحولاتی در زمینه تأمین منابع مالی باشد و همچنین به‌عنوان عامل کنترل‌کننده تورم هم مورد استفاده جدی حاکمیت قرار گیرد، اما شوربختانه این فرصت و اقبال عمومی که فراهم شده بود با بی‌تدبیری و دمیدن در هیجانی که می‌دانستیم پایان روشنی ندارد، به یک ناامیدی دیگر در سطح ملی، بدل شد که جبران آن در کوتاه‌مدت کار ساده‌ای نیست. امروز در دنیا، منابع مالی به‌عنوان منابعی ارزان‌قیمت، عمومی و قابل‌دسترس برای توسعه فراهم است، اما به دلایل مذکور علی‌رغم همه ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی که در اقتصادمان وجود دارد، از آن محروم هستیم و علاوه بر آن از ظرفیت‌های بین‌المللی نیز به‌واسطه تحریم و عدم تعامل با سیستم اقتصادی دنیا کاملاً محروم هستیم. این موضوع می‌تواند دلیل مهمی در کوچک ماندن اقتصاد ایران و عقب ماندن آن نسبت به اقتصادهای رقیب در منطقه باشد و به آن دامن بزند. لذا بی‌توجهی به این امر و کوچک شمردن نقش بازارهای مالی و نحوه تأمین مالی می‌تواند آینده‌ای دشوارتر، غیر بهره‌ورتر، با رشد اقتصادی منفی و یا ناچیز را در پیش روی ما قرار دهد. در دنیای امروز که سرعت اطلاعات بالا است، افراد نسبت به گذشته قابلیت درک بهتری از اطراف خود



گفت‌وگو با «محسن جلال پور»؛ فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی

## هنوز تکلیف استراتژی اقتصادی معلوم نشده است

ما نتوانستیم از تجربه پسانتحریم پیشین چه در سرمایه‌گذاری خارجی و چه در اصلاحات اقتصادی به دلایلی همچون عدم آمادگی برای استفاده اقتصادی از تفاهم، تفکر اقتصادی دولت‌ها، عدم وجود زیرساخت‌های لازم، عدم تدوین استراتژی توسعه کشور، ضعف قانون مالکیت بویژه نپرداختن به مالکیت معنوی و غیره استفاده کنیم. تحریم‌ها عامل جدی پیشگیری از توسعه پایدار خواهند بود و باوجود تحریم‌ها موفقیتی در این زمینه نخواهیم داشت. رفع تحریم‌ها حتماً نیاز است، اما امکان اصلاحات اقتصادی در تحریم‌ها نیز وجود دارد؛ باید اقتصاد دولتی، رانتی و وابسته به منابع طبیعی و زیرزمینی که الان وجود دارد را به اقتصاد بخش خصوصی و آزاد هدایت کنیم و رقابت را جایگزین حمایت نماییم. البته که رفع تحریم‌ها شرط لازم در مسیر توسعه است، ولی کافی نیست. رفع تحریم‌ها برخی مشکلات را برطرف می‌کند، اما مشکلاتی را هم اضافه می‌نماید؛ تا زمانی که اصلاحات اقتصادی انجام نشود، رفع تحریم‌ها کمک چندانی نمی‌کند. ما باید اصلاحات ساختاری داشته باشیم و کشور آماده سرمایه‌گذاری و همکاری باشد. در ادامه مشروح گفت‌وگو با محسن جلال پور، فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی با نگاه به مسئله تحریم‌ها را می‌خوانیم.



♦♦ تجربه پسا تحریم پیشین در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اصلاحات اقتصادی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

درست در همان دوران مذاکرات و خصوصاً نوروز سال ۱۳۹۴ که تقریباً فضا به سمت تفاهم پیش می‌رفت، من مسئولیت اتاق ایران را پذیرفتم. از همان ابتدا تلاش، فعالیت و پیگیری من بر این بود که همزمان با تیم بین‌المللی دولت یازدهم، تیم اقتصادی هم فعالیت‌های خود را در زمینه مسائل اقتصادی پسابرجام، نیازها و برنامه‌هایی که بایستی تدوین می‌شد، هماهنگ کند. به اعتقاد من دولت یازدهم در بحث بین‌المللی و در مذاکرات موفق بود و توانست توافق‌نامه‌ای را به نتیجه برساند که پس از گذشت سال‌ها هنوز همگان آن را تشویق و تأیید می‌کنند و امروز بعد از تقریباً هشت سال دولت سیزدهم پیگیر احیای همان توافق است، هرچند که در این مدت جفاهایی هم به این جریان شده است، اما نهایتاً همه متوجه شده‌اند که تفاهم‌نامه خوبی برای ایران بوده و دستاوردهای خوبی داشته است. اما در آن زمان یعنی بعد از توافق، تیم اقتصادی کاری را که باید انجام می‌داد، انجام نداد؛ در واقع در تیرماه ۹۴ که تفاهم انجام شد هیچ آمادگی برای استفاده اقتصادی از این تفاهم نداشتیم. بعد از اعلام تفاهم، فرصت شش‌ماهه‌ای برای اجرایی شدن برجام، داده شد. در آن شش ماه جلسات متعددی در نهاد ریاست جمهوری تشکیل می‌شد و همه آن‌ها دال بر این بود که دولت می‌خواهد برنامه‌ای برای استفاده اقتصادی از برجام تدوین کند، اما به چند دلیل این امکان میسر نشد: اول این‌که تنها در یک بخش؛ یعنی فقط در خود نهاد ریاست جمهوری، رییس دفتر رییس‌جمهور - آقای دکتر نهاوندیان - روی این قضیه جدی بود و بقیه مشغول امورات خود بودند. دوم این‌که همیشه دولتی‌ها به دولتی بودن و دولتی کردن اقتصاد فکر می‌کنند و خیلی به بخش خصوصی و استفاده بخش خصوصی از فضای پسابرجام نمی‌اندیشیدند که با این رویکرد ما بسیار متضرر شده‌ایم. سوم این‌که در آن زمان زیرساخت‌های لازم را نداشتیم؛ یعنی ما هنوز هیچ قانون سرمایه‌گذاری برای جذب سرمایه‌گذار، بایدها و نبایدهای سرمایه‌گذاری خارجی، مشارکت‌ها و عدم مشارکت‌ها، درصدی که خارجی‌ها می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند را آماده نداشتیم. چهارم این‌که استراتژی توسعه کشور تدوین نشده بود؛ یعنی ما هنوز نمی‌دانستیم که در چه زمینه‌هایی می‌خواهیم سرمایه‌گذاری کنیم و در چه زمینه‌هایی نیاز به سرمایه‌گذاری نداریم. از ۲۰ اقتصاد اول دنیا هیچ اقتصادی را نمی‌بینید که حداکثر ۱۰ مورد اصلی را به‌عنوان آیتم‌های اصلی توسعه و سرمایه‌گذاری معرفی کرده باشد و از کنار بقیه نگذشته باشد، اما ما در همه زمینه‌ها، علاقه به جذب سرمایه‌گذار و توسعه داشتیم که این اصلاً محتوا و معنایی نداشت. پنجم این‌که قانون مالکیت در ایران قانون محکمی نبود،

خصوصاً مالکیت معنوی که اصلاً به آن پرداخته نشده بود و برخی دلایل متعدد دیگر.

بنابراین ما نتوانستیم از تجربه پساتحریم چه در سرمایه‌گذاری خارجی به دلایلی که در بالا به آن اشاره کردم و چه در اصلاحات اقتصادی استفاده کنیم. اصلاحات اقتصادی به جهت این‌که آن زمان اصلاً باور بر این نبود که ما نیاز به اصلاحات عمیق داریم و دولتمردان فکر می‌کردند که با یک سری حرکات و یا تغییر سیاست‌گذاری‌ها می‌توانند اصلاحات اقتصادی ایجاد کنند، درحالی‌که همان زمان هم دعوا بر سر این بود که باید ریل اقتصادی کشور عوض شود و بایستی به سمتی که بخش خصوصی در آن محور باشد و دولت برای بخش خصوصی بسترسازی کند، حرکت کنیم، اما همه این صحبت‌ها با باورهای دولتمردان هم در آن زمان و حتی در امروز همراه نیست و ما در زمینه‌های سرمایه‌گذاری خارجی و اصلاحات نتوانستیم حرکتی را انجام دهیم.

♦♦ توسعه بدون رفع تحریم را ممکن یا غیرممکن می‌دانید؟

امروز توسعه تنها در یک عرصه بین‌الملل، فراگیر و در تعامل با کل دنیا اتفاق می‌افتد. البته توسعه به معنای خاص تنها توسعه‌ی اقتصادی نیست، در واقع زیربنای توسعه، توسعه‌ی انسانی است و بایستی اول در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم از دوران کودکستان و دبستان، فضایی ایجاد شود که مردم ما،

اصولاً با وجود

تحریم، ما در یک

فضای گلخانه‌ای

نفس می‌کشیم

که به محض باز

شدن این فضا و

به عبارتی به محض

اینکه شرایط به

سمت ارتباطات

بین‌المللی حرکت

کند، هر آنچه

کاشتیم، عملاً

مصرفی نخواهد

داشت، چون

فضای گلخانه‌ای

برای گلخانه خوب

است! مگر اینکه

کشور ما بخواهد

تا ابد در در

یک فضای بسته

شعب‌ایطال

یا جریان خیلی

محدودی کار کند

که این روش اصلاً

عقلانه و شدنی

نیست.



مردم توسعه‌ای باشند و نگاه توسعه‌ای داشته باشند. قبل از رفع تحریم‌ها و قبل از هر چیز دیگری بایستی نگاه مردم را تغییر داد. متأسفانه در طی این چند دهه، مردم ما اصلاً نگاه توسعه‌ای و توسعه نگر نداشته‌اند و تا زمانی که این اتفاق نیفتد، حکومت‌ها کاری پیش نمی‌برند. در کشور ما زیربنای توسعه که توسعه‌ی فکری و توسعه‌ی بینش توسعه است، هنوز اتفاق نیفتاده و لذا لازم است قبل از هر چیز به این موضوع پرداخته شود، در کنار آن باید فضای مناسب در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همه آنچه که لازمه‌ی توسعه است را به وجود آورد که در نهایت مجموعه آن‌ها توسعه‌ی پایدار را در یک کشور به وجود می‌آورند، اما اینکه اگر آن فضا و به عبارتی زیربناها وجود داشته باشد، آیا بدون تحریم‌ها یا با تحریم‌ها می‌توانیم به توسعه دست‌یابیم؟ قطعاً نظر من این است که با تحریم‌ها موفقیتی در این زمینه نخواهیم داشت و تحریم‌ها عامل جدی پیشگیری از توسعه‌ی پایدار خواهند بود. اصولاً با وجود تحریم، ما در یک فضای گلخانه‌ای نفس می‌کشیم که به محض باز شدن این فضا و به عبارتی به محض اینکه شرایط به سمت ارتباطات بین‌المللی حرکت کند، هر آنچه کاشتیم، عملاً مصرفی نخواهد داشت، چون فضای گلخانه‌ای برای گلخانه خوب است! مگر اینکه کشور ما بخواهد تا ابدالدهر در یک فضای بسته شعب ابطال یا جریان خیلی محدودی کار کند که این روش اصلاً عاقلانه و شدنی نیست.

### ♦♦ آیا اصلاحات اقتصادی بدون رفع تحریم می‌تواند انجام شود؟ رفع تحریم‌ها شرط لازم به واقعیت پیوستن کدام اصلاحات اقتصادی است؟

اصولاً در اصلاحات اقتصادی نیاز به عزم، اراده و باور از طرف مسئولان و حاکمیت و همچنین نیاز به یک اراده قوی برای انجام کار، همراهی مردم، مسئولیت مردم و سرمایه اجتماعی مردم است. ما در دو صورت می‌توانیم اصلاحات اقتصادی را جدی بگیریم:

- اول با همراهی و همدلی مردم و قرار دادن مردم در یک فضای عُسرت و تنگنا که وادار به پذیرش این جریان شوند، اتفاقی که در کشور ترکیه با وجود تورم سه‌رقمی افتاد و شرایط به نحوی بود که یک‌دفعه شش صفر از جلوی پول خود برداشتند و در این فضا تورگوت اوزال (رییس‌جمهور وقت ترکیه) و تیم همراهش لازمه عبور از بحران را اصلاحات ساختاری عمیق عنوان نمودند.
  - یا در فضایی که شادابی و نشاط سیاسی در جامعه حکم‌فرما باشد، سرمایه اجتماعی بالا در جامعه وجود داشته باشد و اعتماد بین حاکمیت و مردم آن قدر زیاد باشد که مردم بپذیرند که این جریان می‌تواند جریان مثبت و آینده‌سازی برای کشور باشد.
- رفع تحریم‌ها حتماً نیاز است، اما امکان آغاز اصلاحات اقتصادی

در تحریم‌ها نیز وجود دارد، در واقع ما باید ریل اقتصادی کشور را از اقتصاد دولتی، رانتی و وابسته به منابع زیرزمینی و منابع طبیعی که الان وجود دارد به یک اقتصاد بخش خصوصی و اقتصاد آزاد هدایت کنیم؛ به عبارتی رقابت را جایگزین حمایت کنیم نه این‌که مدام دنبال حمایت و استفاده کردن از منابع کشور باشیم؛ چراکه با این روش، اقتصادی را تقویت می‌کنیم که هیچ مقاومت و استحکامی در جریان‌های آتی، در فضای غیر تحریمی و در عرصه بین‌المللی ندارد و تنها با حمایت، تزریق نقدینگی، پول‌های نقد و پول پاشی است که می‌تواند مسیر خود را ادامه دهد، همان‌طور که در طی این سال‌ها این اتفاق افتاده است.

### ♦♦ آیا رفع تحریم‌ها برابر با قرار گرفتن کشور در مسیر توسعه است؟

خیر اصلاً چنین تعهد، چنین اجبار و حتی احتمالی هم نیست، رفع تحریم‌ها شرط لازم است ولی کافی نیست. قبل از هر حرکتی همان‌طور که عرض کردم ما باید کشور را در مسیر توسعه قرار دهیم و تا زمانی که اقتصاد رانتی، دولتی، بریز و بیاش، پول‌پاشی و جریان‌ات این شکلی وجود داشته باشد، توسعه اتفاق نمی‌افتد. برای توسعه، رفع تحریم‌ها لازم است، اما موضوع لازم‌تر این است که ما دیدگاه‌های حکومت، حاکمیت و همه تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران را به سمت توسعه برده تا شرایط کشور را همانند کشوری که امکان ایجاد اقتصاد آزاد و رقابتی برای آن فراهم است و تعریفی را برای توسعه خود، هم در دنیا و هم در کشور انتخاب می‌کند، تغییر دهیم. اصولاً در کشور ما از بعد از انقلاب تا به امروز هنوز تکلیف استراتژی اقتصادی معلوم نشده است، در این مدت حکومت‌ها و دولت‌های مختلفی پای کار آمدند و هرزمانی یک نوع استراتژی را بر مبنای اصطلاح مجموعه‌های زودبازده‌ای از جمله بر مبنای وام‌های اشتغال‌زایی، پول‌پاشی، ارزان کردن قیمت‌ها، ثبات قیمت‌ها، یارانه‌ها، اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد آزاد در پیش گرفته‌اند؛ به عبارتی هرکسی به نوعی، به سلیقه و فکر خود عمل کرده است و حتی در یک دولت هم روال مستمر نداشته‌ایم چه برسد در دولت‌های متعدد. اعتقاد من بر این است در مسیر توسعه قبل از هر چیز باید تعریف استراتژی اقتصادی و نگاه کشور را به اقتصاد، بازار و فعالیت‌های اقتصادی در حکومت جمهوری اسلامی مشخص کنیم و در ادامه آن، یکی از لازمه‌های حرکت در این مسیر، رفع تحریم‌هاست.

### ♦♦ به نظر جناب‌عالی چقدر می‌توان سرنوشت اقتصاد کشور را به اقتصاد کشورهای منطقه پیوند زد؟

توجه کنید؛ نه به آن اندازه‌ای که دولت یازدهم و دوازدهم از کشورهای منطقه و دولت‌های قبلی غافل بودند و نه به این اندازه‌ای که دولت سیزدهم تصمیم دارد (می‌گوید) کل اقتصاد

▼

**رفع تحریم‌ها**  
**حتماً نیاز است،**  
**اما امکان آغاز**  
**اصلاحات**  
**اقتصادی در**  
**تحریم‌ها نیز**  
**وجود دارد،**  
**درواقع ما باید**  
**ریل اقتصادی**  
**کشور را از اقتصاد**  
**دولتی، رانتی و**  
**وابسته به منابع**  
**زیرزمینی و منابع**  
**طبیعی که الان**  
**وجود دارد به**  
**یک اقتصاد**  
**بخش خصوصی**  
**و اقتصاد آزاد**  
**هدایت کنیم؛ به**  
**عبارتی رقابت را**  
**جایگزین حمایت**  
**کنیم نه این‌که**  
**مدام دنبال**  
**حمایت و استفاده**  
**کردن از منابع**  
**کشور باشیم.**

## ◆ پیش‌بینی شما از آهنگ حضور شرکت‌های آمریکایی - اروپایی و دیگر کشورها در ایران بویژه شرکت‌های بزرگ، پس از رفع تحریم‌ها چیست؟

دفعه گذشته یعنی بعد از برجام، هیئت‌هایی از سراسر دنیا به ایران دعوت شدند، غیر از شرکت‌های آمریکایی به دلیل اینکه کشور ما با کشورشان مسئله دارد خیلی استقبال نکردند و ما هم پیگیر نبودیم، بقیه تقریباً همه آمدند. در واقع در آن زمان همه فکر می‌کردند که ایران به عرصه بین‌الملل پیوسته و بعد از برجام مسائل حل است و تحریمی وجود نخواهد داشت؛ بنابراین برای مثال بیش از ۲۰۰ هیئت از کشورهای مختلف اروپایی را پذیرایی کردیم، یادم هست هیئتی که از اتریش آمده بود، آن‌قدر بزرگ بود که ما مجبور شدیم در سالن سران اجلاس از آن‌ها پذیرایی کنیم. بعضی از هیئت‌ها ۴۰۰ نفر، ۳۰۰ نفر، ۲۰۰ نفر عضو داشتند و ما برای آن‌ها یک طبقه خاصی از ساختمان جدید اتاق اختصاص داده بودیم و به‌طور مداوم ملاقات داشتیم، در بعضی روزها در دو یا سه فروم، حضور فعالان اقتصادی و هیئت‌های خارجی را داشتیم، به‌طوری که من در بعضی از روزها پنج هیئت را ملاقات می‌کردم، روسای هیئت‌ها در مواردی روسای اتاق‌ها، وزرای امور خارجه، وزرای اقتصادی، نخست‌وزیران و چند مورد رییس‌جمهورها بودند

را به کشورهای همسایه پیوند بزند. درست است که ما در همسایگی ۱۵ کشور با جمعیت ۴۰۰ میلیون نفری هستیم و این ظرفیت خوبی است و می‌تواند بازار خوبی باشد، اما از آن‌طرف، کشور ما هم می‌تواند هاب خوبی برای بسیاری از تولیدات این کشورها باشد، به‌خصوص در زمینه‌های انرژی، دارو و برخی اقلام صنعتی و معدنی که کشور ما شرایط خوبی دارد، اما به اعتقاد بنده بایستی ارتباط کشور با همه کشورها برقرار شود و از ظرفیت دیگر کشورها نیز استفاده کنیم. در اقتصاد کشورهای منطقه باید بیشتر دنبال صادرات باشیم. به‌رحال در کشور ما قیمت پایین انرژی، شرایط خوب آب و هوایی، اقلیم و جغرافیای مطلوب، دانش فنی و نیروی انسانی خوب، سرمایه‌ها و ظرفیت‌های مناسبی هستند که می‌توانند ما را به یک کشور بسیار مستحکم و قوی برای رفع نیاز کشورهای همسایه از طریق تأمین کالاهای اساسی آن‌ها تبدیل نمایند.

## ◆ از نظر شما رفع تحریم‌ها چقدر از مشکلات اقتصادی کشور را برطرف می‌کند و چه میزان از مشکلات درگرو اصلاحات اقتصادی است و ربطی به تحریم‌ها ندارد؟

رفع تحریم‌ها برخی مشکلات را برطرف می‌کند، اما مشکلاتی را هم اضافه می‌کند. تا زمانی که در کشور اصلاحات اقتصادی نداشته باشیم، رفع تحریم‌ها کمک چندانی نمی‌کند، کما اینکه اگر دقت کرده باشید ما از اواخر سال ۹۴ تا اوایل سال ۹۷ تحریم کلی نداشتیم؛ یعنی در آن زمان تحریم کشور در حد سال‌های قبلی‌اش بود، اما چون ساختار اقتصاد ما نادرست است؛ لذا عملاً نتوانستیم بهره‌ای ببریم.

اما این‌که گفته می‌شود رفع تحریم‌ها مشکلاتی را ایجاد می‌کند به این دلیل است که ما در چند سال اخیر در یک فضای گلخانه‌ای دست‌وپا زده‌ایم و مسلماً تولیدات و امکاناتی را که در کشور به وجود آورده‌ایم، برای آن فضا است؛ حال باز شدن عرصه کشور به کشورهای دیگر مطمئناً این‌ها را منکوب و سرکوب می‌کند و این همیشه نگرانی جدی است؛ یعنی باز شدن شیرهای نفت، قیمت نفت و ارزیابی که سرازیر می‌شوند باعث منکوب کردن قیمت ارز می‌شود و مجدد موضوع واردات از سر گرفته می‌شود، وقتی واردات با قیمت ارز مصنوعی وارد کشور شوند، تولید را سرکوب خواهد کرد. این‌ها مسائلی است که بعد از رفع تحریم‌ها با آن روبرو خواهیم شد، کما اینکه قبلاً نیز آن‌ها را تجربه کرده‌ایم.

در مجموع ما باید ابتدا اصلاحات اقتصادی را انجام دهیم. رفع تحریم‌ها لازمه توسعه و ورود به عرصه اقتصاد رقابتی هست ولی کافی نیست؛ به عبارتی حتی اگر قبل از اصلاحات اقتصادی، تحریم‌ها برداشته شوند چندان کمکی به اقتصاد کشور نخواهد شد.



به چه شکل پیش برود.

### ◆◆ ره‌آورد رقابت جهانی و آزاد میان ملت‌ها چیست؟

به‌طور مشخص، پیشرفت، کیفیت بهتر، قیمت کمتر و بازارهای بیشتر، ره‌آورد رقابت جهانی است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید رقابت جهانی و آزاد موجب شده است که هر روز یک نوع کالای با کیفیت‌تر، مدرن‌تر، تکنولوژیک‌تر و هایتک‌تر و درعین حال با قیمت مناسب‌تر به وجود بیاید و مردم در رفاه باشند. اگر کشور را محدود کنیم مسلم است که نمی‌تواند همه ظرفیت‌های خود را تأمین و از همه دانش، تخصص و تجربه تولید در دنیا استفاده کند. من فکر می‌کنم کشور روزی به رفاه برسد که ما به این عرصه بپیونددیم، با سایر کشورها در یک اقتصاد آزاد و رقابتی جلو برویم، ظرفیت‌هایمان را به آن‌ها عرضه و از ظرفیت‌های آن‌ها استفاده و کیفیت بهتر را تجربه کنیم. به‌عنوان مثال، صنعت خودروسازی ما بسیار محدود است، در نتیجه بعد از پنج دهه هنوز نتوانسته‌ایم یک خودروی مناسب تولید کنیم، درحالی‌که کشورهای که در صادرات و واردات آزاد بودند و رقابت کردند، امروز که در دهه سوم تولیدشان هستند، خودروهایی را تولید می‌کنند که با کشورهایی که دهه هشتم، نهم یا دهم تولید خود را تجربه می‌کنند، رقابت دارند و این نشان از این است که در بازار آزاد و رقابتی، همه دنبال کیفیت هستند و روزه‌روز کیفیت محصولاتشان را بالا می‌برند که بتوانند رقابت کنند اما در بازار محدود، هرچه تولید شود، مصرف‌کننده مجبور به استفاده است و کیفیت عملاً جایگاهی ندارد. ◆◆

(شش رییس‌جمهور آن زمان به اتاق آمدند از جمله رییس‌جمهور اتریش، سوئیس و کرواسی و تعداد زیادی نخست‌وزیر از جمله از ترکیه، آفریقای جنوبی، ایتالیا و غیره) که همه آن‌ها، علاقه‌مند به حضور و سرمایه‌گذاری در ایران بودند، اما در آن زمان نبود امکانات و زیرساخت‌های لازم باعث شد که این امکان به وجود نیاید، اما این دفعه علاوه بر مشکل نبود امکانات و زیرساخت، در واقع تحریم مجدد، برداشته شدن برجام و از بین رفتن توافق در سال ۹۷ و ضمناً شرایط جدید تحریمی باعث شده که دیگر اعتماد قبلی وجود نداشته باشد، حتی امروز خیلی از کشورها خوشحال هستند که در آن زمان به ایران نیامده و سرمایه‌گذاری نکرده‌اند. در مجموع، احتمالاً همان کشورهای چین، هند، روسیه و کشورهای بلوک شرق، به شکل همین امروز که در تحریم هستیم یا در دوران قبل از تحریم، حضور خواهند داشت، ولی اروپایی‌ها نخواهند آمد، البته ممکن است برای بازاریابی و با این هدف که کالایشان را بفروشند، مراجعه کنند، ولی برای سرمایه‌گذاری با این تجربه تلخی که اتفاق افتاده نخواهند آمد، اما این موضوع مشکل اصلی ما نیست و ما می‌توانیم این مشکل را حل کنیم، یعنی ما دنبال این نیستیم که کشورهای اروپایی-آمریکایی را به زور و اجبار به کشورمان بیاوریم. در واقع مطالب و مزیت‌هایی که ما داریم، می‌تواند در درازمدت این نقص را رفع کند، مهم‌تر اینکه ما باید اصلاحات ساختاری داشته باشیم و کشور آماده سرمایه‌گذاری و همکاری باشد. اگر این اتفاق افتاد انشاء الله کشورهای مختلف خصوصاً اروپایی‌ها حضور خواهند یافت. در مورد شرکت‌های آمریکایی نیز بستگی به این دارد که روابط بین‌المللی ما با آمریکا





گفت‌وگو با «علی کرباسی زاده» مشاور عالی رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان و رییس هیئت‌مدیره گروه صنعتی چیکا

## بخش خصوصی مناسب‌ترین شریک در توسعه پایدار

کشور همچنان در حال صادرات مواد اولیه و معدنی و طبیعی بوده و رویکرد پایان محصولات خام به ثمر ننشسته است. علی کرباسی‌زاده، مشاور عالی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان در گفت‌وگو با ما می‌گوید که دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌های تشویقی - تنبیهی همچنین نظارت هوشمند بر مصرف تسهیلات، منابع بانکی را به سمت فعالیت‌های مولد سوق دهد. یکی از مشکلات بزرگ ساختاری کشور، شکل بودجه‌نویسی دولتی است که به دولت اجازه می‌دهد درآمدهای نفتی را صرف اموری جز سرمایه‌گذاری کند. عدم توجه به بخش خصوصی و تولید انحصاری دولتی در بسیاری از بخش‌ها، منجر به عدم کارآمدی تولید و رکود شده است. با بی‌ثباتی اقتصاد کلان و قیمت‌گذاری دولتی در محیطی ناپایدار، سرمایه‌گذاران توان محاسبه نرخ بازده داخلی خود را ندارند که این امر منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه عدم ارتقاء تولید است و ریسک‌پذیری بیشتر سرمایه خارجی نیز مانع ورود سرمایه‌گذار خارجی است. به‌رحال نوسازی تکنولوژی تولید و عمده فرآیندهای مرتبط با جهش تولید، نیازمند تزریق منابع مالی است و اولین گام در تزریق منابع مالی با مطالعات اقتصادی جامع، تبدیل ارزش این طرح‌ها به سهام و استفاده از نقدینگی سرگردان داخل کشور است. ایجاد ثبات در بازار نیز یکی از راه‌های جهش تولید است که برای تحقق این منظور باید کشور در برابر ابرتهدیدهای خارجی مقاوم گردد که جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور نیز یکی از راه‌های مؤثر در این زمینه است. او یادآوری می‌کند که بخش خصوصی موتور محرک رشد اقتصادی و پایگاهی است که توسعه و تأمین اجتماعی به آن متکی است و لذا بایستی در اولویت سیاست‌های حمایتی تولیدی باشد.

مشروح کامل این گفت‌وگو را مطالعه نماییم.

### مفهوم

خصوصی‌سازی

از دو جهت

قابل تأمل

است. در وهله

اول، واگذاری

شرکت‌های دولتی

و عمومی به بخش

خصوصی به‌طور

کامل و یا مشارکتی

و دوم واگذاری

فعالیت‌های

انحصاری

دولت به بخش

خصوصی.

خصوصی‌سازی

در صورتی موفق

خواهد بود که

بین این دو وجه

تعادل برقرار

شود؛ به عبارتی

باید اندازه بخش

دولتی ثابت

بماند تا بخش

خصوصی بتواند

رشد کند.



♦♦ به نظر شما دولت در مسیر توسعه صنعتی و رهایی از خام‌فروشی و تک‌محصولی چقدر به تشویق تنوع تولید و صادرات با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش غیردولتی واقعی، موفق شده است؟

در بند ۲ اقتصاد مقاومتی، رهبر معظم انقلاب اسلامی به پیش‌تازای اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه اشاره کرده‌اند و در سال جدید نیز با درایت بالا، افزایش سهم محصولات دانش‌بنیان را جز شعار سال قرار دادند؛ بنابراین در درجه اول یکی از رسالت‌های دولت باید تشویق تنوع تولید و صادرات باشد. در درجه دوم اینکه به چه میزان دولت‌ها در این امر موفق شده‌اند، با بررسی آمار صادرات کشور در سال‌های اخیر مشخص می‌شود. در سال ۱۴۰۰، همچنان بیشترین صادرات ایران به ترتیب شامل گاز طبیعی، متانول، پلی‌اتیلن، پروپان مایع، اوره، شمش آهن و فولاد، محصولات نیمه تمام از آهن و فولاد، قیر نفت، میله‌های آهنی و بوتان مایع بوده

صورت گرفته باشد، منابع حاصل از آن به صرف تسویه بدهی و رد دیون دولت اختصاص یافته و از اهداف اصلی منحرف شده است. از طرفی از آنجایی که در اکثر دستگاه‌های حاکمیتی تصمیمات کوتاه مدت اتخاذ می‌شود و افراد از تصمیم‌گیری‌های با مسئولیت سنگین‌تر سر باز می‌زنند، این روند کند و معمولاً به مدیران بعدی محول می‌شود. البته دلایل دیگری نیز برای ناکامی خصوصی‌سازی در ایران وجود دارد که می‌توان به نبود اهداف کیفی و استراتژی مشخص در برنامه خصوصی‌سازی، وجود فساد گسترده، شرایط نامساعد کسب‌وکار داخلی، نبود تعریف حمایتی شفاف از به کارگیری سرمایه‌گذاری خارجی در فرآیند خصوصی‌سازی، مشکلات حقوق مالکیت در کشور و عدم ثبات شرایط اقتصادی به خصوص تورم اشاره کرد.

### ♦♦ دولت چگونه می‌تواند بانک‌ها را به خدمت تولید در آورد و فعالیت‌های مولد و فناوری را تقویت کند، چه محدودیت‌هایی وجود دارد که این اتفاق بسیار مهم در ساختار اقتصادی کشور به وقوع نمی‌پیوندد؟

دولت می‌تواند با اجرای سیاست تشویقی-تنبیهی و همچنین نظارت هوشمند بر مصرف تسهیلات اعطا شده، منابع بانکی را به سمت فعالیت‌های مولد سوق دهد. به عبارتی دولت می‌تواند با در نظر گرفتن مشوق‌هایی از جمله نرخ بهره کمتر، در نظر گرفتن تنفس بازپرداخت تسهیلات، مدت زمان بیشتر برای بازپرداخت تسهیلات، مشوق مبلغ بیشتر برای طرح‌های با قابلیت فنی تأیید شده، در نظر گرفتن تسهیلات مشوق برای توسعه فعالیت‌های مولد در مناطق روستایی، مشوق مبلغ و نرخ بهره برای شرکت‌های دانش‌بنیان و...، تسهیلات اعطایی به بخش تولید مولد اعطا کند و از طریق نظارت بانک مرکزی سازمان بر حساب‌های بانکی افراد حقیقی و حقوقی دریافت‌کننده تسهیلات، در صورت مصرف این تسهیلات در موضوعات دیگر به جز هدف این تسهیلات، سیاست تنبیهی مالیاتی را توسط سازمان امور مالیاتی در نظر بگیرد.

یکی از محدودیت‌های مهم در این زمینه عدم وجود رویکرد توسعه محور در سیستم بانکی کشور است؛ رویکرد بانک‌های کشور، درآمدزایی و افزایش سود سالیانه بوده است، بنابراین تسهیلات اعطایی به طرح‌های توسعه محور که با ریسک همراه هستند، به سختی اعطا می‌شود. از طرفی تجربه نشان داده است، سیاست‌های دستوری دولت به بانک‌ها در خصوص هدایت منابع بانکی به یک موضوع مشخص نیز با موفقیت همراه نبوده است؛ چراکه منجر به افزایش نقدینگی کشور شده است.

است. بررسی این آمار نشان می‌دهد کشور همچنان در حال صادرات مواد اولیه و معدنی و طبیعی بوده و رویکرد پایان صادرات محصولات خام به ثمر نرسیده است. در واقع صادرات کشور همچنان نقش تأمین‌کننده کالاهای ارزش افزوده و تکنولوژی ساخت بالاتر کشورهای خارجی را دارد که مجدداً توسط کشور وارد می‌شوند. حتی در بحث صادرات میوه‌ها نیز که در سال‌های اخیر افزایش صادرات اتفاق افتاده است (به عنوان مثال پسته که رتبه هفدهم، گوجه‌فرنگی که رتبه بیست و هشتم و سیب که رتبه بیست و نهم را دارد)، این صادرات به شکل محصولات بسته‌بندی شده با ارزش افزوده بالاتر نبوده است.

نکته مهم در این مورد آن است که صادرات و خام فروشی منابع اگرچه درآمدهای خوبی را نصیب کشورها می‌سازد، اما این درآمدها پایدار نبوده و سرانجام روزی به پایان می‌رسد؛ ضمن آنکه فرصت طلایی برای ایجاد ارزش افزوده و رشد درآمدهای عمومی را از کشورها می‌گیرد. در واقع با جلوگیری از خام فروشی محصولات، علاوه بر آنکه با ایجاد ارزش افزوده، به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد می‌انجامد، درآمدهای مالیاتی دولت نیز از دست خواهد رفت. با جلوگیری از خام فروشی، می‌توان با ایجاد درآمدهای پایدار بویژه درآمدهای ارزی پایدار، ثبات اقتصاد کلان را تقویت کرد که خود می‌تواند از جنبه‌های مختلف برای اقتصاد مفید باشد. با این درآمدهای پایدار و ایجاد ثبات اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی نیز در کشور ارتقا خواهد یافت که با ورود سرمایه و تکنولوژی، مجدداً با شدت بیشتری از خام فروشی محصولات جلوگیری خواهد شد.

### ♦♦ چرا خصوصی‌سازی در کشور شفاف و سریع نیست، به نظر شما عوامل محدودکننده حاکمیت در این مسیر چیست؟

مفهوم خصوصی‌سازی از دو جهت قابل تأمل است. در وهله اول، واگذاری شرکت‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی به‌طور کامل و یا مشارکتی و دوم واگذاری فعالیت‌های انحصاری دولت به بخش خصوصی. خصوصی‌سازی در صورتی موفق خواهد بود که بین این دو وجه تعادل برقرار شود؛ به عبارتی باید اندازه بخش دولتی ثابت بماند تا بخش خصوصی بتواند رشد کند. در اصل هدف از خصوصی‌سازی اجرای سیاست‌هایی است که اقتصاد را به سمت اقتصاد آزاد و کاملاً رقابتی سوق دهد؛ امری که علیرغم الزامات قانونی در کشور تاکنون موفق نبوده است دولت به‌واسطه متکی بودن بودجه به درآمدهای نفتی به‌ویژه در سال‌های اخیر با بحران کسری بودجه و بدهی به بانک مرکزی و سایر نهادهای عمومی روبه‌روست؛ بنابراین اگر واگذاری

رویکرد بانک‌های کشور، درآمدزایی و افزایش سود سالیانه بوده است، بنابراین تسهیلات اعطایی به طرح‌های توسعه محور که با ریسک همراه هستند، به سختی اعطا می‌شود. از طرفی تجربه نشان داده است، سیاست‌های دستوری دولت به بانک‌ها در خصوص هدایت منابع بانکی به یک موضوع مشخص نیز با موفقیت همراه نبوده است؛ چراکه منجر به افزایش نقدینگی کشور شده است.

## ◆ نقش جذب سرمایه‌گذاری خارجی توسط دولت در کشورهای موفق، در زیربنایها و در تولید برای صادرات چگونه و با چه سازوکاری ایجاد می‌شود، ارزیابی شما از چگونگی ایفای این نقش در کشورمان چیست؟

مهم‌ترین نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آوردن سرمایه، مهارت‌ها و فناوری‌ها به کشورهایی است که برای ایجاد صنایع خدماتی رقابتی بدان نیاز دارند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر صادرات کشور مؤثر باشد. بنگاه‌های خارجی ممکن است به دلیل مهارت‌های بازاریابی، تماس‌های وسیع‌تر با بنگاه‌های خارجی و فناوری بالاتر نسبت به بنگاه‌های داخلی، از پتانسیل بیشتری در توسعه صادرات داشته باشند. همچنین کشورهای در حال توسعه به دنبال آن هستند که صادراتشان را به بازارهای جهانی گسترش دهند که با سرمایه‌گذاری خارجی این امکان تا حدی برایشان مهیا می‌شود. از طرفی سرمایه‌گذاری خارجی با انتقال تکنولوژی و فناوری همراه است که می‌تواند منجر به ارتقا تکنولوژی تولید و تولید محصولات در سطح جهانی باشد که می‌تواند به افزایش توان رقابتی محصولات در بازارهای جهانی منجر شود.

## ◆ ریشه‌های عدم توانایی تولید کالاهای قابل رقابت با خارج چیست، چگونه است که در مدتی کوتاه قیمت یک ماشین بی‌کیفیت ده برابر می‌شود؟

دلیل عدم توان رقابت کالاهای داخلی با خارج را می‌توان در دو عامل مهم جستجو کرد. اول اینکه بسیاری از کالاهای داخلی از جمله خودرو، توسط بخش دولت با انحصار در بازار تولید می‌شود. نکته منفی این تولیدات آن است که به دلیل مزیت انحصاری این تولیدات و مدیریت دولتی، تلاشی در جهت ارتقا فناوری در تولید این محصولات صورت نمی‌گیرد و مدیران با ادامه راه مدیران قبل از خود و بدون ایجاد تحول در تولید، به تولید محصولاتی با توان رقابتی پایین در جهان ادامه می‌دهند. مصرف‌کنندگان داخلی نیز به دلیل فضای انحصاری موجود، انتخاب دیگری ندارند و بنابراین با قیمت‌های تحمیلی در این بازارها مواجه می‌شوند. این کالاهای، به دلیل آنکه با تکنولوژی قدیمی تولید می‌شوند، از لحاظ قیمتی و کیفی، توان رقابت در بازارهای خارجی را نخواهند داشت.

همچنین از طرف دیگر، به دلیل تحریم‌های اعمال شده علیه کشور، سطح سرمایه‌گذاری خارجی به کمترین سطح خود رسیده است که به همین دلیل بخش خصوصی نیز نمی‌تواند از مزیت سرریز دانش و همچنین ورود تکنولوژی استفاده کند. علاوه بر آن به دلیل تحریک و مشکلات ناشی

از آن در امر تجارت، صادرات کالا با دور زدن تحریم‌ها منجر به افزایش قیمت کالاها می‌شود که توان رقابت را از بخش خصوصی نیز می‌گیرد.

## ◆ رکود حاکم بر اقتصاد کشور، عمدتاً نتیجه چه سیاست‌هایی است؟

مسلماً رکود در اقتصاد ایران، عوامل مهم و متعددی دارد. یکی از مهم‌ترین و در عین حال کلیشه‌ای‌ترین موارد، تحریم‌های اعمال شده علیه کشور است که امکان صادرات و به خصوص صادرات نفت را از کشور گرفته است. در این شرایط به دلیل کاهش درآمدهای دولت، نفت فروخته شده به جای صرف امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری، صرف هزینه‌های جاری دولت و پرداخت حقوق می‌شود و بنابراین نرخ سرمایه‌گذاری از نرخ استهلاک جا می‌ماند و رکود کشور ادامه‌دار می‌شود.

البته همان‌طور که گفته شد برای رکود دلایل زیادی وجود دارد، در این بین یکی از مشکلات ساختاری بزرگ کشور، شکل بودجه‌نویسی دولتی است که به دولت اجازه می‌دهد درآمدهای نفتی را صرف اموری جز سرمایه‌گذاری کند. در کنار این موارد، عدم توجه به بخش خصوصی و تولید انحصاری دولتی در بسیاری از بخش‌های کشور، منجر به عدم کارآمدی تولید و رکود شده است.

در این بین یکی دیگر از اصلی‌ترین دلایل رکود حاکم بر کشور، بی‌ثباتی اقتصاد کلان و عدم توان تصمیم سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری است. در چنین محیط ناپایداری که با قیمت‌گذاری دولتی نیز همراه است، سرمایه‌گذاران توان محاسبه نرخ بازده داخلی خود را ندارند و این امر منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه عدم ارتقا تولید خواهد شد. در کنار آن سرمایه‌گذاری خارجی که ریسک‌پذیری بیشتری را نیز می‌طلبد، منجر به ورود سرمایه به کشور نخواهد شد. به عنوان مثال جهش نرخ ارز و بی‌ثباتی ارزی یکی از نمدهای بی‌ثباتی منجر به بروز رکود در اقتصاد کشور بوده است. با وجود آنکه جهش نرخ ارز از منظر افزایش قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی در بازارهای داخلی و خارجی می‌تواند به افزایش تولید و بهبود رشد اقتصادی کمک کند، اما در مقابل با افزایش شدید هزینه‌های تولید، اثرات رکودی قوی در بردارد. اثرات منفی ناشی از افزایش هزینه‌های تولید، به سرعت و با قدرت اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما بروز اثرات مثبت ناشی از افزایش قدرت رقابتی، زمان‌بر است و به تدریج بروز می‌کند؛ بنابراین اقتصاد با رکود مواجه خواهد شد.

### باید توجه

داشت که فعالان

اقتصادی بخش

خصوصی به دلیل

برخورداری از منابع

و توانمندی‌های

خاص، یکی از

مناسب‌ترین شرکاء

برای مشارکت در

اهداف توسعه

پایدار هستند.

عجین بودن

بخش خصوصی

با نوآوری و

خلاقیت و

برخورداری از

توانایی‌ها و منابع

خاصی چون

دانش فنی و

تخصص علمی

و روحیه خاص

برای به نتیجه

رساندن پروژه‌ها،

از نقاط قوت

بخش خصوصی

هستند.

### ◆◆ به لحاظ علمی و تجربی، راه‌های عملی اثربخش فراراه

#### جهش تولید چیست؟

مسئله‌ای یکی از ضرورت‌های ایجاد جهش در تولید، تکنولوژی است که به دلیل قدیمی بودن تکنولوژی صنایع ایران، بهره‌وری پایین و هزینه تمام شده تولید بالاست. نوسازی تکنولوژی تولید و عمده فرآیندهای مرتبط با جهش تولید، نیازمند تزریق منابع مالی است. اولین گام در تزریق منابع مالی، تبدیل ارزش این طرح‌ها به سهام (با مطالعات اقتصادی جامع) و استفاده از نقدینگی سرگردان داخل کشور است. همچنین یکی از راه‌های جهش تولید، ثبات در بازار است. برای این منظور باید کشور در برابر تهدیدهای خارجی مقاوم گردد. یکی از راه‌های مؤثر در این زمینه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور است. با این سیاست، اعمال تحریم علیه کشور هزینه‌هایی برای خود کشورهای خارجی نیز دارد و احتمال عدم وضع آن وجود دارد. به علاوه با سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به بازارهای خارجی و عرضه کالا در آن با سرعت بیشتری شکل می‌گیرد.

### ◆◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

باید توجه داشت که بخش خصوصی، موتور محرک رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال و پایگاهی است که توسعه اجتماعی، تحصیل، بهداشت و تأمین اجتماعی به آن متکی است. در همین راستا توجه به بخش خصوصی، بایستی در اولویت سیاست‌های حمایتی تولیدی باشد. باید توجه داشت که فعالان اقتصادی بخش خصوصی به

دلیل برخورداری از منابع و توانمندی‌های خاص، یکی از مناسب‌ترین شرکاء برای مشارکت در اهداف توسعه پایدار هستند. عجین بودن بخش خصوصی با نوآوری و خلاقیت و برخورداری از توانایی‌ها و منابع خاصی چون دانش فنی و تخصص علمی و روحیه خاص برای به نتیجه رساندن پروژه‌ها، از نقاط قوت بخش خصوصی هستند. از این رو است که یکی از هدف‌های اصلی اهداف توسعه پایدار سازمان ملل، افزایش نقش بخش خصوصی در اقدامات توسعه‌ای است؛ بنابراین باید در سیاستگذاری دولت به این نکته توجه شود که توسعه بخش خصوصی می‌تواند منجر به ارتقا کیفیت و کمیت رشد اقتصادی و خروج کشور از رکود اقتصادی شود.

همچنین در دنیای متلاطم امروز، سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی با مخاطرات متعددی روبه‌رو هستند که قابلیت پیش‌بینی پایین داشته و دانش بشر در خصوص آثار و پیامدهای آن‌ها اندک است. بهترین راه مقابله با این مخاطرات، ارتقای تاب‌آوری ملی است. در این رویکرد، سیستمی تاب‌آور است که بتواند مخاطرات موقت یا دائم را جذب کرده و خود را با شرایط به سرعت در حال تغییر انطباق دهد، بدون اینکه کارکرد خود را از دست بدهد؛ بنابراین باید سیاست‌هایی در اقتصاد کشور به کار گرفته شود که اقتصاد ملی در مقابل تغییرات، مخاطرات و تهدیدهای داخلی مقاوم شده و در مسیر دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، مشکلات پیش‌بینی نشده مانعی برای اقتصاد کشور نباشد. ◆◆



# ارزیابی SWOT ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در استان کرمان

♦ دکتر مسعود رضایی زاده  
معاون پارک علم و فناوری استان کرمان



## وضعیت و عملکرد

### کنونی شرکت‌های

#### دانش‌بنیان در

#### داخل کشور

#### نشان‌دهنده

### اهمیت شناسایی

#### عوامل درونی

#### و بیرونی مؤثر

#### در عملکرد

#### این شرکت‌ها

#### می‌باشد؛ زیرا

### وضعیت موجود،

### شایسته کشوری

### با این همه منابع

#### غنی انسانی

#### و غیرانسانی

### نمی‌باشد. بدیهی

#### است کنترل و

#### مدیریت این

### عوامل می‌تواند

#### به شکل بسیار

### مؤثری در ایجاد و

### توسعه شرکت‌های

### دانش‌بنیان مؤثر

#### باشد.

مهم‌ترین عوامل بیرونی و عواملی نظیر منابع انسانی، فناوری و تحقیق و توسعه، بازاریابی و فروش، منابع مالی، ساختار سازمانی و مدیریت، سیستم تولید و توزیع مهم‌ترین عوامل درونی می‌باشند. از طرف دیگر به‌جز عوامل درونی و بیرونی ذکر شده، ایجاد شبکه نوآوری به‌عنوان عامل اصلی پیونددهنده عوامل بیرونی و درونی از ملزومات ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان است. تقریباً در یک اکوسیستم فناوری بیش از ۱۸ سازمان دولتی و خصوصی نقش دارند که عدم وجود و کم‌کاری هرکدام منجر به کاهش رشد و توسعه کل اکوسیستم می‌گردد. یکی از مسائلی که در کشور مورد توجه قرار نگرفته، ایجاد شبکه بر اساس یک نقشه راه و برنامه‌ریزی بر اساس آن است در بسیاری از استان‌ها حتی اجزای این اکوسیستم وجود ندارد و در بیشتر استان‌ها اجزای کل سیستم به وظیفه و نقش خودآگاه نیستند. شاید یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد آموزش و

یکی از ارکان اصلی اقتصاد دانش‌بنیان شرکت‌های دانش‌بنیان هستند. در واقع دسترسی به یک اقتصاد درون‌زا و برون‌نگر مبتنی بر دانش، نوآوری و فناوری بدون توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان میسر نخواهد بود. بر اساس تعریف سازمان همکاری اقتصادی، اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل می‌گیرد و حجم زیادی از سرمایه‌گذاری در آن به ابداع و نوآوری اختصاص می‌یابد و نیروهای متخصص جهت تولید، اجرا و استفاده از فناوری‌های نوین در این اقتصاد به کار گرفته می‌شود. از طرفی چون ساختار شرکت‌های دانش‌بنیان، مبتنی بر خلق و استفاده از فناوری‌های نوین به کمک نیروهای متخصص می‌باشد لذا این شرکت‌ها اصلی‌ترین رکن توسعه اقتصاد دانش‌بنیان هستند. ویژگی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان هم‌افزایی علم و ثروت، تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه، ایجاد ارزش‌افزوده در حوزه فناوری، رقابت‌پذیری، توسعه و به‌کارگیری منابع انسانی متخصص و از همه مهم‌تر ایجاد شبکه تولید، نشر و به‌کارگیری دانش و فناوری می‌باشد. لذا توجه به ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در واقع توجه به اقتصاد دانش‌بنیان و ایجاد ظرفیت‌های مناسب جهت وارد شدن به میدان اقتصاد جهانی با قابلیت رقابت‌پذیری است. از طرفی باید توجه داشت که ایجاد و توسعه این شرکت‌ها تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی زیادی قرار می‌گیرد. وضعیت و عملکرد کنونی شرکت‌های دانش‌بنیان در داخل کشور نشان‌دهنده اهمیت شناسایی عوامل درونی و بیرونی مؤثر در عملکرد این شرکت‌ها می‌باشد؛ زیرا وضعیت موجود، شایسته کشوری با این همه منابع غنی انسانی و غیرانسانی نمی‌باشد. بدیهی است کنترل و مدیریت این عوامل می‌تواند به شکل بسیار مؤثری در ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان مؤثر باشد. عواملی مانند سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، مالی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، زیرساخت فناوری، بازاریابی و رقابت‌پذیری به‌عنوان

فرهنگ‌سازی در حوزه فناوری و معرفی اکوسیستم و وظایف اجزای آن به سازمان‌های خصوصی و دولتی باشد. در شرایط کنونی می‌توان مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها برای ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان را در حالت کلی به صورت زیر دسته‌بندی نمود.

#### نقاط قوت:

- وجود نیروهای متخصص در حوزه‌های مختلف،
- تعریف اهداف و مأموریت‌ها،
- ریسک‌پذیری و انرژی جوانی،
- خلاقیت و نوآوری،
- تحقیق و توسعه،
- طراحی هوشمندانه فرآیندها، ابزارها، ساختارها و...،
- کارآفرینی با هزینه پایین،
- ارتباط مؤثر اعضا و شبکه‌سازی با سایر اجزای اکوسیستم فناوری،
- رقابت‌پذیری در زمینه بازار و فروش.

#### نقاط ضعف:

- عدم توجه به نیاز بازار (آنالیز نامناسب بازار و مشتری)،
- عدم وجود نقدینگی لازم،
- پایین بودن سطح فناوری محصول،
- نداشتن طرح تجاری مناسب،
- عدم مدیریت مناسب،
- عدم توجه به تبلیغات و مشاوره تخصصی،
- عدم تیم‌سازی مناسب،
- عدم تمرکز و داشتن هدف مشخص،
- ترس از شکست و قبول شکست و عدم چرخش در مواقع لازم،
- عدم اجرای صحیح و کامل قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان،
- کندی فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری،
- عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در حوزه فناوری اطلاعات و شبکه‌سازی.

#### فرصت‌ها:

- تأمین و فراهم نمودن منابع و خدمات مالی توسط دولت و مؤسسات مالی،
- تسهیل شرایط شرکت‌ها در مناقصات،
- برخورداری از مزایای قوانین مناطق آزاد،
- بخشودگی مالیاتی و بیمه،
- امکان استفاده از منابع انسانی متخصص در قالب طرح

امریه و جایگزین خدمت،

- تدوین قوانین حمایتی از شرکت‌های دانش‌بنیان توسط دولت،
- امکان استفاده از خدمات آموزشی، مشاوره و پژوهشی،
- در اولویت قرار دادن تولیدات و محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان جهت تأمین نیازهای داخلی،
- امکان استفاده از زیرساخت‌های فناوری در داخل کشور.

#### تهدیدها:

- عدم وجود ارتباطات لازم بر اساس نقشه راه سیستم فناوری،
- توسعه مستمر و پیوسته فناوری‌های جدید،
- ضعیف بودن فرهنگ سرمایه‌گذاری خطرپذیر،
- نابسامانی در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی دولت،
- وجود رانت و رابطه در بازار داخلی،
- عدم آشنایی با قوانین حوزه مالکیت فکری و فناوری،
- ایجاد یک فضای ناامیدی و عدم موفقیت در حوزه کسب‌وکار،
- عدم وجود یک برنامه مشخص و مدون در حوزه ایجاد توسعه فناوری کشور،
- وجود ریسک در بعضی از حوزه‌های فناوری فنی و محصولات فناورانه،
- کوتاه شدن چرخه عمر محصولات و رقابت‌پذیری،
- ارزیابی و آنالیز نامناسب بازار و قیمت،
- عدم توجه و آشنایی با قوانین حقوقی مالیاتی بیمه تجاری داخلی و خارجی،
- عدم توجه به استفاده از خدمات و محصولات دانش‌بنیان،
- عدم وجود ساختار مشخص جهت اخذ مجوزها و استانداردها،
- عدم وجود اولویت‌بندی در حوزه‌های فناوری و پژوهش،
- عدم وجود زیرساخت مناسب فناوری و اطلاعات،
- عدم تربیت و تأمین نیروی متخصص،
- واردات بی‌رویه و بدون برنامه و عدم توجه به تولید محصولات داخلی.

گرچه نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها در همه استان‌های کشور یکسان نیست، اما کم‌وبیش در همه آن‌ها وجود دارد. در استان کرمان وجود ظرفیت‌های استثنایی در حوزه صنایع معدنی و صنایع پایین‌دستی آن، انرژی‌های تجدیدپذیر، گردشگری، کشاورزی، صنعت خودروسازی، واگن‌سازی، لاستیک‌سازی در حوزه منابع غیرانسانی و همچنین وجود دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، پارک علم و فناوری، مراکز رشد و مراکز نوآوری متعدد به‌عنوان تأمین‌کننده منابع

▼

<b>ایجاد شبکه</b>
<b>نوآوری به‌عنوان</b>
<b>عامل اصلی</b>
<b>پیونددهنده</b>
<b>عوامل بیرونی و</b>
<b>درونی از ملزومات</b>
<b>ایجاد و توسعه</b>
<b>شرکت‌های</b>
<b>دانش‌بنیان</b>
<b>است. تقریباً در</b>
<b>یک اکوسیستم</b>
<b>فناوری پیش از</b>
<b>۱۸ سازمان دولتی</b>
<b>و خصوصی</b>
<b>نقش دارند که</b>
<b>عدم وجود و</b>
<b>کم‌کاری هرکدام</b>
<b>منجر به کاهش</b>
<b>رشد و توسعه</b>
<b>کل اکوسیستم</b>
<b>می‌گردد. یکی از</b>
<b>مسائلی که در</b>
<b>کشور مورد توجه</b>
<b>قرار نگرفته، ایجاد</b>
<b>شبکه بر اساس</b>
<b>یک نقشه راه و</b>
<b>برنامه‌ریزی بر</b>
<b>اساس آن است.</b>



مدیریت، تبلیغات، مشاوره، شبکه‌سازی، آنالیز بازار و مشتری، طرح تجاری،

- پایین بودن سطح فناوری شرکت‌های موجود،
- نابسامانی در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی که به‌صورت
- شناور و متغیر توسط دولت انجام می‌شود،
- کند بودن سرعت صدور مجوزها و استانداردهای لازم،
- ضعیف بودن فرهنگ سرمایه‌گذاری در استان به‌خصوص سرمایه‌گذاری خطرپذیر،
- عدم توجه به بخش R&D در شرکت‌های بزرگ و دانش‌بنیان،
- عدم وجود به‌زیرساخت فناوری اطلاعات و بانک اطلاعاتی جامع در حوزه‌های فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان،
- عدم استفاده مناسب شرکت‌های دانش‌بنیان از ظرفیت‌ها و خدمات مالی، آموزشی و مشاوره ارائه شده توسط سازمان‌های ذی‌ربط،
- عدم تناسب ظرفیت‌های اجزای اکوسیستم فناوری در استان در حمایت، ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان،
- عدم تیم‌سازی مناسب شرکت‌ها،
- عدم شبکه‌سازی بین شرکت‌های دانش‌بنیان،
- برخوردهای سلیقه‌ای و سیاست زده با حوزه فناوری و دانش‌بنیان،
- عدم وجود مراکز کاربردی، مهارت‌آموزی و مشاوره تخصصی به‌عنوان اجزا مهم در اکوسیستم فناوری،
- عدم توجه به تخصصی کردن مراکز رشد و فناوری در شهرستان‌های استان متناسب با ظرفیت آن‌ها،
- عدم مشارکت بخش خصوصی و شرکت‌های بزرگ و معین‌های اقتصادی در حوزه فناوری. ♦♦

انسانی و تکمیل‌کننده زنجیره فناوری با تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان موجود که سهم یک درصدی از کل کشور را تشکیل می‌دهند، تناسبی ندارد. بررسی نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های ذکر شده در سند توسعه فناوری و ارزیابی انجام شده توسط پارک علم و فناوری نشان می‌دهد علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در سال‌های اخیر در ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، باید به‌طور جدی در تأمین زیرساخت‌های لازم و برنامه‌ریزی هدفمند به‌منظور شتاب‌دهی بیشتر به روند توسعه اقدام نمود. SWOT ارزیابی شده در مورد ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان نیز صادق است، با این تفاوت که ممکن است بعضی از عوامل ذکر شده در این استان بایستی مورد توجه بیشتری قرار گیرد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر می‌باشد که امید است مسئولان محترم، اقدامات مقتضی را بر اساس موارد مذکور در دستور کار خود قرار دهند:

- نبودن شبکه فناوری مناسب بین اجزای اکوسیستم فناوری بر اساس سند توسعه فناوری استان
- عدم حمایت از محصولات دانش‌بنیان تولید شده در استان،
- کمبود و عدم توجه به منابع انسانی متخصص با مهارت‌های فنی و عملی مورد نیاز شرکت‌ها،
- عدم اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در زمینه چگونگی ایجاد و شکل‌گیری شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان و آشنایی با اکوسیستم فناوری استان،
- عدم آشنایی و اجرای قوانین و مصوبات دولت در خصوص شرکت‌های دانش‌بنیان توسط سازمان‌ها و مدیران مربوطه (قوانین بیمه، مالیات، استاندارد و...)
- عدم توجه شرکت‌های دانش‌بنیان موجود به حوزه

# راهبرد توسعه نوآوری منطقه‌ای

## برای پیشبرد اقتصاد دانش بنیان در جمهوری اسلامی ایران



### سعيد ايرانمنش

دانشجوی دکتری اقتصاد بین‌الملل دانشگاه شهید باهنر کرمان

فلسفه و چرایی به‌کارگیری استراتژی توسعه منطقه‌ای در طول تاریخ، رفع نابرابری‌ها و عدم توازن‌های منطقه‌ای و در کنار آن تحریک اقتصاد مناطق و ارتقاء آن‌ها به سطح بالاتری از توسعه و رفاه بوده است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که تعدادی از کشورها با رشد اقتصادی و صنعتی روبه‌رو بودند، سیاست‌های توسعه منطقه‌ای را در جهت رفع نابرابری‌هایی که صنعتی شدن در این کشورها سبب شده بود (اعم از نابرابری‌های فضایی و اجتماعی) به کار گرفته‌اند. در این دوره فرض بر این بود که دولت‌ها می‌توانند شرایط مناطق عقب‌مانده را از طریق به‌کارگیری ابزارهایی همچون باز توزیع منابع مالی و سرمایه‌گذاری وسیع در بخش عمومی تغییر دهند.

در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، بحران‌های اقتصادی پی‌درپی و نیز تغییرات اقتصاد جهانی موجب بیکاری گسترده در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه شد. در این جریان، سیاست‌های توسعه منطقه‌ای منطبق با شرایط به وجود آمده دچار تغییرات ماهوی شد، به‌طوری که سیاست کاهش بیکاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته به سیاست‌های قبلی همچون کاهش نابرابری‌های درآمدی و زیرساختی مناطق اضافه شد. در این دوره یارانه‌های دولتی محوریت پیدا می‌کند و برای مکان‌یابی و ایجاد صنایع در مناطق کمتر توسعه‌یافته مشوق‌هایی در نظر گرفته می‌شود.

علی‌رغم تلاش دولت‌ها در دهه‌های قبل از ۱۹۸۰ نابرابری‌های منطقه‌ای کاهش چندانی پیدا نکرد. از دهه ۱۹۸۰ به بعد است که برنامه‌های توسعه محلی و منطقه‌ای به سیاست‌هایی همچون رقابت‌پذیر کردن مناطق، استفاده از توان‌های محیطی، تمرکززدایی حاکمیتی و مباحث مشارکت از پایین و نوآوری منطقه‌ای، روی می‌آورد. در این دوره راهبرد حکمروایی چندلایه‌ای شامل دولت ملی، منطقه‌ای و محلی به همراه ذی‌مدخلانی همچون فعالان بخش خصوصی، سازمان‌های غیرانتفاعی و نهادهای مردمی ایجاد می‌شود و اهمیت پیدا می‌کند. به این ترتیب روند تمرکززدایی از دولت مرکزی آغاز می‌شود و سیاست‌گذاری منطقه‌ای با محوریت «نظام توسعه نوآوری منطقه‌ای» نقش پررنگی پیدا می‌کند. با اهمیت یافتن مباحث رقابت‌پذیری منطقه‌ای و تزریق مداوم

با دسته‌بندی  
مناطق مختلف  
جمهوری اسلامی  
ایران بر اساس  
توسعه‌یافتگی  
نوآوری به مناطق  
حاشیه‌ای، در  
حال گذر و  
پیشرو، می‌توان  
راهبردهای توسعه  
نوآوری منطقه‌ای  
برای تبدیل  
وضعیت موجود  
به مطلوب در  
توسعه نوآوری  
منطقه‌ای و  
پیشبرد اقتصاد  
دانش بنیان در  
جمهوری اسلامی  
ایران پرداخت.

نوآوری و فناوری در امر توسعه پایدار مناطق، سازمان‌ها و آزادسازهای ملی و بین‌المللی در دنیا به دنبال راهبردهایی هستند که در تناسب با مزیت‌های منطقه‌ای بتوانند پاسخگو به ضروریات توسعه مناطق باشند؛ برای مثال، مزیت گرایی هوشمند، راهبردی نوینی است که در همین راستا شکل گرفته است. این راهبرد آخرین راهبرد توسعه نوآورانه مناطق بر اساس مزیت‌های اولویت‌دار آن‌ها است که در ابتدا توسط اتحادیه اروپا مطرح (در جهت رقابت‌پذیر کردن مناطق کمتر توسعه‌یافته این اتحادیه) و سپس نهادهایی همچون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (پیگیری این راهبرد از سال ۲۰۱۳)، بانک جهانی (از سال ۲۰۱۴) و کمیته اقتصادی ایالات متحده به کار گرفته شده است.

در جمهوری اسلامی ایران نیز استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای خط سیری مشابه با سایر نقاط جهان دارد، با این تفاوت که از لحاظ زمانی با تاخیراتی مواجه است. از تلاش دولت‌ها در قبل از انقلاب اسلامی در جهت رفع نابرابری‌های در مناطق کمتر توسعه‌یافته و



و اتخاذ سیاست‌های گزینشی اشاره نمود. در این مناطق، سیاست صنعتی اصل است و سیاست نوآوری و فناوری ذیل آن دیده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که مسیر توسعه نوآوری در مناطق کمتر توسعه یافته یا حاشیه‌ای از توسعه دانشی و توسعه و تکمیل زنجیره ارزش و صنایع مرتبط با آن می‌گذرد. راهبردهایی برای توسعه نوآوری در این مناطق که شامل اصلاح حکمرانی نظام آموزش عالی، ترویج و گفتمان سازی نوآوری در میان مردم (ایجاد آمادگی فرهنگی و اجتماعی در منطقه)، ایجاد سازوکار حمایتی و انگیزشی در راستای توسعه نوآوری اولویت‌ها (مانند انواع حمایت‌های نرم از افراد و شرکت‌ها و همچنین ارائه انواع حمایت‌های انگیزشی، مالی و غیرمالی) و کشف کارآفرینی‌های نوآورانه و نوظهور بر اساس قابلیت‌های ویژه و مغفول مناطق توصیه می‌گردد.

از مشخصه‌های اصلی مناطق صنعتی و در حال گذر می‌توان به سهم بالای نیروی کار در بخش صنعت و تولید، نرخ متوسط ثابت اختراع و انتشارات علمی، سرمایه‌گذاری متوسط در تحقیق و توسعه، سطح عملکرد فناورانه متوسط، رشد اقتصادی متوسط و سرمایه‌گذاری اندک در فناوری، برخورداری از جمعیت تحصیل‌کرده مناسب، فعالیت‌های دانشی و فناوری محور محدود، حرکت از بازارهای دولتی به بازارهای خودگردان و آزاد، قفل‌شدگی صنایع بالغ، قفل‌شدگی

سعی در ایجاد قطب‌هایی از رشد در این مناطق (تئوری قطب رشد) که اثرات توسعه آن‌ها به پیرامون و مناطق کمتر توسعه‌یافته اطراف منتشر شود (همچون تأسیس سازمان عمران دشت مغان) که البته در عمل این اتفاق صورت نگرفت تا تلاش‌هایی که توسط دولت مرکزی و نهادهای وابسته به حاکمیت (همانند بنیاد علوی، بنیاد برکت، کمیته امداد امام خمینی (ره) و نهادهای مشابه دیگر) که با رویکرد محرومیت‌زدایی و ایجاد اشتغال برای مددجویان و اقشار ضعیف جامعه مشغول به فعالیت شدند (رویکرد تأمین نیازهای اساسی) از جمله اقداماتی است که در این زمینه صورت گرفته است. نکته مهم اینکه هرکدام از این نگرش‌ها با وجود ارزش و ضرورتی که در زمان خود داشته‌اند، اما با ضعف‌های اساسی روبه‌رو بوده‌اند که نتوانسته‌اند به مناطق در جهت رقابت‌پذیر پایدار آن‌ها در مزیت‌هایی که داشته‌اند کمک کنند. نگاه از بالای کارشناسان (به عنوان دانای کل) و مشارکت ندادن مردم در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها، برخورد یکسان با مناطق و به کار گرفتن نسخه‌های یکسان در جهت توسعه آن‌ها، توان محدود دولت‌های محلی، مشارکت نکردن بخش خصوصی و شرکت‌های اقتصادی بزرگ در فرایند توسعه مناطق بلافصل خود، تمرکز نکردن بر روی تعداد مشخصی از مزیت‌های اولویت‌دار و انجام اقدامات جزیره‌ای (در هر حوزه‌ای که امکان‌پذیر بوده است بدون انجام مطالعات زنجیره ارزش منطقه‌ای، ملی و جهانی) از مهم‌ترین دلایلی است که الگوهای توسعه محلی و منطقه‌ای در کشوری با مختصات ایران به نتیجه نرسیده است.

تدوین سیاست‌های نوآوری در مناطق باید با در نظر گرفتن وابستگی به زمینه منطقه و ظرفیت‌های واقعی مناطق باشد و به‌یقین نمی‌توان الگوی واحدی را برای همه مناطق تجویز کرد. با وجود توسعه دانش نظری و تجربی مرتبط با حوزه نوآوری منطقه‌ای، در تدوین سیاست توسعه نوآوری منطقه‌ای همچنان به اصل عدم سازگاری سیاست‌های توسعه نوآوری مناطق موفق با سایر مناطق توجه نمی‌شود و ضروری است سیاست‌های توسعه‌ای بر اساس شرایط خاص هر منطقه تدوین گردد. از جمله مکانیزم‌های ارائه سیاست‌های متناسب منطقه‌ای، دسته‌بندی مناطق است. با دسته‌بندی مناطق مختلف جمهوری اسلامی ایران بر اساس توسعه‌یافتگی نوآوری به مناطق حاشیه‌ای، در حال گذر و پیشرو، می‌توان راهبردهای توسعه نوآوری منطقه‌ای برای تبدیل وضعیت موجود به مطلوب در توسعه نوآوری منطقه‌ای و پیشبرد اقتصاد دانش‌بنیان در جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

از مشخصه‌های اصلی مناطق کمتر نوآور یا حاشیه‌ای می‌توان به سهم بالای نیروی کار در بخش کشاورزی، درآمد سرانه و رشد اقتصادی پائین، سهم پائین جمعیت تحصیلات تکمیلی، دارایی دانشی ضعیف، نرخ پائین ثبت اختراع و انتشارات علمی، سطح پائین سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، اقتصاد محلی دولتی با بازیگران محدود، تعاملات بین‌المللی محدود، عدم تناسب فناوری



سیاسی، شناختی و اجتماعی منطقه، فعالیت‌های نوآورانه تدریجی، حوزه‌های فناوری سنتی و بالغ صنایع و رویکرد انتقال فناوری منبع گرایانه اشاره نمود و مسیر توسعه نوآوری در مناطق صنعتی از توسعه و تکمیل خوشه‌های صنعتی و منطقه‌ای می‌گذرد. راهبردهایی برای توسعه نوآوری در این مناطق بیان می‌شود که شامل: ارتقا انگیزه بنگاه‌های کوچک و متوسط نسبت به تغییرات فناورانه و ترکیب منابع و شایستگی‌ها برای ایجاد مزیت رقابتی، تشویق بهره‌گیری از ارتقا فناوری در فرایندهای تولیدی و صنعتی در منطقه (صنعتی سازی)، توانمندسازی بنگاه‌ها و شرکت‌ها در زمینه اکتساب و به‌کارگیری فناوری‌های مورد نیاز، بازار سازی و بازاریابی محصولات و خدمات جدید بنگاه‌ها و شرکت‌ها به‌منظور رونق صنعت و تسهیل انتشار دانش فنی موجود از راه ایجاد شرکت‌های نوپا در حوزه‌های اولویت‌دار این مناطق می‌باشد.

از ویژگی‌های مناطق پیشران می‌توان به نرخ بالای ثبت اختراع و انتشارات علمی، سرمایه‌گذاری متوسط در تحقیق و توسعه، دارای پتانسیل بالای اقتصاد دانش‌بنیان، سهم بالای جمعیت دارای تحصیلات تکمیلی و نیروی کار، سهم بالای بخش خدمات در اقتصاد، سطح بالای تحصیل کرده‌ها و دارایی دانشی کافی، موفق در همپایی - نوآوری در ابعاد مختلف فنی، سازمانی و ... و اتخاذ سیاست‌های کارکردی اشاره نمود. ارتقاء تعاملات میان مراکز دانشی و صنعت، شکوفایی و بین‌المللی سازی صنایع موجود و ایجاد شرایط شهرهای نوآور، توسعه هوشمند و پایدار منطقه به دلیل افزایش جمعیت و وجود چالش‌های اجتماعی - اقتصادی از جمله ضروریات این مناطق است. همچنین راهبردهای توصیه شده برای توسعه نوآوری در این مناطق شامل: ساماندهی نظام پشتیبانی از ایجاد و توسعه شرکت‌های زایشی و دانش‌بنیان از دانشگاه‌های منطقه، شکل‌دهی به بازار متناسب با توسعه فناوری (رقابت‌پذیر ساختن فناوری جدید) و پایش تغییرات فناورانه در زمینه‌های مختلف مخصوصاً زمینه‌های اولویت‌دار منطقه می‌باشند.

**در پایان نیز برای توسعه نوآوری منطقه‌ای برای پیشبرد اقتصاد دانش‌بنیان در جمهوری اسلامی ایران می‌توان توصیه‌هایی سیاستی کلی ذیل را پیشنهاد داد:**

- بهبود بلوغ مدیریت و نظارت بر پیشبرد اهداف علمی و فناورانه استانی متناسب با آن،  
- ساماندهی آمایش آموزش عالی و تعیین سهم مؤسسات آموزش عالی استان در شکل‌دهی نظام نوآوری،  
- بازنگری ساختار اجرایی پژوهشگاه‌ها برای همکاری و هم‌افزایی فعالیت‌ها با دانشگاه‌های منطقه،  
- ایجاد پایگاه داده آماری و همچنین سازوکار مستندسازی دانش فنی و علمی در استان،  
- پشتیبانی از ایجاد مراکز تحقیقاتی و فناوری مشترک با شرکت‌های

معتبر داخلی و خارجی،

- تسهیل مشارکت صنایع و فعالان بزرگ اقتصادی در حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان در استان و الزام آن‌ها به تهیه پیوست انتقال و توسعه فناوری،

- ایجاد سازوکار لازم به‌منظور توانمندسازی نیروهای کار صنایع استان از طریق همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به‌منظور افزایش سواد کاری و تخصصی آن‌ها،

- فراهم آوردن زمینه مشارکت بخش خصوصی و نظام بانکی جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های اولویت‌دار،

- ایجاد صندوق‌های پژوهش و فناوری خطرپذیر غیردولتی به‌منظور حمایت از صنایع دانش‌بنیان،

- تسهیل به اشتراک‌گذاری دانش از طریق ایجاد اتحادیه‌های استراتژیک و انجام پروژه‌های مشترک فناورانه،

- ایجاد سازوکارهای لازم جهت جذب و نگهداشت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز استان،

- تقویت تعاملات و ارتباطات بین دانشگاه و پارک‌ها و صنعت از طریق راه‌اندازی و توسعه دفاتر انتقال فناوری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی،

- حمایت از صدور خدمات فنی و مهندسی صنایع دانش‌بنیان و همچنین صادرات محصولات فناورانه ساخت داخل به کشورهای منتخب،

- تجاری‌سازی دستاوردهای علمی و فناوری حوزه‌های اولویت‌دار، شکل‌دهی و توسعه بازار و صادرات آن‌ها،

- تسهیل فرایند تبدیل دانش فنی موجود به کسب‌وکار جدید،

- طراحی و تدوین نظام مالکیت فکری در مؤسسات در راستای توسعه کارآفرینی و تجاری‌سازی فناوری‌های نوین،

- ایجاد پایگاه داده و به‌روزرسانی شاخص‌های مرتبط با سنجش ظرفیت نوآوری،

- رفع نابرابری در سطح ظرفیت نوآوری بین استان‌های مختلف بخصوص استان‌های مرزی کشور،

- تمرکز بر راه‌حل‌های اجتماعی - فرهنگی و تقویت زیرساخت‌های نهادی ظرفیت نوآوری،

- ارائه سیاست‌ها و اقدامات توسعه ظرفیت نوآوری مبتنی بر شرایط جغرافیایی و اقتضات محلی و خودداری از کلی‌نگری در تدوین سیاست‌های مربوطه،

- لزوم توجه بیشتر به زنجیره ارزش جهانی و افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی با نوآوری بالا،

- پیاده‌سازی مکانیسم‌های جدید تأمین مالی برای صنایع دانش‌بنیان،

- سازماندهی و هدایت خودکار صنایع دانش‌بنیان در جهت افزایش توانمندی مدیریتی و مهارتی از طریق ارائه خدمات، مشاوره‌ای و تخصصی در جهت به‌روزرسانی صنعت و فعالیت مرتبط. ♦♦

## نگاه از بالای

### کارشناسان

### و مشارکت

### ندادن مردم در

### تصمیم‌گیری و

### تصمیم‌سازی‌ها،

### برخورد یکسان

### با مناطق و به کار

### گرفتن نسخه‌های

### یکسان در جهت

### توسعه آن‌ها،

### توان محدود

### دولت‌های محلی،

### مشارکت نکردن

### بخش خصوصی

### و شرکت‌های

### اقتصادی بزرگ

### در فرایند توسعه

### مناطق بلافصل

### خود، تمرکز

### نکردن بر روی

### تعداد مشخصی

### از مزیت‌های

### اولویت‌دار و

### انجام اقدامات

### جزیره‌ای، از

### مهم‌ترین دلایلی

### است که الگوهای

### توسعه محلی

### و منطقه‌ای

### در کشوری با

### مختصات ایران

### به نتیجه نرسیده

### است.

# اقتصاد دانش بنیان الزامات و ظرفیت‌های آن در اقتصاد کرمان

♦ دکتر جعفر رودری

رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان



قبل از پرداختن به این موضوع مهم، لازم است ابتدا ضرورت پرداختن به این مسئله به زبان ساده بیان گردد و همچنین ابعاد مختلف آن نیز روشن شود

**سؤال این است که چرا اقتصاد دانش بنیان اهمیت دارد؟ چرا مباحثی مثل نوآوری و ورود دانش به حوزه تولید و اقتصاد دارای اهمیت و حتی اجتناب‌ناپذیر است؟**

پاسخ به این سؤال در واقع پاسخ به این است که چرا در استان کرمان علیرغم وجود منابع طبیعی و خدادادی گسترده، نیروی انسانی کافی و تحصیل‌کرده، وجود ۱۰۰ واحد دانشگاهی، وجود زیرساخت‌های تولید نسبتاً کافی، اما درآمد سرانه استان در جایگاه مناسب قرار ندارد و چرا علی‌رغم پتانسیل‌های زیاد در استان سطح معیشت و رفاه اقتصادی آن‌طور که باید باشد نیست و تفاوت قابل ملاحظه‌ای نه تنها با سطح رفاه کشورهای توسعه‌یافته دارد، بلکه حتی با کشورهای که در زمره کشورهای توسعه‌یافته هم نیستند و روزگار نه‌چندان طولانی بسیار از ما عقب‌تر بودند، نیز فاصله زیادی دارد. همچنین پاسخی است به این موضوع که چگونه می‌توانیم فقر در استان و کشور را از بین ببریم و سطح معیشت و رفاه اقتصادی را افزایش دهیم، همگی این موارد به موضوع کاربرد علم و دانش و اقتصاد دانش بنیان برمی‌گردد. در این نوشتار به دنبال بیان شاخص‌های دانش بنیانی، اصول و معیارهای جهانی آن‌که از سوی مؤسسات بین‌المللی منتشر می‌شود و جایگاه کشورها نیز در محورها و مؤلفه‌های مختلف محاسبه می‌گردد نیستیم، بلکه به‌طور ساده می‌خواهیم نشان دهیم که استان کرمان به‌شدت نیازمند حرکت در مسیر به‌کارگیری دانش در تولید و ارتقاء جایگاه دانش بنیانی اقتصاد است.

**در مراحل مختلف توسعه‌یافتگی کشورها، معمولاً دوران مختلف و متعددی در نظر گرفته می‌شود که در یک جمع‌بندی کلی از دیدگاه صاحب‌نظران می‌توان گفت یک**

**جامعه در مسیر تحول و پیشرفت تمدنی خود مراحل زیر را طی نموده است:**

مرحله اول- مرحله چرا و شکار: بشر همچون دیگر حیوانات در طبیعت می‌چرد و با شکار حیوانات و گردآوری خوراکی زندگی می‌کند.

مرحله دوم- مرحله شبانی: نگهداری از دام و پرورش آن، سطح رفاه و زندگی بشر را ارتقا می‌دهد و زمینه شکل‌گیری مازاد غذا را فراهم می‌آورد.

مرحله سوم- مرحله کشاورزی و بوستان کاری سنتی: بشر علاوه بر نگهداری حیوانات زمینه بهره‌برداری بیشتر از طبیعت را فراهم می‌کند و اقدام به تهیه بذر و کشت و کار می‌کند.

مرحله چهارم- مرحله کشاورزی صنعتی: ورود علم به حوزه کشاورزی موجب تغییرات جدی در افزایش تولید و افزایش سطح رفاه بشر شده است، اما همچنان سطح



**گام آخر - کاربرد علم است، یعنی علم و دانش تولید شده در نظام آموزشی و مراکز علمی و تحقیقاتی، تبدیل به کاربرد و تجاری سازی علمی شود. شاخص های کاربرد علم اما متأسفانه حکایت از جایگاه نامطلوب کشور و استان دارد؛ به عبارت دیگر در نقش تولید علم رتبه خوبی داریم، اما در کاربرد آن متأسفانه خیر!**

زندگی با زندگی بشر در کشورهای توسعه یافته امروز، فاصله زیادی دارد.

مرحله پنجم - مرحله صنعتی: مرحله صنعتی شدن جوامع، مرحله بسیار مهم و یکی از نقاط عطف تحول و پیشرفت آن جامعه است. وقتی گفته می شود عصر صنعتی مفهوم نادیده گرفتن کشاورزی نیست، بلکه مهم ترین موضوع در این مرحله از زندگی بشر، ورود علم و دانش در قالب رشد تکنولوژی و تولید ماشینی و بهره گیری از دانش در کسب درآمد و کاهش سطح وابستگی به درآمدهای وابسته به طبیعت است.

مرحله ششم - مرحله فرا صنعتی: در مرحله فرا صنعتی تمرکز انسان بر علم در ابعاد مختلف و کاربرد دانش در تمامی ابعاد زندگی موضوعیت پیدا می کند و سهم دانش در تولید محصولات در قیاس با سهم دیگر عوامل افزایش می یابد، دانش فنی (تکنولوژی) - دانش مدیریتی و سازمان دهی نظام تولید (نظام حکمرانی) - دانش فرهنگی و اجتماعی، دانش سیاسی و روابط دیپلماتیک.

تا مرحله سوم و چهارم یعنی مرحله کشاورزی، اتکای اقتصاد و جوامع به طبیعت و منابع طبیعی زیاد است و معمولاً این جوامع نمی توانند در مجموع از سطح رفاه بالایی برخوردار باشند، اگر خشک سالی بیاید و باران نیارد، اقتصاد

آن ها تحت تأثیر قرار می گیرد. سرمایه دگی و گرمزدگی در تولید آن جامعه تأثیر دارد، این محصولات ارزش افزوده پایین و قدرت چانه زنی بین المللی پایینی دارند. از آنجایی که در خصوص استفاده از معادن و دیگر موارد وابستگی به طبیعت بهره برداری به دلیل عدم پیشرفت صنعتی به شکل ماده خام و اولیه یا با فرآوری بسیار پایین است، این محصولات در سطح دنیا به قیمت های پایین به فروش می رسد و به راحتی توسط کشورهای خریدار، قابل مدیریت کردن هستند و همواره نرخ مبادله این کالاها به ضرر کشورهای صادرکننده مواد اولیه حرکت کرده است، اما از مرحله چهارم به بعد و با صنعتی شدن جوامع به ناچار علم و دانش بایستی در ابعاد مختلف زندگی بشر ظهور کند. یک جامعه صنعتی نمی تواند بی نظم و قاعده باشد. یک جامعه صنعتی نمی تواند دانشگاه های غیر پویا و سیستم آموزشی غیرکارا داشته باشد. بنابراین بر اساس اغلب مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف، صنعتی شدن جوامع با مفهوم عام آن (بخش کشاورزی مدرن و پیشرفته هم عضوی از آن است)، جز با ورود علم و دانش و کاربرد آن در عمل اتفاق نمی افتد. از این رو بر اساس وجه مشترک تجارب کشورهای مختلف در مسیر اقتصاد دانش بنیان، همراستایی و هماهنگی بین سیاست های نوسازی صنعتی

زنجیره تولید و قطعه‌سازی و ... دارد و شروع به انجام اقدامات اصلاحی نماید و دولت نیز با اعطای فرصت زمانی برای این اصلاحات، به‌طور برنامه‌ریزی شده؛ مثل صنعت ماشین‌سازی کره جنوبی سیاست‌گذاری اصلاحی و بلندمدتی را همراه با ثبات لازم برای پیاده‌سازی آن‌ها فراهم نماید،

ج: مرزها بدون توجه به ابعاد مختلف اجتماعی - اقتصادی این صنعت باز شود و تعرفه‌های گمرکی نیز حذف شوند که در آن صورت قطعاً این صنعت قادر به ادامه حیات نخواهد بود.

این مثال را بنده به این دلیل مطرح نمودم که مسیر دانش‌بنیانی یک اقتصاد، موضوع بسیار پیچیده و چند بعدی است و به هیچ‌وجه در هدف‌گذاری افزایش تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان و افزایش صادرات آن‌ها محدود نمی‌شود، البته این موضوع به مفهوم نادیده گرفتن نقش و جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان به هیچ‌وجه نیست، اما متأسفانه در اغلب موارد با طرح موضوع اقتصاد دانش‌بنیان اذهان به‌سوی تنها شرکت‌های دانش‌بنیان تولید، صادرات و اشتغال آن‌ها معطوف می‌شود و همه نقش را نیز در حوزه پارک علم و فناوری محدود می‌کنیم، در حالی که در همین صنعت خودرو که مثال زده شد، از سیستم اقتصادی و رژیم نهادی و انگیزشی و اعمال تعرفه‌های گمرکی کشور تا نحوه سیاست‌گذاری دولت، قانون‌گذاری، ثبات سیاست‌ها و به‌طور کلی حکمرانی مناسب در بعد اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور، نیروی انسانی متخصص، ساختار و سازمان‌دهی مدیریتی مناسب، فضای رقابتی صنعت، نظام نوآوری و تحقیقات R&D، نظام مالکیت و ... همگی مطرح می‌باشند.

\* بنابراین در اقتصاد دانش‌بنیان با یک اکوسیستم مواجهیم که مثل دیگر اکوسیستم‌ها بایستی نظم و ارتباط بسیار منطقی بین اجزا و عناصر آن برقرار باشد. یک سر این اکوسیستم دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی هستند که رسالت تولید علم و دانش را به عهده دارند و منجر به بروز ایده‌ها و خلاقیت‌ها می‌شوند و انتهای آن تولید یک محصول و برندسازی و بازاریابی آن و رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی است که در مجموع، نظام علم و دانش، نظام نوآوری و فناوری، نظام مالکیت فکری، نظام اقتصادی، نحوه حکمرانی کلان و بخشی و ... به شکل درهم تنیده‌ای ایفای نقش می‌کنند.

در استان کرمان ۱۰۰ واحد دانشگاهی داریم که بیش از ۱۱۶ هزار دانشجو دارند. تعداد اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های استان ۲۷۳۹ نفر می‌باشد که در سال ۱۴۰۰، ۳۰۹۳ مقاله

و نوآوری و سیاست‌های اقتصاد دانش‌بنیان یک اصل است.

از طرف دیگر در همین بررسی‌ها به‌وضوح می‌توان دریافت که بین رقابت‌پذیری یک اقتصاد با دانش‌بنیانی آن رابطه تنگاتنگی وجود دارد. در نظریه شوپیتز با اهمیت به موضوع نوآوری و پیشرفت صنایع و تحول آن‌ها را در دیدگاه «انهدام خلاق» می‌توان دید که در آن اگر چند بنگاه با سطح فناوری موجود در حال فعالیت هستند، اگر نوآوری خاصی شکل بگیرد و توسط یکی از بنگاه‌ها استفاده شود، آن بنگاه به‌واسطه آن نوآوری بتواند مثلاً محصول با کیفیت‌تر و ارزان‌تری را ارائه نماید و سایر بنگاه‌ها هم در ادامه ناچارند برای حفظ بازار و حفظ جایگاه رقابتی خود (رقابت‌پذیری) به سراغ آن فناوری بروند و به این شکل کم‌کم کل آن صنعت و بنگاه‌ها با تکنولوژی و فناوری جدید بروز می‌شوند که این پروسه انهدام خلاق تعریف می‌شود و این فرآیند در طول زمان همواره تکرار می‌شود و با نوآوری جدید، مجدداً تکنولوژی موجود صنایع محکوم به شکست و جایگزین شدن تکنولوژی جدید است که حتماً برتری نسبت به قبل دارد و بدین ترتیب روال رشد و ترقی یک جامعه و آن صنعت فراهم می‌گردد؛ بنابراین در این دیدگاه هم موضوع نوآوری خیلی مهم است و هم موضوع رقابت‌پذیری که وابسته به بروز شدن و در مرز دانش در آن صنعت حرکت کردن است. این قضیه بین کشورها هم مطرح است اگر در یک صنعت (مثلاً تولید پوشاک) بین دو کشور ایران و ترکیه روش‌های تولید، بازار شناسی و ... یکسان نباشد، به‌راحتی امکان رقابت تولیدکنندگان در کشوری که عقب می‌ماند از بین می‌رود، بنابراین اگر صنعتی می‌خواهد زنده بماند و در سطح جهانی رقابت کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه در مسیر استفاده از دانش و رقابت‌پذیری (اقتصاد دانش‌بنیان) حرکت کند. در مثالی دیگر اگر امروز صنایع خودروسازی ما امکان رقابت‌پذیری با دنیا را ندارد، یکی از دلایل عمده این است که با این فرآیند مواجه نشده است و نوآوری و استفاده از علم روز، فاصله زیادی با دیگر رقبای جهانی دارد.

**از این رو در ادامه ۳ راه بیشتر در پیش روی کشور (در ارتباط با این صنعت) نیست:**

الف: مرزها همچنان بسته باشد و این صنعت با همین وضعیت و کیفیت خودرو تولید کند و به مصرف‌کننده تحویل دهد. (صنعت عقب‌مانده و مصرف‌کننده نیز متضرر است)،

ب: این صنعت بپذیرد نیاز به تحول و نوآوری (در بعد فنی، سازمان‌دهی مدیریتی و نیروی انسانی، بازاریابی،

وجود ۳۰۹۵ مقاله

در استان

کرمان اگر نهاد

درصد این مقالات

به مشکلات

و حل مسائل

اساسی استان

می‌پرداخت و با

تکمیل اکوسیستم

فناوری و تولید

دانش بنیان منجر

به شکل‌گیری

شرکت‌های

دانش بنیان و

نهایتاً تولید

محصولات

دانش بنیان

می‌شد و در طول

۴۰ سال بعد از

انقلاب این فرآیند

به درستی طی

شده بود، امروز

سطح تکنولوژیک

و فناوری تولید

مانند این قدر

با سطح جهانی

اختلاف پیدا

می‌کرد.

ISI داشته‌اند.

مجموعه عواملی درهم تنیده مؤثرند و نگاه به این موضوع بایستی چند بعدی باشد.

وجود ۳۰۹۵ مقاله ISI در استان کرمان اگر تنها ده درصد این مقالات به مشکلات و حل مسائل اساسی استان می‌پرداخت و با تکمیل اکوسیستم فناوری و تولید دانش‌بنیان منجر به شکل‌گیری شرکت‌های دانش‌بنیان و نهایتاً تولید محصولات دانش‌بنیان می‌شد و در طول ۴۰ سال بعد از انقلاب این فرآیند به‌درستی طی شده بود، امروز سطح تکنولوژیک و فناوری تولید ما نباید این‌قدر با سطح جهانی اختلاف پیدا می‌کرد.

در استان کرمان ۵۹ واحد R&D وجود دارد که ۱۲ واحد آن دانشگاهی و ۲۰ واحد شرکت‌های دانش‌بنیان و ۴ مرکز تحقیقاتی مستقل تخصصی داریم.

به‌عنوان مثال، استان کرمان دارای مرکز تحقیقات تخصصی پسته است، در مجامع مختلف استان و گفت‌وگوهای علمی همه از این موضوع می‌نالند که عملکرد در هکتار در فلان کشور اروپایی و آمریکایی این‌قدر بالاست، اما در کرمان اعداد ۴۰۰ تا ۷۰۰ کیلو در هکتار است. شیوه کشت در آن کشورها، این‌گونه مثلاً کارآمد است، اما در استان کرمان نیست. ما بارها این صحبت‌ها را از زبان متخصصین امر می‌شنویم و یک مرکز تحقیقات تخصصی پسته نیز در کنار آن داریم، علاوه بر آن دو مرکز تحقیقات آموزشی کشاورزی و منابع طبیعی مستقل شمال و جنوب استان را داریم. دانشکده کشاورزی در اغلب دانشگاه‌های مطرح استان داریم و دیگر ظرفیت‌های تولید علم و دانش و شاخص‌ها هم می‌گویند: در تولید علم و مقالات متعدد علمی علی‌الظاهر موفق بوده‌ایم، اما سؤال این است که چقدر این تولیدات علمی در خدمت حل مسائل استان بوده است؟ البته طرح این مسئله به مفهوم نفی زحمات و جایگاه ارزنده هیچ کدام از نهادهای ذکر شده نیست و تأکید می‌شود که مراکز علمی و تحقیقاتی و دانشگاه‌ها به تنهایی قادر به حل این مسئله نیستند و یک مجموعه عوامل و اجزا و عناصر به هم پیوسته دخیل هستند که اتفاقاً امروز هدف از طرح مسئله هم تأکید بر این امر است که ما بتوانیم یک هم‌راستایی را بین این اجزا فراهم نماییم. اگر مرکز تحقیقات کار تحقیقاتی انجام می‌دهد، اما در عمل پیاده نمی‌شود، علت چیست؟ گره کار کجاست؟ چرا کشاورز ما همان‌طور که هنگام بیماری جسم، او برای مداوا به پزشک مراجعه می‌کند چرا برای بیماری مزرعه به پزشک مزرعه مرکز (R&D) مراجعه نمی‌کند؟ آیا مشکل از بیمار است؟ یا مشکل از پزشک است؟ یا هر دو؟ یا هیچ‌کدام و یک عامل برون‌زا دخیل است؟

در کشور نیز در سال ۲۰۲۱ ایران رتبه ۱۵ ام را در تولید علم بر اساس تعداد مقالات علمی در جهان داشته است که ۲,۱۶ درصد از کل مقالات جهان است، این در حالی است که سهم ایران در اقتصاد جهانی کمتر از ۰,۴ درصد است. در موضوع مقالات داغ ایران رتبه ۱۳ ام را دارد حدود ۵ درصد سهم از کل دنیا و در مقالات پر استناد رتبه ۱۶ ام و سهم حدود ۳,۶۷ درصدی در سطح جهانی داریم.

در فرایند اقتصاد دانش‌بنیان گفته می‌شوند که گام اول تولید علم است، بنابراین چه در استان کرمان و چه در سطح کشور این جایگاه کاملاً حکایت از آن دارد که دانشگاه‌ها در مرحله اول تولید علم نقش خود را به انجام رسانده‌اند. گام آخر - کاربرد علم است، یعنی علم و دانش تولید شده در نظام آموزشی و مراکز علمی و تحقیقاتی، تبدیل به کاربرد و تجاری‌سازی علمی شود. شاخص‌های کاربرد علم اما متأسفانه حکایت از جایگاه نامطلوب کشور و استان دارد؛ به عبارت دیگر در نقش تولید علم رتبه خوبی داریم، اما در کاربرد آن متأسفانه خیر!

**بر اساس شاخص نوآوری جهانی وضعیت ایران به شرح ذیل است:**

۱. در حوزه نهادها رتبه ایران ۱۲۰
  - زیر شاخص فضای کسب‌وکار رتبه ۱۲۵
  - زیر شاخص کیفیت و تنظیم‌گری (رگولاتوری) رتبه ۱۲۹
  ۲. پیچیدگی کسب‌وکار رتبه ۱۱۲
  ۳. همکاری تحقیقاتی دانشگاه و صنعت رتبه ۱۱۷
  ۴. در حوزه پیچیدگی بازار رتبه ۱۰۸
  - زیر شاخص نرخ تعرفه اعلام شده ۱۲۹
- همچنین در شاخص رقابت‌پذیری (بر اساس گزارش ۲۰۲۰-۲۰۱۹ مجمع جهانی اقتصاد) نیز رتبه ایران حدود ۹۹ می‌باشد.

حال سؤال اساسی این است که چرا ما در مرحله تولید علم نسبتاً موفق بوده و یا بهتر بگوییم در مرحله تولید علم برای دنیا موفق بوده‌ایم؟ اما چقدر تحقیقات و مقالات علمی ما در ارتباط با مسائل کشور و استان بوده است؟ این سؤال قابل تأملی است. در بالا گفتیم دانشگاه در تولید علم، نقش خودش را به خوبی انجام داده، اما باید گفت وقتی که بحث تعامل صنعت و دانشگاه و رتبه ۱۱۷ جهانی در کنار رتبه تولید علم ۱۵ جهانی می‌شود، حکایت از آن دارد که دانشگاه‌های ما در تولید علم مأموریت محور و مسئله محور برای اقتصاد کشور و استان حرکت نکرده‌اند، اگرچه معتقد نیستیم که ایراد فقط از دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی است، خیر! همان‌طور که بیان شد،

**بررسی ساختار تحقیقات در کشورهای پیشرفته و مقایسه با کشور خودمان هم حکایت از آن دارد که تحقیقات در ایران حدوداً ۷۵ درصد دولتی و حدود ۲۵ درصد توسط بنگاه‌های خصوصی انجام می‌شود و شاید ریشه مشکل را هم از همین جا بتوان دنبال کرد که با توجه به منشأ اعتبارات پژوهشی که حدود ۷۵ درصد دولتی است، پاسخ‌دهی پژوهش‌ها به مسئله‌ها هم (به دلیل ساختار دولتی) کم می‌شود، اگرچه نسبت پژوهش به GDP هم در کشور ما حدود ۸۳ صدم درصد است که در قیاس با کشوری مثل کره جنوبی؛ حدوداً ۴,۸۱ درصد، خیلی کمتر است.**

دارای ظرفیت‌های بالایی نیز است که در حال حاضر نیز بعضاً با تکنولوژی بالا و یا متوسط در حال انجام هستند و ارزش‌افزوده مناسبی هم دارند که قطعاً از تحلیل فوق، مستثنی هستند. آنچه مدنظر است، ساختار کلی و شاکله اصلی بخش کشاورزی استان است، دوستداران بخش کشاورزی توجه داشته باشند که این تحلیل ضد بخش کشاورزی نیست، اتفاقاً تأکید بر این است که بایستی فکری اساسی برای بخش سنتی و غیر مدرن استان شود، آن‌هم با استفاده از کاربرد دانش، علم و تحقیقات نتیجه محور و مسئله محور در قسمت‌های مختلف استان. همچنین بایستی دستگاه‌های جهاد کشاورزی استان علاوه بر نقش ارائه خدمات اجرایی به کشاورزان، خدمات علمی و پژوهشی و امور ترویجی را توسعه دهند.

\* در بخش صنعت استان نیز متأسفانه حدود ۸۶ درصد صنایع استان دارای سطح فناوری پایین و متوسط به پایین هستند و فقط ۱۴ درصد از فناوری بالا و متوسط استفاده می‌کنند، بنابراین ساختار صنعتی نیز غیر مدرن و سنتی است.

این شاخص حکایت از آن دارد که نه‌تنها در حال حاضر

در پیچیدن نسخه مناسب برای درمان سنتی بودن اقتصاد و حرکت به سمت دانش‌بنیانی نیازمند آسیب‌شناسی جدی و پاسخگویی علمی به این سؤالات هستیم.

\* بررسی ساختار تحقیقات در کشورهای پیشرفته و مقایسه با کشور خودمان هم حکایت از آن دارد که تحقیقات در ایران حدوداً ۷۵ درصد دولتی و حدود ۲۵ درصد توسط بنگاه‌های خصوصی انجام می‌شود و شاید ریشه مشکل را هم از همین‌جا بتوان دنبال کرد که با توجه به منشأ اعتبارات پژوهشی که حدود ۷۵ درصد دولتی است، پاسخ‌دهی پژوهش‌ها به مسئله‌ها هم (به دلیل ساختار دولتی) کم می‌شود، اگرچه نسبت پژوهش به GDP هم در کشور ما حدود ۸۳ درصد است که در قیاس با کشوری مثل کره جنوبی؛ حدوداً ۴,۸۱ درصد، خیلی کمتر است.

بنابراین در توصیه اول اگر مسیر تحقیقات و پیوند دانشگاه‌ها و مراکز صنفی و بنگاه‌های اقتصادی برای حل مسائل آن‌ها در قالب قراردادهای تحقیقاتی و پژوهشی اصلاح شود، هم به انتشار و کاربرد علم در عمل کمک خواهد کرد و هم دانشگاه‌ها از اتکا به منابع دولتی نیز فاصله خواهند گرفت.

امروز اساتید برجسته‌ای در دانشگاه‌های استان داریم که مقالات علمی ارزشمندی نیز تولید می‌کنند، اما عمدتاً این نگاه به انجام مقالات مسئله محوری و پاسخ به مشکلات استان نیست و اتفاقاً بیشتر بر اساس تقاضای علم در سطح بین‌المللی است که برای اصلاح آن بایستی معیارهای ارتقاء در صلاحیت علمی اساتید نیز بومی‌سازی شود و از شکل مکانیکی فعلی خارج شود.

بر اساس دیگر شاخص‌های اقتصادی نیز عمده اقتصاد استان کرمان متأسفانه به شکل سنتی و غیر مدرن اداره می‌شود و همین مسئله یکی از دلایل عمده پایین بودن سطح درآمد و معیشت و حتی فقر در استان است، جمعیت تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی در کرمان نسبت به کشور ۵ درصد بیشتر است و جایگاه درآمد - هزینه خانوار چه در حوزه شهری و چه روستایی، اصلاً مناسب نیست و تقریباً در رتبه‌های ۲۹ و ۳۰ کشوری هستیم؛ این شرایط به دلیل پایین بودن درآمدزایی اقتصاد سنتی است.

• ساختار سنتی در بخش کشاورزی را می‌توان در اراضی پراکنده و خرد (زیر ۱ هکتار) در بیش از ۴۰ درصد بهره‌برداران دانست.

• ۳۴ درصد بهره‌برداران کشاورزی استان بی‌سواد هستند،

• رتبه مساحت اراضی کشاورزی هر بهره‌بردار استان به‌طور متوسط در بین استان‌های کشور رتبه ۲۲ است.

البته نباید از نظر دور داشت که کشاورزی استان کرمان



می‌شود که حکایت از کاربرد علم و دانش در ابعاد مختلف آن (دانش فنی - دانش مدیریتی- اجتماعی و فرهنگی و ...) دارد.

۵- از آنجایی که بخش زیادی از کارکرد اکوسیستم فناوری و نوآوری استان به تعیین روابط بین اجزا و عناصر برمی‌گردد که از طریق قوانین و دستورالعمل‌های مربوطه عملیاتی می‌گردند، به نظر می‌رسد، چارچوب کلان قانون موجود تکافوی حرکت در این مسیر را دارد، اما در فرآیندها و سازوکارهای داخلی اجزا و یا هماهنگی بین آن‌ها نیازمند به مقررات رگولاتوری بالاتر وجود دارد. مثلاً در حوزه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ضرورت دارد دستورالعمل‌های ارتقاء و ارزیابی علمی اساتید و هیئت‌علمی دانشگاه‌ها متناسب با کاربرد علم در جامعه و در پاسخ به حل مسائل جامعه بومی‌سازی شود و تشکیل شورای راهبری فناوری و تولید دانش‌بنیان نیز دقیقاً با همین رویکرد ایجاد همگرایی بین اجزاء و عناصر می‌باشد.

۶- از آنجایی که احساس نیاز به نوآوری و رقابت‌پذیری چه در عرصه داخلی و چه خارجی آن به میزان قابل توجهی به سیاست‌های تعرفه‌ای و نظام گمرکی کشور برمی‌گردد، بنابراین ایجاد نمودن این فضا نیز به‌عنوان تکالیف کلان دولت می‌باشد. به‌عنوان مثال اگر خودروسازان داخلی به‌طور منطقی و در گذشته مثل خودروسازان کره جنوبی در یک فضای سالم حمایتی - رقابتی رشد کرده بودند، امروز یا چنین صنعتی نداشتیم و یا اگر داشتیم حتماً بسیار متفاوت با امروز بود.

۷- از طرف دیگر در همین ارتباط، اصلاح قیمت‌های نسبی در اقتصاد است، در موارد زیادی عدم پیشرفت‌های تکنولوژی و به‌روزرسانی صنایع و ناکارآمدی حاصل از آن با اعطای یارانه‌های سنگین و بعضاً پنهان مختلف پوشانده می‌شود و عملاً مسیر رشد ارگانیک و منطقی صنایع را با مشکل مواجهه می‌نماید، بنابراین حرکت تدریجی اصلاحی برای منطقی سازی قیمت‌ها با لحاظ جوانب اجتماعی آن در بلندمدت آثار بسیار مثبتی خواهد داشت.

در پایان، حرکت به‌سوی اقتصاد دانش‌بنیان، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که در کوتاه‌مدت هم انتظار تحقق آن عملیاتی نیست و همچنین موضوعی چندبعدی و چندوجهی است که نیازمند نگاه جامع متناسب با همین ابعاد نیز می‌باشد و دو رویکرد کلی را در سطح کلان استان می‌طلبید: الف: افزایش سطح تکنولوژی و فناوری تولید در محصولات غیر دانش‌بنیان و حرکت به‌سوی نوسازی صنعتی، ب: افزایش تولید محصولات دانش‌بنیان در استان و افزایش سهم این محصولات در طول زمان. ♦♦

استان فاصله زیادی تا رسیدن به سهم قابل توجه از تولید محصولات دانش‌بنیان دارد، بلکه در تولید محصولات غیر دانش‌بنیان نیز از آخرین تکنولوژی و متد روز دنیا استفاده نمی‌شود که این مسئله اهمیت توجه به فرآیند، (تأکید می‌شود) فرآیند دانش‌بنیانی را دو چندان می‌نماید. برای اینکه تفاوت این دو جایگاه روشن‌تر شود، فرض کنیم اگر اقتصاد سنتی و غیر مدرن را به منزله یک شخص با دانش پایین مثلاً کلاس پنجم (تحصیلات ابتدایی) در نظر بگیریم که به دلیل پایین بودن دانش تخصصی عمدتاً در حوزه تولیدات یدی و فیزیکی مشغول به کاراست و درآمد پایینی هم دارد، جایگاه اقتصاد دانش‌بنیان همچون یک فرد متخصص (مثلاً یک متخصص قلب یا یک خلبان برجسته و ... است) که کسب درآمد را در سطح بالاتر و با اتکالی به دانش خود انجام می‌دهد.

این مثال اگر خیلی پیش پا افتاده و با معیارها و تعاریف دانش‌بنیانی فاصله دارد، اما نکات اساسی زیر را می‌تواند نشان دهد:

۱- رسیدن به جایگاه اقتصاد دانش‌بنیان با توجه به جایگاه فعلی اقتصاد استان در واقع فاصله بین همان فرد با تحصیلات ابتدایی و یک فرد متخصص با تحصیلات عالی در مثال فوق است که طی نمودن آن یک شبه اتفاق نمی‌افتد، بلکه نیازمند زمان و برنامه‌ریزی دقیق در ابعاد مختلف است.

بنابراین بهاء دادن به دانش، نوآوری و فناوری مسئله انتخاب نیست، بلکه جوامعی که دنبال پیشرفت و ترقی هستند، به‌ناچار بایستی به این موضوع روی آورند و بیان شعار سال از سوی مقام معظم رهبری در این ارتباط نیز هوشمندانه و ناشی از نگاه بسیار دقیق تخصصی و دوراندیشانه است.

۲- حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان در موارد زیادی با سیاست‌های نوسازی صنعتی (به مفهوم عام آن) مترادف‌اند و به‌طور کاملاً سازگار با هم تعریف می‌شوند.

۳- دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی و مراکز R&D از اهمیت بالایی در این ارتباط برخوردارند و در گام بعدی بایستی این مراکز با رویکرد مسئله محوری و مأموریت‌گرایی اصلاح ساختار و باز تعریف در فرآیندها شوند.

۴- جامعه صنعتی استان، بنگاه‌های بزرگ، کوچک و خرد در زمینه‌های مختلف فعالیت (حتی فعالیت‌های خدماتی) بایستی این نگاه نهادینه شود که هم بقا و هم کسب درآمد، امروزه در رقابت‌پذیری داخلی و بین‌المللی است و آن هم با بروز رسانی روش‌های مدرن تولید، استفاده از مدیریت صحیح و علمی، بازاریابی اصولی و ... محقق

رسیدن به جایگاه اقتصاد دانش‌بنیان با توجه به جایگاه فعلی اقتصاد استان در واقع فاصله بین همان فرد با تحصیلات ابتدایی و یک فرد متخصص با تحصیلات عالی در مثال فوق است که طی نمودن آن یک شبه اتفاق نمی‌افتد، بلکه نیازمند زمان و برنامه‌ریزی دقیق در ابعاد مختلف است.



گفت‌وگو با دکتر «عماد جمعه‌زاده»؛ عضو هیئت مدیره انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان

## حرکت در مسیر فناوری و نوآوری الزام است، نه انتخاب

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انجمن دانش‌بنیان استان کرمان، تهیه و تدوین سند توسعه فناوری و نوآوری استان است. اجزاء اکوسیستم فناوری و نوآوری باید با یکدیگر ارتباط لازم در حوزه‌های انجام وظایف مربوطه برقرار نمایند. متأسفانه در استان کرمان، برخی از این اجزا ارتباط مناسبی در حوزه وظایف خود با دیگر اجزا نداشته‌اند. از طرفی حرکت در مسیر فناوری و نوآوری یک انتخاب نیست؛ بلکه یک الزام است. قطعاً شرکت‌هایی که در آینده نزدیک در این مسیر قرار نگیرند، شاید رشد پایدار خود را نداشته باشند. بنابراین، مجبور هستیم سرعتمان را در این زمینه ارتقا دهیم. عماد جمعه‌زاده عضو هیئت‌مدیره انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان، همچنین با اشاره به این‌که اگر عوامل مؤثر در اکوسیستم فناوری و نوآوری، انسجام لازم را نداشته باشند، موجب اشتغال‌زایی و پیشرفت منطقه می‌شود و از خروج نخبگان از منطقه نیز جلوگیری می‌شود، افزود: هنوز یک وحدت رویه در این زمینه شکل نگرفته و بسیاری از موارد در حد شعار است و در خیلی از موارد با بی‌برنامگی کار می‌کنیم که موجب می‌شود به هدفی که در این حوزه داریم، نرسیم. اما امید داریم در سال جدید که به نام اشتغال و اقتصاد دانش‌بنیان نام‌گذاری شده، عوامل مختلف به سمت شعارزدگی حرکت نکنند و اقداماتی را انجام دهند که در این حوزه مؤثر باشد. در ادامه شما را به مطالعه این گفت‌وگو دعوت می‌نمایم.

### ◆ شورای عالی فناوری و نوآوری استان، تاکنون چه اثربخشی در مسیر رشد و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان استان داشته است؟

پیشنهاد تشکیل شورای عالی فناوری و نوآوری استان حدود سه سال پیش توسط انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی مطرح شد و مورد پذیرش قرار گرفت. هدف، تشکیل شورایی بود که بتواند در زمینه‌های دانش‌بنیان، فناوری و در حقیقت بسترسازی اکوسیستم فناوری و نوآوری در استان کرمان تصمیمات ویژه، سریع و عملیاتی بگیرد. ترکیبی که برای این شورا پیشنهاد شد، ترکیب چابکی از بخش خصوصی و دولتی مربوطه در اکوسیستم فناوری و نوآوری بود که تاکنون یک جلسه از این شورا تشکیل شده، اما متأسفانه به دلیل وجود ساختارها و اینکه در طبقه‌بندی ساختارهای فعلی امکان ایجاد این شورا نبود، فعالیت این شورا ادامه پیدا نکرد. در واقع در آن زمان اهمیتی که سازمان‌ها برای موضوع دانش‌بنیان قائل بودند، به‌اندازه الان نبود. تا اینکه اخیراً در سال جدید قرار بر این شد که این شورا دوباره راه‌اندازی شود و تصمیمات ویژه‌ای در این حوزه گرفته شود.

### ◆ انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان چه دستاوردهایی داشته است؟

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انجمن، تهیه و تدوین سند



توسعه فناوری و نوآوری استان است. در این سند که با همکاری شرکت شهرک‌های صنعتی تدوین شد، اجزای اکوسیستم استان کرمان، ارتباطات و وظایف آن‌ها با انجام مقایسه‌ای بین روند انجام فعالیت اکوسیستم‌ها در سایر استان‌ها

باهداف گسترش فرهنگ کارآفرینی در استان کرمان، تقریباً برای اولین بار توسط انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان پادکستی با عنوان «کارآفرینی با طعم قاووت» راه‌اندازی و ۲۳ قسمت از این پادکست به کارآفرینان و فناوران حوزه دانش‌بنیان اطلاع‌رسانی شد.

## ♦♦ در شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی پیشران اقتصاد

### دانش‌بنیان استان چه کرده‌اید؟

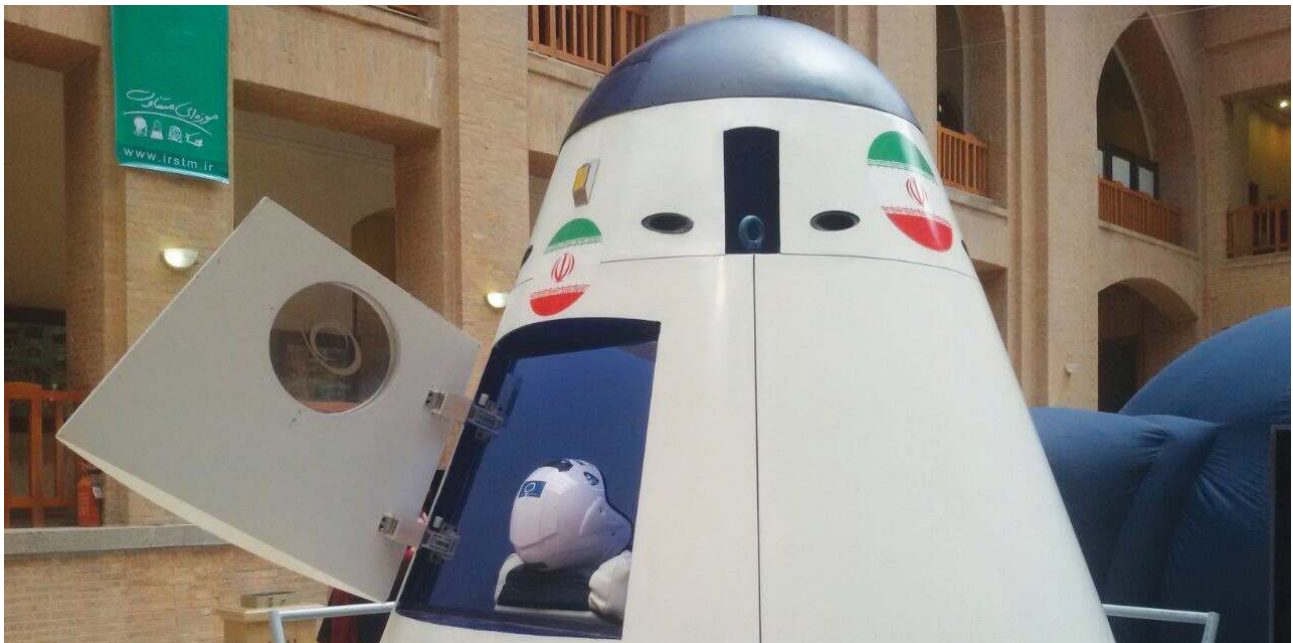
یکی از عوامل مهمی که در هر منطقه‌ای موجب توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و بسترسازی برای رشد آن‌ها می‌شود، وجود اکوسیستم فناوری و نوآوری در آن منطقه است؛ یعنی اگر اجزای اکوسیستم فناوری در منطقه وظایف خود را به‌درستی انجام دهند و اکوسیستم فناوری و نوآوری در آنجا شکل بگیرد، خودبه‌خود افرادی که داخل این اکوسیستم قرار می‌گیرند، می‌توانند مسیر پیشرفت و توسعه خود را در حوزه‌های فناوری و نوآوری به‌راحتی شکل دهند.

در استان کرمان، انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان، سند توسعه فناوری و نوآوری را تهیه و تدوین نمود که در این سند تمامی اجزای اکوسیستم شناسایی و ارتباطات این سیستم مشخص و وظایف هرکدام از اجزا تعیین شد و همچنین نواقص و مشکلاتی که در حوزه ارتباطی بین اجزا وجود داشت، مشخص و تعیین شد. نزدیک ۲۰ جزء برای اکوسیستم فناوری و نوآوری در استان کرمان تعیین گردید؛ از جمله: اتاق بازرگانی، شرکت شهرک‌ها، پارک علم و فناوری، انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز رشد، شتاب‌دهنده‌ها، دانشگاه‌ها، کارپایی‌ها، شرکت‌های مشاوره خصوصی، کانون‌های خلاقیت، آموزش‌وپرورش، بنیاد نخبگان، صندوق پژوهش و فناوری و دیگر اجزا می‌باشند.

یکی از نکات مهمی که اهمیت دارد این است که این اجزا بایستی با یکدیگر ارتباط لازم در حوزه‌های انجام وظایف خود

و حتی با کشورهای دیگر مشخص و تعیین شد. همچنین ضعف‌هایی که هرکدام از این اجزا بخصوص در ارتباطات خود داشته‌اند را مشخص کردیم که می‌توان گفت شناسایی ضعف‌ها اولین بار در استان کرمان در سطح کشور انجام شد. از اقدامات دیگری که در انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان انجام شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پیشنهاد تشکیل شورای فناوری و نوآوری در استان کرمان،
- تعدادی مصوبه به‌واسطه حضور انجمن در جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی و ستاد اقتصاد مقاومتی به تصویب رسید، از جمله: انتخاب شعبه یک تأمین اجتماعی به‌عنوان پایلوت موضوعات دانش‌بنیان استان کرمان،
- برگزاری جلسه با تقریباً تمامی شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان جهت بررسی مشکلات، جمع‌بندی و ارجاع به نهادهای مربوطه،
- باهدف گسترش فرهنگ کارآفرینی در استان کرمان، برای اولین بار توسط انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان پادکستی با عنوان «کارآفرینی با طعم قاووت» راه‌اندازی و ۲۳ قسمت از این پادکست به کارآفرینان و فناوران حوزه دانش‌بنیان اطلاع‌رسانی شد،
- انعقاد تفاهم‌نامه با بانک رسالت جهت راه‌اندازی کانونی مختص شرکت‌های دانش‌بنیان و کارمندان آن،
- تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق راه‌اندازی صندوق پژوهش و فناوری توسط شرکت‌های عضو انجمن دانش‌بنیان،
- ایجاد و ارتباط لازم بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و شرکت‌های دانش‌بنیان جهت امریه‌سازی.



## ◆ در مورد فضای کسب‌وکار در حوزه دانش‌بنیانی استان

### کرمان چه ارزیابی و انتظاراتی دارید؟

طی سال‌های گذشته اقدامات خوبی در این زمینه انجام شده که خیلی از آن‌ها کمک‌کننده بوده‌اند، اما سرعت رشد این حوزه در استان کرمان باید بسیار بیشتر از چیزی که الان وجود دارد، باشد؛ به عبارتی باید یک وحدت رویه در استان شکل بگیرد. متأسفانه علی‌رغم اینکه امسال، سال دانش‌بنیان نام‌گذاری شده و بسیاری از عوامل مؤثر در سازمان‌های مختلف این شعار را یکی از اولویت‌های خود قرار داده‌اند، اما هنوز یک وحدت رویه در این زمینه شکل نگرفته و بسیاری از موارد در حد شعار است و در خیلی از موارد با بی‌برنامگی کار می‌کنیم که موجب می‌شود به هدفی که در این حوزه داریم، نرسیم؛ بنابراین، باید تک‌تک عواملی که در اکوسیستم فناوری و نوآوری وجود دارند، ابتدا وظایف و ضعف‌های خود را بشناسند، ارتباطاتی که باید با سایر عوامل در اکوسیستم برقرار نمایند را مشخص کنند و نهاد مستقلی وجود داشته باشد که بر این حوزه نظارت کند تا در آینده‌ای نزدیک، اکوسیستم فناوری و نوآوری در استان کرمان شکل بگیرد تا وقتی شرکتی در این حوزه وارد می‌شود، به راحتی مسیر رشد خود را پیدا کند تا بتواند در این مسیر موفق باشد.

از سوی دیگر همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، حرکت در مسیر فناوری و نوآوری یک انتخاب نیست؛ بلکه یک الزام است. قطعاً شرکت‌هایی که در آینده نزدیک در این مسیر قرار نگیرند، شاید رشد پایدار خود را نداشته باشند؛ بنابراین، مجبور هستیم سرعتمان را در این زمینه ارتقا دهیم و اگر این کار را نکنیم بسیاری از کسب‌وکارها از گردونه فعالیت خارج می‌شوند.

### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، بیان فرمایید.

ضمن تشکر از نشریه «سپهر اقتصاد کرمان»، امیدوار هستیم روزی برسد که استقرار و شکل‌گیری اکوسیستم فناوری و نوآوری در استان تحقق پیدا کند. امید داریم در سال جدید که به نام اشتغال و اقتصاد دانش‌بنیان نام‌گذاری شده، عوامل مختلف به سمت شعارزدگی حرکت نکنند و اقداماتی را انجام دهند که در این حوزه مؤثر باشد. انشاء الله در انتهای سال همه نهادهای مسئول از جمله اتاق بازرگانی کرمان، انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان، گزارش جامعی از اقداماتی که انجام شده، داشته باشند و همه این عوامل در رشد و توسعه فناوری و نوآوری در استان کرمان تأثیرگذار باشد. ◆◆

برقرار نمایند. متأسفانه در استان کرمان، برخی از این اجزا ارتباط مناسبی در حوزه وظایف خود با دیگر اجزا نداشته‌اند که عوامل آن شناسایی شد و در صورت پیاده‌سازی و رفع این موارد، کمک شایانی به رشد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان خواهد شد.

## ◆ برای بالا بردن کمیت و کیفیت شرکت‌های دانش‌بنیان

### چه اقداماتی صورت گرفته است؟

بسیاری از شرکت‌های متقاضی، پتانسیل لازم جهت اخذ مجوز دانش‌بنیانی را دارند، اما بنا به بروکراسی اداری تمایلی برای ثبت‌نام ندارند. برای حل این مسئله انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان، موضوع ثبت‌نام برای کسب مجوز دانش‌بنیان را در جهت افزایش کمی شرکت‌های دانش‌بنیان در دستور کار خود قرار داده است. برای این منظور شرکت‌هایی که متقاضی هستند به صورت افتخاری عضو انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان می‌شوند و مراحل ثبت‌نام و کسب مجوز توسط این انجمن انجام می‌شود.

همچنین برای افزایش کیفیت شرکت‌های دانش‌بنیان، جلسات متعددی با شرکت‌ها و عوامل مؤثر آن‌ها برگزار گردید که مشکلات احصا، دسته‌بندی و بانک اطلاعاتی نیز آماده‌سازی شد و تلاش نمودیم تا جایی که در توان انجمن است، در جهت برطرف کردن مشکلات اقدامات لازم را انجام دهیم.

## ◆ چشم‌انداز بخش فناوری، نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان

### استان کرمان در آفاق زمانی معین را چگونه ترسیم می‌کنید؟

در استان موضوعات فناوری، نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان مطرح شده و بحث‌های زیادی در این رابطه انجام گرفته است و در برخی از موارد قدم‌هایی در این زمینه برداشته شده است، اما سرعت کار در این زمینه بسیار کم است، به طوری که در سال‌های اخیر رتبه استان در این خصوص در کشور نزولی شده است؛ که این موضوع ناشی از عوامل مختلفی از جمله عدم حمایت و همکاری از سوی نهادهایی که در این اکوسیستم بسیار مؤثر هستند، می‌باشد.

تنها مسیر روشنی که وجود دارد این است که موضوعات فناوری و نوآوری یک الزام است، نه یک انتخاب و باید در منطقه و کشور به سمت این موضوعات برویم. شاید در آینده کسب‌وکارهایی موفق خواهند بود که یکی از زمینه‌های ایجاد ارزش‌افزوده در آن‌ها، موضوعات فناوری و نوآوری باشد. چندان نمی‌شود درباره چشم‌انداز صحبت کرد، اما امیدواریم عوامل مؤثر در اکوسیستم فناوری و نوآوری، انسجام لازم را داشته باشند؛ چراکه نه تنها موجب اشتغال‌زایی و پیشرفت منطقه می‌شود، بلکه از خروج نخبگان از منطقه نیز جلوگیری خواهد کرد.

### در استان

#### کرمان، انجمن

#### شرکت‌های

#### دانش‌بنیان، سند

#### توسعه فناوری

#### و نوآوری را تهیه

#### و تدوین نمود

#### که در این سند

#### تمامی اجزای

#### اکوسیستم

#### شناسایی و

#### ارتباطات این

#### سیستم مشخص

#### و وظایف هرکدام

#### از اجزا تعیین شد

#### و همچنین نواقص

#### و مشکلاتی که

#### در حوزه ارتباطی

#### بین اجزا وجود

#### داشت، مشخص

#### و تعیین شد.



گفت‌وگو با «فرهاد افشار» کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی

## نیروی انسانی؛ ارزشمندترین سرمایه

در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور، نشانه‌هایی از درک اهمیت نوآوری و تلاش برای تشکیل و توسعه اکوسیستم نوآوری دیده می‌شود. البته به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که بگوییم سطح حمایت‌ها متناسب شده و به اثربخشی رسیده است. سرمایه‌گذاری خطرپذیر در حال ورود به ادبیات اقتصادی کشور است. در حال حاضر اکوسیستم نوآوری ما سالم نیست و نمی‌تواند با بخش‌های مختلف بازار تعامل خوبی داشته باشد، نوآوری‌هایی که در کشور ما اتفاق می‌افتد، خیلی مناسب نیستند و اهمیت آموزش بنا به شیوه‌های مختلف در تفهیم ارزش توسعه فناوری و تحقیق و توسعه و ارزش سرمایه‌گذاری روی ایده‌های نو و فناوری‌ها مورد تأکید است. اقتصاد جهانی به این نتیجه رسیده است که بویژه در بخش فناوری و توسعه اقتصادی دانش‌بنیان، ارزشمندترین سرمایه، نیروی انسانی است که کشور ما در این زمینه پیشرو است، اما در پاره‌ای از فاکتورها عقب‌تر از برخی کشورهای منطقه هستیم. متأسفانه اطلاع‌رسانی و آگاهی مناسبی در بین فناوران استان در مورد تسهیلات و سازمان‌های حامی وجود ندارد و به‌طور کلی در زمینه کشف فرصت‌ها خیلی وضعیت خوبی نداریم. شبکه‌سازی مناسبی در بین شرکت‌های فناور استان برای استفاده از امکانات همدیگر وجود ندارد؛ لذا بسیاری از فرصت‌ها سوخت می‌شود. امیدوارم با همکاری شرکت‌های صنعتی، معدنی و کشاورزی استان کرمان در اعلام چالش‌های فناورانه خود در جهت درک تعامل با استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپای فناور و نیز سیاست‌گذاری‌ها و شبکه‌سازی‌های درستی که در اکوسیستم نوآوری استان اتفاق می‌افتد، با استفاده بیشتر از فرصت‌ها شرکت‌های فناور رشد و توسعه پیدا کنند. شرح کامل گفت‌وگو با فرهاد افشار کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی را در ادامه مطالعه نماییم.



♦♦ به نظر شما نوآوری تا چه حد توانسته است در فضای سیاست‌گذاری اقتصادی کشور به‌عنوان یک مؤلفه اساسی وارد شود؟

نوآوری برای ظهور و بروز خود نیاز به یک محیط مستعد دارد و اگر این محیط مستعد نباشد، اثربخشی نوآوری به حداقل می‌رسد. در ده، پانزده سال اخیر فاکتورهایی که نشان می‌دهد سیاست‌گذار به اهمیت فناوری و توسعه دانش در خلق ثروت رسیده، نمود پیدا کرده و در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور نشانه‌هایی از درک اهمیت نوآوری و تلاش جهت ایجاد محیط مناسب برای آنکه از آن به «تشکیل یا توسعه یک اکوسیستم نوآوری» یاد می‌شود، دیده شده است؛ برای مثال تشکیل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، مباحث دانش‌بنیان و صلاحیت‌های آن، حمایت از پارک‌های علم و فناوری، اقتصاد دانش‌بنیان و مواردی از این دست. در مجموع هنوز در کشور به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که بگوییم این سطح از حمایت‌ها متناسب شده و به اثربخشی رسیده است؛ چرا که ما در بخشی از این سیاست‌گذاری‌ها هنوز نشانه‌هایی از آزمون و خطا را می‌بینیم که ناشی از این است که ما به اکوسیستم توجه نکرده و تمرکز اصلی ما برای مثال بر روی افزایش تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان یا افزایش تعداد اختراعات است که این‌ها به این معنی نیست که اقتصاد، دانش‌محور و دانش‌بنیان شده است، بلکه برای توسعه واقعی اقتصاد دانش‌بنیان نیاز است که اکوسیستم نوآوری یک شهرستان، شهر یا کشور متناسب با هم رشد کنند تا شاهد باشیم که اثربخشی آن به حداکثر برسد.

♦♦ نوآوری در ایجاد بازارهای جدید و نیز پاسخگویی متفاوت به بازارهای موجود در ایران در مقایسه با میانگین کشورهای جهان تاکنون چه نقشی ایفا کرده است؟

در مورد پاسخ به این سؤال، ابتدا لازم است یک وجه تفکیکی قائل شویم. در مدیریت نوآوری، نوآوری‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛

\* نوآوری‌های حاصل از فشار تکنولوژی (Technology push)،

\* نوآوری‌های حاصل از کشش بازار (Market Pull).

هر دو نوآوری‌هایی که اتفاق می‌افتد، در واقع دارای اهمیت بوده و پاسخگو به نیازها و خواسته‌هایی می‌باشند. تکنولوژی‌های حاصل از کشش بازار به تولید محصولاتی برمی‌گردد که در بازار موجود نیستند و خیل عظیمی از مشتریان به دنبال آن هستند؛ به طوری که اگر تولیدکننده یا مخترع آن را تولید و بسازد، بازار خوبی خواهد داشت؛ برای مثال واکسن کرونا زمانی که موجود نبود.

منظور از نوآوری‌های حاصل از فشار تکنولوژی، محصولاتی است که در آزمایشگاه یا محیط آکادمیک به دست می‌آید و بعداً

متصور می‌شوند که چه کاربردهایی داشته باشند تا در فضای خارج از آزمایشگاه یا محیط آکادمیک به شکلی به بازار عرضه شده و خلق نیاز کنند.

می‌توان گفت هر دو نوع نوآوری‌ها آن‌طور که باید و شاید در کشور ما اتفاق نیفتاده است؛ به این دلیل که هنوز اهمیت و ارزش نوآوری و خلاقیت درک نشده است، برای مثال هنوز ریسک (R&D) یا تحقیق و توسعه و هزینه‌های آن برای نوآوری پذیرفته نشده است. در واقع درصد بسیار کمی از هزینه شرکت‌های خصوصی ما صرف تحقیق و توسعه می‌شود، چون پشت این هزینه قطعیتی وجود ندارد که به سود برسد، ولی در اقتصادهای توسعه‌یافته به این درک رسیده‌اند که با وجود ریسک‌های عدم رسیدن به نتیجه، برای آزمایش، اختراع و پژوهش هزینه نمایند که این امر لازمه یک اقتصاد پایدار و اثربخشی ارزش‌آفرین بالا خواهد بود. نوآوری‌هایی که در کشور ما اتفاق می‌افتد خیلی مناسب نیستند. آن دسته از نوآوری‌هایی هم که رفع نیاز می‌کنند برای مثال وقتی دستگاهی اختراع می‌شود یا محصولی ساخته می‌شود متأسفانه با وجود مافیا و عدم حمایت از سوی اکوسیستم نوآوری، نوآوران سرخورده شده و به کار قبلی خود برمی‌گردند و تجاری‌سازی اختراع را رها می‌کنند. همچنین اختراع‌های بی‌کاربردی که مالکان صرفاً با هدف اخذ درجه علمی، تسهیلات یا به هر دلیل دیگری به دنبال آن‌ها می‌روند و آن‌ها را به ثبت می‌رسانند را نیز می‌توان

تمرکز اصلی ما

برای مثال بر

روی افزایش

تعداد شرکت‌های

دانش‌بنیان یا

افزایش تعداد

اختراعات است

که این‌ها به این

معنی نیست

که اقتصاد،

دانش‌محور

و دانش‌بنیان

شده است، بلکه

برای توسعه

واقعی اقتصاد

دانش‌بنیان

نیاز است که

اکوسیستم

نوآوری یک

شهرستان، شهر

یا کشور متناسب

با هم رشد کنند تا

شاهد باشیم که

اثربخشی آن به

حداکثر برسد.

## ♦♦ به هر حال متفاوت از کسب‌وکارهای سنتی، سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها، سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر تلقی می‌شود، مهم‌ترین چالش‌های سرمایه‌گذاری در این بخش و راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها چیست؟

زمانی روند و سرعت سرمایه‌گذاری روی استارت‌آپ‌ها یا به قولی سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر بیشتر می‌شود که سرمایه‌گذارها و حتی عموم مردم به درک درست‌تری از نوآوری، تجاری‌سازی و اهمیت فناوری و دانش در خلق اقتصاد پایدار برسند. مجدد به هزینه‌های تحقیق و توسعه اشاره می‌کنم؛ شرکت اپل حجم بالایی (حدود سه تا چهار درصد) از گردش مالی خود را برای تحقیق و توسعه در نظر می‌گیرد، در مقایسه میانگین عددی که برای این امر در ایران تخصیص پیدا می‌کند، کمتر از نیم درصد است، این امر نشان می‌دهد که ما ارزش توسعه فناوری و تحقیق و توسعه و به همان نسبت ارزش سرمایه‌گذاری روی یک ایده را متوجه نشده‌ایم، اینکه سرمایه‌گذاری روی خلق یک ایده جدید به جای تبدیل یک کارگاه معمولی به دو کارگاه یا مثلاً یک غرفه تولید میوه به دو غرفه چه نتایج و موفقیت‌های مالی بزرگی داشته و در نتیجه چه اقتصاد پایداری خواهد داشت را درک نکرده‌ایم. یکی از بهترین راه‌حل‌های این موضوع، پرداختن به امر آموزش است، از طریق معرفی تجربه‌های موفق ملی و بین‌المللی همچنین برگزاری رویدادها، استارت‌آپ ویکندها، دمودی‌ها<sup>۱</sup> (رویداد ارائه به سرمایه‌گذار)، استارت‌آپ‌دی‌ها، رپورس پیچ‌ها<sup>۲</sup> (رویداد ارائه نیازهای فناورانه) و مواردی از این دست موجب افزایش آگاهی و تمایل عموم مردم و به‌طور خاص افراد فناور و سرمایه‌دارهایی که دنبال موضوع اقتصاد فناورانه هستند، می‌شود تا به این وسیله این گروه‌ها با ارزشمندی نوآوری آشنا شده و بتوانند در این زمینه بیشتر ورود، سرمایه‌گذاری و از آن حمایت کنند.

## ♦♦ دورنمای رشد بخش خصوصی در عرصه نوآوری ایران و نیز استان کرمان را چگونه ترسیم می‌نمایید؟

دورنمای رشد بخش خصوصی از یک بابت بنده مبهم است، با توجه به اینکه روندهای موجود سال‌های پیش نشان می‌دهد، این بخش در حال رشد بود و به خصوص با توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، افق خوبی پیش رو داشت، اما متأسفانه در چند سال اخیر به‌ویژه در دو سه سال اخیر این روند متوقف و وضعیت مبهم شده است، به این دلیل که رشد بخش خصوصی که من تعریف آن را بخش خصوصی‌ای که انتخابش اقتصاد فناور باشد، نیازمند سیاست‌های حمایتی و نقشه راه است؛ این نوع کسب‌وکارها به‌شدت از تغییر قوانین و اقتصاد ناپایدار ضربه می‌خورند و هیچ‌گاه هم نمی‌توان با مسائل دستوری به عبارتی نامه‌نگاری آن‌ها را کم یا زیاد کرد

بیان نمود. در مجموع همه این موارد ناشی از این است که اکوسیستم نوآوری ما سالم نیست و نمی‌تواند با بخش‌های مختلف بازار تعامل خوبی داشته باشد.

## ♦♦ روند سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روند سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایران در حال توسعه است و نسبت به سال‌های قبل پیشرفت کرده است، این امر مدیون سیاست‌های حمایتی و به نوعی بازتعریف ادبیات مدیریت نوآوری در ایران است؛ در واقع بازیگران بخش تجاری‌سازی، مخترعین و مکتشفین به مرور در حال آشنایی با ادبیات موضوع هستند و سیاست‌گذاری‌ها نیز به سمتی حرکت کرده‌اند که از این سبک از سرمایه‌گذاری حمایت می‌کنند و آن را ترویج داده‌اند، البته هنوز تا رسیدن به سطح ایده‌آل فاصله داریم. در مجموع می‌توان گفت در کشور ما سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر در حال ورود به ادبیات اقتصادی است و بخش‌ها، گروه‌های انسانی یا سازمان‌هایی هستند که هر روز اعلام آمادگی می‌کنند که از طرح‌ها و ایده، حتی تیم‌هایی که تجربه قبلی موفقیت در بازار را نداشته‌اند نیز حمایت کنند.

## ♦♦ در مورد نقش بانک‌ها در تأمین مالی استارت‌آپ‌ها توضیح دهید.

در مورد نقش بانک‌ها باز به تعریف اکوسیستم نوآوری برمی‌گردم به این دلیل که یکی از بازیگران اصلی اکوسیستم نوآوری در سطح ملی و منطقه‌ای، بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، صندوق‌ها و در واقع نهادهای مالی بوده‌اند که کار تأمین مالی، تکمیل چرخه مالی حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپا را بر عهده داشته‌اند و در این مورد می‌توانند نقش بسیار بزرگی ایفا کنند؛ که این مسئله نیز حساسیت‌های خاص خود را دارد به این دلیل اگر بانک‌ها بخواهند با برخوردهای قهری، تضامین بسیار سنگین، نرخ سود بالا و مواردی از این دست تسهیلات را در اختیار شرکت‌های متقاضی قرار بدهند، عملاً خیلی از استارت‌آپ‌ها ممکن است دلسرد شده و دنبال این سری تسهیلات نروند؛ بنابراین لازم است وجه تفکیکی بین تسهیلاتی که برای یک کار سوداگرانه تخصیص پیدا می‌کند و تسهیلاتی که برای کار فناورانه‌ای که خود همراه با ریسک است که اگر اتفاقی بیفتد همراه با خلق ارزش پایدار خواهد بود، وجود داشته باشد. ضروری است دولت در این خصوص برخورد متفاوتی داشته باشد تا چنین تسهیلاتی از سمت سوداگری و کارهای دلالی به سمت توسعه دانش، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان تغییر پیدا کنند.

### منظور از

### نوآوری‌های

### حاصل از فشار

### تکنولوژی،

### محصولاتی است

### که در آزمایشگاه یا

### محیط آکادمیک

### به دست می‌آید

### و بعداً متصور

### می‌شوند که

### چه کاربردهایی

### داشته باشند تا

### در فضای خارج

### از آزمایشگاه یا

### محیط آکادمیک

### به شکلی به بازار

### عرضه شده و

### خلق نیاز کنند.

می‌توان به جد گفت که نزدیک‌ترین کشور به ما که در زمینه اکوسیستم نوآوری حرف برای گفتن دارد، کشور ترکیه است که واقعاً استارت‌آپ‌های جالب و قوی از اکوسیستم نوآوری این کشور پا می‌گیرد که این مسئله به سیاست‌گذاری‌هایی که در این سال‌ها در این کشور انجام شده، برمی‌گردد و همین‌طور فضایی که به دلیل تسهیلات مالی و ارتباطات بین‌المللی و مواردی از این دست که در این کشور وجود دارد، باعث شده در این سال‌ها بتواند در زمینه استارت‌آپ‌ها خوب پیشرفت کند.

بعد از ترکیه، کشورهای قطر و امارات هم توانسته‌اند با ایجاد مراکز نوآوری، پارک‌های نوآوری و فناوری و ... در جهت موفقیت در حوزه فناوری تلاش کنند؛ که اگرچه تاکنون موفقیت آن‌چنانی به دست نیاورده‌اند، ولی همین‌که در این زمینه تلاش می‌کنند باعث شده وضعیت بهتری نسبت به ما در زمینه امکانات و تسهیلات داشته باشند. با توجه به مقایسه‌ای که بین گزارش‌ها و مقاله‌های منتشرشده داشته‌ام، نکته قابل توجه این است که پتانسیل نیروی انسانی کشور ایران را هیچ‌کدام از کشورهای منطقه ندارد یا حداقل کم

و محیط را برای آن‌ها مساعد نمود. حتی جالب است بدانید به‌طور کلی لازمه سرمایه‌گذاری و توسعه بخش خصوصی فناور، محیط مستعد و آرام است، آرام از این بابت که فناوران بتوانند در بلندمدت به قواعد و قوانین مشابه فکر کنند، تجربه حضور در یک اقتصاد پایدار و آرام را داشته باشند، نرخ تورم و نرخ سود بانکی منطقی، انتظار سرمایه‌گذاران به واقعیت نزدیک باشد، مدیریت ریسک به درستی صورت بگیرد و طرح‌های امکان‌سنجی یا کسب‌وکاری که تدوین می‌کنند به حد زیادی به واقعیت نزدیک باشد. همه این‌ها باعث می‌شود این دورنما رو به رشد باشد، ولی همان‌طور که اشاره شد، این چند سال اخیر وضعیت خوب نیست و من به عنوان کسی که به صورت مستقیم در تعامل با این موضوع هستم، می‌بینیم که هر روز چالش‌های بیشتری پیش روی این شرکت‌هاست و نمی‌توانند آینده شفاف‌تری را ببینند.

◆◆ کدام کشور در بین کشورهای همسایه کشورمان در حوزه نوآوری و فناوری پیشرو است، آیا مقایسه‌ای از سرمایه‌گذاری و پیشرفت آن با کشورمان دارید؟ دلیل برتری عملکرد این کشور چیست؟



دارند، شاید فقط ترکیه نزدیک به ایران باشد. نیروی انسانی مستعد یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های یک اکوسیستم نوآوری قوی است، به این علت که هیچ جایگزینی برای آن نمی‌توان متصور شد. البته در حال حاضر اقتصاد جهانی نیز به این نتیجه رسیده که ارزشمندترین سرمایه، نیروی انسانی است؛ به ویژه در بخش فناوری و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان که در این زمینه کشور ما در حوزه نیروی انسانی درس آموخته و متخصص بسیار پیشرو است، ولی ما در برخی فاکتورهای حوزه مدیریت نوآوری از کشورهای منطقه عقب‌تر هستیم.

### ◆ حوزه استارت‌آپی استان کرمان در کشف فرصت‌ها و بهره‌مند شدن از آن‌ها چگونه عمل کرده است؟ عدد سرمایه‌گذاری استارت‌آپی استان چند درصد عدد کل در فضای استارت‌آپی کشور است؟

عدد دقیقی را نمی‌توانم بگویم که چه مقدار از سرمایه‌گذاری کشور در حوزه استارت‌آپ‌ها در کرمان صورت گرفته است، ولی می‌توانم تخمین بزنم که مقدار آن کم است؛ یعنی کمتر از سهم جمعیتی ما از کشور، شاید حول و حوش چهار پنج درصد از این سرمایه‌گذاری در استان کرمان انجام می‌شود. یکی از دلایل آن این است که اطلاع‌رسانی و آگاهی مناسبی در بین فناوران استان در مورد تسهیلات و سازمان‌های حامی در زمینه توسعه استارت‌آپ‌ها وجود ندارد؛ مثلاً صندوق نوآوری شکوفایی، طرحی را برای حمایت از استارت‌آپ‌ها شروع می‌کند و استارت‌آپ‌های سایر استان‌ها از جمله اصفهان، کرج، تهران و ... از طرح آگاه شده و از آن استفاده می‌کنند، اما در استان بنا به دلایلی که یکی از آن‌ها شبکه‌سازی نامناسب می‌باشد، بسیاری از فناوران و پژوهشگران متوجه این تسهیلات نمی‌شوند و به تبع آن، سهم آن‌ها از بسیاری از تسهیلات کم می‌شود. هر چند اخیراً با همکاری دستگاه‌های مرتبط مانند پارک علم و فناوری و شتاب‌دهنده‌ها این تسهیلات به صورت بهتری در دسترس شرکت‌ها قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی در استان در زمینه کشف فرصت‌ها خیلی وضعیت خوبی نداریم، باز هم یکی از دلایل آن عدم آگاهی عمومی است، مشکلات صنعت مثلاً فولاد به‌طور مستمر و دقیق توسط شرکت‌های بومی بروز پیدا نمی‌کند تا شرکت‌های فناور بتوانند مسئله را حل کنند، در عوض شرکت‌های دیگر از استان‌های دیگر رفع مشکل را پوشش می‌دهند. با اینکه وقتی شبکه‌سازی مناسبی بین شرکت‌های فناور استان جهت استفاده از امکانات همدیگر وجود ندارد، باعث می‌شود که بسیاری از این فرصت‌ها سوخت شود. در مجموع به نظر من در استان در مورد کشف فرصت‌ها و

بهره‌مندی از آن‌ها با برنامه‌ریزی دقیق و مدون خوب عمل نشده، ولی من خوش‌بین هستم که با توسعه ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان و مدیریت نوآوری روزبه‌روز این اهمیت بیشتر می‌شود و امیدواریم با همکاری شرکت‌های معدنی، صنعتی و کشاورزی استان کرمان در اعلام چالش‌های فناورانه خود در جهت تعامل با استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپای فناور و همچنین سیاست‌گذاری‌های و شبکه‌سازی‌های مناسب که در اکوسیستم نوآوری استان اتفاق می‌افتد، شاهد این باشیم که بیشتر از این فرصت‌ها استفاده کنیم و شرکت‌های فناور هم به همین نسبت رشد و توسعه پیدا کنند. در این صورت اقتصاد دانش‌بنیان که مطلوب سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای است اتفاق خواهد افتاد.

### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

در پایان باز هم بر اهمیت نیروی انسانی تأکید دارم. وقتی ادبیات اقتصاد فناورانه دنیا را بررسی می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که ارزشمندترین سرمایه‌ها نه منابع طبیعی‌اند، نه دستگاه‌ها و تجهیزات و نه پول، ثروت و طلا، بلکه ارزشمندترین‌ها، نیروی انسانی است. من واقعاً به این نتیجه رسیده‌ام که این صحبت بی‌دلیل نیست و باید قدر اصلی‌ترین سرمایه‌های هر اکوسیستم نوآوری یعنی نیروی انسانی را بدانیم؛ چراکه موفقیت توسعه فناورانه را در نهایت نیروی انسانی می‌تواند تعیین نماید. اینکه ما ثروت را در معدن، در خلق یک محصول معدنی یا در تولید یک دستگاه ببینیم و آن را اولویت قرار دهیم، بسیار اشتباه است، تجربه اقتصاد پایدار جهانی نشان می‌دهد نیروی انسانی است که می‌تواند ثروتی را خلق کند که هیچ منبع طبیعی، هیچ معدنی و هیچ شرکت خام فروشی نمی‌تواند با آن رقابت کند. مثال روشن شرکت گوگل است که زمانی با پنجاه، شصت کارمند شروع کرد و به قولی نه دودی، نه دودکشی، نه ماشینی و نه سوله‌ای و نه سنگ و انفجاری فقط با چند کامپیوتر، توانست با شرکت جنرال الکتریک با چندین هزار کارگر، چندین دستگاه صنعتی پرسروصدا و پر از آلودگی به لحاظ گردش مالی رقابت کند. لازم است به این نتیجه برسیم که ارزشمندترین سرمایه‌های ما زیر خاک نیستند، در چاه‌های نفت و گاز نیستند، ارزشمندترین سرمایه‌های ما کسانی هستند که الان در مدارس یا در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند و اگر درست هدایت شوند، به‌واسطه آن‌ها می‌توان چنان خلق ثروتی کرد که هیچ منبع طبیعی نمی‌تواند آن را به وجود بیاورد. مهم‌ترین آرزوی من این است که به این اهمیت برسیم و قدر این نیروی انسانی را خوب بدانیم. سرمایه‌ای که به رایگان در حال صادرات آن به کشورهای دیگر هستیم. ◆◆

#### لازمه

سرمایه‌گذاری  
و توسعه بخش  
خصوصی فناور،  
محیط مستعد و  
آرام است، آرام  
از این بابت که  
فناوران بتوانند  
در بلندمدت به  
قواعد و قوانین  
مشابه فکر کنند،  
تجربه حضور در  
یک اقتصاد پایدار  
و آرام را داشته  
باشند، نرخ تورم  
و نرخ سود بانکی  
منطقی، انتظار  
سرمایه‌گذاران به  
واقعیت نزدیک  
باشد، مدیریت  
ریسک به درستی  
صورت بگیرد  
و طرح‌های  
امکان‌سنجی یا  
کسب‌وکاری که  
تدوین می‌کنند  
به حد زیادی به  
واقعیت نزدیک  
باشد.



گفت‌وگو با دکتر «سحر بنکدارپور» رییس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق تهران

## اشتراک تکنولوژی؛ راهگشای اقتصاد دانش بنیان

دکتر سحر بنکدارپور، رییس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در گفت‌وگو با ما می‌گوید که علت عقب ماندن کشورمان در حوزه تکنولوژی نسبت به دنیا، تحریم‌هاست. کشورهای موفق در عرصه تکنولوژی و تولید دانش بنیان سعی کرده‌اند تا در تعامل با یکدیگر، هم از تکنولوژی کشورهای جهان بهره برده و هم استفاده از تکنولوژی خود را برای آن‌ها میسر کنند. در حال حاضر چگونگی فضای کسب‌وکار و بازار رقابت و ارتباطات بین‌المللی، سه چالش مهم شرکت‌های فعال در حوزه دانش بنیان کشور است. شرح کامل این گفت‌وگو را در ادامه بخوانیم.

اینکه ما در

حوزه تکنولوژی

نسبت به دنیا

عقب هستیم

انکارناپذیر است

و بیشترین علت را

می‌توان تحریم‌ها

دانست. در واقع

ما می‌خواهیم

چرخ را از ابتدا

اختراع بکنیم

و این باعث

می‌شود زمان را از

دست بدهیم. اگر

از تکنولوژی روز

دنیا استفاده کرده

و با نوآوری‌هایی

آن را بومی‌سازی

کنیم خیلی زودتر

به نتیجه می‌رسیم

تا اینکه به خاطر

تحریم‌ها درهای

کشور را ببندیم

و بگوییم ما

می‌خواهیم چرخ

را از اول اختراع

کنیم، چون این

موضوع باعث

تأخیر و عقب

افتادن کشور

می‌شود.



### ◆ اندازه مطلوب تولید دانش بنیان در اقتصاد ایران را چه میزان می‌دانید؟

در اقتصاد دانش بنیان، اندازه مطرح نیست. نمی‌توان گفت واحدی دارد. در این حوزه بیشتر باید روی کیفیت کار بشود تا مقدار و اندازه.

### ◆ در حالی که جهان از سال ۱۹۷۰ وارد اقتصاد دانش بنیان شده است، چرا جامعه ایرانی در نوآوری و فعالیت‌های دانش بنیانی مانند کشورهای پیشرفته عمل نکرده و در این زمینه از خود ضعف نشان داده است؟

در جهان مفهومی به اسم دانش بنیان نداریم که بخواهیم اقتصاد دانش بنیان داشته باشیم. درست است که شرکت‌های سیلیکون ولی در حوزه هایتک در حال فعالیت هستند، اما چیزی به عنوان دانش بنیان وجود ندارد.

اینکه ما در حوزه تکنولوژی نسبت به دنیا عقب هستیم انکارناپذیر است و بیشترین علت را می‌توان تحریم‌ها دانست. در واقع ما می‌خواهیم چرخ را از ابتدا اختراع بکنیم و این باعث می‌شود زمان را از دست بدهیم. اگر از تکنولوژی روز دنیا استفاده کرده و با نوآوری‌هایی آن را بومی‌سازی کنیم خیلی زودتر به نتیجه می‌رسیم تا اینکه به خاطر تحریم‌ها درهای کشور را ببندیم و بگوییم ما می‌خواهیم چرخ را از اول اختراع کنیم، چون این موضوع باعث تأخیر و عقب افتادن کشور می‌شود.

### ◆ کشورهای موفق در ایجاد اقتصاد دانش بنیان چگونه توانسته‌اند به این مرحله از پیشرفت برسند؟

سعی کردند از تکنولوژی‌های کشورهای دیگر استفاده کنند و هیچ وقت خودشان را محدود نکردند. درها را باز گذاشتند. هم بقیه کشورها از تکنولوژی آن‌ها استفاده کردند و هم

خودشان از تکنولوژی بقیه استفاده کردند. در کنار هم یک فضای کار مشترک (Coworking space) ایجاد کردند، ائتلافی (کنسرسیوم) را تشکیل دادند و از نقاط قوت هم استفاده کردند. خیلی از برندهای معروف را می‌توان نام برد که هر کدام از آن‌ها، هر یک از محصولاتشان را در یک کشور تولید می‌کنند و در کشوری دیگر مونتاژ (اسمبل) را انجام می‌دهند. ما نتوانستیم به درستی این فضای اشتراکی را در کشورمان ایجاد کنیم. در واقع ما هنوز در ادبیات ابتدایی این فضا با مشکل روبه‌رو هستیم.

◆ بنا به تجربه جهانی، آیا اهمیت اقتصاد دانش بنیان به آن اندازه است که بتوان آن را به طور مطلق پیش نیاز رشد تلقی کرد؟ تجربه جهانی اقتصاد دانش بنیان مفهومی ندارد.

اگر منظور، مفهوم پیشرفت و ورود به حوزه هایتک باشد، بله؛ چرا که برای پیشرفت هر تکنولوژی، احتیاج است که در آن عمیق شویم. باید وارد حوزه‌های هایتک شویم، اما مفهوم اقتصاد دانش بنیان در جهان را درک نمی‌کنم چون اصلاً وجود ندارد.

◆ برای تشویق و گسترش بازار آزاد ایده‌ها چه پیشنهاداتی ارائه می‌نمایید؟

بازار آزاد ایده‌ها بسیار پیشنهاد خوبی است، اما مستلزم ایجاد این اعتماد است که ایده‌ها دزدیده نمی‌شوند.

باید جایی وجود داشته باشد که ایده‌های همه شرکت‌ها، استارت‌آپ‌ها و افراد ثبت شود تا بعد از مطرح کردن ایده، بتوانند از بقیه کمک بگیرند و یک ارزش افزوده‌ای ایجاد کنند و در کارشان پیشرفت داشته باشند.

بسیار دیده شده، تیم‌هایی که به ما مراجعه می‌کنند تا در حوزه‌های دانش بنیان مشاوره بگیرند، حتی از اینکه ایده‌شان را برای ما بیان کنند هم می‌ترسند. بسیاری از شرکت‌ها به معاونت علمی و فناوری مراجعه نمی‌کنند؛ چرا که این باور وجود دارد که ایده‌هایشان را می‌دزدند.

باور دزدیده شدن ایده‌ها خیلی شایع است و متأسفانه باید یک کاری انجام شود که جلوی این باور گرفته شود و وگرنه هیچ کس از بیان ایده‌اش استقبال نمی‌کند.

◆ شما تعهد مالی کشور اعم از دولت و بخش غیردولتی به تحقیقات علمی و تولید دانش بنیان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟ اگر متصفانه بخواهیم بگوییم، معاونت علمی و فناوری و صندوق نوآوری و شکوفایی، حمایت‌های خوبی از شرکت‌های دانش بنیان را دارند، اما تسهیلاتی که ارائه می‌دهند با توجه به بودجه کمی که دارند، محدود است. با این حال تا حد توانشان خوب عمل کرده‌اند.

برای اعمال حمایت‌های مورد نیاز، مستلزم این است که بودجه بیشتری در اختیار این دو نهاد قرار داده شود. در عین حال لازم است، شرکت‌های دانش بنیان هم روی کیفیت خود کار کنند، محصولات و خدمات بهتری ارائه دهند تا کارفرمایان هم با خیال راحت، اقدام به خرید این محصولات کنند. خیلی از نهادها، حتی ارگان‌های دولتی ترجیح می‌دهند که یک محصول خارجی را به خاطر کیفیتی که دارد بخرند، اما به خاطر الزاماتی که وجود دارد و جلوگیری از ثبت سفارش‌های وارداتی، مجبور به استفاده از محصولات داخلی هستند. اگر کیفیت محصولات دانش بنیان بالا برود، خیلی از مشکلات حل می‌شود. بالا بردن کیفیت محصولات، کلید حل بسیاری از مشکلات این حوزه است.

◆ به نظر سرکار مهم‌ترین پیامدها و اثرات دانش بنیانی در جایگاه بین‌المللی یک کشور چیست؟

کشورهای دیگر اصلاً با این مفهوم آشنایی ندارند و این مفهوم در کشور ایران وجود دارد. می‌توان این‌طور گفت که کار روی پیشرفت تکنولوژی و ایجاد نوآوری بسیار ارزشمند است و می‌تواند رتبه ایران را ارتقاء ببخشد. لازمه آن، پیشرفت تکنولوژی و ایجاد نوآوری با جلوگیری از تحریم‌هاست و اینکه بتوانیم از تکنولوژی کشورهای دیگر استفاده کنیم. باید ادامه راه آن‌ها را برویم و نخواهیم هر کاری را از ابتدا شروع کنیم.

◆ چالش‌های پراهمیت حوزه دانش بنیانی کشور که لازم است فراتر از یک پرداخت ساده مورد توجه قرار گیرد، چیست و پیشنهاد شما برای رفع آن‌ها چیست؟

شرکت‌های فعال در حوزه دانش بنیان نیازمند بهبود فضای کسب‌وکار، دسترسی به بازار رقابتی و برقراری ارتباطات بین‌المللی هستند. برای برطرف کردن این سه چالش، سرمایه‌گذاری صنایع و شرکت‌های بزرگ در شرکت‌های دانش بنیان و ارتباط گرفتن با آن شرکت‌ها برای استفاده از ایده‌ها و فناوری آن‌ها می‌تواند، مؤثر باشد. اکنون که در بسیاری از نقاط دنیا مدل‌های کسب‌وکار در بسیاری از صنایع در حال تغییر است، ما نباید از این تغییرات جا بمانیم. در این میان می‌توان از پتانسیل بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی هم بهره برد. ◆◆



# الزامات شکل‌گیری اقتصاد و اشتغال دانش‌بنیان

عابد شیخ بهایی

مدیر ارزش آفرین ملی و رییس انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان



رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، سال ۱۴۰۱ را سال «تولید، دانش‌بنیان و اشتغال آفرین» نام‌گذاری فرمودند. با نگاهی به سخنرانی ابتدای فروردین ماه ایشان می‌توان متوجه شد که یکی از مطالبات مهم رهبر انقلاب، عبور از شعارزدگی است و زمینه‌سازی برای تحقق واقعی تولید دانش‌بنیان و اشتغال آفرین. دانش‌بنیان و دانش‌محور شدن اقتصاد را یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق اقتصاد مقاومتی معرفی نموده‌اند، زیرا آینده تولید و اقتصاد در ایران و جهان بر پایه تولیدات دانش‌بنیان است.

موضوع تولید دانش‌بنیان که از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح و پیاده‌سازی آن مطالبه شده است، عملاً یک پارادایم نوین در فضای اقتصاد ایران قلمداد می‌شود. هدف این تغییر رویکرد نیز به وضوح، عبور از مسیرهای رسمی و سنتی پیشرفت و توسعه اقتصادی است. اگر فرض کنید میزان تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۱ حدود ۳۰۰ میلیارد دلار باشد و قرار باشد با قدرتهای اقتصادی زمان حاضر جهان رقابت داشته باشیم، به‌طور حتم این فرآیند از طریق مسیر مرسوم سنتی، توسعه و پیشرفت اقتصادی، امکان‌پذیر نخواهد بود. بر همین اساس بایستی به دنبال اقدامات تحولی و شاید انقلابی در حوزه تولید به‌عنوان رکن اصلی پیشرفت اقتصادی باشیم، در واقع تولید دانش‌بنیان و علم‌محور، فضای نوینی است که در صورت تحقق و پیاده‌سازی، عملاً یک میان‌بر بسیار مهم و مستحکم برای ارتقای سطح تولید ناخالص کشور تلقی خواهد شد.

باید توجه داشته باشیم که بحث حمایت‌ها و پشتیبانی از دانش‌بنیان‌ها نباید به محملی برای توزیع رانت مالیاتی و تأمین مالی ارزان قیمت برای آن‌ها تبدیل شود. از سوی دیگر وقتی یک نقشه راه کلی برای توسعه از مسیر تولید دانش‌بنیان وجود ندارد، مشخص نیست که شرکت دانش‌بنیان و فناور باید در کجا و کدام حوزه به کار گرفته شود. بر این اساس در حوزه‌هایی مثل مسکن، انرژی، کشاورزی و صنعت در مناطق مختلف باید چالش‌ها برآورد و برای رفع آن‌ها فراخوان‌های عمومی برای همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور داده شود.

در بسیاری از کشورها وقتی از دانش‌بنیان‌ها صحبت به میان می‌آید، موضوع ارتقای بهره‌وری اهمیت جدی پیدا می‌کند، بر

## حوزه اقتصاد

### دانش‌بنیان،

### مختص یک

### وزارتخانه نیست و

### یک موضوع بین

### دستگاهی است.

### وقتی می‌گوییم

### اقتصاد و تولید

### دانش‌بنیان،

### منظور این است

### که وزارت صمت،

### وزارت اقتصاد،

### نظام تأمین

### مالی و شبکه

### بانکی کشور باید

### نقش آفرینی جدی

### داشته باشند.

این اساس، موضوع و خروجی رویکرد ارتقای بهره‌وری را (به‌طور مثال در کاهش مصرف انرژی و یا استفاده بهینه از نیروی کار) در نظر می‌گیرند، در مرحله بعد می‌گویند که آیا این شرکت خلاق و دانش‌بنیان، اثر واقعی در تولید یا رفع نیازهای تعریف شده داشته است یا خیر.

به نظر می‌رسد برای تحقق این پارادایم جدید برای محیط پرچالش اقتصاد ایران، بایستی پروژه‌های دولتی، حداقل در سطح تمام استان‌ها، پیوست دانش‌بنیان و فناورانه داشته باشند. بر این اساس جهت‌گیری سرمایه‌گذاری دولتی در تغییر ریل از تولید سنتی به تولید دانش‌محور، بسیار حیاتی است. در این فضای جدید از یک‌سو اسناد آمایش سرزمین که در دولت تصویب و نهایی شده است، نقش یک معیار و سنجه هماهنگ‌کننده بالادستی را ایفا می‌کند و از طرف دیگر استان‌ها بایستی بعد از احصای پروژه‌های دانش‌محور برای استفاده از ظرفیت دانش‌بنیان‌ها، فراخوان‌های متعدد و مرتبط ارائه کنند.

در جهت تبیین فرهنگ تولید مبتنی بر نوآوری و دانش‌بنیانی، نیاز جدی به یک قانون‌گذاری و ریل‌گذاری جدید در حوزه دانش‌بنیانی

نیستند و یا فناوری آن‌ها قدیمی است. اگر کارخانجات تولیدی ما می‌خواهند روی پا بایستند، باید به سمت تزریق فناوری و نوآوری در تولیدات خود روی آورده و این کار محقق نمی‌شود، مگر با هم‌افزایی و پیوستن شرکت‌های دانش‌بنیان و خلاق به شرکت‌های تولیدی بزرگ. شرکت‌های بزرگ باید در حوزه خودشان در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کنند و مطابق با قانون، بایستی هزینه‌ای که در این زمینه صرف می‌کنند به‌عنوان معافیت مالیاتی برای آن‌ها در نظر گرفته شود. این موضوع، یک انگیزه بزرگ برای صنایع ایجاد خواهد کرد تا بخشی از سرمایه خود را در حوزه دانش‌بنیان سرمایه‌گذاری کنند.

اولین قدم جهت دانش‌بنیان شدن صنایع این است که بازار صنایع بزرگ در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور قرار بگیرد. به این صورت که صنایع ما برای رفع نیاز خود، خرید محصولات فناورانه با کیفیت را در اولویت قرار دهند. شرکتی که در این راه خود را به روی دانش‌بنیان شدن باز می‌کند، اولین گام را در این راه برمی‌دارد و با این کار راه رسوخ فناوری و نوآوری را به صنعت خود باز می‌کند؛ در واقع بایستی تولید دانش‌بنیان به‌عنوان یک متا تگ، بر پروژه‌های بزرگ کشاورزی، صنعت و مسکن الصاق شود. توجه به تحقیق و توسعه (R&D)، یک موضوع بسیار مهم است که بسیاری از شرکت‌های دنیا آن را با تأسیس مراکز نوآوری عملیاتی کرده‌اند. به این صورت که صنایع در این مراکز نوآوری مسائل خودشان را مبتنی بر توان افراد نوآور حل می‌کنند. سهم مراکز نوآوری در دانش‌بنیان شدن صنایع بزرگ، بسیار مهم و حیاتی است.

با ایجاد ارتباط بین تولیدات دانش‌بنیان با زنجیره ارزش تولید و تجارت باید تلاش کنیم زمینه ورود تولیدات دانش‌بنیان کشور به بازارهای جهانی فراهم شود. اتصال شرکت‌های فعال در این حوزه به اقتصاد جهانی می‌تواند خروجی مناسبی در زمینه بین‌المللی کردن این شرکت‌ها و افزایش سرمایه و درآمد آن‌ها به میزان قابل توجه داشته باشد. در این راستا باید زمینه حضور شرکت‌های دانش‌بنیان در رویدادهای بین‌المللی داخلی و خارجی فراهم شود. برپایی نمایشگاه دائمی و تخصصی حوزه دانش‌بنیان و بازاریابی برای محصولات فناورانه و دانش‌بنیان با همکاری دانشگاه‌ها و نمایشگاه بین‌المللی مهم است. در این نمایشگاه همه شرکت‌های دانش‌بنیان استان حضور داشته و دستاوردهای خود را ارائه می‌دهند.

برگزاری رویدادهای شتابدهی صادرات و تشکیل شتاب‌دهنده صادرات و فراهم کردن شرایط ورود شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور به حوزه تجارت و صادرات می‌تواند به پایداری این شرکت‌ها و تقویت اقتصاد استان کمک شایانی نماید.

شناسایی نیاز صنایع، معرفی نیازها و چالش‌های مرتبط به جامعه دانشگاهی و نوآوری یکی از روش‌های نوین در رفع نیازهای

وجود دارد تا این شرکت‌ها آماده شوند و یک سهم جدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را برعهده گیرند که در ادامه به برخی از این موارد پرداخته می‌شود:

۱) به نظر می‌رسد اولین قدم جدی یا اولین راهبرد، توجه به نیروهای انسانی ارزشمند و فعال در حوزه دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها است؛ چرا که مهم‌ترین عامل در اقتصاد دانش‌بنیان نیروی انسانی متخصص و متعهد می‌باشد.

۲) لزوم تسهیل شرایط برای فعالیت اکوسیستم‌های دانش‌بنیان و فناور در کشور بایستی مهم‌ترین راهبرد اساسی برای تحقق شعار سال باشد. این حمایت‌ها باید در زمینه‌های مختلف از حمایت‌های مادی و معنوی تا تسهیل در صدور مجوزها باشد.

۳) حوزه اقتصاد دانش‌بنیان، مختص یک وزارتخانه نیست و یک موضوع بین دستگاهی است. وقتی می‌گوییم اقتصاد و تولید دانش‌بنیان، منظور این است که وزارت صمت، وزارت اقتصاد، نظام تأمین مالی و شبکه بانکی کشور باید نقش‌آفرینی جدی داشته باشند.

۴) از آنجایی که حوزه دانش‌بنیان فضای کسب‌وکار مختص به خود و متفاوت از سایر حوزه‌های کشاورزی، صنعت، خدمات و ... را دارد، نیازمند تسهیلگری ویژه در این فضا و حتی اصلاح قوانین و مقررات دست و پاگیر و در نظر گرفتن قوانین حمایتی می‌باشد؛ به‌طور خلاصه، اصلاح نظام اداری و کاهش بروکراسی‌های غیرضرور دولتی و بخش حاکمیتی و مقررات زدایی و اصلاح قوانین و مقررات غیرضروری و تاریخ گذشته.

۵) یکی از دیگر محاسن تولیدات دانش‌بنیان آن است که فرصت ظهور و بهره‌گیری از ظرفیت جوانان و نخبگان مراکز آکادمیک فراهم می‌شود. سپردن مسئولیت‌ها و امور به جوانان نخبه و توانمند، راه‌گشای توسعه کشور است و برای تحقق تولید دانش‌بنیان باید از جوانان استفاده کنیم که این امر نقش‌آفرینی آن‌ها در مدیریت کلان کشور را افزایش می‌دهد. باید از مسائل شفاهی و برگزاری همایش و بنر و سربرگ فاصله گرفت، باید به جوانان اتکا کنیم و موانع تولید دانش‌بنیان را برداریم و چتر حمایتی خود از نخبگان و جوانان را افزایش دهیم تا منویات رهبری عملیاتی شود؛ به‌طور خلاصه، ثبات مدیریتی و به‌کارگیری مدیران جوان توانمند و تحول‌خواه.

۶) شیوه‌های سنتی تولید هر چند ثمراتی برای کشور داشته، اما باید بپذیریم که شرایط خاص کشور نیازمند بازنگری در روندهای تولید در بخش‌های مختلف بوده و باید هم‌افزایی مشخصی برای تجاری‌سازی و صادرات تولیدات و محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان داشته باشیم. الان دیگر وقت آن رسیده است که صنایع بزرگ، دانش‌بنیان شوند. این یک ایراد بزرگ است که بسیاری از صنایع بزرگ ما در معدن، نفت و پتروشیمی و کشاورزی واقعاً دانش‌بنیان نیستند؛ بسیاری از تولیدات این حوزه‌ها یا فناور

شیوه‌های سنتی  
تولید هر چند  
ثمراتی برای کشور  
داشته، اما باید  
بپذیریم که شرایط  
خاص کشور  
نیازمند بازنگری  
در روندهای تولید  
در بخش‌های  
مختلف بوده و  
باید هم‌افزایی  
مشخصی برای  
تجاری‌سازی و  
صادرات تولیدات  
و محصولات  
شرکت‌های  
دانش‌بنیان داشته  
باشیم. الان دیگر  
وقت آن رسیده  
است که صنایع  
بزرگ، دانش‌بنیان  
شوند. این یک  
ایراد بزرگ است  
که بسیاری از  
صنایع بزرگ ما  
در معدن، نفت  
و پتروشیمی و  
کشاورزی واقعاً  
دانش‌بنیان  
نیستند؛ بسیاری  
از تولیدات این  
حوزه‌ها یا فناور  
نیستند و یا فناوری  
آن‌ها قدیمی  
است.

تأمین مالی متناسب برای تجاری‌سازی محصولات و دستاوردهای فناورانه و دانش‌بنیان تعریف و به‌کارگیری شود.

۲۱) اقتصاد دانش‌بنیان باعث افزایش بهره‌وری منابع تولید می‌شود. افزایش بهره‌وری منابع تولید، باعث افزایش رشد اقتصادی و منجر به تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شود همچنین اقتصاد دانش‌محور باعث کاهش هزینه‌ها از طریق افزایش رقابت جهانی شده و این موضوع باعث افزایش رشد اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی می‌گردد.

به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در خصوص شرکت‌های دانش‌بنیان، فناوری و خلاق، ثروت‌زایی از علم و فناوری، ایجاد اشتغال پایدار، ارزش‌افزوده، تولید و صادرات کالاهای دانش‌محور و فناورانه به عنوان اهداف توسعه این شرکت‌ها به حساب می‌آید و تلاش برای تحقق تولید دانش‌بنیان و اجرایی شدن شعار سال مسیری میان‌بر و کم‌هزینه برای رسیدن به چشم اندازهای ترسیمی در گام دوم انقلاب و حل دغدغه‌های اقتصادی کشور است و نیاز جدی به یک قانون‌گذاری و ریل‌گذاری جدید در حوزه دانش‌بنیانی وجود دارد تا این شرکت‌ها آماده شوند تا یک سهم جدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را برعهده گیرند. امید است با همکاری و دلسوزی کلیه مسئولان و ارکان زیست‌بوم فناوری، گام‌های مؤثری جهت توسعه اقتصاد دانش‌محور و رونق علمی و اقتصادی در استان عزیزمان باشیم. ♦♦

فناورانه صنعت محسوب می‌گردد. امروزه برندهای بزرگ دنیا رویدادهایی را تحت عنوان «PitchReverse» برگزار می‌نمایند و چالش‌هایی را که در فرآیند طراحی، ساخت و تولید محصول خود با آن مواجه هستند به نوآوران ارائه می‌کنند و از استارت‌آپ‌ها، دانشجویان و اساتید می‌خواهد که این چالش‌ها را رفع کنند و اعلام می‌کنند که در صورت موفقیت روی آن‌ها سرمایه‌گذاری انجام می‌شود.

۱۳) برای دانش‌بنیان شدن صنایع باید تعریف جدیدی از گرنت‌های فناوری مبتنی بر نیاز صنعت انجام شود. چرا که این گرنت فناوری در نهایت تبدیل به یک محصول می‌شود که برای آن صنعت بسیار سودآفرین خواهد بود.

۱۴) با افزایش تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز رشد و کارآفرینی ضمن گسترش تعامل صنعت و دانشگاه، بسترهای اشتغال دانش‌آموختگان نیز فراهم گردد.

۱۵) افزایش تعداد دانشجویان خارجی گامی مثبت در جهت انتقال دانش و فرهنگ این مرزوبوم و توسعه دیپلماسی علمی می‌باشد، ضمن آنکه بازنگری، به‌روزرسانی و غنی‌سازی منابع درسی نیز باید در اولویت قرار گیرد تا بتوان در رشد و تربیت مؤثر دانشجویان نقشی بسزا ایفا نمود.

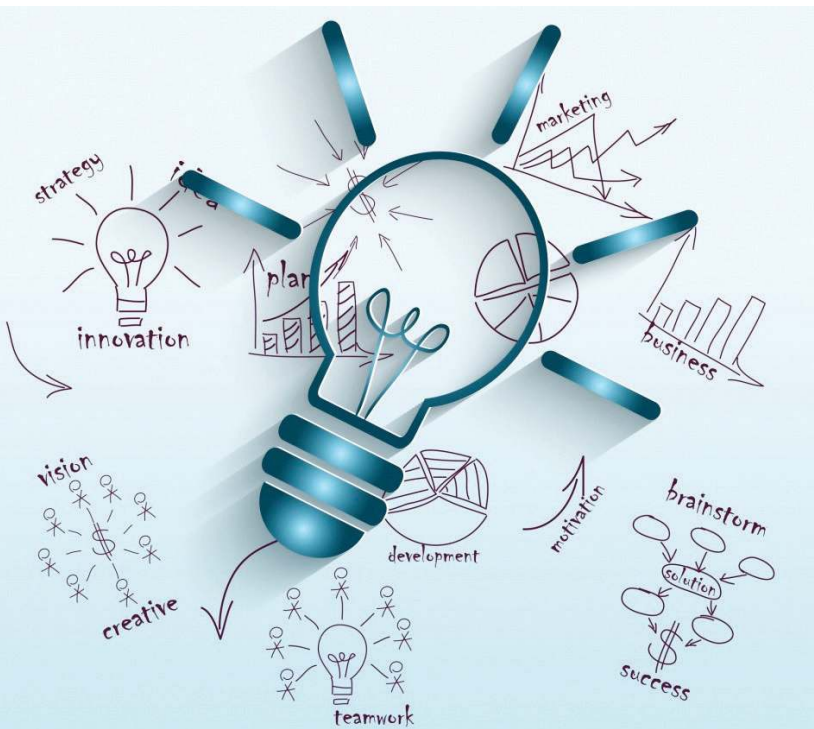
۱۶) بایستی هم‌افزایی مشترک و مداومی فی‌مابین صنایع بزرگ با دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، پارک‌های علم و فناوری، استارت‌آپ‌ها، شتاب‌دهنده‌ها، بنیاد ملی نخبگان و سایر ارکان اکوسیستم فناوری ایجاد شده تا از این طریق یک برنامه مدون، سند و نقشه راه مشخص تدوین شود تا در نتیجه آن نظام توسعه هسته‌ها و نوپایان فناوری از مسیر «دانشگاه به صنعت» به مسیر از «صنعت به دانشگاه» تغییر و پیاده‌سازی گردد.

۱۷) بخش دولتی برای تأمین نیازهای کشور، نیازها و خریدهایی عمده دارند، بایستی الزام قانونی لحاظ‌گردد تا اولویت‌های دولتی و حاکمیتی، تأمین این نیازها از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری و بتوانند داخلی انجام پذیرد.

۱۸) میزان نقش‌آفرینی فعلی دانش‌بنیان‌ها در تولید ناخالص داخلی باید در محاسبات بانک مرکزی و مرکز آمار شناسایی شود و این اطلاعات آماری به‌صورت مستمر در سنوات بعد نیز ارائه شود.

۱۹) از آنجایی که توسعه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، هزینه‌های تبادل اطلاعات در تمام ابعاد اقتصاد را کاهش می‌دهد، کاهش هزینه‌های تبادل اطلاعات و امکان برقراری ارتباطات سریع، انگیزه فعالان اقتصادی را افزایش داده و این امر زمینه افزایش رشد اقتصادی و تحقق اقتصاد دانش‌بنیان را فراهم می‌نماید.

۲۰) توسعه اقتصاد دانش‌بنیان سبب افزایش درآمد می‌شود و این افزایش درآمد باعث افزایش تقاضا برای دانش شده و در نهایت نیز منجر به تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و مبتنی بر فناوری و نوآوری و در نتیجه، رشد اقتصادی خواهد شد، لذا بایستی نظام



# پیش به سوی اقتصاد دانش پایه

مرور نکات مهم بیانات رهبرانقلاب  
درباره دانش بنیان ها

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار  
مسئولان نظام (۱۴۰۱/۰۱/۲۳) نکات  
مهمی درباره‌ی ابعاد مختلف  
(تولید دانش بنیان) مطرح کردند.  
رسانه KHAMENEI.IR در این  
اطلاع‌نگاشت این نکات را  
مرور می‌کند.



## ثمرات



افزایش  
فرصت شغلی

افزایش کیفیت  
نیروی انسانی

اشتغال جوانان  
تحصیل کرده

## شاخص‌های کیفیت



کاهش  
ارزیابی

اشتغال آفرین  
بودن

نوآوری  
داشتن

دور شدن نخبگان از اشتغال در  
مشاغل خدماتی کم ارزش

رقابت پذیری و قابلیت صادرات  
محصولات

## مطالبات



توجه به اولویتهای  
در توسعهی  
دانش بنیانها

حمایت دولت از  
شرکت‌های دانش بنیان  
استفاده از تولیدات | جلوگیری از  
واردات بی‌روته این شرکت‌ها

نیازسنجی و جهت‌گیری  
برای حل مسائل کشور  
کشاورزی | نفت | گاز | معادن

تعیین ضوابط کیفی  
برای شرکت‌های  
دانش بنیان

افزایش تعداد  
شرکت‌های  
دانش بنیان

# تولید



- + بنگاهداری تولیدی در ایران؛ چالشی بزرگ
- + بررسی و تجزیه و تحلیل نرخ مشارکت نیروی کار در استان
- + بازماندگی از تکامل صنعتی
- + ضعفها و خطاهای بنگاهداری
- + منافع مشترکی میان بخش دولتی و خصوصی وجود ندارد
- + وجهه بنگاه ایرانی در دنیا باید تغییر کند
- + بحران بی‌مهارتی؛ بزرگ‌تر از مشکل بیکاری
- + ما با توهم فراوانی، زندگی کرده‌ایم
- + بهره‌وری پایین عوامل تولید؛ ویژگی اقتصاد روستایی استان
- + زیرساخت افزایش بهره‌وری آب در استان کرمان
- + توسعه پایدار کشاورزی
- + گزارش نشست مدیریت انرژی



گفت‌وگو با دکتر «مسعود جمالی» رییس انجمن مدیران صنایع استان اصفهان

## بنگاه‌داری تولیدی در ایران؛ چالشی بزرگ

دکتر مسعود جمالی، رییس انجمن مدیران صنایع استان اصفهان در گفت‌وگو با ما می‌گوید: رانت در کشور ما و اصولاً کشورهای دیگر که مثل ایران سیستم اقتصادی بسته‌ای دارند، تبدیل به یک سری میکروسیستم‌هایی شده است که در قسمت‌های مختلف اقتصاد کشور جاری است. سیستم چند نرخ ارز بزرگ‌ترین سیستم رانت‌زای اقتصادی ایران است. او شفافیت را در هر حوزه‌ای که به اقتصاد ربط پیدا می‌کند، مهم‌ترین عامل برای از بین بردن رانت می‌داند. دکتر جمالی معتقد است، حمایت‌های دولت بیشتر جنبه شعار دارد و عملیاتی نمی‌شود و در کشور ما بخشی‌نگری و کنترل قیمت کالاهایی مثل تخم‌مرغ، مرغ، روغن نباتی و غیره به روزمرگی سیاست‌های دولتی تبدیل شده است و از آن طرف دولت به جای انجام وظایف حاکمیتی، یکی از بنگاه‌دارهای بزرگ است. وی بهبود محیط کسب‌وکار، ایجاد شفافیت و ثبات مالی و اقتصادی را از سازوکارهای مطلوب حمایت دولت از بنگاه‌های اقتصادی می‌داند و می‌گوید که دولت با عمل نکردن به وعده‌ها و دادن وعده‌های پوشالی، باعث ایجاد ناامیدی در جامعه می‌شود و حتماً صنعت هم آسیب می‌بیند. وی همچنین می‌گوید که پیشگام توسعه صنعتی، توسعه اقتصادی است و پیشگام توسعه اقتصادی، داشتن فرهنگ توسعه است که متأسفانه، نداریم. اگر فکر می‌کردیم و به سمت توسعه صنایع مکرر نمی‌رفتیم و به سوی مزیت‌های رقابتی و توسعه‌های صنایعی می‌رفتیم که از سال‌ها قبل، مزیت نسبی اقتصادی داشتیم، الان وضعیت خیلی بهتر بود؛ بنگاه‌های مختلف اقتصادی با سطح تکنولوژی پایین ایجاد کرده‌ایم که تمام آن‌ها روی دست دولت مانده است و فرقی نمی‌کند که این اتفاق در بخش خصوصی رخ داده یا دولتی. نرخ سرمایه‌گذاری نیز هشدار بسیار بزرگی برای توسعه صنعتی ایران است. اکوسیستم ایران به سمتی در حال حرکت است که در آینده شاهد حذف یک سری از بنگاه‌های اقتصادی غیربهره‌ور خواهیم بود. سیاست‌ها درست نبوده و در تدوین و اجرای برنامه‌ها معمولاً سلیقه‌های حزبی، جناحی و یا فرهنگی خاصی دخیل بوده که در جریان توسعه صنعتی، چندان کارساز نبوده است. باید طرح‌ها بر اساس مزیت‌سنجی مکانی اجرا شود و اجازه ندهیم لابی‌های شخصی یا مجلسی موجب خروج یک طرح اقتصادی از منطق و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای بشود؛ این شاید اولین درسی باشد که بتوانیم از وضعیت اصفهان بگیریم که اکنون بدون آب و با آلودگی فراوان، میان یک‌سری کارخانه صنعتی مانده‌ایم. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانیم.





## ◆ به‌طور مرتب از وجود جریان رانت در ساختار اقتصاد و فضای

صنعت و تولید کشور یاد می‌شود، در این جریان رانتی، کجا سود می‌کند و چرا حل این چالش مهم مورد غفلت است؟

رانت در کشور ما و اصولاً کشورهایی که مثل ایران سیستم اقتصادی بسته‌ای دارند، تبدیل به یک‌سری میکروسیستم‌هایی می‌شود که در قسمت‌های مختلف اقتصاد کشور جاری است. این‌که بگوییم رانت فقط مخصوص یک حوزه خاص است، این‌گونه نیست، ولی میزان بهره‌مندی از رانت متفاوت است. مصرف انرژی یک مثال ملموس در این زمینه است؛ استفاده از انرژی ارزان قیمت چه در یک کارخانه صنعتی یا یک منزل مسکونی در واقع استفاده از رانت است که می‌توانیم نام آن را «رانت شیرین» بگذاریم، اما عمده این رانت توسط صنایع انرژی‌بر و بالادستی مثل پتروشیمی‌ها، فولاد و سیمان استفاده می‌شود. بنابراین، رانت اصلی در حجم بالا، توسط صنایع بالادست استفاده می‌شود.

هنگامی‌که رانت ایجاد می‌شود، در سیستم اقتصاد نهادینه می‌شود و سیستم‌های اقتصادی خود را با رانت هماهنگ می‌کنند. کارگاه تولیدی به برق و گاز ارزان قیمت عادت می‌کند؛ البته منظورم این نیست که حتماً گاز، برق گران شود، اما اگر واقعیت اقتصاد را نگاه کنیم، انرژی در داخل کشور نسبت به قیمت‌های جهانی، پایین‌تر عرضه می‌شود و می‌توان گفت یک رانت شیرین است که همه در حال استفاده از آن هستند. حال وقتی قرار باشد این چرخه به هم بخورد، شرکت‌ها و واحدهای بزرگ مقاومت بیشتری می‌کنند؛ چرا که سود بیشتری از این وضعیت می‌برند. بنابراین، در لابی‌ها و لایه‌های مختلف برای باقی ماندن و استفاده از این رانت، مقاومت می‌کنند.

این موارد را در قوانین مختلف، در ارز ۴۲۰۰ تومانی و سیستم چندنرخ ارز هم دیده‌ایم. سیستم چند نرخ ارز شاید بزرگ‌ترین سیستم رانت‌زای اقتصادی ایران است که ناخودآگاه برای عده‌ای که به منابع بیشتری دسترسی دارند، ایجاد رانت می‌کند.

متأسفانه حذف این رانت‌ها به یک جراحی اقتصادی نیاز دارد که این جراحی قاعداً دردآور است و جامعه و صنعت دچار آسیب و ضرر خواهند شد، اما مشکلی که وجود دارد این است که جراحی‌های اقتصادی به‌صورت مقطعی چاره سازند و مشکلات را بنیادین حل نمی‌کنند. برای مثال در حوزه دلار؛ ایجاد «سلطان»‌ها از جمله «سلطان دلار» با دستگیری یک یا دو نفر و یا ایجاد مشکل برای یک صنعت خاص و یا یک شخص خاص، سعی می‌کنند مسئله را حل کنند؛ در صورتی‌که به اعتقاد من رانت از ساختار اقتصادی ایران ناشی شده و تا ساختار اقتصادی را اصلاح نکنیم، رانت باقی خواهد ماند.

باید یاد بگیریم مهم‌ترین عامل برای از بین بردن رانت، شفافیت است؛ به اعتقاد من ایجاد شفافیت در هر حوزه‌ای که به اقتصاد ربط پیدا می‌کند از جمله شفافیت در موضوعات مالی، قانون و همچنین قابل پیش‌بینی بودن و داشتن آمار و اطلاعات به روز از آنچه در کشور اتفاق می‌افتد موجب می‌شود که رانت آرام‌آرام از سیستم حذف شود. هرچقدر به سمت سیستم‌های امضای طلایی، بخشنامه‌های شبانه و اتفاقاتی که متأسفانه در این سال‌ها دیده‌ایم، حرکت کنیم؛ این‌که بخشنامه کنیم که رانت از فردا از سیستم حذف شود! این اتفاق نخواهد افتاد نمی‌افتد. در مجموع شفافیت اقتصادی، اولین گام برای از بین بردن رانت است.

## ◆ ارزیابی شما از سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع داخلی

### چیست؟

با توجه به این‌که در بنگاه‌های اقتصادی متفاوتی حضور داشته و با حوزه‌های صنعتی متنوعی در شهرهای مختلف ارتباط زیادی دارم، به نظرم بیشتر حمایت‌ها جنبه شعاری دارد و عملیاتی نمی‌شود. این‌که چرا حمایت‌ها عملیاتی نمی‌شود به موضوع اقتصاد برمی‌گردد؛ اقتصاد، یک موجود زنده و تمام اجزای آن به هم پیوسته است. بنابراین، دست‌کاری در یک چرخ‌دنده کوچک در بین این اجزا، ممکن است تمام سیستم را به هم بریزد. در این سال‌ها بدون اشاره به دولت خاص، کلاً

### متأسفانه حذف

این رانت‌ها به

یک جراحی

اقتصادی نیاز

دارد که این

جراحی قاعداً

دردآور است و

جامعه و صنعت

دچار آسیب و

ضرر خواهند

شد، اما مشکلی

که وجود دارد

این است که

جراحی‌های

اقتصادی

به‌صورت مقطعی

چاره سازند

و مشکلات را

بنیادین حل

نمی‌کنند.



## ◆ حمایت‌های دولتی در کشورهای پیشرو چه مشخصاتی دارد که به مقصود دسترسی پیدا می‌کنند؟

به اعتقاد من مهم‌ترین عاملی که می‌تواند در پیشرفت اقتصاد و صنعت مؤثر باشد، فضای کسب‌وکار است. علی‌رغم اینکه سال‌هاست در کشور ما، قانون بهبود محیط کسب‌وکار مصوب شده، اما در اجرا چندان نتیجه‌ای مشاهده نمی‌شود. حتی اگر کشورهای پیشرو را هم کنار بگذاریم، کشورهای همسایه مثل گرجستان، امارات، عمان و ترکیه و کشورهای منطقه نیز با بهبود فضای کسب‌وکار، موجب رونق تولید و رونق صنعتی در کشورشان شده‌اند. به اعتقاد من وظیفه دولت، سیاست‌گذاری کلان است و اصولاً در کشورهای پیشرو هم به همین شکل است. در کشور ما بخشی‌نگری و کنترل قیمت کالاهایی مثل تخم‌مرغ، مرغ، روغن نباتی و ... به روزمرگی سیاست‌های دولتی ما تبدیل شده است.

مثال خیلی ساده در رابطه با فعالیتی است که در نایروبی پایتخت کشور کنیا داریم. سال‌ها قبل که در این کشور مشکل تأمین برق پایدار وجود داشت، برق پایتخت کنیا قطع می‌شد، اما برق منطقه صنعتی نایروبی قطع نمی‌شد، این در واقع تفکر اقتصادی است؛ یعنی دولت به فکر توسعه اقتصادی است بنابراین اولویت برق، برق صنعت است نه برق مسکونی و تجاری.

در مجموع بهبود فضای کسب‌وکار بزرگ‌ترین و بهترین وظیفه دولت‌هاست که در کشورهای پیشرو به شکل مطلوب انجام می‌شود. ایجاد فرصت‌های اقتصادی از روابط سیاسی، از وظایف دولت‌هاست که همواره در کشور ما مغفول مانده است. پس از استقلال کشور افغانستان علی‌رغم این که خیلی به این کشور کمک کردیم و روابط سیاسی خوبی داشتیم، اما عملاً بهره اقتصادی نبردیم و همین اتفاق متأسفانه در عراق تکرار شد و نتوانستیم به‌طور مطلوب از ارتباطات سیاسی استفاده کنیم. سوریه هم مثال خیلی واضحی است و علی‌رغم این که کشور ایران در کنار دولت و مردم سوریه قرار داشت، اما سفره‌ای که در حال حاضر در سوریه پهن است ترک‌ها، روس‌ها و حتی چینی‌ها کنار آن نشسته‌اند و به‌خوبی در حال استفاده از آن هستند و ما مغفول مانده‌ایم!

بنابراین این موارد وظایف حاکمیت است، به اعتقاد من وظایف کلان اقتصادی، ارتباطات سیاسی و اقتصادی و ایجاد بسترها و زیرساخت‌های مناسب از وظایف حاکمیت است. شاید نیاز نداشته باشیم دولت در شهرک صنعتی، جاده جلوی کارخانه ما را آسفالت کند، اما وجود یک شبکه حمل‌ونقل، وجود انرژی پایدار، سیاست‌گذاری کلان اقتصادی و پرهیز از نگاه‌داری از وظایفی است که دولت باید انجام دهد، اما چیزی

سیستم‌های دولتی براساس دستور، کارها را پیش برده‌اند؛ به‌طور مثال به بانک‌ها دستور داده می‌شود که منابع خود را در اختیار واحدهای صنعتی قرار دهند، از طرفی از آنجایی که بانک‌ها خود بنگاه اقتصادی‌اند و به دنبال افزایش سود خود و سهام‌داران هستند تا جایی که بتوانند مقاومت می‌کنند.

یک مثال ملموس دیگر؛ از سال‌ها پیش قرار بر این شد که یک واحد صنعتی برای اخذ وام، سند ملک واحد صنعتی خود را جهت ترهین بانک استفاده کند، اما علی‌رغم صدور بخشنامه و دستورالعمل‌های زیاد و طرح موضوع در شوراهای گفت‌وگو و حتی تهدید بانک‌ها، چندان به نتیجه نرسید و امروز اگر یک واحد صنعتی بخواهد وام بگیرد، معمولاً بانک‌ها از او تا جایی که بتوانند سند ملکی مسکونی و داخل شهر دریافت می‌کنند و سند ملکی واحد صنعتی را قبول نمی‌کنند.

موارد بالا مثال‌هایی است که دولت قصد و نیت حمایت داشته، اما چندان نتیجه‌بخش نبوده‌اند.

در حوزه انرژی هم قرار بود یارانه‌های انرژی به بخش صنعت اختصاص پیدا کند و در بهره‌وری استفاده شود که هیچ‌چیز خاصی ندیدیم.

در قوانین هم اگر دقت کنید، در حوزه مالیات و به‌طور کل هر قانون جدیدی که وضع می‌شود، ابتدا قانون روی صنعت اجرا می‌شود. چون همه صنایع دارای شناسنامه هستند، کد اقتصادی دارند و دسترسی به صنایع راحت است؛ برای مثال اگر یک تخلف بیمه‌ای در یک صنعت صورت گیرد، بلافاصله کد بیمه برای آن بسته می‌شود. این مسئله باعث شده که متأسفانه در این سال‌ها تمام فشار اجرای قوانین متوجه صنایع باشد و معمولاً از حلقه‌های بعدی مغفول بمانند.

ارزش افزوده از مثال‌های بارزی است که نقش مغفول ماندن حلقه‌های میانی در آن آشکار است، به عبارتی با وجود این که با تمام فشاری که از سمت اصناف و اشخاص (نمی‌خواهم جایی یا شخصی را زیر سؤال ببرم) به صنعت وارد می‌شود، ولی صرفاً قانون ارزش افزوده به‌شدت در صنعت اجرا می‌شود و تاکنون من در این مورد ندیده‌ام که حمایت خاص و منطقی وجود داشته باشد.

در مجموع به اعتقاد من در حمایت‌ها نیت، نیت خیر بوده است، اما در دولت‌های مختلف چند مشکل وجود داشته؛ از جمله مشکل منابع مالی و مغزافزار به این دلیل که حمایت‌ها باید براساس منطقی و نیازهای واقعی صنعت باشد؛ چون صرفاً با پرداخت یک وام مشکل صنعت حل نمی‌شود و آن چیزی که امروز صنعت ما نیاز دارد، دسترسی به انرژی پایدار است که در یکی دو سال گذشته در مورد گاز و برق، صنایع را با مشکلات خیلی زیادی مواجه کرده است. به اعتقاد من حمایت‌ها، عملیاتی و خوب نبودند که بتوان نمره خوبی به آن داد.

به نظرم بیشتر  
حمایت‌ها  
جنبه شعاری  
دارد و عملیاتی  
نمی‌شود. این که  
چرا حمایت‌ها  
عملیاتی  
نمی‌شود به  
موضوع اقتصاد  
برمی‌گردد؛  
اقتصاد، یک  
موجود زنده و  
تمام اجزای آن  
به هم پیوسته  
است. بنابراین،  
دست‌کاری در  
یک چرخ‌دنده  
کوچک در  
بین این اجزا،  
ممکن است  
تمام سیستم  
را به هم بریزد.  
در این سال‌ها  
بدون اشاره به  
دولت خاص،  
کلاً سیستم‌های  
دولتی براساس  
دستور، کارها را  
پیش برده‌اند.

پیش‌بینی نباشد، کار خیلی بدی است و ایجاد این شفافیت و ثبات اقتصادی که قسمتی از آن به سیاست‌های ارزی برمی‌گردد، از ضروریات است؛ علی‌رغم اینکه با کمبود ارز مواجه هستیم و شرایط تحریمی کشور را درک می‌کنم، اما نمی‌توانیم شرایط ارزی را حتی تا یک ماه آینده پیش‌بینی کنیم. دولت باید با صنعتگر صادق باشد و این صداقت نیز باید دوطرفه باشد. دولت باید هم حرف و سخن صنعتگر را باور و قبول کند و هم شرایط دولت را با مردم و صنعتگر در میان بگذارد و صادقانه حرف بزند. همیشه پشت تریبون‌ها و در سخنرانی‌های مختلف حرف‌های قشنگی زده می‌شود، اما به این حرف‌ها عمل نمی‌شود. در یکی از شاخص‌هایی که در استان اصفهان اندازه‌گیری شد، عدم عمل دولتمردان و مسئولان محلی، به صحبت‌ها و وعده‌های داده شده، به‌عنوان شاخصی مطرح شده بود که بیشترین فرار سرمایه استان از آن نشأت می‌گرفت. موضوع صداقت دولت حداقل در روحیه و امیدواری مردم خیلی مؤثر است، در واقع دولت با عمل نکردن به وعده‌ها و دادن وعده‌های پوшالی، باعث ایجاد ناامیدی در جامعه می‌شود و حتماً صنعت هم آسیب می‌بیند.

◆ **جذب و ورود تکنولوژی مناسب و مطابق با مزیت‌های بالقوه و بالفعل کشور، تغییر تکنولوژی، ایجاد تکنولوژی و بالاخره صادرات تکنولوژی برتر در بخش صنعت کشور را چگونه می‌بینید؟**

به‌صورت مصداقی شاید تعداد محدودی از بنگاه‌ها در انتقال تکنولوژی موفق بوده‌اند و با تکنولوژی‌های روز کار می‌کنند. در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی نیز کارهایی اتفاق افتاده و دست‌مان خیلی خالی نیست، اما اگر بخواهیم سطح تکنولوژی که در ایران در صنعت استفاده می‌شود نسبت به تکنولوژی روز دنیا بسنجیم، من معتقدم متأسفانه سال‌ها عقب هستیم که این موضوع ناشی از چند عامل مختلف بوده است از جمله، وجود رانت. به‌طور مثال رانت انرژی باعث شده که ما به سمت بهره‌وری انرژی در ماشین‌آلات حرکت نکنیم؛ البته صحبت عام نیست و بنگاه‌های اقتصادی هم هستند که این مسیر را رفته‌اند و به نتیجه رسیده‌اند.

موضوع تحریم را که سال‌هاست با عناوین مختلف با آن درگیر هستیم و انتقال تکنولوژی را با مشکلات خیلی زیادی مواجه کرده را نمی‌شود نادیده گرفت؛ به‌طور مثال حتی در صنایع بالادستی مثل پتروشیمی هم دچار مشکل هستیم؛ در این صنعت به دلیل عدم جایگزینی تکنولوژی‌های جدید مجبور شده‌ایم که برندها و گریدهای تکراری تولید کنیم در شرایطی که دنیا به سمت پلیمرها حرکت می‌کند، ما هنوز مواد ساده قبلی را تولید می‌کنیم؛ درحالی‌که این صنعت امکانات فراوان تحقیق و توسعه و دسترسی به منابع مالی دارد (البته

که ما می‌بینیم خود دولت یکی از بنگاه‌دارهای بزرگ است! برای مثال در وزارت کار و امور اجتماعی با توجه به وجود شستا (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) و خیلی از شرکت‌های دیگر؛ به عبارتی خود دولت عملاً در حال بنگاهداری است، یعنی رقیب بخش صنعت و بخش خصوصی است، اتفاقی که در هیچ‌کدام از کشورهای پیشرو و حتی کشورهای همسایه هم رخ نمی‌دهد و در کشورهای همسایه با امکانات خیلی ساده پیشرفت صورت می‌گیرد؛ برای مثال کشور امارات در حال تبدیل شدن به هاب استارت‌آپ منطقه است و نخبگان ایرانی به‌خاطر شرایطی که در این کشور فراهم شده، به آنجا مهاجرت می‌کنند، درحالی‌که یک‌زمانی نخبگان کشور ما به فکر مهاجرت به آمریکا و اروپا بودند، اما الان کشورهای حتی همسایه ما متأسفانه به اندازه کافی جاذبه برای جذب مغزها و صنعتگران ما دارند.

### ◆ **یک سازکار مطلوب حمایت دولت از بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه بنگاه‌های صنعتی، به پیشنهاد شما چگونه است؟**

• نخستین اقدام، بهبود محیط کسب‌وکار است؛ یعنی دولت باید تمام هم و غم خود را بر این بگذارد که شرایط محیط کسب‌وکار را به‌صورت کلان برای تمام بنگاه‌های اقتصادی بهبود دهد که انجام این اقدام، ناخودآگاه در بسیاری از بخش‌ها تأثیرگذار خواهد بود. قرار بود در کشور پنجره‌های واحد و دولت الکترونیک داشته باشیم، ولی در عمل چه اتفاقی افتاده است، وزارت اقتصاد در قسمت گمرک، یک سامانه برای خود تحت عنوان واحد فرامرزی دارد و در همان وزارت اقتصاد، سامانه ۱۶۹، سامانه ارزش افزوده، عملیات مالیات تکلیفی و مالیات حقوق هم وجود دارد. در وزارت صمت هم چنین اتفاقاتی داریم؛ یعنی به جای ایجاد یک پنجره واحد، تبدیل به چهل پنجره شده که هر کاری بخواهیم انجام دهیم، باید به یکی از این پنجره‌ها وارد شویم و عملاً تمرکزی وجود ندارد.

• سازوکار بعدی، ایجاد شفافیت و ثبات مالی و اقتصادی است؛ یعنی یک صنعتگر اگرچه به پول و کمک مالی نیاز دارد، اما کلان‌تر از آن، باید بتواند محیط اقتصاد کشورش را پیش‌بینی کند؛ یعنی بداند نرخ مواد اولیه مورد نیازش در شش‌ماه آینده چقدر است؟ به عبارتی ایجاد ثبات اقتصادی داخلی. زمانی امکان دارد اتفاقی در دنیا رخ دهد؛ به‌طور مثال بین روسیه و اوکراین جنگ می‌شود و در برخی کالاها مثل گندم، جو و ... دچار بحران جهانی می‌شود و یا فرض کنید اتفاقی در یک گوشه جهان می‌افتد و قیمت نفت تحت تأثیر قرار می‌گیرد که چنین مواردی قابل درک است، اما اینکه داخل کشور به‌واسطه سیاست‌ها و بخشنامه‌های خلق‌الساعه، شرایطی ایجاد کنیم که شرایط اقتصادی برای صنعتگر و فعال اقتصادی قابل

دولت باید با  
صنعتگر صادق  
باشد و این  
صداقت نیز باید  
دوطرفه باشد.  
دولت باید هم  
حرف و سخن  
صنعتگر را باور و  
قبول کند و هم  
شرایط دولت را با  
مردم و صنعتگر  
در میان بگذارد و  
صادقانه حرف  
بزند. همیشه  
پشت تریبون‌ها و  
در سخنرانی‌های  
مختلف  
حرف‌های  
قشنگی زده  
می‌شود، اما به  
این حرف‌ها عمل  
نمی‌شود.

خاصی مثل صنعت نانو پیشرفت‌هایی صورت گرفته و می‌توان در این حوزه صادراتی انجام داد. در مجموع به اعتقاد بنده انتقال تکنولوژی و صادرات آن شدنی است و اگر برنامه‌ریزی قابل‌اجرایی داشته باشیم می‌توانیم آن را رقم بزنیم، اما راه طولانی است و با اقتصاد موجود به‌زودی قابل دسترسی نیست.

#### ♦♦ در مورد چالش مدیریت سرمایه در گردش در بنگاه‌های تولیدی و تجاری توضیح دهید.

در سال‌های اخیر موضوع سرمایه در گردش بزرگ‌ترین چالش تمام بنگاه‌های اقتصادی بویژه بنگاه‌های تولیدی که نیاز به تأمین مواد اولیه و سیکل تولید دارند، بوده است؛ به‌طوری‌که تورم بالای سال‌های گذشته باعث شده که نیاز به سرمایه در گردش نسبت به سه سال گذشته، حداقل ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد بیشتر شود.

نبود سرمایه در گردش و یا کمبود سرمایه در گردش باعث می‌شود بنگاه‌ها سیاست‌های انقباضی بگیرند و سیاست‌های توسعه‌ای (از جمله توسعه بازار) و موضوع صادرات محصولات خود را نگه داشته و اجرا نکنند.

در مجموع در پنج‌شش سال گذشته به دلیل افزایش بی‌سابقه نرخ ارز و به‌واسطه آن افزایش نرخ مواد اولیه، افزایش دستمزدها و افزایش حامل‌های انرژی به عبارتی افزایش چندصد درصدی تمام آیتم‌هایی که یک بنگاه تولیدی به آن نیاز داد، بنگاهداری تولیدی در ایران چالش بزرگی بوده است. ازسوی دیگر در موضوع فروش به واسطه مشکلات موجود بازار، رقابت‌های نادرستی که در بازار در حوزه واحدهای زیرپله‌ای اتفاق می‌افتد و آن‌ها شاید شرایط اقتصادی راحت‌تری نسبت به بنگاه شناسنامه‌دار دارند، مشکلاتی که در صادرات وجود دارد موجب شده نتوانسته‌ایم قیمت‌ها را به‌صورت تأثیرگذار بالا ببریم و درحالی‌که قیمت تمام‌شده کالای تولید شده در واحدها به‌شدت افزایش پیدا کرده، اما قیمت فروش چندان نتوانسته افزایش یابد و این موضوع چالش را بیشتر کرده است.

منابع بانک‌ها نیز فریز شده، سیستم بورس هم علی‌رغم اینکه می‌توانست جهت تأمین مالی به‌عنوان جایگزین بانک برای بنگاه‌های اقتصادی عمل کند و منابع مالی واحدهای تولیدی را تأمین کند، با چالش‌هایی مواجه شده که در یکی‌دو سال اخیر حتی شرکت‌ها جرأت نزدیک‌شدن به استفاده از سیستم بورس و بازار سرمایه را ندارند. روش‌های نوین تأمین مالی دیگر هم خیلی مورد اقبال در ایران واقع نشده است؛ بنابراین، سرمایه در گردش به‌دلیل تورم بی‌سابقه به یک چالش خیلی بزرگ برای شرکت‌ها و واحدهای تولیدی تبدیل شده است.

می‌خواهم بگویم در این زمینه کاری انجام نشده است). در صنعت خودروسازی، علی‌رغم این‌که حمایت‌های زیادی از این صنعت در کشور انجام شده، اما سطح تکنولوژی خودروی ایرانی با خودروسازی جهان فاصله زیادی دارد که نشان می‌دهد وقتی حمایت‌ها از یک صنعت به‌درستی اعمال نشود، نه‌تنها نتیجه مثبت نمی‌دهد؛ بلکه باعث تغییر تکنولوژی و تغییر کیفیت نیز نخواهد شد و حتی در حوزه قیمت‌گذاری این صنعت نیز با مشکل مواجه هستیم. این موارد نشان می‌دهد که کشور ما از نظر سطح تکنولوژی در صنعت و در زمینه نرخ استهلاک سرمایه‌گذاری، اوضاع مناسبی ندارد. سال‌هاست که سرمایه‌گذاری ثابت در بخش ماشین‌آلات و صنعت، رشد منفی دارد که این موضوع ناخودآگاه در آینده ما را با چالش‌های بزرگ‌تری مواجه خواهد کرد.

به‌طور مثال در بحث تعرفه ماشین‌آلات، اگر ماشین‌آلاتی در داخل تولید نمی‌شد، می‌توانستیم از تخفیفات تعرفه‌ای ماشین‌آلات استفاده کنیم که ظاهراً با بخشنامه‌های جدید این قسمت هم حذف شده و در شرایطی که به ماشین‌آلات و تکنولوژی جدید نیاز داریم، قوانین حمایتی در این زمینه وجود ندارد.

سطح تکنولوژی موجود در اقتصاد ایران، سطح تکنولوژی قابل‌ارائه‌ای به دنیا نیست؛ اگرچه ممکن است در بخش‌های



## ◆ در مورد معایب نظام تأمین مالی بخش صنعت توضیح دهید.

عمده صنایع، منابع مالی خود را از بانکها تأمین می‌کنند. تأمین مالی با استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم سرمایه‌گذار بسیار کم است. منابع بانکها نیز فریز شده است و به واسطه یکسری ابردهکار بانکی در کشور با مشکلات اقتصادی داشته‌اند و بخشی از پول‌های آن‌ها بلاک شده و دسترسی به آن برای پرداخت به صنعت ندارند.

از طرفی وقتی تقاضا بیشتر از عرضه باشد، ناخودآگاه سیستمی که عرضه را انجام می‌دهد، با شیوه خاص خودش عرضه را انجام می‌دهد. حتی قراردادهای بانکها هم یکسری قراردادهای یک‌طرفه تک‌نسخه‌ای بود که اواخر سال گذشته، بخشنامه شده که قرارداد باید حتماً در اختیار وام‌گیرنده قرار گیرد. می‌توان گفت قراردادهای بانکی در حال حاضر قرارداد ترکمنچای هستند. در واقع قراردادی منعقد می‌کردیم که هیچ اطلاعی از مفاد آن نداشت و این شاید یک مثال خیلی واضحی از سیستم مالی بخش صنعت است.

همان‌طور که عرض کردم بورس علی‌رغم این که می‌توانست جایگزین خوبی برای بانکها باشد و سرمایه‌گذاران خرد در واحدهای صنعتی و تولیدی سرمایه‌گذاری کنند که این امر در افق بلندمدت موجب رونق بازار سرمایه می‌شد که ناخودآگاه برای عامه مردم خوب بود، بویژه برای کسانی که سرمایه خرد داشته‌اند و نمی‌توانستند با پول خود فعالیت را شروع کنند و از تورم عقب نمی‌افتادند، برای همه بنگاه‌های اقتصادی روش بهتری نسبت به تأمین مالی از بانک بود، اما متأسفانه ریزش‌های شدیدی که در بورس کالا اتفاق افتاد، سرمایه‌گذارها از این حوزه فاصله گرفته‌اند.

در مجموع در بخش بانک به دلیل کمبود منابع مالی و در بخش بازار سرمایه به دلیل گریز عامه مردم از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تولیدی در بورس کالا، عملاً با مشکل تأمین سرمایه مواجه هستیم و این امر گرفتاری خیلی زیادی برای بنگاه‌های اقتصادی در تأمین مالی ایجاد کرده است.

## ◆ تحقق توسعه صنعتی ایران را چه عواملی دور از دسترس

### قرار داده است؟

توسعه صنعتی شاخه‌ای از توسعه اقتصادی است. وقتی برنامه توسعه اقتصادی کلان در کشور به‌صورت ملموس نداریم؛ بنابراین، برنامه توسعه صنعتی هم نداریم و وقتی آمایش سرزمینی که سال‌ها قبل شروع شده، هنوز پس از سال‌ها نتیجه ملموس نداشته و به‌طور مثال هنوز نمی‌دانیم که کارخانه فولاد در جنوب کشور بزنیم یا جای دیگر و یا وقتی در صنعت پتروشیمی منابع انرژی مثل گاز و نفت را در جنوب کشور داریم، قاعدتاً باید در جنوب کشور ساخته شود نه در شمال کشور. این

موارد نشان می‌دهد ما هنوز فرهنگ توسعه نداریم.

پیشگام توسعه صنعتی، توسعه اقتصادی است و پیشگام توسعه اقتصادی، داشتن فرهنگ توسعه است که متأسفانه فرهنگ توسعه نداریم.

در کشور مالزی وقتی از یک راننده تاکسی هم سؤال می‌شد، درباره بندهای چشم‌انداز توسعه این کشور می‌دانست که کشورش قرار است به کجا برسد، اما در ایران، آفاق ۱۴۰۴ که سرلوحه ما برای توسعه بوده، دقیقاً ماجرا برعکس شد، ما هدف را قرار دادیم، اما استراتژی‌های مناسب را پی نگرفتم و از رتبه‌های اقتصادی که داشتیم، عقب افتادیم.

در موضوع توسعه نیاز است که تمام ارکان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باید با هم آمیخته شود. راهبرد سیاست صنعتی، به‌تنهایی کافی نیست؛ باید مسایل ارزی، مالی، حتی فرهنگی و بهبود ساختارهای مدیریتی در کشور شکل می‌گرفت. در توسعه صنعتی اگر فکر می‌کردیم و به سمت توسعه صنایع مکرر نمی‌رفتیم؛ بلکه به سمت مزیت‌های رقابتی و توسعه صنایعی می‌رفتیم که از سال‌ها قبل مزیت نسبی اقتصادی داشتیم، الان وضعیت خیلی بهتری داشتیم.

متأسفانه بنگاه‌های مختلف اقتصادی با سطح تکنولوژی پایین ایجاد کردیم که تمام این بنگاه‌ها روی دست دولت مانده است و فرقی نمی‌کند که این اتفاق در بخش خصوصی رخ داده یا دولتی. دولت باید وام دهد و گرنه کارگر بنگاه اقتصادی اخراج می‌شود و اگر کارگر اخراج شود، تبعات اجتماعی به‌دنبال دارد و در این سال‌ها یک چرخه معیوبی اتفاق افتاده است.

دو سال پیش آقای دکتر رنانی به همراه تیم‌شان، شاخص‌های توسعه در ایران را اندازه‌گیری کرده و شاخص به‌عنوان ابرشاخص توسعه تعریف کرده بودند. در این شاخص با مقدار پولی که دولت پرداخت و هزینه کرده و به ازای آن، میزانی که کشور توسعه پیدا کرده است؛ می‌توان گفت، ایران در قعر جدول است و علی‌رغم این که دولت‌هایی داشته‌ایم که درآمدهای ارزی بسیار زیادی داشتند، اما نبود سیاست‌های درست اقتصادی و صنعتی باعث شده که ارز به ارزیابی و رانت تبدیل شده و به سیستم توسعه وارد نشده و متأسفانه در ابرشاخص توسعه مشکل داریم و علی‌رغم اینکه بیشترین پول را هزینه می‌کنیم، کمترین میزان توسعه نصیب کشور شده که بخشی از آن هم به توسعه اقتصادی و صنعتی برمی‌گردد.

در نرخ سرمایه‌گذاری هم بسیار مشکل داریم که هشدار بسیار بزرگی برای توسعه صنعتی ایران است. اگر بخوام در یک جمله خلاصه کنیم، متأسفانه فرهنگ توسعه در ایران نداریم و تا زمانی که فرهنگ توسعه در ذهن یک کارمند ساده دولت و یک کارگر کارخانه نباشد و به فکر انجام کارهایی در راه پیشرفت کشور نباشند، وضعیت همین‌گونه خواهد بود.

### در صنعت

خودروسازی،

علی‌رغم این که

حمایت‌های

زیادی از این

صنعت در کشور

انجام شده، اما

سطح تکنولوژی

خودروی ایرانی

با خودروسازی

جهان فاصله

زیادی دارد که

نشان می‌دهد

وقتی حمایت‌ها

از یک صنعت

به‌درستی اعمال

نشود، نه تنها

نتیجه مثبت

نمی‌دهد؛ بلکه

باعث تغییر

تکنولوژی و

تغییر کیفیت نیز

نخواهد شد و

حتی در حوزه

قیمت‌گذاری

این صنعت نیز

با مشکل مواجه

هستیم.



این که بعد از سخنان رهبری در مواردی مثل بخشنامه‌ها و ضمانت‌نامه‌ها، آیا هیچ اتفاقی افتاد است؛ آیا دولت تغییر رویه داده است، اگر اتفاق افتاده، آیا وزیران و معاونان و وزیر در هنگام تصمیم‌گیری، با بخش خصوصی مشورت می‌کنند و نظرات واقعی بخش خصوصی را می‌گیرند؟! من فکر می‌کنم اتفاق خاصی نیفتاده است، علی‌رغم این که در سال‌های گذشته نام‌گذاری سال‌ها و به عبارتی نظر رهبری و سیستم به سمت این که اقتصاد مهم است به سمت توسعه اقتصادی، تولید و اشتغال حرکت کرده است، اما در عمل به غیر از نصب بنر بر سردر ادارات و وزارتخانه‌ها، اتفاق ملموس و عملیاتی ندیده‌ایم.

◆ اکثر مشکلات تولیدکنندگان در دیدار با رهبر معظم انقلاب در بهمن‌ماه ۱۴۰۰، شامل واردات کالاهای مشابه تولید داخل، مشکلات اخذ ضمانت‌نامه برای قراردادهای بین‌المللی، تأمین مواد اولیه، ترخیص‌های طولانی‌مدت در گمرک و سیاست‌های غلط بانکی و تأمین اجتماعی بیان شده است؛ چه تغییری در روند اصلاح امور دستگاه‌های دولتی ملاحظه می‌کنید؟

توفیق حضور در این دیدار را داشتم و سخنان رهبر معظم انقلاب را از نزدیک شنیدم، اما علی‌رغم اینکه ایشان هم در آن جلسه و هم در جلسات مکرر دیگر، عملکرد دولت‌های مختلف را با شاخص‌های ملموس، مثل نرخ تورم، میزان سرمایه‌گذاری و فضای کسب‌وکار سنجیده‌اند و همه از جمله مردم، رهبر و خود دولت‌ها می‌دانند که در این بخش‌ها نمره قابل قبولی نداشته‌ایم. این که بعد از سخنان رهبری در مواردی مثل بخشنامه‌ها و ضمانت‌نامه‌ها، آیا هیچ اتفاقی افتاد است؛ آیا دولت تغییر رویه داده است، اگر اتفاق افتاده، آیا وزیران و معاونان وزیر در هنگام تصمیم‌گیری، با بخش خصوصی مشورت می‌کنند و نظرات واقعی بخش خصوصی را می‌گیرند؟! من فکر می‌کنم اتفاق خاصی نیفتاده است، علی‌رغم این که در سال‌های گذشته نام‌گذاری سال‌ها و به عبارتی نظر رهبری و سیستم به سمت این که اقتصاد مهم است به سمت توسعه اقتصادی، تولید و اشتغال حرکت کرده است، اما در عمل به غیر از نصب بنر بر سردر ادارات و وزارتخانه‌ها، اتفاق ملموس و عملیاتی ندیده‌ایم و حس نمی‌کنم الان نسبت به دو ماه قبل فرقی کرده باشد. رهبر معظم انقلاب در حوزه کالاهای مشابه بحث داشتند و می‌گفتند در لوازم خانگی علی‌رغم فرصت ایجاد شده برای بهره‌وری و بارور کردن این بخش، قیمت‌ها دو برابر شده و یا در بخش خودرو علی‌رغم حمایت‌های فراوان، طبق فرموده رهبر معظم انقلاب، نه تغییر کیفی داشتیم و نه تغییر در حوزه قیمت. در موضوع خودرو علی‌رغم اشاره رهبری و مصوبه مجلس برای واردات خودرو، این موضوع همچنان متوقف مانده و در چالش‌ها و پیچش‌ها معطل مانده است.

اقتصاد چندلایه‌ای که در ایران وجود دارد، یکی از موانع بزرگی است که جاهای مختلفی در مورد اقتصاد تصمیم‌گیری می‌کنند و سیستم یکپارچه نیست، اما همه چیز هم دست دولت نیست و نمی‌خواهیم دولت را محکوم کنیم؛ اگر از تمام سیستمی که برنامه اقتصاد را مدیریت می‌کند به‌عنوان حاکمیت نام ببریم، حکمرانی ما نمره خوبی در این حوزه نداشته است.

◆ به نظر شما اکوسیستم صنعت ایران در مسیر چه تحولی قرار دارد؟ با توجه به این که شرایط اقتصادی تنگ‌تر و سخت‌تر می‌شود، نگاه‌هایی که قدرت رقابت‌پذیری پایینی دارند، آرام‌آرام از بازار حذف خواهند شد و هر چقدر هم حمایت‌های دولتی و بانکی

از بنگاه‌هایی که چابک نیستند، داشته باشیم، به‌جایی نخواهند رسید و فکر می‌کنم دهه آینده دهه‌ای است که بنگاه‌های دولتی رانتی که وابسته به رانت انرژی، رانت دسترسی به مواد و امضای طلایی بودند، آرام‌آرام از سیستم اقتصاد ایران حذف خواهند شد؛ چرا که در شرایط سخت، فقط بنگاه‌هایی می‌توانند موفق باشند و پیشرو بمانند که تفکر استراتژیک و قدرت تغییر داشته باشند و بنگاه‌هایی که نتوانند خود را با شرایط فعلی جامعه وفق دهند، رو به زوال می‌روند.

اکوسیستم ایران به سمتی در حال حرکت است که در آینده شاهد حذف یک‌سری از بنگاه‌های اقتصادی غیربهره‌ور خواهیم بود؛ یعنی بنگاهی که بهره‌وری نداشته باشد، ناخودآگاه در شرایط سخت اقتصادی و در شرایطی که قیمت حامل‌های انرژی هم افزایش خواهد یافت، از سیستم اقتصادی ایران حذف خواهد شد.

◆ به نظر جنابعالی، چه عواملی موجب به انجام نرسیدن تلاش‌های برنامه‌ای از جمله تدوین استراتژی توسعه صنعتی کشور شده است؟

تدوین استراتژی توسعه صنعتی، بخشی از توسعه اقتصادی کشور است که به هماهنگی تمام ارکان اقتصادی و حاکمیتی نیاز دارد و بحث حاکمیت را از این نظر می‌گویم که واقعاً دولت به‌تنهایی و فقط با نوشتن یک برنامه توسعه صنعتی، نمی‌تواند مؤثر باشد؛ بلکه بخش‌های مختلف بدنه حاکمیت باید همراه باشند، اما این همراهی در کشور وجود ندارد.

موضوع بعدی، نظام اقتصادی کشور است؛ تا زمانی که شفافیت اقتصادی ایجاد نشود و نظام رانت در کشور کم نشود، تدوین استراتژی توسعه خیلی نتیجه‌بخش و اجرایی نخواهد بود.

مسئله مهم دیگر، موضوع فرهنگ توسعه است؛ یعنی در توسعه به مزیت اقتصادی و مزیت نسبی نگاه کنید و بنگاهی که مزیت نسبی ندارد، رها کنید تا شکست بخورد. این که بودجه و هزینه را صرف بنگاه‌های غیربهره‌ور کنیم، یکی از عواملی است که در فرهنگ توسعه وجود ندارد؛ به‌طور مثال به‌واسطه این که تعداد کارگران یک شرکت زیاد است و اگر بیکار شوند، مشکلات اجتماعی ایجاد می‌شود، دولت تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا آن شرکت را نگه دارد، اما فرهنگ توسعه یعنی این که بنگاهی که بهره‌ور نیست، تعطیل شود و به جای آن بنگاه‌هایی که بهره‌وری اقتصادی دارند، حمایت شوند. شاید مثال آن، شرکت‌های خودروساز باشند؛ به قول آن مسئول در پلیس راهور، اگر در این سال‌ها این شرکت‌ها تعطیل شده و خودروهای خارجی با مصرف سوخت پایین وارد شده بود، انرژی که در کشور صرفه‌جویی می‌شد، حقوق کارگران شرکت‌های خودروساز از همان صرفه‌جویی به دست می‌آمد؛ بنابراین تا فرهنگ توسعه اقتصادی و فرهنگ توسعه صنعتی در کشور جاری نباشد،

به نتیجه رسیدیم، شاید صنعت فولاد ایران و البته فولاد اصفهان یکی از قطب‌های فولاد، یکی از مثال‌هایی باشد که نشان می‌دهد با خودباوری، تحقیق و نوآوری هرچند کوچک، می‌شود تغییرات مثبتی ایجاد کرد و وابستگی‌ها را نسبت به تکنولوژی خارجی کاهش داد.

در خدمات فنی و مهندسی هم استان اصفهان شرکت‌های خیلی خوبی دارد که در این سال‌ها علی‌رغم وجود تحریم‌ها، به کمک سایر صنایع آمده‌اند و در تأمین قطعات و تکنولوژی، به آن‌ها کمک کرده‌اند.

خودباوری، اتکا به دانش و نیروی فنی ماهر، یکی از مزیت‌های خوب اصفهان است. در اصفهان، نیروی ماهر در اکثر زمینه‌های فنی مورد آموزش قرار گرفته و ساخته شده‌اند و علی‌رغم اینکه استان اصفهان یک قطب دانشگاهی بزرگ است و دانشگاه‌های مهمی در این استان هستند، اما پرورش نیروهای متخصص، هم در بخش صنعت و هم در بخش فنی و حرفه‌ای، یکی از اتفاقات خوبی است که رخ داده و شاید بشود به‌عنوان یک الگو مورد استفاده بقیه استان‌ها قرار گیرد.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، بیان فرمایید.

از تمام همکاران نشریه و عزیزانی که در هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی کرمان حضور دارند، تشکر می‌کنم. اتاق بازرگانی کرمان، یکی از اتاق‌های تأثیرگذار در کشور است که همیشه در جاهای مختلف اقتصادی مؤثر بوده و کرمان هم استانی با مردمان خیلی خوب، خونگرم و مهمان‌نواز است و صنعتگران قابل‌ی دارد. ◆◆



استراتژی‌هایی که تدوین می‌شود، چون سلیقه‌ای است و براساس سلیقه یک دولت یا یک مجلس تصویب می‌شود و در دولت و مجلس بعدی، تغییر پیدا می‌کند، به جایی نمی‌رسد. متأسفانه تاکنون، سیاست‌ها، درست و کلان نبوده و معمولاً در تدوین و اجرای برنامه‌ها سلیقه‌های حزبی، جناحی و یا فرهنگی خاصی دخیل بوده که در جریان توسعه صنعتی چندان کارساز نبوده است.

#### ◆ در مورد تجربه استان اصفهان در خلق و تقویت فرصت‌ها و برطرف کردن چالش‌ها در مسیر توسعه اقتصاد صنعتی که می‌تواند برای کشور قابل استفاده و مؤثر باشد، توضیح دهید.

استان اصفهان به‌واسطه وجود صنایع و واحدهای صنعتی مختلف، یکی از ارکان اقتصادی کشور است که البته یک چالش است. شاید اگر طرح آمایش سرزمینی زودتر آماده می‌شد، خیلی از این صنایع در اصفهان نبود و الان، مشکلات آلودگی و زیست‌محیطی در کلان‌شهر اصفهان نداشتیم؛ بنابراین، اگر بخواهیم توسعه اقتصادی و صنعتی استان اصفهان را الگو قرار دهیم، باید طرح‌ها براساس مزیت‌سنجی نسبی مکانی اجرا شود و اجازه ندهیم، لابی‌های شخصی یا مجلسی، موجب خروج یک طرح اقتصادی از منطق و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای بشود و این شاید اولین درسی باشد که بتوانیم از وضعیت اصفهان بگیریم که اکنون بدون آب و با آلودگی فراوان، میان یک‌سری کارخانه صنعتی مانده‌ایم.

نکته دوم این است که در اصفهان علی‌رغم توسعه صنعتی، حوزه گردشگری به‌عنوان یک صنعت، خیلی مغفول مانده و علی‌رغم جاذبه‌های گردشگری زیاد، به دلیل همان نبود فرهنگ توسعه که صنعت را فقط به چرخ‌دنده می‌دانسته، به گردشگری که می‌تواند یکی از صنایع باشد، توجه نشده و به تعداد کارخانه‌هایی که در اصفهان داریم، هتل نداریم. اصفهان، استانی است که می‌توانست به جای توسعه صنعتی، با جذب گردشگر خارجی، به سمت توسعه گردشگری برود و به اندازه درآمد تمام کارخانه‌ها، درآمد کسب کند.

البته نقش اصفهان را نمی‌توان در GDP کشور نادیده گرفت و کارخانه‌های بزرگی در این استان وجود دارد، ولی همین نقش را می‌توانست با تکیه بر صنایع پاک مثل صنعت توربسم انجام داد. مثال دیگر، موضوع خودباوری است. می‌دانیم که شرکت‌های بزرگ ایرانی مثل فولاد اصفهان، جزو نخستین شرکت‌هایی بودند که در ادوار گذشته در لیست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند، اما در سال‌های گذشته طرح‌هایی که در فولاد دیدیم و تکنولوژی‌ها و افزایش تولیدی که اتفاق افتاد و محصولات جدیدی که تولید شد، نشان از خودباوری است.

تحریم‌ها، صد درصد مؤثر است، اما در بخش‌هایی که به خودباوری رسیدیم، تحقیق کردیم و برای تحقیق، هزینه کردیم و

# بررسی و تجزیه و تحلیل نرخ مشارکت نیروی کار در استان کرمان

♦ دکتر جعفر رودری

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان



طی سال ۱۴۰۰،  
تقریباً بیش از  
۳۶ هزار نفر به  
جمعیت فعال  
استان به واسطه

افزایش نرخ  
فعالیت اضافه  
شده؛ یعنی نرخ  
فعالیت که از  
پاییز ۱۳۹۹ حدود  
۳۹/۶ بوده است

در پایان این  
سال تقریباً همین

مقدار است و

در زمستان ۱۴۰۰

وقتی که شرایط

تقریباً بهبود

پیدا می‌کند به

۴۱/۱ می‌رسد

لذا به واسطه

این افزایش نرخ

فعالیت بیش از

۳۶ هزار نفر به

جمعیت فعال

استان افزوده

شده است.

## تعریف نرخ فعالیت یا نرخ مشارکت

به‌طور کلی نرخ فعالیت؛ نسبت جمعیت فعال به جمعیت در سن کار است. با توجه به تعریف مرکز آمار ایران، سن کار و فعالیت از ۱۵ سال به بالا تعریف می‌شود. در بسیاری از کشورها معمولاً سن کار را بین ۱۵ تا ۶۵ سال در نظر می‌گیرند. در کشور ما از نظر اقتصادی، افراد بازنشسته با شرایطی مواجه می‌شوند که نیاز به انجام کار بعد از بازنشستگی دارند، بنابراین دامنه سن کار در کشور ما ممکن است بعد از سن بازنشستگی یعنی ۶۵ سال هم ادامه داشته باشد.

جهت بررسی نرخ فعالیت، دو پارامتر جمعیت فعال و جمعیت در سن کار مورد بررسی و پایش قرار می‌گیرد. جمعیت فعال ترکیبی از دو بخش جمعیت شاغل و جمعیت بیکار است و از نظر اقتصادی برابر با عرضه نیروی کار است. جمعیت در سن کار آن بخش از جمعیت است که هم قادر به انجام کار و هم مایل به انجام کار است، منظور از قادر بودن یعنی فرد هم از بُعد جسمی و فیزیکی و هم بُعد تخصصی و مهارتی توانایی انجام کار را داشته باشد و همین‌طور مایل هم باشد. اگر فرد توانایی انجام کاری را داشته باشد، اما مایل به انجام کار نباشد، از زمره جمعیت فعال خارج می‌شود و اصطلاحاً جزو جمعیت غیرفعال قرار می‌گیرد.

## بررسی نرخ فعالیت در استان کرمان در پنج سال گذشته

بر اساس جدول شماره (۱) در سال ۱۳۹۵ نرخ فعالیت در استان کرمان حدود ۴۲ درصد بوده، به این مفهوم که از جمعیتی که در سال ۹۵ در سن کار هستند، ۴۲ درصد آن‌ها عملاً از نظر اقتصادی فعالند؛ به عبارتی یا شاغلند یا بیکار. این نسبت در سال ۱۳۹۵ در کشور ۴۳/۲ درصد بوده، بنابراین در این سال نرخ فعالیت استان نسبت به کشور پایین‌تر است.

در سال ۱۳۹۶، تقریباً نرخ فعالیت استان بالا بوده به‌طوری که بالاترین نرخ فعالیت در بازه زمانی بررسی شده در استان و در کشور، در این سال است. این عدد برای استان برابر با ۴۴/۱ درصد و برای کشور ۴۴/۲ درصد می‌باشد. بعد از سال ۱۳۹۶، نرخ فعالیت روند نزولی خود را طی می‌کند تا اینکه در سال ۱۳۹۹ تحت تأثیر شرایط کرونا تقریباً به کمترین حد خود یعنی ۳۹/۶ درصد می‌رسد؛ یعنی درصدی از جمعیت که در سن کار هستند و عملاً از نظر اقتصادی فعالند، کاهش پیدا می‌کند یا مفهوم دیگر آن این است که جمعیت غیرفعال در این سال افزایش پیدا کرده است.

## دلایل کاهش نرخ فعالیت زنان در استان کرمان

اگر بخواهیم دلایل کاهش نرخ فعالیت را در استان و در کشور بررسی کنیم، به‌طور مشخص می‌توان گفت تقریباً



جدول شماره (۱): مقایسه نرخ فعالیت در استان کرمان و کشور

سال	نرخ فعالیت در استان کرمان (بر اساس درصد)	نرخ فعالیت در کشور (بر اساس درصد)
۱۳۹۵	۴۲	۴۳/۲
۱۳۹۶	۴۴/۱	۴۴/۲
۱۳۹۹	۳۹/۶	۴۱/۳
۱۴۰۰	۴۰/۳	۴۰/۹

تأمین معیشت و درآمد خانوار به جز زنان سرپرست خانوار، مسئولیت مستقیم کمتری دارند. لذا تأثیر فشار اقتصادی به واسطه کاهش عرضه نیروی کار و نرخ فعالیت بیشتر متوجه بانوان است.

#### بررسی نرخ فعالیت به تفکیک زنان و مردان در استان کرمان و کشور

در مجموع در بررسی نرخ فعالیت در کشور و در استان کرمان دو دوره قابل توجه است:

- دوره اول مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ تا پایان ۱۳۹۹ است که در این مدت نرخ فعالیت، کاهش یافته است.
- دوره دوم از سال ۱۳۹۹ به بعد است که تقریباً با مدیریت عوامل اقتصادی در کشور از جمله مباحث مقابله با تحریم همراه است. در شرایطی که کشور تا حدود زیادی به یک ثبات نسبی رسیده و خیلی از راه‌های مقابله با تحریم برای کشور پیدا شده، این امر موجب شده که عملاً مشکلات ما به لحاظ اقتصادی در ساختارهای اقتصادی استان و همین‌طور کشور به سمت سازگاری بیشتر با این شرایط حرکت کند. از طرفی اثر کرونا نیز کمتر شده. لذا بهبود وضعیت اقتصادی در کشور و همین‌طور در استان با افزایش نرخ مشارکت یا فعالیت اقتصادی خود را نشان می‌دهد و نرخ فعالیت از ۳۹/۶ درصد در سال ۱۳۹۹، در پاییز ۱۴۰۰ تقریباً افزایش یافته و در سال ۱۴۰۰ به ۴۰/۳ درصد ارتقا پیدا کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، تقریباً می‌توان گفت افزایش نرخ مشارکت و یا فعالیت اقتصادی که ان‌شالله پایدار بماند و محدود به یک فصل خاص نباشد، به نوعی بازگشت به وضعیت قبل از کرونا را برای ما تداعی می‌نماید.

با توجه به جدول شماره (۲) در این دو دوره، اگر نرخ فعالیت را به تفکیک بین بانوان و آقایان بررسی کنیم،

بعد از پاییز ۱۳۹۸ که شرایط کرونایی به وجود آمد، کاهش نرخ مشارکت و فعالیت اقتصادی خیلی جدی شده و شتاب بیشتری گرفته. اگر این موضوع را به صورت جزئی‌تر بررسی کنیم و نرخ مشارکت را به دو بخش نرخ مشارکت یا فعالیت مردان و زنان تفکیک کنیم، می‌بینیم که عمده کاهش، به کاهش نرخ فعالیت خانم‌ها برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر تأثیر کرونا بر کاهش نرخ فعالیت اقتصادی بانوان بیشتر از مردان بوده است و اثرات بیشتری گذاشته است و در استان هم می‌توان گفت که این تأثیر بیشتر بوده است. بر اساس جدول شماره (۲) در سال ۱۳۹۶ نرخ فعالیت بانوان در استان ۱۶ درصد بوده و در مقایسه با کشور که حدود ۱۶ بوده، برابر است. در سنوات بعد این نرخ، کاهش پیدا کرده و در انتهای سال ۱۳۹۹ به ۱۱/۷ درصد رسیده. در کشور نیز نرخ فعالیت بانوان طی این مدت کاهش پیدا کرده و در پایان سال ۱۳۹۹ به ۱۳/۹ درصد رسیده است.

در بررسی دلیل این مسئله می‌توان گفت، این موضوع به ساختار اقتصادی و تا حدودی ساختار اجتماعی و فرهنگی استان برمی‌گردد که در اینجا بیشتر، ساختار اقتصادی تأثیرگذار است؛ به این مفهوم که در اقتصاد کرمان، سهم بخش کشاورزی نسبت به متوسط کشور در اشتغال، تقریباً بیش از دو برابر است. با توجه به ماهیت بخش کشاورزی، سهم مشارکت بانوان در این بخش کمتر است یا برعکس این سهم در آقایان در این بخش بیشتر است. بنابراین عملاً این موضوع کمک می‌کند که اگر قرار باشد افرادی در شرایط کرونا کنار بروند، بیشتر از طرف جامعه بانوان باشند. در بخش خدمات نیز، سهم مشارکت بانوان نسبت به متوسط کشور خیلی پایین‌تر است. در مجموع تأثیرگذاری کرونا بر فعالیت‌ها بیشتر معطوف به جامعه زنان است. از طرفی بانوان در قیاس با آقایان عمدتاً در

در حال حاضر مسئله بیکاری در استان کرمان بیشتر از جنس بیکاری بانوان است و این بدان معنی نیست که مشکلی برای بیکاری آقایان نداریم، ولی اگر به طور نسبی در نظر بگیریم سهم بیکاری خانم‌ها خیلی بیشتر است. همچنین در افزایش نرخ فعالیت، سهم خانم‌ها بیشتر است. لذا این مسئله حتماً باید در سیاست‌های ایجاد اشتغال در استان کرمان مد نظر قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که ما بتوانیم نسبت به این شرایط برنامه‌ریزی لازم را داشته باشیم.

جدول شماره (۲): مقایسه نرخ فعالیت زنان و مردان در استان کرمان و کشور

نرخ فعالیت در کشور		نرخ فعالیت در استان کرمان		سال
نرخ فعالیت مردان (درصد)	نرخ فعالیت زنان (درصد)	نرخ فعالیت مردان (درصد)	نرخ فعالیت زنان (درصد)	
۷۰٫۹	۱۶	۶۹٫۳	۱۶	۱۳۹۶
۶۸٫۷	۱۳٫۹	۶۷	۱۱٫۷	۱۳۹۹
۶۸٫۷	۱۳٫۳	۶۷٫۷ (زمستان ۱۴۰۰)	۱۵٫۳ (زمستان ۱۴۰۰)	۱۴۰۰

پاییز سال ۱۴۰۰، جمعیت فعال تقریباً حدود یک میلیون نفر بوده‌اند که از این جمعیت، تقریباً حدود ۱۱۰ تا ۱۱۵ هزار نفر بیکاران تخمین زده می‌شوند و مابقی جمعیت شاغل هستند. اگر جمعیت شاغل کمتر باشد و نرخ جمعیت فعال هم ثابت باشد، این عدد در جمعیت بیکار قرار می‌گیرد؛ بنابراین صورت کسر جمعیت بیکار و مخرج کسر جمعیت فعال است و هر قدر جمعیت شاغل کمتر باشد، صورت کسر اضافه می‌شود و حاصل کسر یعنی نرخ بیکاری افزایش پیدا می‌کند. با توجه به جدول شماره (۳) نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۰ در استان کرمان ۱۱٫۲ درصد بوده، در حالی که این عدد در کشور ۹٫۲ درصد است که می‌توان گفت، یکی از دلایل مهم آن، موضوع افزایش نرخ فعالیت است؛ به عبارت دیگر ورود بیش از ۳۶ هزار نفر به بازار کار آن هم عمدتاً از طرف بانوان، یکی از دلایلی است که باعث شده که نرخ بیکاری استان در سطح بالاتری قرار گیرد. این در حالی است که ما به لحاظ عملکرد اشتغال در سال ۱۴۰۰ وضعیت بهتری نسبت به سال ۱۳۹۹ داریم، سال ۱۳۹۹ بر اساس آمار که قبلاً اعلام شد، متأسفانه علی‌رغم این که استان به تعهدات اشتغالی‌ای که در حوزه برنامه‌ریزی شده دستگاه‌های استان است عمل نموده، اما خالص اشتغال ایجاد شده حدود منفی ۳۳ هزار فرصت شغلی بوده، یعنی عملاً نه تنها سرجمع اشتغال مان افزایش پیدا نکرده بلکه کاهش هم پیدا کرده که دلیل آن از بین رفتن فرصت‌های شغلی زیادی به واسطه کرونا و شرایط اقتصادی بوده. سال ۱۴۰۰ این وضعیت به مراتب شرایط بهتری پیدا کرده و خالص ایجاد اشتغال، تقریباً حدود ۲۳ هزار فرصت شغلی است. در یک جمع‌بندی، در انتهای سال ۱۴۰۰، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی یعنی نرخ فعالیت را داریم، بویژه برای

می‌بینیم که نرخ فعالیت آقایان طی سال ۱۳۹۹ و تا زمستان سال ۱۴۰۰ از ۶۷ به ۶۷٫۷ درصد افزایش پیدا کرده است. اگر بخواهیم به‌طور نسبی نرخ فعالیت آقایان را با افزایش نرخ فعالیت بانوان که از ۱۱٫۷ درصد در سال ۱۳۹۹ به عدد قابل قبول ۱۵٫۳ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده قیاس کنیم، عملاً حتی نسبت به نرخ فعالیت بانوان در زمستان ۱۴۰۰ در کشور این عدد در سطح خیلی بالاتری قرار می‌گیرد و این نشان می‌دهد که عملاً نرخ فعالیت بانوان در استان کرمان به همان شرایط قبل از کرونا و شرایط سال ۱۳۹۶ که تقریباً نرخ فعالیت آن‌ها در سطح بالاتر قرار گرفته بود، نزدیک می‌شود.

بنابراین طی سال ۱۴۰۰، تقریباً بیش از ۳۶ هزار نفر به جمعیت فعال استان به واسطه افزایش نرخ فعالیت اضافه شده؛ یعنی نرخ فعالیت که از پاییز ۱۳۹۹ حدود ۳۹٫۶ بوده است در پایان این سال تقریباً همین مقدار است و در زمستان ۱۴۰۰ وقتی که شرایط تقریباً بهبود پیدا می‌کند به ۴۱٫۱ می‌رسد لذا به واسطه این افزایش نرخ فعالیت بیش از ۳۶ هزار نفر به جمعیت فعال استان افزوده شده است. این افزایش عمدتاً مربوط به ورود بانوان به عرصه اقتصاد استان است. این به این معناست که بازگشت مجدد بانوان به جمعیت فعال، وضعیت اقتصاد را تغییر داده است.

### نرخ بیکاری در استان کرمان

نرخ بیکاری، نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال است. وقتی که جمعیت جویای کار یا عرضه نیروی کار افزایش پیدا می‌کند، اگر متناسب با این افزایش اشتغال ایجاد نشود، این تعداد در جمعیت بیکار قرار می‌گیرند و اثر خود را روی نرخ بیکاری نشان می‌دهد. در استان کرمان در

جدول شماره (۳): مقایسه نرخ بیکاری در استان کرمان و کشور

سال	نرخ بیکاری در استان کرمان (بر اساس درصد)	نرخ بیکاری در کشور (بر اساس درصد)
۱۳۹۹	۱۰٫۶	۹٫۶
۱۴۰۰	۱۱٫۲	۹٫۲

جدول شماره (۴): مقایسه نرخ بیکاری زنان و مردان در استان کرمان و کشور

سال	نرخ بیکاری در استان کرمان		نرخ بیکاری در کشور	
	زنان (درصد)	مردان (درصد)	زنان (درصد)	مردان (درصد)
۱۴۰۰	۳۲٫۷ (زمستان ۱۴۰۰)	۶٫۱ (زمستان ۱۴۰۰)	۱۶	۷٫۹

بانوان که نتیجه آن ورود بیش از ۳۶ هزار نفر به بازار کار است. ضمن این که در این سال نسبت به سال قبل، شرایط ایجاد اشتغال بهتری را داشته ایم، وقتی که این دو عامل را در کنار هم قرار می‌دهیم، نتیجه می‌گیریم که نرخ بیکاری استان نسبت به دوره‌های قبل اندکی افزایش پیدا کرده. همچنین افزایش نرخ بیکاری استان بیشتر از افزایش نرخ بیکاری کشور بوده؛ در واقع در سال ۱۳۹۹ در کشور نرخ بیکاری ۹٫۶ است، در حالی که سال ۱۴۰۰ به ۱۱٫۲ درصد رسیده که این افزایش خیلی نگران کننده نیست؛ به این دلیل که این مسئله بیشتر ناشی از افزایش نرخ فعالیت است. وقتی که ایجاد شغل روند کاملاً مثبت‌تری نسبت به سال ۱۳۹۹ دارد، این مسئله مقداری جای تأمل دارد.

آقایان ۶٫۱ درصد است و برای خانمها ۳۲٫۷ درصد است که نسبت به نرخ بیکاری ۱۶ درصدی کشور (در زمستان ۱۴۰۰)، بیش از دو برابر می‌باشد. لذا می‌توان به این شکل جمع‌بندی نمود که در حال حاضر مسئله بیکاری در استان کرمان بیشتر از جنس بیکاری بانوان است و این بدان معنی نیست که مشکلی برای بیکاری آقایان نداریم، ولی اگر به‌طور نسبی در نظر بگیریم سهم بیکاری خانمها خیلی بیشتر است. همچنین در افزایش نرخ فعالیت، سهم خانمها بیشتر است. لذا این مسئله حتماً باید در سیاست‌های ایجاد اشتغال در استان کرمان مد نظر قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که ما بتوانیم نسبت به این شرایط برنامه‌ریزی لازم را داشته باشیم. برای این منظور اگر ساختار اقتصادی استان را به تفکیک بخش‌های موجود بررسی کنیم، بخش کشاورزی کمتر می‌تواند جاذبه برای خانمها داشته باشد، اگرچه نیروهای متخصص دانشگاهی و بخش مدرن کشاورزی از این مورد مستثنی هستند. در حوزه صنعت و معدن، عمده ساختار معدنی استان، بنگاه‌های بزرگ معدنی هستند که با ساختار اشتغال خانمها کمتر سازگار است، در بخش خدمات نیز متأسفانه سهم این بخش در ایجاد اشتغال نسبت به متوسط کشوری پایین‌تر است، از طرفی بخش خدمات بویژه حوزه گردشگری، می‌تواند جایگاه مناسب‌تری برای اشتغال خانمها داشته باشد. لذا لازم است در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در مورد نحوه ترکیب عرضه نیروی کار و میزان بیکاری موجود، اشتغال خانمها مورد توجه قرار گیرد.

#### تأثیر افزایش بیکاری بانوان بر نرخ بیکاری استان

اگر بخواهیم نرخ بیکاری را به تفکیک زنان و مردان در استان مورد بررسی قرار دهیم، با توجه به جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود که نرخ بیکاری مردان در استان کرمان با عدد ۶٫۱ درصد، حتی از نرخ کشور پایین‌تر است، ولی نرخ بیکاری بانوان ۳۲٫۷ درصد است. بنابراین موضوع ورود بیشتر خانمها به بازار کار و توجه به اشتغال زنان، بالأخص در شرایط اخیر بسیار حیاتی به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر اگر کل اشتغال استان کرمان در سال ۱۴۰۰ را که عددی حدود ۸۶۳،۰۰۰ نفر است در نظر بگیریم، تقریباً عمده آنها یعنی حدود ۷۸۸،۷۹۸ نفر آقایان و تنها ۱۰۷،۵۶۳ نفر خانمها هستند. از طرفی نرخ بیکاری در استان برای



## مقایسه نرخ فعالیت در کشور با کشورهای دیگر

مقایسه نرخ فعالیت در کشور ما با کشورهای دیگر نشان می‌دهد که به‌طور کلی نرخ فعالیت در کشور ما پایین است و اگر این مقایسه را براساس خانمها و آقایان تفکیک کنیم، نتیجه می‌گیریم نرخ فعالیت آقایان در کشور ما تفاوت بارزی با کشورهای توسعه یافته ندارد، بلکه تفاوت فاحش به نرخ فعالیت خانمها برمی‌گردد. در کشور ما همواره نرخ فعالیت خانمها زیر ۲۰ درصد است، با مقایسه این عدد با کشورهایی دیگر به جز برخی از کشورهای که شرایط و نگاه خاصی نسبت به زنان دارند، درمی‌یابیم که عدد خیلی پایینی است. تقریباً در غالب کشورهای دنیا بین نرخ فعالیت خانمها و آقایان تفاوت وجود دارد، ولی نه به اندازه کشور ما. بنابراین می‌توان گفت، پایین بودن نرخ فعالیت چه در استان کرمان و چه در کشور بیشتر متأثر از پایین بودن نرخ فعالیت خانمها است.

## عوامل کاهش نرخ فعالیت بانوان در کشور

جمعیت در سن کار، ظرفیت نیروی انسانی جامعه را شکل می‌دهد که ۵۰ درصد آن بانوان هستند، در حالی که نرخ فعالیت خانمها با وجود اینکه کشور از نظر آموزشی برای آنها هزینه نموده، پایین است و در کنکور در مواردی، سهم خانمها بیشتر از آقایان است، به عبارتی بانوان با تحصیلات و تخصص دانشگاهی به دلایل مختلفی وارد جمعیت فعال نمی‌شوند که صرفاً ناشی از عوامل اقتصادی نمی‌باشد، بلکه عوامل اجتماعی و فرهنگی هم در این امر دخیل هستند.

عوامل اقتصادی این مسئله را می‌توان به این صورت بیان کرد؛ در شرایطی که خانمها احساس کنند جویای کار بوندشان، نتیجه ندارد، اصطلاحاً از جستجوی کار مأیوس شده و از زمره جویندگان کار خارج می‌شوند و عملاً جزو جمعیت غیرفعال قرار می‌گیرند، یا این که اگر یک خانم در هر مقطعی از تحصیلات ازدواج کند، ممکن است بعد از ازدواج دنبال کار نرود و خانه‌دار شود و به این صورت از زمره جویندگان کار کنار برود. این نحوه تأثیرگذاری از اقتصاد در زمان کرونا نیز اتفاق افتاد و در این زمان نرخ فعالیت کاهش پیدا کرد، امید به یافتن شغل تنزل پیدا نمود و نتیجه آن باعث شد که در این دوره تعداد زیادی از جویندگان کار کنار بروند.

عوامل اجتماعی و فرهنگی هم تأثیرگذارند، این که چقدر جامعه، پذیرای اشتغال زنان است، در بعضی از خانواده‌ها ممکن است خود خانواده ه با کار بیرون یا با هر نوع

کاری بنا به ناسازگاری با روحیات خانمها مخالف باشد یا ممکن است بعد از ازدواج مخالفت‌هایی از طرف همسر به وجود بیاید.

در مجموع می‌توان گفت مطالعه دقیقی در مورد این که کدام یک از این موارد، روی اشتغال زنان تأثیر بیشتری دارد انجام نشده است، اما آنچه که مشخص است نرخ فعالیت خانمها با شرایط ایده آل و استاندارد خود فاصله زیادی دارد. در حال حاضر که ما در پنجره جمعیتی قرار داریم و در این شرایط سهم جمعیت در سن کار بالاست (حدود ۶۷ درصد) و شرایط بسیار بالقوه‌ای به لحاظ نیروی انسانی برای استان فراهم است، باید به‌عنوان یک سیاست‌گذاری کلان در استان و کشور از این ظرفیت استفاده کنیم و مشاغلی که عمدتاً با جایگاه‌ها و ظرفیت‌های خانمها سازگاری دارند، مورد توجه قرار گیرند و به‌عنوان خلأهای اساسی در اقتصاد استان و کشور مطرح شوند.

## بار تکلف شغلی استان کرمان

همان‌طور که اشاره کردیم، نرخ فعالیت استان به دلیل پایین بودن نرخ فعالیت خانمها، پایین است و این مسئله باعث افزایش بار تکلف شغلی می‌شود. بار تکلف شغلی در واقع نسبت جمعیت غیرشاغل به جمعیت شاغل را نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۰ بار تکلف شغلی در استان کرمان تقریباً برابر با ۲/۸ بوده و مفهوم ساده آن، این است که در استان به ازای هر فرد شاغل نزدیک به ۳ نفر (۲/۸ نفر) غیرشاغل یا تحت تکفل که در واقع مصرف کننده هستند، داشتیم. در شرایطی که درآمد سرانه در کشور پایین باشد و بار تکلف هم بالا باشد، این عوامل در کنار هم می‌تواند باعث گستردگی فقر در استان شوند که متأسفانه برخی از شاخص‌های فقر در استان مؤید این مسئله هستند. استان کرمان به لحاظ سهم ۳ دهک درآمدی پایین نسبت به حتی استان یزد که هم‌جوار ما می‌باشد، وضعیت نامناسبی دارد و می‌توان گفت این شاخص بیش از دو برابر است.

همچنین جمعیت تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی در استان کرمان حدود بیش از ۶۰ درصد، بیشتر از کشور است که همگی حکایت از عدم وضعیت مناسب درآمدی و فقر در استان دارد. همین‌طور در طرح هزینه -درآمد خانوار نیز جایگاه استان کرمان در بین ۳۱ استان معمولاً ۲۹ و ۳۰ است که اصلاً متناسب با ظرفیت‌های استان نیست که در مباحث بعدی می‌توان به این دسته از مسائل که بسیار مهم هستند پرداخت. ♦♦

مقایسه نرخ فعالیت در کشور ما با کشورهای دیگر نشان می‌دهد که به‌طور کلی نرخ فعالیت آقایان در کشور ما تفاوت بارزی با کشورهای توسعه یافته ندارد، بلکه تفاوت فاحش به نرخ فعالیت خانمها برمی‌گردد. در کشور ما همواره نرخ فعالیت خانمها زیر ۲۰ درصد است، با مقایسه این عدد با کشورهایی دیگر به جز برخی از کشورهای که شرایط و نگاه خاصی نسبت به زنان دارند، درمی‌یابیم که عدد خیلی پایینی است. تقریباً در غالب کشورهای دنیا بین نرخ فعالیت خانمها و آقایان تفاوت وجود دارد، ولی نه به اندازه کشور ما. بنابراین می‌توان گفت، پایین بودن نرخ فعالیت چه در استان کرمان و چه در کشور بیشتر متأثر از پایین بودن نرخ فعالیت خانمها است.

گفت‌وگو با «رضا پدیدار» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران و مدیرعامل آیسکوگروپ (ISCO Group)

## بازماندگی از تکامل صنعتی

مطالعات انجام شده بخش‌های خصوصی و تعاونی توان اجرایی و مدیریت ۵۶ درصد از اقتصاد ملی کشور را دارند، اما تنها ۱۵ درصد آن در دست بخش خصوصی است؛ یعنی اینکه از ۴۱ درصد ظرفیت بخش خصوصی استفاده نمی‌شود و به عبارتی بخش خصوصی در ایران در حال حاضر بیکار است. مشروح گفت‌وگو با رضا پدیدار در ادامه قابل مطالعه است.

اگر کشورمان دچار محدودیت‌های تحریمی نمی‌بود، با توجه به تحولات مختلف اقتصادی، فناوری، اجتماعی و غیره، امروز روند تکامل صنعتی آن متفاوت بود. فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در درجه اول و سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی در مرتبه بعدی از جمله فعالیت‌های اثرگذارتر در روند توسعه بوده است، بویژه که واقعیت‌های خاص حوزه انرژی و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن می‌تواند یک فرآیند اثرگذار در نظام اقتصادی و زمینه‌های اجرایی به وجود آورد که منجر به یک نظام تعاملی بین دولت و بخش خصوصی در درون کشور و پس از آن بین ایران و کشورهای منطقه و جهان شود و حرکت به سمت صنعتی شدن را کامل کند. رضا پدیدار عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران و مدیرعامل آیسکوگروپ همچنین می‌گوید که نمی‌توان گفت که ایران صنعتی نشده است، اما این سؤال مطرح است که چرا ما به سمت صنعتی شدن کامل حرکت نکرده‌ایم؟ گزارش‌های سازمان‌های مختلف پژوهشی، متضمن بررسی عملکردها نشان از این دارد که اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور، محقق نشده است؛ به عنوان مثال تحقق اهداف در برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی حداکثر ۶۰ درصد، در برنامه پنجم کمتر از ۶۰ درصد و در برنامه ششم کمتر از ۵۰ درصد بوده است. با وجود تحریم‌ها نمی‌توانیم با شرکت‌ها در کشورهای صنعتی مبادله داشته و پول و دانش فنی جابه‌جا کنیم. تحریم راه‌ها را بسته و عامل بازدارنده در تقویت و توسعه عملکرد بویژه صنایع کوچک و متوسط است.



### ◆ اصولاً عوامل مؤثر در توفیق یا عدم توفیق یک بنگاه صنعتی کدامند؟

مدل‌های روزآمد قرن حاضر مبتنی بر داده‌های اطلاعاتی است؛ یعنی دیتا. در حال حاضر در دنیا، دیتاها حرف اول را می‌کنند؛ به عبارت دیگر موفقیت مردم در کره خاکی بر اساس داده‌های اطلاعاتی متقن، مناسب و تعیین‌کننده‌ای است که زمینه‌ساز فراهم‌آوری خواسته‌ها، رشد فکری و اقتصادی می‌باشند. اکنون که در هزاره سوم قرار داریم فارغ از این که دانش در این هزاره خیلی مهم است، اما حرف اول را داده‌ها و اطلاعات می‌زنند. به روزرسانی داده‌ها در ابتدا

او بر اهمیت به‌روزرسانی دانش، اطلاعات و داده‌ها تأکید کرده و می‌گوید که امروزه اطلاعات و داده‌های متقن و تعیین‌کننده است که زمینه‌ساز فراهم‌آوری خواسته‌ها و رشد فکری و اقتصادی می‌باشد. بیش از دو دهه است که به‌روزرسانی داده‌ها لحظه‌ای شده است. بر اساس آخرین آمار معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، تعداد ۶۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان در کشور به ثبت رسیده است که بیش از دو سوم آن‌ها غیرفعال هستند؛ دلیل آن عدم به‌روزرسانی اطلاعات و داده‌ها در آن‌هاست. وی یادآوری می‌کند که ۸۵ درصد اقتصاد ملی کشور در اختیار دولت و شرکت‌های خصوصی است و بر اساس

مدل توسعه

صنعتی به‌طور

کامل بر اساس

آمایش سرزمین

شکل نگرفته

است؛ به همین

دلیل است که

ضریب توسعه در

کشور ما نسبت به

کشورهای منطقه

پایین‌تر است.

برای رفع موانع

ابتدا باید در

کشور تمرکززدایی

صورت گیرد و به

سمت کم‌رنگ

شدن نقش دولت

در اقتصاد حرکت

کنیم و بعد نوبت

خلق اکوسیستم

جدید و یکپارچه

و توسعه

مدل‌های جدید

کسب‌وکار است.



بهبتر است،  
بهینه‌سازی  
شیوه‌های  
جایگزین تولید  
و مصرف انرژی  
نظیر برق،  
گازوئیل، بنزین  
و ... از طریق  
شکل‌گیری یک  
سری شرکت‌های  
خدمات انرژی  
در کشور که  
کنترل جریان  
بهینه‌سازی  
برای مبدل‌های  
ساخت کاهش  
مصرف انرژی  
را به عهده  
بگیرند، انجام  
شود که نتیجه  
آن صرفه‌جویی  
۳۰ تا ۵۰ درصد  
در مصرف انرژی  
است. همچنین بر  
ارائه راه‌حل‌های  
نوآورانه تولید  
و مصرف انرژی  
تأکید می‌شود.

به‌روز شده در اختیار آن‌ها بود، قطعاً موفق‌تر عمل می‌کردند.

#### ◆ سرمایه‌های کشور چقدر به سمت تولید رفته است، شما چه ارزیابی و تحلیلی برای این روند دارید؟

متأسفانه در این مورد خبر خوبی برای شما ندارم، بهره‌گیری از سرمایه‌های کشور با وجود برنامه‌های توسعه‌ای که در کشور تدوین و اجرا شده است، موفق نبوده است. بر اساس آخرین مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه اقتصادی کشور، پیش‌بینی‌ها و اهداف به‌طور کامل محقق نشده است؛ به‌طوری‌که تحقق اهداف برنامه چهارم، حداکثر ۶۰ درصد، برنامه‌های پنجم کمتر از ۶۰ درصد و برنامه ششم کمتر از ۵۰ درصد بوده است. یکی از محدودیت‌هایی هم که مطرح کرده‌اند، تحریم بوده است که این محدودیت اجازه نداده که برنامه پیاده و سرمایه‌گذاری انجام و درآمدهای لازم به دست آید. برای مثال یکی از موارد مهم سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در بخش بالادستی صنایع نفت، گاز و پالایشی بوده است که در برنامه ششم توسعه، با هدف‌گذاری بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار، کمتر از ۵۰ میلیارد دلار از آن محقق شد! سایر برنامه‌ها نیز به همین شکل. در مجموع گزارش‌های عملکردی سازمان برنامه کشور، سازمان

سالانه، بعد به صورت فصلی و سپس به صورت ماهیانه صورت می‌گرفت، ولی در حال حاضر که ما با هم صحبت می‌کنیم بیش از دو دهه است که به‌روزرسانی داده‌ها لحظه‌ای شده است لذا در هر مقطعی که از فرایند کاری، اجتماعی و توسعه قرار می‌گیریم، باید سعی کنیم داده‌های مربوطه را به‌روزرسانی کنیم. در حوزه‌های صنعتی، بنگاه‌ها مدل‌های اجرایی و عملیاتی دارند که بر اساس آن هدف‌گذاری کلی انجام می‌دهند که شامل سیاست‌گذاری‌هایی است که روی فرایند دستیابی به محصول انجام می‌شود.

توفیق شرکت‌های دانشی و صنعتی درگرو به‌روزرسانی دانش و اطلاعات به‌دست‌آمده و ترکیب آن با دانش و نوآوری در سطح ملی و بین‌المللی جهت تأمین خواسته‌های خود در زمان حال و ترسیم دورنمای خود در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است که ارتباط مستقیمی با زمان و سرعت دسترسی آن‌ها به دیتا و اطلاعات دارد. بر اساس آخرین آمار معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، ۶۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان در ایران به ثبت رسیده است که بیش از دو سوم آن‌ها غیرفعال هستند که دلیل آن عدم به‌روزرسانی اطلاعات و داده‌ها در آن‌هاست. درست است دلایل دیگری همچون نداشتن پول، ابزار، حمایت و ... وجود دارد، اما به اعتقاد بنده با وجود همه این محدودیت‌ها اگر اطلاعات

بازرسی کل کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس و سایر مراکز تحقیقاتی نشان از این دارد که هدف‌گذاری‌هایی که در امر سرمایه‌گذاری برای توسعه در کشور صورت گرفته است، محقق نشده است.

### ◆ چرا ایران صنعتی نشده است؟

نمی‌توانیم بگوییم که ایران صنعتی نشده است، شاید باید بگوییم چرا ما به سمت صنعتی شدن کامل حرکت نکرده‌ایم. به اعتقاد بنده ما باید عوامل و زیربنایی را که می‌توانند نقش مؤثر در امر توسعه داشته باشند را بررسی و شناسایی کنیم. با توجه به اینکه کشور ما به هر حال چهارمین کشور دارنده منابع هیدروکربنی بویژه محصول نفت خام و دومین کشور دارنده منابع گازی در جهان است، نقش انرژی به‌عنوان پیشران کلیه فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی بر هیچ‌کس پوشیده نیست و اگر ما بخواهیم یک بررسی تطبیقی با سایر حوزه‌ها داشته باشیم، با توجه به تخصص و آشنایی که دارم، به اعتقاد بنده نقش حوزه انرژی هم پررنگ‌تر و هم اثرگذارتر نسبت به سایر فعالیت‌ها خواهد بود. اگر کشور ما دچار محدودیت‌های تحریمی نمی‌بود، با توجه به تحولات مختلف اقتصادی، فناوری، اجتماعی و غیره امروز روند تکامل صنعتی کشور متفاوت بود. همان‌طور که می‌دانید رشد شهرنشینی در کشور ما نسبت به خیلی از کشورهای حوزه خاورمیانه، شمال آفریقا و کشورهای اوراسیا افزایش پیدا کرده، الگوی مصرف ما تغییر کرده است، میزان مصرف‌گرایی ما افزایش پیدا کرده، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین خیلی رشد کرده و آن وقت چالش‌ها و مسائلی جدید برای محیط‌زیست نیز ایجاد شده است. وقتی همه این‌ها را کنار هم قرار دهیم و بگوییم کدام یک از فعالیت‌ها در روند توسعه اثرگذارتر بوده است؟ به اعتقاد بنده، یک: سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و دو: سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی. به این دلیل که واقعیت‌های خاص حوزه انرژی و شناسایی نقاط قوت و ضعف این حوزه می‌تواند یک فرآیند اثرگذار، هم در زمینه اجرایی و هم در نظام اقتصادی به وجود آورد که منجر به ایجاد یک نظام تعاملی، اول درون کشور، بین دولت و بخش خصوصی و سپس بین ایران و کشورهای منطقه و بین ایران و کشورهای جهان شود و حرکت به سمت صنعتی شدن را کامل کند.

◆ به نظر شما مدل توسعه صنعتی در کشور، چه میزان مبتنی بر آمایش سرزمین شکل گرفته است، موانع توسعه منطقه‌ای بر اساس آمایش سرزمینی که امری کاملاً داخلی است را در چه می‌دانید؟

مدل توسعه صنعتی به‌طور کامل بر اساس آمایش سرزمین شکل نگرفته است؛ به همین دلیل است که ضریب توسعه در کشور ما نسبت به کشورهای منطقه پایین‌تر است. برای رفع موانع ابتدا باید در کشور تمرکززدایی صورت گیرد و به سمت کمرنگ شدن نقش دولت در اقتصاد حرکت کنیم و بعد نوبت خلق اکوسیستم جدید و یکپارچه و توسعه مدل‌های جدید کسب‌وکار است. لازمه حرکت به سمت پایداری در اقتصاد ملی، ابتدا کاهش شدت مصارف انرژی، دوم بهینه‌سازی مصرف انرژی، سوم کربن‌زدایی است که در حال حاضر دنیا روی آن کار می‌کند و در آخر حرکت به سمت دنیای دیجیتال و فناوری‌های روزآمد و فراگیر شدن دیتاها بر اساس مدل‌های انقلاب صنعتی چهارم در حوزه‌های مختلف با اولویت حوزه انرژی است؛ به عبارتی از مرحله رشد روزافزون مصرف انرژی و هدر رفت بالای آن به سمت بهینه‌سازی مصرف انرژی و استفاده از تجهیزات پربازده حرکت کنیم. در حال حاضر اقتصاد ما بر اساس سوخت‌های فسیلی است. لازم است در دو دهه آینده تمرکز اقتصاد از انرژی فسیلی به اقتصاد کم‌کربن و انرژی‌های تجدیدپذیر تغییر پیدا کند که لازمه آن بهره‌گیری از توان بخش خصوصی بویژه شرکت‌های نوپا و استارت‌آپ‌هاست تا به کمک آن‌ها به یک تعامل جدیدی بین تولید و مصرف دست پیدا کنیم که در واقع یک حرکت پویا به سمت مدل‌های کسب‌وکار مشتری محور و نه مدل‌های تولید محور، باشد.

در مجموع در حال حاضر کشور ما وابستگی شدید به سوخت‌های فسیلی دارد که هم بازدهی پایین و هم آلاینده‌گی بالایی دارد؛ لذا لازم است به سمت انرژی‌های نو حرکت کرده و افزایش بهره‌وری و تنوع در منابع ایجاد کنیم. از طرفی مکان‌های تولید و توزیع حوزه انرژی را باید بررسی کنیم. لزوم تولید و توزیع انرژی با هزینه و بهره‌وری مناسب در مناطق دوردست و محروم، لزوم ارائه راه‌حل‌های نوآورانه در جهت پاسخگویی به تغییرات اقلیمی از جمله محدودیت‌های بارندگی، آب‌های جاری و زیرزمینی و ... و چالش‌هایی که کشور با آن روبروست؛ و لزوم افزایش هوشمندی و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای بهینه‌سازی مصرف انرژی به ترتیب با اولویت خانگی، اداری و صنعتی انکارناپذیر است؛ شدت مصرف انرژی خانگی در ایران ۵/۷ برابر شدت مصرف انرژی خانگی در جهان است!

همان‌طور که اشاره کردم جمع‌آوری، تحلیل و تمرکز کلان داده‌ها و اطلاعات برای مدیریت کشور به صورت پراکنده انجام می‌گیرد. برای درک واقعیت‌ها و برطرف کردن لازم است مسائل و راهکارهای جدیدی برای موضوعات استراتژیک کشور پیش‌بینی کرده، به تصویب رسانده و به مرحله اجرا

### در حال حاضر

بخش خصوصی

در سبب مدیریت

اقتصاد کشور

نقش ۱۵ درصدی

دارد و ۸۵

درصد اقتصاد

ملی کشور در

اختیار دولت،

صندوق‌های

بازنشستگی

و شرکت‌های

خصوصی است و

لازمه رسیدن به

توسعه، این است

که از نقش دولت

و صندوق‌های

بازنشستگی و

خصوصی در

اقتصاد کم کنیم

و به نقش بخش

خصوصی اضافه

کنیم.

برسانیم، کما اینکه مسائل و راهکارهای جدید در کشورهای پیشرفته به عنوان موضوعات استراتژیکی از طریق همه دستگاه‌های اجرایی مورد تصویب قرار گرفته و بر لزوم اجرای آن‌ها صحنه گذاشته می‌شود. در حال حاضر که وابستگی شدید ما به انرژی است و تابستان امسال قطعاً قطعی برق خواهیم داشت، لازم است شدت مصرف انرژی را نمی‌خواهیم بگوییم نصف، فقط کافی است ۱۰ درصد کاهش دهیم. شدت مصرف انرژی در اتمبیل‌هایمان را که نسبت به اروپا دو برابر است، به یک و نیم برابر کاهش دهیم. در مجموع بهتر است، بهینه‌سازی شیوه‌های جایگزین تولید و مصرف انرژی نظیر برق، گازوئیل، بنزین و ... از طریق شکل‌گیری یک سری شرکت‌های خدمات انرژی در کشور که کنترل جریان بهینه‌سازی برای مبدل‌های ساخت کاهش مصرف انرژی را به عهده بگیرند، انجام شود که نتیجه آن صرفه‌جویی ۳۰ تا ۵۰ درصد در مصرف انرژی است. همچنین بر ارائه راه‌حل‌های نوآورانه تولید و مصرف انرژی تأکید می‌شود.

#### ♦♦ به نظر شما شرکت‌های موفق چه درس‌هایی برای تنظیم و تدوین استراتژی و انجام اقدامات اجرایی بویژه برای شرکت‌های نوپا و کارآفرینان سنتی دارند؟

استفاده از سیستم‌های هوشمند که هم برای مدیریت و هم برنامه‌ریزی مورداستفاده قرار می‌گیرند و به واسطه آن‌ها شرکت‌ها با سرمایه کمتر، تکنولوژی بالاتر و دانش روزآمد به موفقیت و توسعه دست پیدا می‌کنند و همچنین انتقال دانش و تعامل سازنده که از درون کشور از طریق شرکت‌های موفق که در داخل وجود دارند و از بیرون، شرکت‌ها و فعالیت‌هایی که در خارج از کشور هستند باید صورت گیرد. موضوع تعامل از آن جهت اهمیت دارد که هر روز تکنولوژی‌های جدیدی جهت کاهش هزینه و افزایش راندمان تولید به کار گرفته می‌شود که شرکت‌های ما به آن بی‌توجه هستند. از طرفی دیگر اتفاقی که باید در کشور بیفتد و من دولت و شرکت‌های دولتی را مسئول و مقصر می‌دانم، این است که از بخش خصوصی پشتیبانی نمی‌شود. لازمه حرکت به سمت توسعه، اشتغال‌زایی و جلوگیری از بیکاری، پشتیبانی همه‌جانبه دولت از بخش خصوصی است. در حال حاضر بخش خصوصی در سبد مدیریت اقتصاد کشور نقش ۱۵ درصدی دارد و ۸۵ درصد اقتصاد ملی کشور در اختیار دولت، صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های خصولتی است و لازمه رسیدن به توسعه، این است که از نقش دولت و صندوق‌های بازنشستگی و خصولتی در اقتصاد کم

کنیم و به نقش بخش خصوصی اضافه کنیم. بر اساس مطالعات انجام شده در مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، بخش‌های خصوصی و تعاونی در ایران توان اجرای ۵۶ درصد از اقتصاد ملی کشور را دارند، اما سهم ۱۵ درصدی دارند؛ یعنی از ۴۱ درصد از ظرفیت بخش خصوصی استفاده نمی‌شود. بخش خصوصی در ایران در حال حاضر بیکار است؛ شرکتی که بنده مدیریت آن را عهده‌دار هستم، با پشتوانه ۶۰ ساله، در یک ساختمان پنج طبقه در تهران قرار دارد که نصف طبقات آن خالی است و هر روز نیروهای ما بیکارتر می‌شوند. استان کرمان نیز پتانسیل زیادی دارد. بر اساس مطالعاتی که در مرکز پژوهش‌ها انجام شده، به لحاظ ثروت ملی و ذخایری که در این استان وجود دارد، می‌تواند تأمین یک چهارم تولید کشور را عهده‌دار شود.

#### ♦♦ تولید مشترک در جهان امروز به چه معناست، آیا الگو یا الگوهای مناسب برای کشورمان می‌توان نشان داد؟

در هزاره سوم یعنی بعد از سال ۲۰۰۰ در اکثر نقاط جهان، تولید مشترک، زمینه‌ساز رشد و موفقیت خیلی از کشورها شده است و این اتفاق در قدم اول در اروپا افتاد و در ادامه در آمریکای جنوبی که به واسطه آن توانسته‌اند به راندمان و بهره‌وری بالایی دست پیدا کنند. همان‌طور که می‌دانیم هر کشوری دارای یک سری توانایی‌هایی است؛ برای مثال کشور چین از طریق تولید مشترک به قدرت اقتصادی حال حاضر دست پیدا کرده است؛ در واقع چین نیروی انسانی بسیار ارزانی در اختیار داشت و با وجود دارا بودن بخشی از منابع و مواد اولیه، دانش و تکنولوژی لازم را نداشت، لذا با عقد قراردادهایی با کشورهایی مثل کره، ژاپن، آمریکا و سایر کشورهای جهان، نیروی انسانی و مواد اولیه ارزان را در اختیار آن‌ها قرار دهد و آن‌ها با استفاده از دانش فنی خود، در چین شرکت‌ها و کارخانه‌هایی ساختند و حالا از این طریق، چین به رتبه غول قدرت اقتصادی جهان رسیده است. به اعتقاد بنده راز و رمز موفقیت کشور ایران تولید مشترک است، همان‌طور که قبل از پیروزی انقلاب این تجربه را شروع کردیم، ولی ناقص ماند از این طریق می‌توانیم راندمان فعالیت‌هایمان را به دو تا سه برابر افزایش دهیم و نکته مهم این است که تولید مشترک با خودش بازاریابی و فروش تضمین شده خواهد داشت. کشور ما با وجود قابلیت‌های زیاد، نیروی انسانی دانشمند و فعال و دارا بودن مواد اولیه در استان‌های مختلف می‌تواند از طریق تولید مشترک به قدرت اقتصادی بالا، حداقل در سطح خاورمیانه و منطقه تبدیل شود.

کشور ما  
در صنعت  
خودروسازی،  
مشابه پتروشیمی  
از نظر تاریخی از  
کره جنوبی جلوتر  
بوده است. حالا  
وضعیت صنعت  
خودروسازی  
در ایران به چه  
شکل است؟!  
در حال حاضر  
خودروسازی و  
پتروشیمی در کره  
جنوبی حرف اول  
را در دنیا می‌زند  
و ما که قبلاً از  
این کشور جلوتر  
بودیم، نه تنها  
عقب‌تریم بلکه ته  
جدول هستیم.  
لذا همان‌طور که  
اشاره کردم، نیاز  
به سیاست‌گذاری  
و اعمال  
تصمیمات جدید  
برای توسعه و  
سرمایه‌گذاری در  
نوع شرکت‌هاست  
تا از ظرفیت‌های  
آن استفاده کنیم  
و تولید خالص و  
ناخالص ملی‌مان  
را افزایش دهیم.



استراتژیک در کشور انجام نداده‌ایم و به صورت حرفه‌ای عمل نکرده و به جای آن به طور سلیقه‌ای کار کرده‌ایم. این عوامل باعث عدم موفقیت ما شده‌اند. در واقع برنامه‌های استراتژیک دارای مدل‌های ملی و بین‌المللی بوده که نمی‌شود با اعمال سلیقه پیاده شوند؛ اعمال سلیقه باعث عدم موفقیت خواهد شد.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

دولت در مقطع حساس کنونی باید با شناخت چالش‌ها و راهکارهایی که اشاره کردم با پشتیبانی همه‌جانبه بخش خصوصی، نسبت به پیاده‌سازی سیستم‌های یکپارچه مطالعاتی و با تمرکز بر شناسایی اثرات بلندمدت روندهای اقتصادی با اولویت سرمایه‌گذاری انرژی و همچنین استفاده از زیرساخت‌های زنجیره بلوک‌های اقتصادی برای تشخیص و میزان مصرف و پرت انرژی که در اولویت است، اقدام نماید. در حال حاضر مدل‌های تحولی در الگوهای تولید، مصرف، فروش، سرمایه‌گذاری و ... توسط بخش خصوصی تهیه شده و زیرساخت‌های لازم به وجود آمده است و لذا دولت می‌تواند به عنوان بهترین فرصت از این توان استفاده کرده و با استفاده از این سنسورهای هوشمند و مدل‌های کنترلی در موقع وقوع بحران، آن‌ها را مانیتور و مدیریت کند و به وسیله آن‌ها رفع مانع نماید. ◆◆

#### ◆ در مورد تولید ناب و تأثیر محیط آن بر بهبود عملکرد توضیح دهید. آیا می‌توان نمونه‌های عینی از جریان تولید ناب در کشور نشان داد؟

زمینه‌های تولید ناب در کشور ما متنوع است و شامل مواد معدنی، نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی است. با توجه به اینکه ما در ایران مواد هیدروکربنی بالایی داریم، لذا از این منظر جایگاه بالایی در جهان داریم. در حال حاضر تعداد محصولات و مواد اولیه پتروشیمی که ما در ایران صادر می‌کنیم ۳۷ نوع است، در صورتی که کره جنوبی که بعد از ما شروع کرده است، بیش از ۲۵۰ محصول پتروشیمی صادر می‌کند، لذا بهتر است با انجام سیاست‌های جدید اقتصادی، بخش‌های مختلف در زمینه‌های مواد معدنی، مواد هیدروکربنی مثل نفت و گاز و پتروشیمی، شرکت‌های پایین‌دستی معدنی و پتروشیمی و سایر فعالیت‌هایی که بخصوص در زمینه شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور به وجود آورده‌ایم را توسعه داده و با عقد قراردادهای مشترک با کشورهایی که دارنده دانش فنی و یا امکانات هستند، همکاری داشته باشیم. کشور ما در صنعت خودروسازی، مشابه پتروشیمی از نظر تاریخی از کره جنوبی جلوتر بوده است. حالا وضعیت صنعت خودروسازی در ایران به چه شکل است؟! در حال حاضر خودروسازی و پتروشیمی در کره جنوبی حرف اول را در دنیا می‌زند و ما که قبلاً از این کشور جلوتر بودیم، نه تنها عقب‌تریم بلکه ته جدول هستیم. لذا همان‌طور که اشاره کردم، نیاز به سیاست‌گذاری و اعمال تصمیمات جدید برای توسعه و سرمایه‌گذاری در نوع شرکت‌هاست تا از ظرفیت‌های آن استفاده کنیم و تولید خالص و ناخالص ملی‌مان را افزایش دهیم.

#### ◆ آیا هرگز به صرافت این افتاده‌ایم که از تجربه جهانی بویژه کشورهای صنعتی پیشرو در تقویت و توسعه عملکرد صنایع کوچک و متوسط به عنوان الگویی برای بهبود وضعیت تولید و اقتصاد کشور استفاده کنیم؟

ما به این صرافت افتاده‌ایم، اما متأسفانه تحریم و نداشتن سرمایه مانع شده است. در واقع ما با وجود تحریم نمی‌توانیم با شرکت‌ها در کشورهای صنعتی مبادله داشته و پول و دانش فنی جابه‌جا کنیم. تحریم همه راه‌ها را بسته است؛ در واقع محدودیت‌هایی که تحریم برای ما به وجود آورده عامل بازدارنده در این زمینه بوده است.

#### ◆ چرا تدوین، تصویب و اجرای برنامه استراتژی توسعه صنعتی کشور مغفول است؟

برای اینکه زمینه‌سازی لازم برای پیاده‌سازی برنامه‌های



# ضعف‌ها و خطاهای بنگاهداری

## عباس جبالبارزی

عضو هیئت‌رئیس اتاق بازرگانی کرمان و نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران



اصولاً تأمین سرمایه از طریق بانک یا بنگاه‌های اعتباری دیگر صورت می‌گیرد، اما در کشور ما تمرکز روی بانک است. به اعتقاد بنده، تأمین کلیه منابع مالی مورد نیاز یک بنگاه از سیستم بانکی درست نیست و در واقع توجیه ندارد. شخصی که می‌خواهد کار تولیدی و اقتصادی انجام دهد، حتماً باید بخشش از منابع خود را به روشی غیر از مراجعه به بانک تأمین نماید تا در ادامه مسیر فشار کمتری متحمل شود. در کشور ما حداکثر زمان برگشت سرمایه‌گذاری‌های ثابت تأمین‌شده از طریق بانک، پنج سال است؛ به عبارتی یک بنگاه بعد از دو سال اول که دوران ساخت و تنفس است، باید سرمایه را در مدت زمان پنج سال باز پس دهد، در حالی که مدت زمان بازگشت سرمایه ثابت در کشورهای دیگر از جمله کشور ترکیه حداقل ۱۵ سال است و بازگشت سرمایه در این کشور به صورت پلکانی تقسیم می‌شود؛ یعنی اقساط از مبلغ کم شروع شده و کم‌کم که بنگاه به ظرفیت و در واقع رشد بالاتری می‌رسد، بیشتر می‌شود. در صورتی که بنگاه‌ها در کشور ما، بعد از آغاز

موضوع ضعف‌ها و خطاهای بنگاهداری، مسئله‌ای است که باید در سطح کشور مورد بررسی قرار گیرد؛ چرا که این موضوع با شدت و ضعف‌هایی در کل کشور وجود دارد. برای پرداختن به این موضوع ابتدا باید وضعیت و شرایط بنگاه‌ها را در دو بخش مجزا بررسی کنیم. بخش اول، بنگاه‌هایی هستند که در ابتدا و در زمان ایجاد و راه‌اندازی دچار خطاهایی می‌شوند و بخش دوم آن دسته از بنگاه‌هایی که در ادامه روند فعالیت و بهره‌برداری، ضعف‌ها و خطاهایی دارند. البته لازم است که بنگاه‌های بزرگ و کوچک و متوسط را تفکیک کنیم؛ به این دلیل که شاید خطاهای بزرگ‌ها چه در زمان ایجاد بنگاه و چه در ادامه روند فعالیت، به دلیل برخورداری آن‌ها از امکانات و سرمایه بیشتر، وجود تیم‌های مشاوره‌ای قوی و غیره، کمتر رخ دهد.

## ضعف‌ها و خطاهای بنگاهداری در مرحله ایجاد یک بنگاه

ضعف‌ها و خطاهای بنگاهداری در بنگاه‌های کوچک و متوسط با همان تعریفی که از این بنگاه‌ها در سطح جهان و در کشور می‌شود، بیشتر است. اصولاً یک بنگاه در مرحله ایجاد باید چند موضوع را مدنظر قرار داده و بر اساس آن تصمیم‌گیری نماید و سپس به سراغ سرمایه‌گذاری برود؛ همان ضرب‌المثل ساده که «چند بار متر کن و بعد پاره کن» مصداق دارد. در ادامه مواردی که در شروع یک فعالیت یا کسب‌وکار به‌عنوان خطاهای بنگاهداری مطرح است، آورده می‌شود.

۱- یک بنگاه بعد از تعیین نوع محصول و خدمتی که می‌خواهد ارائه دهد، باید وضعیت عرضه و تقاضا و به عبارتی بازار محصول را بررسی کند؛ البته در اینجا نمی‌خواهیم استثناها را نادیده بگیریم، چون بنگاه‌هایی بوده‌اند، با اینکه در محصول موردنظر، عرضه بیشتر از تقاضا بوده، اما با ایجاد یک سری شرایط، توانسته‌اند موفق عمل کنند، ولی نمی‌توان استثنائات را به عام تعمیم داد. لذا باید وضعیت عرضه و تقاضا را به‌درستی و دقیق بررسی کرد.

۲- بنگاه باید محل و حوزه فعالیت خود را تعیین و تعریف نماید؛ یعنی مکان‌یابی درست که از اهمیت زیادی برخوردار است.

۳- موضوع سوم، بحث تأمین سرمایه بنگاه است. عمدتاً سرمایه‌گذاران تصور می‌کنند که کل سرمایه‌گذاری، چه سرمایه

انجام شود و بعد به‌تبع آن بنگاه توسعه پیدا کند.

۶- باید موضوع برون‌سپاری یا اصطلاحاً outsourcing در یک بنگاه مورد توجه قرار گیرد، مطمئناً بخش‌هایی از فعالیت یک بنگاه هستند که می‌توانند از خدمات دیگران استفاده نمایند. این مسئله کارکردهای خوبی دارد، از جمله اینکه هزینه‌های اضافه به بنگاه تحمیل نمی‌شود، بنگاه می‌تواند استانداردهای دقیقی را تعریف و بر اساس آن محصول را در زمان موردنظر تحویل بگیرد و مهم‌تر از آن از ایجاد یک سیستم عریض و طولی که صفر تا صد کار خود را انجام دهد، جلوگیری می‌شود؛ برای مثال شرکت ایرباس خود یک کمپانی بزرگ ساخت هواپیما است که علی‌رغم تصور همگان، شاید بالای ۸۰ تا ۹۰ درصد تجهیزات شرکت به‌صورت برون‌سپاری تأمین می‌شود. متأسفانه موضوع برون‌سپاری در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته است که این مسئله ناشی از دو ایراد است: اول اینکه ما در کشور، فقدان اطلاعات درست داریم؛ اگر امروز یک سرمایه‌گذار یا تولیدکننده تصمیم بگیرد روی موضوع خاصی سرمایه‌گذاری نماید یا فلان محصول را تولید یا خدمتی را ارائه دهد و نیاز به بررسی وضعیت عرضه و تقاضا، مزیت‌های سرمایه‌گذاری در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و یا مزیت‌های صادراتی داشته باشد، علی‌رغم وجود مرکز سرمایه‌گذاری در کشور، اتاق‌های بازرگانی به‌عنوان مشاور، آمار واقعی و اطلاعات دقیقی در این زمینه وجود ندارد؛ اینجا دقیقاً همان نقطه‌ای است که نشان می‌دهد ما روبنایی کار کرده‌ایم؛ یعنی ما به‌صورت اسمی مراکز مطالعات، مراکز خدمات سرمایه‌گذاری، مراکز مشاور کسب‌وکار و ... داریم، اما وقتی مراجعه می‌کنیم، نمی‌توانند با عدد و رقم به سرمایه‌گذار اطلاعاتی در مورد نوع، میزان تولید و بازار محصول ارائه دهند. خیلی اوقات آمارهایی هم که وجود دارد منسوخ شده است و درواقع به‌روز نیست که نشان می‌دهد ما در رابطه با این موضوع به‌صورت حرفه‌ای و دقیق کار نکرده‌ایم و یکی از ضعف‌های

بهره‌برداری در این محدوده زمانی شاید در دو سه سال اول درآمدزا نباشند، اما باید اقساط بانک را پرداخت کنند. آنچه در عمل می‌بینیم، خیلی از بنگاه‌ها در پرداخت قسط‌های بانکی خود دچار بدهی‌های بانکی و مسائل مربوط به آن می‌شوند. لذا با توجه به شرایط حاضر کشور، پیشنهاد بنده این است که یک بنگاه‌دار حداقل ۵۰ درصد سرمایه لازم را از طریق سیستم بانکی و مابقی را یا شخصاً و یا از طریق شرکا و کسانی که در بنگاه، سهامدارند تأمین نماید.

۴- کسی که می‌خواهد وارد یک فرآیند اقتصادی شود، باید وضعیت سودآوری و نقطه سر به‌سر را محاسبه و مشخص کند؛ این که آیا سرمایه‌گذاری با استانداردهای تعریف شده مطابقت دارد؟ یعنی آیا واقعاً در زمان مشخص به نقطه سر به‌سر می‌رسد که هزینه‌های بنگاه پوشش داده شود و در عین حال به سودآوری هم برسد.

۵- سرمایه‌گذاری در یک بنگاه ممکن است لازم باشد که قدم به قدم انجام شود؛ باید بررسی شود که آیا در زمان ایجاد یک بنگاه، لازم است که سرمایه‌گذاری در ساخت تمام فضاهای فیزیکی، ابنیه، تأمین ماشین‌آلات و سیستم‌های اداری در همان ابتدا انجام شود، یا نه با یک امکانات کمتر، فضای محدودتر و سرمایه‌گذاری کوچک‌تر فعالیت را شروع کرده و در ادامه و قدم به قدم از محل سودآوری، بنگاه را توسعه داد. زیاد دیده شده است که یک کارخانه، علی‌رغم اینکه امکان شروع و انجام فعالیت با هزار متر سوله را داشته، اما در یک فضای چهار هزار متری با این تفکر که این میزان فضا پول ایجاد می‌کند، تأسیس شده است و با بنگاه‌های تازه تأسیسی که ساختمان اداری مجللی ساخته‌اند که خیلی از شرکت‌ها بزرگ هم این ساختمان را ندارند و درواقع به‌واسطه این موارد، هزینه‌های زیادی به بنگاه تحمیل شده است. از این نوع مثال‌ها بسیار می‌توان مطرح کرد. طبیعتاً باید سرمایه‌گذاری به‌صورت پهنه





اساسی ما است. ایراد بعدی به خود سرمایه‌گذار یا کسانی که قصد راه‌اندازی یک بنگاه را دارند برمی‌گردد، اینکه این افراد بسیار عجله دارند و وقت کافی برای مطالعه و تحقیق روی فعالیتی که می‌خواهند انجام دهند، اختصاص نمی‌دهند. خیلی از ما اعتقاد به مشاوره و افزایش آگاهی و بررسی حوزه فعالیت را نداریم و فکر می‌کنیم که سرمایه‌گذاری روی این موضوع، هزینه اضافه است. مواردی پیش آمده که از شخصی که می‌خواهد بنگاهی را راه‌اندازی کند پرسیده شده که وضعیت بازار این فعالیت به چه شکل است؟ در جواب گفته است که «کارخانه را راه‌اندازی می‌کنیم، پول درآوریم، به امید خدا خوب است!» و ...

### ضعف‌ها و خطاهای بنگاه‌داری در مرحله اجرا

خیلی اوقات در یک بنگاه، شروع کار و سرمایه‌گذاری به‌درستی انجام شده است، اما بنگاه در جریان کار دچار مشکل می‌شود، بالغ‌بر ۶۰ تا ۷۰ درصد این مشکلات محیطی و خارج از اراده مدیر بنگاه یا سرمایه‌گذار است و در واقع نتیجه مسائلی است که به بنگاه تحمیل می‌شود و باید هزینه‌های مربوطه را بنگاه پرداخت کند؛ به عنوان نمونه مسائلی که تحریم تحمیل کرده یا با صدور بخشنامه‌های خلق‌الساعه ایجاد می‌شود، از آن جمله‌اند، اما در کنار عوامل محیطی موجود که فضای نامناسب کسب‌وکار در ایران را رقم زده است شرکت‌ها و دستگاه‌های ایرانی با چالش‌هایی در فضای درون بنگاهی نیز روبه‌رو هستند که به مواردی چند اشاره می‌شود:

۱- توجه به انتخاب و نگهداری نیروی انسانی متخصص که علم، اطلاعات و تجربه کافی متناسب با حوزه‌های موردنیاز بنگاه را دارد؛ درست است که ما در زمینه‌های فنی و مدیریتی دچار فقدان نیروی ماهر هستیم، اما در شرایطی که یک بنگاه شکل گرفته، ناگزیر به پیدا کردن افراد مناسب یا آموزش و توانمندسازی آن‌ها برای جایگاه موردنظر است. همچنین توجه به نیروی انسانی و نیازمندی‌های شغلی و رفاهی آن از اهمیت زیادی برخوردار است. منابع انسانی سرمایه اصلی بنگاه است و کم توجهی به آن باعث بی‌انگیزگی، کاهش بهره‌وری و حتی ترک بنگاه می‌شود.

۲- توجه به کیفیت محصول تولیدی؛ بسیار دیده شده است در ابتدا تولیدکننده یا بنگاه‌دار به کیفیت محصولات یا خدماتی که ارائه می‌دهد، توجه می‌کند، اما همین‌که بازاری به دست آورد، بویژه در شرایط انحصار، توجه به کیفیت، کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شود. مانند اتفاقی که در حال حاضر در صنعت خودروسازی رخ داده است. در این صنعت فعلاً تقاضا به‌اندازه کافی وجود دارد، لذا کیفیت، آن‌چنان مدنظر تولیدکنندگان نیست؛ برای مثال با شرایط عرضه ۷۰ هزار خودرو و وجود پنج میلیون نفر متقاضی که با انجام قرعه‌کشی، محصولات در اختیار خریداران قرار می‌گیرد، هیچ انگیزه‌ای برای توجه به کیفیت و بهبود وجود ندارد. به هر حال ما در اینجا در رابطه با تولید در یک

بخش خصوصی واقعی صحبت می‌کنیم که در ابتدا ممکن است مبتنی بر تقاضا، شکل گرفته باشد، اما عدم توجه به کیفیت و نظر مشتری در ادامه حرکت از خطاهایی است که کاهش تقاضا را در پی دارد. لذا از آنجا که رقبای هر صنعت در حال فعالیت و توسعه هستند و شرکت‌های جدید نیز در حال ورود به عرصه رقابت می‌باشند، هیچ بازاری برای هیچ بنگاهی دائمی نمی‌تواند بماند، جز بازارهای انحصاری که اینجا در تعریف ما نیستند.

۳- مسئله سوم، الزام تحقیق و توسعه در همه بخش‌های یک بنگاه است. در هر صورت یک بنگاه باید مرتب به نیاز بازار و مشتری توجه نماید و بر اساس آن سیستم را دائماً به‌روزرسانی کند و به بازخورد مشتری و روش‌های بازاریابی توجه ویژه نماید که منتج به جذب مشتری و ماندگاری آن در بازار می‌شود، در غیر این صورت دچار مشکل گردیده و از رقبای خود جا می‌ماند.

۴- موضوع دیگر، لزوم وجود سیستم‌های مالی اصولی و شفاف در یک بنگاه است. در شرکت‌های پیشرو، امکان ارائه وضعیت سود و زیان در هر بازه زمانی وجود دارد. در حالی که صورت‌های مالی شرکت‌ها در کشور ما به‌طور سالانه تنظیم و ارائه می‌گردد و در بسیاری موارد منطبق با اصول نبوده و دقیق نیست. بویژه در شرکت‌های کوچک و متوسط که ارزیابی وضعیت سودآوری عملکرد بنگاه ذهنی و غیردقیق است که گاهی آن را با بحران روبه‌رو می‌کند.

۵- دیگر مسئله تداخل جایگاه سرمایه‌گذار و مدیریت در بنگاه است. بنگاه‌هایی بوده‌اند که اگر چه خوب شروع کرده و درخشیده‌اند، اما پس از مدتی به دو علت دچار آفت چندگانگی مدیریت شده و به مرگ سازمانی رسیده‌اند: اول اینکه خیلی از شرکت‌ها در کشور ما در ابتدا با تعارف و عدم تعریف مسئولیت‌ها و جایگاه‌ها شکل می‌گیرند و دوم اینکه فرهنگ شراکت در کشور ما فرهنگ غریبی است؛ بنا به همان ضرب‌المثلی که می‌گوید «اگر شریک خوب بود، خدا هم شریک داشت». خیلی وقت‌ها کار به جایی می‌رسد که افراد برای تحمیل نظرات خود، منابع سازمان را به خطر می‌اندازند. ما در کشورمان چند بنگاه با قدمت ۱۵۰ سال داریم که ادامه پیدا کرده‌اند! در نمونه‌هایی چون زیمنس، مک دونالد و ... نقش متمایز مدیریت و جایگاه سرمایه‌گذار، قابل توجه است.

### جمع‌بندی

به این ترتیب با توجه به نکاتی که از نظر گذشت، می‌توان گفت درست است که فضای کسب‌وکار در کشور مناسب نیست و از این باب ایران در رتبه ۱۲۸ در بین کشورها قرار دارد، اما فضای درون بنگاهی نیز دچار چالش‌هایی است که تلاش جدی برای رفع آن‌ها و اعمال مدیریت علمی و با کیفیت نقطه عطف بهبود برون-داده‌ها و ادامه حیات بهره‌ور کسب‌وکارها است. ♦♦

در شرکت‌های پیشرو، امکان ارائه وضعیت سود و زیان در هر بازه زمانی وجود دارد. در حالی که صورت‌های مالی شرکت‌ها در کشور ما به‌طور سالانه تنظیم و ارائه می‌گردد و در بسیاری موارد منطبق با اصول نبوده و دقیق نیست. بویژه در شرکت‌های کوچک و متوسط که ارزیابی وضعیت سودآوری عملکرد بنگاه ذهنی و غیردقیق است که گاهی آن را با بحران روبه‌رو می‌کند.

گفت‌وگو با «غلامرضا بسطامی پور» صنعتگر بخش خصوصی، مدیر کارخانه کاغذ و مقوای کرمان و مؤسس کارخانه بازیافت صنعت کرمان سبز

## منافع مشترکی میان بخش دولتی و خصوصی وجود ندارد

غلامرضا بسطامی پور، صنعتگر بخش خصوصی، مدیر کارخانه کاغذ و مقوای کرمان و مؤسس کارخانه بازیافت صنعت کرمان سبز در گفت‌وگو با ما، رشد پایه پولی و ارزش پول، ایجاد اشتغال پایدار بر پایه تولید، واقعی کردن قیمت‌ها و توازن قیمت بر پایه عرضه و تقاضا و رقابت سالم، توسعه سرمایه‌های اجتماعی و اصلاح فرهنگ سهم‌خواهی، مبارزه با رانت و حذف واسطه‌ها و عرضه کالا از تولید به مصرف شفاف و کاهش هزینه‌های غیرضروری کشور را مهم‌ترین راه برای بهبود شرایط مادی جامعه می‌داند. او همچنین می‌گوید که در شرایط موجود اعتماد به آینده و اطمینان به ادامه حیات در بنگاه‌ها وجود ندارد و ثبات اقتصادی مبتنی بر رویکرد توسعه تولید، قانون‌گذاری صحیح و منطقی و بلندمدت بر پایه تعاملات جهانی، شایسته‌سالاری و تضمین سرمایه‌گذاری و مالکیت مادی و معنوی و برخورد قاطع قضایی با افرادی که چشم طمع بر سرمایه دیگران دارند را در این مورد راه‌گشا دانسته و البته یادآوری می‌کند که اکنون عدالت و مساوات بین بخش‌های دولتی و خصوصی با بخش خصوصی رعایت نمی‌شود و در این شرایط نه تنها منافع مشترکی میان بخش دولتی و خصوصی وجود ندارد، بلکه در بیشتر مواقع تضاد منافع نیز وجود دارد و رابطه، یک رابطه اجباری مبتنی بر برد و باخت می‌باشد.

مطالب این گفت‌وگو را در پایین بخوانیم.

مسئلاً  
 نهادینه‌سازی  
 شاخصه‌های  
 فرهنگی یک  
 جامعه، رابطه  
 مستقیم و  
 تأثیرپذیری  
 از سیستم  
 آموزش و پرورش  
 و آموزش عالی  
 جامعه دارد. باید  
 دید در این بخش  
 ما به مردم و نسل  
 آینده چه چیز  
 را یاد می‌دهیم!  
 مدرسه، دانشگاه  
 و مراکز آموزشی  
 که امروزه تبدیل  
 به دکان شده‌اند  
 و به هر شکل  
 به دنبال جذب  
 محصل می‌باشند  
 و خروجی آن‌ها  
 ارائه مدارک پوچ  
 به افرادی هست  
 که نمی‌توانند  
 یک نامه فارسی  
 را صحیح نگارش  
 نمایند چه برسد  
 به زبان انگلیسی،  
 آیا می‌توانند به  
 محصلان خود  
 کار و تلاش را  
 آموزش دهند؟



زودتر عملیاتی می‌شوند و محصل، این شده است که شعاری که مطرح می‌شود، مشخص می‌گردد در بایش پایان سال در واقعیت عکس آن اتفاق افتاده و از آنجا که بخش دولتی هم ید طولایی در گل‌وبلبل نشان دادن همه

### ♦♦ به نظر شما مهم‌ترین راه‌حل برای بهبود شرایط مادی جامعه چیست؟

در خصوص پاسخ به این سؤال من شش مورد را نام می‌برم و در خصوص هر یک توضیحاتی به‌اختصار بیان می‌کنم:

۱. رشد پایه پولی و ارزش پول:

بهبود شرایط مالی قطعاً به معنای وجود نقدینگی و اسکناس بی‌پشتوانه در جیب و حساب‌های بانکی و بالا رفتن افسارگسیخته بهای دارایی‌های ثابت افراد جامعه نیست، بلکه گردآوری این نقدینگی و دارایی‌ها از جیب و حساب عده اندکی از افراد جامعه - همان چند درصد کم ولی خاص - و تبدیل و سوق دادن آن از بازار سوداگری و دلالی که بر پایه دامن زدن به تورم و کاهش ارزش پول ملی و مصرف‌گرایی و واردات بنا شده است، به سمت تولید و اشتغال متناسب با اقلیم و منابع طبیعی و نیاز کشور و با رویکرد توسعه صادرات می‌باشد.

۲. ایجاد اشتغال پایدار بر پایه تولید:

هر ساله با شروع شعارهایی با عناوین مختلف در راستای حمایت از تولید مطرح می‌شود، اما از طرف دیگر قوانین و بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی هم در راستای تضعیف تولید و بخش خصوصی و بی‌اثر کردن شعارها شاید عمدی و یا شاید جبری ارائه می‌شود و قدرت این قوانین و بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها از شعارها بیشتر است، پس

نحوی مشابه یا گران‌تر از نرخ‌های جهانی است و اگر نرخ‌ها دلاری است، چرا اجازه نمی‌دهند قیمت‌ها مطابق با بهای جهانی وضع شود و امکان ورود رابطه اقتصادی آزادانه با دنیا وجود ندارد؟ قطعاً بازار کار خود را بلد است. من امیدوارم یک روز این استخوان لای زخم که قیمت سوخت و نهاده‌های انرژی و قیمت چهار قلم کالای اصلی را که دائماً دولت‌ها روی آن‌ها مانور می‌دهند را بیرون آورده و همه قیمت‌ها جهانی شود و حقوق و درآمد مردم نیز مشابه با نرخ‌های جهانی باشد بی‌گمان که ما از مرفه‌ترین مردم جهان خواهیم بود.

۴. توسعه سرمایه‌های اجتماعی و اصلاح فرهنگ سهم‌خواهی: یکی دیگر از معضلات پیش روی جامعه ما، از دست دادن اعتماد مردم به بخش دولتی و حتی افراد به یکدیگر و از بین رفتن فزاینده ارزش‌ها و اعتقادات بویژه در نسل جوان می‌باشد. همه به دنبال این هستند که حق من چیست؟ سهم من کجاست؟ و چرا من؟ و چطور من؟ و نتایج این انگشت اشاره‌ی رو به من! می‌تواند به سه شکل عمده نمایان شود: ۱. تلاش و کوشش و توسعه فردی به شرطی که افراد به حق و حقوق واقعی خود برسند، ۲. افسردگی و پوچ‌گرایی و ترک جامعه در صورت پایمال شدن تلاش و حقوقی که برای آن زحمت کشیده‌اند، ۳. پایمال شدن ارزش‌ها و افزایش فساد، دروغ، دزدی و کسب درآمد به هر نوع است.

برای برون‌رفت از این شرایط نیاز است کار فرهنگی قوی صورت گیرد و افراد جامعه به جای اشاره به واژه «من»

معضلات و مشکلات و تهیه گزارشات خوشایند مافوق خود را دارند همه چیز به‌خوبی و خوشی تمام می‌شود؛ برای مثال افزایش گاز بهای بخش صنعتی تا هفت برابر که همین چند روز پیش آیین‌نامه آن اجرایی شد، قسمت اسفناک ماجرا آنجا است که در قبوض این افزایش را تحت عنوان بدهی گذشته مشترک قرار داده و بی‌شرمی هر چه تمام‌تر اخطار قطع هم برایشان صادر کرده‌اند و مدعی هستند که این آیین‌نامه از ماه اردیبهشت بوده، اما دستور اجرایی آن در دی‌ماه ۱۴۰۰ صادر شده است و این بدان معنا است که دیگر امکان بهای تمام شده کالا هم برای تولیدکننده وجود ندارد و ممکن است هر زمانی و به هر شکلی که دولت دلش خواست دست توی جیب صنعتگر و متعاقباً مردم بنماید.

۳. واقعی کردن قیمت‌ها و توازن قیمت بر پایه عرضه و تقاضا و رقابت سالم:

متأسفانه در این شرایط اقتصادی مشخص نیست و نمی‌توان گفت آیا ما از نرخ‌های جهانی تحت تأثیر دیواری به نام دفاع از حقوق هسته‌ای تأثیر می‌پذیریم یا خیر و چگونه؟ آیا به قول دولت‌های قدیمی، تحریم تأثیری ندارد یا به ظن دولت‌های جدید، عمده مشکلات ناشی از تحریم‌های خارجی است؟ آیا قیمت‌های اجناس در کشور دلاری است یا ریالی؟ اگر ریالی است، پس افزایش و کاهش قیمت دلار چه ربطی به قیمت اجناس دارد و چرا قیمت فلزات گران‌بها، فولاد، خودرو، ساختمان، لوازم خانگی، اکثر مواد غذایی و سایر مایحتاج اصلی سبد خانوار دلاری و یا به



اشاره به «ما» را سرلوحه زندگی قرار دهند، مسلم است لازمه این کار، همراه شدن افراد با هم و تفکر گروهی و تلاش در جهت توسعه همدیگر می‌باشد، اما این عمل حیات گروه‌هایی را نیز به خطر می‌اندازد و مخالفت‌های جدی در بدنه بخش دولتی را به دنبال خواهد داشت. لذا باید تا زمانی که این گروه‌ها نیز به این درک و اعتقاد برسند، تلاش و زمان لازم صرف گردد. به این جهت لازم است، روی بعضی کلیدواژه‌ها که این روزها خیلی کمرنگ شده، کار اصولی علمی و فرهنگی شود از جمله: کار تیمی و حمایت گروهی، ملی‌گرایی و اصالت، صداقت، عزت، شرافت، کرامت، شجاعت.

۵. مبارزه با رانت و حذف واسطه‌ها و عرضه کالا از تولید به مصرف شفاف:

یکی از دلایل اصلی افزایش قیمت کالاها، وجود واسطه‌ها با رانت‌های قدرتمند می‌باشد؛ به نحوی که عمدتاً قیمت کالاها از کارخانه تا خانه تا چند برابر افزایش پیدا می‌کند و البته داستان ارزش افزوده نیز خود تقویت‌کننده این مشکل است که کالا بدون عملیات تولید و ایجاد ارزش افزوده برای آن و صرفاً فقط به لحاظ عملیات توزیعی از یک شرکت به شرکت دیگر فروخته می‌شود و ارزش افزوده در هر بار فروش در صورتحساب اعمال می‌شود، لذا با هر بار خرید و فروش و واسطه‌گری حداقل نه درصد قیمت کالا برای مصرف‌کننده نهایی و در چهارچوب قانونی بالا می‌رود. البته قسمت دردناک ماجرا آنجا است که کارخانجات تسلیم این مافیای قدرتمند شده‌اند و قیمت روی کالا طوری درج می‌گردد که پس از چند مرحله واسطه‌گری مطابق با قیمت مصرف‌کننده باشد و این کار تحت عنوان تخفیف همکار برای واسطه‌ها تلقی می‌گردد.

۶. کاهش هزینه‌های غیرضروری کشور: کشور ما به لحاظ وجود منابع طبیعی و اقلیمی، بسیار غنی و ثروتمند است و سهم بسیار بزرگی از این ثروت با دلایلی هزینه می‌گردد که صحیح مدیریت نمی‌شود و شفافیت مالی در این بخش وجود ندارد. به روشنی کم نیستند کشورهایی که چشم طمع بر این منابع داشته و دارند، لذا شناسایی و برخورد با گروه‌هایی که با بهانه دفاع از کشور و مبارزه با دشمن و رفع تحریم‌ها و از این دست مسائل آب را گل آلود کرده و از آن برای خود و اربابانشان خوب ماهی می‌گیرند، یکی از راه‌های اصلی حفظ ثروت و تقویت پول کشور می‌باشد.

◆ متأسفانه بنگاه‌ها با نااطمینانی از آینده در اندیشه چه کنند، هستند، گشایش مورد انتظار آن‌ها چیست؟

اگر به عملکرد سه دستگاه اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی طی سالیان اخیر با دقت و بی‌طرفانه توجه کنید، نمی‌توان گفت که بنگاه‌ها نسبت به آینده نامطمئن هستند، بلکه نسبت به ادامه حیات خود نامطمئن می‌باشند، لذا آینده برای بنگاه‌های تولیدی با این روند بسیار روشن و دردناک است و پیغامی غیر از انتخاب تعطیلی و تعدیل نیرو قبل از ورشکستگی و مصادره و بدهکار بانکی شدن ندارد. برای بنگاه‌های موفق هم که در حال رشد و توسعه هستند، بی‌اعتمادی و نگرانی از حیث تصرف مالکیت، توسط برخی صاحبان قدرت که دارای قدرت نظامی و یا نفوذ سیاسی وجود دارد در حال حاضر بسیاری از کارخانجات موفق استان که توسط بخش خصوصی راه‌اندازی شده بودند به این گروه‌های قدرت واگذار شده و یا در حال واگذاری هستند و یا برای حفظ بقاء وادار به جذب رضایت و توجه گروه‌های قدرت می‌باشند، لذا برای جمع‌بندی، به عقیده بنده باید گفت که گشایش امور بنگاه‌ها در گرو موارد ذیل به ترتیب اولویت می‌باشد:

۱. ثبات اقتصادی مبتنی بر رویکرد توسعه تولید و نه صرفاً کنترل بازار و تورم،
۲. قانون‌گذاری صحیح و منطقی و بلندمدت بر پایه تعاملات جهانی و نه ایدئولوژیکی،
۳. روسا و مدیران بخش‌های دولتی بر مبنای علم و اخلاق و شایسته‌سالاری پشت میزهای ادارات و خدمت قرار بگیرند و هر نفر کار خودش را درست و صحیح انجام دهد و نفوذ سیاسی، نظامی و مذهبی نقشی در انتصاب و انتخاب و نگهداشت این افراد نداشته باشد، بلکه این امور بر مبنای رضایت ارباب‌رجوع و رشد و توسعه بخش‌های خصوصی زیرمجموعه آن‌ها برنامه‌ریزی گردد،
۴. تضمین سرمایه‌گذاری و مالکیت مادی و معنوی در هر شرایط و برخورد قاطع سیستم قضایی با افرادی که چشم طمع بر سرمایه دیگران دارند که این کار، در صورت نیاز، لازم است پس از اصلاح و برخورد با مجریان قضایی متخلف که خود بخشی از این بدنه صاحب قدرت و نفوذ می‌باشند و این فساد و تباهی را به دامن جامعه کشیده‌اند، انجام گردد.

◆ **نهادینه‌سازی کار و تلاش در بین مردم و جهت دادن سرمایه‌ها به بخش تولید و رونق آن چگونه میسر می‌شود؟** مسلماً نهادینه‌سازی شاخصه‌های فرهنگی یک جامعه، رابطه مستقیم و تأثیرپذیری از سیستم آموزش‌وپرورش و آموزش عالی جامعه دارد. باید دید در این بخش ما به مردم و نسل آینده چه چیز را یاد می‌دهیم! مدرسه،

با توجه به گپ  
زیاد میان حقوق و  
مزایای بنگاه‌های  
دولتی و خصوصی  
که دستشان  
در جیب دولت  
می‌باشد؛ مانند  
خودروسازان  
دولتی و  
بنگاه‌هایی که  
درآمدشان از  
طریق دارایی‌های  
ملی همچون  
نفت، گاز، مس،  
آهن و سایر  
منابع خدادادی  
می‌باشد، در حال  
حاضر بنگاه‌های  
خصوصی  
از کوچک تا  
بزرگ تبدیل  
به کارگاه‌های  
کارآموزی برای  
بنگاه‌های دولتی  
و خصوصی  
شده‌اند، لذا  
بنگاه‌های کوچک  
و خصوصی که  
محرك موتور  
اقتصاد کشور  
هستند، این روزها  
با هزینه بسیار  
زیاد از دست  
دادن نیروی کار  
با تجربه و ماهر  
روبرو می‌باشند.



دانشگاه و مراکز آموزشی که امروزه تبدیل به دکان شده‌اند و به هر شکل به دنبال جذب محصل می‌باشند و خروجی آن‌ها ارائه مدارک پوچ به افرادی هست که نمی‌توانند یک نامه فارسی را صحیح نگارش نمایند چه برسد به زبان انگلیسی، آیا می‌توانند به محصلان خود کار و تلاش را آموزش دهند؟ انسان موجودی هوشمند است و جامعه ما جزو هوشمندترین‌ها و متأسفانه راحت‌طلب‌ترین‌ها، در این رابطه پیشنهادهایی را مطرح می‌نمایم:

۱. تولیدکنندگان و کارگران بخش‌های تولیدی باید به عنوان الگویی از افراد موفق و ارزشمند این جامعه معرفی شوند و مورد احترام قرار بگیرند. در حال حاضر تولیدکننده با واژه‌ای همچون عاشق مجنون، بیچاره ورشکسته و بدهکار بانکی شناخته می‌گردد، پس نمی‌تواند مشوق دیگران در راه تولید و کار و تلاش باشد.

۲. تغییر الگوبرداری نسل جدید از رفتارهای دلالان و سوداگران و گروه‌های توزیع که مالک ماشین‌های گران‌قیمت و باغ و خانه‌های لاکچری هستند به الگوبرداری از رفتارهای انسان‌های فهیم و ارزشمند و نوابغ و اصحاب علم و قلم این مرزوبوم،

۳. پررنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و انسانی و تقویت حس ملی‌گرایی و صدای وجدان با حضور صاحبان کسب‌وکار و کارگران نمونه در رسانه‌ها.

### ♦♦ به لحاظ ساختاری روند فعلی جذب و نگهداری نیروی انسانی در بنگاه‌های اقتصادی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به گپ زیاد میان حقوق و مزایای بنگاه‌های دولتی و خصولتی که دستشان در جیب دولت می‌باشد؛ مانند خودروسازان دولتی و بنگاه‌هایی که درآمدها از طریق دارایی‌های ملی همچون نفت، گاز، مس، آهن و سایر منابع خدادادی می‌باشد، در حال حاضر بنگاه‌های خصوصی از کوچک تا بزرگ تبدیل به کارگاه‌های کارآموزی برای بنگاه‌های دولتی و خصولتی شده‌اند، لذا بنگاه‌های کوچک و خصوصی که محرک موتور اقتصاد کشور هستند، این روزها با هزینه بسیار زیاد از دست دادن نیروی کار با تجربه و ماهر روبرو می‌باشند.

### ♦♦ ارزیابی شما از روند به‌کارگیری مدیران متخصص و با تجربه و قابلیت‌های اجرایی لازم در بنگاه‌های اقتصادی استان چیست؟

در اکثر بنگاه‌های دولتی و خصولتی تا رده مدیران میانی و کارشناسان ارشد، همان‌طور که در بالا گفته شد نیروهای ماهر و آموزش‌دیده از بخش خصوصی جدا شده و جذب کار

می‌شوند، اما مدیران ارشد این بنگاه‌ها بر اساس روابط، نفوذ سیاسی یا نظامی و با مدارک غیر مرتبط، افتخاری و یا فرمایشی انتخاب می‌شوند و به دلیل پایین بودن سطح مهارت و دانش نسبت به زیردستان، جهت حفظ صندلی ریاست و گرفتن کار از ایشان، مجبور به پرداخت حقوق گزاف به زیردستان و حق حساب به صاحبان قدرت می‌باشند، در این حالت ۹۰ تا ۹۸ درصد از افراد بنگاه که دارای علم و دانش و مهارت هستند، تحت مدیریت یک تا دو درصد افراد فاقد دانش و مهارت قرار می‌گیرند، لذا کارایی واقعی و واقعی مبتنی بر استانداردهای جهانی برای نیروی انسانی و حتی سایر منابع در این سازمان‌ها حدود ۳۰ درصد برآورد می‌گردد. در سازمان‌های خصوصی، وضعیت برعکس بالا است؛ یعنی افراد دارای دانش تجربه و مهارت اقدام به ایجاد بنگاه می‌کنند، اما نیروی ماهر و آموزش‌دیده و با علم کافی بخصوص در این وضعیت اشتغال و علاقه کم کارجویان و سطح پایین علمی دانشگاه‌ها، برای بنگاه‌ها به سختی پیدا می‌شود که نهایتاً امکان حفظ این سرمایه ارزشمند برای بنگاه‌های در طولانی مدت میسر نیست؛ لذا در این وضعیت ۲۰ تا ۳۰ درصد افراد ماهر و آموزش‌دیده بر ۷۰ تا ۸۰ درصد نیروی کار غیرماهر و با سطح دانش کم مدیریت می‌کند که در این حالت نیز کارایی بنگاه‌ها از ۶۰ درصد بالاتر نمی‌رود، اما این یک نسخه کلی نیست و بنگاه‌هایی هم وجود دارند که بالاتر از ۹۰ درصد نیز راندمان عملکرد نیروی انسانی دارند که می‌توانند الگو و سرلوحه خوبی برای سایر بنگاه‌ها از هر نوع باشند.

### ♦♦ همان‌طور که در بالا گفته شد در سطح بنگاه‌های فعالان اقتصادی همواره از ناتوان‌سازی فضای رقابت‌پذیری به علت غلبه بنگاه‌های خصولتی در عرصه تولید و تجارت کشور یاد می‌کنند، به نظر شما عواملی که موجب عدم اصلاح این وضع است چیست؟

بزرگ‌ترین مشکل، عدم رعایت مساوات و عدالت قانون‌گذار، مجری، بازرس و نهایتاً قضاوت میان بخش خصوصی و خصولتی است. در واقع برای بخش دولتی و خصولتی، عملکرد اقتصادی، جنبه برداشت از جیب یک فرد و واریز به جیب دیگر همان فرد است، اما در بخش خصوصی، عملکرد اقتصادی، برداشت از جیب بنگاه خصوصی و واریز به جیب بخش دولتی جهت جبران هزینه‌های دولتی است. در این شرایط نه تنها منافع مشترکی میان بخش دولتی و خصوصی وجود ندارد که هیچ، بلکه در اکثر مواقع تضاد منافع نیز وجود دارد؛ پس این یک رابطه اجباری مبتنی

در واقع برای  
بخش دولتی  
و خصولتی،  
عملکرد  
اقتصادی، جنبه  
برداشت از جیب  
یک فرد و واریز به  
جیب دیگر همان  
فرد است، اما در  
بخش خصوصی،  
عملکرد  
اقتصادی،  
برداشت از جیب  
بنگاه خصوصی  
و واریز به جیب  
بخش دولتی  
جهت جبران  
هزینه‌های  
دولتی است.  
در این شرایط  
نه تنها منافع  
مشترکی میان  
بخش دولتی  
و خصوصی  
وجود ندارد  
که هیچ، بلکه  
در اکثر مواقع  
تضاد منافع نیز  
وجود دارد؛ پس  
این یک رابطه  
اجباری مبتنی  
بر بردو باخت  
می‌باشد.



دیگران درس بگیریم و اجازه بدهیم دیگران هم درس بگیرند.

۱۰. توسعه صنعت گردشگری و افزایش سطح رفاه عمومی به شکلی که مردم برای تفریح، کار و آسایش تمایل به ترک کشور و یا مسافرت خارج از کشور نداشته باشند و از طرف دیگر مردم کشورهای دیگر تمایل به سرمایه‌گذاری و اقامت و مسافرت به کشور ما را داشته باشند.

۱۱. نظام آموزشی نیاز به خانه‌تکانی و سشتشوی فکریهای زنگ‌زده دارد. لازم است فرزندان و همه دانش‌آموزان این مرزوبوم روش صحیح زندگی و خوشبخت بودن را قبل از فیزیک و شیمی و ریاضی و سایر دروس یاد بگیرند.

### ◆ در کل ارزیابی شما از انطباق یا انحراف بنگاه‌های اقتصادی در استان کرمان با مسیر موفقیت چیست؟

در پاسخ به این سؤال اگر بنگاه‌های بخش دولتی و خصولتی مدنظر باشد، بلکه کاملاً موفق بوده‌اند و با توجه به بی‌ارزش شدن روزبه‌روز پول کشور و مشکلات بودجه‌ای بخش دولتی، این بنگاه‌ها در بخش توسعه تولید و بازرگانی در جهت صادرات منابع ملی بسیار خوب عمل می‌کنند و از شیر مرغ تا جان آدمیزاد چه به‌صورت خام و چه به‌صورت کالای فرآوری شده در این کشور دارای موقعیت و ارزش صادراتی شده و برای تمام کشورهای همسایه، واردات از ایران یک مزیت رقابتی و نقطه قوت محسوب می‌گردد؛ البته در خصوص زمان و نحوه برگشت وجوه صادراتی و سرمایه‌گذاری درآمدهای بخش صادرات و روند موفقیت کشور آیندگان قضاوت خواهند کرد و بهتر است من چیزی نگویم. در خصوص بخش خصوصی اگر موفقیت را حفظ حیات معنی کنیم تا حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد موفق بوده‌ایم، اما اگر موفقیت را در حوزه توسعه تولید، فناوری، مدیریت انرژی و مدیریت کیفیت جستجو کنیم موفقیت چشمگیری نداشته‌ایم؛ شاید ۱۰ تا ۱۵ درصد رشد محقق شده است یا بعضاً شاید افول هم داشته‌ایم مانند خروج شرکت‌هایی همچون توف نور، دوو، ال‌جی، سامسونگ، فولکس، هیوندایی، شل، کاسترول و غیره از چرخه تولید کشور و از سمت دیگر واردات خطوط استوک کارخانجات چینی که به دلیل ظرفیت پایین تولید و تکنولوژی قدیمی یا عدم تحقق استانداردهای زیست‌محیطی امکان فعالیت در کشور مبدأ را نداشته‌اند.

### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم میدانید، عنوان فرمایید.

ممنون از فصلنامه «سپهر اقتصاد کرمان» و مطالعه‌کنندگان برای تحمل نقایص این گفتار. ◆◆

بر بردو باخت می‌باشد. برنده و بازنده در نهایت ماجرا فرق نمی‌کند چون در واقع هزینه باخت به کشور تحمیل خواهد شد. جهت اصلاح این روال، قانون‌گذاری، فرهنگ‌سازی، عملکرد طرفین، رعایت عدالت و قضاوت میان بنگاه‌های باید بر پایه همکاری و یا مصالحه باشد، این رابطه را باید به یک رابطه مبتنی بر برد بر هر دو طرف تغییر داد.

### ◆ نظر شما در مورد چگونگی کارآمدی بخش عمومی در کشور چیست؟

در این خصوص رنگ رخسار گواهی دهد از سر ضمیر و اوضاع احوال اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گویای همه موارد است و به قول مجله گل آقا، زیر این سؤال باید نوشت بدون شرح! اما در تکمیل جواب، اصلاح موارد ذیل با اولویت بالا می‌تواند در رشد کارآمدی بخش عمومی در کشور بسیار مؤثر باشد.

۱. نیازسنجی صحیح بخش عمومی مبتنی بر حقوق شهروندی و با تمرکز بر ترمیم و بهبود حوزه روحی، روانی و سلامت بدنی افراد جامعه،

۲. کارسنجی صحیح بخش عمومی مبتنی بر ایجاد عدالت اجتماعی و تکریم مردم و توسعه پایدار فرهنگی،

۳. ارزیابی واقعی بخش عمومی بر پایه استانداردهای جهانی با رویکرد واقع‌گرایانه،

۴. اصلاح ساختار با رویکرد توسعه جهانی و نیازهای مردم و انتصاب بر پایه شایسته‌سالاری و کاهش شکاف طبقاتی و کاهش تضاد منافع شخصی و عمومی،

۵. فرهنگ‌سازی بر پایه اصلاحات ساختاری بالا و ارزش‌های اخلاقی و ملی در بخش عمومی (در کنار ائمه اطهار ما شخصیت‌های ملی و تاریخی هم داریم که در کنار نقاط تاریک زندگی می‌توان از نکات مثبت این پتانسیل‌ها استفاده کنیم)،

۶. قوانین حکومتی بر مبنای سعادت و خوشبختی مردم کشور و دنیا اصلاح گردد. قطعاً به دنبال آن ایدئولوژی مذهبی و فکری ما بدون جنگ و خونریزی به تمام دنیا صادر و فراگیر خواهد شد، ما دیگر فرار مغزها را نخواهیم داشت و این بهترین ابزار مبارزه با فراماسونری و صهیونیسم است، ۷. برای محیط‌زیست وقت و پول صرف شود و مانند صنایع دفاعی به آن توجه گردد؛ در این شرایط تهدیدهای اکوسیستمی ما از هر نوع تهدید نظامی خطرناک‌تر است، بحران آب در کشور بسیار جدی است،

۸. هر فردی سر جای خودش و پشت میز متناسب با مشخصات وی قرار بگیرد،

۹. به یکدیگر فرصت اشتباه کردن داده شود و یا از اشتباهات

در خصوص  
بخش خصوصی  
اگر موفقیت را  
حفظ حیات  
معنی کنیم تا  
حدود ۶۰ تا ۷۰  
درصد موفق  
بوده‌ایم، اما اگر  
موفقیت را در  
حوزه توسعه  
تولید، فناوری،  
تکنولوژی،  
مدیریت انرژی  
و مدیریت  
کیفیت جستجو  
کنیم موفقیت  
چشمگیری  
نداشته‌ایم؛ شاید  
۱۰ تا ۱۵ درصد  
رشد محقق شده  
است یا بعضاً  
شاید افول هم  
داشته‌ایم.



گفت‌وگو با «سینا مشکانی» مدیرعامل شرکت مهندسی سینا چوب

## وجهه بنگاه ایرانی در دنیا باید تغییر کند

در مجموع به نظرم در تأمین مالی بنگاه‌ها با توجه به نوع مصرف مردم که در کشور وجود دارد، سیستم عادلانه است و با روش موجود، همه در حال دریافت خدمت هستند. سینا مشکانی مدیرعامل شرکت مهندسی سینا چوب همچنین می‌گوید که مهم‌ترین مورد شکننده بازارهای داخلی و خارجی صنایع کشور، وضعیت دیپلماسی است؛ سیستم دیپلماسی کشور ما نمی‌تواند کارایی لازم برای بازرگانان را ایجاد کند و دیگر مورد، اعتبار محصول به لحاظ کیفی در بازار است که پیشنهاد می‌شود، ایجاد سیستم پلیس کیفیت که اولین بار در کشور چین انجام شد را به کار گیریم. او معتقد است قدم اول برای نوسازی ساختار صنعتی، این است که باید رفت و به صورت حضوری، سطح و کیفیت بالاتر و ساختار و فرایندهای بهتر را دید که دیدن و لمس کردن صنایع مشابه در اقصی نقاط دنیا می‌تواند مؤثر باشد، به‌رحال باید وجهه بنگاه ایرانی در دنیا شروع به تغییر کند، تغییر در فعالیتی است که بنگاه انجام می‌دهد، اما ورود به این تغییر نیاز به دیپلماسی دارد. شرح کامل پاسخ‌های مشکانی به پرسش‌های ما در ادامه قابل مطالعه است.



مادامی که فرد  
تحت رنجی قرار  
نگیرد اقدام به  
تغییر نمی‌کند. در  
اهرم درد و لذت،  
رہایی از رنج و یا  
درد، انگیزه‌های  
بیشتری برای  
تغییر در آدم‌ها  
ایجاد می‌کند.  
درباره اینکه در  
تغییرات چه  
فرصت‌هایی از  
دست می‌رود،  
باید گفت که هیچ  
فرصتی سوخته  
و از دست رفته  
نمی‌شود، فقط  
فرصت‌ها تغییر  
می‌کنند. به  
عبارتی اگر فرد  
امروز در حال  
ایجاد تغییر در  
خود است،  
ممکن است  
عادت‌های  
گذشته را از دست  
بدهد، اما به  
جای آن چیزهای  
جدید را به دست  
می‌آورد.

یکی دیگر از موارد شکننده بازارهای داخلی و خارجی، موضوع اعتبار است. باید توجه داشت که اعتبار به‌سختی به دست می‌آید و به‌آسانی هم از بین می‌رود. به‌عنوان یک تولیدکننده، موضوعی که سخت به دست می‌آورم گرفتن اعتماد در طولانی‌مدت نسبت به کالاهایی است که تولید می‌کنم. بسیاری از شرکت‌ها تجربه‌های مشابهی درباره استفاده از محصولات دارند، بسیار پیش‌آمده که یک محصول در ابتدا تا شش ماه اول بعد از خرید، کیفیت خوبی دارد، اما در پارت‌های بعدی از کیفیت آن کاسته شده است، بخشی از این موضوع به باور تولیدکننده نسبت به نوع کاری که انجام می‌دهد، برمی‌گردد؛ بخش دیگر آن، از این موضوع که همه تولیدکنندگان به علت عدم امنیت اقتصادی به دنبال سودهای کلان در بازه کوتاه‌مدت هستند، ناشی می‌شود.

در مجموع دیپلماسی باید قوی‌تر شود تا بازرگانان بتوانند راحت و بدون دغدغه به کسب‌وکار خود بپردازند. از سوی دیگر علی‌رغم اینکه با سیستم کنترلی و نظارتی مخالف هستم و اعتقاد دارم کار باید بدون نظارت انجام شود، اما پیشنهاد می‌کنم سیستم پلیس کیفیت که اولین بار در کشور چین انجام شد را به کار گیریم تا اعتبار محصولات تولیدی در کشور حفظ شود؛ به این صورت که با این سیستم کیفیت محصولات صادراتی مورد ارزیابی قرار گیرد تا اگر محصولات کیفیت لازم را نداشته باشند، جریمه‌های سنگین برای تولیدکننده در نظر گرفته شود.

## ◆ نظر شما در مورد چگونگی کارایی روش‌ها و رویکردهای تأمین

### مالی سنتی بنگاه‌های اقتصادی چیست؟

اگر در این سؤال منظور از روش سنتی، استقراض بانکی است، همه می‌دانیم که ساختار بانکی در ایران با ساختار بانکی سایر نقاط دنیا تفاوت‌های بسیاری دارد و استقراض از بانک برای بنگاه‌های کوچک و متوسط کار ساده‌ای نیست؛ زیرا برای سپردن وثیقه به مشکل برمی‌خورند، اما اگر یک‌طرفه به مسئله نگاه نکنیم، بارها و بارها دیده شده بسیاری از افراد وام‌هایی را که دریافت می‌کنند به جای اینکه صرف فعالیت‌های اقتصادی کنند، صرف کارهای اقتصادی دیگری مانند خرید ملک، خرید اتومبیل و ... می‌کنند. به عبارتی تا زمانی که بستر اقتصادی درست نباشد و سازوکارها در آن به‌درستی انجام نشود، قاعدتاً همه به دنبال آن هستند که سریع به سود برسند؛ برای مثال علی‌رغم اینکه اتومبیل یک کالای مصرفی است، قاعدتاً وقتی فردی آن را خریداری می‌کند باید زمان فروش از قیمت آن کاسته شود، اما برعکس قیمت آن افزایش پیدا می‌کند؛ پس صرفه اقتصادی در این است که سرمایه‌گذاری روی کالایی مثل اتومبیل انجام شود که می‌توان آن را در گوشه خانه نگهداری کرد و به‌راحتی و سریع آن را تبدیل به پول نمود. بنابراین:

- یک روش، تأمین مالی از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد و با توجه به نوع مصرف‌کننده، بانک‌ها سرویس‌دهی خود را انجام می‌دهند و بنگاه‌های دارای اعتبار را حمایت می‌کنند و اگر بنگاهی اعتبار نداشته باشد، حمایت نمی‌شود.

- روش دیگر ورود به بورس است؛ اما این موضوع در ایران جا نیفتاده که فرد سهامی را بخرد و تأمین سرمایه را از محل عرضه سهام انجام دهد.

در مجموع در پاسخ به سؤال به‌صورت شفاف، به اعتقاد من با توجه به نوع مصرف‌کننده‌ای که در کشور وجود دارد، سیستم تأمین مالی، عادلانه است و با همین روش، همه در حال دریافت خدمت هستند.

## ◆ موارد شکننده بازارهای داخلی و خارجی صنایع کشور چیست

### و اصلاح این موارد چگونه میسر می‌شود؟

از نظر من بیشترین مشکل در خصوص دیپلماسی است؛ بازرگان ایرانی نمی‌تواند راحت برای بازاریابی حتی به یک کشور سفر کند، در واقع او با مسائل و مشکلاتی از جمله اخذ ویزا، نقل‌وانتقال، اعتبار ملیت و غیره روبرو است. از طرفی با ورود به هر کشوری برخوردها با ملیت‌های مختلف متفاوت است. سیستم دیپلماسی کشور ما سیستمی است که نمی‌تواند کارایی لازم برای یک بازرگان را ایجاد کند و دلیل آن را نمی‌دانم و راهکاری برای آن ندارم، ولی می‌دانم موضوع ارتباطات بازرگانان با خارج از کشور با دیپلماسی فعلی، به‌سختی برای همه انجام می‌شود.



## ◆ در مورد فرصت سوزی بنگاه‌ها برای تغییر نگرش و برندسازی

### چه تحلیلی دارید؟

بنیاد تغییر در سطوح مختلف کار بسیار دشواری است، زمانی همه تغییر را می‌پذیرند که چاره‌ای نداشته باشند؛ به‌عنوان مثال موضوع خرید آنلاین، تحصیل آنلاین و غیره که پیامد انقلاب صنعتی چهارم است در دنیا به‌صورت کامل پذیرفته نشد، تا اینکه با شیوع بیماری کرونا وقتی که این بیماری همه را به «مرگ گرفت» اصطلاحاً همه «به تب راضی شدند» و در مورد استفاده از اینترنت تغییر را در خود انجام دادند. مادامی که فرد تحت رنجی قرار نگیرد اقدام به تغییر نمی‌کند. در اهرم درد و لذت، رهایی از رنج و با درد، انگیزه‌های بیشتری برای تغییر در آدم‌ها ایجاد می‌کند.

درباره اینکه در تغییرات چه فرصت‌هایی از دست می‌رود، باید گفت که هیچ فرصتی سوخته و ازدست‌رفته نمی‌شود، فقط فرصت‌ها تغییر می‌کنند. به عبارتی اگر فرد امروز در حال ایجاد تغییر در خود است، ممکن است عادت‌های گذشته را از دست بدهد، اما به جای آن چیزهای جدید را به دست می‌آورد.

## ◆ دواصل بسیار مهم یکی بازاریابی و دیگری نوآوری برای جلب مشتریان

### امروز، چقدر در سبک کاسبی تولیدکنندگان ایرانی مورد توجه است؟

بازاریابی مفهومی ریشه‌ای دارد؛ یعنی اینکه یک فرد برند شخصی خود را به چه شکل به جامعه ارائه می‌دهد. همه بنگاه‌ها در سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی در مورد ارائه اینکه «چه کسی هستند؟» بسیار ضعیف‌اند. بارها پیش آمده که با ورود به محلی که محصولی را تولید می‌کند متوجه شده‌ایم که محصولات تولیدی آن متناسب با ظرفیت محل نیست و این سؤال پیش می‌آید، چرا این شرکت علی‌رغم اینکه می‌تواند خیلی بهتر از الان کار کند، خود را پرزنت یا ارائه نمی‌کند؛ به عبارتی چرا به سمت بازاریابی نمی‌رود. اشتباه از آنجاست که بیشتر اوقات با شنیدن واژه بازاریابی کلماتی مثل بیل‌بورد، اینستاگرام و غیره برای ما تداعی می‌شود، درحالی که این مفهوم بازاریابی نیست.

مفهوم واژه بازاریابی در طول زمان با استفاده‌هایی که از آن صورت گرفته، خراب شده است و از سوی دیگر؛ عدم اعتماد به نفس بنگاه‌ها به محصولی که تولید می‌کنند، باعث می‌شود آن‌ها به سمت بازاریابی نروند. به اعتقاد من بهترین روش برای ایجاد انگیزه در این خصوص در کشور و استان کرمان این است که آدم‌های موفق به‌جای تعریف داستان موفقیت‌های خود، داستان شکست‌های خود را تعریف کنند. ما همیشه دنبال موفقیت می‌گردیم و دوست نداریم شکست بخوریم، اما شکست خوردن هم اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا یک الزام برای رشد است.

آدم‌های موفق با تعریف شکست‌های خود می‌توانند انگیزه ایجاد کنند و از این طریق اعتماد به نفس افرادی را که جرئت انجام کاری

را ندارند، افزایش دهند. البته در کشور ما با وجود بستر اقتصادی و جو عمومی موجود، خیلی اوقات افراد مشتاق نیستند که این کار را انجام دهند و شاید باید در این زمینه نیز فکری کرد.

## ◆ تحریک طرف عرضه فعالیت صنعتی با چه سیاستی در

### دسترس قرار می‌گیرد؟

محرك‌ها معمولاً تشویق و تنبیه هستند و به‌جز این موارد، محرك دیگری سراغ ندارم، اما تشویقی مدنظر است که عصاره‌ای داشته باشد و نه اینکه پول بدهیم تا از ما تشکر کنند! تشویق به این معنا که برای بنگاهی که عملکرد خوبی دارد و اعتبار کشور و شهر خود را بالا برده و در نتیجه رضایت و شادی نیز در آن بنگاه بالا رفته، به‌عنوان تشویق؛ معافیت‌های مالیاتی، تسهیلات با بهره پایین در نظر گرفته شود. در واقع استفاده از مشوق‌هایی که به فرد کمک کند به طوری که بتواند به‌عنوان یک ابرار در کار خود از آن‌ها استفاده نماید، بسیار می‌تواند موفقیت‌آمیز و مؤثر باشد. تشویق از بالادستی نیز بسیار اهمیت دارد و یک نیاز است زیرا با این مهم، یکی از نیازهای معنوی و روحی برآورده می‌شود، این نوع تشویق علیرغم این که می‌تواند کم هزینه باشد بسیار تأثیرگذار است.

## ◆ صنایع بالقوه کشور در مسیر دستیابی به مزیت‌های نسبی

### پویا، چگونه می‌توانند شاهد رشد حوزه خود باشند؟

تنها مانیتور یک بنگاه اقتصادی، پولی است که در حساب وی باقی می‌ماند که در قالب یک سری اعداد در ترازنامه و صورت سود و زیان بنگاه دیده می‌شود، اینکه هر بنگاه بخواهد بررسی کند که سود حاصل، در کدام قسمت از زنجیره تولید ایجاد مزیت نسبی کرده، برای هر بنگاهی می‌تواند متفاوت باشد.

در واقع برای هر بنگاهی سود در یک نقطه خاصی متولد می‌شود؛ به‌عنوان مثال در صنایع فولاد زمان خرید مواد اولیه و زمان پرداخت وجه برای آن بسیار اهمیت دارد. شاید پروسه‌های تولیدی که طی می‌شود آن‌قدر سود نداشته باشد و در واقع بهانه‌ای برای معامله باشند و یا در صنایع تبدیلی که بنده درگیر آن هستم، عملاً من تولیدکننده نیستم بلکه من تبدیل‌کننده هستم؛ سود جایی ساخته می‌شود که من مواد اولیه را چه زمانی خریده‌ام و محصولی که با آن ساخته‌ام را چه قدر می‌توانم بفروشم. در واقع بنگاهی که سرمایه کافی برای دیوی مواد اولیه خود نداشته باشد، حتی اگر بهترین تبدیل را داشته باشد، به سود نمی‌رسد.

اگر به حوزه تجارت خارجی نگاه شود، از جمله مزایای نسبی می‌توان به ارزان بودن نیروی انسانی و انرژی اشاره کرد؛ در صورتی که تکنولوژی ارزان نیست، تهیه قطعات بسیار کار دشواری است، در صنایع تبدیلی بسیاری از مواد اولیه وارداتی است و بخشی از آن که داخلی است به راحتی قابل تهیه نیست. همان‌طور که اشاره شد، کم بودن هزینه نیروی انسانی و انرژی

به اعتقاد من  
بهترین روش برای  
ایجاد انگیزه در  
این خصوص در  
کشور و استان  
کرمان این است  
که آدم‌های  
موفق به‌جای  
تعریف داستان  
موفقیت‌های  
خود، داستان  
شکست‌های  
خود را تعریف  
کنند. ما همیشه  
دنبال موفقیت  
می‌گردیم و  
دوست نداریم  
شکست بخوریم،  
اما شکست  
خوردن هم  
اجتناب‌ناپذیر  
است؛ زیرا یک  
الزام برای رشد  
است. آدم‌های  
موفق با تعریف  
شکست‌های  
خود می‌توانند  
انگیزه ایجاد کنند  
و از این طریق  
اعتماد به نفس  
افرادی را که  
جرئت انجام کاری  
را ندارند، افزایش  
دهند.

آنچه حداقل در خصوص کشورهای همسایه می‌بینم این است که نقش کشور ما در این حوزه بسیار مؤثر است. ما در ایران پتانسیل‌هایی داریم که می‌توانیم خیلی محصولات را به بسیاری از نقاط بالای دنیا برسانیم؛ برای مثال می‌توانیم «میل‌لنگ» برای کمپانی فورد تهیه کنیم، «بیسکویت» برای کمپانی بریتیش ایرویز تولید کنیم و مثال‌های دیگر.

بنده در انجمن معماران عضو هستم. بادم هست در یک گروه‌هایی از این انجمن، یک آرشیوتک ایتالیایی هم شرکت کرده بود که حدود ۲۵ سال بود که در ایران زندگی می‌کرد. وقتی از من سؤال کرد که من اهل کجا هستم، در جواب من به دوست مشترکمان گفت: «ایرانی‌ها همه چیز می‌سازند و یک‌جور چین با دیسپلین و با کیفیت هستند». من از او سؤال کردم چرا چنین حرفی می‌زند، در جواب گفت: «شما در ایران همه چیز دارید؛ مواد اولیه مال کشور خودتان هست، باهوش هستید، تکنولوژی می‌توانید بسازید، بنابراین از این منظر آدم‌های خطرناکی هستید» و در ادامه گفت در یک هتل در ایران اقامت داشته و هر چیز را که در هتل نگاه می‌کرده، ساخت ایران بود و هیچ چیزی که ساخت ایتالیا باشد را در آنجا پیدا نکرده است. ببینید نگاه آدمی که ملیت دیگری دارد و در بازارهای مختلفی کار کرده نسبت به کشور خودمان به چه شکل است. این نشان می‌دهد که همه نسبت به پتانسیل‌های موجود در کشور ما آشنا هستند و ما برای خیلی‌ها یک رقیب محسوب می‌شویم. رقا در دنیای رقابت بویژه رقابت ناسالم، به هر ترتیبی باشد سعی می‌کنند رقیب خود را زمین بزنند، اما دردناک این است که ما قبل از ورود به میدان، در رختکن همدیگر را می‌زنیم و انرژی ما از دست می‌رود، بعد در میدان توان کافی برای مبارزه و در واقع توانایی رقابت را نداریم. اما پاسخ مستقیم به سؤال که موضوع ریشه‌ای است، بحث دیپلماسی کشور است که می‌تواند بسیار مؤثر باشد، باید وجهه یک بنگاه ایرانی در دنیا شروع به تغییر کند، تغییر در فعالیتی است که بنگاه انجام می‌دهد، اما ورود به این تغییر نیاز به دیپلماسی دارد.

◆ **ایجاد یک محیط مطلوب برای صنعتی شدن کشور از چه طریق ممکن می‌شود؛ به نحوی که در نظام زنجیره ارزش جهانی حضور مؤثر داشته باشیم؟**

در پاسخ به سؤال قبل اشاره کردم، یک محیط مطلوب همکاری همه را با هم می‌خواهد و هر کس باید سهم خود را اجرا کند و در این رابطه اینکه بخواهیم با اجرای یک سهم محیط مطلوب ایجاد شود، بسیار دشوار است.

سهم یک بنگاه اقتصادی این است که کار خود را با کیفیت انجام دهد و کیفیت نه فقط در محصول نهایی، بلکه کیفیت در بنگاهداری در نگرش، مدیریت منابع انسانی و غیره است. ◆◆

از مزایای نسبی صنایع هستند، اما اینکه به چه شکل در یک سیستم بگویم سود به دلیل استفاده از این مزایا به وجود آمده، نیاز به ساختار عملیاتی مالی دارد.

### ◆◆ الزامات نوسازی ساختار صنعتی کشور چیست؟

مدت زیادی است به این موضوع فکر می‌کنم؛ چطور یک محصولی که از نظر من دارای کیفیت مردودی است اما به عقیده کسی که کنترل کیفیت انجام می‌دهد، مناسب است، در واقع دلیل این اختلاف نگاه برای چیست؟

به اعتقاد من اختلاف نگاه در نوع تجربه‌هایی است که آن فرد کسب می‌کند. یک صنعتگر، تولیدکننده، تبدیل‌کننده، تاجر می‌تواند به روش‌های مختلف از جمله دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت، دیدن ویدئوهای مرتبط و غیره سطح آگاهی خود را بالا ببرد، اما حضور فیزیکی در محل، نتایج، فرکانس و ارتعاشاتی دارد که می‌تواند بسیار مؤثرتر باشد لذا به اعتقاد بنده قدم اول برای نوسازی این است که باید رفت و به صورت فیزیکی سطوح بالاتر، کیفیت بالاتر و ساختار و فرایندهای بهتر را دید، اینکه آدم‌های دیگر در جاهای دیگر دنیا چطور کار می‌کنند، در واقع هم پایین‌تر و هم بالاتر را بررسی کرد، در این صورت است که می‌توان بنگاه را رتبه‌بندی کرد و جایگاه و مسیر پیش روی آن را بهتر دید.

به این منظور، الزامی است که شرایطی فراهم شود تا افرادی که در رأس سیستم‌ها حضور دارند، بتوانند در قالب تور، نقاط مختلف را در داخل و خارج از کشور ببینند؛ به عبارتی دیدن و لمس کردن صنایع مشابه در اقصی نقاط دنیا می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

همیشه آن چیزی که نداریم به نظرم خیلی قشنگ است، بسیار پیش آمده است که ما قصد خرید محصولی را نداشتیم ولی وقتی در مرکز خرید آن محصول را می‌بینیم با خودمان فکر می‌کنیم چقدر محصول خوبی است، اما اگر رویکرد عوض شود و با قصد خرید به همان مرکز خرید برویم، می‌بینیم نه به آن شکل هم محصولات خوبی نیستند؛ بنابراین نگاه کاری به موضوعات موجب می‌شود که اولاً اعتماد به نفس ایجاد شود که من تولیدکننده می‌توانم بهترین این محصول را تولید کنم یا اگر یک محصول از نمونه تولیدی ما بهتر است، ما می‌توانیم یاد بگیریم و خودمان را به آن سطح برسانیم.

باید تغییر دیدگاه در نگرش آدم‌هایی که در رأس یک بنگاه هستند، اتفاق بیفتد، آن‌ها کسانی هستند که می‌توانند تغییرات درون بنگاه را نیز ایجاد کنند.

### ◆◆ الزامات حضور مؤثر کشورمان در نظام زنجیره ارزش جهانی چیست؟

ایران جایگاه و حضور بسیار خوبی در زنجیره ارزش جهانی دارد، اما حضور ایران دیده نمی‌شود و به اصطلاح مخفی می‌شود و

همه نسبت به پتانسیل‌های موجود در کشور ما آشنا هستند و ما برای خیلی‌ها یک رقیب محسوب می‌شویم. رقا در دنیای رقابت بویژه رقابت ناسالم، به هر ترتیبی باشد سعی می‌کنند رقیب خود را زمین بزنند، اما دردناک این است که ما قبل از ورود به میدان، در رختکن همدیگر را می‌زنیم و انرژی ما از دست می‌رود، بعد در میدان توان کافی برای مبارزه و در واقع توانایی رقابت را نداریم.

# بحران بی مهارتی؛ بزرگ‌تر از مشکل بیکاری



است، حتی استخدام نیروی اداری، دفتری، حسابداری، انبارداری و ... هم بدون تجربه کار قبلی برای سیستم دندرسر ساز و هزینه‌بر است. لازم است در جایگاه و کارکرد آموزش عالی و مدارک دانشگاهی تأمل کرد. انتظار این است که

افراد پس از گذراندن سالیان زیاد در سیستم آموزشی، مهارت حداقلی لازم را فراگرفته باشند. متأسفانه در دانشگاه‌ها صرفاً بر امور آکادمیک تأکید می‌شود. درحالی که نیروی کارآمد از نیازهای اصلی مشاغل است. با مقایسه آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و فارغ‌التحصیلان بیکار که حدود ۴۰ درصد از بیکاران کشور را تشکیل می‌دهند نزدیک به (۱ میلیون نفر) با اشتغال ایجاد شده سالیانه، می‌توان به این موضوع پی برد. پایین بودن آمار اشتغال فارغ‌التحصیلان تنها به معنی عدم تعادل و تناسب بین عرضه و تقاضا نیست؛ بلکه علاوه بر آن نشان‌دهنده این است که غالباً فارغ‌التحصیلان باسواد، خود توانایی ایجاد تغییری مثبت در وضعیت موجود را ندارند، به بیانی دیگر، نیروی مناسب و کارآمدی برای پیشرفت مشاغل نبوده و مشکل‌گشای آن‌ها نیستند.

عدم تناسب بین رشته‌های دانشگاهی با خواسته‌ها و نیاز مشاغل و عدم ایجاد مهارت‌های خاص و کاربردی بازار کار از دلایل اصلی بالا بودن نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی است. به‌ندرت می‌توان کارفرمایی پیدا کرد که با چالش استخدام نیروی مناسب کار روبه‌رو نبوده باشد. در سال جاری با افزایش ۵۷ درصدی حقوق، هزینه‌های مازادی نیز بر آن‌ها تحمیل و معضلاتی جدید نیز بروز خواهد کرد. تقریباً تمامی افراد در ماه‌های اولیه استخدام نیازمند آموزش هستند. بخشی از این فرآیند آماده‌سازی به‌طور طبیعی برای انطباق و آشنایی با سیستم منحصربه‌فرد هر سازمانی لازم است، اما بخشی از زمان، هزینه، انرژی و منابع سازمان در ابتدا صرف آموزش مهارت‌هایی به پرسنل می‌شود که باید پیش از ورود به بازار کار دروی ایجاد می‌شده. با افزایش هزینه‌های پرسنلی، کارفرمایان

## ◆ نازنین جبال‌بارزی

کارآفرین، مدیرعامل و هم‌بنیان‌گذار شرکت نقش اورس کویر

یکی از معضلات کارفرمایان و کارآفرینان در این روزها پیدا کردن و جذب نیروی کار مناسب است. اهمیت مهارت‌آموزی در توسعه منابع انسانی بر کسی پوشیده نیست. آموزش مطلوب، آموزشی است که افراد را برای ورود به بازار کار و مهم‌تر از آن مفید و کارآمد بودن در این بازار آماده کند. در حالی که نرخ بیکاری در کشور حدود ۱۰ درصد است (بررسی نرخ بیکاری گروه سنی ۱۷ تا ۳۶ ساله حاکی از آن است که ۱۶.۳ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده‌اند)<sup>۱</sup>، کارفرمایان از نبود نیروی کار ماهر گله‌مند هستند. آیا برای حل مشکل بیکاری، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی باید صرفاً در جهت ایجاد شغل جدید باشد؟

شاید بهتر باشد این بار صورت مسئله را از جنبه دیگری دید و بررسی کرد: اهمیت پرداختن به مسائل و مشکلات کارآفرین و کارفرما. در شکل صحیح و اصولی بار اصلی ایجاد شغل و تولید ثروت به عهده بخش خصوصی است و هیچ‌کس به‌اندازه کارآفرین مستقل بخش خصوصی نمی‌تواند در رفع بیکاری و حل معضلات مربوطه مؤثر باشد. هموار بودن مسیر این افراد به‌طور طبیعی تأثیرات مثبت خود در سطح گسترده و کلان را به دنبال دارد. منابع انسانی همان‌طور که مهم‌ترین و ارزشمندترین دارایی یک سازمان محسوب می‌شوند، می‌توانند بزرگ‌ترین چالش برای هر مجموعه‌ای باشند.

عظیم‌ترین سرمایه شما می‌تواند بیشترین خسارت را نیز برایتان به بار آورد. در شرایطی که وقت و هزینه زیادی از کارفرما برای جست‌وجوی شخص مناسب و سپس مهارت‌آموزی‌های گاهی ابتدایی و اولیه می‌شود، می‌توان گفت معضل نیروی کار ماهر در حال حاضر بزرگ‌تر از مشکل بیکاری است.

در اینجا صرفاً مهارت‌های فنی، مهندسی، حرفه‌ای و امثال آن‌ها مدنظر نیست، بلکه بسیاری از فارغ‌التحصیلان یا افراد جویای کار، نیازمند برخورداری از مهارت‌هایی مانند مذاکره، حل مسئله، تصمیم‌گیری و مدیریت بحران، برنامه‌ریزی، کار گروهی و برقراری ارتباط (با همکاران، مشتریان، تأمین‌کنندگان)، آشنایی با قوانین، سلسله مراتب و غیره نیز می‌باشد.

متأسفانه در این شرایط نه‌تنها پیدا کردن نیروی کار ماهر در زمینه‌های مرتبط با تولید، مهندسی، مدیریت و ... سخت

### در شکل صحیح

و اصولی بار

اصولی ایجاد

شغل و تولید

ثروت به عهده

بخش خصوصی

است و هیچ‌کس

به‌اندازه کارآفرین

مستقل بخش

خصوصی

نمی‌تواند در رفع

بیکاری و حل

معضلات مربوطه

مؤثر باشد.

هموار بودن

مسیر این افراد

به‌طور طبیعی

تأثیرات مثبت

خود در سطح

گسترده و کلان را

به دنبال دارد.

دانشکده‌های پزشکی زیرمجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هستند و به‌گونه‌ای یکی بودن کارفرما و استاد، بهره‌وری این سیستم آموزشی را بالا برده است؛ چرا که دانشجویان دقیقاً مطابق نیاز نهایی تعلیم می‌بینند، امکانات آموزشی مهیا و در دسترس است و در واقع دانش‌آموختگان علوم پزشکی مهارت‌های لازم را در دوره تحصیل به دست می‌آورند.

۴. آموزش متناسب با نیاز مشاغل یکی از وظایف اصلی واحدهای ارتباط با صنعت در دانشگاه‌ها باید شناسایی نیاز بازار کار باشد. متأسفانه در دانشگاه‌های ما ارتباط با صنعت جایگاه اصلی و شایسته خود را ندارد. اگر هر دانشگاه را به‌عنوان یک شرکت تولیدی در نظر بگیریم، ارتباط با صنعت نقش بازرگانی را دارد که رابط بین تولیدکننده و مشتریان است؛ نیازهای مشتریان را بررسی و جمع‌بندی کرده تا برای طراحی و توسعه محصول استفاده شود و محصول نهایی چاره‌ساز مشکلات مصرف‌کننده باشد. یک شرکت بدون واحدی برای بازرگانی و فروش قادر به فعالیت نیست و تنها محصولات تولید خود را تلبار می‌کند. آموزش در فضایی به دور از واقعیت‌های بازار کار نیز تولید محصول با چشمان بسته است.

۵. ایجاد و توسعه دوره‌های مهارت‌آموزی و عملی در دانشگاه‌ها برگزاری این‌گونه دوره‌ها به‌طور جدی در مؤسسات آموزش عالی، می‌تواند توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم برای ایفای نقش مؤثر و موردنیاز در بازار کار را در فارغ‌التحصیلان ایجاد کند. ۶. تسهیل شرایط آموزش کارکنان پیش از استخدام و در بدو ورود به شرکت‌ها هزینه آموزش ناقص و مهارت ناکافی افراد نباید توسط کارآفرین پرداخت شود. با در نظر گرفتن شرایطی برای استخدام‌کنندگان می‌توان از ظرفیت شرکت‌ها در آموزش افراد نیز سود برد.

#### جمع‌بندی

کیفیت نیروی کار دانشگاهی مطلوب مشاغل نیست. سیستم آموزش عالی بایستی پاسخ‌گوی تقاضای بازار کار و مشاغل باشد. یکی از اقدامات مثبت در راستای ایجاد مهارت، آموزش‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای است. همچنین در سال‌های گذشته در استان با پیگیری صورت گرفته از سمت اتاق بازرگانی کرمان و توافق با دانشگاه شهید باهنر، طرح یک روز آموزش در محیط کار واقعی برای دانشجویان اجرا شده است. تداوم این طرح کارآمد نیازمند پشتکار از سمت دانشگاه می‌باشد. با الگو گرفتن از نمونه‌های موفق اجرا شده در سایر کشورها و نگاهی باز به مشکلات مشاغل و بازار کار و اراده جدی در حل مشکلات می‌توان بر بحران بی‌مهارتی و تبعات آن فائق آمد. ♦♦

به سمت استخدام افراد واجد شرایط کامل و به اصطلاح آماده به کار سوق داده می‌شوند؛ در این میان آمار بیکاری افراد فاقد مهارت بالا و بالاتر رفته و این دسته فرصت یادگیری مهارت و کسب تجربه و سابقه کار مفید را نیز از دست می‌دهند؛ چرا که استخدام‌کنندگان به‌ندرت ریسک به‌کارگیری و آموزش و یا در آینده ترک کار این افراد را می‌پذیرند. این مشکل در بلندمدت آثار خود را نشان می‌دهد. زمانی که شکاف بین نیروی آموزش‌دیده و نیروی بدون مهارت عمیق‌تر شده و بسیاری از افراد جویای کار، فرصت طلایی کسب تجربه و استخدام را از دست می‌دهند.

#### پیشنهادها:

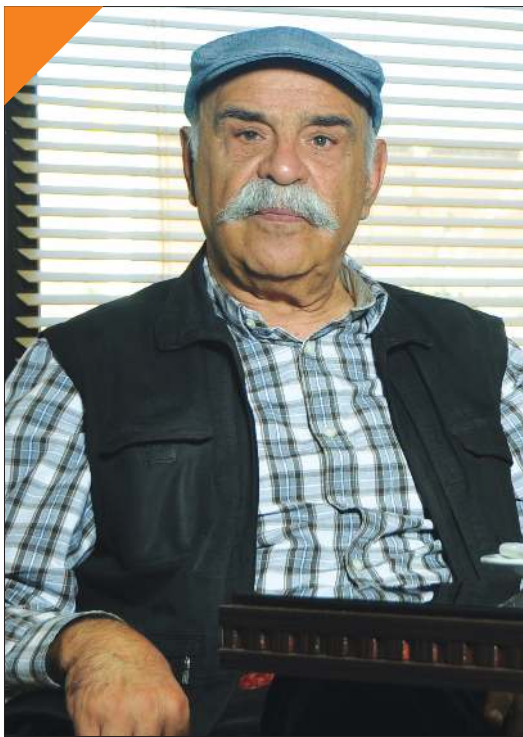
۱. اصلاح ارزش‌ها متأسفانه پایه اصلی سیستم آموزش کشور عمدتاً بر دانش تئوری بنا شده است. در دانشگاه‌ها عمدتاً تمرکز بر همین موضع و اصطلاحاً تولید علم است. بارها در زمان تحصیل با موقعیت‌هایی روبرو شده‌ایم که از کار کردن دانشجوی همراه با تحصیل مذمت می‌شود؛ حتی جملاتی مانند دانشجوی ارشد باید تمامی وقت خود را در دانشگاه و کتابخانه بگذراند، به‌عنوان یک اصل به دانشجویان تحمیل می‌شود. واقعیت این است که خروجی دانشگاه‌ها، نیروی کاری بی‌کیفیت و نیازمند آموزش مجدد و تکمیلی است. قبل از هر چیز مهم است، مهارت‌آموزی در کنار علم‌آموزی نه فقط برای محصلین، بلکه در تمام سیستم آموزشی و دانشگاهی به‌عنوان یک ارزش شناخته شود تا صرفاً آموزش‌دهنده‌های عالمانی بی‌عمل نباشیم.

۲. الگو گرفتن از نمونه‌های موفق اجرا شده بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده کشورهای کره، تایوان، سنگاپور، مالزی و کشورهای اروپایی و آمریکایی، رشد صنعتی در کشور خود را مرهون ارتباط تنگاتنگ بین مؤسسات آموزش عالی و مراکز اشتغال و بازار می‌دانند؛ برای مثال در آمریکا به گسترش آموزش‌های حرفه‌ای در زمینه‌های مختلف دانشگاهی تأکید زیادی صورت گرفته است و این کشور تلاش کرده با تجهیز دانشجویان به مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، زمینه خلاقیت و ابتکار را در آنان به وجود آورد. آمریکا با تشکیل مرکزی در این زمینه، هدف تعیین‌کننده‌ای در جهت پاسخ‌گویی آموزش عالی به تقاضای بازار کار را به اجرا در آورده است. در واقع ده‌ها انجمن و موسسه باهدف برقراری ارتباط بین جنبه‌های نظری و عملی دانش و هماهنگ ساختن دانشگاه و مراکز اشتغال و بالا بردن توانمندی‌های شغلی دانشجویان در برآوردن نیازهای جامعه در حال فعالیت هستند.<sup>۲</sup>

۳. پیاده‌سازی سیستم مشابه آموزش دانشگاه‌های علوم پزشکی یکی از مزیت‌هایی که دانشجویان رشته‌های پزشکی از آن برخوردارند، آموزش در محیط واقعی است. در ایران

پایین بودن  
آمار اشتغال  
فارغ‌التحصیلان  
تنها به معنی  
عدم تعادل و  
تناسب بین عرضه  
و تقاضا نیست؛  
بلکه علاوه بر آن  
نشان‌دهنده این  
است که غالباً  
فارغ‌التحصیلان  
باسواد، خود  
توانایی ایجاد  
تغییری مثبت  
در وضعیت  
موجود را ندارند،  
به بیانی دیگر،  
نیروی مناسب  
و کارآمدی  
برای پیشرفت  
مشاغل نبوده  
و مشکل‌گشای  
آن‌ها نیستند.

# ما با توهم فراوانی زندگی کرده‌ایم!



## مهدی ایرانی کرمانی

پژوهشگر فرهنگی و فعال حوزه کشاورزی

کشاورزی موفق همراه با بهره‌وری بالا، دیگر یک مسئله ساده اقتصادی نیست، بلکه یک مسئله امنیتی است. زمانی که از بهره‌وری بالا صحبت می‌شود، نسبت به حجم آبی است که مصرف می‌شود، نه برعکس هکتار.

«کارل مارکس» معتقد بود که در همه جوامع، اقتصاد زیربنا است و مدنیت، فرهنگ و موارد دیگر، روبناهایی هستند که بر اساس و بر پایه ساختارهای اقتصادی ساخته و پرداخته می‌شوند. با توجه به شرایط فعلی جهان، تقریباً در همه کشورها بویژه در وضعیت کشور ما که در یک منطقه بسیار استراتژیک و ژئواستراتژیک جهان قرار گرفته است، تولید محصولات کشاورزی و غذایی زیربناست و یک مسئله ساده اقتصادی نیست، بی‌تردید یک مسئله امنیتی است و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اما مسائل و مشکلات کشاورزی اعم از منطقه‌ای و سراسری بسیار است که مسئله چگونگی حکمرانی بخش کشاورزی کشور در این میان، نقطه عطف است.

## تعطیلی وزارتخانه و ادارات کشاورزی در کشور، لطمه‌ای به تولیدات کشاورزی وارد نمی‌کند

کشور ژاپن با جمعیت ۱۳۰ میلیون نفری و اقتصاد چند برابری اقتصاد ایران، جمعاً ۳۰۰ هزار کارمند دولتی دارد، در صورتی که ما در ایران با ۸۵ میلیون نفر جمعیت و حجم اقتصادی که یک چندم اقتصاد ژاپن است، به‌جز بازنشستگان دولت، بیش از چهار میلیون کارمند دولتی داریم و به همین نسبت مشکلات و موانع ارباب‌رجوع در دستگاه‌های دولتی از جمله وزارت کشاورزی، بیشتر از کشور ژاپن است. کارمندی که در دفاترشان نشسته‌اند، برای اینکه بیکار نباشند، ارباب‌رجوع را مثل توپ فوتبال به همدیگر پاس می‌دهند! کاملاً مطمئن نیستم ولی فکر می‌کنم وزارت کشاورزی ایران بیش از ۱۱۰ هزار نفر نیروی انسانی دارد؛ در صورتی که می‌دانیم که هر آنچه مربوط به تولیدات کشاورزی و محصولات غذایی ایران است، به دست بخش خصوصی انجام می‌شود. مرکز تحقیقات این وزارتخانه ۵۰۰۰ نفر نیرو دارد (اعداد را از حافظه نقل می‌کنم امیدوارم که خیلی دور نباشند)، این پنج هزار نفر نیرو در مرکز

کشور ژاپن با  
جمعیت ۱۳۰  
میلیون نفری  
و اقتصاد چند  
برابری اقتصاد  
ایران، جمعاً ۳۰۰  
هزار کارمند دولتی  
دارد، در صورتی  
که ما در ایران با  
۸۵ میلیون نفر  
جمعیت و حجم  
اقتصادی که یک  
چندم اقتصاد  
ژاپن است، به‌جز  
بازنشستگان  
دولت، بیش از  
چهار میلیون  
کارمند دولتی  
داریم و به همین  
نسبت مشکلات و  
موانع ارباب‌رجوع  
در دستگاه‌های  
دولتی از جمله  
وزارت کشاورزی،  
بیشتر از کشور  
ژاپن است.

تحقیقات وزارت کشاورزی چه گلی بر سر کشاورزی ایران زده‌اند؟! به خاطر دارم یکی از استانداران کرمان که از بدنه وزارت کشور انتخاب نشده بود (به عبارتی سلسله‌مراتب بخشدار، فرماندار، معاون استاندار و بعد استاندار را طی نکرده بود)، بلکه یک‌دفعه استاندار شده و بسیار آدم توانمندی بود و در بخش خصوصی خیلی موفق بود؛ این فرد بعد از مدتی که از سمتش در استانداری کرمان می‌گذشت، موضوعی مطرح کرده بود به این صورت که «می‌خواهم حدود سه‌چهارم از کارمندان استانداری کرمان را به خانه‌هایشان بفرستم و حقوق همه آنها را به‌موقع بپردازم، برای اینکه تصور بر این است که با این تصمیم، کارایی و سرعت کار اربابان رجوع و دیگر سازمان‌های دولتی بسیار تا بسیار بالاتر و بیشتر خواهد شد» البته ایشان با ساخت‌وساز بروکراسی کشور آشنا نبود، طبیعتاً وزارت کشور چنین اجازه‌ای به این استاندار نداد.

تصور بفرمایید اگر با یک برنامه‌ریزی و یا حتی به‌صورت دفعه‌تاً ادارات کشاورزی و وزارت خانه کشاورزی تعطیل شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ من مطمئن هستم که لطمه‌ای به





تولیدات کشاورزی نخواهد خورد. در مورد وزارت نیرو و وزارت صنعت نیز همین‌طور؛ به عبارتی هرکجا که برویم آسمان همین رنگ است!

میانگین مثبت کار بیش از چهار میلیون کارمند دولت به زیر ۱۰ درصد می‌رسد. اشتباه نشود، منظور این است که ما ۱۲۰ هزار نفر کارمند در وزارت کشاورزی یا چهار میلیون کارمند دولت به‌استثنای وزارت آموزش و پرورش مازاد داریم. وزارتخانه آموزش و پرورش هرچقدر نیرو از جمله دبیر، آموزگار و ... داشته باشد بهتر است؛ برای اینکه این وزارتخانه در حال پرورش نسل‌های آینده می‌باشد. مسئله‌ای که اهمیت دارد این است که کارمندان دولت هموطنان ما هستند، زن، شوهر و بچه دارند و بابت کاری که انجام می‌دهند یا نمی‌دهند باید معیشت خانواده را تأمین کنند. ما هرگز قصد توهین یا نان‌بری از آن‌ها را نداریم. همه آن‌ها آدم‌های شریف و با وجدانی هستند، ولی نظام مدیریتی و نظام حکمرانی ما غلط است، چون این نظام این انسان‌ها را در یکجایی سرکار گذاشته است و واقعاً سر کار گذاشته!

**نصب کنتور حجمی برای چاه‌های دارای مجوز، برای گروهی منفعت دارد**

بنده راجع به فساد و رانت در دستگاه‌های دولتی چیزی

نگفته‌ام، اما به یک مورد چون مربوط به کشاورزی است، اشاره می‌کنم. میزان برداشت واقعی آب از چاه‌های عمیق بسیار کمتر از حد مجازی است که در پروانه‌ها ذکر شده است و این مسئله منحصر به استان کرمان نیست. برنامه‌ای بود که تمام چاه‌هایی که مجوز قانونی دارند را مجبور کنند که کنتور حجمی نصب کنند. کاری که باید ۳۰ یا ۴۰ سال پیش انجام می‌شد. البته این قانون مشمول ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار چاهی که فاقد پروانه هستند، نمی‌شود. هزینه نصب کنتور حجمی حدود ۲۰ میلیون تومان است. زمانی که میزان برداشت واقعی از چاه کمتر از دبی مجاز است چه ضرورتی داشت و دارد که بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان پول از جیب کشاورز و باغدار بیرون بکشند و صرف این کار مطلقاً بیهوده بکنند، درواقع عده‌ای کنتورساز یا واردکننده کنتور داریم که پسرخاله‌های یک کسانی در وزارتخانه هستند و آن‌ها متمتع می‌شوند و هر چه کشاورزان دادوفریاد بزنند که این کار بیهوده است، فایده ندارد چون وزارتخانه قدرت این را دارد که چاه کشاورز را پلمپ کند!

**ما با توهم فراوانی زندگی کرده‌ایم**

وسعت کشور هلند به‌اندازه سه استان شمالی کشور



ماست، پس از ایالات متحده آمریکا، کشور هلند با این مساحت کم، دومین تولیدکننده محصولات کشاورزی دنیاست. واقعاً در این کشور چه کاری انجام شده که به چنین دستاوردی رسیده است؟ مرکز تحقیقات کشاورزی کشور ما چقدر دانش فنی، روش تولید و ابزار تولید را از هلندی‌ها یاد گرفته و به کشاورز ایرانی منتقل کرده است؟ دانشکده‌های کشاورزی ما در این مورد چه کاری انجام داده‌اند؟!

در ایران میانگین برداشت پسته در هکتار ۷۰۰ کیلو یا کمتر است و در آمریکا چهار برابر کشور ماست. البته ما در ایران باغدارانی مثل «مهندس علی هجری در رفسنجان» و «حاج اکبر نام‌آور در خراسان» و بی‌تردید باغداران معدود و انگشت‌شمار دیگری داریم که بیش از هشت تن پسته خشک در هکتار برداشت می‌کنند. چرا مرکز تحقیقات وزارت کشاورزی در کشور ما، راز و رمز چنین موفقیت عملی را کپی نکرده و به اطلاع بقیه باغداران نرسانده است؟ همیشه هم نباید انگشت شمات را به سوی ادارات دولتی دراز کرد، ما باغداران هم گناهکاریم ما بر اثر ارزانی برق و سایر حامل‌های انرژی، اسراف‌کار شده‌ایم. اصلاً با صرفه‌جویی هیچ رابطه‌ای نداریم و نمی‌دانیم و نه علاقه به یاد گرفتن آن داریم. ما با توهم فراوانی زندگی کرده‌ایم؛ در صورتی که همه می‌دانیم این روزها آب نه فقط کمیاب بلکه نایاب است. ما بهره‌برداران به همراه سوء مدیریت مدیران وزارت نیرو گناهکاریم!

### چه باید کرد

در مجموع، اولاً نحوه حکمرانی و مدیریت امور در وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو غلط است. در این مورد چیز بیشتری را نمی‌گوییم. باغداران و کشاورزان ما در ایران و در کرمان، فرهنگ صرفه‌جویی در آب و بالا بردن بهره‌وری را ندارند. ما اصلاً با موضوع بهره‌وری بیگانه‌ایم. دولت باقیمت‌های دستوری و ممنوع کردن صادرات برخی ارقام نقش بسیار مخربی در کشاورزی دارد. اگر خاطرتان باشد چند سال پیش معاون رییس‌جمهور، صادرات خرما را ممنوع کرد، ایشان نمی‌دانند که اگر یک صادرکننده‌ای که موفق شده است تا یک رابطه بازرگانی مناسب و مطلوب با یک واردکننده‌ای در کشوری ایجاد کند، اگر بنا به دستور، او را از ارسال کالا به آن کشور محروم کنند، او باید پنج برابر بیشتر زحمت بکشد تا دوباره در آن کشور یک واردکننده را پیدا کند تا محصولات را از او بخرد. منابع زیرزمینی آب را ظرف ۷۰، ۸۰ سال گذشته غارت کرده‌ایم و الان با کمبود آب مواجه هستیم.

اما چه باید کرد؟ به اعتقاد من: از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم / مرحمت فرموده ما را مس کنید  
ما از جلال، جبروت و بزرگی وزارت کشاورزی کشور خیری ندیده‌ایم، خواهش می‌کنم آن را کوچک کنید. با بهره‌گیری از کارآمدی بالای نیروهای رُبد، تحصیل کرده و میدان‌دیده؛ کسانی که به‌جای اینکه در پشت میزشان در دفاترشان بنشینند، به‌طور میانگین روزی پنج شش ساعت در مزارع، در باغ‌ها، بین گله‌های گوسفندان و ... حضور پیدا کنند و از نزدیک در میدان با مسائل و مشکلات آشنا شوند.

دوم، به اعتقاد من، ما باید بهره‌وری را برحسب مترمکعب آب بسنجیم، نه برحسب هکتار؛ به عبارتی باید قانون و قاعده‌ای برقرار شود که هر کشاورزی به ازای هر مترمکعب آب، حداقلی از هر محصولی از جمله پسته، خرما و یا سایر محصولات کشاورزی را تولید کند، در غیر این صورت، وزارت نیرو یا وزارت کشاورزی اول اخطار بدهد، بعد تنبیه کند و بعد از آن، واحد کشاورزی را که بهره‌وری مطلوبی ندارد، تعطیل کند. چون در اینجا آب یک متاع ملی و امنیتی است، نه ملک شخصی کسان یا واحدهای جمعی.

سوم، به اعتقاد من، ما باید الگوی کشت، الگوی غذایی کشور را عوض کنیم؛ ببینید برای تولید یک کیلو گوشت گاو ۱۵ مترمکعب آب مصرف می‌شود، در صورتی که تولید پروتئین‌های گیاهی بسیار تا بسیار آب کمتری را مصرف می‌کند.

چهارم، مسئله توسعه کشاورزی در کرمان باید محدود شود، بیشتر از این مقداری که الان محدود شده است. در عوض ما فقط باید به توسعه گلخانه‌ها بپردازیم و این از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کارهاست، مخصوصاً در اقلیم‌های گرمسیری. برای این منظور بایستی در کرمان حدود ۱۰ هزار هکتار گلخانه مدرن بسازیم، تأکید می‌کنم مدرن و با دانش روز. از کشور هلند یاد بگیریم، ببینیم آن‌ها چه کرده‌اند ما هم از آن‌ها الگوبرداری کنیم. علاوه بر کشت گلخانه‌ای، ما باید به توسعه، کاشت و تولید محصولات معطر و گیاهان دارویی بپردازیم؛ اقلیم کرمان، مخصوصاً مناطق کوهستانی آن و البته خشکی هوا مناسب‌ترین اقلیم برای تولید باکیفیت بالای چنین محصولاتی است.

ما جایی برای توسعه کشاورزی جز در همین مواردی که عرض کردم، نداریم. در این بخش باید به سمت صنعتی شدن، آن‌هم صنایع مدرن، استارت‌آپی و آی تی برویم. در پایان مجدد تأکید می‌کنم که هرچند ما باید به سمت وسوی صنعتی شدن مدرن برویم، اما هرگز نباید از تولید محصولات غذایی و استفاده علمی و تغذیایی از آب موجود غفلت کنیم، این مسئله یک مسئله امنیتی است. ♦♦

### ما از جلال،

### جبروت و بزرگی

### وزارت کشاورزی

### کشور خیری

### ندیده‌ایم،

### خواهش می‌کنم

### آن را کوچک

### کنید. با بهره‌گیری

### از کارآمدی بالای

### نیروهای رُبد،

### تحصیل کرده و

### میدان‌دیده؛

### کسانی که

### به‌جای اینکه در

### پشت میزشان

### در دفاترشان

### بنشینند، به‌طور

### میانگین روزی پنج

### شش ساعت در

### مزارع، در باغ‌ها،

### بین گله‌های

### گوسفندان و ...

### حضور پیدا کنند

### و از نزدیک در

### میدان با مسائل

### و مشکلات آشنا

### شوند.

گفت‌وگو با دکتر «لادن شفیعی» عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی استان کرمان

## بهره‌وری پایین عوامل تولید؛ ویژگی اقتصاد روستایی استان

اطلاعات متمرکز کشاورزی در کشور در دسترس نیست. البته اطلاعات متمرکز کشاورزی، زمانی برای تولیدکنندگان قابل استفاده خواهد بود که از پشتوانه اجرایی و ضمانت لازم برای بازار محصولات تولیدی برخوردار باشد. در شرایط موجود، کشاورزان پیام‌های بازار که بیشتر متأثر از نقش دلان و واسطه‌هاست را مبنای کار قرار می‌دهند؛ واسطه‌ها که متولی غالب در خرید محصولات تولیدی کشاورزان هستند. الگوی کشت متناسب با نیاز بازار تعیین کننده است، اما امکان تغییر الگوی کشت در اراضی خرد وجود ندارد؛ بویژه که کشاورزان از دانش فنی و تجربه لازم برای کشت محصولات جدید برخوردار نیستند و زیرساخت بازار خرید این محصولات در کوتاه‌مدت فراهم نیست.

در ادامه مشروح گفت‌وگو با دکتر لادن شفیعی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی استان کرمان آمده است.

♦♦ چرا تولید برخی محصولات کشاورزی؛ مثلاً تولیدات آب‌بر که از دیدگاه زیست‌محیطی و اقتصادی پیامدهای ناگواری دارد، تعطیل نمی‌شود؟ آیا چنین تولیداتی از نظر فردی دارای توجیه اقتصادی است؟

امکان برنامه‌ریزی برای تولید و امکان تغییر الگوی کشت در اراضی خرد وجود ندارد؛ چرا که کشاورزان هم از دانش فنی و تجربه لازم برای کشت محصولات جدید برخوردار نیستند و هم زیرساخت بازار برای خرید محصولات جدید در کوتاه‌مدت فراهم نیست. اگرچه تولید این محصولات از نظر کارشناسان، اقتصادی نیست ولی این شیوه تولید محصول در نتیجه نوع نگرش و تجربه چندین ساله تولیدکنندگان برای تولیدی کم ریسک و معیشتی است و مطمئناً از دیدگاه خودشان، محصولات تولیدی‌شان اقتصادی و متناسب با نظر خریدارانی است که هر سال محصولشان را می‌خرند، می‌باشد؛ حال اگرچه با معیارهای کشاورزی، صنعتی و تجاری همخوانی ندارد، ولی از دیدگاه خودشان امری درست است.

♦♦ بخش بزرگی از زمین‌های کشاورزی ما در واقع زیر کشت محصولات کم‌قیمت است، آیا کشاورزی معیشتی مقرون به صرفه است؟ آیا کاشت محصولات کم‌قیمت را می‌توان مترادف با اتلاف منابع آب‌و خاک دانست؟ نظرات کارشناسی شما در انتخاب الگوی مناسب چیست؟

آنچه ارزش محصولات را مشخص می‌کند میزان عرضه و تقاضا است وگرنه در سال گذشته هیچ محصولی به اندازه هویج اقتصادی نبود؛ لذا الگوی کشت متناسب با نیاز بازار است که تعیین کننده ارزش اقتصادی محصولات است نه نوع محصول تولیدی.



♦♦ در وجه غالب، کشاورزان ما الگوی کشت را با پیام‌هایی که از بازارها می‌گیرند انتخاب می‌کنند و نه مبتنی بر اطلاعات متمرکز کشاورزی که شاید در دسترس نیست، در این مورد کجای کار هستیم؟

اطلاعات متمرکز کشاورزی اولاً در کشور ما در دسترس نیست، ثانیاً اگر در دسترس هم باشد به دلیل تأثیر تنش‌های سیاسی بر بازارهای صادراتی از یکسو و حوادث غیرمترقبه طبیعی نظیر

متأسفانه در کشور ما به جز چند محصول اساسی در سایر محصولات، نه دولت برنامه برای تولید دارد و نه هیچ پشتوانه‌ای برای تضمین خرید تولیدات وجود دارد. در نتیجه کشاورزان اطلاعات و پیام‌های بازار را مبنای کار قرار می‌دهند و البته نقش دلان و واسطه‌گران در این میان بی‌تأثیر نیست؛ چرا که متولی خرید محصولات کشاورزی اکثر این گروه هستند.

بلندمدت برای توسعه محصولات صادراتی،  
\* استحصال آب توسط کشاورز و عدم وجود و اختیار قانونی  
و حقوقی برای اختصاص آب در راستای توسعه الگوی کشت  
مناسب،  
\* وجود سیستم گسترده دلالی و واسطه‌گری در بخش  
کشاورزی، به گونه‌ای که زیان‌دیده این جریان، تولیدکننده و  
مصرف‌کننده است.

### ♦♦ مدیریت صحیح و کارآمد کشاورزی یعنی چه؟ به نظر شما مدیریت کشاورزی کشور ما و بویژه در استان کرمان چقدر با این تعریف انطباق دارد؟

مدیریت صحیح و کارآمد کشاورزی لازم است حقایق را عملاً  
در مزرعه مورد بررسی قرار دهد. مدیریت صحیح کشاورزی  
در زمینه‌هایی مانند بهتر اداره کردن مزرعه، برتری یک یا  
چند نوع محصول نسبت به سایر محصولات یا سود تطبیقی  
آگاهی و تسلط کامل دارد. هدف اصلی در یک سیستم کارآمد  
کشاورزی، افزایش منافع در سطح ثابت و منطقی به کمک  
افزایش بهره‌وری سرمایه و دیگر منابع و کاردانی و استعداد  
مدیریت است. مدیر باید درباره محصولات، کود، ماشین‌آلات  
ساختن‌ها، دام‌ها و منابع دیگر اطلاعات کافی داشته باشد.  
مدیریتی کارایی دارد که بتواند ضمن استفاده بهینه از کلیه  
نهادها، بیشترین میزان محصول را به دست دهد. متأسفانه  
ما در کلیه موارد مصرف نهاده‌ها دچار مشکل هستیم و با  
مصرف بی‌رویه نهاده‌های تولید مواج‌هایم و این مسئله هنوز  
حل نشده باقیست.

### ♦♦ اصولاً کشاورزی در استان کرمان با توجه به چگونگی بهره‌وری منابع، چقدر اقتصادی است و برای عبور از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری، چقدر آمادگی داریم؟

رشد تولید از طریق ارتقاء بهره‌وری از اهم اهداف کشور ماست.  
متأسفانه به‌رغم استعدادهای فراوان بخش کشاورزی در  
کشور، این بخش با چالش‌های اساسی و تنگناهای پرشماری  
روبه‌رو است که از جمله می‌توان به عملکرد ضعیف در تولید  
برخی از محصولات کشاورزی و پایین بودن بهره‌وری زمین، آب  
و انرژی در بخش کشاورزی کشور اشاره نمود. از ویژگی‌های  
مهم اقتصادی در نواحی روستایی استان، پایین بودن بهره‌وری  
عوامل تولید است. با وجود تمرکز بر نیروی کار افراد مازاد،  
بافت سنتی تولید کشاورزی و کهنولت سن و بیسوادی، عدم  
تخصص و مهارت، امیدواری بر بهبود وضع، ضعیف است؛ مگر  
اینکه تغییر و تحولی در این زمینه ایجاد شود. علاوه بر آن  
رشد ناچیز بهره‌وری بخش کشاورزی به علت عدم استفاده از  
وسایل نوین و مکانیزه مناسب، تحولی را طلب می‌کند. ♦♦

سرمازدگی، آفات و بیماری‌ها و... بر میزان تولیدات از سوی  
دیگر، عملاً این اطلاعات قابل استناد نیست. لازم به ذکر است،  
اطلاعات متمرکز کشاورزی زمانی برای تولیدکنندگان قابل استناد  
خواهد بود که از پشتوانه اجرایی و ضمانت لازم برای بازار محصولات  
تولیدی برخوردار باشد. متأسفانه در کشور ما به جز چند محصول  
اساسی در سایر محصولات، نه دولت برنامه برای تولید دارد و نه  
هیچ پشتوانه‌ای برای تضمین خرید تولیدات وجود دارد. در نتیجه  
کشاورزان اطلاعات و پیام‌های بازار را مبنای کار قرار می‌دهند و  
البته نقش دلالان و واسطه‌گران در این میان بی‌تأثیر نیست؛ چرا  
که متولی خرید محصولات کشاورزی اکثراً این گروه هستند.

### ♦♦ چرا رفع ضعف‌ها و تهدیدهای بخش کشاورزی بویژه در اراضی خرد، تولید در مناطق خالی از صرفه، فروش نسبی محصولات و الگوی نامناسب کشت به شکلی اثربخش، سیاست‌گذاری و اجرا نمی‌شود. بالاخره حکومت، مالکان و کشاورزان باید این کار را انجام دهند، مگر مناطق دیگر دنیا در جهت رفع ضعف‌ها چه اقداماتی انجام داده‌اند که ما توان انجام آن را نداریم؟

به چند دلیل:  
\* عدم سرمایه‌گذاری مناسب در بخش کشاورزی طی چهار  
دهه گذشته به طوری که در کشور ما سرمایه‌گذاری در بخش  
کشاورزی طی این مدت کمتر از ۳ درصد بوده، ولی در  
کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بالای  
۳۰ درصد بوده است،  
\* اجبار دولت به ایجاد اشتغال خارج از توان بخش کشاورزی،  
به طوری که اشتغال در این بخش به بالای ۳۰ درصد رسیده  
است. در صورتی که میزان اشتغال در بخش کشاورزی در  
کشورهای پیشرفته، کمتر از پنج درصد می‌باشد،  
\* اجرای قانون ارث در اراضی کشاورزی و در نتیجه تشدید  
خرده مالکی و عدم وجود اراده‌ای برای اصلاح این قانون در  
بخش کشاورزی،  
\* عدم وجود اعتبار و سرمایه برای اجرای الگوی کشت و  
همچنین نبود قوانین و مقررات لازم برای ضمانت و اجبار به  
رعایت الگوی کشت،  
\* عدم وجود مشوق‌های لازم برای حمایت از الگوی کشت  
پیشنهادی وزارت جهاد کشاورزی توسط تولیدکنندگان،  
\* تملک آب و زمین توسط کشاورز و عدم امکان دخالت  
دولت در تعیین الگوی کشت،  
\* عدم وجود تشکلهای فراگیر صنفی در بخش کشاورزی  
و در نتیجه عدم امکان برنامه‌ریزی برای اجرای کشاورزی  
قراردادی،  
\* عدم ثبات سیاسی کشور و عدم امکان برنامه‌ریزی

با وجود تمرکز بر  
نیروی کار افراد  
مازاد، بافت سنتی  
تولید کشاورزی  
و کهنولت سن  
و بیسوادی،  
عدم تخصص و  
مهارت، امیدواری  
بر بهبود وضع،  
ضعیف است؛  
مگر اینکه تغییر  
و تحولی در این  
زمینه ایجاد شود.  
علاوه بر آن رشد  
ناچیز بهره‌وری  
بخش کشاورزی  
به علت عدم  
استفاده از وسایل  
نوین و مکانیزه  
مناسب، تحولی را  
طلب می‌کند.



## زیرساخت افزایش بهره‌وری آب در استان کرمان



محمد کهنوجی

مدیر آب و خاک و امور فنی و مهندسی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان

بخش کشاورزی به‌عنوان کهن‌ترین فعالیت تولیدی با خاستگاهی روستایی، در روند رشد و توسعه کشورهای مختلف حاکی از آن است که توسعه بخش کشاورزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی و یا حتی فراتر از آن به‌عنوان پیش‌نیاز ضروری برای تحقق توسعه پایدار کشور امری حیاتی است؛ به‌طوری که بدون رفع موانع توسعه در این بخش نمی‌توان انتظار داشت سایر بخش‌ها از جمله بخش صنعت به شکوفایی و توسعه دست یابند.

در عرصه جهانی، نگرشی بر زمینه‌های تحولی جوامع پیشرفته کنونی گویای آن است که منشأ توسعه‌یافتگی بسیاری از این ممالک، مازاد تولید در بخش کشاورزی در مراحل اولیه توسعه، مینا ساز تحولات شده است. در گزارش بانک جهانی تصریح شده، بخش کشاورزی به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی، یک شیوه امر معاش و بخش ارائه دهنده خدمات زیست‌محیطی این بخش را به ابزار منحصر به فردی برای توسعه تبدیل کرده است. مشکل تقاضای غذا در پی افزایش جمعیت و میزان آب موجود برای کشاورزی یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های نیل به امنیت غذایی در سطح جهان شناخته شده است. مطالعات انجام گرفته در بخش‌های زیادی از خاورمیانه نشان می‌دهد کمبود آب و مدیریت ناکارآمد منابع آبی (عدم نظارت کافی بر تخصیص و مصرف آب) یکی از عوامل تشدیدکننده ناامنی غذایی به شمار می‌رود.

خشک سالی‌های مکرر در حوضه‌های تولید و تغییرات آب و هوایی از طریق تغییر در عرضه و تقاضای آب و تغییرات در توزیع زمانی و مکانی بارش دسترسی به آب را با خطر جدی مواجه نموده است.

کاهش شدید کیفیت آب به طوری که در بخش‌های وسیعی از مناطق پسته‌کاری استان هدایت الکتریکی (شوری آب) به بیش از ۱۰ دسی زیمنس بر متر رسیده است و عملاً اجرای سیستم‌های نوین آبیاری را محدود می‌نماید و همچنین تغییرات اقلیمی و نوسانات دمایی که در ۵ سال گذشته تقریباً بخش قابل توجهی از محصول را همه‌ساله از بین برده و بهره‌برداران توان اقتصادی لازم را جهت تغییر سیستم آبیاری ندارند.

در همین راستا برای مناطقی که گیاهان زراعی ردیفی و صیفی‌جات کشت می‌شود آبیاری قطره‌ای (نوارهای تیپ) اجرا و افزایش بهره‌وری آب در مزارع قابل توجه بوده؛ به طوری که برای گیاه ذرت دانه‌ای بهره‌وری فیزیکی آب از ۰/۶۵ کیلوگرم در هر مترمکعب به بالای ۱/۸ کیلوگرم در هر مترمکعب افزایش یافته است. با توجه به محدود بودن سطوح زراعی استان فقط در شهرستان ارزوئیه بیش از ۱۲ هزار هکتار از مزارع مجهز به سیستم آبیاری قطره‌ای گردیده‌اند و بیش از ۹۰ درصد ذرت دانه‌ای منطقه در مزارع با این نوع سیستم آبیاری تولید می‌شود.

#### استفاده از کشت‌های مترکم (توسعه گلخانه‌ها)

توسعه گلخانه‌ها نقش بسیار مهمی در افزایش بهره‌وری آب در بخش کشاورزی داشته؛ به طوری که بهره‌وری آب نسبت به فضای آزاد بیش از ۲۰ برابر افزایش می‌یابد. لزوم توجه جدی به توسعه این صنعت در بخش کشاورزی با تسهیل در پرداخت تسهیلات بانکی ارزان قیمت، بازاریابی و... ضروری است و نمونه‌های شاخصی در شهرستان‌های مختلف استان اجرا و در حال بهره‌برداری می‌باشد.

#### اصلاح بذرها و تغییر ارقام

در چند سال گذشته با ورود بذرهای مناسب با طول دوره رشد کمتر و تولید بیشتر، بهره‌وری آب افزایش یافته و همچنین کشت‌های نشایی نیز بسیار تأثیرگذار بوده‌اند.

#### حذف گیاهان با نیاز آبی زیاد

حذف گیاهان با نیاز آبی زیاد و کاشت گیاهان کم آب و با قیمت بالا، مثل زرشک، گل محمدی، زعفران و ... باعث افزایش بهره‌وری اقتصادی و حتی بهره‌وری اشتغال در استان شده است.

زیرساخت و دانش فنی افزایش بهره‌وری آب در استان وجود دارد، اما میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی چه از سوی بخش خصوصی و چه از سوی دولت در مقابل سهم اشتغال در استان نسبت به سایر بخش‌ها ناچیز است.

برای امنیت غذایی و اشتغال با توجه به مسائل جهانی، سرمایه‌گذاری در این بخش ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و ضمن توجه جدی به توسعه پایدار، بایستی با تکنولوژی‌های جدید و دانش روز، با کاهش مصرف آب، بهره‌وری را افزایش داده و بخشی از باغات که به دلیل پایین بودن کیفیت آب، سن و ارقام نامناسب، شرایط نامناسب خاک و همچنین کاهش دبی منابع آبی، بهره‌وری پایینی دارند به‌ناچار بایستی توسط بهره‌برداران حذف گردند. ♦♦

طبق آمار، در حال حاضر بخش کشاورزی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب در سطح جهان شناخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد آب شیرین در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. این عدد در بعضی از کشورهای جهان سوم به حدود ۹۰ درصد هم می‌رسد. برداشت بی‌رویه، افت بیش‌ازحد سطح سفره‌های آب زیرزمینی و نیاز بخش کشاورزی برای تأمین امنیت غذایی در نهایت منجر به کاهش تولید و ناامنی غذایی می‌شود. از سوی دیگر در سطح کشور به دلیل محدودیت منابع آبی توسعه افقی (افزایش سطح زیر کشت) تحت هیچ شرایطی امکان‌پذیر نیست. آنچه لازم است که توجه بیشتری به آن شود، افزایش تولید به ازای هر واحد آب مصرفی است که اصطلاحاً به بهره‌وری آب معروف است.

بنابراین بحث بهره‌وری آب در کشاورزی بسیار با اهمیت بوده و لزوم توجه جدی به مؤلفه‌های بهره‌وری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. برای بهره‌وری آب مفاهیم متفاوتی ارائه شده است؛ از جمله بهره‌وری فیزیکی (میزان ماده خشک تولیدی به ازای هر مترمکعب آب مصرفی)، بهره‌وری اقتصادی (میزان درآمد خالص از هر مترمکعب آب مصرفی) و یا بهره‌وری اشتغال (میزان شغل ایجاد شده به ازای هر مترمکعب آب مصرفی). در استان کرمان با متوسط تبخیر بالای ۲۷۰۰ میلی‌متر در سال (بیش از سه برابر متوسط جهانی) و پایین بودن متوسط نزولات جوی (کمتر از ۱۲۹ میلی‌متر در سال و معادل یک‌ششم متوسط بارندگی جهانی) و عدم تناسب زمانی بارندگی با فصل رشد گیاهان مواجه هستیم، از طرفی تمامی تولیدات کشاورزی استان وابسته به آبیاری هستند و این موضوع بر اهمیت بسیار بالای معنی و مفهوم بهره‌وری آب در استان تأکید دارد که بایستی موردتوجه جدی برنامه ریزان قرار گیرد.

**برای افزایش بهره‌وری آب در بخش کشاورزی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:**

#### کاربرد روش‌های نوین آبیاری

به دلیل بالا بودن پتانسیل تبخیر آب در استان بایستی از روش‌های نوین آبیاری استفاده نمود که میزان تبخیر سطحی آن‌ها پایین باشد. در این راستا اجرای روش‌های آبیاری زیرسطحی تحت فشار و کم فشار در باغات پسته استان موردتوجه قرار گرفته و در هیچ کشوری در سطح دنیا به اندازه استان کرمان از این روش آبیاری در باغات استفاده نشده است. در این روش آبیاری تبخیر آب تقریباً نزدیک صفر بوده و بهره‌وری آب از حدود ۰/۱ کیلوگرم در هر واحد آب مصرفی به بالای ۰/۳ کیلوگرم در هر واحد آب مصرفی رسیده است و در بعضی از باغات این عدد به بالای ۱/۶ کیلوگرم در هر واحد آب مصرفی رسیده است. تاکنون بالغ بر ۱۲ هزار هکتار آبیاری زیرسطحی و حدود ۴۵ هزار هکتار هم آبیاری قطره‌ای روی سطحی اجرا شده است. قطعاً این پرسش برای همه تداعی می‌شود چرا سطح عمده باغات پسته به این روش‌ها تجهیز نشده است؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان به خرده مالکی بیش از حد در باغات (متوسط مالکیت کمتر از ۲ هکتار)،

**اجرای روش‌های آبیاری زیرسطحی تحت فشار و کم فشار در باغات پسته استان موردتوجه قرار گرفته و در هیچ کشوری در سطح دنیا به اندازه استان کرمان از این روش آبیاری در باغات استفاده نشده است. در این روش آبیاری تبخیر آب تقریباً نزدیک صفر بوده و بهره‌وری آب از حدود ۰/۱ کیلوگرم در هر واحد آب مصرفی به بالای ۰/۳ کیلوگرم در هر واحد آب مصرفی رسیده است و در بعضی از باغات این عدد به بالای ۱/۶ کیلوگرم در هر واحد آب مصرفی رسیده است.**



## توسعه پایدار کشاورزی

♦ دکتر سمیه نقوی

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه جیرفت



رشد روزافزون جمعیت و به دنبال آن نیاز به تولید مواد غذایی بیشتر از یک سو و محدودیت منابع آب و خاک از سوی دیگر، مدیریت بهینه منابع کشاورزی را امری اجتناب ناپذیر کرده است. رسالت مهم بخش کشاورزی نه تنها تأمین نیازها و ارتقای امنیت غذایی است، بلکه حفاظت پایدار منابع پایه به منظور دستیابی به کشاورزی پایدار نیز هست. کشاورزی پایدار علاوه بر حفظ تولید در درازمدت و ثبات آن بر عدم تخریب منابع طبیعی و محیط زیست تأکید دارد.

کشاورزی، مرکز مباحث توسعه پایدار را تشکیل می دهد. توسعه پایدار در بخش های کشاورزی، جنگلداری و شیلات با حفاظت زمین، آب و ذخایر ژنتیکی گیاهی و جانوری همراه است، تخریب زیست محیطی به همراه ندارد، از فناوری مناسب استفاده می کند، از نظر اقتصادی بالنده و پایدار و از نظر اجتماعی مورد قبول است. هر چند عواملی نیز وجود دارند که انجام چنین روندی را با مشکل روبرو می سازند که عمده ترین

آن‌ها را می‌توان عدم موفقیت سیاست‌های اقتصادی، عدم آگاهی و شناخت، مشکلات مدیریت منابع، عدم یادگیری و مشارکت جمعی بیان نمود.

### توسعه پایدار کشاورزی

توسعه پایدار کشاورزی فرایندی پویا و پایدار برای افزایش محصولات کشاورزی و تغییرات بهینه در جهت زندگی کشاورزان است. از نظر سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، توسعه پایدار کشاورزی الگویی از توسعه است که از زمین، آب و منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری حفاظت کند، از لحاظ زیست‌محیطی بدون تخریب، از نظر فنی مناسب و بجا، از نظر اقتصادی معقول و معتبر و از نظر اجتماعی مقبول باشد. از جمله مهم‌ترین معیارهای توسعه پایدار کشاورزی عبارت است از:



۱. تأمین نیازهای غذایی اساسی نسل حاضر و آینده از نظر کمی و کیفی و در عین حال تأمین تولیدات کشاورزی،  
۲. ایجاد مشاغل دائمی، درآمد کافی و شرایط مناسب زندگی و کار برای کسانی که در فرآیند تولیدات کشاورزی اشتغال دارند،  
۳. حفظ و ارتقای ظرفیت تولیدی منابع طبیعی پایه و منابع تجدیدشونده بدون ایجاد اختلال در عملکرد چرخه‌های اساسی بوم‌شناختی و تعادل‌های طبیعی،  
۴. کاهش آسیب‌پذیری بخش کشاورزی نسبت به عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی و دیگر تهدیدها و تقویت خوداتکایی این بخش.

توسعه پایدار کشاورزی در برگیرنده طیف گسترده‌ای از روش‌های نوسازی و دگرگونی اساسی در کشاورزی صنعتی پیشرفته تا روش‌هایی مشتمل بر فناوری‌های سازگار با کشاورزی متداول است. توسعه پایدار کشاورزی باید از نظر بوم‌شناسی مناسب، از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر و از نظر اجتماعی مطلوب باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که متغیرهای اقتصادی (مانند میزان سطح زیر کشت، میزان درآمد، هزینه نهادها، درصد اشتغال، الگوی مصرف خانوارها و غیره)، اجتماعی (از قبیل سطح دانش کشاورز، مهارت مدیریتی، میزان مهاجرت‌پذیری، سن و سطح زندگی و غیره) و بوم‌شناسی (ویژگی‌ها و کیفیت خاک و آب، تعادل عناصر غذایی خاک، میزان مصرف کود و سموم شیمیایی و غیره)، شاخص‌های سنجش توسعه پایدار کشاورزی می‌باشند. اهداف اساسی توسعه پایدار کشاورزی شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. امنیت غذایی از طریق ایجاد توازن مناسب و پایدار بین خودکفایی و اتکای به نفس،  
۲. ایجاد درآمد و اشتغال در نواحی روستایی، خصوصاً به‌منظور ریشه‌کنی فقر،  
۳. حفظ منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست.

### معیارهای مهم توسعه پایدار کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه

سه معیار کلیدی برای گزینش روش‌های راهبردی در مورد کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه به‌طور یکسان قابل اعمال هستند:

۱. افزایش کارایی و بهره‌وری: کارایی و بهره‌وری از طریق کاربرد پایدارتر منابع از جمله نیروی کار، دسترسی بهتر به تکنولوژی‌های جدید، استفاده صحیح از نهادها و چرخه‌های زیست‌شناختی و فرآوری در مزرعه قابل افزایش است.  
۲. ایجاد تنوع: در این راستا دو نوع تنوع مختلف قابل حصول است. تنوع در نظام‌های تولیدی و تنوع در فعالیت‌های



کشاورزی ارگانیک یا زیستی (Organic Farming)، یکی از شاخه‌های اصلی کشاورزی پایدار است و طی دو دهه اخیر با اقبال بسیاری در نقاط گوناگون جهان روبه‌رو شده است که دلیل اصلی آن را می‌توان نگرانی‌های عمومی نسبت به سلامت و ایمنی غذایی و سلامت محیطی دانست. در این میان، پشتیبانی‌های بین‌المللی و حمایت‌های دولتی، نقش قابل‌توجهی در گسترش این سامانه کشاورزی داشته است. پیدایش کشاورزی ارگانیک در واقع برای برطرف کردن مشکلات جدی زیست‌محیطی، سلامت و ایمنی محصولات سامانه‌های رایج کشاورزی بوده است.

کشاورزی حفاظتی (Conservation Agricultural) به‌عنوان راهبردی برای رسیدن به اهداف تولید پایدار کشاورزی از دهه ۷۰ ظهور پیدا کرده و در عین‌حال بالا بردن بهره‌وری نظام تولید، پتانسیل بالایی برای مقابله با نگرانی‌ها و مسائل جدی مربوط به تخریب منابع طبیعی و آلودگی محیط‌زیست دارد. به لحاظ تاریخی کشاورزی حفاظتی در پاسخ به بحران فرسایش خاک در ایالات‌متحده آمریکا، برزیل و آرژانتین و استرالیا ظهور پیدا کرد و در حال حاضر اجرای آن به بیش از میلیون‌ها هکتار رسیده است. این نظام کشاورزی با تغییر در رفتار کشاورزان با رعایت تناوب زراعی، مدیریت حاصلخیزی خاک با حفظ بقایای گیاهی و انجام حداقل خاک‌ورزی منجر به اقتصادی شدن و پایداری تولید می‌گردد.

### کلام آخر

گذشته از منابع طبیعی و سرمایه‌های فیزیکی لازم در فرایندهای تولیدی بخش کشاورزی، آنچه در توسعه به‌عنوان محور و رکن بنیادین عمل می‌کند، همانا توانایی انسان‌ها در ترکیب بهینه عوامل تولید به‌نحوی که از لحاظ اقتصادی کارآمد و سودآور و از لحاظ محیطی پایدار و از لحاظ اجتماعی برآورد کننده نیازهای مردم جامعه باشد، است. این عامل را می‌توان تقویت سرمایه‌انسانی دانست. بیشتر مطالعات صورت گرفته در حوزه بهره‌وری کشاورزی مؤید این حقیقت هستند که کسب مهارت‌های لازم برای انجام کارکردها در فرایندهای تولیدی بخش کشاورزی توسط نیروی کار با بهره‌برداران این بخش، درست به اندازه عوامل دیگر از قبیل فراهم بودن زمین و منابع آبی، نهادها و اعتبارات و زیرساخت‌های لازم، در پیشبرد فرایندهای بخش کشاورزی در رویه‌های پایدار و پویا تأثیرگذار هستند. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رسیدن به توسعه پایدار کشاورزی می‌توان به نیاز به تغییر نهادهای موجود، آمیختن توسعه با ساختار اجتماعی و فرهنگی، استفاده از داده‌های کشاورزی که تقویت گیاهان و حاصلخیزی خاک، مدیریت آفات و آفت‌کش‌ها را در برمی‌گیرد اشاره نمود. ♦♦

اقتصادی. نوع اول از طریق سازگار کردن الگوهای کشت محصولات، فعالیت‌های دامداری، نظام‌های پرورش آبزیان، روش‌های ماهیگیری و شیوه‌های جنگلداری با استعدادهای محدودیت‌های منابع طبیعی حاصل می‌شود. نوع دوم در نتیجه تلفیق تولید زراعی، جنگلداری و شیلات با فرآوری محصولات تولید شده و تلفیق مشاغل در مزرعه با مشاغل بیرون مزرعه به دست می‌آید.

۳. افزایش برگشت‌پذیری و به حداقل رساندن مخاطرات: بیشتر روش‌هایی که برای تولید، فرآوری، خرید و فروش و مصرف محصولات زراعی، دامی و ماهی استفاده می‌شوند موجب اتلاف منابع و نهاده‌ها می‌گردند و خسارات قابل‌توجهی را قبل و بعد از برداشت دارند. این امر نه تنها موجب کاهش ستاندها و درآمد می‌شود بلکه به زوال محیط‌زیست یعنی نابودی نباتات، فرسایش خاک، آلودگی آب‌های زیرزمینی و آلودگی غذا منجر می‌گردد؛ اما در خود مزرعه، ضایعات را می‌توان به‌عنوان نهاده بازیافت کرد و یا اینکه آن‌ها را به‌عنوان محصولات جنبی از قبیل سوخت‌های به‌دست‌آمده از موجودات زنده مورد استفاده قرار داد. افزایش اتکا به فرایندهای زیست‌شناختی که طبیعت ارائه می‌دهد، می‌تواند از هزینه نهاده‌ها بکاهد (Gobeli, 2004).

### اندیشمندان پنج عامل را در توسعه کشاورزی اساسی و پنج عامل دیگر را سرعت‌دهنده توسعه معرفی کرده‌اند

عوامل اساسی عبارت‌اند از: ۱) بازار جهت فروش محصولات کشاورزی، ۲) فناوری که پیوسته در حال تکامل و پیشرفت باشد، ۳) نهاده‌ها و وسایل در دسترس موردنیاز کشاورزی، ۴) مشوق‌های تولیدی برای کشاورزان، ۵) تسهیلات حمل‌ونقل. عوامل سرعت‌بخش عبارت‌اند از: ۱) آموزش و ترویج کشاورزی، ۲) اعتبارات کشاورزی، ۳) انجام اقدامات و عملیات گروهی و سازمان‌یافته کشاورزی، ۴) زمین‌های گسترده کشاورزی و اصلاح فیزیکی آن‌ها، ۵) برنامه‌ریزی ملی.

رهیافت‌های زیر نیز در جهت دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی حائز اهمیت می‌باشند.

اگرواکولوژی (Agroecology) با بوم‌شناسی کشاورزی شاخه‌ای از کشاورزی پایدار که در کاربرد مفاهیم و اصول اکولوژی برای طراحی و مدیریت اکوسیستم‌های زراعی را شامل می‌شود، در کشاورزی اکولوژیک به جای استفاده‌ی زیاد از نهاده‌های خارجی، به مدیریت و کنترل اکوسیستم مزرعه بیشتر توجه می‌شود؛ که با نام‌های کشاورزی بوم‌شناختی و اگرواکولوژی نیز بیان می‌شود. اگرواکولوژی شامل سیستم تولید کشاورزی و منابع طبیعی موردنیاز برای پایدار ماندن آن‌هاست.

### بیشتر مطالعات

#### صورت گرفته در

#### حوزه بهره‌وری

#### کشاورزی مؤید

#### این حقیقت

#### هستند که کسب

#### مهارت‌های

#### لازم برای انجام

#### کارکردها در

#### فرایندهای

#### تولیدی بخش

#### کشاورزی توسط

#### نیروی کار یا

#### بهره‌برداران این

#### بخش، درست

#### به اندازه عوامل

#### دیگر از قبیل

#### فراهم بودن

#### زمین و منابع

#### آبی، نهاده‌ها

#### و اعتبارات و

#### زیرساخت‌های

#### لازم، در پیشبرد

#### فرایندهای بخش

#### کشاورزی در

#### رویه‌ای پایدار

#### و پویا تأثیرگذار

#### هستند.

# گزارش نشست مدیریت انرژی

## نادیا انجم شعاع

دبیر اندیشکده تدبیر انرژی اتاق کرمان



خدمات، تولید محصول یا سلب آسایش پرسنل شده است.

مطالعه موردی انجام شده در صنعت فولاد نشان داده است، افزایش بهره‌وری انرژی از طریق اقدامات ذیل قابل حصول است:

\* تعمیر و نگهداری دستگاه‌هایی که منجر به بهبود راندمان و کاهش تلفات می‌شود،

\* استفاده از عایق‌های مناسب‌تر جهت کاهش تلفات حرارتی کوره‌ها و ...

\* بهینه‌سازی فرآیندهای موجود و یا جایگزینی کامل آن‌ها با فرآیندهای جدید و انرژی بر کمتر که هزینه بیشتری دارند،

\* استفاده از انرژی خورشیدی در مناطق گرم و یا استفاده از نیروگاه‌های کوچک در پیک مصرف.

رویکردهای اجرا شده توسط دولت‌ها به‌منظور بهبود بهره‌وری انرژی صنعتی:

\* تعیین استانداردهایی جهت بهبود بهره‌وری در ساخت تجهیزات صنعتی،

\* تعریف معیارهای استاندارد شدت انرژی برای فرآیندهای خاص

### یکی از کشورهای

پیش‌تاز در حوزه

ارزیابی و بهبود

بهره‌وری انرژی

کشور سوئد

می‌باشد. کشور

سوئد نیز مانند

کشور ما (البته

نه به جهت

پارانه!) بلکه به

دلیل آنکه بخش

قابل توجهی

از انرژی خود را

از منابع انرژی

هسته‌ای و آبی

تأمین می‌کند

دارای برق

ارزان قیمت‌تری

نسبت به سایر

کشورهای اروپایی

می‌باشد. این

قیمت‌های پایین

برق منجر به سهم

بیشتری از مصرف

برق در صنایع

سوئد در مقایسه

با رقبای اروپایی

آن‌ها شده است.

در دنیای امروز مشکلات و هزینه‌های اقتصادی ناشی از خاموشی برق انکارناپذیر است. میزان آسیب‌های اقتصادی ناشی از این عارضه به تناسب توسعه‌یافتگی کشورها متفاوت است. بیشترین تاثیر نامطلوب ناشی از خاموشی برق مربوط به بخش صنعت و معدن، به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی کشور است، بویژه در کشور ایران که افزایش میزان خاموشی‌های اخیر، تبعات مالی و اقتصادی زیادی را در پی داشته است. حال بایستی در صنایع خود، رویکردهای جدیدی را در راستای مدیریت انرژی پیاده‌سازی کنیم تا علاوه بر کاهش هزینه‌ها، شاهد کاهش اثرات خاموشی نیز باشیم.

نشست هم‌اندیشی «رویکردهای تعاملی و نوپدید مدیریت انرژی به کاهش هزینه انرژی و اثرات خاموشی در صنایع» در ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ با حضور جناب آقای دکتر علیرضا فریدونیان، استادیار دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی، مشاور شرکت توانیر و شرکتهای توزیع انرژی برگزار شد.

محورهای اصلی مطالب ارائه شده در این نشست عبارتند از موارد زیر که در ادامه به توضیح هر کدام می‌پردازیم.

۱. تغییر پارادایم توسعه سیستم‌های انرژی،
۲. رویکرد بهره‌وری انرژی،
۳. رویکرد همکارانه در بازارهای محلی،
۴. رویکرد داده‌رانه پایایی محور،
۵. رویکرد پاسخ پیک.

### ۱. تغییر پارادایم توسعه سیستم‌های انرژی از طریق:

- تولید پراکنده به جای متمرکز
- تمرکز روی مدیریت تقاضا به جای تولید

### ۲. رویکرد بهره‌وری انرژی

اجرای سیاست‌های مشاوره‌ای در حوزه‌های سیستم روشنایی، مدیریت سیستم‌های گرمایش و تهویه مطبوع، مدیریت منابع آب، مدیریت تجهیزات حمل‌ونقل و حضور پرسنل، مدیریت تجهیزات مواد غذایی و مدیریت تجهیزات اداری توسط برخی شرکت‌ها به‌منظور بهبود بهره‌وری انرژی صنایع کوچک و متوسط منجر به کاهش هزینه‌های انرژی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد بدون افت کیفیت در ارائه



صنعتی،

\* متمیزی انرژی، تخصیص یارانه و معافیت مالیاتی با توافقنامه‌هایی خاص جهت ارتقاء بهره‌وری در صنایع.

\* توافق‌های داوطلبانه معافیت‌های مالیاتی با گروه‌های صنعتی و نمایندگان آن‌ها جهت بهبود بهره‌وری انرژی،

\* انجام اقداماتی جهت توصیه انواع خاصی از مواد خام یا محصولاتی که منجر به بهبود کارایی فرآیندها می‌شود،

\* خرید تضمینی دولتی کالاهای تولیدی با مصرف انرژی کم،

\* طرح مالیات بر مصرف انرژی و انتشار کربن،

\* استفاده یا محدودیت در مواد بازیافتی یا قابل استفاده مجدد به عنوان انرژی یا خوراک،

\* تعیین مقرراتی در تصفیه زباله‌های صنعتی.

تعامل دولت و بخش خصوصی در بهبود بهره‌وری انرژی صنعتی با اقدامات زیر صورت می‌گیرد:

\* ارزیابی انرژی صنعتی برای شناسایی پتانسیل‌های صرفه‌جویی انرژی به منظور اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد سرمایه‌گذاری در بهبود بازده انرژی،

\* تشویق یا تسهیل صنایع به ارزیابی‌های انرژی توسط نقش دولت‌ها و شرکت‌های مشاوره بهره‌وری انرژی،

\* در اختیار قراردادن متخصصین این حوزه،

\* برنامه ارزیابی انرژی مستقل: کمک به واحدهای صنعتی را در ارزیابی انرژی، تنها با ارائه پشتیبانی یا راهنمایی فنی لازم،

\* ارزیابی انرژی یکپارچه: ارزیابی انرژی همراه با سایر اقدامات سیاستی، برای ایجاد انگیزه بیشتر در شرکت‌کنندگان.

در کشورهای مختلف از جمله استرالیا، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، هند، ایرلند، ژاپن، هلند، نروژ، پرتغال، سوئد، سوئیس، بریتانیا،

ایالات متحده آمریکا و منطقه‌ای در اتحادیه اروپا، ۲۲ سیاست به‌منظور بهبود بهره‌وری انرژی صنعتی اجرا شده است.

در این میان یکی از کشورهای پیش‌تاز در حوزه ارزیابی و بهبود بهره‌وری انرژی کشور سوئد می‌باشد. کشور سوئد نیز مانند کشور ما (البته نه به جهت یارانه!) بلکه به دلیل آنکه بخش قابل‌توجهی از انرژی خود را از منابع انرژی هسته‌ای و آبی تأمین می‌کند دارای برق ارزان‌قیمت‌تری نسبت به سایر کشورهای اروپایی می‌باشد. این قیمت‌های پایین برق منجر به سهم بیشتری از مصرف برق در صنایع سوئد در مقایسه با رقبای اروپایی آن‌ها شده است. از این‌رو در این کشور علاوه بر سیاست افزایش قیمت برق بعد از سال ۲۰۰۰ با همکاری شرکت‌های مشاوره در حوزه بهره‌وری انرژی پروژه‌های مختلفی نیز جهت بهبود بهره‌وری در صنایع با اثرات و نتایج متفاوتی انجام شده است. گسترده‌ترین پروژه‌ای که طی ۱۵ سال گذشته با هدف بهبود بهره‌وری انرژی در صنایع تولیدی کوچک و متوسط در سوئد اجرا شده است، پروژه‌ای کارآمد به نام پروژه «هایلند» می‌باشد. طبق ارزیابی‌های انجام شده از عمده‌ترین موانع کارایی انرژی در بین صنایع کشور سوئد این است که موضوع بهره‌وری انرژی به دلیل دسترسی به برق ارزان‌قیمت و فقدان آگاهی از مزایای قابل‌توجه اجرای فعالیت‌های اثربخش در این حوزه از اولویت پایینی برخوردار است که پروژه‌های کارآمد همچون پروژه مذکور به کمک دولت درصدد رفع مشکلات این حوزه برآمده است.

تحقق بهره‌وری انرژی در صنایع با روش‌های بهینه نگهداری و تعمیرات همراه با کاهش توقفات ناگهانی و افزایش سودآوری، کنترل خرابی و حداقل کردن هزینه‌ها، به تأخیر انداختن سرمایه‌گذاری‌های جدید و افزایش طول عمر تجهیزات اتفاق خواهد افتاد.

برای ارائه مدل مناسب برای استفاده از ظرفیت ایشان با هدف مدیریت بهینه خاموشی،  
\* ارزیابی وضعیت مصرف و بهینگی صنایع از منظر بهره‌وری انرژی،  
\* شناسایی پارامترهای اساسی مؤثر بر میزان مصرف در ناحیه.

#### ۵. رویکرد پاسخ پیک

صنایعی که حضورشان در برنامه‌های پاسخگویی بار دارای بهره‌وری اقتصادی و فنی است:  
\* صنایع فرایندی مانند سیمان، شرکت‌های آلومینیوم و فولاد و برخی صنایع غذایی هستند که طول مدت خاموشی روی عملکرد اقتصادی‌شان اثرگذار است،  
\* صنایعی که قطع برق آن‌ها مستقیماً روی تولید اثرگذار نیست، اما اهمیت آن در کارکرد پرسنل و حفظ رفاه مانند روشنایی، سرمایش، گرمایش، تهویه و تجهیزات اداری می‌باشد، انعطاف بیشتری در کاهش مصرف و مشارکت در برنامه‌های پاسخگویی بار را دارند.  
\* بخشی از تجهیزاتی که در صنایع مختلف مصرف بالایی از انرژی را دارند ولی در عین حال قابل جابجایی در زمان پیک هستند بسته به نوع صنعت در ادامه ذکر می‌شود.

طبق تحقیقات انجام شده، اجرای سیاست‌های پاسخگویی بار در صنایع کشورهای مختلف از جمله نیویورک در آمریکا از طریق مشارکت در برنامه‌های پاسخگویی بار توسط یک کارخانه فرآوری مواد غذایی و در انگلیس توسط یک کارخانه سازنده قطعات خودرو و یک کارخانه سازنده تجهیزات پزشکی انجام شده است.

در ادامه این نشست پنل تخصصی پرسش و پاسخ با حضور معاون اقتصادی استانداری کرمان، رییس اتاق کرمان، رییس انجمن علمی شبکه هوشمند انرژی ایران و رییس اندیشکده تدبیر انرژی اتاق کرمان برگزار شد و در انتها نیز تفاهم‌نامه همکاری بین اتاق کرمان و انجمن علمی شبکه هوشمند ایران به‌منظور توسعه زمینه‌های همکاری مشترک و همه‌جانبه علمی پژوهشی و بهره‌مندی از امکانات و توانمندی‌های یکدیگر در راستای مشارکت اثربخش بخش خصوصی در حوزه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های کلان بخش انرژی، به امضا رسید. طبق این تفاهم‌نامه، فراهم‌سازی زمینه‌های همکاری علمی، پژوهشی در حوزه‌های مشترک طرفین به‌منظور گسترش ارتباطات و زمینه‌سازی فعالیت‌های سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری و مشارکت در توسعه علمی، تخصصی کشور در زمینه شبکه هوشمند انرژی از طریق اندیشکده تدبیر انرژی اتاق به عنوان نهاد تخصصی حوزه انرژی انجام خواهد شد. ♦♦



#### ۳. رویکرد همکارانه در بازارهای محلی

ظهور منابع تولید پراکنده، فناوری، زیرساخت‌ها و افزایش تقاضا، بازارهای انرژی را با چالش‌هایی مواجه نموده است. از جمله راه‌کارها به‌منظور مواجهه با این چالش‌ها در بازارهای انرژی، ساماندهی بازارهای انرژی محلی می‌باشد.  
بازار انرژی محلی: بازاری که در یک منطقه جغرافیایی محدود و در بخش شبکه‌های توزیع انرژی الکتریکی، به‌منظور هماهنگی و ایجاد زمینه مشارکت منابع تولید، عرضه، ذخیره، انتقال و مصرف انرژی پراکنده مانند واحدهای تجدیدپذیر، ذخیره‌ساز و ارائه‌دهندگان خدمات پاسخگویی بار استفاده می‌شود.  
با اجرای بازارهای انرژی محلی، قابلیت توسعه سرمایه‌گذاری توسط واحدهای صنعتی و تجاری در احداث این نیروگاه‌ها، افزایش سهم نیروگاه‌های بادی در دانمارک از ۲۰ درصد کنونی به ۴۰ درصد، بدون ایجاد مشکلات قابل توجه عدم تعادل بین مصرف و تولید یا به عبارتی افزایش انعطاف‌پذیری سیستم و در عین حال تأمین بدون وقفه و حذف واحدهای صنعتی، تجاری و خانگی فراهم شده است.  
علاوه بر بازار انرژی تولیدی محلی، می‌توان بازار خاموشی را نیز به‌صورت بورس خریدوفروش سهمیه خاموشی مشترکین ایجاد کرد.

#### ۴. رویکرد داده‌رانه پایایی محور

کاربرد روش‌های داده‌رانه در مدیریت سمت مصرف:  
\* شناسایی مشترکین مستعد برای مشارکت در برنامه‌های پاسخگویی بار و پیک‌سای،  
\* تحلیل رفتار مصرفی مشترکین و تفکیک آن‌ها با هدف ارائه مدل رفتاری مصرف انرژی منطبق با الگوهای مصرفی بهینه از نظر بهره‌برداری شبکه،  
\* ارزیابی ظرفیت مشترکین مختلف صنعتی، تجاری و مسکونی

# بازرگانی و خدمات



- + تأثیر بهبود فضای کسب و کار در کاهش ریسک‌های تجاری
- + آشنایی با گام‌ها، مراحل و نحوه بازاریابی صادراتی در بازارهای اروپایی
- + ویژگی‌های مثبت و منفی ارزهای دیجیتال
- + سرعت تحول در ارزهای دیجیتال و تأثیر آن‌ها بر فضای مالی جهان
- + فرصت‌ها و چالش‌های تجارت استان کرمان با روسیه بعد از جنگ روسیه و اوکراین
- + تشکیل‌های اتاق کرمان در شش ماهه دوم سال ۱۴۰۰



گفت‌وگو با «امیر عابدی» رییس کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق بازرگانی ایران

## تأثیر بهبود فضای کسب‌وکار در کاهش ریسک‌های تجاری

تجارت خارجی به‌عنوان یکی از اجزای تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی را متأثر می‌سازد. بهبود صادرات نیازمند ایجاد محیط رقابتی و حضور گسترده‌تر در بازارهای جهانی است. در دهه‌های اخیر، تحریم‌های بین‌المللی گسترده و ریسک‌های سیاسی مرتبط با آن از یک طرف و ساختار نامناسب و پر نوسان اقتصادی و قواعد، قوانین و مقررات از طرف دیگر، فضای تولید و تجارت را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. امیر عابدی، رییس کمیسیون صادرات غیرنفتی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران همچنین می‌گوید که توجه به متنوع کردن بازارها و محصولات صادرات دارای اهمیت است؛ قابل توجه است که ایران در میان شرکای تجاری کلیدی اغلب کشورهای همسایه قرار ندارد و بازار صادرات و واردات برای آن‌ها محسوب نمی‌شود. تمرکز بر محیط همسایگی به معنای تمرکز بر تنها هفت درصد اقتصاد جهانی و به بهای نادیده گرفتن ۹۳ درصد دیگر است که نشان‌دهنده عدم تنوع بازار صادراتی است.

او یادآوری می‌کند که ایجاد و گسترش شرکت‌های سهامی، شرکت‌های مدیریت صادرات و تشکل‌ها در حوزه صادرات محصولات کشاورزی، بویژه در محصولات گلخانه‌ای با توجه به حجم زیاد سرمایه‌گذاری، مفید است. ولی افزایش تجارت و توسعه صادرات غیرنفتی، ایفای نقش پویای فعالان اقتصادی و تعامل گسترده بخش خصوصی و دولتی در تصمیم‌سازی‌ها، بهبود فضای کسب‌وکار و رفع چالش‌های محیطی در کاهش ریسک‌های تجاری را بسیار حائز اهمیت می‌داند و می‌گوید که سهم بخش خصوصی از صادرات غیرنفتی تنها در حدود ۲۰ درصد است که مقدار بالایی در مقایسه با سهم شرکت‌های بزرگ که عمدتاً خصوصی هستند، نیست، اما دولت بیشتر فشار را بر آن قرار داده است که جای تأمل دارد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه کنیم.



## ♦♦ در حوزه مدیریت تجارت خارجی کالاها، به چه انتظاراتی

### پاسخ داده نشده است؟

صادرات و واردات و به‌طور کلی تجارت در وهله اول به ثبات نیاز دارد. ایجاد فضای با اطمینان و باثبات در زمینه اقتصادی، سیاسی، قوانین و مقررات لازمه روابط سازنده و تعامل مؤثر تجاری است و بایستی در ابعاد داخلی و خارجی وقوع یابد.

در دهه‌های اخیر تحریم‌های بین‌المللی گسترده و ریسک‌های سیاسی مرتبط با آن از یک طرف و ساختار نامناسب و پرنوسان کلان اقتصادی و قواعد، قوانین و مقررات از طرف دیگر، فضای تولید و تجارت را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. فراهم نمودن فضای باثبات سیاسی و اقتصادی، ایجاد محیط باثبات، عدم تصمیم‌گیری‌های شتابزده، عدم صدور بخشنامه‌های مکرر و گاهی متناقض در حوزه تجارت خارجی از جمله انتظاراتی است که مغفول مانده است.

ادبیات اقتصادی رشد مبتنی بر صادرات بر مزایای تعیین قیمت کالاهای صادراتی جهت تخصیص منابع برای تولید اشاره دارد. از این‌رو جلوگیری از قیمت‌گذاری دستوری و نوسانات شدید نرخ ارز ضروری بوده این در حالی است که این مهم پاسخ داده نشده است.

در امر صادرات، زنجیره تأمین بسیار اهمیت دارد و تلاش در جهت تکمیل آن برای پایداری در بازارها ضروری است. بحث تکمیل سامانه جامع تجارت از موضوع‌های مورد انتظار بخش خصوصی است.

## ♦♦ به نظر شما ریشه‌ها و دلایل مسائل حوزه تجارت

### خارجی کشور چیست؟

بی‌ثباتی و وجود نا اطمینانی‌های مختلف، فضای تجارت کشور را با مشکلات و چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در دهه‌های اخیر اقتصاد ایران دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. نا اطمینانی اقتصادی؛ نوسانات در اقتصاد (تورم بالا، نوسان زیاد نرخ ارز، کسری بودجه دولت)، نا اطمینانی سیاسی؛ تحریم‌ها، افزایش هزینه‌های تجارت، افزایش هزینه‌های انتقال پول، تعدد بخشنامه‌های خلق‌الساعه، عدم تنوع در بازارهای هدف و عدم تنوع محصولات صادراتی، عدم توسعه زنجیره ارزش، دانش ناکافی تجار در شناسایی و ورود به بازارهای صادراتی، عدم دسترسی به اطلاعات به موقع، کمبود دفاتر بازاریابی و مشاوره و کمبود شرکت‌های مدیریت صادرات، ضعف زیرساخت‌های تجاری (حمل‌ونقل، پایانه‌ها، دفاتر تجاری، ضمانت‌نامه، نقل‌وانتقال پول، قوانین و مقررات)، ضعف دستگاه دیپلماسی تجاری در

وزارت امور خارجه جهت پشتیبانی از تجارت از جمله مهم‌ترین چالش‌های حوزه صادرات غیرنفتی در ایران بوده است.

## ♦♦ رابطه بین جهش تولید و صادرات از نظر شما چگونه توضیح داده می‌شود و تحلیل شما از چگونگی تحقق عملی این رابطه در فضای تولید و تجارت کشور چیست؟

تجارت خارجی یکی از اجزای تولید ناخالص داخلی بوده و به‌تبع آن رشد اقتصادی را متأثر می‌سازد. به بیان دیگر یکی از عوامل مهم دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، رونق صادرات است که مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری در بخش تجارت خارجی را تشکیل می‌دهد. در اقتصاد ایران با توجه به اهمیت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام و عدم وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی، تنوع بخشیدن به درآمدهای ارزی از طریق افزایش صادرات غیرنفتی و نقش آن در کاهش این وابستگی‌ها سبب شده تا افزایش سهم اقتصاد ایران در تجارت بین‌الملل مورد تأکید برنامه‌های توسعه اقتصادی قرار گیرد. توجه به صادرات غیرنفتی و اقدامات مؤثر در جهت بهبود آن، نیازمند ایجاد محیط رقابتی است و این خود حضور گسترده‌تر در بازارهای جهانی را ناگزیر می‌سازد. بر اساس آخرین آمار سازمان توسعه تجارت، ارزش تجارت کالایی کشور در سال ۱۴۰۰ برابر با ۸۷/۹ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با کل سال ۱۳۹۹ حاکی از بهبود روند تجارت

## در اقتصاد ایران با

توجه به اهمیت

کاهش وابستگی

اقتصاد کشور

به درآمدهای

ارزی حاصل از

صدور نفت خام

و عدم وابستگی

به اقتصاد

تک‌محصولی،

تنوع بخشیدن

به درآمدهای

ارزی از طریق

افزایش صادرات

غیرنفتی و نقش

آن در کاهش این

وابستگی‌ها سبب

شده تا افزایش

سهم اقتصاد

ایران در تجارت

بین‌الملل مورد

تأکید برنامه‌های

توسعه اقتصادی

قرار گیرد.



## ◆◆ زیرساخت‌های صادرات کالاها به‌ویژه صادرات بخش کشاورزی کشور را چگونه می‌بینید؟ برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب و مورد انتظار، به کارگیری چه الگویی را پیشنهاد می‌نمایید؟

در محصولات کشاورزی با مازاد تولید مواجه هستیم که این مازاد تولید در سردخانه‌ها و انبارها ذخیره می‌شود. در واقع مازاد عرضه نسبت به تقاضای داخل ناشی از بی‌برنامگی در سیاست‌گذاری و طرح آمایش کشاورزی و بخصوص در طرح الگوی کشت گریبان‌گیر بخش کشاورزی است. عدم دسترسی به آمار و اطلاعات کافی در خصوص محصولات کشاورزی از دیگر مشکلات است. به این صورت که از میزان کشت محصولات اطلاعات دقیقی نیست. به‌عنوان نمونه در مورد پیاز یا سیب‌زمینی درباره میزان سطح زیر کشت آن‌ها اطلاعات تجمیع شده‌ای در دسترس نیست. در صورتی که وزارت کشاورزی می‌توانست اطلاعات را تجمیع نماید و به‌صورت هر شش ماه یک‌بار انتشار دهد، می‌توانست به برنامه‌ریزی در سطح خرد و کلان و تنظیم و ثبات بازار کمک مؤثر نماید. در حال حاضر برای کشاورزان بحث تجاری بسیار با اهمیت است. بخصوص در محصولات گلخانه‌ای شکل‌گیری زنجیره تأمین حائز اهمیت است. ایجاد و گسترش شرکت‌های سهامی و کنسرسیوم‌ها، شرکت‌های مدیریت صادرات در حوزه صادرات محصولات کشاورزی بخصوص در محصولات گلخانه‌ای با توجه به حجم زیاد سرمایه‌گذاری در این حوزه مفید است. این تشکل‌ها قادر هستند از طریق مدیریت بازار در ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای بازار نقش بسزایی داشته باشند. همچنین وجود آن‌ها در مذاکرات با طرف‌های خارجی و تنظیم قراردادهای می‌تواند مفید باشد و در کاهش ریسک و افزایش ضریب نفوذ مؤثر باشد.

توجه به کالاهای استراتژیک در کشور نشان می‌دهد که بی‌توجهی به آمایش سرزمین بر آن‌ها حاکم بوده است به‌طوری که کالاهای آب‌بر در مناطقی که با کمبود آب مواجه هستند، کشت شده است.

زیرساخت‌های صادرات کالاها به‌ویژه صادرات بخش کشاورزی کشور بسیار نامناسب است. امکانات لجستیکی و نگهداری و حمل محصولات فسادپذیر کشاورزی باید تأمین شود.

ضعف ناوگان یخچال‌دار برای حمل محموله‌های صادراتی محصولات کشاورزی از مهم‌ترین چالش‌های سر راه صادرات است. آموزش تجار و صادرکنندگان در بخش کشاورزی از مهم‌ترین الزامات توسعه کمی و کیفی صادرات محصولات کشاورزی که بایستی تمام متولیان و دستگاه‌های اجرایی بخصوص اتاق‌های بازرگانی، تعاون و اصناف ایران و تشکل‌های مرتبط برنامه‌ریزی هدفمندتری را انجام دهند. به طور کلی

است که ۴۴/۶ میلیارد دلار به واردات و ۴۳/۲ میلیارد دلار به صادرات غیرنفتی اختصاص داشته است. این در حالی است که کسری تراز تجاری در مقایسه با دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ از کاهش کسری و بهبود تراز تجاری ناشی از بهبود درآمدهای صادراتی حکایت دارد.

## ◆◆ ارزیابی شما از نقشی که حاکمیت در مبادلات تجاری بین‌المللی ایفا کرده است، چیست؟

همان‌گونه از مباحث تئوری بازی‌ها می‌دانیم، دولت با ایجاد فضای مناسب تجارت و قواعد مؤثر نقش کلیدی در فرآیند تجارت دارد.

علاوه بر فراهم نمودن فضای باثبات و مطمئن کلان اقتصادی، بهبود زیرساخت‌های تجاری نظیر توسعه حمل‌ونقل، لجستیک صادراتی و سرمایه‌گذاری در ایجاد پایانه‌های صادراتی در بازارهای هدف، عدم صدور بخشنامه‌های خلق‌الساعه، شناسایی قوانین و مقررات مخل تجارت و حذف آن‌ها و فعال شدن بیش از پیش دستگاه دیپلماسی تجاری - اقتصادی در وزارت امور خارجه می‌تواند مؤثر باشد. از طرف دیگر توجه به متنوع کردن بازارها و محصولات صادراتی بسیار حائز اهمیت است. در سال‌های اخیر به کشورهای همسایه توجه بیشتری شده است. آمارها نشان می‌دهد که همسایگان ما با وجودی که خودشان سهم بسزایی از صادرات کشور را به خود اختصاص داده‌اند، نیازمند نقش‌آفرینی در اقتصاد جهانی و زنجیره ارزش جهانی هستند. شایان ذکر است که ایران در میان شرکای تجاری کلیدی اغلب کشورهای همسایه قرار ندارد و در برنامه‌ها و اسناد، کشورهای منطقه به ایران توجه ندارند؛ به بیان دیگر ایران بازار صادراتی و وارداتی مهمی برای اغلب همسایگان محسوب نمی‌شود. موقعیت ضعیف ایران در بازارهای همسایه، یکی دیگر از عواملی است که بر نگرش آن‌ها در قبال ایران تأثیر می‌گذارد. همچنین قابل توجه است که تمرکز بر محیط همسایگی، به معنای تمرکز بر تنها ۷ درصد از اقتصاد جهانی و به بهای نادیده گرفتن ۹۳ درصد دیگر است که نشان‌دهنده عدم تنوع بازارهای صادراتی است. همان‌طوری که می‌دانید، سهم اعظمی از صادرات غیرنفتی، شامل صادرات پتروشیمی و فولادی‌ها و فلزات رنگی و ... توسط شرکت‌های بزرگ صورت می‌گیرد که بخش بزرگی از آن‌ها خصولتی هستند. سهم بخش خصوصی از صادرات غیرنفتی تنها ۱۰ میلیارد دلار است (حدود ۲۰ درصد) که سهم بالایی در مقایسه با شرکت‌های بزرگ نیست ولی دولت قسمت اعظم فشار را بر این گروه قرار داده است که جای تأمل دارد.

### همان‌گونه از

### مباحث تئوری

### بازی‌ها می‌دانیم،

### دولت با ایجاد

### فضای مناسب

### تجارت و قواعد

### مؤثر نقش کلیدی

### در فرآیند تجارت

### دارد. علاوه بر

### فراهم نمودن

### فضای باثبات

### و مطمئن کلان

### اقتصادی، بهبود

### زیرساخت‌های

### تجاری نظیر

### توسعه

### حمل‌ونقل،

### لجستیک

### صادراتی و

### سرمایه‌گذاری در

### ایجاد پایانه‌های

### صادراتی در

### بازارهای هدف،

### عدم صدور

### بخشنامه‌های

### خلق‌الساعه،

### شناسایی قوانین

### و مقررات مخل

### تجارت و حذف

### آن‌ها و فعال

### شدن بیش از

### پیش دستگاه

### دیپلماسی

### تجاری - اقتصادی

### در وزارت امور

### خارجه می‌تواند

### مؤثر باشد.



این برهه از زمان که مشکلات منطقه‌ای نظیر جنگ روسیه و اوکراین وجود دارد، شناسایی فرصت‌ها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها ضرورت دارد تا نقش سریع ایران در جذب بازارهای بین‌المللی پیگیری شود. حضور مستمر ایرانیان در نمایشگاه‌های بین‌المللی و هیئت‌های تجاری در معرفی محصول و صادرات محصولات ایرانی مناسب است.

از طرف دیگر وجود تحریم‌ها و موانع بانکی شدید به دلیل نبود تعاملات بانکی مستقیم، هزینه برای انتقال پول را افزایش داده به طوری که فعالان اقتصادی برای انتقال پول از روش‌های پُر ریسک و پرهزینه استفاده می‌نمایند که منجر به خروج جمعی از فعالان اقتصادی از تجارت شده که نتیجه آن از دست دادن بازار و کاهش صادرات است. شایان توجه است که ادامه روند موجود امکان ترمیم ساختارهای بیمار را دشوار می‌نماید.

توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان و فناورانه و شرکت‌هایی که در بخش زنجیره تأمین فعالیت دارند برای حفظ بازارهای موجود و مشتری‌ها و حمایت از آن‌ها ضروری است. بهبود فضای کسب‌وکار در کنار تمام عوامل اشاره شده توأم با آرامش در کاهش ریسک‌های تجاری بسیار حائز اهمیت است. ♦♦

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با محوریت توسعه صادرات و گسترش زنجیره تأمین و اطمینان از ثبات قوانین به‌منظور برنامه‌ریزی صحیح صادرکنندگان در تنظیم قراردادهای خارجی لازم است.

### ♦♦ در آخرین سؤال مهم از جناب عالی به‌عنوان یک فعال اقتصادی در حوزه تولید و تجارت این است که وظایف ذاتی فعالان اقتصادی در سیستم تجارت خارجی چیست؟ و ارزیابی شما از چگونگی توفیق آن‌ها در ایفای نقش در این حوزه چه می‌باشد؟

در راستای افزایش تجارت و توسعه صادرات غیرنفتی و ارزآوری در کشور، ایفای نقش پویای فعالان اقتصادی برای توسعه صادرات هم به‌صورت کمی و هم کیفی لازم است. تعامل گسترده بخش خصوصی و دولتی در تصمیم‌سازی‌ها و مطالبه‌گری گسترده بخش خصوصی و تقویت فرهنگ مطالبه‌گری در کشور نیز از ضروریات است.

فعالان اقتصادی به‌عنوان سربازان خط مقدم تجارت کشور در سال‌های اخیر با مشکلات گسترده مواجه شده‌اند. عوامل محیطی نامناسب نظیر نرخ تورم بالا، جهش‌های ناگهانی نرخ ارز و عدم پایداری آن، تغییرات مکرر نرخ تعرفه‌ها و وجود موانع غیرتعرفه‌ای نظیر ممنوعیت واردات بسیاری از کالاها؛ عدم دسترسی به بازارها به دلیل وضع عوارض صادراتی، ممنوعیت‌های صادراتی برای تنظیم بازار داخلی، گاهی بدون پیش‌آگهی، وجود پیوندهای نامناسب تجاری، عدم اجرایی شدن موافقت‌نامه‌های استاندارد / گمرکی / بانکی و ... با کشورها و دسترسی محدود به منابع بانکی، محدود بودن سرمایه صندوق ضمانت صادرات و بانک توسعه صادرات، پوشش پایین بیمه صادرات غیرنفتی، عدم پذیرش ضمانت‌نامه‌های بانکی از جمله مشکلاتی بوده که فعالان تجاری با آن‌ها مواجه‌اند.

### ♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و قرار گرفتن در یک چهارراه جنوب-شمال و شرق-غرب به‌عنوان هاب منطقه‌ای و مسیر ترانزیت و همچنین قرار گرفتن در مسیر یک کمربند و یک جاده، با بازار مصرف نسبتاً بزرگ و وجود پتانسیل‌های بالای صدور خدمات فنی و مهندسی، برخورداری از وجود معادن و صنایع معدنی مرتبط و برخورداری از تنوع آب و هوایی در حوزه کشاورزی، تلاش همه‌جانبه بخش خصوصی و دولتی در کنار هم به‌منظور ارتقا جایگاه کشور با استفاده از فراهم نمودن توسعه صادرات غیرنفتی باید مورد توجه باشد. در بحث موافقت‌نامه‌ها، تأکید بر اوراسیا لازم است. در



# بازاریابی صادراتی

## آشنایی با گام‌ها، مراحل و نحوه بازاریابی صادراتی در بازارهای اروپایی

◆ نعمت اسماعیلی

مدیرعامل شرکت ارزیابان نام‌آور توسعه رویدادهای فناوری (اینترنک)



صادرات کالا  
به معنی خروج  
کالا از کشور به  
مقصد سایر  
کشورهاست.  
صادرات در  
رویه‌های گمرکی  
بر دو نوع است؛  
صادرات قطعی و  
صادرات موقت.  
در صادرات قطعی

پس از انتقال  
کالا به خریدار،  
فعل صادرات  
تمام است. در  
صادرات موقت،  
صادرکننده کالای

خود را با علم بر  
اینکه در آینده  
مجدد به کشور  
باز می‌گرداند به  
خارج از کشور  
منتقل می‌کند.  
این امر ممکن  
است به منظور  
حضور در

نمایشگاه‌های  
بین‌المللی،  
بازاریابی، تعمیر و  
نگهداری کالا و ...  
صورت پذیرد.

نگاه اجمالی به وضعیت صنایع و بازار آن‌ها به ما این نکته را گوشزد می‌نماید که هیچ دو صنعتی، حتی با دارا بودن محصولات مشابه را نمی‌توان یافت که با یک استراتژی یکسان به بازار داخلی و خارجی ورود نموده و موفق باشند. این جمله از آنجا نشأت می‌گیرد که در ساختار سازمان‌ها، منابع، سرمایه‌گذاری، تخصص، به‌طور یکسان توزیع نمی‌شود و عوامل داخل و خارج سازمانی شامل رقبا، پذیرش و همراهی مالکین و ... بر تصمیم‌گیری تأثیرگذار است. غرض از بیان این مقدمه آن است که در شرح زیر به بیان فرآیندهای مشترک صادرات و عوامل تسهیلگر در آن به‌صورت اجمالی پرداخته می‌شود و صادرکنندگان برای نفوذ در بازار خاص لازم است تا تصمیمات بازاریابی خاص بر پایه امکانات و توان خود را اتخاذ نمایند و در این مسیر از مشورت و تجربه افراد توانمند بهره‌مند شوند. صادرات و فروش کالا در بازارهای خارجی از حساسیت خاصی برخوردار است و عدم توجه به آن‌ها ممکن است سرمایه‌گذاری‌های انسانی و مالی را در این خصوص به هدر دهد و شکست در اثر نداشتن اطلاعات کافی موجب توقف و غفلت سازمان از سایر مقصدهای تجاری شود. صادرات نیازمند آینده‌نگری، برنامه‌ریزی، آشنایی با روش‌های علمی، تحرك لازم و از همه مهم‌تر جلب اعتماد خریداران خارجی است. صادرات کالا به معنی خروج کالا از کشور به مقصد سایر کشورهاست. صادرات در رویه‌های گمرکی بر دو نوع است؛ صادرات قطعی و صادرات موقت. در صادرات قطعی پس از انتقال کالا به خریدار، فعل صادرات تمام است. در صادرات موقت، صادرکننده کالای خود را با علم بر اینکه در آینده مجدد به کشور باز می‌گرداند به خارج از کشور منتقل می‌کند. این امر ممکن است به‌منظور حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی، بازاریابی، تعمیر و نگهداری کالا و ... صورت پذیرد.

در حالت عمومی، صادرات به اروپا همانند اکثر کشورهایی است که سفیران خرید یا واسطه‌های تجاری آن‌ها به‌صورت مستقیم در ایران نیستند (مانند صادرات غیرمستقیم به افغانستان، عراق و سایر کشورهای همسایه که تاجر و یا واسطه‌های خرید افغان

عراقی، در کارخانه یا مزرعه حضور دارند و محصول را به قیمت داخلی خریداری می‌نمایند). برای شروع فعالیت بازاریابی و صادرات اصولی به اروپا، پیشنهاد می‌شود در نخستین گام، دانش خود را در این زمینه ارتقا دهید. به این منظور، مطالعه کتاب‌های مرتبط با بازاریابی، امور گمرکی و ترخیص کالا از گمرک، قوانین و مقررات صادرات و واردات کالا و اصول و چارچوب حقوقی قراردادهای بین‌المللی بازرگانی و همچنین شرکت در دوره‌های آموزشی به‌منظور ارتقا دانش تخصصی بازرگانی توصیه می‌شود (برای دستیابی به دوره‌های آموزشی به بخش دوره‌های آموزشی صادرات مراجعه نمایید).

**مراحل صدور کالا را می‌توان به شرح زیر فهرست نمود:**

بخش اول: فراهم کردن دانش تا روشن شود برای شروع مراحل صادرات می‌بایست چه نکاتی را رعایت نماییم؟  
بخش دوم: چگونه مشتری مناسب پیدا کنیم و تحقیقات بازار انجام دهیم؟



ضمن بهره‌مندی از اطلاعات و تجربیات آن‌ها، توان صادراتی مشترک را بالاتر ببرید و در صورت میسر نشدن این مطلب، مرزهای صادراتی رقابتی داخلی و خارجی خود را بررسی و فعالیت آن‌ها را در خارج کشور مورد بررسی قرار دهید.

مقررات دولت خارجی ممکن است بر اساس شرایط کشور و با ترجیحات مشتری در هر بازار که شما قصد ورود به آن را دارید، متفاوت باشد. صادرات موفق، مستلزم دانش محصول و آگاهی از ویژگی‌های منحصر به فرد هر بازار هدف است.

تحقیقات بازار و تماس با مشتریان خارجی و شرکای تجاری باید به شرکت شما ایده‌های درباره محصولاتی که می‌توانید به فروش برسانید و در محلی که می‌توانید محصولات را بفروشید، ارائه دهند. در بسیاری از موارد، ممکن است شرکت شما محصول خود را تغییر دهد. این که شما تا چه حد می‌توانید محصول خود را با شرایط بازار هدف تطبیق دهید، یک مسئله کلیدی برای مدیریت است.

در بازارهای اروپا، خریداران به مستندات و پاسخ‌هایی که می‌دهید بسیار اهمیت می‌دهند و بر اساس همین شواهد، تصمیم به انتخاب شما را به‌عنوان یک تأمین‌کننده قابل اعتماد و مجرب می‌گیرند. از این‌رو در ابتدا، محصول خود را خوب بشناسید پاسخ به سؤالات احتمالی خریداران را پیشاپیش فراهم نمایید:

- \* محصول شما چه نیازهایی را در بازار خارجی برآورده می‌کند؟
- \* نقاط قوت و مزایای استفاده از محصول یا خدمات شما نسبت به رقبا در چیست؟

بخش سوم: فرایند و مراحل صادرات در گمرک و سایر مراجع در داخل کشور و خارج از کشور چگونه است؟  
بخش چهارم: چه نکاتی را در بسته‌بندی کالا، حمل و بیمه می‌بایست در نظر گرفت؟  
بخش پنجم: تمهیدات لازم برای دریافت پول و تضامین لازم صادراتی چگونه است؟  
بخش ششم: تشریفات صادرات و گام‌های اجرایی آن و مذاکرات تجاری.

### بخش اول: فراهم کردن دانش تاروشن شود برای شروع مراحل صادرات می‌بایست چه نکاتی را رعایت نماییم؟

#### وضعیت صادرات ایران با جهان چگونه است؟

تلاش نمایید تا بر اساس آخرین گزارش‌های جهانی، وضعیت و جایگاه ایران را نسبت به سایر کشورهای دنیا در حوزه صادرات مطالعه نمایید و رشته صنعت‌های صادراتی ساخت ایران و مشتقات آن را آنالیز کنید. حجم صادرات و کشورهایی که معاملات بیشتری با ایران را انجام می‌دهند شناسایی کنید. به‌عنوان مثال، بزرگ‌ترین حجم صادراتی ایران در گروه نفت و معدن است که به کشورهای چین، هند، کره جنوبی، ایتالیا و ژاپن صادر می‌شود این مشتقات شامل نفت خام، اتیلن پلیمر اکلیریک الکل، محصولات نفتی تصفیه شده، سنگ معدن بوده است. بنا بر همین الگو، کد گمرکی کالای خود را به دست آورید و دانش خود را از منابع قابل استناد توسعه دهید. توصیه بر این است که با رقبای خود که صادرات دارند هم‌پیمان شوید تا

گاهی اوقات نیاز به توضیحات دقیقی دارد؛ ابتدا شما باید منابع هر خطر را شناسایی کرده و سپس این خطرات را به حداقل برسانید. خطرات ممکن است سیاسی، قانونی، قرنطینه، نرخ ارز، ریسک عدم پرداخت، ریسک حمل و نقل و ... باشند، افراد زیادی هستند که می‌توانید برای درخواست کمک به آن‌ها مراجعه کنید. انتخاب شرکا و مشاوره صادرات حرفه‌ای مناسب، گام مهمی در کاهش این خطرات است. مشاور امور بانکی و ارزی، مشاور حقوق بین‌الملل و وکلا، مشاور امور بیمه‌گذاری و متصدیان حمل و شرکت‌های حمل و نقل و کارگران امور گمرکی و ترخیص‌کاران شما نیز باید بتوانند شما را در مورد خطراتی که ممکن است در بازارهای خارج از کشور با آن‌ها مواجه می‌شوید، آگاه نمایند که همه و همه نیازمند یادگیری و آموزش صادرات می‌باشند.

### محصول صادراتی خود را به خوبی بشناسید

شاید به این فکر افتاده باشید، چرا برخی از تولیدکننده‌ها با داشتن محصول خوب و مستعد و همچنین انجام اقداماتی اولیه، در صادرات موفق بوده‌اند، ولی محصول آن‌ها مورد استقبال قرار نگرفته است؟! یکی از عمده‌ترین اشکالات مشترک در تطبیق محصول با نیازهای بازارهای صادراتی است. لذا ضمن اینکه گام‌های صادراتی را سپری می‌کنید باید سازگاری محصول خود را در بازار هدف بررسی نمایید. محصولات به دلایل مختلف ممکن است نیاز به اصلاح داشته باشند تا با شرایط بازار سازگار گردند. ترجیحات خریدار ممکن است با شرایط جغرافیایی و آب و هوایی، استانداردهای زندگی، مقررات دولتی یا رویه‌های مذهبی، قیمت و ... متفاوت باشد. تغییرات همچنین ممکن است حمل و نقل و لجستیک را تسهیل نماید و یا تفاوت‌های احتمالی در استانداردهای مهندسی و طراحی را ایجاد نماید. ادراک حسی حاصل از یک محصول، مانند طعم و یا اثر بصری، ممکن است یک عامل حیاتی باشد. انطباق محصول بر میزان تعهد به بازار کشور هدف، پتانسیل بازار، هزینه‌های مربوط به تطبیق محصول و ارزیابی درآمدها نیز مورد انتظار است. یک شرکت با اهداف کوتاه‌مدت، احتمالاً دیدگاه متفاوتی نسبت به یک شرکت با اهداف بلندمدت دارد.

مقررات دولت خارجی در رابطه با محصول در تجارت بین‌المللی بسیار اهمیت دارد. مقررات می‌تواند شکل تعرفه‌ای یا موانع غیرتعرفه‌ای مانند مقررات صنعتی یا مشخصات محصول را به خود بگیرد. دولت‌ها این مقررات را به دلایل گوناگونی مانند محافظت از صنایع داخلی در برابر رقابت خارجی، محافظت از شهروندان در برابر تأثیرات فرهنگی، سلامت و ایمنی، اجبار واردکنندگان به مطابقت با استانداردها، محدودیت جریان کالاهای وارداتی یا اجناس از کشورهای خاص وضع می‌کنند. ♦♦

ادامه دارد...

\* آیا شرکت شما باید محصول بازار داخلی خود را برای فروش در خارج از کشور تغییر دهد یا یک محصول جدید را برای بازار خارجی تولید کند؟

\* چه ویژگی‌های خاصی از قبیل طراحی، رنگ، اندازه، بسته‌بندی، نام تجاری، برچسب‌ها و ضمانت‌نامه، باید اصلاح شود؟

\* تفاوت‌های زبانی یا فرهنگی تا چه اندازه مهم هستند؟

\* چه تنظیمات یا خدمات خاصی برای اجرای استراتژی فروش شما در محیط کسب‌وکار بازار اروپا ضروری است؟

\* آیا مشتریان شما ویژگی‌های جمعیت شناختی و رفتاری یکسانی دارند؟

\* آیا کالای صادراتی شما نیازمندی لوازم جانبی برای ارسال به همراه کالا در کشور مقصد است؟

\* آیا نیاز دارید با توجه به نیازهای بازار هدف یک محصول سفارشی و اختصاصی تولید و صادر نمایید؟

\* آیا محصولی که را به صورت انحصاری و یکتا تولید می‌نمایید و دارای ویژگی‌های متمایز کمی یا ویژگی متمایز خاصی است، می‌توانید در سایر بازارهای مشابه نیز بفروشید؟

### استراتژی صادراتی خود را تعیین و مستند نمایید

استراتژی تجاری یکی از اجزای اساسی طرح تجاری کسب‌وکار صادرات (Business Plan) شما می‌باشد. این استراتژی باید ساده باشد و اطمینان حاصل کنید که همه افراد در شرکت در دستیابی به نتایج صادرات سهیم بوده و از طرح مطلع بوده و برای تعامل با آن علاقه‌مند هستند.

اهداف کلیدی صادرات را مورد تمرکز قرار دهید. از جمله اهداف رایج می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- \* دفاع از موقعیت خود در بازار در مقابل صادرکنندگان موجود،
- \* کاهش اثرات تغییرات تقاضای فصلی،
- \* کاهش هزینه‌های ثابت،
- \* بهره‌مندی از بیشترین ظرفیت تولید،
- \* ارزیابی فناوری‌های جدید،
- \* افزایش قابلیت‌های مدیریتی،
- \* افزایش شهرت و برند بین‌المللی (برند سازی بین‌المللی).

### ریسک‌های مراحل صادرات را بشناسید و مدیریت کنید

صادرات به معنی فرصت‌های بیشتر است، اما مستلزم خطرات بیشتر نیز هست. اگرچه محیط‌های تجارت بین‌المللی در طول سال‌ها به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای تغییر کرده است، اما خطراتی که صادرکنندگان در هنگام فروش محصولات و خدمات خود در کشورهای دیگر با آن روبرو هستند، همچنان ادامه دارد. گام اولیه در مدیریت خطرات صادرات، واضح و روشن است، اما

گام اولیه در مدیریت خطرات صادرات، واضح و روشن است، اما گاهی اوقات نیاز به توضیحات دقیقی دارد؛ ابتدا شما باید منابع هر خطر را شناسایی کرده و سپس این خطرات را به حداقل برسانید. خطرات ممکن است سیاسی، قانونی، قرنطینه، نرخ ارز، ریسک عدم پرداخت، ریسک حمل و نقل و ... باشند، افراد زیادی هستند که می‌توانید برای درخواست کمک به آن‌ها مراجعه کنید. انتخاب شرکا و مشاوره صادرات حرفه‌ای مناسب، گام مهمی در کاهش این خطرات است.



## ویژگی‌های مثبت و منفی ارزهای دیجیتال



◆ محدثه رضایی

دانشجوی دکتری برق، مخابرات و سیستم دانشگاه شهید باهنر کرمان

امروزه ارز دیجیتال به‌عنوان یک بازار مالی در اغلب کشورهای جهان مطرح شده است و سرمایه‌گذاران زیادی به فعالیت در آن علاقه‌مند شده‌اند. ارزهای دیجیتال انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها رمزارزها هستند. استفاده از رمزارزها، تغییر بی‌سابقه‌ای را در تاریخ زندگی بشر رقم زده است و امکان نقل و انتقالات مالی بدون نیاز به حضور واسطه‌ای نظیر بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی را فراهم نموده است. رمزارز به صورت دیجیتال یا مجازی در بستر رایانه‌ها ایجاد شده و امنیت آن با استفاده از روش‌های رمزنگاری تأمین می‌شود. رمزارزها مشابه با ارزهای معمولی مانند «دلار» و «یورو» که به‌عنوان ارزهای فیات شناخته می‌شوند، برای خرید و فروش کالاها و خدمات به کار می‌روند، با این تفاوت که برخلاف ارزهای فیات، معمولاً توسط هیچ مرجع مرکزی صادر نمی‌شوند و بنابراین از دخالت یا دست‌کاری دولت‌ها مصون هستند.

اغلب رمزارزها، شبکه‌های غیرمتمرکز مبتنی بر فناوری زنجیره

توجه ارزش بازار رمزارزها در سال‌های اخیر باعث محبوبیت آن‌ها به‌عنوان ابزار معاملاتی شده است. رمزارزها با هدف ایجاد تحول در زیرساخت‌های مالی معرفی شده‌اند، اما همانند دیگر جنبه‌های فناوری، استفاده از آن‌ها در کنار مزایایی که برای ما به ارمغان می‌آورد، معایبی نیز دارد. در ادامه به ویژگی‌های مثبت و منفی رمزارزها خواهیم پرداخت.

### مزایای استفاده از رمزارزها

\* غیرمتمرکزسازی: اولین و مهم‌ترین مزیت رمزارزها را می‌توان ارائه یک سیستم غیرمتمرکز برای تبادلات مالی دانست. در این سیستم برای ایجاد اعتماد میان طرفین معامله، نیازی به استفاده از واسطه‌های متمرکز مانند بانک‌ها و مؤسسات مالی نیست؛ بنابراین با حذف قدرت مرکزی، قدرت کنترل و تصمیم‌گیری میان همه اعضا توزیع شده و امکان ایجاد بحرانی همانند بحران مالی ۲۰۰۸ را از بین می‌برد.

\* هم‌تا به هم‌تا: رمزارزها امکان انتقال مستقیم وجوه بین طرفین معامله را بدون نیاز به شخص ثالث مورد اعتماد فراهم می‌کنند که باعث تسهیل فرایندهای مالی می‌شود. تضمین معاملات رمزارزها با روش‌های رمزنگاری و سازوکارهای تشویقی مانند اثبات کار<sup>۷</sup> صورت می‌گیرد.

\* سرعت: از آنجا که در معاملات رمزارزها واسطه‌ها حذف می‌شوند، انتقال آن‌ها میان طرفین معامله سریع‌تر از ارزهای فیات است. وام‌های لحظه‌ای<sup>۸</sup> که به وام‌های بدون وثیقه نیز معروف‌اند، نمونه خوبی از نقل و انتقالات مالی سریع هستند که در عرض چند ثانیه قابل اجرا می‌باشند.

\* قابلیت جابه‌جایی آسان: یکی از مشخصه‌های پول قابلیت جابه‌جایی است؛ به این معنی که حمل و استفاده از آن باید آسان باشد. برای انتقال رمزارز کافی است آدرس کیف پول گیرنده آن مشخص باشد. سپس با اسکن یک کد QR در کیف پول، می‌توان هر مبلغی را به راحتی و بدون نیاز به واسطه منتقل کرد. \* کارمزد متغیر: در رمزارزهایی مانند بیت‌کوین، هر تراکنش برای نهایی شدن فرآیندی به نام استخراج<sup>۹</sup> را طی می‌کند. در این فرآیند، همه تراکنش‌هایی که تأیید شده باشند در دفترکل زنجیره بلوکی ذخیره می‌شوند. این کار توسط استخراج‌کننده<sup>۹</sup> انجام می‌شود که در ازای وقت و انرژی صرف شده برای استخراج، کارمزد دریافت می‌کند. کارمزد هر تراکنش متغیر بوده و توسط فردی که قصد انجام تراکنش دارد تعیین می‌شود.

\* امنیت: رمزارزهایی مانند بیت‌کوین که از زنجیره بلوکی به‌عنوان فناوری پایه استفاده می‌کنند، دارای امنیت بالایی هستند. زنجیره بلوکی به دلیل استفاده از الگوریتم‌های پیچیده رمزنگاری و قوانین نرم‌افزاری منحصربه‌فرد، اطلاعات تراکنش‌ها را به نحوی ذخیره می‌کند که دستکاری و جعل آن‌ها برای

بلوکی<sup>۲</sup> هستند. بیت‌کوین<sup>۳</sup> اولین و محبوب‌ترین رمزارز است که در سال ۲۰۰۹ توسط فرد یا گروه ناشناسی با نام مستعار ساتوشی ناکاموتو<sup>۴</sup> بر بستر زنجیره بلوکی عرضه شد. زنجیره بلوکی یک نوع سیستم ثبت اطلاعات و گزارش است. تفاوت آن با سیستم‌های دیگر این است که اطلاعات ذخیره شده روی آن، میان همه اعضای شبکه به اشتراک گذاشته می‌شوند و با استفاده از رمزنگاری، امکان حذف و دستکاری اطلاعات ثبت شده، تقریباً غیرممکن می‌شود. دفترکل توزیع شده زنجیره بلوکی، برای ثبت و تأیید تراکنش‌ها نیازی به نهاد واسطه نداشته و می‌تواند امنیت، تغییرناپذیری، قابلیت ردیابی و شفافیت در تراکنش‌ها را با وجود ناشناس بودن هویت طرفین مبادله، فراهم نماید. کارشناسان بر این باورند که زنجیره بلوکی و فناوری‌های مرتبط با آن بسیاری از صنایع از جمله امور مالی و حقوقی را دگرگون می‌سازد.

رمزارزها را می‌توان از طریق فرآیند استخراج<sup>۵</sup>، خرید از صرافی‌های آنلاین یا دریافت به‌عنوان وجه کالاها و خدمات به دست آورد. برای نگهداری و دسترسی به رمزارزها از کیف پول‌های دیجیتال استفاده می‌شود. این کیف پول‌های دیجیتال در حقیقت نرم‌افزارها یا سخت‌افزارهایی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان دارایی‌های دیجیتال را نگهداری یا ارسال کرد.

البته هنوز همه سرویس‌های ارائه‌دهنده تجارت الکترونیک امکان خریدوفروش با رمزارزها را ندارند و حتی رمزارزهای محبوب مانند بیت‌کوین نیز به سختی برای معاملات خرده‌فروشی استفاده می‌شوند. با این حال، رشد سریع قیمت‌ها و افزایش قابل



و قدرت میان اعضای شبکه در تئوری اولیه آن‌ها مطرح شده است. در حالی که در واقعیت، مالکیت آن‌ها بسیار متمرکز شده است. مطالعه‌ای در MIT نشان داد که تنها ۱۱۰۰۰ سرمایه‌گذار، ۴۵ درصد ارزش بیت‌کوین را در اختیار دارند. این موضوع را می‌توان یکی از مهم‌ترین معایب رمزارزها در نظر گرفت، زیرا عده‌ای خاص می‌توانند قیمت‌ها را کنترل کرده و باعث زیان سرمایه‌گذاران خرد گردند.

\* تمرکز در استخراج: یکی از شعارهای اولیه بیت‌کوین این بود که هر کسی قادر است با استفاده از یک رایانه متصل به اینترنت وارد شبکه شده و این رمزارز را استخراج کند. با وجود این که این امر در ابتدای تولد بیت‌کوین کاملاً امکان‌پذیر بود، اما با گذشت زمان و افزایش سختی شبکه همراه با افزایش مصرف انرژی، عملاً تنها شرکت‌های بزرگ قادر به استخراج بیت‌کوین هستند که منجر به تمرکز فرایند استخراج می‌شود. بر اساس مطالعه MIT، ۹۰ درصد استخراج بیت‌کوین تنها توسط ۱۰ درصد استخراج‌کنندگان انجام می‌شود.

\* سرقت: اگرچه فناوری زنجیره بلوکی امنیت بالایی را برای شبکه رمزارزها فراهم می‌کند، اما سایر مخازن نگهداری مانند صرافی‌ها و کیف‌پول‌ها را می‌توان هک کرد. در طول سال‌های اخیر، تعدادی از صرافی‌ها و کیف‌پول‌های دیجیتال هک شده‌اند که گاهی به سرقت میلیاردها دلار رمزارز انجامیده است. \* فعالیت‌های مجرمانه: نگرانی‌های زیادی در مورد استفاده از رمزارزها در فعالیت‌های مجرمانه مانند قاچاق و پولشویی وجود دارد. در ابتدای معرفی، بستر رمزارزها بهشتی برای پولشویی و تأمین مالی تروریسم تصور می‌شد؛ اما به مرور زمان و با افزایش دانش مردم و دولت‌ها در این زمینه، مشخص شد که این ادعا کاملاً درست نیست و امکان پیوند زدن آدرس‌های ناشناس با هویت واقعی افراد وجود دارد. با این حال هنوز نیز بخشی از حجم معاملات رمزارزها مربوط به فعالیت‌های غیرقانونی است.

\* نوسان: قیمت رمزارزها فراز و نشیب‌هایی داشته و چرخه‌های مختلف اوج و سقوط را پشت سر گذاشته است؛ به‌عنوان مثال بیت‌کوین در طول تاریخ خود، افزایش سریع و سقوط در ارزش را در سال ۲۰۱۷ تجربه کرد. این سرعت بالای تغییرات می‌تواند خسارات مالی قابل توجهی را به سرمایه‌گذاران بی‌پروا وارد کند. در این نوشتار، رمزارزها و ویژگی‌های مثبت و منفی آن‌ها مورد بحث قرار گرفت. به طور کلی مزایای استفاده از رمزارزها را می‌توان در انتقال پول سریع‌تر و ارزان‌تر و ارائه یک سیستم مالی غیرمتمرکز بدون نیاز به نهاد واسطه دانست. همچنین نوسانات قیمتی بالا، مصرف انرژی زیاد برای فرایند استخراج و استفاده در فعالیت‌های مجرمانه از معایب استفاده از آن‌ها می‌باشد. ♦♦

مهاجمان بسیار دشوار باشد؛ به‌عنوان مثال در شبکه بیت‌کوین برای ایجاد اجماع و توافق از سازوکار اثبات کار استفاده می‌شود. این کار امکان دو بار خرج کردن پول را از بین برده و مقاومت شبکه برای هجوم یا دستکاری را بالا می‌برد.

\* شفافیت: استفاده از زنجیره بلوکی به‌عنوان بستر رمزارزها باعث شفافیت در معاملات می‌شود. زنجیره بلوکی یک ثبت عمومی از اینکه چه کسی مالک چه چیزی است را ارائه می‌کند و امکان ردگیری و بررسی اطلاعات تراکنش‌ها همیشه وجود خواهد داشت.

\* حفظ حریم خصوصی: یکی از ویژگی‌های مهم رمزارزها، حفظ حریم خصوصی افراد است. برای اتصال به شبکه، ارائه اطلاعات هویتی لازم نبوده و آدرس‌ها ناشناس هستند.

\* سرمایه‌گذاری: ارزش بازار رمزارزها در دهه گذشته به شدت افزایش یافته و سرمایه‌گذاری در رمزارزها می‌تواند سود خوبی را به همراه داشته باشد. در ۲۰ دسامبر ۲۰۲۱، ارزش بازار بیت‌کوین بیش از ۸۶۲ میلیارد دلار بود.

\* معاملات حواله‌ای: یکی از برجسته‌ترین موارد استفاده از رمزارزها، به کارگیری آن‌ها به‌عنوان واسطه‌ای برای تسهیل نقل و انتقال پول در سراسر جهان است که با عنوان معاملات حواله‌ای شناخته می‌شود. در چنین موردی یک ارز فیات به بیت‌کوین یا هر رمزارز دیگر تبدیل شده، از مرزها انتقال یافته و متعاقباً به ارز فیات مقصد تبدیل می‌شود. این روش، فرایند انتقال پول را ساده‌تر و ارزان‌تر می‌کند.

### معایب استفاده از رمزارزها

\* قابلیت ردگیری: همانطور که قبلاً نیز گفته شد، در بیت‌کوین تراکنش‌ها با آدرس‌های ناشناس انجام می‌شوند؛ به بیان دقیق می‌توان گفت که چنین شبکه‌ای ناشناس نیست، بلکه وابسته به نام مستعار است. روش‌های مختلفی برای پیوند زدن این آدرس‌های ناشناس با هویت واقعی افراد وجود دارد و اگر یک نهاد قانونی بتواند به هر شکلی این کار را انجام دهد، با توجه به ثبت شفاف همه تراکنش‌ها در زنجیره بلوکی، دیگر برای آن آدرس حریم خصوصی وجود ندارد. البته رمزارزهای دیگری مانند مونرو<sup>۱۰</sup>، برای ارائه سطح بالاتری از حریم خصوصی معرفی شده‌اند. \* سؤالات حقوقی: وضعیت حقوقی رمزارزها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در برخی از کشورها استفاده از آن‌ها به‌عنوان ابزار معامله رایج است، در حالی که در برخی دیگر غیرقانونی است. بسته به ساختار قضایی کشورها، موضع‌گیری نسبت به رمزارزها و به تبع آن قوانین مالیاتی مربوط به آن متفاوت است. برخی آن را به‌عنوان دارایی و برخی به‌عنوان ارز به رسمیت شناخته‌اند و گروه سوم از آن‌ها نیز تنها در حال رصد تحولات هستند. \* تمرکز در مالکیت: غیرمتمرکز بودن رمزارزها و توزیع ثروت

### اولین و مهم‌ترین

#### مزیت رمزارزها

#### را می‌توان ارائه

#### یک سیستم

#### غیرمتمرکز برای

#### تبادلات مالی

#### دانست. در این

#### سیستم برای

#### ایجاد اعتماد

#### میان طرفین

#### معامله، نیازی

#### به استفاده از

#### واسطه‌های

#### متمرکز مانند

#### بانک‌ها و

#### مؤسسات

#### مالی نیست؛

#### بنابراین با حذف

#### قدرت مرکزی،

#### قدرت کنترل

#### و تصمیم‌گیری

#### میان همه اعضا

#### توزیع شده و

#### امکان ایجاد

#### بحرانی همانند

#### بحران مالی

#### ۲۰۰۸ را از بین

#### می‌برد.

# سرعت تحول در ارزش‌های دیجیتال و تأثیر آن‌ها بر فضای مالی جهان

♦ **وحید سلطانی‌نژاد**

مدرس حوزه رمز ارزها



در زمان نگارش  
این متن حجم  
مالی بازار  
ارزهای دیجیتال  
در حدود  
یک تریلیون و  
هشتصد میلیارد  
دلار است.  
تحلیلگران بر  
این باورند که رمز  
ارزها و تکنولوژی  
بلاک چین مانند  
ابتدای استفاده  
از اینترنت  
هستند و هنوز در  
سال‌های نخست  
جهان شمول  
شدن این  
تکنولوژی قرار  
داریم. این بازار  
می‌تواند به  
سرعت جایگزین  
حجم بازار طلا و  
سایر دارایی‌های  
فیزیکی گردد.

در آینده مالی دنیا و تغییرات آن در سطح بنیادی فعالیت جامعه در حال رخنه کردن است. بانکداری سنتی با دخل و تصرف بسیار و غیر شفاف عمل کردن نسبت به دارایی‌ها، کم‌کم جای خود را به شیوه‌های نوین آن که با عنوان «امور مالی غیرمتمرکز» شناخته می‌شود، خواهد داد. در این نوع از امور مالی همه فعالیت‌ها به صورت شفاف و غیرمتمرکز صورت می‌گیرد و در مسائلی مانند وام دهی، سپرده‌گذاری غیرمتمرکز، بیمه‌ها و معاملاتی که بین افراد شکل خواهد گرفت، پدیدار می‌شود. در واقع تاکنون در حدود ۴۰۰ میلیون نفر از کل جمعیت کره زمین در حال نگهداری و استفاده از رمز ارزها هستند. بسیاری از این افراد نگاهی بلندمدت و مثبت به این موضوع دارند. برخی دیگر تنها به سود کوتاه‌مدت در این بازار چشم دوخته‌اند. بازار رمز ارزها با وجود سابقه نه چندان، اما حجم مالی بسیار زیادی را در خود جای داده است. در زمان نگارش این متن حجم مالی بازار ارزهای دیجیتال در حدود یک تریلیون و هشتصد میلیارد

در سال‌های اخیر مطالب بسیاری درباره موضوع رمز ارزها شنیده‌ایم. همواره به دنبال گسترش پذیرش جوامع مختلف از این موضوع، رشد و پویایی بسیاری نیز در این باره در حال وقوع است. از سال ۲۰۰۹ که شروع بهره‌برداری مالی از تکنولوژی بلاک چین اتفاق افتاد و بیت کوین به‌عنوان نماد رمز ارزها معرفی شد تاکنون شاهد تحولات بسیاری در حوزه رمز ارزها بوده‌ایم. اگرچه بیت کوین پرچمدار اصلی رمز ارزها است، اما از سال ۲۰۱۳ که قراردادهای هوشمند برای اولین بار در بستر بلاک چین اتریوم ساخته و پرداخته شد، خونی تازه در رگ‌های رمز ارزها جاری شد. حاصل این تکنولوژی به وجود آمدن پلی میان استفاده از تکنولوژی بلاک چین در دنیای واقعی و دنیای مجازی بود. با استفاده از قراردادهای هوشمند اکنون می‌توان تمام فعالیت‌های اقتصادی سنتی مانند؛ خدمات بانکداری، بیمه، رزرواسیون و توکنیزه کردن دارایی‌ها و ... در بستر بلاک چین را به ارمغان آورد. ویژگی اصلی و حائز اهمیت در بلاک چین‌ها که به عنوان دفتر کلی توزیع شده به شمار می‌روند، شفافیت و غیرمتمرکز بودن آن است، چراکه در بسیاری موارد تسلط مرکزی افراد بر خدمات باعث اعمال سلیقه و دخل و تصرف در امور اجرایی مربوطه می‌شود. تمرکززدایی، دستاورد بزرگی در شکل‌گیری روند جاری فعالیت‌ها در زندگی امروز است و به‌راحتی می‌تواند جایگزین رویکرد سنتی که دارای تمرکز است گردد. نیاز به شفافیت نیز در بسیاری از فعالیت‌های زندگی امروزه احساس شده، به صورتی که در گذشته و در حال حاضر مردم دید شفاف از عملکرد سیستم‌ها و چگونگی پیشبرد آن ندارند و این باعث احساس نیاز به‌نوعی جدید از شکل‌گیری روند شده که دارای شفافیت کامل است و باعث می‌گردد به‌طور کامل ثقل و دستبرد در پیشینه و سابقه فعالیت‌ها از بین برود. بلاک چین با ویژگی‌های منحصر به‌فرد خود و سهولت استفاده از آن، این دغدغه را به‌خوبی حل نموده و جایگزین مناسبی برای بسیاری از فعالیت‌های مورد استفاده مردم خواهد بود.

سرعت تحول در موضوع رمز ارزها بسیار پرشتاب است و به‌نوعی





انتقال اطلاعات از بیرون از بلاک چین به داخل آن را دارند و پلتفرم‌های سپرده‌گذاری ویژه خود هستند و تمامی فعالیت‌ها در این شبکه‌ها با پرداخت کارمزد توسط توکن بومی خود حجم زیادی از تراکنش‌های مالی را به وجود خواهد آورد.

دسته دوم توکن‌هایی هستند که بر بستر سایر بلاک‌چین‌ها قرار دارند و برای خود ارزشی انحصاری ندارند؛ مانند مانا، چین لینک، لونا (mana&link&luna).

دسته آخر که با نام استیبل کوین‌ها شناخته می‌شوند، قیمت همیشه ثابت یک دلاری دارند؛ مانند تتر، بی یو اس دی، تی یو اس دی و نوع غیرمتمرکز آن مانند دای (tether&busd&tusd&dai).

نوعی دیگر از دارایی دیجیتال وجود دارد که با نام توکن غیر مثلی (nft) در دنیای بلاک‌چین در حال ترند شدن است. نوعی از توکن ماندها که مالکیت معنوی دارایی‌ها را برای افراد به وجود می‌آورد و ارزش‌گذاری آن را با توجه به کمیاب بودن آن، در یک بلاک برای همیشه ثبت می‌کند و تنها در صورت انتقال دارنده مالکیت تغییر می‌کند این موضوع در معاملات املاک و سایر دارایی‌ها نیز می‌تواند حائز اهمیت باشد. در رویکرد سنتی، بسیاری از نویسندگان، هنرمندان و حتی دارندگان یک دارایی معنوی با وجود واسطه‌ها ارزش واقعی خود را به دست نمی‌آورند و این نوع از توکن‌ها به راحتی این مشکل را حل کرده و ارزش دارایی مستقیم به صاحب اثر پرداخت می‌گردد.

اکنون در نقطه‌ای قرار داریم که کسب درآمد از ارزهای دیجیتال همواره در حال شکوفایی است. در تمام فعالیت‌های روزمرگی

دلار است. تحلیلگران بر این باورند که رمز ارزها و تکنولوژی بلاک‌چین مانند ابتدای استفاده از اینترنت هستند و هنوز در سال‌های نخست جهان‌شمول شدن این تکنولوژی قرار داریم. این بازار می‌تواند به سرعت جایگزین حجم بازار طلا و سایر دارایی‌های فیزیکی گردد.

در حال حاضر حدود ۱۹ هزار نوع ارز دیجیتال وجود دارد و به طور کلی هر ارز دیجیتال دارای نوعی از فعالیت و اهداف منحصربه‌فرد خود است. انواع و عملکردهای متفاوتی از ارزهای دیجیتال وجود دارد؛ برخی صرفاً به جهت تراکنش‌های مالی به وجود آمده‌اند و برخی دیگر در کنار امور مالی، فعالیت‌های دیگری را شامل می‌شوند؛ به عنوان مثال عملکرد برخی در زمینه انرژی است، قدرت تکنولوژی بلاک‌چین را در ثبت و توزیع انرژی به کار برده‌اند، نوعی دیگر از این فعالیت‌ها امور رزرواسیون هتل‌ها و بلیط هواپیما است و نوعی دیگر از فعالیت در این زمینه را می‌توان در حوزه متاورس غیرمتمرکز که به سرعت در حال ترند شدن است به شمار آورد؛ بنابراین تکنولوژی بلاک‌چین و رمز ارزها به سرعت در همه فعالیت‌های زندگی امروزه نقش مؤثری ایفا خواهند نمود. در یک دسته‌بندی دیگر، سه دسته کلی از ارزها وجود دارد. دسته اول، ارزی که بر بستر بلاک‌چین خودشان قرار دارند و به عنوان توکن بومی آن بلاک‌چین و با نام رسمی کوین شناخته می‌شوند؛ مانند اتریوم و بی ان بی (Eth&bnb). این ارزها علاوه بر استفاده عمومی تراکنش‌های مالی به دلیل استفاده سایر توکن‌ها در بلاک‌چین‌های آن‌ها دارای اکوسیستمی شامل کیف پول انحصاری، صرافی‌های غیرمتمرکز، اوراکل‌ها که وظیفه



مردم، رمز ارزها با پیدا کردن جایگاه خود قادر هستند به کسب درآمد افراد کمک شایانی نمایند. منابع درآمدی که تاکنون با فعالیت فعالان و حضور افراد همراه بوده، با سرعت سیستم سنتی را از بین خواهد برد و جای خود را به سیستم درآمدی غیرفعال خواهد داد. استخراج، معامله‌گری، سپرده‌گذاری ارزها، بازی‌های ویدیویی کامپیوتری و تلفن همراه، تماشای تبلیغات، جست‌وجو در مرورگرها و حتی قدم زدن راه‌هایی هستند که می‌توان از آن‌ها به عنوان مجرای کسب درآمد در سیستم ارزهای دیجیتال نام برد. در آینده‌ای نه چندان دور، ربات‌هایی ساخته خواهد شد که به صورت خودکار عمل استخراج را انجام و با درآمد خود از استخراج، معامله‌گری را نیز انجام و از طریق درآمد مستمر به صورت آنلاین خریدهای مورد نیاز بشر را انجام دهد؛ بنابراین نقش انسان به عنوان عنصر فعال در همه این موضوعات از بین خواهد رفت.

این موضوعات در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و جهان سوم سرعت بیشتری دارند؛ چرا که با افزایش ارزش ارزهای فیات (ارزهای رایج بین‌المللی مانند دلار) در این کشورها کسب درآمد از این مجاری بسیار پرسود است. در واقع مردم این کشورها و بویژه کشور خودمان ایران به اشتباه به جای سرمایه‌گذاری علمی و مالی در تکنولوژی بلاک‌چین به دنبال سودآوری بسیار زیاد و کوتاه‌مدت در ارزهای دیجیتال هستند که متأسفانه در این میان افراد سودجو مردم را برای سرمایه‌گذاری بدون دانش در این زمینه ترغیب کرده و باعث گمراهی و زیان‌های غیرقابل جبرانی می‌شوند. حکومت‌ها نیز با توجه به اینکه تعداد افرادی که به جمع دارندگان رمز ارزها می‌پیوندند، اضافه می‌گردد درصد قانون‌گذاری و حتی تولید رمز ارز ملی خود هستند. برخی کشورهای پیش‌تاز، ارز دیجیتال بیت‌کوین را به عنوان ارز رایج کشورشان در قوانین جدید داخل کرده‌اند. برخی دیگر با به وجود آوردن بلاک‌چین خصوصی و دولتی خود نسبت به پول رایج کشور، رمز ارز ملی خود را تولید نموده‌اند. اخبار حاکی از آن است که رمز ارز ملی کشور ایران نیز بر بستر بلاک‌چینی به نام ققنوس و با نام رمز ریال به‌زودی رونمایی می‌گردد.

سازمان‌ها و شرکت‌هایی با تراکنش مالی بالا نیز به راحتی قادرند توکن بومی خود را بر بستر بلاک‌چین‌های متن باز مانند اتریوم (ERC20) و یا باینانس اسمارت چین (BEP20) تولید و برای فعالیت‌های مالی و اقتصادی مرتبط با عملکردشان در بین عموم مردم توزیع نمایند. استفاده از بلاک‌چین و رمز ارزها می‌تواند سرعت، سهولت و هزینه کمتری را برای مبادلات مالی در بین سازمان‌ها به وجود آورد؛ به صورتی که در سیستم سنتی بانکداری علیرغم قوانین و محدودیت‌های موجود، وجود واسطه‌ها به خودی خود شامل هزینه مضاعفی می‌گردد، اما رمز ارزها با حذف واسطه‌ها و غیرمتمرکز نمودن عملیات، باعث از بین

رفتن این موارد می‌گردند.

با توجه به تحلیل‌های درون شبکه، هر روزه میزان استفاده از رمز ارزها در بین مردم رکورد جدید زده و به زودی کشورهای دنیا یکی پس از دیگری قوانین تازه‌ای در جهت اخذ مالیات‌ها از ابزارهای موجود در این زمینه وضع خواهند نمود و بهره‌برداری از تمام کاربردهای تکنولوژی بلاک‌چین را مورد توجه قرار خواهند داد و این موضوع برای کشورها می‌تواند منبع درآمد قابل توجهی به وجود آورد.

اگرچه توصیف موارد مختلف دخل و تصرف این تکنولوژی در دنیای امروز قابل بیان در این متن کوتاه نیست، اما به باور تحلیلگران، شروع انقلابی جدید در زمینه مبادلات مالی و همه فعالیت‌های جاری در زندگی مردم در حال وقوع است و به نوعی یک سیستم یکپارچه نوین جایگزین سیستم مالی و اعتباری سنتی، نسبت به بازخوردهای مختلف افراد شکل گرفته و در پی آن رویه‌ها و دستورالعمل‌های جدیدی مبنی بر استفاده از این موضوعات در دنیا پدید خواهد آمد که اطمینان خاطر برای استفاده‌کنندگان را به نحو مؤثری تسهیل بخشد، اما نکته مهم این موضوع برای بلوغ و اطمینان از حرکت در مسیر صحیح و درست آن، آموزش‌های گام‌به‌گام عمومی و به‌کارگیری متخصصان این حوزه در تمامی سطوح است.

### سخن آخر

در طول زمان، تکنولوژی‌ها باعث تسهیل امور و فعالیت‌های بشری شده است؛ و هر تغییری در ابتدا با میزان زیادی معایب و مزایا همراه است، اما به‌مرور با ارتقا دانش و تجربه مردم از معایب آن کاسته شده و به مزیت‌های آن افزوده می‌شود. در کنار همه توجهاتی که به این تکنولوژی شده است، نباید از مضراتی مانند پول‌شویی و پرداخت‌های غیرقانونی غافل شد. با تدوین یک استراتژی قوی و قانون‌گذاری‌های دقیق می‌توان از این تکنولوژی در امور مختلف به‌خوبی استفاده نمود. جوامعی که در این مسیر زودتر خود را با تغییرات تطبیق داده‌اند، همواره با رشد و توسعه بیشتری همراه بوده‌اند. نکته مهم در این مطلب کوتاه، نگاه توسعه محور به تکنولوژی بلاک‌چین و رمز ارزها است که با آگاهی بخشی عمومی و تخصصی توان رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی را مقدور می‌سازد. ویژگی‌هایی که در این مطلب بیان شد، تنها برخی از جهات تأثیرگذاری در زندگی عمومی مردم است. در این حوزه هر روزه اکتشافات تازه علمی و عملی را شاهد هستیم و در صورتی که تصمیم‌گیران و مدیران آشنایی کاملی در این زمینه داشته باشند می‌توان نیرویی محرکه نسبت به بهره‌برداری از این اکتشافات را در کشور ایران و دنیا شاهد بود؛ بنابراین تنها مسیر قابل‌اعتماد برای رسیدن به نقطه‌ای مناسب در این حوزه، آموزش و ارتقا دانش در تمام سطوح این موضوعات است. ♦♦

استخراج، معامله‌گری، سپرده‌گذاری ارزها، بازی‌های ویدیویی کامپیوتری و تلفن همراه، تماشای تبلیغات، جست‌وجو در مرورگرها و حتی قدم زدن راه‌هایی هستند که می‌توان از آن‌ها به عنوان مجرای کسب درآمد در سیستم ارزهای دیجیتال نام برد. در آینده‌ای نه چندان دور، ربات‌هایی ساخته خواهد شد که به صورت خودکار عمل استخراج را انجام و با درآمد خود از استخراج، معامله‌گری را نیز انجام و از طریق درآمد مستمر به صورت آنلاین خریدهای مورد نیاز بشر را انجام دهد؛ بنابراین نقش انسان به عنوان عنصر فعال در همه این موضوعات از بین خواهد رفت.

# فرصت‌ها و چالش‌های تجارت استان کرمان با روسیه بعد از جنگ روسیه و اوکراین

◆ معصومه سعید

مدیر بخش توسعه بازار و بهبود فضای کسب‌وکار اتاق کرمان

همکاران: شیمایا ملک‌پورزاده، آسیه حسینی‌نسب و مهدی بدیعی

کارشناسان بخش توسعه بازار و بهبود فضای کسب‌وکار اتاق کرمان



## در این گزارش ابتدا

به بررسی تجارت

روسیه با جهان و

جایگاه این کشور

در بازار جهانی

واردکنندگان و

صادرکنندگان

عمده محصولات

با پتانسیل

صادراتی

می‌پردازیم، سپس

تجارت ایران و

استان کرمان با

کشورهای روسیه

و اوکراین و سهم

کرمان در صادرات

ایران به روسیه و

همچنین اقلام

عمده وارداتی

ایران از روسیه

مورد بررسی قرار

می‌گیرد.

در نهایت به

پیامدهای جنگ

روسیه و اوکراین،

تحریم‌های روسیه

و فرصت‌های

پیش آمده

خواهیم پرداخت.

بالایی است؟ و اینکه روابط اقتصادی تیره‌تر این کشور با غرب و تحریم‌های اعمال‌شده، فرصت‌هایی را برای تجارت با این کشور به وجود آورده است؟ جایگاه اوکراین در تجارت با استان کرمان و ایران به چه میزان بوده است و درگیری اوکراین در این جنگ و خسارات زیاد آنچه تأثیری بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت؟

برای پاسخ به این سؤالات، در این گزارش ابتدا به بررسی تجارت روسیه با جهان و جایگاه این کشور در بازار جهانی واردکنندگان و صادرکنندگان عمده محصولات با پتانسیل صادراتی می‌پردازیم، سپس تجارت ایران و استان کرمان با کشورهای روسیه و اوکراین و سهم کرمان در صادرات ایران به روسیه و همچنین اقلام عمده وارداتی ایران از روسیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در نهایت به پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین، تحریم‌های روسیه و فرصت‌های پیش آمده خواهیم پرداخت.

کشور روسیه همواره یکی از بازارهای هدف مهم استان بوده است، زیرا از یک سو این کشور در نیمی از سال به دلیل شرایط اقلیمی (فصل پاییز و زمستان) فاقد تولیدات کشاورزی است و برای تأمین مواد غذایی موردنیاز خود و بویژه واردات میوه و تره‌بار به شدت به دیگر کشورها وابسته است و از سوی دیگر به دلیل قرار گرفتن در حاشیه دریای خزر و نزدیک بودن به ایران از نظر مسافت، ظرفیت بسیار مناسبی برای صادرات، خصوصاً صادرات مواد غذایی، محصولات کشاورزی و خشکبار است و کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل به دلیل فاصله نزدیک بین دو کشور نیز موجب تسهیل در تجارت ایران و روسیه می‌شود.

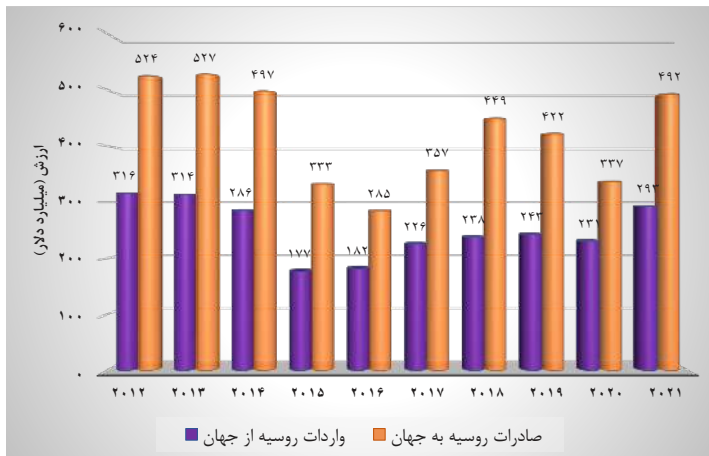
ایران در بسیاری از کالاهای وارداتی روسیه دارای مزیت رقابتی است. ضمن اینکه در حوزه محصولات غذایی و کشاورزی، آرایشی و بهداشتی، پزشکی، شیمیایی، صنعتی و پوشاک، ظرفیت‌های صادراتی به کشور روسیه وجود دارد. عمده اقلام صادراتی بالفعل ایران به روسیه شامل میوه‌جات، خشکبار، سبزیجات، پسته، مواد پلاستیکی، فلفل فرنگی، پلی‌اتیلن، هندوانه، گوجه‌فرنگی، سیمان، کاشی و سرامیک و... می‌باشد و عمده‌ترین محصولات وارداتی از روسیه نیز غلات، روغن، چوب، کاغذ، دارو، پنبه، کاوچو، ماشین‌آلات و فلزات هستند.

با توجه به لیست اقلام بالقوه صادراتی و وارداتی روسیه و امکان تجارت بسیاری از این اقلام در استان کرمان، روسیه یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری استان کرمان به شمار می‌آید.

حال سؤال اینجاست که کشور روسیه که اخیراً درگیر جنگ با اوکراین است، آیا همچنان بازار با قابلیت



نمودار شماره ۱- مبادلات تجاری روسیه با جهان طی سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ (منبع: ITC)



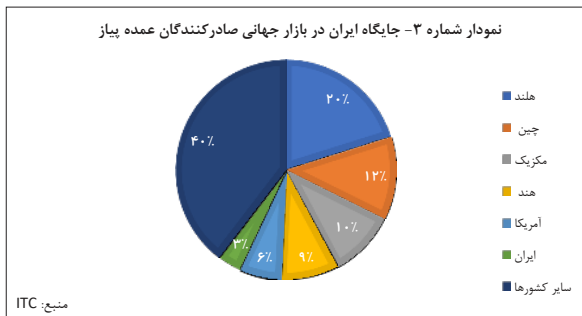
### تجارت روسیه با جهان

بر اساس آمار مرکز تجارت بین‌الملل (ITC) میزان صادرات روسیه به جهان در ۹۹ فصل تعرفه‌ای در سال ۲۰۲۱ معادل ۴۹۲ میلیارد دلار که در مقایسه با میزان صادرات کشور روسیه به جهان در سال ۲۰۲۰ که معادل ۳۳۷ میلیارد دلار می‌باشد، حدود ۴۶ درصد افزایش داشته است.

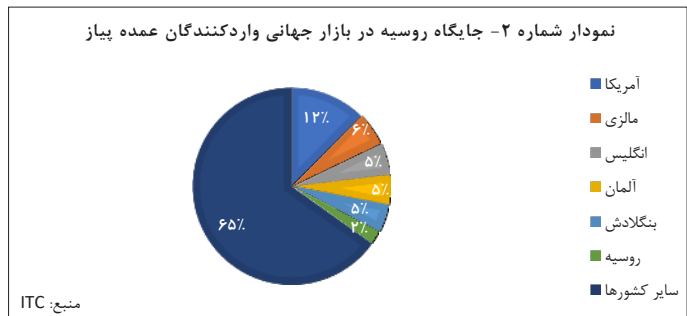
واردات کشور روسیه از جهان در سال ۲۰۲۱ معادل ۲۹۳ میلیارد دلار می‌باشد و دارای یک تراز مثبت تجاری بالغ بر ۱۹۹ میلیارد دلار در سال مذکور می‌باشد. این در حالی است که تراز مذکور در سال ۲۰۲۰ نیز مثبت و معادل ۱۰۶ میلیارد دلار بوده است. شایان ذکر است واردات کشور روسیه از جهان در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال ۲۰۲۰، حدود ۲۷ درصد افزایش داشته است.

### جایگاه روسیه در بازار جهانی واردکنندگان و صادرکنندگان عمده محصولات با پتانسیل صادراتی استان کرمان در سال ۲۰۲۰

نمودار شماره ۲- جایگاه ایران در بازار جهانی صادرکنندگان عمده پیاز

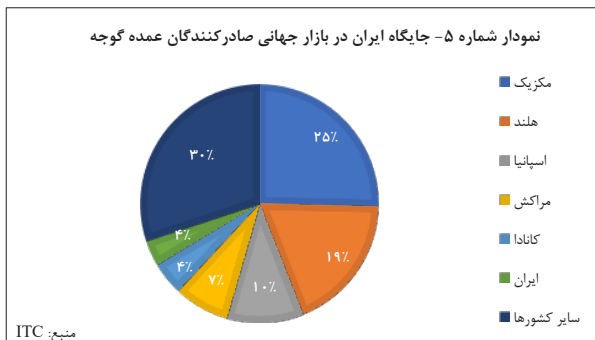


نمودار شماره ۲- جایگاه روسیه در بازار جهانی واردکنندگان عمده پیاز

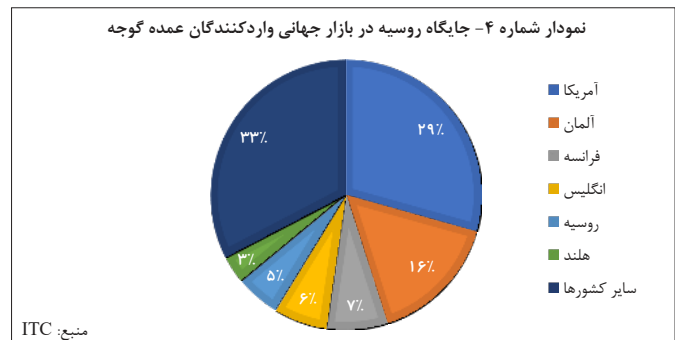


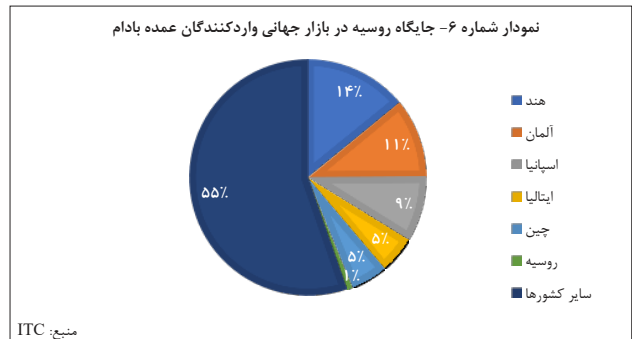
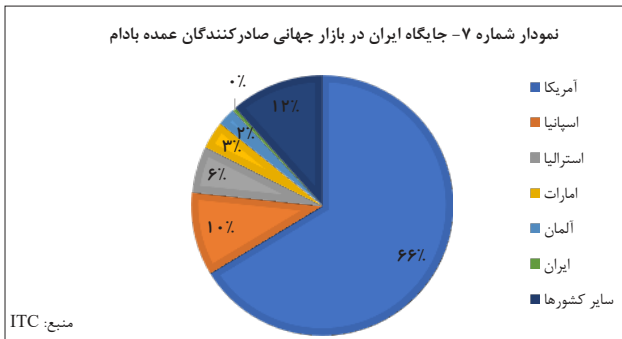
همان‌طور که در نمودار شماره (۴) مشاهده می‌گردد آمریکا بیشترین سهم را بین کشورهای واردکننده گوجه به میزان ۲۹ درصد دارد. روسیه هم با داشتن سهم ۵ درصدی یکی از عمده واردکنندگان گوجه در جهان می‌باشد. در خصوص صادرات گوجه با توجه به نمودار شماره (۵)، کشور مکزیک با سهم ۲۵ درصد رتبه اول صادرات این محصول را در دنیا دارد. سهم ایران در صادرات این محصول ۴ درصد است که با عنایت به آمار ذکر شده و پتانسیل تولید و صادرات محصول گوجه در استان کرمان، به نظر می‌رسد با برنامه‌ریزی دقیق و مؤثر بتوان در توسعه صادرات این محصول نقشی مطلوبی ایفا نمود.

نمودار شماره ۵- جایگاه ایران در بازار جهانی صادرکنندگان عمده گوجه

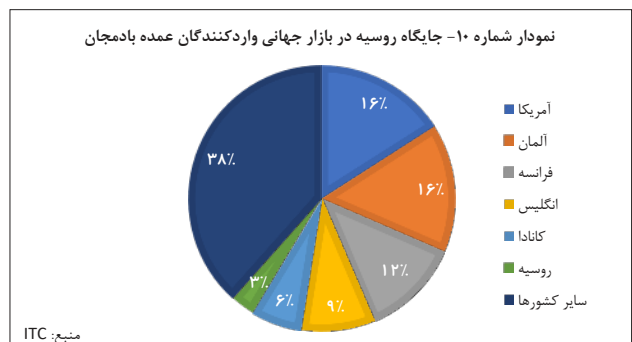
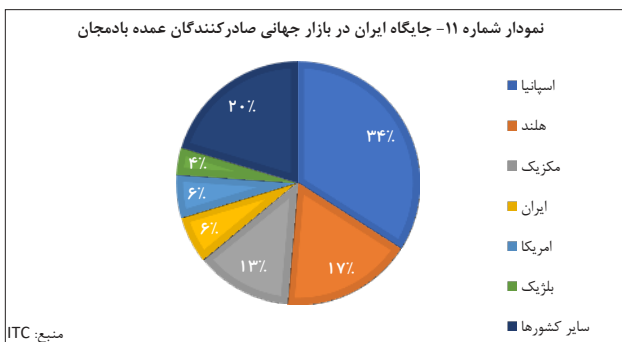
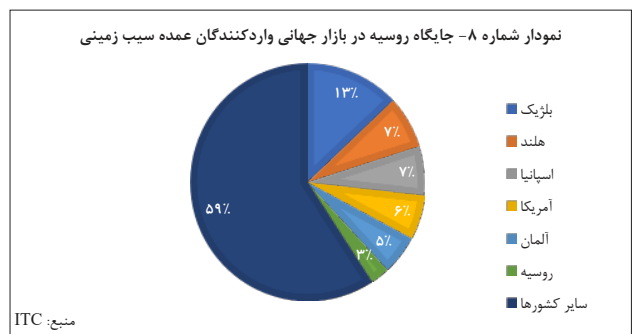
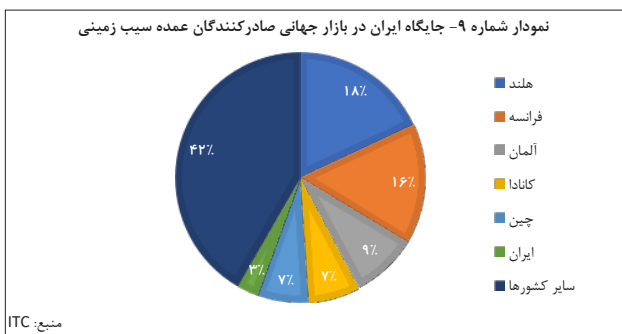


نمودار شماره ۴- جایگاه روسیه در بازار جهانی واردکنندگان عمده گوجه





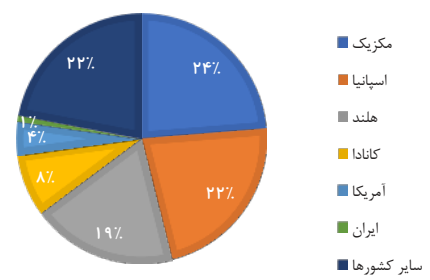
با توجه به نمودار شماره ۸ (کشور بلژیک بیشترین سهم را بین کشورهای واردکننده سیب زمینی به میزان ۱۳ درصد دارد و کشور روسیه سهم ۳ درصدی از این بازار را داراست. در خصوص صادرات سیب زمینی نیز با توجه به نمودار شماره ۹)، کشور هلند با سهم ۱۸ درصد، رتبه اول صادرات این محصول در دنیا را دارد و سهم ایران در صادرات سیب زمینی ۳ درصد می باشد. با توجه به آمار صادرات استان در خصوص محصول سیب زمینی پتانسیل قابل توجهی برای صادرات این محصول وجود دارد.



با توجه به نمودار شماره ۱۲ (آمریکا بیشترین سهم را بین کشورهای واردکننده عمده فلفل دلمه‌ای به میزان ۳۱ درصد دارد و روسیه نیز به عنوان یکی از بازارهای صادراتی این محصول، سهم ۳ درصدی دارد که قابل توجه می باشد. در خصوص صادرات فلفل دلمه‌ای با توجه به نمودار شماره ۱۳)، کشور مکزیک با سهم ۲۴ درصد رتبه اول صادرات این محصول در دنیا را دارد و سهم ایران در صادرات فلفل دلمه‌ای ۱ درصد می باشد. با عنایت به آمار ذکر شده و پتانسیل تولید و صادرات محصول فلفل دلمه‌ای در استان کرمان، به نظر می رسد با برنامه ریزی دقیق و مؤثر بتوان در توسعه صادرات این محصول نقش مطلوبی ایفا شود.

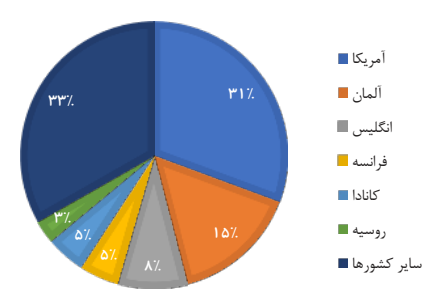


نمودار شماره ۱۳- جایگاه ایران در بازار جهانی صادرکنندگان عمده فلفل دلمه ای



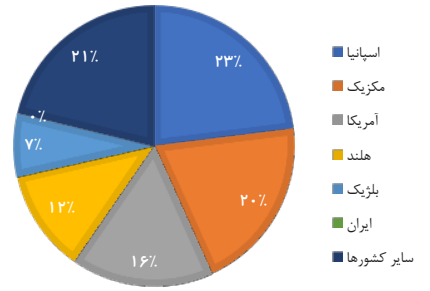
منبع: ITC

نمودار شماره ۱۲- جایگاه روسیه در بازار جهانی واردکنندگان عمده فلفل دلمه ای



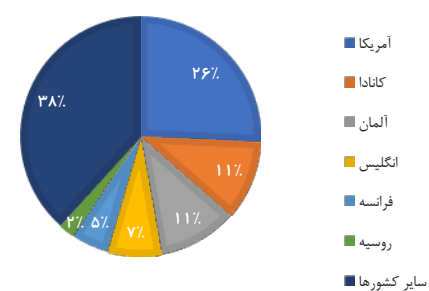
منبع: ITC

نمودار شماره ۱۵- جایگاه ایران در بازار جهانی صادرکنندگان عمده توت فرنگی



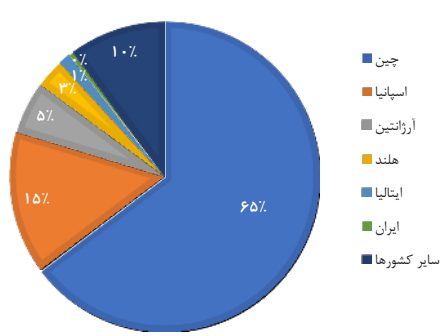
منبع: ITC

نمودار شماره ۱۴- جایگاه روسیه در بازار جهانی واردکنندگان عمده توت فرنگی



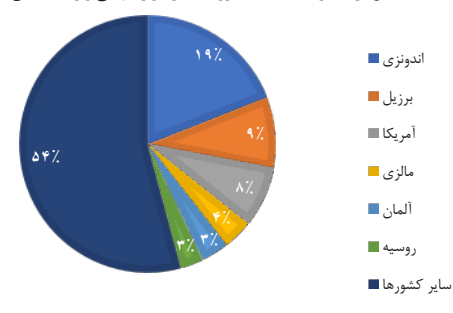
منبع: ITC

نمودار شماره ۱۷- جایگاه ایران در بازار جهانی صادرکنندگان عمده سیر



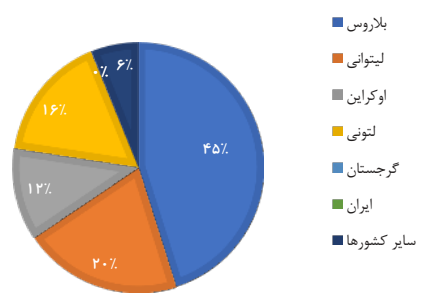
منبع: ITC

نمودار شماره ۱۶- جایگاه روسیه در بازار جهانی واردکنندگان عمده سیر



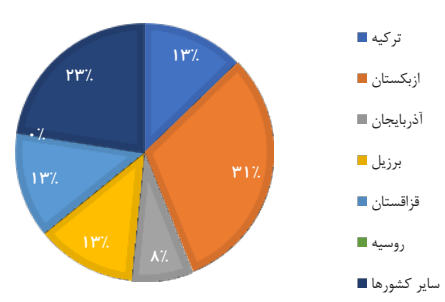
منبع: ITC

نمودار شماره ۱۹- جایگاه ایران در بازار جهانی صادرکنندگان عمده هندوانه

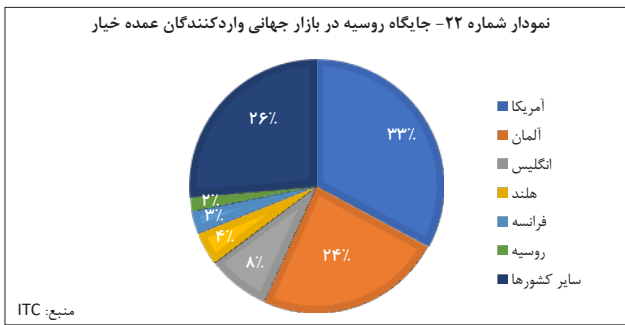
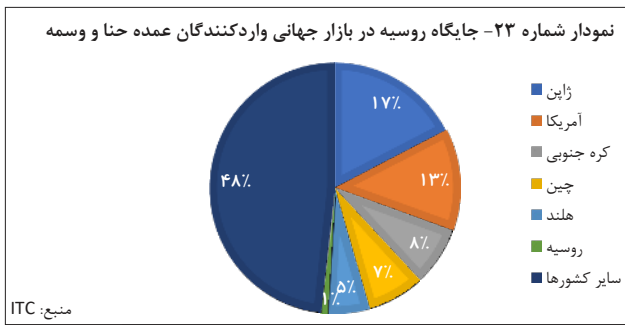
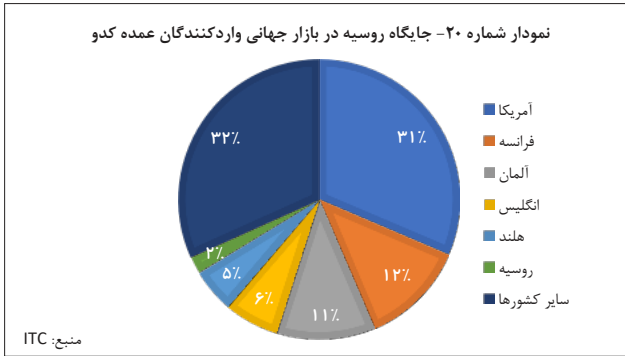
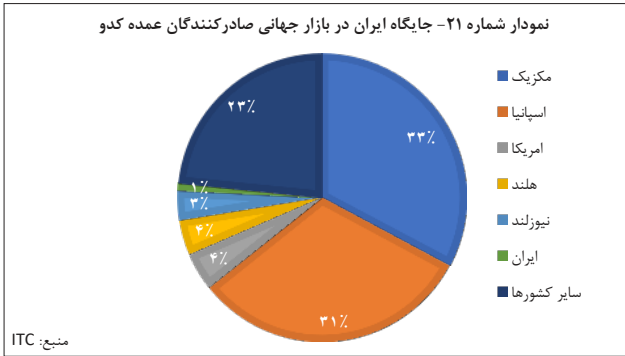


منبع: ITC

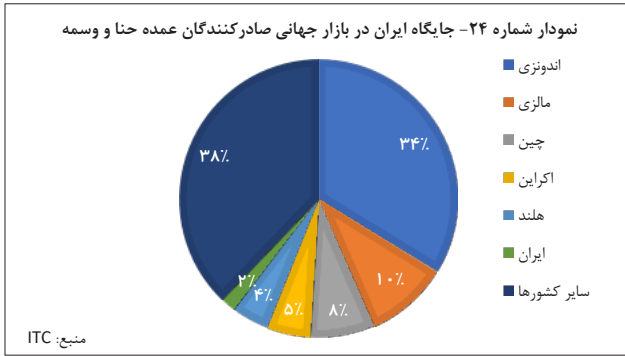
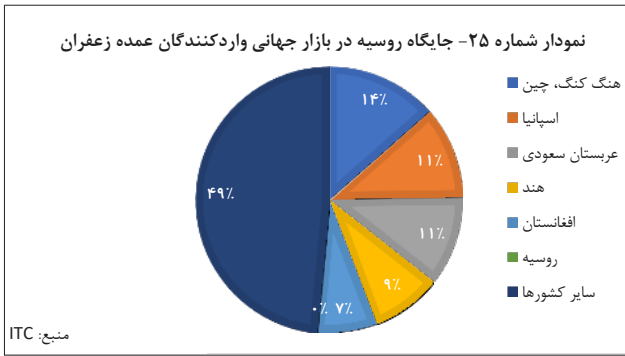
نمودار شماره ۱۸- جایگاه روسیه در بازار جهانی واردکنندگان عمده هندوانه

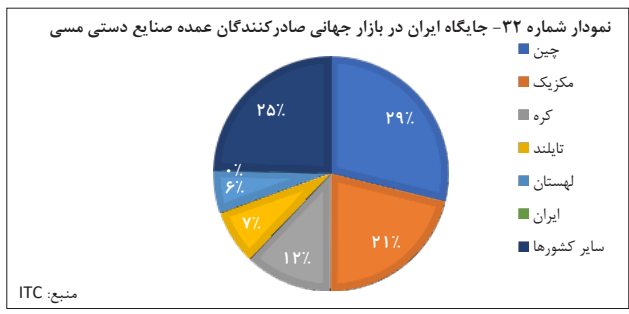
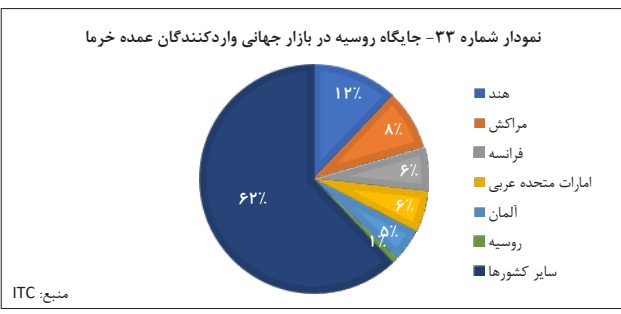
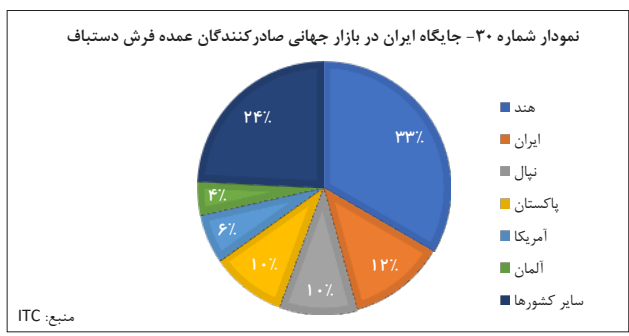
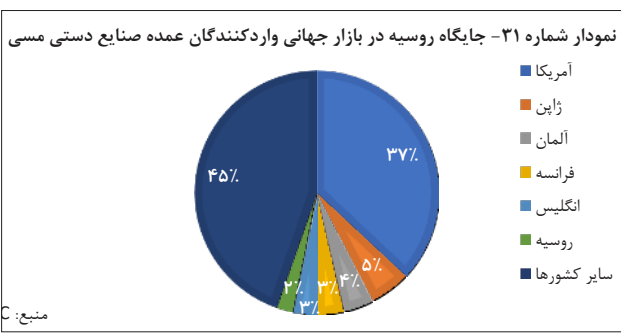
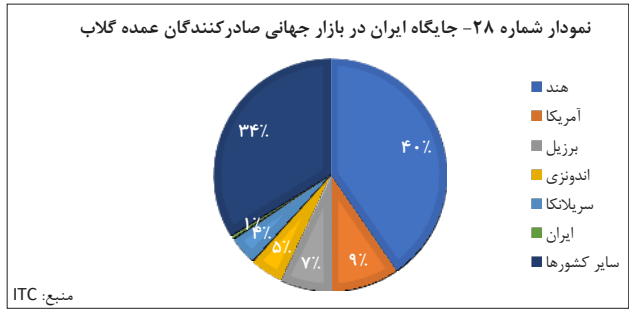
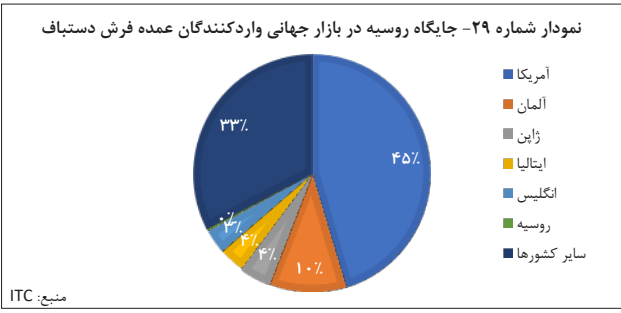
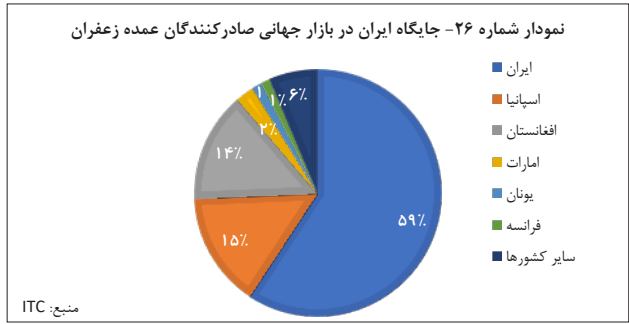
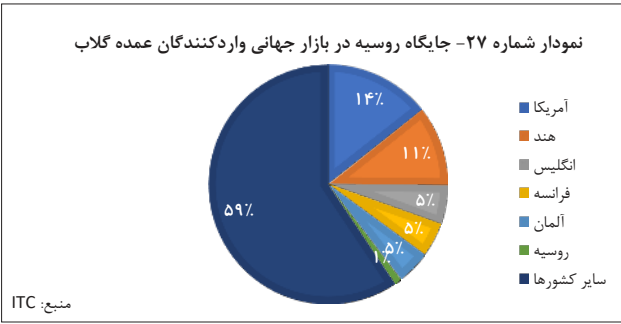


منبع: ITC

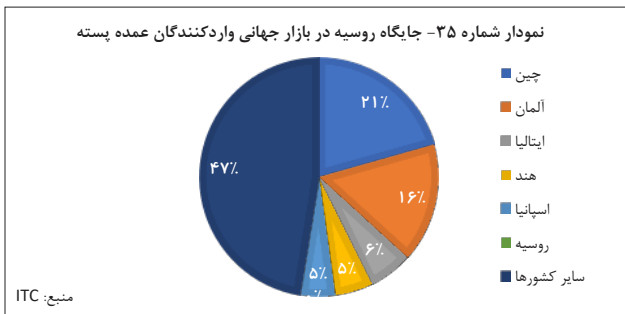
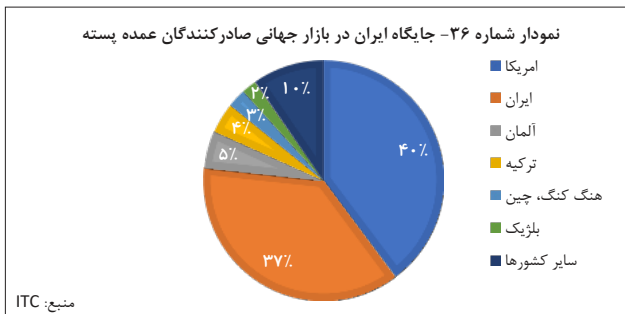
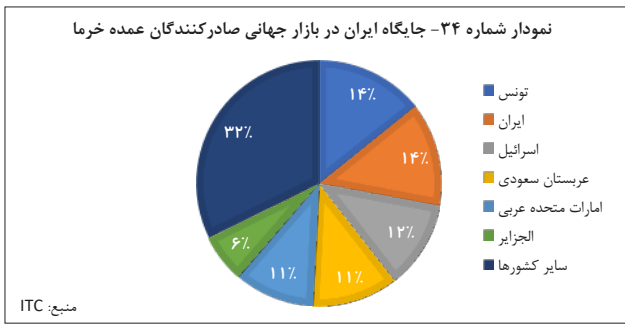
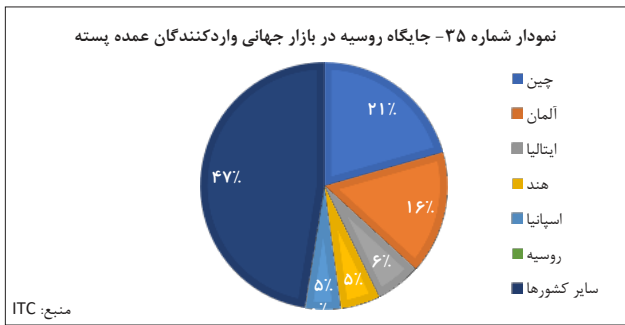


ژاپن رتبه اول در واردات حنا و وسمه به میزان ۱۷ درصد را داراست، روسیه سهم ۱ درصدی واردات این محصول را دارد. با بررسی بازارهای تولیدکننده این محصول، با توجه به نمودار شماره (۲۴)، کشور اندونزی با سهم ۳۴ درصد رتبه اول صادرات این محصول در دنیا را دارد و سهم ایران در صادرات حنا و وسمه ۲ درصد می‌باشد. با توجه به آمار تولید و صادرات و کیفیت محصول تولیدی حنای کرمان با برنامه‌ریزی دقیق و مؤثر می‌توان در توسعه صادرات این محصول نقش مطلوبی ایفا نمود.

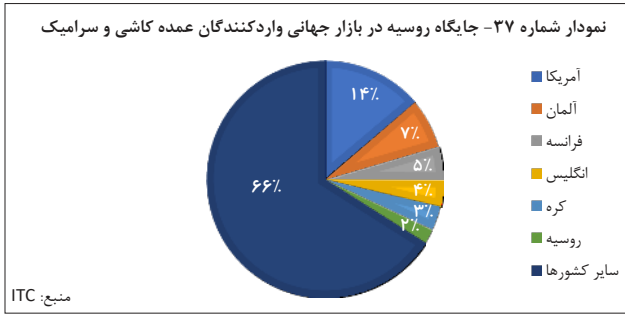
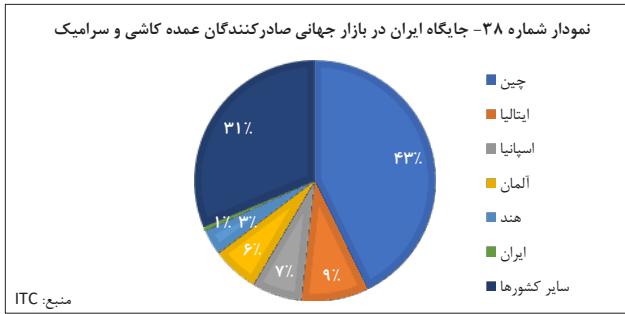


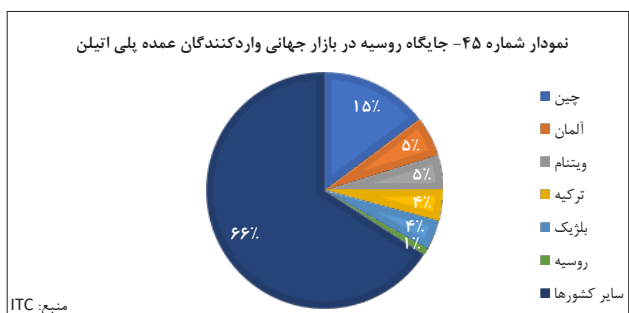
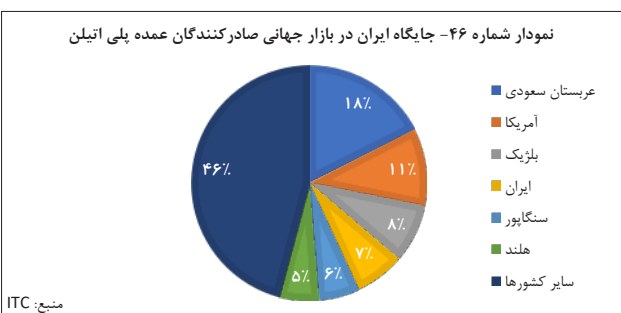
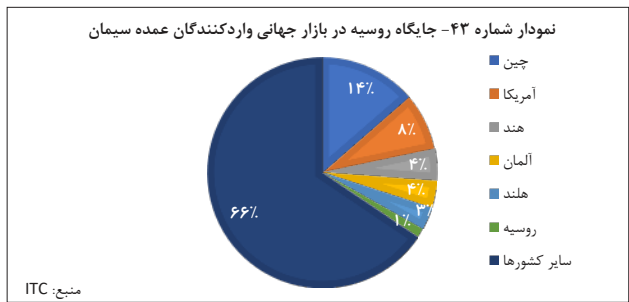
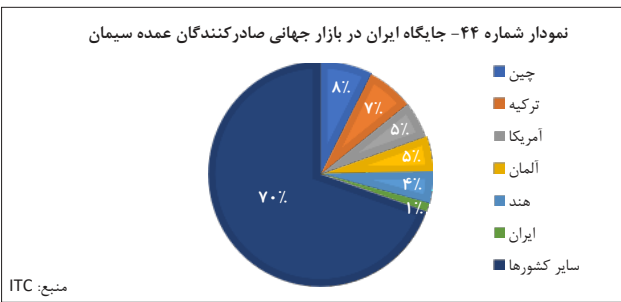
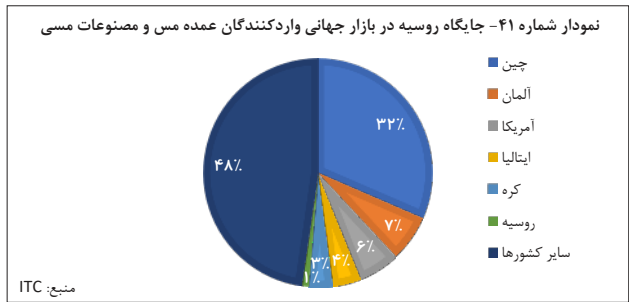
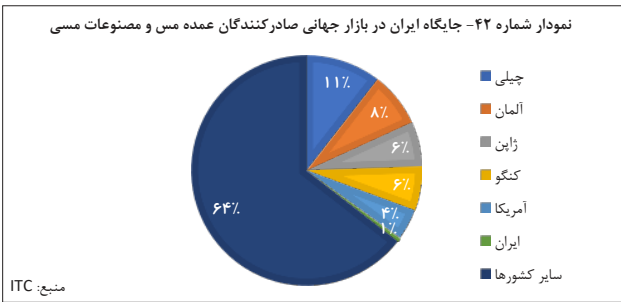
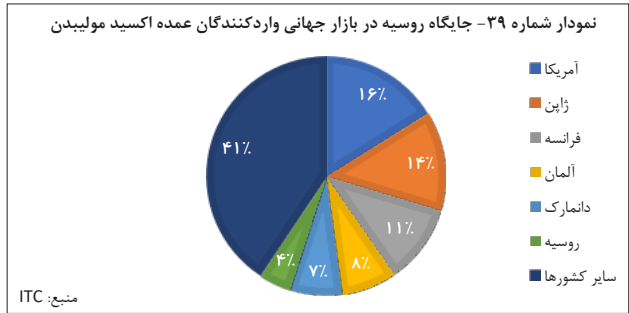
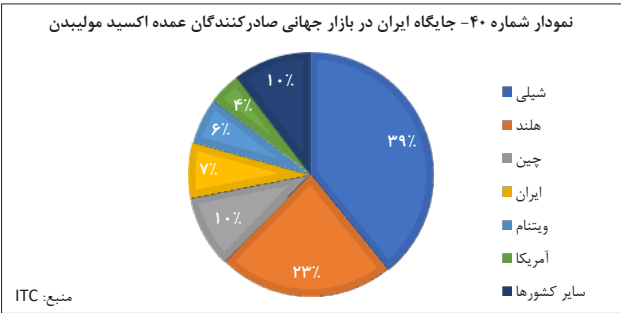






آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور واردکننده در دنیا، واردکننده اول کاشی و سرامیک نیز می‌باشد. روسیه سهم دو درصدی در واردات این محصول را دارد که برای بازار استان کرمان قابل‌توجه می‌باشد. در خصوص صادرات کاشی و سرامیک با توجه به نمودار شماره (۳۸)، کشور چین بزرگ‌ترین صادرکننده کاشی و سرامیک در دنیا است و ایران سهم کمی در صادرات این محصول دارد. استان کرمان به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان بزرگ کاشی و سرامیک، پتانسیل بالقوه صادرات به کشور روسیه را داراست.





## تجارت ایران و استان کرمان با کشورهای روسیه و اوکراین

در اولین گام برای بررسی فرصت‌ها و چالش‌های استان کرمان، نیازمند بررسی آمار تجارت استان و جایگاه آن در تجارت کشورهای روسیه و اوکراین هستیم. برای مطالعه دقیق‌تر در ادامه به بررسی صادرات و واردات ایران و استان کرمان با این دو کشور و سهم استان کرمان از تجارت ایران با این دو کشور قبل از جنگ آن‌ها می‌پردازیم.

همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌گردد، در بازه زمانی سه‌ساله ۱۳۹۸-۱۴۰۰، کشور روسیه به‌طور میانگین رتبه یازدهم را در بین بازارهای هدف صادراتی ایران و رتبه هشتم را در بین بازارهای هدف صادراتی استان کرمان به خود اختصاص داده و اوکراین نیز به‌طور متوسط رتبه چهارم و یکم را در بین بازارهای هدف صادراتی ایران و رتبه نوزدهم را در بین بازارهای هدف صادراتی استان کرمان به خود اختصاص داده است. از داده‌های این جدول این‌گونه می‌توان برداشت نمود که همواره بازار روسیه برای ایران و بویژه استان کرمان از جایگاه مهمی برخوردار بوده است و همین امر، لزوم توجه بیشتر به این بازار را یادآوری می‌نماید.

جدول شماره (۱) - صادرات ایران و استان کرمان به کشورهای روسیه و اوکراین طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰

دوره	کل صادرات ایران (دلار)	کل صادرات استان کرمان (دلار)	کشور هدف	صادرات ایران به (دلار)	صادرات استان کرمان به (دلار)	سهم از کل صادرات ایران (درصد)	سهم از کل صادرات استان کرمان (درصد)	رتبه در بین مقاصد صادراتی استان کرمان	رتبه در بین مقاصد صادراتی ایران
سال ۱۳۹۸	۲۵,۷۶۹,۸۷۲,۲۵۱	۷۰۰,۳۸۰,۰۷۴	روسیه	۴۵۸,۸۸۰,۹۱۶	۳۰,۷۵۵,۵۳۲	۱,۸	۴,۴	۸ از ۶۶	۱۲ از ۱۴۷
			اوکراین	۳۷,۱۳۷,۵۸۷	۳,۹۰۶,۶۰۸	۰,۱	۰,۶	۲۳ از ۶۶	۴۲ از ۱۴۷
سال ۱۳۹۹	۲۴,۴۸۹,۴۴۹,۹۵۱	۱,۰۴۵,۴۲۱,۵۹۴	روسیه	۵۰۱,۲۶۸,۸۴۱	۴۱,۵۶۷,۸۹۵	۲,۰	۴,۰	۸ از ۷۲	۱۰ از ۱۴۷
			اوکراین	۵۰,۵۴۹,۸۱۴	۶,۰۱۵,۳۶۶	۰,۲	۰,۶	۱۵ از ۷۲	۳۸ از ۱۴۷
سال ۱۴۰۰	۴۸,۳۴۷,۵۹۰,۸۵۲	۹۷۱,۴۸۷,۱۶۷	روسیه	۵۷۸,۵۲۱,۴۳۲	۴۲,۹۳۵,۲۵۱	۱,۲	۴,۴	۷ از ۶۶	۱۱ از ۱۵۴
			اوکراین	۶۹,۲۶۸,۳۰۴	۵,۵۵۹,۳۵۲	۰,۱	۰,۶	۱۹ از ۶۶	۴۳ از ۱۵۴

با بررسی آمار واردات ایران و استان کرمان از دو کشور روسیه و اوکراین طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰، طبق جدول شماره (۲)، روسیه در بین بازارهای مبدأ واردات ایران نیز دارای اهمیت بوده و عموماً رتبه پنجم تا ششم را به خود اختصاص داده است. در ارتباط با اوکراین وضعیت قدری متفاوت است. این کشور به‌طور میانگین رتبه چهارم و یکم را در بین بازارهای وارداتی ایران داراست. در رابطه با استان کرمان نیز کشور روسیه به‌مراتب در زمینه واردات از اهمیت بیشتری نسبت به اوکراین برخوردار است، اما این موضوع از اهمیت اوکراین به‌عنوان صادرکننده محصولات استراتژیکی همچون غلات نمی‌کاهد.

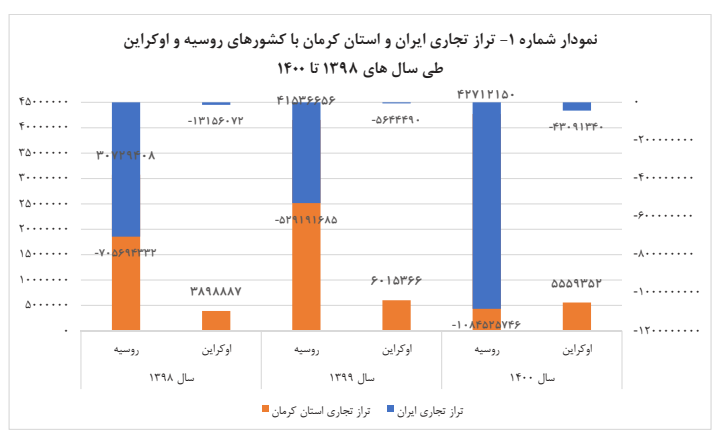
جدول شماره (۲) - واردات ایران و استان کرمان از کشورهای روسیه و اوکراین طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰

دوره	کل واردات ایران (دلار)	کل واردات استان کرمان (دلار)	کشور هدف	واردات ایران از (دلار)	واردات استان کرمان از (دلار)	سهم از کل واردات ایران (درصد)	سهم از کل واردات استان کرمان (درصد)	رتبه در بین مقاصد وارداتی استان کرمان	رتبه در بین مقاصد وارداتی ایران
سال ۱۳۹۸	۴۳,۹۷۵,۵۶۷,۸۴۰	۵۸۶,۷۷۰,۸۱۱	روسیه	۱,۱۶۴,۵۷۵,۲۴۸	۲۶,۱۲۴	۲,۶۵	۰,۰۰	۲۳ از ۲۶	۶ از ۱۲۶
			اوکراین	۵۰,۲۹۳,۶۵۹	۷,۷۲۱	۰,۱۱	۰,۰۰	۲۵ از ۲۶	۴۰ از ۱۲۶
سال ۱۳۹۹	۳۸,۸۰۰,۸۴۰,۷۸۰	۵۴۲,۶۴۹,۲۳۱	روسیه	۱,۰۳۰,۴۶۰,۵۲۶	۳۱,۲۳۹	۲,۶۶	۰,۰۰	۱۶ از ۱۸	۶ از ۱۲۶
			اوکراین	۵۶,۱۹۴,۳۰۴	۰	۰,۱۴	۰,۰۰	-	رتبه ۳۸ از ۱۲۶
سال ۱۴۰۰	۵۲,۹۵۷,۹۷۱,۵۱۸	۹۳۵,۸۶۳,۵۸۱	روسیه	۱,۶۶۳,۰۴۷,۱۷۸	۲۲۳,۱۰۱	۳,۱۴	۰,۰۰	۱۸ از ۲۳	۵ از ۱۱۶
			اوکراین	۱۱۲,۳۵۹,۶۴۴	۰	۰,۲۱	۰,۰۰	-	رتبه ۳۳ از ۱۱۶



جدول شماره (۳) - تراز تجاری ایران و استان کرمان با کشورهای روسیه و اوکراین طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰

دوره	کشور هدف	صادرات ایران به (دلار)	تراز تجاری ایران با (دلار)
سال ۱۳۹۸	روسیه	-۷۰۵,۶۹۴,۳۳۲	۳۰,۷۲۹,۴۰۸
	اوکراین	-۱۳,۱۵۶,۰۷۲	۳,۸۹۸,۸۸۷
سال ۱۳۹۹	روسیه	-۵۲۹,۱۹۱,۶۸۵	۴۱,۵۳۶,۶۵۶
	اوکراین	-۵,۶۴۴,۴۹۰	۶,۰۱۵,۳۶۶
سال ۱۴۰۰	روسیه	۱,۰۸۴,۵۲۵,۷۴۶	۴۲,۷۱۲,۱۵۰
	اوکراین	-۴۳,۰۹۱,۳۴۰	۵,۵۵۹,۳۵۲



**سهم استان کرمان در صادرات ایران به روسیه در سال ۱۴۰۰**

طبق آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، اقلام صادراتی از گمرکات ایران و استان کرمان به کشور روسیه در سال ۱۴۰۰ در ۷۰ ردیف تعرفه‌ای بوده است که علی‌رغم پتانسیل‌های بی‌نظیر محصولات تولیدی صادراتی استان کرمان برای صادرات به این کشور مخصوصاً صیفی‌جات و محصولات کشاورزی از جمله پسته، خرما، حنا و وسمه، سیب‌زمینی، گوجه، فلفل دلمه‌ای، پیاز و... آن‌گونه که باید از ظرفیت‌های موجود استفاده نشده است. لازم به ذکر است که آمار صادرات ارائه شده بر اساس گمرکات است و با توجه به این‌که محصولات استان کرمان از برخی گمرکات دیگر نیز صادر می‌گردد، لذا با اطمینان، آمار صادرات بیش از ارقام داده شده در جداول است، اما با در نظر گرفتن صادرات از سایر گمرکات نیز همچنان نیازمند رفع مسائل برای توسعه صادرات به این کشور هستیم.

ردیف	شرح فصل / گروه کالایی	صادرات ایران به روسیه (دلار)	صادرات استان کرمان به روسیه (دلار)	سهم صادرات استان کرمان به روسیه (درصد)
۱	سایر میوه‌های خوراکی، پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند	۱۲۹,۰۶۱,۸۸۴	۰	۰/۰۰
۲	سایر مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد	۸۴,۹۳۲,۹۰۱	۰	۰/۰۰
۳	سایر سبزیجات، نباتات، ریشه و غده‌های زیرخاکی خوراکی	۶۹,۲۳۷,۹۲۶	۷,۲۶۹	۰/۰۱
۴	پسته	۵۵,۴۴۹,۳۱۵	۴۲,۵۵۳,۳۱۹	۷۶/۷۴
۵	فرآورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزا نباتات	۳۱,۱۱۱,۸۱۲	۰	۰/۰۰
۶	لفل فرنگی	۲۱,۰۲۶,۹۱۰	۴,۶۶۶	۰/۰۲
۷	روی و مصنوعات از روی	۲۰,۱۳۸,۵۲۳	۰	۰/۰۰
۸	پلی اتیلن	۱۶,۷۲۰,۵۱۵	۰	۰/۰۰
۹	هندوانه	۱۴,۵۱۹,۶۸۲	۰	۰/۰۰
۱۰	چدن، آهن و فولاد	۱۴,۳۵۲,۰۸۹	۰	۰/۰۰
۱۱	محصولات شیمیایی آلی	۱۳,۰۱۰,۰۳۷	۰	۰/۰۰
۱۲	ماهی‌ها و قشرداران، صدف داران و سایر آبزیان فاقد ستون فقرات	۱۲,۲۱۶,۱۱۰	۰	۰/۰۰
۱۳	گوجه‌فرنگی	۱۱,۳۲۷,۰۰۱	۰	۰/۰۰
۱۴	نمک، گوگرد، خاک و سنگ، گچ، آهک و سیمان	۷,۳۷۲,۵۲۵	۰	۰/۰۰
۱۵	محصولات دارویی	۷,۱۴۱,۰۰۲	۰	۰/۰۰
۱۶	خرما	۷,۰۱۸,۸۷۵	۱۷۴,۱۵۳	۲/۴۸
۱۷	...وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط راه‌آهن یا تراموای و	۶,۲۸۴,۸۳۵	۰	۰/۰۰
۱۸	سیب‌زمینی	۵,۵۶۶,۲۷۳	۰	۰/۰۰
۱۹	سایر فرش و کف پوش‌ها از مواد نسجی	۴,۶۴۶,۵۲۷	۱۱۶,۲۳۸	۲/۵۰
۲۰	سیر	۴,۰۵۴,۵۷۲	۰	۰/۰۰
۲۱	شیر و محصولات لبنی، تخم پرندگان، عسل طبیعی	۳,۹۴۹,۲۴۳	۰	۰/۰۰
۲۲	راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار و آبگرم، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی، اجزا و قطعات آن‌ها	۳,۸۴۶,۶۴۲	۰	۰/۰۰
۲۳	کاشی و سرامیک	۳,۵۹۶,۱۱۴	۳۰,۴۱۵	۰/۸۵
۲۴	...سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا	۳,۱۲۴,۲۴۵	۰	۰/۰۰
۲۵	سایر قهوه، چای، ماته و ادویه	۳,۰۹۲,۵۳۹	۰	۰/۰۰
۲۶	مصنوعات از چدن، آهن و فولاد	۲,۵۰۵,۱۰۷	۰	۰/۰۰
۲۷	خیار	۲,۱۶۱,۴۲۷	۰	۰/۰۰
۲۸	شیشه و مصنوعات شیشه‌ای	۱,۶۳۵,۴۵۵	۰	۰/۰۰
۲۹	کاکائو و فرآورده‌های آن	۱,۳۴۹,۶۶۷	۰	۰/۰۰
۳۰	ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها، دستگاه‌های ضبط و پخش صوت، دستگاه‌های ضبط و پخش صوت و تصویر تلویزیونی...	۱,۰۶۵,۱۷۴	۰	۰/۰۰
۳۱	چوب و اشیای چوبی، زغال چوب	۸۷۵,۹۴۱	۰	۰/۰۰
۳۲	...مصنوعات از سنگ، گچ، سیمان، پنبه نسوز	۸۲۰,۳۹۴	۰	۰/۰۰
۳۳	فرش دستباف	۷۶۴,۵۸۸	۰	۰/۰۰



۰/۰۰	۰	۶۷۸,۹۱۲	مبل، مبل‌های طبی- جراحی، اسباب تختخواب و همانند، چراغ و وسایل روشنایی، چراغ‌های تبلیغاتی علائم نورانی، تالوهای نورانی راهنما و اشیا همانند، ساختمان‌های پیش‌ساخته	۳۴
۰/۰۰	۰	۵۲۴,۴۵۸	... صابون، مواد آلی تانسپواکتیف، فرآورده‌ها برای	۳۵
۰/۰۰	۰	۴۸۶,۰۱۲	اکسید مولیبدن	۳۶
۵/۲۶	۲۲,۳۶۱	۴۲۴,۹۶۳	مواد آلبومینوئید، محصولات براساس نشاسته یا فکول تغییر یافته	۳۷
۰/۰۰	۰	۴۲۰,۰۹۵	فرآورده‌های غلات، آرد، نشاسته، فکول یا شیر، نان‌های شیرینی	۳۸
۰/۰۰	۰	۳۴۰,۹۸۴	کدو	۳۹
۰/۰۰	۰	۲۴۹,۱۹۱	توتون و تنباکو و بدل توتون و تنباکوی ساخته شده	۴۰
۰/۰۰	۰	۱۸۳,۴۲۴	دانه و میوه‌های روغن‌دار، دانه و بذر میوه‌های گوناگون، نباتات صنعتی یا دارویی، گاه و نواله	۴۱
۰/۰۰	۰	۱۸۰,۶۷۰	اشیا صنعت ساعت‌سازی	۴۲
۰/۰۰	۰	۱۸۰,۳۵۳	...عصاره‌های دباغی یا رنگرزی، تانن‌ها و مشتقات آن‌ها، مواد	۴۳
۰/۰۰	۰	۱۷۷,۶۱۷	آلومینیوم و مصنوعات از آلومینیوم	۴۴
۰/۰۰	۰	۱۷۲,۳۷۹	آلات و دستگاه‌های اپتیک، عکاسی، سینماتوگرافی، سنجش، کنترل، دقت سنجی، آلات و دستگاه‌های طبی- جراحی، اجزا و قطعات و متفرعات آن‌ها	۴۵
۰/۰۰	۰	۱۵۸,۱۲۵	حنا و وسمه	۴۶
۶/۰۳	۹,۵۳۵	۱۵۸,۱۱۸	فرآورده‌های خوراکی گوناگون	۴۷
۰/۰۰	۰	۱۴۸,۶۲۸	فرآورده‌های گوشت، ماهی یا قشرداران، صدف داران یا سایر آبزیان فاقد ستون فقرات	۴۸
۰/۰۰	۰	۱۲۹,۴۱۰	مصنوعات گوناگون از فلزات معمولی	۴۹
۰/۰۰	۰	۱۱۸,۸۴۵	کاغذ و مقوا، اشیا ساخته شده از خمیر کاغذ، از کاغذ یا از مقوا	۵۰
۰/۰۰	۰	۱۱۲,۱۶۵	...نوار (Man-Made Filaments) رشته‌های مصنوعی	۵۱
۰/۰۰	۰	۱۱۰,۶۲۰	نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه	۵۲
۰/۰۰	۰	۱۰۲,۶۶۰	کائوچو و اشیا ساخته شده از کائوچو	۵۳
۱۸/۵۹	۱۸,۰۰۰	۹۶,۸۰۵	محصولات گوناگون صنایع شیمیایی	۵۴
۰/۰۰	۰	۸۲,۴۰۷	پیاز	۵۵
۰/۰۰	۰	۶۱,۱۳۲	انگم‌ها، صمغ‌ها، رزین‌ها و سایر شیرها و عصاره نباتی	۵۶
۰/۰۰	۰	۴۵,۰۳۶	بازیچه، اسباب‌بازی و لوازم ورزشی، اجزا و قطعات و متفرعات آن‌ها	۵۷
۰/۰۰	۰	۳۵,۶۶۴	... (سایر روغن‌های اسانسی و شبه رزین‌ها (رزینوئیدها	۵۸
۰/۰۰	۰	۲۹,۷۸۱	...پارچه‌های تاروپود باف مخصوص، پارچه‌های نسجی منگوله باف	۵۹
۰/۰۰	۰	۲۱,۱۳۴	نباتات زنده و محصولات گل‌کاری	۶۰
۰/۰۰	۰	۱۹,۶۲۸	کتاب، روزنامه، تصویر و سایر محصولات صنعت چاپ، دست‌نوشته‌ها، تایپ‌شده‌ها و نقشه‌ها	۶۱
۱۴/۶۲	۲,۸۲۵	۱۹,۳۲۰	زعفران	۶۲
۰/۰۰	۰	۱۲,۹۰۸	کفش، گترو اشیا همانند، اجزا این اشیا	۶۳
۰/۰۰	۰	۱۲,۷۴۱	مصنوعات گوناگون	۶۴
۰/۰۰	۰	۱۱,۰۴۳	مس و مصنوعات مسی	۶۵

۰/۰۰	۰	۱۰,۰۰۰	اشیا ساخته شده از چرم، مصنوعات زین و بزرگ سازی، لوازم سفر، ... کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند، اشیا ساخته شده از روده	۶۶
۱۴/۵۴	۱,۱۳۶	۷,۸۱۲	گلاب	۶۷
۰/۰۰	۰	۰	بادمجان	۶۸
۰/۰۰	۰	۰	توت‌فرنگی	۶۹
۰/۰۰	۰	۰	بادام	۷۰

### سهم استان کرمان در اقلام عمده وارداتی ایران از روسیه در سال ۱۴۰۰

جدول شماره ۴- اقلام وارداتی ایران و استان کرمان از روسیه در سال ۱۴۰۰

ردیف	شرح فصل / گروه کالایی	واردات ایران از روسیه (دلار)	واردات استان کرمان از روسیه (دلار)	سهم واردات استان کرمان از روسیه (درصد)
۱	غلات	۱,۰۹۲,۸۷۵,۱۹۳	۰	۰/۰۰
۲	چربی‌ها روغن‌های حیوانی یا نباتی، فرآورده‌های حاصل از تفکیک آن‌ها، چربی‌های خوراکی آماده، موم‌های حیوانی یا نباتی	۱۸۵,۵۰۶,۰۱۱	۰	۰/۰۰
۳	چوب و اشیا چوبی، زغال چوب	۱۱۴,۲۹۳,۴۲۰	۰	۰/۰۰
۴	ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها، دستگاه‌های ضبط و پخش صوت، دستگاه‌های ضبط و پخش صوت و تصویر تلویزیونی...	۵۰,۴۳۹,۶۳۹	۰	۰/۰۰
۵	راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار و آبگرم، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی، اجزا و قطعات آن‌ها	۴۵,۴۰۸,۵۱۷	۲۲۳,۱۰۱	۰/۴۹
۶	...محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گران‌بها	۳۷,۹۱۷,۱۴۹	۰	۰/۰۰
۷	سبزیجات، نباتات، ریشه و غده‌های زیرخاکی خوراکی	۲۹,۱۷۹,۲۷۲	۰	۰/۰۰
۸	محصولات دارویی	۱۵,۸۳۰,۱۳۴	۰	۰/۰۰
۹	قطعات منفصله ماشین‌آلات راه‌سازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات	۱۲,۹۴۴,۴۷۵	۰	۰/۰۰
۱۰	پنبه	۱۲,۶۹۲,۶۳۷	۰	۰/۰۰
۱۱	...وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط راه‌آهن یا تراموای و	۱۰,۹۵۰,۱۱۶	۰	۰/۰۰
۱۲	مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها، فلزات دارای روکش یا پوششی از فلزات گران‌بها و اشیا ساخته شده از این مواد، زیورآلات بدلی، سکه	۱۰,۲۴۶,۳۱۲	۰	۰/۰۰
۱۳	کاغذ و مقوا، اشیا ساخته شده از خمیر کاغذ، از کاغذ یا از مقوا	۸,۷۷۳,۱۲۲	۰	۰/۰۰
۱۴	گوشت و احشا خوراکی	۷,۶۸۷,۹۵۹	۰	۰/۰۰
۱۵	مصنوعات از چدن، آهن و فولاد	۵,۲۲۴,۶۳۴	۰	۰/۰۰
۱۶	کائوچو و اشیا ساخته شده از کائوچو	۴,۲۷۷,۷۲۹	۰	۰/۰۰
۱۷	محصولات شیمیایی آلی	۳,۱۷۵,۴۵۶	۰	۰/۰۰
۱۸	دانه و میوه‌های روغن‌دار، دانه و بذر میوه‌های گوناگون، نباتات صنعتی یا دارویی، گاه و نواله	۲,۷۹۰,۴۶۹	۰	۰/۰۰
۱۹	آلات و دستگاه‌های اپتیک، عکاسی، سینماتوگرافی، سنجش، کنترل، دقت سنجی، آلات و دستگاه‌های طبی-جراحی، اجزا و قطعات و متفرعات آن‌ها	۲,۷۱۷,۳۵۴	۰	۰/۰۰
۲۰	محصولات صنعت آردسازی، مالت، نشاسته و فکول، اینولین، گلو تن گندم	۱,۴۶۵,۶۶۱	۰	۰/۰۰
۲۱	سایر اقلام وارداتی از روسیه	۸,۶۵۱,۹۱۹		

## جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای تجارت جهانی

هیچ شکی نیست که محیط اقتصادی و سیاسی بین‌المللی به علت جنگ روسیه و اوکراین دستخوش تغییرات شده است. ایران هم با توجه به روابط سیاسی نزدیک با روسیه، همزمانی این جنگ با مذاکرات برجام، موقعیت خاص جغرافیایی و البته تأثیرپذیری از بازارهای جهانی کالاهای اساسی در معرض پیامدهای منفی این بحران جهانی قرار دارد، اگرچه این شانس را دارد که از فرصت‌های به وجود آمده، در راستای توسعه صادرات کشور بهره‌مند شود.

این جنگ به واسطه نقش و جایگاه روسیه در بازارهای انرژی بین‌المللی و همچنین حمایت اروپا و آمریکا از اوکراین، پیامدها و تبعات قابل‌ملاحظه‌ای بر اقتصاد جهانی بر جای می‌گذارد. با توجه به این‌که از یک‌سو اقتصاد ایران وابستگی بالایی به صادرات نفتی و صنایع پتروشیمی و واردات نهاده‌های تولید و برخی کالاهای اساسی دارد و از سوی دیگر طی سال‌های اخیر، روابط سیاسی نزدیکی با روسیه برقرار کرده است و این کشور یکی از طرف‌های اصلی درگیر در مذاکرات هسته‌ای است، تحولات پیش‌رو بدون شک از اهمیتی دوچندان برای اقتصاد کشورمان برخوردار خواهد بود.

اگرچه اقتصاد ایران مستقیماً به هیچ‌کدام از اقلام صادرات و واردات از اوکراین وابستگی بالایی ندارد، با این وجود با توجه به نقش کلیدی این کشور در کنار روسیه در بازار جهانی ذرت، گندم و دانه‌های روغنی، حساسیت‌های ویژه‌ای برای تأمین کالاهای اساسی موردنیاز کشور ایجاد می‌شود.

### تحریم‌های روسیه و فرصت‌های پیش‌آمده

تحریم‌های آمریکا علیه روسیه شامل، تحریم‌های مالی و مقامات، گسترش تحریم‌های بلاروس، تحریم صنایع تسلیحاتی، ممنوعیت صادرات فناوری‌های پیشرفته به روسیه و تحریم نورد استریم ۲ می‌باشد. تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه نیز شامل جلوگیری از تأمین مالی جنگ این کشور علیه اوکراین، تنبیه افرادی که در سطوح مختلف دولت روسیه در ایجاد این جنگ مؤثرند، تضعیف بنیان اقتصادی و صنعتی روسیه، تصویب لیست سیاه متشکل از مقامات روسیه و تحریم مالی آن می‌باشد.

تحریم‌های صادراتی اتحادیه اروپا علیه روسیه نیز چند حوزه را در برمی‌گیرد، از جمله: تحریم صادرات کالاها و فناوری‌های حوزه پالایش نفت، فناوری‌های مورد استفاده در صنعت حمل‌ونقل هوایی و صنعت فضایی، فناوری‌های دارای کاربرد دوگانه، فناوری‌هایی که ممکن است به ارتقای توان نظامی و توسعه فناوری‌های روسیه منجر شود و یا حوزه دفاعی و امنیتی این کشور را توسعه دهد، کالاهای با کاربرد دوگانه، مانند نرم افزارهای دارای

کاربرد در حوزه پهپادها، نرم‌افزارها برای دستگاه‌های رمزگذاری شده و نیمه رساناها و دستگاه‌های الکترونیک پیشرفته، منع هرگونه تجارت با مناطقی که روسیه به‌نازگی از اوکراین جدا کرده است. حتی آژانس‌های توریستی نیز حق مرآوده با این مناطق را ندارند، ممنوعیت پرواز خطوط هوایی روسی به اروپا.

از جمله تحریم‌های بریتانیا اینکه بانک‌های بزرگ روسیه مورد تحریم قرار گرفته‌اند، دارایی‌های آن‌ها ضبط شده و از سیستم مالی بریتانیا حذف شده‌اند و به استرلینگ و مکانیسم‌های تسویه از طریق سیستم مالی بریتانیا دسترسی نخواهند داشت، بانک‌های روسی و شرکت‌های بزرگ این کشور از دریافت وام و تأمین مالی از بازار بریتانیا منع شده‌اند، دارایی‌های بیش از ۶۰ شخص و شرکت روسی ضبط شده است، همکاری با هواپیمایی ملی روسیه ممنوع شده است، تمامی مجوزهای صدور کالاها و فناوری با کاربرد دوگانه لغو شده و در آینده نیز امکان صادرات چنین محصولات یا فناوری‌هایی وجود نخواهد داشت. ممنوعیت صادرات فناوری‌های پیشرفته ویژه در حوزه پالایش فرآورده‌های نفتی، تراکنش بانکی شهروندان روسیه به شدت محدود شده است، بریتانیا از محدودیت دسترسی روسیه به سوئیفت حمایت کرده است و بریتانیا تحریم‌های فوق را بر بلاروس به دلیل حمایت این کشور از روسیه در جنگ با اوکراین نیز اعمال کرده است. فرصت‌های به وجود آمده ناشی از تحریم‌ها، واکنش‌هایی برای سایر کشورها نیز در پی دارد. از جمله:

### چین

رفتارهای چین در قبال تهاجم روسیه و تحریم‌های غرب علیه این کشور دوگانه بوده است. در حوزه‌های کم ریسک تعامل با روسیه را افزایش داده است، اما در عین حال بانک‌های بزرگ خود را از تأمین مالی تجارت با روسیه منع کرده و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی را نیز وادار به تعلیق قراردادهای سرمایه‌گذاری با روسیه کرده است. افزون بر این چین به صورت بسیار تدریجی فاصله خود با روسیه را در این بحران افزایش می‌دهد. چین از حمایت ضمنی از روسیه به‌سوی تأکید بر توقف جنگ تغییر موضع داده است. افزایش تنش میان روسیه و غرب می‌تواند به تحریم صنعت انرژی روسیه و بی‌ثباتی در اتحادیه اروپا به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری چین منجر شود.

برخی شرکت‌های چینی مذاکره برای سرمایه‌گذاری و افزایش سهم در شرکت‌های بزرگ روسی را آغاز کرده‌اند. همچنین گزارش‌های مبنی بر تمایل فزاینده شرکت‌های چینی برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های معدنی روسی بویژه شرکت‌های بزرگ این کشور منتشر شده است. بر مبنای این گزارش‌ها شرکت‌های چینی بویژه به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های نفتی روسیه و شرکت‌های این کشور که در حوزه تولید آلومینیوم فعالیت می‌کنند، ابراز تمایل کرده‌اند. بر مبنای گزارش‌های

اگرچه اقتصاد ایران مستقیماً به هیچ‌کدام از اقلام صادرات و واردات از اوکراین وابستگی بالایی ندارد، با این وجود با توجه به نقش کلیدی این کشور در کنار روسیه در بازار جهانی ذرت، گندم و دانه‌های روغنی، حساسیت‌های ویژه‌ای برای تأمین کالاهای اساسی موردنیاز کشور ایجاد می‌شود.



عرصه اقتصاد و سیاست بین‌الملل به وجود خواهد آورد که ایران نیز از آن‌ها متأثر خواهد شد.

اوکراین در کالاهای اساسی همچون گندم، ذرت و دانه‌های روغنی جزء تأمین‌کنندگان اصلی کشورمان به شمار نمی‌رود و سهم قابل‌توجهی از بازار ایران را در اختیار ندارد، لذا قطع صادرات اوکراین به‌صورت مستقیم تهدیدی برای ثبات بازار کالاهای اساسی در ایران به شمار نمی‌رود؛ با این‌وجود باید در نظر داشت که هر دو کشور اوکراین و روسیه جزء کشورهای اصلی صادرکننده کالاهایی از قبیل گندم، ذرت و دانه‌های روغنی هستند. بنابراین با توجه به سهم بالای این دو کشور در بازار این کالاها، کمبود عرضه و افزایش قیمت، حداقل در کوتاه‌مدت اجتناب‌ناپذیر به نظر رسد. این موج افزایش قیمت در کنار روند صعودی قیمت کالاهای مذکور تحت تأثیر بحران کرونا طی دو سال گذشته به ناپایداری و نوسانات صعودی در بازارهای جهانی دامن می‌زند. هرچند که ممکن است بحران اوکراین با توافق طرفین فروکش نماید، اما کارشناسان معتقدند که روند تحولات و تنش‌ها در سطح بین‌المللی متوقف نخواهد شد. آنچه مسلم است، کنشگری نظام تصمیم‌گیری کشور در راستای استفاده از فرصت‌های احتمالی همچون خلأ به وجود آمده در بازار روسیه و استفاده از فرصت موجود برای بستن پرونده هسته‌ای کشور قبل از آنکه این بحران فروکش کند، در کنار اتخاذ تدابیر مبتنی بر نظرات علمی و کارشناسی و برنامه‌ریزی هدفمند برای مواجهه با تهدیدهای احتمالی همچون افزایش قیمت‌های جهانی کالاهای اساسی خوراکی، می‌تواند کلید عبور موفق ایران از این بحران جهانی تلقی شود. در نهایت می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که با توجه به تشابهات ساختار اقتصادی ایران و روسیه و با عنایت به تحریم روسیه توسط غرب، کالاهای صادراتی ایران قابلیت و فرصت زیادی برای جانشینی کالاهای تحریمی روسیه را دارند. همچنین با در نظر گرفتن تحریم روسیه، بازار این کشور خالی از محصولات صادراتی اتحادیه اروپا خواهد شد و این فرصت مناسبی است تا ایران بتواند نقش فعال‌تری در بازار روسیه ایفا نماید.

منابع

<https://www.trademap.org/>

<https://www.focus-economics.com/>

<https://databank.worldbank.org/>

<https://unstats.un.org/>

- سازمان توسعه تجارت ایران

- گمرک جمهوری اسلامی ایران

- گمرکات استان کرمان

- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

- اداره پژوهش‌های سیاسی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی

رسانه‌های مذاکرات برای سرمایه‌گذاری چینی‌ها در این شرکت‌ها آغاز شده است، اما هنوز در مراحل اولیه قرار دارد. این روند در حالی آغاز شده است که تقریباً تمامی شرکت‌های بزرگ غربی به همکاری با روسیه پایان داده‌اند.

## پاکستان

روسیه با پاکستان به توافقات اقتصادی جدیدی دست یافته است. به بیان دقیق‌تر پاکستان با استفاده از فرصت انزوای کم‌نظیری که تحریم‌های غرب برای روسیه فراهم آورده است، در پی امتیازگیری از این کشور است. نخست‌وزیر پاکستان پس از وقوع جنگ اوکراین به روسیه سفر کرد و دو توافق مهم با این کشور منعقد نمود.

توافق نخست در حوزه واردات گندم از روسیه است. بر مبنای این توافق پاکستان در آینده نزدیک دو و نیم میلیون تن گندم از روسیه وارد خواهد کرد. توافق دوم در حوزه واردات گاز از روسیه است. پاکستان و روسیه در سال ۲۰۱۵ توافق اولیه تحت عنوان پاکستان استریم را امضا کردند. در قالب این توافق گاز روسیه از طریق خط لوله ۱۱۰۰ کیلومتری به پاکستان انتقال پیدا خواهد کرد. این توافق در سال ۲۰۱۵ امضا شد، اما از آن زمان تاکنون پیشرفت چندانی نداشته است. اکنون رهبران دو کشور احیای این توافق و اجرایی شدن آن را مورد تأکید قرار داده‌اند و قرار است این خط لوله توسط شرکت‌های روسی و با سرمایه‌گذاری روسیه احداث شود.

## ترکیه

این کشور اعلام کرده است که تجارت با روسیه را با استفاده از ارزهای محلی ادامه می‌دهد. روسیه یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری ترکیه است. از هنگام آغاز بحران اوکراین روسای جمهور ترکیه و روسیه چندین بار با یکدیگر گفتگو کردند. دولت ترکیه اعلام کرده است، علی‌رغم تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه به تجارت با این کشور ادامه خواهد داد. مهم‌ترین رقیب ایران در بهره‌گیری از فرصت جدید، ترکیه است.

## امارات

امارات متحده عربی نیز می‌کوشد از فرصت‌های ناشی از تحریم روسیه بهره‌برداری نماید. تحریم‌های مالی بی‌سابقه علیه روسیه مشکلات جدی برای سرمایه‌های آن و تعاملات بانکی فراهم آورده است. از زمان جنگ اوکراین سرمایه‌داران بزرگ روس میلیاردها دلار از ثروت خود را در پیامد تحریم‌ها از دست داده‌اند. دولت روسیه و سرمایه‌داران بزرگ این کشور به دنبال کشورهایی می‌گردند که زمینه را برای دور زدن تحریم‌ها فراهم آورند. در این میان کشورهای عربی و بویژه امارات متحده عربی یکی از انتخاب‌های ثروتمندان روس محسوب می‌شوند.

ماهیت این جنگ و نقش اوکراین و روسیه در اقتصاد جهانی و همچنین تحولات ناشی از این رویداد بدون شک تغییراتی را در

## کنشگری نظام

### تصمیم‌گیری

### کشور در راستای

### استفاده از

### فرصت‌های

### احتمالی همچون

### خلأ به وجود

### آمده در بازار

### روسیه و استفاده

### از فرصت موجود

### برای بستن پرونده

### هسته‌ای کشور

### قبل از آنکه این

### بحران فروکش

### کند، در کنار اتخاذ

### تدابیر مبتنی بر

### نظرات علمی

### و کارشناسی

### و برنامه‌ریزی

### هدفمند برای

### مواجهه با

### تهدیدهای

### احتمالی

### همچون افزایش

### قیمت‌های

### جهانی کالاهای

### اساسی خوراکی،

### می‌تواند کلید

### عبور موفق ایران

### از این بحران

### جهانی تلقی

### شود.

# تشکل‌های اتاق کرمان در شش‌ماهه دوم سال ۱۴۰۰



♦ فاطمه مهربانی  
مدیر امور تشکل‌های اتاق کرمان

اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی به استناد مواد قانونی از جمله بند (ک) ماده ۵ قانون اتاق ایران، بند (د) ماده ۹۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و مواد (۱) و (۵) قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار موظف به تمهید شرایط ایجاد، ثبت، ساماندهی، ادغام و شبکه‌سازی و یکپارچه‌سازی و انسجام تشکل‌های اقتصادی هستند.

اتاق بازرگانی کرمان با توجه به اهمیت نقش تشکل‌ها در استمرار فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد و تقویت تشکل‌های اقتصادی را جزء اهداف اصلی خود قرار داده است و در همین راستا در حال حاضر ۱۶ تشکل تخصصی در اتاق کرمان فعال هستند. همچنین انجمن پسته ایران برای پیشبرد اهداف خود در سطح ملی و استانی، تحت حمایت اتاق کرمان می‌باشد. در ادامه برنامه و اقدامات اجرایی برخی از انجمن‌ها در شش‌ماهه دوم سال ۱۴۰۰ ارائه گردیده است.

## انجمن شرکت‌های صنعت پخش استان کرمان

این انجمن به منظور حفظ حقوق، منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی اعضا که خود متضمن حفظ منافع جامعه نیز می‌باشد، تشکیل گردیده تا شرکت‌های پخش استانی، منطقه‌ای و شعب شرکت‌های پخش سراسری و منطقه‌ای توزیع‌کننده

کالاها را مصرفی برگردش، مانند غذایی، دارویی، لوازم مصرفی پزشکی، آرایشی، بهداشتی، شوینده، لوازم خانگی، لوازم التحریر، روغن‌های روان کار صنعتی و دخانیات را در جهت نیل به اهداف خود در سطح استان یا منطقه تحت پوشش خود قرار دهد.

ردیف	برنامه‌های انجمن	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	درخواست سوخت از شرکت نفت	مکاتبه و برگزاری جلسات با شرکت فراورده‌های نفتی، اتاق بازرگانی و اداره صمت	اخذ سهمیه سوخت گازوئیل
۲	تهیه سررسید ۱۴۰۱ انجمن	جمع‌آوری اطلاعات شرکت‌های پخش جهت ثبت در سررسید	تهیه و توزیع سررسید ۱۴۰۱ بین اعضا
۳	راه‌اندازی بخش بازرسی انجمن	مکاتبه با اتاق بازرگانی، اداره صمت و اداره راه و حمل‌ونقل جاده‌ای	در دست پیگیری

### انجمن گلخانه داران شرق استان کرمان

این انجمن به منظور ساماندهی امور و حفظ توازن، نظم و فراهم کردن امکان بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌گذاری و تولید، استفاده و انتقال تجربیات علمی و عملی و به هنگام نمودن آن برای نیل به اهداف قانونی توسعه در این‌گونه موارد حمایت از بهبود فضای کسب‌وکار و پاسخگویی به مشکلات و نارسایی‌ها در چارچوب قوانین موضوعه کشور و دفاع از حقوق و منافع مشروع و قانونی اشخاص حقیقی و حقوقی عضو، تشکیل گردیده است.

ردیف	برنامه‌های انجمن	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	برنامه‌ریزی و تلاش در جهت ایجاد یک تشکل قدرتمند و مؤثر	- تلاش در جذب حداکثری اعضا - تلاش در تعامل مثبت و سازنده با ارگان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی مرتبط با انجمن	- ادامه روند جذب اعضای انجمن - تسهیل در رفع برخی از مشکلات اعضا
۲	شناسایی و ارزیابی مشکلات و مسائل گلخانه‌داران و تلاش در جهت رفع مشکلات با راهکارهای متفاوت	- برگزاری جلسات دوره‌ای و منظم در خصوص تعامل بیشتر با گلخانه‌داران و دریافت نقطه نظرات و مسائل و مشکلات اعضا - برگزاری بازدیدهای هدفمند از گلخانه‌ها و مشاهده مسائل و مشکلات از نزدیک	شناسایی مشکلات و دریافت راهکارها و انجام اقدامات لازم
۳	برنامه‌ریزی و انجام اقدامات علمی و پژوهشی در راستای بالا بردن عملکرد گلخانه‌داران	- برگزاری دوره‌های آموزشی - ارسال مطالب و فیلم‌های علمی و آموزشی برای اعضا	بالا بردن سطح آگاهی و شناخت و استفاده گلخانه‌داران از مسائل و پیشرفت‌های جدید این صنعت

#### چالش‌ها:

صدور اجرائیه توسط بانک‌های عامل، هزینه بالای تولید به دلیل بالا رفتن بی‌رویه نهادهای کشاورزی، ممنوعیت صادرات محصولات گلخانه‌ای، معطل ماندن محصولات گلخانه‌ای در گمرکات، قطعی برق گلخانه، مشکلات سوخت گلخانه‌ها

#### راه‌های برون‌رفت:

از آنجا که گلخانه‌داران در کشور سهم مهمی در تولید به عهده دارند، انتظار می‌رود دولت نگاه ویژه‌ای به بخش‌های زیرساخت، تولید، فروش و صادرات آن‌ها داشته باشد، به‌گونه‌ای که تمرکز تولیدکنندگان گلخانه‌ای فقط بر تولید محصول باشد.

### انجمن پسته ایران

این انجمن به‌منظور هم‌اندیشی، ساماندهی و هماهنگی در امور بین بخشی، افزایش بهره‌وری و ارتقا جایگاه پسته ایران و دفاع از حقوق و منافع فعالان صنعت پسته در عرصه‌های ملی و بین‌المللی در دی‌ماه ۱۳۸۵ تأسیس شد و در اسفندماه همان سال، ثبت اتاق ایران گردید و تنها تشکل غیرانتفاعی فراگیر تخصصی، فنی، آموزشی و غیرسیاسی فعالان پسته کشور در پنج گروه باغداران، صادرکنندگان، پایانه‌داران، بازرگانان داخلی و خدمات دهندگان می‌باشد که تلاش دارد محیطی مناسب برای همکاری درون و فرابخشی فعالان پسته کشور فراهم سازد.

ردیف	برنامه‌های انجمن	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	چاپ شش شماره نشریه دنیای پسته	تهیه، تنظیم، طراحی و چاپ نشریه	توزیع ۱۲۰۰ جلد نشریه در هر شماره
۲	عضویت اعضا پیوسته انجمن در اتاق‌های بازرگانی	پیگیری و دریافت مدارک موردنیاز عضویت در اتاق بازرگانی از اعضا پیوسته و ثبت‌نام در سامانه صدور کارت عضویت اتاق	دریافت کارت عضویت اتاق بازرگانی تعدادی از اعضا و ارسال به آن‌ها
۳	انتشار خبر قانون جدید لزوم ثبت اطلاعات شرکت‌های صادراتی پسته در سامانه گمرکات کشور چین	اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های انجمن	آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به صادرکنندگان پسته کشور
۴	تمدید عضویت اعضا پیوسته و وابسته انجمن	مکاتبه، ارسال پیامک و تماس با اعضا جهت تمدید	تمدید ۷۱ عضو پیوسته و ۳۲ عضو وابسته
۵	جذب عضو جدید	شناسایی و تشویق فعالان صنعت پسته	جذب ۲۳ عضو پیوسته و ۱۱ عضو وابسته جدید
۶	صدور کارت عضویت	آماده کردن و چاپ کارت عضویت	توزیع کارت عضویت



۷	کمیته بازرگانی	برگزاری جلسه کمیته بازرگانی با موضوع بررسی موانع و مشکلات صادرات پسته به کشور چین و تعیین موضوع و هماهنگی با اعضا
۸	اطلاع‌رسانی آمار صادرات پسته	دریافت آمار ماهانه صادرات از گمرک
۹	برپایی غرفه انجمن در نمایشگاه بین‌المللی مواد غذایی انوگای آلمان (۲۱-۱۷ کلن آلمان)	معرفی و تبلیغ پسته ایران
۱۰	حضور نماینده انجمن در وبینار INC	شرکت در وبینار
۱۱	ثبت‌نام اعضای علاقه‌مند جهت شرکت در وبینارهای INC	شرکت در وبینار
۱۲	برگزاری جلسه اصلاح درصدهای ماهانه مصرف پسته در داخل ایران	هماهنگی و اطلاع‌رسانی به فعالان پسته کشور
۱۳	اعمال تغییرات جداول آماری انگلیسی در وبسایت انگلیسی انجمن	بارگذاری در وبسایت
۱۴	شرکت در جلسه کارگروه بهبود استانداردهای کدکس (IAFN CODEX COALITION)	شرکت در جلسه
۱۵	برنامه‌ریزی جهت برگزاری تور بازدید از صنعت پسته اسپانیا	اطلاع‌رسانی به اعضا
۱۶	انتشار گزارش و اندفول از آخرین وضعیت صنعت پسته آمریکا و ایران	انتشار گزارش از طریق کانال‌های انجمن
۱۷	تولید محتوا و ویرایش سناریوی قسمت‌های چهارم و پنجم یادگست پسته	انجام اقدامات لازم
۱۸	ارسال کامنت‌های تحلیل آمار صادرات به مخاطبین بین‌المللی	انتشار کامنت
۱۹	اینفوگرافیک	آماده کردن اینفوگرافیک آمار ماهانه صادرات پسته ایران/ تهیه اینفوگرافیک با موضوع تمدید پروانه
۲۰	وبینار آموزشی باغبانی و برنامه زنده اینستاگرام	تغذیه درختان پسته بعد از برداشت محصول/ بررسی کاربرد مواد آلی در باغات پسته/ افزایش عوارض برداشت چاه‌های کشاورزی موضوع بند ۵ تبصره ۸ لایحه بودجه ۱۴۰۱/ تأمین نیاز سرمایی درختان پسته/ سرمزدگی و راه‌های کاهش خسارت
۲۱	تولید موشن گرافیک	آماده کردن موشن گرافیک نکات فنی کاربرد اسید در باغات پسته
۲۲	انتشار پیام آموزشی باغبانی با موضوعات: علل پوکی دانه‌های پسته و بررسی شوری خاک/ ایشویی در فصل زمستان/ مبارزه غیر شیمیایی با آفت سوسک سرشاخه‌خوار پسته/ آفت کاپنودیس/ عملیات اصلاحی خاک و کود دهی در باغات پسته/ هرس در باغات پسته/ آبیاری سنگین در باغات پسته/ پارامترهای کیفی روغن ولک/ محلول‌پاشی زمان تورم جوانه‌ها	افزایش دانش و اطلاعات فنی و دریافت اثربخشی آموزش‌های شغلی
۲۳	بازدید از تعدادی باغات و شرکت در جلسات استانداری و فرمانداری استان خراسان جنوبی	معرفی انجمن و بازدید از باغات
۲۴	جلسه کمیته باغبانی (تخمین میزان تولید پسته کشور در سال محصولی ۱۴۰۰-۱۳۹۹)	جمع‌آوری اطلاعات مدنظر

۲۵	اعلام وضعیت وخیم صنعت پسته کشور به ریاست سازمان توسعه تجارت و درخواست اصلاح شیوه رفع تعهد ارزی صادرکنندگان	مکاتبه با ریاست سازمان توسعه	ارسال پیشنهادات و راهکارهای انجمن پسته ایران راجع به شیوه رفع تعهد ارزی صادرکنندگان
۲۶	جلسه کمیته آب	تعیین موضوع و هماهنگی با اعضا	برگزاری جلسه کمیته آب با موضوع بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل آب
۲۷	اعلام مشکلات تولید و تجارت پسته	مکاتبه با وزیر جهاد کشاورزی	اعلام موانع و مشکلات صنعت پسته ایران و تلاش در جهت رفع مشکلات
۲۸	پیگیری پیرامون برخورد سازمان تعزیرات حکومتی با برخی انبارهای پسته	مکاتبه با سازمان	پیگیری جهت رفع مشکل برخورد غیرمنطقی با برخی انبارها
۲۹	مخالفت با اجباری شدن آزمون‌های آلاینده‌های شیمیایی	مکاتبه با سازمان استاندارد	جهت رفع موانع صادرات آجیل و خشکبار
۳۰	پاسخ به سؤال‌های مطرح شده مخاطبان از طریق استوری اینستاگرام	پاسخ به سؤالات در اسرع وقت	ارتباط با اعضا و آموزش کشاورزی
۳۱	برگزاری چهارمین جلسه هیئت‌امنا	اطلاع‌رسانی به اعضا هیئت‌امنا	برگزاری جلسه هیئت‌امنا و اجرای برخی مصوبات هیئت‌امنا و پیگیری اجرای سایر مصوبات
۳۲	برگزاری جلسات مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده	هماهنگی و اطلاع‌رسانی به اعضا پیوسته	برگزاری جلسات و اجرای برخی مصوبات و پیگیری اجرای سایر مصوبات
۳۳	برگزاری جلسات ماهانه هیئت‌مدیره	هماهنگی و اطلاع‌رسانی	اجرای برخی مصوبات هیئت‌مدیره و پیگیری اجرای سایر مصوبات
۳۴	تولید فیلم آموزشی باغبانی	<p>–آماده کردن فیلم آموزشی «زنبور سیاه مغزخوار پسته» و قرار دادن در شبکه مجازی انجمن از قبیل واتساپ، تلگرام، اینستاگرام و آپارات</p> <p>–آماده کردن فیلم آموزشی «کاربرد مواد آلی در باغات پسته» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن</p> <p>–آماده کردن فیلم آموزشی «خران درختان پسته» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن</p> <p>–آماده کردن فیلم آموزشی «هرس فرم درختان فندق و لزوم سربرداری ارقام» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن</p> <p>–آماده کردن فیلم آموزشی «نکات مهم هرس درخت پسته» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن</p> <p>–آماده کردن فیلم آموزشی «نکات مهم در استفاده از کود آلی در باغات پسته» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن</p> <p>–آماده کردن فیلم آموزشی «سرمازدگی و راه‌های عملی کاهش خسارت» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن</p> <p>–آماده کردن فیلم آموزشی «مراحل رشدی مناسب محلول‌پاشی و سم‌پاشی» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن</p>	بهره‌برداری اعضا و مخاطبین



۳۵	کارگاه آموزشی	هماهنگی جهت بازدید و برگزاری کارگاه	بازدید از مناطق پسته کاری استان سیستان و بلوچستان و برگزاری کارگاه آموزشی
۳۶	بازدید باغی	بازدید از باغات پسته شهربابک	جهت طرح مسائل، مشکلات و موانع پسته
۳۷	شرکت در جلسات شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی	شرکت در جلسه	تقویت ارتباطات بین بخش خصوصی و دولتی جهت پیشبرد اهداف صنعت پسته
۳۸	شرکت در دوره آموزشی سامانه کارت عضویت و کارت بازرگانی	شرکت در دوره	آشنایی جهت عضویت اعضا انجمن در اتاق‌هایی بازرگانی
۳۹	شرکت در جلسه کمیسیون کشاورزی اتاق ایران	شرکت در جلسه	تقویت ارتباط با بخش خصوصی
۴۰	شرکت در جلسه میز ملی صادرات خشکبار	شرکت در جلسه	جهت همفکری در خصوص نحوه رفع موانع صادرات
۴۱	جلسه کمیته باغبانی	تعیین موضوع و هماهنگی با اعضا	برگزاری جلسه کمیته باغبانی پیرامون توسعه سطح زیر کشت
۴۲	تدوین انیمیشن وایت بردی کاشت نهال	انجام امور تخصصی مربوطه	آشنا کردن کشاورزان با اصول کاشت نهال
۴۳	دریافت آمار تولید پسته کشورها به تفکیک منطقه، استان از مسئول آمار INC	انجام امور تخصصی مربوطه	جهت تکمیل بانک اطلاعاتی
۴۴	تهیه و ارسال نامه به فرماندار رفسنجان با موضوع انتقال آب (ماده ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب)	مکاتبه	به منظور رفع موانع بهره‌وری بیشتر از آب

راه‌های برون‌رفت	چالش‌ها	
تصویب امکان رفع کامل تعهد ارزی صادرکنندگان کالاهای کشاورزی به روش واردات خود و یا غیر در مقابل صادرات	شیوه نامناسب رفع تعهد ارزی	مهم‌ترین موانع صادرات
ایجاد خط سبز ویژه (بدون معطلی در ثبت سفارش یا صف تخصیص ارز بانک مرکزی) برای واردکنندگان مجاز در صورت تأمین ارز مورد نیاز واردات خود از محل ارز حاصل از صادرات کالاهای کشاورزی		
هدایت تقاضاهای مجاز وارداتی مزاد برارزهای با منشأ دولتی یا سوبسید به سمت ارز حاصل از صادرات پسته و سایر محصولات کشاورزی، صنایع دستی و خدمات فنی و مهندسی		
تغییر و اصلاح مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب	قوانین آب مواد ۲۷ و ۲۸	مهم‌ترین موانع تولید
پلمپ چاه‌های غیرمجاز و کنترل اضافه برداشت توسط آب منطقه‌ای	تعدیل پروانه‌ها	
افزایش تخصیص اعتبارات و تسهیلات بلاعوض	کاهش شدید تسهیلات بلاعوض آبیاری تحت فشار (قطره‌ای) و بهسازی و نوسازی باغات	



### انجمن خرما

انجمن خرما از سال ۱۳۸۸ با هدف گرد هم آوردن و اتحاد فعالان و دل سوزان این محصول تشکیل شده است. از اهداف کلان انجمن می‌توان به ساماندهی تولید، تجارت خرما و فرآورده‌های آن، ایجاد ارتباط با بانک‌ها و سازمان‌های اعتباری کشور، تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری در زمینه تولید ملی، مشارکت در تدوین استانداردهای ملی و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی و تورهای صنعتی و تجاری ویژه اعضای انجمن اشاره نمود. انجمن در جهت عارضه‌یابی و ارائه راه‌کارهایی در زمینه تولید، بسته‌بندی، خدمات و صادرات خرما با تشکیل کمیته‌های تخصصی سعی بر تسریع ریشه‌یابی معضلات موجود نموده است. این کمیته‌های تخصصی شامل کمیته باغبانی، خدمات، استاندارد و بهداشت و صادرات می‌باشند.

ردیف	برنامه‌های انجمن	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	دوره‌های آموزشی	برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر ماهیانه در مناطق تولید و برگزاری دوره‌های آموزش ماه دیت به صورت وبیناری	ارتقا دانش ذی‌نفعان و بهبود روش اجرای فعالیت‌های کسب‌وکار
۲	پیگیری مسائل و مشکلات ذی‌نفعان	برگزاری جلسات متعدد با سازمان‌های دولتی و نمایندگان بخش خصوصی در راستای پیگیری مسائل و مشکلات ذی‌نفعان	دفاع از حقوق ذی‌نفعان و رفع بعضی از مشکلات کوتاه‌مدت و میان‌مدت
۳	حضور در نمایشگاه‌های تخصصی مواد غذایی اگروفود دبی	حضور در نمایشگاه تخصصی مواد غذایی به‌عنوان بازدید کننده و رایزنی با تجار سایر کشورها در راستای توسعه صادرات پایدار خرما استان	اعزام هیئت تجاری به نمایشگاه گلفود دبی و اکسیو ۲۰۲۰، عقد قرارداد و توسعه تجارت و بازاریابی بین‌المللی خرما استان
۴	انجام امور تحقیقاتی	انجام امور تحقیقاتی در زمینه استفاده از ضایعات درخت خرما جهت تولید MDF و خمیر کاغذ و روش‌های مبارزه با آفت زنجره و ارتقا مکانیزاسیون	اخذ نتایج علمی مناسب و اطلاع‌رسانی به اعضا جهت استفاده بهینه از ضایعات درخت خرما جهت تولید خمیر کاغذ و روش‌های مبارزه با آفت زنجره و کاهش هزینه‌های تولید
۵	نشریه نخل سبز	تکمیل شماره پاییز و زمستان نشریه نخل سبز ایران و اطلاع‌رسانی در شبکه‌های مجازی انجمن و ارسال برای اعضا انجمن	ارتقا دانش به‌روز ذی‌نفعان و بهبود روش اجرای فعالیت‌های کسب‌وکار و اطلاع‌رسانی اخبار و رویدادها
۶	تحلیل مستمر بازار داخلی و خارجی خرما استان	تحلیل مستمر بازار خرما استان در کمیته‌های تخصصی و اعلام نتایج به اعضا جهت اطلاع از روندهای حاکم بر کسب‌وکار خرما	اطلاع اعضا از روندهای حاکم بر کسب‌وکار خرما استان و کشور
۷	غرفه‌داری در نمایشگاه تخصصی خرما استان بوشهر	رایزنی با ارائه‌دهندگان خدمات کسب‌وکار و تجار سایر استان‌ها و فرهنگ‌سازی ارتقا مصرف خرما استان	ارتقا دانش و هم‌افزایی از طریق مذاکرات صورت گرفته با فعالان خرما سایر استان‌ها
۸	غرفه‌داری در نمایشگاه‌های تخصصی خرما استان فارس	انجام مذاکرات تجاری با تجار ملی و بین‌المللی در راستای توسعه بازار خرما استان	توسعه بازار ارقام تجاری خرما استان
۹	جلسات تخصصی با دانشکده علوم بهشتی دانشگاه شهید بهشتی	برگزاری جلسات تخصصی با دانشکده علوم زیستی دانشگاه شهید بهشتی در راستای آنالیز ارقام خرما	عقد تفاهم‌نامه با دانشکده علوم زیستی دانشگاه شهید بهشتی در راستای آنالیز ارقام خرما و افزایش سرانه مصرف خرما کشور





### انجمن صنایع دستی استان کرمان

انجمن صنایع دستی به منظور ارتقا سطح توانمندی صنایع دستی استان کرمان و بهبود شرایط تولید، عرضه، ایجاد اشتغال پایدار و ارتقا این صنعت با عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری در جهت بهبود و ایجاد مشاغل خرد و با احتساب به این نکته که استان کرمان یکی از پزیرفیت‌ترین استان‌ها در امر تولید صنایع دستی به خاطر وسعت، تنوع زیست‌محیطی و بومی، سابقه تاریخی، فرهنگی و تنوع بالای مواد اولیه مصرفی می‌باشد، تشکیل شد تا بتواند نسبت به بهبود شرایط کسب‌وکار هفتاد هزار صنعت‌گر استان و شناسایی این هنر کهن بویژه رشته‌های شاخص همانند پته‌دوزی، گلیم‌بافی، مس‌گری، قلم‌زنی و ... در خارج از مرزهای جغرافیایی اقدام نماید و افراد شاغل در این صنعت را تحت پوشش خدمات خود قرار دهد.

ردیف	برنامه‌های انجمن	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	اتمام مراحل ثبتی انجمن	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ثبت نهایی انجمن در اداره ثبت اسناد و املاک</li> <li>- تغییرات هیئت‌مدیره - انتخاب آقای کاشی‌تراش به سمت رییس و آقای آریان به سمت خزانه‌دار انجمن</li> <li>- مبادرت به عضوگیری ۱۷ نفر از اعضای پیوسته</li> <li>- برگزاری مجمع عمومی به صورت فوق‌العاده و انتخاب اعضای جدید هیئت‌مدیره به دلیل استعفا دو نفر از اعضا اصلی و علی‌البدل هیئت‌مدیره و انتخاب بازرسی اصلی و علی‌البدل به دلیل پایان دوره یک‌ساله تعیین حق عضویت انجمن و غیره</li> <li>- تشکیل دپارتمان‌های تخصصی در هیئت‌مدیره ۲۹ دی‌ماه</li> <li>- انتخاب جناب آقای پیروز ارجمند به عنوان مشاور ارشد انجمن</li> </ul>	ارتقا دانش ذی‌نفعان و بهبود روش اجرای فعالیت‌های کسب‌وکار
۲	اجرای برنامه‌های آموزش و همکاری با سازمان‌های مربوطه در جهت برنامه‌های مرتبط با صنایع دستی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آموزش در خیره به باب الحوائج در دو مرحله (مرحله اول ۳۰ نفر)</li> <li>- تدوین نهایی اساسنامه فستیوال ملی صنایع دستی با محوریت مقاومت در استان کرمان</li> <li>- شرکت در شورای گفتگوی استان و ارائه گزارش از وضعیت صنایع دستی و ارائه راهکارهای پیشنهادی</li> <li>- مشارکت در جشنواره ملی فیروزه</li> <li>- با توجه به استانی بودن دامنه فعالیت انجمن رایزنی اولیه با جناب آقای اکبری رییس اتاق بم برای بازگشایی دفتر انجمن در اتاق بم جهت عضوگیری و ارائه خدمات انجمن به شهرستان بم صورت گرفت و با مساعدت ایشان موافقت اصولی جهت بستن تفاهم‌نامه همکاری صورت پذیرفت</li> <li>- شرکت در نمایشگاه مجازی عمان و تدوین کتاب نمایشگاه</li> <li>- همکاری با اداره ارشد و معاونت صنایع دستی در خصوص نمایشگاه پته و محصولات فرهنگی</li> <li>- همکاری با موزه دفاع مقدس و مرمت و بازسازی تابلوهای موزه</li> <li>- مشارکت با اتاق بازرگانی و جمع‌آوری آثار بیش از ۴۰ هنرمند جهت نمایشگاه مالزی</li> <li>- حضور جمعی از هنرمندان انجمن در برنامه ثبت شهرهای صنایع دستی در محل هتل پارس</li> </ul>	دفاع از حقوق ذی‌نفعان و رفع بعضی از مشکلات کوتاه‌مدت و میان‌مدت

### انجمن سنگ استان کرمان

توسعه صنعت سنگ استان جهت غلبه بر تهدیدها و استفاده از فرصت‌های جدید يك نیاز اساسی می‌باشد. اهمیت فعال‌سازی این صنعت، با توجه به پتانسیل‌های موجود استان و کم‌رنگ شدن سایر فعالیت‌های اقتصادی نظیر کشاورزی و صنایع وابسته با توجه به مشکل کمبود آب و یا در مقیاس ملی، رسیدن به اقتصاد غیر وابسته به نفت، مدنظر اکثر برنامه‌ریزان آینده‌نگر در اقتصاد استان و ایران می‌باشد.

ردیف	برنامه‌های انجمن	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	حضور در بازار کشور روسیه	- برگزاری جلسات متعدد با مقامات و هیئت‌های روسی - دعوت از گروه‌های روسی جهت بازدید از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سنگ تزئینی ایران و استان کرمان - اجاره دفتر و نمایشگاه سنگ در کشور روسیه	- مذاکره جهت تأمین سنگ پروژه‌ای ساختمانی در کشور روسیه - معرفی سنگ تزئینی ایران و استان کرمان
۲	پیگیری پروژه بازار سنگ کرمان	- برگزاری جلسات متعدد با نمایندگان سازمان مسکن و شهرسازی کرمان - ارسال و پیگیری طرح و اطلاعات پروژه به سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران	- پیگیری جهت نهایی شدن پروژه و اجرای طرح - ساماندهی بازار سنگ تزئینی و ساختمانی استان کرمان
۳	حضور در بازار کشور عمان	- برگزاری جلسات مشترک با هیئت‌های عمانی توسط اتاق بازرگانی مشترک کرمان و عمان - جلسه با مهندسين و پیمانکاران عمانی توسط اتاق بازرگانی کرمان - معرفی سنگ‌های تزئینی استان و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های معادن و کارخانه‌های فرآوری سنگ استان	- مذاکره جهت تأمین سنگ پروژه‌ای ساختمانی در کشور عمان - معرفی سنگ تزئینی ایران و استان کرمان

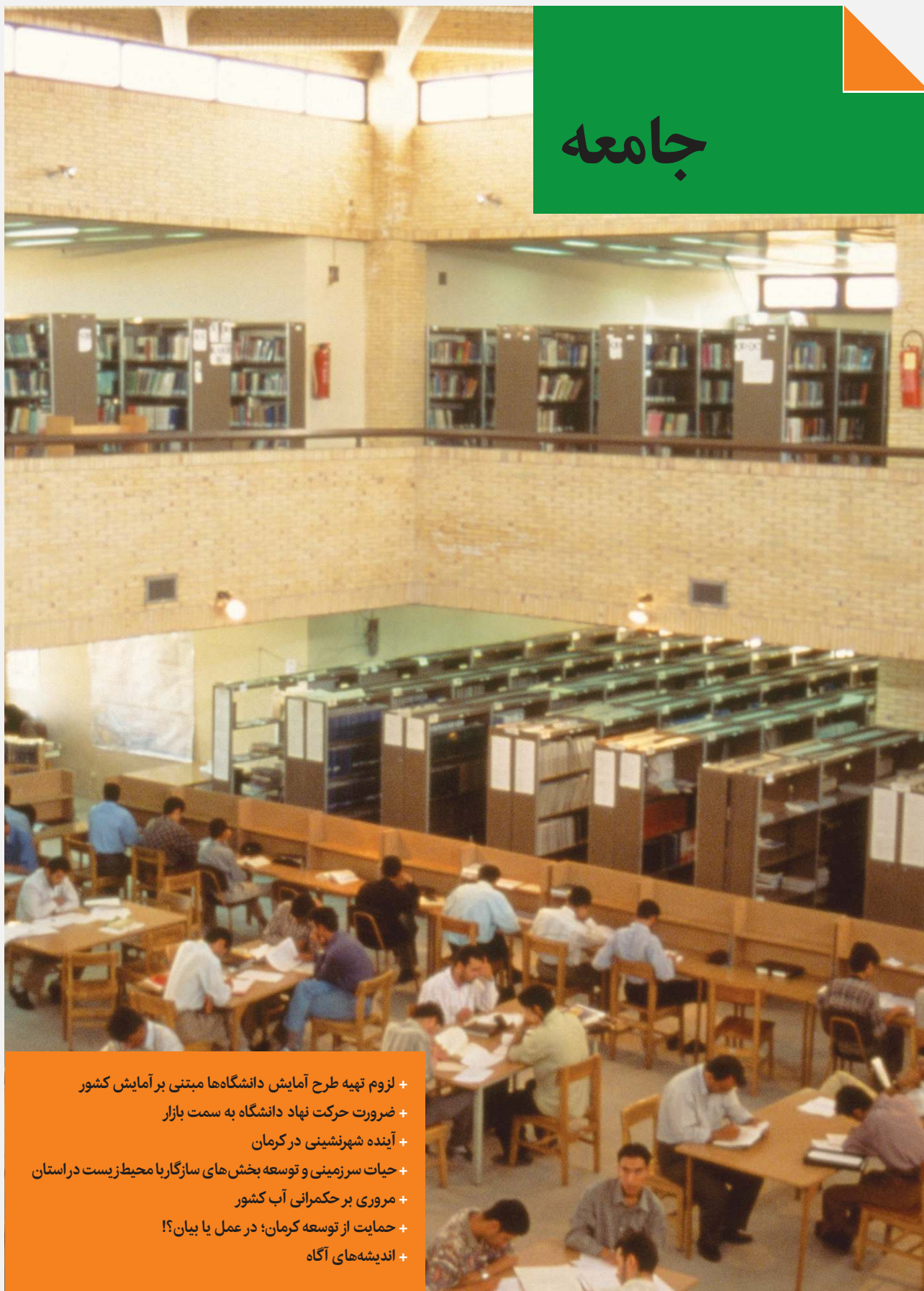
### مسائل و چالش‌ها و راه‌های برون‌رفت:

به دلیل کمبود نقدینگی و همچنین رکود بازار مسکن در داخل کشور، رکود این صنعت نسبت به سال گذشته برطرف نشده است. پروژه‌های بزرگی همانند مسکن مهر در حال اجرا نیست که باعث افت رونق شده است و در حال حاضر مسکن‌سازان، چک‌های بلندمدت به دست سنگ‌بری‌ها می‌دهند که اثر منفی در نقدینگی این قشر گذاشته است، چراکه دچار کاهش رشد صنعت ساختمان‌سازی هستیم.

مشکلاتی از جمله انباشته شدن سنگ‌های تزئینی در انبار سنگ‌بری‌ها به دلیل شرایط نامطلوب فعلی، افزایش هزینه‌های انرژی، حقوق کارگران، مالیات بر ارزش افزوده، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، شرایط سخت صادرات به دلیل قوانین برگشت ارز و قیمت پایه صادراتی، عدم وجود رایزنان بازرگانی مطلع از بازار سنگ‌های تزئینی در بازارهای هدف و اجرایی نشدن مصوبه‌های کارگروه رفع موانع تولید و تسهیل کسب‌وکار، اکثر سنگ‌بری‌ها را با مشکل مالی مواجه نموده و با بدهکاری به ادارات یا اشخاص، فوراً کارخانه پلمپ می‌شود و یا مالک آن ممنوع‌الخروج می‌شود. دولت قرار بود برای نوسازی این صنعت کمک کند، اما فقط رقم ناچیزی از طریق بانک‌های مربوطه به این صنعت اعطا شده است. دستگاه‌های سنگ‌بری فعلی کارخانه‌ها، عمری بیش از ۱۵ سال دارند، اما استاندارد عمر مفید آن‌ها فقط ۱۰ سال است، درحالی‌که چنین ابزاری نمی‌تواند در بازار جهانی سنگ تزئینی محصول رقابتی تولید کند. ♦♦



# جامعه



- + لزوم تهیه طرح آمایش دانشگاه‌ها مبتنی بر آمایش کشور
- + ضرورت حرکت نهاد دانشگاه به سمت بازار
- + آینده شهرنشینی در کرمان
- + حیات سرزمینی و توسعه بخش‌های سازگار با محیط‌زیست در استان
- + مروری بر حکمرانی آب کشور
- + حمایت از توسعه کرمان؛ در عمل یا بیان؟!
- + اندیشه‌های آگاه



گفت‌وگو با دکتر «محمدجواد فدائی» استاندار اسبق و عضو هیئت علمی گروه مهندسی عمران دانشگاه شهید باهنر کرمان

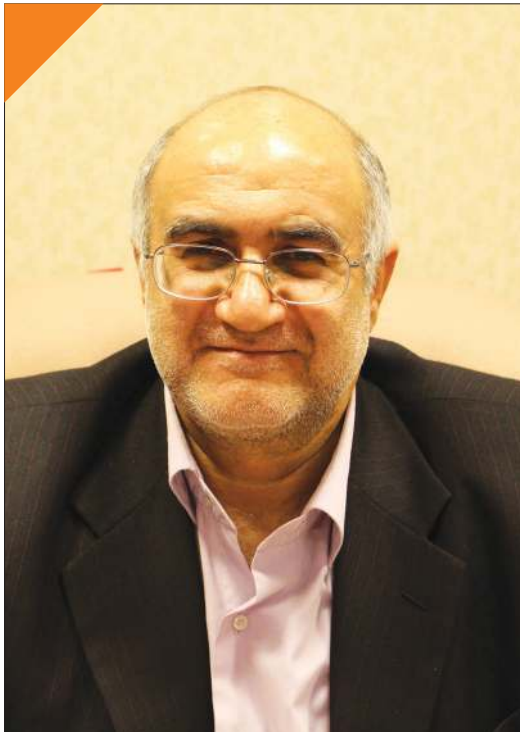
## لزوم تهیه طرح آمایش دانشگاه‌ها مبتنی بر آمایش کشور

دکتر محمدجواد فدائی استاندار اسبق استان کرمان، رییس پیشین دانشگاه شهید باهنر کرمان و استاد دانشکده فنی و مهندسی این دانشگاه در گفت‌وگو با ما می‌گوید که به نظر اینجانب دانشگاه‌ها باید در کوتاه‌مدت در تربیت نیروهای متخصص برای اداره جامعه متمرکز شوند و در میان‌مدت و درازمدت به سمت تبدیل شدن به دانشگاه‌های نسل سه و چهار حرکت کنند. دانشگاه‌ها و وزارت علوم نیاز به تهیه طرح آمایش مبتنی بر آمایش کشور و تدوین راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت دارند.

دانشگاه‌ها برای اینکه بتوانند پاسخگوی جامعه باشند، اولاً باید فعالیت‌هایشان در راستای نیاز جامعه باشد و ثانیاً باید تئوری و عمل را با هم ارائه نمایند که به نظرم در حال حاضر در هر دو مقوله ضعیف هستند.

او معتقد است که دانشگاه و دانشگاهیان، بالقوه توان ایفای نقش در حل مسائل استانی، ملی و جهانی را دارند، اما بوروکراسی پیچیده اداری مانع به فعل رسیدن این توان می‌شود. نظام شورایی مانند شورای برنامه‌ریزی استان و یا شورای پژوهشی و تحقیقات استان می‌تواند زمینه همکاری سازمان‌ها و مراجع بیرون دانشگاه را فراهم آورده و روش آن را پیشنهاد کند.

دکتر فدائی یادآوری می‌کند که دانشگاه شهید باهنر کرمان از ابتدا تاکنون در حدود ۷۷ هزار فارغ‌التحصیل داشته و نقش مهم و مؤثری در توسعه استان و منطقه ایفا کرده است. شرح کامل این گفت‌وگو را مطالعه نماییم.



یکی از مشکلات  
اداره جامعه، نبود  
افراد کارشناس،  
خبه و ماهر  
در موضوعات  
مختلف در  
بخش‌های  
خصوصی و  
دولتی است.  
این امر باعث  
می‌شود که  
تصمیمات درستی  
اتخاذ نشود و با  
تصمیم‌گیری غلط،  
اصلاح برنامه‌ها  
و دوباره‌کاری و  
در نهایت اتلاف  
منابع و زمان  
مواجه باشیم.  
البته ناگفته نماند  
که گاهی اوقات  
هم مدیران اتخاذ  
تصمیم سیاسی  
را به تصمیم  
کارشناسی و  
علمی ترجیح  
می‌دهند که این  
هم آفت بزرگی  
است.

## ♦♦ به نظر شما، با توجه به شرایط امروز ایران و جهان، دانشگاه باید بر کدام نیاز اصلی تمرکز کند و به چه خواسته‌های پاسخ دهد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين. عرض سلام دارم خدمت شما و خوانندگان محترم نشریه وزین «سپهر اقتصاد کرمان»، وظیفه دانشگاه را از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد: نخست از منظر رسالتی که در جهان برای دانشگاه‌ها تعریف شده است و دیگر از منظر ملی و منطقه‌ای. از منظر جهانی، دانشگاه‌ها در یک سیر زمانی و تاریخی، به دانشگاه‌های نسل یک، دو، سه و چهار تقسیم شده‌اند. وظیفه دانشگاه‌های نسل یک آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر و کارشناس بود. کار اصلی دانشگاه‌های نسل دو تحقیق و پژوهش بود و در کنار آن به آموزش هم توجه می‌کردند. دانشگاه نسل سه کارآفرین و ثروت‌آفرین بود. وظیفه دانشگاه نسل چهار سوق‌دادن جامعه به وضعیت مطلوب است. من معتقدم برای رقابت با دنیا، دانشگاه‌های ما باید هر چه سریع‌تر به دانشگاه‌های نسل سه و چهار تبدیل شوند.

از منظر منطقه‌ای، دانشگاه باید نیروی ماهر و کارشناس در رشته‌های مختلف برای اداره امور جامعه تربیت کند که این وظیفه تلفیقی از وظایف دانشگاه‌های نسل یک و دو است و کم و بیش با دانشگاه‌های نسل سه نیز ارتباط پیدا می‌کند. به نظر بنده یکی از مشکلات اداره جامعه، نبود افراد کارشناس، خبهر و ماهر در موضوعات مختلف در بخش‌های خصوصی و دولتی است. این امر باعث می‌شود که تصمیمات درستی اتخاذ نشود و با تصمیم‌گیری غلط، اصلاح برنامه‌ها و دوباره‌کاری و در نهایت اتلاف منابع و زمان مواجه باشیم. البته ناگفته نماند که گاهی اوقات هم مدیران اتخاذ تصمیم سیاسی را به تصمیم کارشناسی و علمی ترجیح می‌دهند که این هم آفت بزرگی است و باعث می‌شود که نیروهای کارشناس و خبهره سرخورده و گوشه‌نشین شوند و دانشگاه هم احساس کند که تلاش و فعالیتش بی‌ثمر است و به‌خوبی و به‌درستی از آن استفاده نمی‌شود. بنابراین به نظر بنده دانشگاه‌ها باید در کوتاه‌مدت در تربیت نیروهای متخصص، برای اداره جامعه متمرکز شوند و در میان‌مدت و درازمدت به سمت تبدیل شدن به دانشگاه‌های نسل سه و چهار حرکت کنند.

دیگر مواجهه با تغییر تصمیمات، سیاست‌ها و مدیریت‌ها بوده و هستند. دانشگاه‌ها و وزارت علوم نیاز به تهیه طرح آمایش مبتنی بر آمایش کشور و تدوین راهبردهای میان‌مدت و درازمدت دارند به‌نحوی که با تغییر مدیریت‌ها دست‌خوش تغییر نشوند و هر دولت یا مدیری بخشی از آن برنامه را انجام دهد نه این‌که هر دولت یا وزیر یا مدیری، برنامه‌های قبلی را کنار بگذارد و برنامه‌های جدید تهیه و شروع به اجرا کند. البته تأکید می‌کنم که لازمه این امر، داشتن طرح آمایش سرزمین و طرح آمایش دانشگاه‌ها مبتنی بر آن و پیش‌بینی تحولات کشوری و استانی در افق نسبتاً طولانی است که نتیجه‌اش تدوین برنامه‌های جامع، کامل و مترقی می‌باشد که در این صورت می‌توان انتظار ثبات و عدم تغییر و در نتیجه حرکت به سمت توسعه داشت. با توجه به این واقعیت‌ها، به نظر بنده تاکنون در مدیریت آموزش عالی و در سیاست‌گذاری و تدوین و اجرای برنامه‌های جامع و اثرگذار توفیق قابل‌توجهی حاصل نشده است.

♦♦ دانشگاه چقدر سعی کرده است تا پاسخ‌گویی به تقاضای جامعه در حوزه مهارت‌های تخصصی را تشخیص داده و عمل نماید؟ به عبارتی نهاد دانشگاه چگونه می‌تواند مانند کشورهای پیشرفته در گرایش به سمت بازار

## ♦♦ شما کارآمدی‌های مدیریتی در سیاست‌گذاری حوزه آموزش عالی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر بنده دانشگاه‌ها هم مانند بسیاری از سازمان‌های

## موفق باشد و برای پاسخ‌گویی به تغییر خواسته‌ها، به چه اصلاحات ساختاری نیاز دارد؟

متأسفانه به دلیل نداشتن همان طرح آمایش و برنامه جامع که ذکر آن رفت، دانشگاه‌ها در تشخیص نیاز جامعه و حرکت در جهت رفع آن چندان موفق نبوده‌اند. به همین دلیل ما با فارغ‌التحصیلانی مواجه هستیم که در بازار کار جایی برای آن‌ها نیست البته نظام عرضه و تقاضا، این وضعیت را تا حدی تنظیم و تعدیل می‌نماید، ولی اگر دانشگاه خودش اقدام نکند و این تعدیل را ایجاد نماید، از عملکرد نظام عرضه و تقاضا عقب می‌ماند و بازهم با اتلاف منابع و زمان مواجه خواهیم بود. نکته دیگر فاصله آموزش‌های تئوری و عملی در آموزش‌های دانشگاهی است که این خود باعث می‌شود فارغ‌التحصیلان دانشگاه ناچار شوند مدتی در جامعه به کسب تجربه بپردازند تا بتوانند مفید و مؤثر واقع شوند. در حالی که اگر به بحث‌های عملی به موازات مباحث تئوری و نظری در دانشگاه بیشتر توجه می‌شد، فارغ‌التحصیلان می‌توانستند سریع‌تر جایگاه مؤثری در جامعه پیدا نمایند. در بعضی از دانشگاه‌های دنیا سیستمی دارند که آموزش تئوری و کارآموزی عملی را به موازات هم ارائه می‌نمایند. در بعضی کشورها این سیستم، به نام CO-OP معروف است که در واقع مراکز فعالیت در جامعه با دانشگاه برای اینکه دانشجویان تجربه کسب نمایند همکاری می‌نمایند. بنابراین دانشگاه‌ها برای اینکه بتوانند پاسخگوی جامعه باشند اولاً باید فعالیت‌هایشان در راستای نیاز جامعه باشد و ثانیاً باید تئوری و عمل را با هم ارائه نمایند که به نظر بنده در حال حاضر در هر دو مقوله ضعیف هستند. بنده زمانی که رییس دانشگاه شهید باهنر بودم سعی کردم که این سیستم را در دانشگاه کرمان پیاده نمایم و اقداماتی هم صورت گرفت اما متأسفانه به نتیجه نرسید.

## دانشگاه‌های استان برای بهبود وضعیت استان، چه کارهایی می‌توانند و چه کارهایی باید انجام دهند؟ به عبارتی مسئولیت دانشگاه در قبال مسائل جامعه و فعالیت‌های توسعه‌ساز اجتماعی و اقتصادی محیط محلی خود چیست؟

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، دانشگاه‌های استان باید اولاً به‌صورت پویا نیازهای کارشناسی و مهارتی استان را با توجه به منابع و برنامه‌های توسعه استان شناسایی نموده و به تربیت نیروی انسانی برای تأمین این نیازها بپردازند. ثانیاً: روش‌هایی را اتخاذ نمایند که دانشجویان در کنار یادگیری مطالب تئوری و نظری، تا

حدی بتوانند تجربه کاری و عملی هم به دست آورند. ثالثاً: باید با انجام روش‌های علمی و درست عارضه‌یابی، مشکلات سازمان‌ها، کارگاه‌ها و کارخانه‌های استان را پیدا نمایند و با انجام پروژه‌های تحقیقاتی و پژوهشی، برای رفع آن مشکلات راه‌حل ارائه کنند. البته لازمه انجام هر سه مسئولیت مذکور، همکاری سازمان‌ها و مراجع بیرون دانشگاه با دانشگاه در این موارد است. به نظرم شورایی مانند شورای برنامه‌ریزی استان و یا شورای پژوهشی و تحقیقات استان می‌تواند زمینه این همکاری را فراهم نموده و روش آن را پیشنهاد کند.

## در ادامه سؤال قبل، دانشگاه‌ها در استان چقدر مسئولانه به مسائل محیطی خود پرداخته‌اند و چقدر مؤثر بوده‌اند؟ مثلاً در سایه وجود دانشگاه‌های استان چه اتفاق مهمی برای بخش کشاورزی یا معدن و ... استان افتاده است که در غیاب دانشگاه محلی انجام نمی‌شد؟

دانشگاه شهید باهنر کرمان که با همت و کار خیر مرحوم افضل‌پور و همسرش خانم فاخره صبا بنیان‌گذاری شده است، نقش مهم و مؤثری در توسعه استان و منطقه داشته است. این دانشگاه از ابتدا تاکنون حدود ۷۷۰۰۰ فارغ‌التحصیل داشته است که این افراد انجام بسیاری از امور استان را در بخش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اجرایی و عمرانی به عهده گرفته‌اند. دانشگاه کرمان طرح‌های پژوهشی متعددی در بخش‌های اقتصادی بویژه معدن، زمین‌شناسی و کشاورزی انجام داده که در حل مشکلات و توسعه این بخش‌ها کاملاً مؤثر بوده است. البته نه دانشگاه به این منظور ظرفیت خود را به‌طور کامل به جامعه ارائه نموده و نه جامعه از ظرفیت دانشگاه به‌طور کامل استفاده کرده است و این بیشتر به این دلیل بوده است که مرجعی که بتواند بین این دو پیوند برقرار کند یا نبوده است و یا فعال نبوده است. ایراد دیگر هم این بوده است که بسیاری از سازمان‌ها و بخش‌های دولتی یا خصوصی برای حل مشکلات خود به دانشگاه‌های دیگری، غیر از دانشگاه شهید باهنر، مراجعه نموده‌اند که این نکته‌ای منفی برای استان است.

## در چگونه فضا و شرایطی، اساتید و دانشگاه‌ها انگیزه حضور برای ایفای نقش در حل مسائل جهانی خواهند داشت؟

دانشگاه و دانشگاهیان بالقوه توان ایفای نقش در حل مسائل استانی، ملی و جهانی را دارند، اما بوروکراسی پیچیده اداری مانع به فعل رسیدن این توان می‌شود.

دانشگاه‌ها هم مانند بسیاری از سازمان‌های دیگر مواجه با تغییر تصمیمات، سیاست‌ها و مدیریت‌ها بوده و هستند. دانشگاه‌ها و وزارت علوم نیاز به تهیه طرح آمایش مبتنی بر آمایش کشور و تدوین راهبردهای میان‌مدت و درازمدت دارند به‌نحوی که با تغییر مدیریت‌ها دست‌خوش تغییر نشوند و هر دولت یا مدیری بخشی از آن برنامه را انجام دهد نه این‌که هر دولت یا وزیر یا مدیری، برنامه‌های قبلی را کنار بگذارد و برنامه‌ای جدید تهیه و شروع به اجرا کند.

گرفت، اما همان‌گونه که گفتم تمام مطلب نیست و باید دید بر اساس آن معیارها، وضعیت‌ها چگونه است.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم است، بفرمایید.

به نظر بنده ارتباط قوی دانشگاه با جامعه و یا فعال شدن دانشگاه در جامعه، نیازی به همکاری متقابل دارد. مدیران و مسئولان و بزرگان جامعه باید در قوی‌تر کردن این ارتباط نقش مؤثرتری داشته باشند. باید شورای برنامه‌ریزی استان و نیز شورای پژوهش و تحقیقات استان تصمیمات جدی‌تری برای برقراری این پیوند اتخاذ نمایند و برای اجرای این تصمیمات به جد پیگیری کنند. جامعه باید نیازهای خود را هم از نیروی کارشناسی و ماهر در رشته‌های مختلف و هم از جهت مشکلاتی که دارد و باید راه‌حل آن‌ها پیدا شود، به دانشگاه اعلام نماید که احساس می‌شود در این خصوص خیلی ضعیف عمل شده است. باید به این موضوع هم بیشتر توجه گردد.

امیدوارم روزی برسد که با بازتعریف ساخت اجتماعی، همه ما شاهد تعامل حداکثری جامعه و دانشگاه و به تبع آن حل مشکلات مردم در زمینه‌های مختلف باشیم. از شما برای فرصتی که در اختیار من قرار دادید سپاسگزارم و برای ایران و کرمان بهترین‌ها را آرزو دارم. ◆◆

بایستی شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای ایفای این نقش فراهم گردد. اگر سیستم دولتی و اداری بتواند به این نکته توجه نماید و ارتباط دانشگاه با جامعه را مناسب و بدون پیچ‌وخم برقرار کند قطعاً نقش دانشگاه‌ها مؤثرتر خواهد شد.

◆ در مورد سلسله‌گام‌های پیشرفت علمی توضیح دهید و این‌که جایگاه جهانی ما در این موضوع کجاست؟ در این سال‌ها از روند افزایشی سهم ایران در تولید مقالات یاد می‌شود، اما عده‌ای معتقدند که تولید مقاله یک گام ابتدایی از سلسله‌گام‌های پیشرفت علمی به شمار می‌رود و اساساً نمی‌تواند نشان واقعی پیشرفت علمی باشد. لطفاً در این مورد توضیح دهید.

برای مشخص شدن جایگاه علمی در جهان معیارهایی وجود دارد و همه دانشگاه‌ها و مراکز علمی در دنیا با این معیارها سنجیده می‌شوند و مؤسسات معتبری در دنیا وجود دارند که این ارزیابی را یکسان برای همه کشورها و همه دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی انجام می‌دهند. بر اساس این معیارها، جایگاه جهانی ما، به نسبت جمعیت، در حد قابل قبول است. انتشار مقاله یکی از این معیارهاست نه همه آن. بنابراین انتشار مقاله هم به نسبت سهمی که در آن معیارها دارد قابل توجه است و نمی‌شود آن را نادیده



ارتباط قوی دانشگاه با جامعه و یا فعال شدن دانشگاه در جامعه، نیازی به همکاری متقابل دارد. مدیران و مسئولان و بزرگان جامعه باید در قوی‌تر کردن این ارتباط نقش مؤثرتری داشته باشند. باید شورای برنامه‌ریزی استان و نیز شورای پژوهش و تحقیقات استان تصمیمات جدی‌تری برای برقراری این پیوند اتخاذ نمایند و برای اجرای این تصمیمات به جد پیگیری کنند. جامعه باید نیازهای خود را هم از جهت نیروی کارشناسی و ماهر در رشته‌های مختلف و هم از جهت مشکلاتی که دارد و باید راه‌حل آن‌ها پیدا شود، به دانشگاه اعلام نماید که احساس می‌شود در این خصوص خیلی ضعیف عمل شده است.

# ضرورت حرکت نهاد دانشگاه به سمت بازار

## ♦ دکتر سعید ده یادگاری

عضو هیئت علمی گروه مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان



### مقدمه

بازارگرایی، نوعی فلسفه تجاری است. این فلسفه نیازهای مشتریان و بازار را در اولویت قرار می‌دهد و توصیه می‌کند که تمام بخش‌ها و واحدهای یک سازمان باید به دنبال شناسایی و رفع هرچه بهتر نیازهای مشتریان باشند. این امر مستلزم اجرای بهینه فعالیت‌های کسب‌وکاری و سازوکارهایی است که اطلاعات مربوط به مصرف‌کننده را ایجاد، منتشر و پاسخ می‌دهند. چنین تمرکزی می‌تواند به سازمان‌ها این اجازه را بدهد تا عملکرد کلی خود را افزایش دهند و در نهایت در مقابل رقبای خود به مزیت‌های رقابتی دست یابند. در دهه‌های گذشته این فلسفه توسط سازمان‌های تولیدی مورد پذیرش و در فرهنگ‌ها و در محیط‌های متنوع آنان مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در دهه‌های اخیر، توسط گروه‌های متفاوتی از سازمان‌ها و صنایع، در بخش‌های خدمات، مانند، بانکداری، بهداشت و درمان، گردشگری و غیره نیز مورد استقبال و کاربرد قرار گرفته است. در ایران نیز طی سال‌های گذشته و همزمان با رشد روزافزون رقابت و توسعه ارتباطات در بخش‌های مختلف، بازارگرایی به عنوان رویکردی مفید جهت موفقیت و پیشرفت کسب‌وکارها در محیط رقابتی مورد توجه و استقبال قرار گرفته است و بسیاری از فعالان بخش‌های صنعت و خدمات به سمت پیاده‌سازی و به کار بردن آن گام گذاشته‌اند. این در حالی است که آموزش عالی و نهاد دانشگاه یکی از مهم‌ترین بخش‌های خدمات در هر جامعه‌ای محسوب شده و ضرورت گرایش آن به سمت بازار احساس می‌شود. هدف این نوشتار بررسی نقش و ضرورت استفاده از بازارگرایی در محیط‌های غیرتجاری مانند نهاد دانشگاه است.

### بازارگرایی

بازارگرایی یکی از مهم‌ترین مفاهیم در دهه‌های گذشته است. این مفهوم بسط مفهوم بازاریابی است که به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها تعریف می‌شود که همیشه مشتریان و مخاطبین هدف را در درجه اول در نظر می‌گیرد. بازارگرایی فرآیند ایجاد مداوم ارزش فوق‌العاده برای مشتریان است. صاحب‌نظران، بازارگرایی را به عنوان اجرای فلسفه مفهوم بازاریابی که بر نیازهای مشتری و سود سازمان متمرکز است، می‌دانند. این نگرش در برگیرنده ایجاد، توزیع و

### می‌توان بازارگرایی

را به عنوان

تولید گسترده

اطلاعات بازار در

سازمان با تمرکز

بر نیازهای فعلی

و آینده مشتریان،

توزیع و گسترش

آن اطلاعات در

سازمان و ایجاد

ظرفیت پاسخ و

عکس‌العمل در

برابر آن اطلاعات

تعریف کرد.

جهت‌گیری بازار

بیانگر ادراک

بازاریابی است که

نیازهای مشتری

را در مرکز تمام

فعالیت‌های

سازمان قرار

می‌دهد؛ بنابراین،

بازارگرایی، اجرای

مفهوم بازاریابی

در یک سازمان

است.

پاسخ‌گویی به اطلاعات در رابطه با نیاز مشتریان در سازمان است؛ بنابراین می‌توان بازارگرایی را به عنوان تولید گسترده اطلاعات بازار در سازمان با تمرکز بر نیازهای فعلی و آینده مشتریان، توزیع و گسترش آن اطلاعات در سازمان و ایجاد ظرفیت پاسخ و عکس‌العمل در برابر آن اطلاعات تعریف کرد. جهت‌گیری بازار بیانگر ادراک بازاریابی است که نیازهای مشتری را در مرکز تمام فعالیت‌های سازمان قرار می‌دهد؛ بنابراین، بازارگرایی، اجرای مفهوم بازاریابی در یک سازمان است. این امر مستلزم حمایت کامل سازمان برای اجرای کامل در درازمدت است و در واقع ممکن است نیاز به تغییر کامل در فرهنگ سازمان داشته باشد. بسیاری از صاحب‌نظران، بازارگرایی را به عنوان نوعی فرهنگ کسب‌وکاری توصیف می‌کنند. آن‌ها خاطر نشان می‌کنند که برای ایجاد ارزش برتر مستمر برای مشتریان و برای کسب مزیت رقابتی پایدار ایجاد فرهنگ عصری ضروری است.<sup>۲</sup>

### مزایای بازارگرایی

چرا بازارگرایی در سال‌های اخیر به طور گسترده در محیط‌های علمی و کسب‌وکاری مورد توجه قرار گرفته است؟ دلایل این





گرایش می‌تواند به شکلی سودمند برای سازمان‌های غیرتجاری، به‌طور کلی و نهاد دانشگاه، به‌طور ویژه، مفید باشد؟

### ویژگی‌های سازمان‌های بازارگرا

همان‌گونه که بیان شد، بازارگرایی بسط مفهوم بازاربایی است. سازمان‌هایی که بازاربایی را مبنای فعالیت‌های خود قرار می‌دهند به‌طور نظام‌مند به دنبال شناسایی و رفع نیازهای مشتریان به شیوه‌ای ارزش‌آفرین در بازار هدف خودشان هستند. این کار مهم‌ترین ابزار دستیابی و حفظ یک مزیت رقابتی و تحقق اهداف سازمان طی یک مدت زمان خاص است.<sup>۵</sup>

لذا سازمان‌های بازارگرا به دلیل تمرکز مستمر کارکنان تمام بخش‌ها و تمام سطوح آن‌ها بر نیازهای مشتری و شرایط رقابتی موجود در محیط بازار، از سایر سازمان‌ها متمایز و مشخص می‌شوند. این دسته از سازمان‌ها همچنین آماده‌اند و می‌توانند به سرعت محصولات، خدمات و برنامه‌های کاری خود را تغییر داده و اصلاح کنند تا بتوانند با تغییرات در آن محیط هماهنگ و همراه شوند. چنین سازمان‌هایی قبل از طراحی و تولید محصولات خود توجه خاصی به تحقیقات و نظرسنجی‌های به دست آمده از مشتریان معمول می‌دارند. این سازمان‌ها با تعدیل محصولات و برنامه‌ریزی‌های بازاربایی خود مطابق با نیازهای خاص بازارهای هدف مختلف مفهوم بخش‌بندی بازار را اعمال می‌کنند.<sup>۶</sup>

سازمان‌های بازارگرا همچنین برای بهبود توان پاسخ‌گویی خود از حیث تصمیماتی که گرفته‌اند از انواع مختلف رویه‌ها و ساختارهای سازمانی استفاده می‌کنند؛ مثلاً از بررسی‌های محیطی دقیق‌تر و مستمر استفاده کرده، از سیستم‌های اطلاعات به روز بهره می‌برند، همیشه به دنبال کسب نظرات مشتریان کلیدی و عرضه‌کنندگان اصلی خود درباره محصولات می‌باشند و طرح‌های خود را مطابق

است که مزایای این رویکرد در سازمان مورد اثبات قرار گرفته است. شاید مهم‌ترین مزیت بازارگرایی این باشد که این رویکرد در سازمان کارساز است؛ به این معنی که معمولاً عملکرد تجاری قابل توجهی را ایجاد می‌کند. محققان یک رابطه مثبت قوی بین بازارگرایی و عملکرد کسب‌وکار کشف کرده‌اند. به طوری که می‌توان گفت که مشتری‌مداری و پاسخگویی از عوامل مهم موفقیت سازمان‌ها به شمار می‌رود.

استفاده از بازارگرایی مزایای دیگری نیز دارد. برخی از مطالعات نشان می‌دهد که این گرایش می‌تواند ارزش درک شده مشتری را افزایش دهد و در نتیجه منجر به رضایت و وفاداری مشتری شود. از طرف دیگر، این گرایش با اهداف رشد سازمان که توسط شناسایی و بهره‌برداری بعدی از فرصت‌های استفاده نشده بازار به وجود می‌آید، مرتبط است.<sup>۳</sup> بازارگرایی همچنین می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری و اقدام هماهنگ بین واحدها و بخش‌های مختلف سازمان شود و ممکن است به عنوان وسیله‌ای برای کشف بیشتر نیازهای مشتری در تجارت الکترونیک عمل کند. علاوه بر این، برخی از محققان دریافته‌اند که این رویکرد می‌تواند منجر به ارائه ابزار مؤثری برای دستیابی به مزیت‌های رقابتی، نوآوری در ارائه خدمات اثربخش، بهبود تعهد سازمانی در بخش عمومی، ثروت برای صاحبان یک شرکت و افزایش موفقیت محصول جدید شود. برخی دیگر گزارش کرده‌اند که بازارگرایی می‌تواند ارزش مشتری برتر را القاء کند و به سازمان در دستیابی به یادگیری تجربی مؤثر و کارآمد و بهبود وضعیت مشارکت تأمین‌کنندگان کمک کند. به علاوه، این استراتژی می‌تواند کارکنان خط مقدم را برای خدمت‌رسانی مناسب‌تر به مشتریان هدایت و برانگیزد. در نهایت، بازارگرایی می‌تواند به افزایش قابلیت‌های رهبری لازم و جذب و حفظ مشتریان سودآور کمک کند.<sup>۴</sup> با توجه به این مزیت‌ها برای شرکت‌های تجاری، آیا این



با تجزیه و تحلیل به عمل آمده از بازخوردهای آن‌ها هماهنگ می‌کنند. این‌گونه سازمان‌ها تصمیم‌گیری‌های استراتژیک را غیرمتمرکز می‌کنند. تفکر کارآفرینی میان مدیران سطوح پایین‌تر را ترغیب و ترویج می‌کنند و از تیم‌های مدیریتی میان بخشی برای تجزیه و تحلیل مسائل استفاده می‌کنند و متهورانه اعمالی استراتژیک را فراتر از فرایند رسمی برنامه‌ریزی آغاز می‌کنند.<sup>۷</sup>

### بازارگرایی در دانشگاه

دانشگاه‌ها جزء اصلی سیستم آموزش عالی به حساب می‌آیند و وظیفه آموزش، پژوهش و ارائه خدمات را بر عهده دارند. اگر نسل اول دانشگاه‌ها را آموزش محور، نسل دوم را پژوهش محور و نسل سوم را دانشگاه کارآفرین بنامیم؛ این‌گونه دانشگاه‌ها در کنار مأموریت‌های آموزش و پژوهش، وظیفه کارآفرینی و کمک در جهت توسعه فناوری‌های مورد نیاز بازار را بر عهده دارند. ما هنوز نتوانسته‌ایم نسل سوم دانشگاه‌ها را به‌طور کامل در دانشگاه‌های کشور ایجاد کنیم و در مواجهه با چشم‌انداز دانشگاه‌های نسل سوم، می‌توانیم مفهوم بازارگرایی را به عنوان راه‌حلی با پشتوانه علمی فراوان در نظر بگیریم.

تحقیقات نشان می‌دهد که بازارگرایی برای دانشگاه‌ها دارای مزایای بالقوه است. دانشجویان کانون اصلی توجه دانشگاه‌ها هستند؛ و همانند بنگاه‌های تجاری که بیشترین توجه آن باید معطوف به شناسایی و رفع نیاز مشتریان باشد، دانشگاه نیز باید خدمات و آموزش‌های خود را به سمت و سویی هدایت کند که به برآورده کردن نیازهای مهم دانشجویان کمک کند. این نیازها شامل مهارت‌های فوری مورد نیاز برای اشتغال موفق و بینش‌های ادراکی، انگیزه و سایر قابلیت‌های ذهنی است که در طول زندگی حرفه‌ای فرد مفید هستند.<sup>۸</sup>

از طرفی، دانشگاه‌ها در سرتاسر جهان تحت فشارهای فزاینده‌ای قرار گرفته‌اند تا به نیازهای محیط بازار که به سرعت در حال تغییر است پاسخ دهند. رشد بی‌سابقه، پیچیدگی و رقابت‌پذیری اقتصاد جهانی همراه با تغییرات اجتماعی - سیاسی پیامد آن، فشارهایی را بر مؤسسات آموزش عالی برای اتخاذ رویکرد بازار محور ایجاد کرده است. طی سال‌های گذشته تقاضا برای آموزش عالی در سراسر جهان و از جمله ایران رشد بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است؛ به‌طور مثال در ایران، در طول چهل سال گذشته رشد ۲۴۲۵ درصدی واحدهای دانشگاهی و ۲۵۵۱ درصدی تعداد دانشجویان به نسبت پیش از آن شاهد هستیم.<sup>۹</sup> بخش زیادی از این مراکز آموزش عالی دولتی بوده و منبع اصلی تأمین مالی آن‌ها بودجه عمومی کشور است. طی سال‌های اخیر دولت در تأمین و تخصیص بودجه به مراکز آموزش عالی با مشکلات زیادی مواجه بوده که خود را به شکل عدم توسعه کمی و کیفی فضای آموزشی و آزمایشگاهی مناسب و اجرای ناقص قوانین افزایش و همانندسازی

حقوق و دستمزد و عدم توجه کافی به معیشت اعضاء هیئت‌علمی و ناتوانی دانشگاه‌ها در جذب اعضاء هیئت‌علمی مورد نیاز خود نشان می‌دهد. این مشکلات ضرورت حرکت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به سمت بازارگرایی را صد چندان می‌کند. از این رو، با انجام تحقیق و پژوهش برای سازمان‌ها و همچنین شراکت در پروژه‌های عمرانی و تلاش در جهت رفع نیازهای بازار و صنایع، درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها افزایش یافته و این‌گونه مراکز تنها متکی به بودجه‌های دولتی نخواهند بود.

از طرفی دیگر، کسب‌وکارها و صنایع نیز به دنبال تحقیقات دانشگاهی هستند تا پیشرفت‌های جدیدی در تحقیق و توسعه علمی و فناوری‌ها و محصولات جدیدی را به آن‌ها ارائه دهند. برای توسعه فناوری و تولید محصولات مورد نیاز صنعت می‌توان از آزمایشگاه‌های تحقیقاتی دانشگاه به عنوان مراکز تحقیق و توسعه استفاده کرد. این به دانشگاه‌ها کمک می‌کند تا امکانات خود را برای ایجاد درآمد اضافی به کار گیرند و در نتیجه وابستگی به حمایت‌های دولتی را کاهش دهند. در نتیجه ادغام منافع بین صنایع و تحقیقات دانشگاهی تنها راه نجات برای بقا در برابر فشار بودجه است. این مسئله در دانشگاه‌های غیردولتی از اهمیت بیشتری برخوردار است.<sup>۱۰</sup> امروزه، در سرتاسر جهان و از جمله ایران، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی در حال گسترش هستند و دوره‌هایی را با سخت‌گیری دانشگاهی کمتر با هدف بهره‌برداری از تقاضای بالای بازار آموزش عالی آغاز کرده‌اند. این‌گونه مراکز نیز با هزینه‌های فزاینده آموزش عالی مواجه هستند. از آنجا که این مؤسسات از منابع مالی محدودتری نسبت به مؤسسات آموزش عالی دولتی برخوردار هستند، نگرانی بیشتری در مورد هزینه‌های خود داشته و مجبورند اقدامات مختلفی را برای کاهش هزینه‌های خود اتخاذ کنند، اما کاهش هزینه‌ها با محدودیت همراه است و اغلب کیفیت خدمات ارائه شده توسط این‌گونه مراکز علمی را کاهش می‌دهد.<sup>۱۱</sup>

بنابراین بهترین گزینه برای این‌گونه مؤسسات، در جهت رهایی از فشار تأمین مالی، کسب درآمد از منابع بازار با ارائه خدمات اضافی به مشتریان علاقه‌مند است. با طراحی و ارائه برنامه‌های آموزشی مرتبط با صنعت در موضوعات انتخابی برای مدیران شرکت‌ها، دانشگاه می‌تواند به مشتریان سازمانی برای ارتقای پایگاه دانش آن‌ها خدمت کند. همچنین می‌تواند برنامه‌های توسعه مدیریت کوتاه‌مدت و بلندمدت را ارائه دهد و همچنین پشتیبانی مشاوره‌ای را به مشتریان ارائه دهد. بخش‌های دانشگاه نیز می‌توانند فعالیت‌های تحقیقاتی را بر اساس نیاز مشتریان انجام دهند. از طرفی، دانشگاه‌های بازارگرایی موظف‌اند درآمد بیشتری از بازار ایجاد کنند و بنابراین باید نیازهای بازار را تأمین کنند. این خدمات، دانشگاهیان را در معرض چالش‌های دنیای واقعی قرار می‌دهد و آن‌ها را از تمرکز صرف بر توسعه دانش نظری که البته در جایگاه خود ضروری است برحذر می‌دارد. در کنار صنایع و

### سازمان‌های بازار

گرا به دلیل تمرکز

مستمر کارکنان

تمام بخش‌ها

و تمام سطوح

آن‌ها بر نیازهای

مشتری و شرایط

رقابتی موجود

در محیط بازار، از

سایر سازمان‌ها

تمایز و مشخص

می‌شوند.

این دسته از

سازمان‌ها

همچنین آماده‌اند

و می‌توانند

به سرعت

محصولات،

خدمات و

برنامه‌های کاری

خود را تغییر داده

و اصلاح کنند تا

بتوانند با تغییرات

در آن محیط

هماهنگ و همراه

شوند. چنین

سازمان‌هایی قبل

از طراحی و تولید

محصولات خود

توجه خاصی

به تحقیقات و

نظرسنجی‌های

به دست آمده از

مشتریان معمول

می‌دارند.

آن را مانند هر کالایی خرید و فروش کرد.

از طرف دیگر دانشگاه‌ها با حرکت به سمت بازارگرایی می‌توانند به‌طور مناسب‌تری پاسخ‌گوی نیازهای آینده شغلی دانشجویان خود باشند و برنامه‌های خود را در جهت شناسایی و رفع نیازهای دانشجویان به آموزش عالی تنظیم کنند. این‌گونه دانشگاه‌ها در رقابت موجود بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در جهت جذب دانشجویان بهتر موفقیت بیشتری کسب می‌کنند. خروجی دانشگاه‌های بازارگرا، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیانی است که توسط دانشجویان همان دانشگاه‌ها تأسیس شده و در جهت توسعه کشور گام برمی‌دارند. در نهایت دانشگاه‌های بازارگرا با پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای کسب‌وکارها و صنایع به فن‌آوری‌ها و محصولات جدید، از یک طرف می‌توانند نواقص و کمبود واحدهای تحقیق و توسعه در کسب‌وکارها را برطرف کنند و از طرف دیگر با بستن قراردادهای اجرایی پروژه‌های مرتبط با صنعت و بازار در جهت ایجاد درآمدهای اختصاصی برای خود گام بردارند. با این توصیف‌ها به نظر می‌رسد حرکت دانشگاه‌ها به سمت بازار، یکی از ضروریات امروز ایران بوده و منافع آن در ابتدا برای خود نهاد دانشگاه و در ادامه برای کل صنعت و اقتصاد کشور خواهد بود. ♦♦

#### منبع

- واکر، آوریل سی، بوید، هارپر دابلویو، مالینز، جان، لرش، ژان کلود، ۱۳۹۱، استراتژی بازاربازی با رویکرد تصمیم محوری، ترجمه اعرابی و ایزدی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ چهارم، ص ۴۲
- Inés Kúster María, Elena Avilés-Valenzuela, (2010), "Market orientation in university: a case study", International Journal of Educational Management, Vol. 24 Iss 7 pp. 597 – 614
- Hemsley-Brown, Jane, Izhar Oplatka, (2010), "Market orientation in universities", International Journal of Educational Management, Vol. 24 Iss 3 pp. 204 - 220
- Moštaque Ahmed Zebal, David R. Goodwin, (2012), "Market orientation and performance in private universities", Marketing Intelligence & Planning, Vol. 30 Iss 3 pp. 339 – 357
- Tran, T. P., Charles, B., & Widyarso, R. (2015). Market orientation: an option for universities to adopt? International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector MarketingT Int. J. Nonprofit Volunt. Sect. Mark, DOI: 10.1002/nvsm.1535
- Niculescu, M., Xu, B., Hampton, G.M., & Peterson, R.T. (2013). Market Orientation and its Measurement in Universities. Administrative Issues Journal, 3, 10.
- Rivera-Camino, J., Molero Ayala, V. (2010). Market Orientation at Universities. Construct and Exploratory Validation. Innovar, 20(36), 125-138.

کسب‌وکارها، دانشجویان نیز به خروجی آموزشی و پژوهشی با کیفیت نیاز دارند که توسط دانشگاه‌های بازارگرا تولید می‌شود. دانشجویان عمده‌ترین ذینفعان برنامه‌های تحصیلی دانشگاه‌ها هستند. از آنجایی که آن‌ها دانشگاهی را برای دستیابی به آینده شغلی خود انتخاب می‌کنند، برنامه‌های آموزشی دانشگاه باید مطابق با نیازهای دانشجویان باشد. طراحی برنامه درسی و سایر فعالیت‌ها باید با توجه به علایق دانشجویان باز طراحی شود. همچنین باید به دانشجویان فرصت بیشتری داده شود تا در امور دانشگاه مشارکت داشته باشند و از اساتید در دانش‌آفرینی حمایت کنند. در نتیجه توجه به نیازهای شغلی آینده و طراحی دوره‌های آموزشی و پژوهشی متناسب با این نیازها برای دانشجویان از ضرورت‌های دانشگاه‌ها است که دانشگاه‌های بازارگرا به آن توجه دارند. تحقیقات نشان می‌دهند که میزان رضایت دانشجویان از انتخاب دانشگاه به میزان قابل توجهی به میزان بازارگرا بودن دانشگاه بستگی دارد؛ به عبارت دیگر، کاربرد مؤثر استراتژی بازارگرایی به رضایت دانشجویان و تصمیماتی که هنگام انتخاب دانشگاه می‌گیرند مرتبط است. بازارگرایی باعث جذب دانشجویان بهتر به دانشگاه‌ها و توسعه کمی و کیفی دانشگاه‌ها متناسب با نیازهای بازار کار می‌شود. خروجی دانشگاه‌های بازارگرا اغلب به شکل شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌هایی که توسط فارغ‌التحصیلان این‌گونه دانشگاه‌ها و با حمایت نهاد دانشگاه ایجاد شده‌اند، خود را نشان می‌دهد؛ که این به نوبه خود رشد اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار کشور را به همراه خواهد داشت.<sup>۳</sup>

#### نتیجه‌گیری

بازارگرایی بسط مفهوم بازاربازی است و عبارت است از تولید گسترده اطلاعات بازار در سازمان با اشاره به نیازهای فعلی و آتی مشتریان، انتشار افقی و عمودی این اطلاعات در داخل سازمان و ایجاد ظرفیت عمل یا پاسخگویی گسترده به آن اطلاعات. این رویکرد صرفاً در سازمان‌ها و شرکت‌های تولیدی کاربرد ندارد؛ بلکه در سازمان‌های خدماتی نیز به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروزه سازمان‌های خدماتی بسیاری در بخش‌های خدمات بانکداری، بیمه، مسافرتی و گردشگری و غیره، تلاش می‌کنند از این گرایش در جهت بهبود خدمات خود و بالا بردن سطح رضایتمندی و وفاداری مشتریان خود استفاده کنند. دانشگاه نیز به عنوان نهادی که وظیفه آموزش، پژوهش و خدمت در سطح عالی را بر عهده دارد می‌تواند از این رویکرد در جهت کاهش وابستگی خود به بودجه عمومی دولت و پاسخ‌گویی مناسب به فشارهای هزینه‌ای استفاده کند. تبدیل دانشگاه از وابستگی صرف به بودجه دولتی به بازارگرایی، ساختار اجتماعی توزیع دانش را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا مرکز توجه از دانش اجتماعی به دانش بازار تغییر می‌کند. دانش ایجاد شده در چنین محیطی به یک کالای قابل فروش تبدیل می‌شود و می‌توان

#### دانشگاه‌ها

#### با حرکت به

#### سمت بازارگرایی

#### می‌توانند به‌طور

#### مناسب‌تری

#### پاسخ‌گوی نیازهای

#### آینده شغلی

#### دانشجویان

#### خود باشند و

#### برنامه‌های خود

#### را در جهت

#### شناسایی و

#### رفع نیازهای

#### دانشجویان

#### به آموزش

#### عالی تنظیم

#### کنند. این‌گونه

#### دانشگاه‌ها در

#### رقابت موجود

#### بین دانشگاه‌ها

#### و مؤسسات

#### آموزش عالی در

#### جهت جذب

#### دانشجویان بهتر

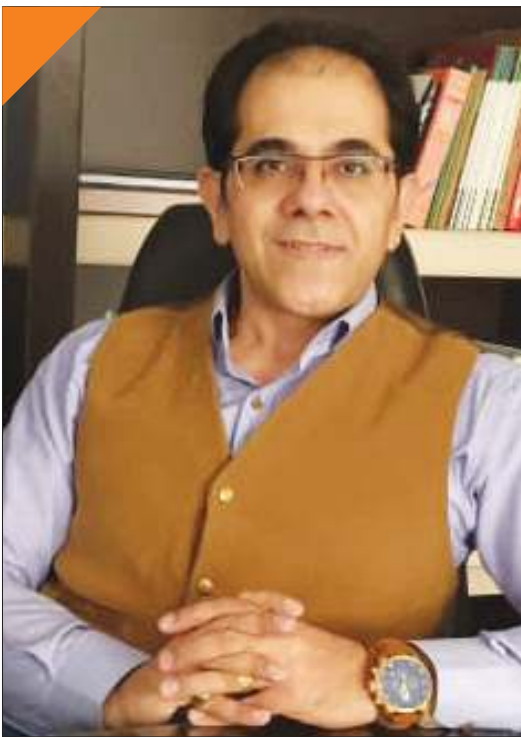
#### موفقیت بیشتری

#### کسب می‌کنند.

# آینده شهرنشینی در کرمان

## ♦ دکتر نیما جهان‌بین

عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد کرمان



### تحلیل‌های

#### ساده‌ی کمی

نشان می‌دهد که

#### جمعیت کرمان

از نخستین آمار

#### قابل اتکا در

۱۲۴۸ با ۲۰۰۰۰

#### نفر جمعیت به

۵۳۴۴۴۱ نفر در

#### سرشماری سال

۱۳۹۰ رسیده

#### و در حالی که

#### جمعیتش در

یک بازه‌ی زمانی

حدوداً ۱۵۰ ساله،

#### ۲۶ برابر گشته،

به لحاظ وسعت،

#### در بازه‌ی زمانی

حدود ۵۰ سال

از سال ۱۳۰۷ با

۳ کیلومترمربع به

۱۱۴ کیلومترمربع

در سال ۱۳۹۳

۳۸ برابر شده

است.

برنامه‌های شهری را بیافزاییم و اضافه کنیم که این همه در دامان شرایط بد فرهنگی و اقتصادی زاده شده و به رشد نامتوازن و هر روز وخیم‌تر بیماری ادامه می‌دهد، احوال بیمار مختصری را می‌بینیم که برخلاف نظریات مطرح شده در میان اندیشمندان شهری همچون نظریه‌ی رشد شش مرحله‌ای لوییس مامفورد<sup>۳</sup>، بدون گذار از مراحل شکوفایی به شرایط زوال رسیده است.

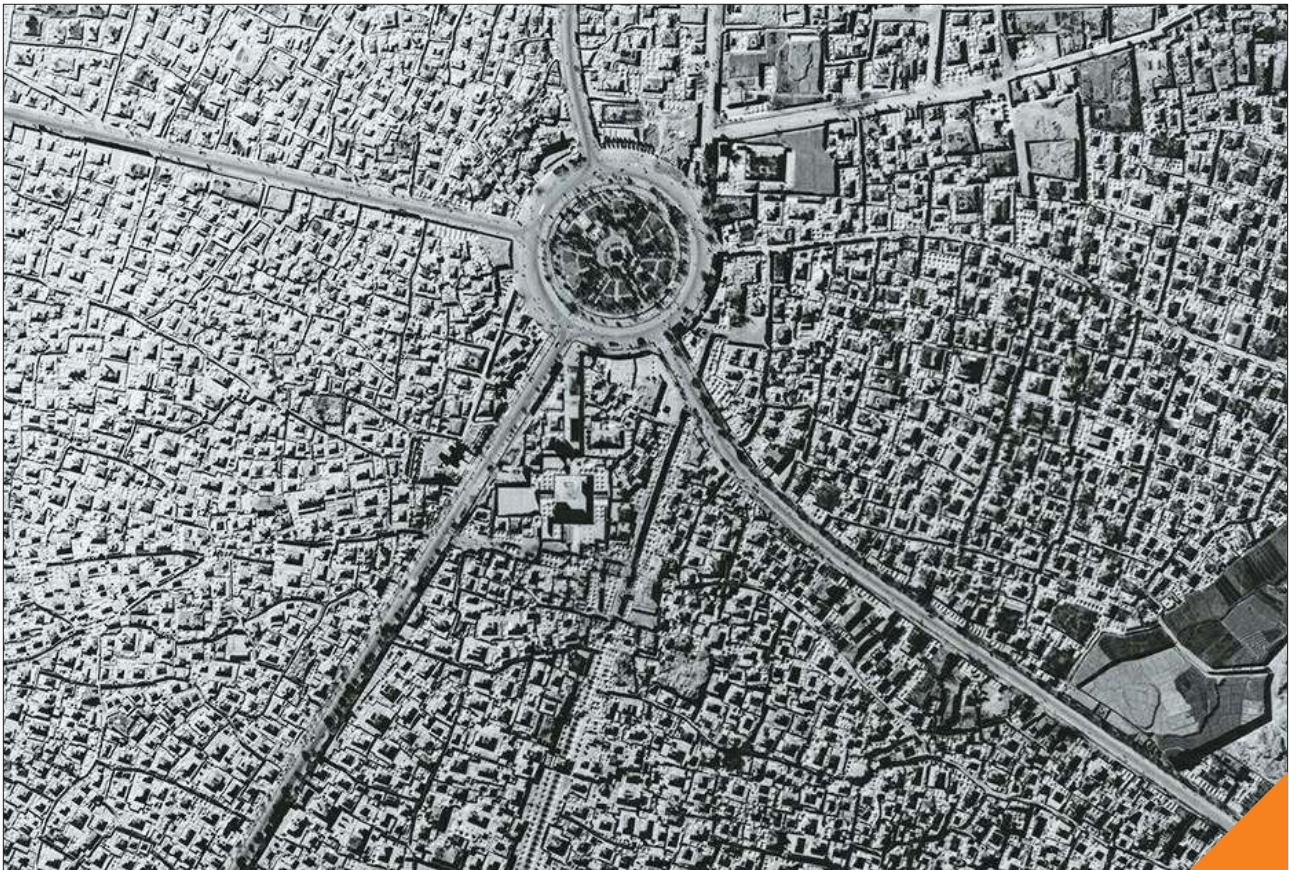
در مقاله پیش رو نگارنده می‌کوشد تا با بررسی آفات رشد و توسعه‌ی معنادار و مطلوب شهر کرمان، دلایل ناممکن بودن چشم‌انتظاری برای آینده‌ای امیدوار کننده را برشمرد و یادآور می‌شود که هریک از سرفصل‌های پیش رو، خود امکانی تازه است برای طرح مطلبی به تفصیل و تشریح که امید است بتواند در قالب سلسله یادداشت‌هایی از سوی نگارنده و یا دیگر صاحب‌نظران دماغ مخاطبان جویا را تر کند.

از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت  
عجب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی!

«حافظ»

سخن گفتن از آینده‌ی شهر در زمانی که در گذر است و زمانه‌ای که به تجربه‌ی زیستنش مشغولیم، نه نیازمند علم غیب و توان پیشگویی و نه حتی تخصصی ویژه و زبده است. با نگاه به روند خاصی که شهر کرمان از گذشته تاکنون پیموده، می‌توان به سادگی بیان داشت که شوربختانه این اعرابی به کعبه نمی‌رسد و راهی که می‌رود به ترکستان است. تحلیل‌های ساده‌ی کمی نشان می‌دهد که جمعیت کرمان از نخستین آمار قابل اتکا در ۱۲۴۸ با ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت به ۵۳۴۴۴۱ نفر در سرشماری سال ۱۳۹۰ رسیده و در حالی که جمعیتش در یک بازه‌ی زمانی حدوداً ۱۵۰ ساله، ۲۶ برابر گشته، به لحاظ وسعت، در بازه‌ی زمانی حدود ۵۰ سال (از سال ۱۳۰۷ با ۳ کیلومترمربع به ۱۱۴ کیلومترمربع در سال ۱۳۹۳) ۳۸ برابر شده است. وقتی به آمار یاد شده اضافه کنیم شهری که بین سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۳۳۵ همواره هر ۳۵ تا ۴۰ سال جمعیتش دو برابر می‌شده، تنها طی ۲۵ سال اخیر، افزایش جمعیت دو برابری را تجربه کرده است<sup>۲</sup>، به روشنی در می‌یابیم که شهر کرمان نه تنها در معرض مهاجرت بی‌رویه و از بین رفتن روستاهای در حوزه‌ی نفوذ شهرست، بلکه رشد بی‌رویه‌ی کالبدی به عنوان فاجعه‌ای که سال‌هاست دنیا در صد مهر آن است، معضل نگران‌کننده‌ای برای آن به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که در گذشته‌ی همین شهر و در هسته‌ی تاریخی با وجود تراکم بلندی کم و کوتاه مرتبگی خانه‌های بافت، در هر کیلومتر مربع نزدیک به ۷۰۰۰ نفر می‌زیسته‌اند و امروز در هر کیلومتر مربع از شهر کمتر از ۴۷۰۰ نفر زندگی می‌کنند و این در حالی است که امروزه بر خاک عمدتاً رسی این شهر ساختمان‌های ۸ تا ۱۰ طبقه و بیشتر، به وفور در توسعه‌های جدید ساخته شده است و این امر تأکید و تأیید بیشتری بر پوکی بافت شهری و توسعه‌ی نامتناسب شهر کرمان است.

افزون بر این شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی در تمامی جوانب شهر بر شرایط نامناسب کالبدی و بدتر اختلاط اجتماعی نگران‌کننده، دامنی صدچندان می‌زند. اگر بر موارد یاد شده، مسئله‌ی ناکارآمدی مدیریت، طرح‌ها و



### ۱- آفات توسعه‌ی آتی شهر کرمان

شهرهای ایالتی ایران که روزگاری در ارتباطی ویژه با یکدیگر و رابطه‌ای نیمه مستقل با مرکز کشور می‌زیستند، در آغاز عصر جدید و همزمان با بروز تحولات سیاسی در تغییر محتوا و تا حدی شکل حکومت از فاجعه‌ای به نام قاجار به نوگرایی و تحول خواهی رضاخانی در وابستگی تام به مرکز کشور قرار گرفتند<sup>۴</sup> که نتیجه‌ی آن علاوه بر توسعه‌ی کالبدی لجام گسیخته‌ی پایتخت، نشأت رخدادهای آن همچون روغنی بر سطح به تمامی شهرهای کشور است و به تبع آن شهرهای کشور در قالب رقابتی بی‌معنا به کاریکاتوری زشت و بی‌مقیاس از تهران بدل می‌شوند<sup>۵</sup>.

تغییر ماهیت معنای رشد از شرایط درون‌زا به امری دستوری و از بالا متکی به تزریق سرمایه و پول نفت، به تدریج شهرهای ایران را نه تنها با تمام تفاوت‌هایی که در اقلیم، فرهنگ و شرایط اجتماعی دارند به یکدیگر شبیه ساخت، بلکه این شباهت را به کراهت بی‌توجهی مدیران شهرها به اعمال روند نرم‌افزاری در مدیریت و نگاه صرفاً سخت‌افزاری پیوند داد و در این عقد شوم از یک‌سو، توجه به شرایط عام و خاص شکل‌گیری شهرها یعنی شرایط زمانی \_ مکانی و شرایط سیاسی \_ اقتصادی و اجتماعی \_ فرهنگی به عنوان زیرساخت یکسره مغفول ماند، از دیگرسو توجه صرف به

رو ساخت در دستور کار قرار گرفت؛ یعنی فرم کالبدی (آن هم در قالب توسعه‌ی شبکه‌ی آمد و شد خودروها و مجوزهای ساخت ساختمان‌ها) و تا اندازه‌ای کاربری‌ها (آن هم کاربری‌هایی که بازگشت سود پول را ضمانت شوند). یگانه معنای ساماندهی شهرها تعریف شد. در یک کلام نه تنها شهر کرمان بلکه تمامی شهرهای ایران در غیاب سرمایه‌گذاری‌های برآمده از درون، به ضرب دگنگ بودجه‌های مرکز تصویب به سمت و سویی هدایت می‌شوند که در فراق انسانیت و انسان‌مداری به محیط‌هایی خودرو محور، تحت حاکمیت رانت پول و زمین بدل شده‌اند.

شهریک روساخت است و آشفتگی روابط حاکم بر سازمان فضایی شهر چیزی جز نشانه‌های از آشفتگی روابط زیرساختی و خرابی شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن نیست. از این رو مادام که تفکر حاکم بر مدیریت شهرها چشم بر توانمندسازی انسانی، رشد فرهنگی پس از آن توان سامان اقتصادی پوشیده است و از اداره‌ی شهر صرفاً بزرگ کردن کالبد از درون پوسیده و مرده را می‌فهمد، نمی‌توان به بر گرفتن مرادی از این امامزاده دل بست.

### ۲- مسئله تفکر نامناسب حاکم بر برنامه‌ها و طرح‌های شهری

نظام حاکم بر برنامه‌ریزی شهرهای ایران در قالب طرح‌های جامع

شهری، نه تنها نظامی از اساس ناکارآمد و کم توان است که طلایع نارضایتی از آن ۶۰ سال پیش در اعتراضات مردم شهر آمستردام ظهور یافته و عجباً که در حدود همان سال‌ها، ایران به تهبه‌ی این نوع برنامه‌های شهری همت گمارده و سرمایه‌ی بسیاری را صرف آن ساخته است، اما مسئله اینجاست که مدیریت شهری کرمان از همان قدر بهره‌ای هم که از این طرح‌ها ممکن بود، طرفی نبسته است و در ازای سالیان تلاش بر تهبه‌ی سه طرح جامع از سال ۱۳۵۵ تا پایان دهه‌ی ۸۰ خورشیدی به اهداف تهبه‌کنندگان طرح جامع بی‌توجهی نموده و طرح تفصیلی را نیز به‌ایزاری برای صدور مجوزهای ساختمانی و گاه جلوگیری از همان امر بدل کرده است. از دیگر سو با ایجاد تغییرات محتوایی در طرح‌ها از طریق اعمال رأی و نظر کمیسیون ماده‌ی ۵ که در واقع باید انجام این تغییرات، مسیر شورای عالی معماری و شهرسازی را طی می‌کرد به کلی از آنچه نیت تهبه‌کنندگان طرح‌ها بوده، فاصله گرفته است و از این رهگذر به‌ویژه در عدم تحقق شبکه‌ی معابر پیشنهادی، عدم بهره‌مندی از عواید پیشنهادی طرح‌ها و تغییرات گسترده در تحقق کاربری‌های شهری لطمه دیده است.<sup>۳</sup>

### ۳- مسئله مهاجرت و اختلاط نامناسب اجتماعی

چنان‌که مهاجرت مسئله دامن‌گیر شهرهای امروز جهان است، یکی از بدترین اشکال مهاجرت دامن‌گیر شهر کرمان نیز هست. از یک‌سو گونه‌گونی انواع مهاجرت که در هر حال به رشد بی‌رویه و نامتوازن کالبد شهر دامن زده است، از دیگر سو مسئله‌ی بدمسکنی و چهره‌ی بدقواره‌ی شهر در نقاط مهاجرنشین و بدتر، شرایط زیست اجتماعی و از تمامی موارد یاد شده ناگوارتر، شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی در تمامی جوانب شهر همه و همه پیامدهای مهاجرت است به‌گونه‌ای که شهر کرمان، امروز در محاصره‌ی این بافت‌های پرمسئله و نامطلوب شهری با ریشه‌هایی عمیق در جرم، فساد، فحشا، فروش مواد مخدر و هزار درد بی‌درمان دیگر قرار گرفته است. نبود عزم جدی در توانمندسازی این نواحی، مسئله حاشیه‌نشینی را به امری محل امنیت و نظم عمومی و در نهایت فاجعه‌ی انسانی مبدل ساخته و بدتر می‌سازد.

### ۴- گونه‌گونی بافت شهری در غیاب برنامه‌هایی از جنس هرگونه

شهر کرمان دارای هسته‌ای ارزشمند از بافت تاریخی است که به افتخار می‌توان ادعان نمود که گونه‌ای منحصر به فرد در نوع خود در ایران است. بافت‌های تاریخی شهرهای مدعی از جمله اصفهان و یزد به طور عمده متعلق به یک دوره‌ی معین تاریخی است، در حالی که در کرمان تنها یک راسته یا گذر درون بافت قدیم می‌تواند مقطعی از ادوار گوناگون تاریخی این سرزمین ارائه دهد. همچنین به گفته‌ی اندیشمندان، معماری مسکونی این بافت آن سان ویژه است که جا داشت سبکی به نام کرمان در معماری

ایران زمین معرفی‌گردد، اما دریغ و درد که از آن همه بزرگی و افتخار چیز زیادی بر جای نمانده است و اگر نبود دانه‌های ارزشمند و گاه بزرگ مقیاسی که پتانسیل راهنمایی برای بازسازی این بافت شوند، می‌شد به چشمانی گوه‌ریار در عزای بافت تاریخی کرمان به سوگ نشست. شوربخانه مدیریت شهری کرمان نه تنها عزمی جدی در تهبه طرح‌های ارزشمند برای این بخش نداشته است، بلکه با اعمال مدیریتی شبیه به آنچه در دیگر نقاط شهر به انجام می‌رساند بر نابودی آن همت گمارده! چگونه ممکن است به نوسازی در بافت تاریخی تسهیلات و پروانه‌ی با تخفیف دهیم و مدعی حفظ بافت باشیم؟! چگونه ممکن است برای ساخت‌وساز در اراضی گاه ۱۶ وجهی بافت، همان الگوی پر و خالی را تجویز کنیم که در اراضی مستطیلی و ۱۰ در ۲۵ به توصیه‌ای که طرح تفصیلی کرده است، اعمال می‌شود؟! چگونه ممکن است به لایه‌ها و به مقیاس‌های این بافت ویژه، معرفتی نداشته باشیم و با چوب یگانه‌ای به راندن ریز و درشتش مشغول گردیم. مسئله‌ی زیست مهاجران افغان از دهه‌ی ۴۰ خورشیدی در این بافت و نبود کمینه عزمی برای برخورد درست با مسئله‌ی مهاجرت خارجی نیز، همچون پُتکی مخرب در سال‌های گذشته با آن که می‌توانست خود عامل سرپا ماندن بافت گردد، سقف آن را بر سرمان خراب کرده است و ساکنان و مالکان حقیقی بافت را نیز تاراند و گریزانده است.

از دیگر سو بافت میانی کرمان به زعم نگارنده، بیشترین حد اغفال را در سال‌های اخیر به خود دیده است. در حالی که باید از نگاه میراثی به شهر دست برداشت و هر ساخت و ساز را یک ثروت فرهنگی انگاشت، گویی بر قلع و قم بافت میانی کرمان فرمان کشتار جمعی صادر شده است. در سال‌های بسیار نزدیکی به زمان حال شاهد از بین رفتن سرمایه‌های عظیمی از بافت میانی شهر به بهانه‌های واهی بوده‌ایم و گذشته از نابودی در سطح عظیم، همچون خانه‌های سازمانی پیرامون استانداری کرمان که نماد یکی از سرزنده‌ترین و زیباترین نواحی شهری و نمودی از ویژگی ساخت‌وساز در سال‌های میانی به لحاظ تاریخی بوده است، به راحتی به از بین رفتن تدریجی و با ناگهانی دانه‌های ارزشمند این بافت در میان ساختمان‌های عمومی و خصوصی شهر تن داده‌ایم که نمونه‌های بسیار قابل ذکر دارد. سرنوش بافت جدید شهری هم نه تنها دست کمی از قصه‌ی پرغصه‌ی دیگر بافت‌ها ندارد که با توجه به امکانات و توجهاتی که باید می‌شد، به مراتب اسفبارتر است. در حالی که دانه‌های این بافت شهری در غیاب ضوابط و نظارت لازم به بدترین شرایط در مقیاس چهره‌ی شهر و بی‌بهرگی از زیرساخت‌های مورد نیاز محکوم است، در لایه‌های گوناگون ساخت هم شرایط ناگوارتر دارد که از آن جمله توجهات اقلیمی، نیازهای هویتی و شرایط زیست رضایتمندانه‌ی انسانی است. گذشته از وضعیت دانه‌ها، در مقیاس

#### شهر یک

روساخت است

و آشفتگی

روابط حاکم بر

سازمان فضایی

شهر چیزی

جز نشانه‌ای از

آشفتگی روابط

زیرساختی و

خرابی شرایط

اقتصادی،

فرهنگی و

اجتماعی آن

نیست. از این رو

مادام که تفکر

حاکم بر مدیریت

شهرها چشم بر

توانمندسازی

انسانی، رشد

فرهنگی پس از

آن توان سامان

اقتصادی

پوشیده است و از

اداره‌ی شهر صرفاً

بزرگ کردن کالبد

از درون پوشیده و

مرده را می‌فهمد،

نمی‌توان به بر

گرفتن مرادی از

این امامزاده دل

بست.

سال‌های پیش‌تر نقش تجاری و بازرگانی مهم منطقه‌ای کرمان، سوبه‌های رشد و توسعه‌ی آن را تعیین کرده است، امروز رانت زمین و سوداگری پول نقش تعیین‌کنندگی را بر عهده دارد که این محل نگرانی‌های بزرگی برای آینده‌ی شهر کرمان است.

#### ۷- نگرانی از رخداد‌های محیطی

کمین بحران‌های گونه‌گون محیطی از آن جمله زمین‌لرزه و عدم آمادگی دانه‌ها و بافت‌های شهری کرمان در برابر این بحران و مسائل مربوط به مدیریت حوادث به‌ویژه حین و پس از وقوع حوادث، مسئله‌ی توفان‌ها و ریز گرد‌های محیطی و سیل و سیلاب‌ها، همچنین خسارات ناشی از خشک‌سالی و تغییرات اقلیمی از جمله مهم‌ترین مسائلی است که آینده‌ی شهر کرمان را در معرض تهدید جدی قرار داده است و پیش‌بینی برای مدیریت این‌گونه رخدادها از جمله ضروریات مدیریت این شهر است. در خاتمه باید گفت اگرچه از آنچه در این مقاله رفت و طرح آفات هفت‌گانه‌ی امید به آینده‌ی شهر کرمان، سراسر فضای نومییدی و اضطراب بر افکار خوانندگان مستولی می‌گردد، اما ذکر آن‌همه، دلیل بر نبودن راهکارهای عاقبت‌اندیشانه برای خروج از شرایط موجود نیست و این مسئله ایست که باید در مجالی دیگر به آن پرداخته شود. همچنین در پایان تأکید دارد با وجود اشاره‌ی به دفعات در متن، بار دیگر لازم است مطرح شود که عدم چیرگی تفکر انسان‌مدار بر تمامی زوایای مدیریت شهر کرمان به تعبیری اصلی‌ترین مسئله‌ی مهم لازم توجه است. غیاب این تفکر که در خلال سال‌های گذشته، ضررهای هنگفتی به کرمان وارد آورده است، نه تنها در ظاهر شهر با تسلط همه‌جانبه‌ی خودرو، گلوی زیست‌انسانی را می‌فشارد، بل باید گفت که در نقطه‌ی مقابل، حضورش در تمامی لایه‌ها و تمامی سرفصل‌های مورد اشاره راهگشا و مبارک است.

نگارنده امیدوار است تا در مجالی دیگر، ضمن تبیین هر آنچه باید به شرح و بسط تمامی سرفصل‌های یادشده، به راه‌هایی برای چگونه‌گشودن فروبسته‌ها بپردازد. ♦♦

#### منابع

- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶) سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران
- جهان‌بین، نیما (۱۴۰۰)، صدسالگی شهرداری کرمان (صده)، مقاله روند تغییرات و گسترش کالبدی کرمان در یکصد ساله شکل‌گیری نهاد مدیریت مدنی، موسسه مفرغ کرمان
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳) از شار تا شهر، دانشگاه تهران
- زنگی آبادی، علی (۱۳۹۴) مطالعات نواحی شهری، سال دوم، شماره ۵، مقاله تحلیل روند و نحوه توسعه فیزیکی شهر کرمان از پیدایش تاکنون
- گزارش طرح جامع جدید شهر کرمان، مشاوره شارستان (۱۳۸۷) جلد ۱

بافت نیز این‌گونه، خسارات غریبی به شهر کرمان وارد ساخته است، از آن جمله گستردگی در سوبه‌های محدود رشد و توسعه‌ی شهر کرمان و دامن زدن به توسعه‌ی نامتوازن شهری و تحمیل هزینه‌های خدمات همراه با عدم تحقق کاربری‌های خدماتی و تحمیل در نتیجه به بار آوردن حجم زیاد سفرهای درون شهری و تحمیل آلودگی‌های زیست‌محیطی. افزودن غیاب الگوهای مألوف معماری و شهری در ساخت این‌گونه از بافت و خسارات ناشی از عدم وجود و رعایت اسناد هدایت شهری، همچنین رویه‌های نادرست طراحی برقی و تأسیساتی، تصویر به مراتب ناگوارتری از آنچه رفت در توسعه‌ی این بافت شهری را به نمایش می‌گذارد.

#### ۵- ناکامی تفکر اصلاح نظام برنامه‌ریزی جامع

در سال‌های اخیر به عنوان رویه‌ای در کشور، مسئله‌ی بازنگری روند تهیه‌ی طرح‌های جامع و تفصیلی در دستور کار قرار گرفت و با نیت گرایش به تفکر راهبردی در برنامه‌ریزی، تهیه‌ی طرح‌هایی با نام جامع \_ تفصیلی که هر دو جنبه‌ی اهداف این دو طرح از آغاز مجزا را در قالب یک طرح می‌خواست از یک سو و از دیگر سو تهیه‌ی سند راهبردی شهرها را به مد غالب برنامه‌ریزی بدل نمود. گذشته از آنکه به دلیل عملکرد نامناسب دستگاه متولی، سال‌هاست تهیه‌ی طرح جدید جامع \_ تفصیلی کرمان ناکام مانده است، شوربخانه بررسی اسناد راهبردی تهیه شده برای شهر کرمان نیز حکایت از موارد زیر دارد که رسیدن به غایت آن‌ها را ناممکن می‌سازد:

- ۱-۵- گرایش به کپی کاری و عدم توجه به شرایط ویژه و اختصاصی هر شهر و مهم‌تر، نبود همتی برای استخراج راهبردهایی که از تحلیل دقیق و روشمند داده‌های واقعی وضع موجود برآمده باشد،
- ۲-۵- گرایش به کلی‌گویی و نامعلومی چگونگی روند تولید نسخه‌ی سازنده‌ی آتیه شهر،
- ۳-۵- نبود برنامه یا بسته‌ی اجرایی طرح و نامشخص ماندن چگونگی رسیدن به اهداف برنامه و در یک کلام فقدان راهکار عملی برای تحقق راهبردهای برنامه.

#### ۶- نگرانی بزرگ از تأمین نیازها و تعیین نقش‌های حیاتی در

##### مقیاس سرزمینی

از جمله مهم‌ترین اولویت‌های حال حاضر کرمان، مسئله‌ی تأمین آب به عنوان حیاتی‌ترین نیاز زیستی در کنار نگرانی از تأمین سایر نیازهای عمده‌ی شهر در زمره‌ی نیازهای حیاتی همچون برق و انرژی و وجود مسئله در سطوح کلان، همچون مسائل زیست‌محیطی و اقلیمی است. کرمان علی‌رغم پتانسیل‌های عظیم در کشاورزی، معادن، منابع و حتی صنایع در سال‌های اخیر بر اثر مدیریت نادرست در چنگال نگرانی‌های عظیمی در سطوح و نیازهای کلان سرزمینی فروافتاده است. از دیگر سو اگر به تعبیر برخی منابع در

عدم چیرگی تفکر انسان‌مدار بر تمامی زوایای مدیریت شهر کرمان به تعبیری اصلی‌ترین مسئله‌ی مهم لازم توجه است. غیاب این تفکر که در خلال سال‌های گذشته، ضررهای هنگفتی به کرمان وارد آورده است، نه تنها در ظاهر شهر با تسلط همه‌جانبه‌ی خودرو، گلوی زیست‌انسانی را می‌فشارد، بل باید گفت که در نقطه‌ی مقابل، حضورش در تمامی لایه‌ها و تمامی سرفصل‌های مورد اشاره راهگشا و مبارک است.

# حیات سرزمینی و توسعه بخش‌های سازگار با محیط زیست در استان کرمان



## ♦ دکتر حسین وحیدی

عضو هیئت‌علمی پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه تحصیلات تکمیلی، صنعتی و فناوری‌های پیشرفته کرمان

همان‌طور که از  
آمارها می‌توان  
نتیجه گرفت،  
استان کرمان  
سعی بر توسعه  
صنایع و کشاورزی  
در سال‌های  
آتی دارد. این  
موضوع هر چند  
از نظر اقتصاد  
و اشتغال‌زایی  
اهمیت دارد  
ولی از دیدگاه  
محیط زیستی،  
بستر چالش  
بزرگ برای حیات  
زیستی استان  
است. استان  
کرمان تاکنون  
آسیب‌های  
بسیاری از انتشار  
آلودگی‌های  
مختلف دیده  
است و توسعه  
استان با در  
نظر گرفتن  
محدودیت‌ها  
و توان محیط  
زیستی منطقه لازم  
و ضروری است.

آن را تبیین کرد. محیط‌زیست، امروز در برگیرنده‌ی تمام مسائلی است که در صنعت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست مطرح است. در این صورت وقتی می‌گوییم محیط‌زیست، مثل گذشته مختص آلودگی‌ها یا حیات‌وحش نیست، بلکه شامل تمام جلوه‌ها و جنبه‌هایی است که به‌نوعی زندگی ما انسان‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این روند تا آن حد پیش رفته که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌ریزی محیط‌زیست در چارچوب برنامه‌ریزی کشوری مطرح می‌شود.

اصلی‌ترین چالش محیط زیستی استان، بحران آب است که می‌تواند منجر به تغییر اکوسیستم قابل توجهی شود. برداشت‌های بی‌رویه از منابع آبی باعث شده است که کیفیت منابع پایین آید؛ از نظر من این مشکل مهم‌ترین چالشی است که نه تنها در استان، بلکه در سطح کشور هم مطرح است. به‌منظور حفظ و نگهداشت حیات سرزمینی در کنار توسعه استان کرمان بایستی بخش‌های سازگار با محیط‌زیست در حوزه‌های

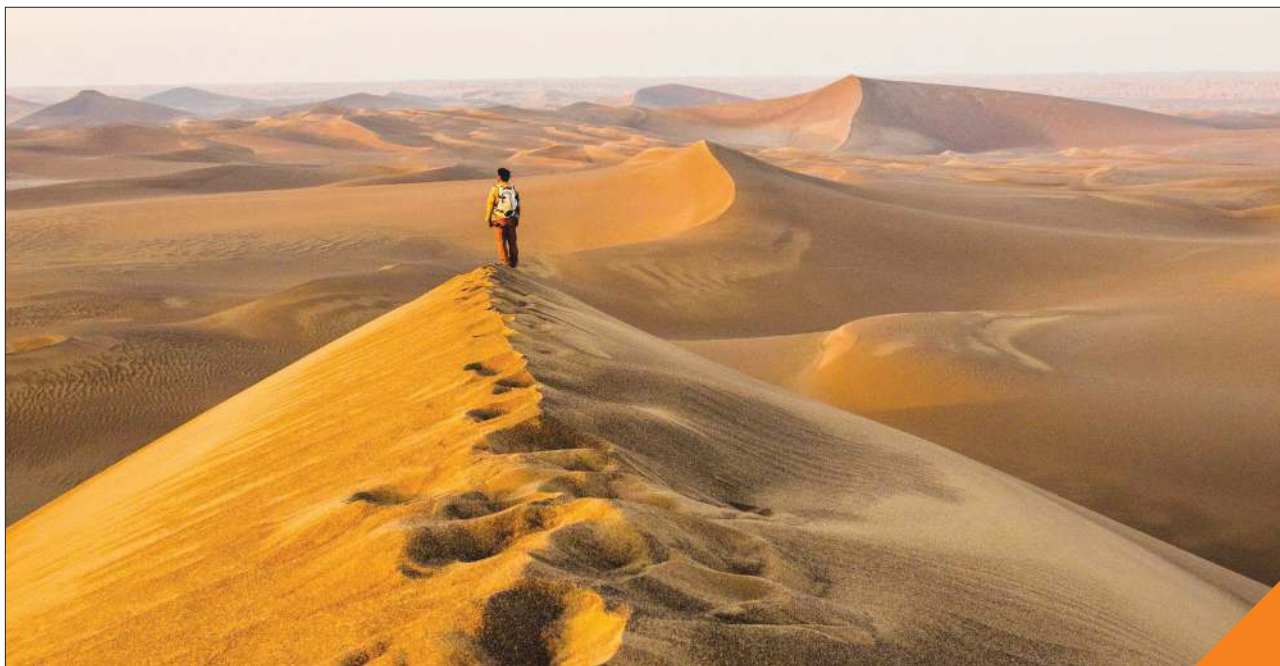
د توسعه اقتصاد استان کرمان به عنوان پهناترین استان کشور عمدتاً بر مبنای دو حوزه صنعتی و کشاورزی قرار گرفته است. طبق آخرین آمار سازمان برنامه‌بودجه کشور در فروردین‌ماه ۱۴۰۱، استان کرمان ۸٫۲ درصد ظرفیت رشد اقتصادی را برای سال جاری برآورد و در لایحه بودجه، رشد اقتصادی ۷٫۷ درصد را در نظر گرفته است. سهم استان کرمان از کل درآمدهای استانی حدوداً ۵٫۲ درصد است که بیشتر مربوط به شرکت‌های بزرگ معدنی استان از جمله شرکت صنعتی معدنی گل‌گهر و مس و شرکت‌های زیرمجموعه آن‌هاست. سهم این شرکت‌ها بین ۶۴ تا ۶۵ درصد است. قابل ذکر است که استان کرمان ۴۰ درصد معادن کشور را در خود جای داده است. همچنین، استان کرمان به لحاظ میزان بودجه عمومی رتبه چهارم کشور را به خود اختصاص داده است که با ۲۳۵ میلیارد ۲۳۵۸۳۳۴۲۰ میلیون ریال بودجه منابع دولتی بعد از استان‌های تهران، اصفهان و خوزستان دارای بیشترین منابع عمومی است.

همان‌طور که از آمارها می‌توان نتیجه گرفت، استان کرمان سعی بر توسعه صنایع و کشاورزی در سال‌های آتی دارد. این موضوع هر چند از نظر اقتصاد و اشتغال‌زایی اهمیت دارد ولی از دیدگاه محیط زیستی، بستر چالش بزرگ برای حیات زیستی استان است. استان کرمان تاکنون آسیب‌های بسیاری از انتشار آلودگی‌های مختلف دیده است و توسعه استان با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و توان محیط زیستی منطقه لازم و ضروری است. بهره‌برداری بهینه و اصولی از منابع طبیعی سرزمین و ساماندهی کاربری اراضی بر اساس توان طبیعی (اکولوژیکی) آن، نقش مهمی در مدیریت محیط، جلوگیری از تخریب محیط‌زیست در راستای توسعه پایدار دارد.

## حیات سرزمینی و توسعه پایدار

در سال‌های اخیر با حساسیت بیشتر جامعه بر مسائل محیط زیستی و سلامت عمومی، چالش‌های محیط زیستی مفهوم دیگری پیدا کرده و دیگر نمی‌توان با الگوها و مدل‌های قدیمی





مشکلات سرراه توسعه پایدار و حفظ مناسب حیات سرزمینی در استان کرمان است که در ادامه به ارائه توضیحاتی درباره هر یک از آن‌ها پرداخته شده است.

#### ۱. ضعف سیاست‌گذاری محیط زیستی

سیاست زیست‌محیطی یا ختم‌شی زیست‌محیطی، به تعهدات در خصوص مسائل زیست‌محیطی با سازمان‌دهی قوانین، مقررات، ختم‌شی‌ها و سایر سازوکارهای سیاسی اطلاق می‌شود. این مسائل عموماً شامل آلودگی هوا و آب، مدیریت پسماند، مدیریت اکوسیستم، حفظ تنوع زیستی، حفاظت از منابع طبیعی، حیات وحش و گونه‌های در معرض خطر است. سیاست‌های مربوط به بخش انرژی، یا تنظیم سموم از جمله آفت‌کش‌ها و بسیاری از انواع زیاده‌های صنعتی، بخشی از چالش‌های سیاست‌های زیست‌محیطی را به خود اختصاص می‌دهد. این سیاست‌ها می‌تواند با نظارت بر فعالیت‌های انسانی، از اثرات مضر آن بر محیط بیوفیزیکی و منابع طبیعی، همچنین از تغییرات محیط‌زیست و اثرات مضر آن بر زندگی انسان‌ها جلوگیری نماید.

از مهم‌ترین چالش‌های فعلی کشور در حفظ حیات زیستی، عدم شفافیت در سیاست‌گذاری‌های محیط زیستی کلان و خرد می‌باشد؛ به عنوان مثال، توسعه معدن کاری، تأسیس صنایع آبربر، افزایش سطح زیر کشت، تمایل کشاورزان به کشت محصولات آبربر و بسیاری موارد دیگر را می‌توان جز چالش‌های سیاست‌گذاری محیط زیستی در استان کرمان برشمرد.

شهری، صنعتی و کشاورزی با دقت بالایی برنامه‌ریزی، مدیریت، نظارت و اجرا شود. باور به توسعه پایدار در برنامه‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های کلان استانی کمک شایانی به توسعه سازگار با محیط‌زیست می‌نماید. تضادی بین توسعه پایدار و حفاظت محیط‌زیست وجود ندارد؛ در صورتی که برنامه‌ریزی‌های توسعه را در درازمدت مدون کنیم و با توجه به ظرفیت اکوسیستم و محیط‌زیست به دنبال توسعه باشیم و مکان‌یابی‌ها با مطالعات صحیح و در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی انجام شود. آنگاه می‌توانیم همگام با حفاظت محیط‌زیست، توسعه را نیز پیش ببریم و این روندی است که در کشورهای مثل استرالیا و نیوزلند به آن دست یافته‌اند و در عین دستیابی به توسعه، محیط‌زیست خود را نیز حفظ کرده‌اند. البته لازم است این امر شناخت دقیق محیط‌زیست و درک ظرفیت آن است.

#### چالش‌های استانی کرمان در حفظ و نگهداشت حیات سرزمینی

شناخت ظرفیت‌های استان کرمان تا حدودی مرزهای سرمایه‌گذاری در صنعت و کشاورزی را مشخص می‌کند. میزان بارگذاری آلودگی در استان متناسب با ظرفیت تحمل حیات سرزمینی بایستی برنامه‌ریزی و موردتوجه مسئولان استان قرار گیرد. سیاست‌گذاری‌های نادرست محیط زیستی، نبود برنامه‌های آمایش سرزمین، عدم به‌روز بودن روش‌های ارزیابی اثرات محیط زیستی علمی، ضعف شدید سیستم‌های نظارتی، بحران اقتصادی کشور و پررنگ‌تر شدن مسائل اقتصادی و در نتیجه عدم توجه لازم به مشکلات محیط زیستی از مهم‌ترین

عدم توجه مجلس شورای اسلامی به سیاست‌گذاری‌های مربوط به محیط‌زیست، علت اصلی بسیاری از مشکلات محیط زیستی در کشور و استان کرمان است. همچنین ضعف علمی و دانشگاهی و نبود رشته‌های تحصیلی مرتبط علی‌رغم توجه ویژه کشورهای توسعه‌یافته به حقوق و سیاست‌گذاری محیط‌زیست از چالش‌های زیرساختی در کشور ما می‌باشد.

### ۲. به‌روزرسانی برنامه‌های آمایش سرزمین در استان کرمان

آمایش سرزمین عبارت است از تنظیم رابطه بین انسان و سرزمین به منظور بهره‌برداری درخور و پایدار از همه امکانات سرزمین در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع در طول زمان. هدف آمایش سرزمین، رسیدن به توسعه درخور و پایدار است که چنانچه اصول آن به‌دقت رعایت گردد بحران زیست‌محیطی رخ نخواهد داد.

طرح آمایش استان کرمان در سال‌های اخیر مورد توجه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قرار گرفته است، در حالی که توسعه صنعتی طی ۴۰ سال اخیر با سرعت بالایی در استان بدون در نظر گرفتن این مطالعات صورت گرفته است و اینکه چقدر توسعه قبلی و مسیری که به اجبار استان در آن قرار گرفته است بر اساس نتایج مطالعات آمایش سرزمین می‌باشد جای بررسی



عمیق و علمی دارد.

از طرفی سؤال مهمی که جواب آن با ابهام زیادی همراه است، تعیین توان اکولوژیک و ظرفیت حیات زیستی در استان کرمان است که بدون آن، طرح‌های آمایش موجود از دقت مناسبی برخوردار نیستند و متأسفانه پاسخی به این سؤال تاکنون در حد و حدود مورد نیاز داده نشده است.

### ۳. عدم به‌روزرشدن روش‌های ارزیابی اثرات محیط زیستی علمی

از دید حفظ محیط‌زیست، هر پروژه‌ای باید ارزیابی اثرات شود که این ارزیابی باید توسط متخصص صورت بگیرد؛ چرا که این متخصص است که دارای آگاهی است و می‌تواند سرمایه طبیعی را به گونه‌ای قیمت‌گذاری کند که در درازمدت به نفع باشد و از سوی دیگر باید به حرف برنامه‌ریز عمل کنند، چون تضعیف محیط‌زیست برای رسیدن به توسعه تا حدی اجتناب‌ناپذیر است.

در فرایند مطالعات و اخذ مجوزهای (EIA) یا به عبارتی مجوزهای محیط زیستی طرح‌های صنعتی، ارزیابی‌های اثرات محیط‌زیستی به دلیل ضعف علمی و استفاده از مدل‌های قدیمی و ناکارآمد مورد توجه قرار نمی‌گیرند و تنها بر نتایج مطالعات سنجش از دور و GIS تکیه می‌شود که باعث شده تمرکز بر شاخص‌های جانمایی پروژه به جای بررسی اثرات محیط‌زیستی پروژه، بیشتر مورد توجه قرار گیرد که امری نادرست است. متأسفانه، اثرات نامطلوب محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی ارزیابی‌های نادرست اثرات محیط‌زیستی طرح‌های عمرانی و توسعه را در بسیاری از نقاط کشور می‌توان مشاهده نمود که بر همگان پوشیده نیست؛ به عنوان مثال موضوع پتروشیمی میانکاله که اخیراً مورد بحث جوامع محیط زیستی کشور است. لذا تغییراتی برای به‌روز و علمی‌تر شدن مطالعات ارزیابی محیط زیستی با تکیه بر قوانین موجود کشور و علم روز دنیا انجام داد تا بتوان بر نتایج مطالعات اطمینان بیشتر و نتایج مطلوب‌تری از خدمات ارائه شده توسط سازمان محیط‌زیست به دست آورد. عدم به‌روز بودن روش‌های ارزیابی اثرات محیط زیستی علمی از مشکلات سایر جوامع نیز بوده است که از سال ۲۰۰۶ با جایگزینی مدل‌های ارزیابی چرخه حیات (LCA)، توانسته‌اند به مدلی کارآمد، دقیق، علمی و کمی دست پیدا کنند. هم‌اکنون ارزیابی چرخه حیات به عنوان راهکار جایگزین ارزیابی اثرات محیط زیستی و بررسی اثرات آلودگی صنایع در مکانی با ظرفیت تاب‌آوری محدود مورد توجه قرار گرفته است.

### ۴. ضعف شدید قانونی و سیستم‌های نظارتی

ضعف سیستم‌های نظارت بر محیط‌زیست نه تنها در استان که از چالش‌های ملی است. ساختار کنونی سازمان حفاظت از

داشته است.

از طرف دیگر، تحریم‌های اقتصادی نیز نوعی جنگ ویرانگر محسوب می‌شوند. در شرایط جنگ، دولت‌ها معمولاً بر نیازهای فوری و کوتاه‌مدت تمرکز می‌کنند. آن‌ها اولین کاری که می‌کنند حذف یا کاهش بودجه‌های زیست‌محیطی است. مردم نیز برای تأمین نیازهای اولیه خود به طبیعت روی می‌آورند و برای بهره‌برداری حداکثری از منابع طبیعی به رقابت برمی‌خیزند و محیط‌زیست از اولویت‌های دولت‌ها و مردم کنار گذاشته می‌شود. در چنان شرایطی، نهادهای حافظ محیط‌زیست تحت فشار قرار می‌گیرند که استانداردهای زیست‌محیطی را نادیده بگیرند و مانع فعالیت‌های اقتصادی مخرب نشوند. البته این موضوع با سوءاستفاده برخی افراد سودجو تشدید شده و به بهانه توسعه اقتصادی، چالش‌های محیط زیستی نادیده گرفته می‌شود. هرچند، قشر کثیری از مردم حساسیت‌های قابل ستایشی در حفظ حیات زیستی محلی خود نشان می‌دهند که حاشیه اطمینانی هرچند شکننده برای توسعه محلی در راستای توان محیط زیستی منطقه می‌باشد.

#### جمع‌بندی

توان بارگذاری محیط زیستی در استان کرمان محدود است. نباید به خاطر منافع کوتاه‌مدت حیات زیستی استان را به خطر انداخت. جبران بسیاری از چالش‌های محیط زیستی بسیار پرهزینه، دشوار و در برخی موارد غیر قابل بازگشت می‌باشد. سیاست‌گذاری درست، توسعه زیرساخت‌های تصمیم‌گیری علمی مانند آمایش سرزمین و مدل‌های نوین ارزیابی اثرات محیط زیستی، استفاده از دانش فنی مناسب در صنایع، نظارت‌های دقیق و علمی، ایجاد خواستگاه‌های محیط زیستی منصفانه در جامعه و بسیاری اقدامات کوچک و بزرگ دیگر برای حفظ حیات زیستی استانی و ملی مورد نیاز است. همه دستگاه‌های دولتی و خصوصی اعم از مدیران، سیاست‌گذاران، کارفرمایان، ناظران، مشاورین، حوزه‌های دانش‌بنیان و دانشگاهی و خصوصاً شهروندان یک جامعه باید در کنار یکدیگر و با عزمی راسخ قصد بر حفظ و نگهداشت منابع طبیعی و حیات زیستی که اجداد ما برای نگهداشت آن کوشیده‌اند، تلاش و کوشش نمایند.

شایان ذکر است، تغییرات عمده و بزرگ در کنار استمرارهای کوچک، هر دو نیاز حفظ محیط‌زیست استان کرمان می‌باشد. امید است تا با تکیه بر توان داخلی، خودیاری و حرکت هر چه سریع‌تر به سمت دانش‌بنیان شدن فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و توسعه بخش‌های سازگار با محیط‌زیست در استان کرمان بتوانیم از هدر رفت حیات زیستی استان جلوگیری کنیم. ♦♦

محیط‌زیست به‌عنوان متولی امر همواره در مرکز نقد و بررسی جوامع تخصصی بوده و ایرادات بسیاری بر سازوکارها، قوانین، دستورالعمل‌ها به آن وارد می‌باشد؛ به عنوان مثال با توجه به اهمیت معدن کاری در استان کرمان، دستورالعمل استاندارد، جامع و علمی محیط‌زیست در معدن کاری در کشور تاکنون وجود نداشته است. در صورتی که با نگاهی به اسناد سایر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌توان دستورالعمل‌های مفصل چند صد صفحه‌ای با قدمت بیش از ۲۰ سال را مشاهده نمود که بارها طبق نیاز کشور به‌روزرسانی شده و روند نظارتی طبق آن‌ها صورت گرفته است. همچنین، صنایع هم از تکلیف مشخصی برخوردار می‌باشند و لذا مشکلات محیط زیستی کمتری را ایجاد می‌کنند. برای درک بهتر تفاوت می‌توان وضعیت مستندات در دسترس دو کشور ایران و آمریکا را مورد توجه قرار داد. سازمان حفاظت محیط‌زیست آمریکا (EPA) در خصوص قوانین و دستورالعمل‌های محیط زیستی در معدن کاری، بیش از ۲۰ هزار صفحه مستندات تدوین و در اختیار دستگاه‌های نظارتی و صنایع گذاشته است؛ در صورتی که ضوابط زیست‌محیطی فعالیت‌های معدنی تدوین شده توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت صنایع و معادن در سال ۱۳۸۴ در حدود چهار صفحه می‌باشد. قابل ذکر است موضوع کیفی و علمی این مستندات مورد بحث قرار نگرفته است.

در حال حاضر، رفع نیاز قوانین، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های محیط زیستی به عنوان پیش‌نیاز اصلی برنامه‌های اصلاحی، می‌تواند توسعه هر چه سریع‌تر صنایع و خدمات حوزه معدن کاری و کشاورزی در سازگاری بیشتر با محیط‌زیست در استان کرمان را به دنبال داشته باشد و بستری مناسب برای راهکارها و اقدامات آتی باشد.

#### ۵. بحران اقتصادی کشور و پررنگ‌تر شدن مسائل اقتصادی

متأسفانه در سال‌های اخیر با تحریم‌های ناعادلانه‌ای که به ملت ایران تحمیل شده است، اثرات مخرب بسیاری بر محیط‌زیست کشور نیز ایجاد شده است. اکنون در شرایط تحریم که درآمد دولت به شدت کاهش یافته و تحریم بانکی راه را حتی بر خرید دارو و غذا بسته است، واردات فناوری‌های پیشرفته زیست‌محیطی و انرژی‌های پاک و تجدید پذیر نیز متوقف شده است. تحریم‌های زیست‌محیطی و واردات فناوری‌های پیشرفته در زمینه فناوری‌های کنترل آلاینده‌های محیط زیستی در صنایع، فیلترها، مواد باکیفیت مرتبط با حوزه مدیریت و کاهش آلودگی، توسعه انرژی‌های تجدید پذیر و ... مشمول معافیت نشده است و در نتیجه علی‌رغم تصمیم کشور بر خودیاری و بومی‌سازی نیازهای دانش‌بنیان، فرصت‌های بسیاری از دست رفته و برخی از مناطق درگیر آلودگی‌های محیط زیستی رشد چشمگیری

#### طرح آمایش

استان کرمان

در سال‌های

اخیر مورد توجه

سازمان مدیریت

و برنامه‌ریزی قرار

گرفته است. در

حالی که توسعه

صنعتی طی ۴۰

سال اخیر با

سرعت بالایی

در استان بدون

در نظر گرفتن

این مطالعات

صورت گرفته

است و اینکه

چقدر توسعه

قبل و مسیری که

به اجبار استان

در آن قرار گرفته

است بر اساس

نتایج مطالعات

آمایش سرزمین

می‌باشد جای

بررسی عمیق و

علمی دارد.



گفت‌وگو با «محمد سلیمانی‌ها» مسئول کارگروه سیاست پژوهی اندیشکده تدبیر آب ایران

## مروری بر حکمرانی آب کشور

محمد سلیمانی‌ها مسئول کارگروه سیاست پژوهی اندیشکده آب ایران در گفت‌وگو با ما می‌گوید: شاید مقصر دانستن دولت در همه کاستی‌ها و نواقص دور از انصاف باشد. قطعاً ضعف‌هایی نیز در ارکان غیر حکومتی حکمرانی آب وجود دارد، اما نباید فراموش کرد که دست‌کم بخشی از این نارسایی‌ها، ماحصل بیش از نیم‌قرن دور نگه داشته شدن این ارکان توسط حاکمیت بوده و در معدود مواردی که شاهد شکل‌گیری و قوام مجموعه‌های مردم نهاد در حکمرانی محلی آب بوده‌ایم، دولت مکرراً از سوی آن‌ها به پیمان‌شکنی، کارشکنی و ایجاد اختلال در مسیر انجام مسئولیت‌ها متهم شده است. او همچنین می‌گوید، نگرانی من نسبت به ناآگاهی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور در مقایسه با عموم آحاد جامعه بیشتر است و این امر هم بیشتر معلول الگوی کنونی حکمرانی آب کشور است. با ظهور و فعالیت نهادهای توسعه و مدیریت منابع آب‌و خاک نقش دولت در بهره‌برداری از منابع آب و تأسیسات آبیاری به شدت تقویت و در مقابل دست‌بخش خصوصی و نهادهای مدنی در برنامه‌ریزی، احداث و مدیریت تأسیسات آبی کوتاه شد و به دنبال آن اجرای اهداف و تصمیماتی که به واسطه سیاست‌ها، مقررات قانونی، ضوابط و معیارهای مدیریتی به‌مثابه ابزارهای اصلی رکن حاکمیت در حکمرانی آب حمایت و دنبال شد که در عمل به علت سرپیچی پنهان و آشکار، فرجام خوبی نداشت؛ موضوعی که در تنها ارزیابی از وضعیت حکمرانی آب به‌عنوان چالش اصلی حکمرانی آب کشور، نشان داده شده است و در کنار آن از مواردی دیگر مانند عدم توجه به سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و مدیریت تعارضات، ضعف سامانه‌های پژوهشی، تولید و گردش اطلاعات و نظام نامتعادل تأمین منابع مالی طرح‌ها به‌عنوان سایر چالش‌های محوری نظام حکمرانی نیز یاد شده است.

سلیمانی‌ها یادآوری می‌کند که با متعادل کردن ترکیب سازوکارهای سه‌گانه حکمرانی آب شامل: دستوری - کنترلی، اقتصادی و متکی به نهاد بازار و توافقی و داوطلبانه، مجال نقش‌آفرینی مؤثر برای ارکان حکمرانی فراهم می‌شود و به فراخور، سازوکارهای متناسب هر یک نیز زمینه بروز پیدا خواهد کرد. وی معتقد است که تعامل مؤثر و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند نقش ارزنده‌ای در رفع بخشی از تنگناهای کنونی در حوزه آب و محیط‌زیست داشته باشد. شرح کامل این گفت‌وگو را مطالعه نماییم.



نگرش مدیریتی

حاکم هنوز

هم عمدتاً فن

محور بوده و در

میان راهبردها

و راهکارها،

جایی برای

تدابیر اقتصادی،

فرهنگی،

اجتماعی و

حقوقی در نظر

گرفته نشده

است. بخشی

از این مسئله

می‌تواند در

عدم باور یا

درک عمومی به

/ از سیاست‌ها

ریشه داشته

باشد. متولیان

اداره امور آب

همچنان بر این

باور هستند که

ضعف، کاستی‌ها

و نابسامانی‌های

موجود، صرفاً

ماحصل نقص

در قوانین یا

شیوه به‌کارگیری

سازوکارهای

حاکمیتی بوده و

از همین رو است

که عمده تلاش

خود را بر تغییرات

سازمانی و اصلاح

قوانین آب متمرکز

نموده‌اند.

♦♦ توسعه اقتصادی و افزایش جمعیت موجب فشار بر منابع محدود آب تجدید پذیر به‌ویژه در مناطق خشک شده است، این افزایش بیش از حد تقاضا، فشار بی‌اندازه‌ای را نیز بر اکوسیستم وارد نموده است. با این توضیح، ارزیابی شما از سیستم حکمرانی آب کشور چیست؟ برای اصلاح آنچه می‌توان کرد؟

اجازه دهید در کنار عواملی که برشمردید، به موارد دیگری نظیر ظهور فناوری‌های نو در عرصه مهار و استحصال آب، توسعه کشاورزی، نیاز به غذا و ارتقاء سطح دانش عمومی نیز اشاره کنم. سیستم حکمرانی آب کشور طی یک قرن گذشته دستخوش تحولات و دگرگونی شگرفی شده است. البته نظریه‌های متفاوتی در خصوص این تحولات وجود دارد. برخی شکل‌گیری دولت‌های مرکزی مدرن در قریب به یک قرن پیش و عده‌ای دیگر تقویت بنیه‌های اقتصادی به مدد درآمدهای نفتی از دهه ۴۰ و فراه شدن دست دولت برای حضور پررنگ‌تر در عرصه آب و یا ظهور فناوری چاه در بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی را نقطه عطف این رویدادها می‌دانند. آنچه که از بررسی پیشینه حکمرانی آب از لابلای آثار و مستندات برمی‌آید، آن است که دست‌کم تا پیش از دهه ۴۰، نقش بخش خصوصی و جامعه مدنی در تمشیت امور آب پررنگ‌تر بوده است. به‌عنوان نمونه در بررسی پیشینه شبکه آبرسانی اجیرب در استان خوزستان می‌بینیم که به استناد قانون مصوب سال ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی، شرکت سهامی کشاورزی جنوب که به همت شماری از فعالان عرصه اقتصاد با هدف دایر نمودن اراضی و احیای عمران منطقه تأسیس شده بود، به موجب پیمان‌نامه رسمی با دولت وقت در سال ۱۳۲۷، بخشی از اراضی آبخور رودخانه‌های کشور و اجیرب به همراه حق انحصاری برداشت آب از رودخانه اجیرب به این شبکه را به دست می‌آورد. به‌مرور با ظهور و فعالیت نهادهای توسعه و مدیریت منابع آب‌خاک، نقش دولت در بهره‌برداری از منابع آب و تأسیسات آبیاری به‌شدت تقویت و در مقابل دست بخش خصوصی و نهادهای مدنی از مشارکت فعالانه در برنامه‌ریزی، احداث و مدیریت تأسیسات آبی کوتاه شد. از این منظر تضعیف جایگاه بخش خصوصی و نهادهای مدنی در ساختار مدیریت آب کشور را می‌توان یکی از تحولات اساسی در تغییر شرایط حکمرانی آب کشور به شمار آورد. برون‌داد این رخدادها، اتخاذ و اجرای اهداف و تصمیماتی بوده که تنها به‌واسطه سیاست‌ها، مقررات قانونی، ضوابط و معیارهای مدیریتی (ابزارهای اصلی رکن حاکمیت در حکمرانی آب) حمایت و دنبال شده، ولی در عمل به دلیل سرپیچی پنهان و آشکار فرجام خوبی نداشته‌اند. امری که در تنها ارزیابی از وضعیت حکمرانی آب که به همت اندیشکده تدبیر آب ایران در سال ۱۳۹۳ صورت گرفت، از آن به‌عنوان چالش اصلی حکمرانی آب کشور در کنار موارد دیگری

نظیر فقدان توجه به سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و مدیریت تعارضات، ضعف سامانه‌های پژوهشی، تولید و گردش اطلاعات و همچنین نظام نامتعادل تأمین منابع مالی طرح‌ها به‌عنوان سایر چالش‌های محوری نظام حکمرانی یاد شده است. اما نقطه آغاز حرکت در مسیر اصلاح را باید در عرصه سیاست‌گذاری و (بازبینی سیاست‌های کلان مرتبط با بخش آب) جستجو کرد. در حال حاضر برخی سیاست‌های کلان در این بخش تنظیم و حتی ابلاغ نیز شده است. ولی این سیاست‌ها آن‌چنان که انتظار می‌رفت، به تغییر در رویکرد مدیریتی منجر نشده است. نگرش مدیریتی حاکم هنوز هم عمدتاً فن محور بوده و در میان راهبردها و راهکارها، جایی برای تدابیر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی در نظر گرفته نشده است. بخشی از این مسئله می‌تواند در عدم باور یا درک عمومی به / از سیاست‌ها ریشه داشته باشد. متولیان اداره امور آب همچنان بر این باور هستند که ضعف، کاستی‌ها و نابسامانی‌های موجود، صرفاً حاصل نقص در قوانین یا شیوه به‌کارگیری سازوکارهای حاکمیتی بوده و از همین رو است که عمده تلاش خود را بر تغییرات سازمانی و اصلاح قوانین آب متمرکز نموده‌اند. البته این نگاه به دولت به‌صورت عام و وزارت نیرو به‌صورت خاص (متولی آب کشور) منحصر نمی‌شود، بلکه در رکن قانون‌گذاری کشور نیز همین نگاه کم‌وبیش سیطره دارد. اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس نیز طرح اصلاح قانون



آب را تهیه و جهت بررسی به کمیسیون آب و کشاورزی مجلس شورای اسلامی ارسال کرده است. تلاشی که در راستای همان نگاه و کوشش‌های پیشین قابل تفسیر و ارزیابی است. بخشی دیگر می‌تواند معلول فقدان ظرفیت و مهارت لازم در فراهم‌سازی مقدمات به‌کارگیری ابزارها و سازوکارهای مرتبط با تدابیر غیرفنی باشد. برقراری تعامل و ارتباط مؤثر از طریق ایجاد یک نظام ارتباطی اثربخش و تنظیم روابط میان ارکان حکمرانی در جهت اداره امور، در زمره همین پیش‌نیازها به شمار می‌رود. عدم آمادگی و سازگاری با شرایط، پس از بازتعریف نقش‌ها و مسئولیت‌ها نیز می‌تواند از جمله این موانع بازدارنده باشد. به‌عنوان مثال، در واگذاری مدیریت دشت‌ها به بهره‌برداران و متقابلاً مسئولیت آن‌ها در زمینه تعادل بخشی آبخوان‌ها و کاهش برداشت آب از آن‌ها، طبیعتاً نباید انتظار داشت که رکن حاکمیتی مدیریت آب به‌مانند گذشته با تکیه بر رویه‌های پیشین و به‌صورت یک‌جانبه درباره نحوه تأمین نیازهای جدید برای مصارف مختلف (از طریق حفر چاه‌های جدید) تصمیم‌گیری نماید. به هر جهت، پی بردن به علل و ریشه‌های عدم تحقق انتظارات در این عرصه، به واکاوی و بررسی عمیق‌تری نیاز دارد و بدیهی است که در چنین شرایطی نمی‌توان درباره اصلاحات قانونی مورد نظر و شرایط نهادی مورد نیاز که برای تحقق سیاست‌ها لازم است، کوشش مؤثری انجام داد. البته شاید مقصر دانستن دولت در همه کاستی‌ها و نواقص به دور از انصاف باشد. قطعاً ضعف‌هایی نیز در ارکان غیر حاکمیتی حکمرانی وجود دارد، ولی نایبستی فراموش کرد که دست‌کم بخشی از این نارسایی‌ها حاصل بیش از نیم‌قرن دور نگه داشته شدن این ارکان توسط حاکمیت بوده است. مضافاً آنکه در محدود مواردی هم که شاهد شکل‌گیری و قوام مجموعه‌های مردم نهاد در حکمرانی محلی آب بوده‌ایم، دولت مکرراً از سوی آن‌ها به نقض پیمان، کارشکنی و ایجاد اختلال در مسیر انجام مسئولیت‌ها متهم شده است.

### ◆ از چه سازوکارهای حکمرانی آب، می‌توان برای تعدیل اثرات کم‌آبی و یا حتی بی‌آبی بهره برد؟

از سازوکارهای مختلف در یک نظام حکمرانی، صرفاً به‌منظور افزایش ظرفیت و اقتدار برای اعمال تصمیمات استفاده می‌شود. بر این اساس می‌توان این سازوکارها را به سه نوع دستوری - کنترلی، اقتصادی و متکی به نهاد بازار و توافقی و داوطلبانه تقسیم‌بندی کرد. بر اساس آنچه که پیش‌تر گفته شد، نظام حکمرانی تاکنون عمدتاً بر سازوکارهای نوع اول متکی بوده است. متعادل کردن ترکیب سازوکارهای مختلف از جمله به‌کارگیری روش‌های غیررسمی توافق و داوری در اختلافات، نهادهای خودکنترل‌کننده، همکاری‌های داوطلبانه

و توافقات دو یا چندجانبه، سازوکارهای بازار رقابتی و جوامع محلی می‌توانند سهم بسزایی در کاهش سرپیچی‌ها و مقاومت‌های مدنی در مقابل اجرای تصمیمات و تحقق اهداف داشته باشند. لذا، چنانچه مجال برای نقش‌آفرینی مؤثر سایر ارکان حکمرانی فراهم شود، به فراخور سازوکارهای متناسب هر یک نیز زمینه بروز و ظهور پیدا خواهند کرد. البته این نباید به معنی بی‌نقص بودن سازوکارهای حکومتی برای اجبار و کنترل تلقی شود. به معنای دیگر، نباید همه کاستی‌ها را به متنوع نبودن سازوکارها نسبت داد، بلکه اقداماتی چون بهبود و اصلاح رویه‌های رسیدگی قضایی و تشکیل محاکم مستقل و عادلانه در جای خود حائز اهمیت است.

### ◆ مردم اطلاعات کافی درباره بحران آبی کشور ندارند، چگونه می‌توان عمق و دانایی جامعه نسبت به مسئله آب را تغییر داد؟

البته نگرانی من نسبت به ناآگاهی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور در قیاس با عموم آحاد جامعه بیشتر است و این امر هم بیشتر معلول الگوی کنونی حکمرانی آب کشور است که پیش‌تر درباره آن توضیح دادم، اما پاسخ دقیق به سؤال شما شاید، مستلزم همکاری و تعامل نزدیک میان متخصصان در حوزه آب، ارتباطات، جامعه و مردم‌شناسی باشد. از این رو، این سؤال را بیشتر بر اساس تجربه فردی پاسخ می‌دهم و لذا طبیعی است که فاقد جامعیت لازم باشد. اگر مقصود شما آگاهی از بروز و ظهور بحران است، برخلاف شما تصور می‌کنم که قاطبه مردم نسبت به وقوع آن واقف هستند و از آن به انحاء گوناگون تأثیر پذیرفته یا دست‌کم به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم شاهد پیامدهای آن بوده‌اند. اخبار و گزارش‌های متعدد مربوط به پیدایش فروچاله‌ها یا فرونشست‌هایی که گریبان‌گیر قریب به‌اتفاق دشت‌های کشور شده و به دروازه کلان‌شهرهایی چون اصفهان و تهران رسیده، تخریب سازه‌های آثار باستانی، خشکیدگی تالاب‌ها و رودخانه‌ها، منازعات بر سر آب در اصفهان و خوزستان که روزگاری از پرآب‌ترین مناطق کشور بوده است، شکل‌گیری کانون‌های داخلی گردوغبار و قص علی‌هذا... همگی نشان از آن دارند که ابعاد بحران به اندازه‌ای آشکار گردیده که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا انکار کرد. تصور من این است که ناآگاهی بیشتر به چرایی و چگونگی شکل‌گیری بحران برمی‌گردد و اینجا محل مناقشه جدی است. چرا که ایجاد شفافیت و روشن شدن پاسخ سؤالات مربوط به چرایی و چگونگی شکل‌گیری، خود تا اندازه زیادی تعیین‌کننده جهت‌گیری‌های اصلی در چاره‌جویی، اقرار ضمنی به میزان کارآمدی راهکارهایی که تاکنون برای مهار و مدیریت آن‌ها به خدمت گرفته شده و روشنگر نقش‌ها و مسئولیت‌های بخش‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای مختلف در این عرصه خواهد

#### اخبار و

#### گزارش‌های

#### متعدد مربوط

#### به پیدایش

#### فروچاله‌ها یا

#### فرونشست‌هایی

#### که گریبان‌گیر

#### قریب به اتفاق

#### دشت‌های کشور

#### شده و به دروازه

#### کلان‌شهرهایی

#### چون اصفهان

#### و تهران رسیده،

#### تخریب سازه‌های

#### آثار باستانی،

#### خشکیدگی

#### تالاب‌ها و

#### رودخانه‌ها،

#### منازعات بر سر

#### آب در اصفهان

#### و خوزستان

#### که روزگاری از

#### پرآب‌ترین مناطق

#### کشور بوده

#### است، شکل‌گیری

#### کانون‌های

#### داخلی گردوغبار

#### و قص علی‌هذا...

#### همگی نشان از

#### آن دارند که ابعاد

#### بحران به اندازه‌ای

#### آشکار گردیده که

#### دیگر نمی‌توان آن

#### را نادیده گرفت یا

#### انکار کرد.

اقتضائات مسائل) میسر نبوده است و لذا، همواره بحث‌ها و اختلاف‌نظرهایی درباره آن‌ها حتی در بدنه کارشناسی و تخصصی کشور و به‌ویژه در میان دستگاه‌های مختلف متولی مدیریت و مصرف آب وجود داشته است. میزان مصرف آب در بخش‌های مختلف (کشاورزی، صنعت، شرب و خدمات) در زمره همین نوع مسائل است. البته عدم اجماع در خصوص رد یا قبول آن‌ها به صرف وجود نقایص و کاستی‌ها در حوزه آمار و اطلاعات ... و تبدیل شدن به بخشی از ابهامات دیرپای عرصه آب و در عین حال، نادیده انگاری تجربیات، قدمت و سابقه چنین مسائلی قطعاً پذیرفتنی نیست. به گمان بنده اختلافات به ظاهر لاینحل در این‌گونه مسائل بیشتر به پیامدهای ناشی از پذیرش یا عدم پذیرش جمع‌بندی‌های مختلف دستگاه‌ها، به‌واسطه مسئولیت‌های خطیری که ممکن است متوجه آن‌ها نماید و یا اختلافات جدی که در صورت پذیرش (با تکیه بر سازوکارها و رویه‌های کنونی) می‌تواند در تحقق اهداف آن‌ها داشته باشد، مربوط بوده و متأسفانه تاکنون، به انحاء گوناگون، از طرح جدی آن‌ها پرهیز شده است. طرح این دست از مسائل در عرصه عمومی ممکن است آن را به آوردگاه تقابل تفکرات و دیدگاه‌های مختلف بدل نموده و امکان دستیابی به اجماع نخبگانی را بیش از پیش دشوار نماید. نمونه‌ای از این مورد را

بود. از این منظر مسائل را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. مسائلی که شواهد و قراین علمی محکم و مستدل برای رد یا اثبات آن وجود دارد و شاید چالش جدی بیشتر به نشر، اشاعه و تبیین آن جهت تنویر افکار عمومی مربوط شود؛ به‌عنوان مثال، مطالبی به نادرستی درباره آبر بودن کشت هندوانه در رسانه‌های مختلف و به‌ویژه فضای مجازی طرح می‌شود، در حالی که بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که ردپای آب در این محصول در مقایسه با بسیاری از غلات و محصولات باغی کمتر است و شاید صرف توجه به اندازه محصول و ماهیت آبدار بودن آن سبب شده تا این تصور نادرست در اذهان عمومی وجه معقولی پیدا نموده و مکرر عنوان شود. در مواجهه با این دسته از مسائل، تشویق و هدایت جامعه برای مراجعه به پایگاه‌ها و منابع مرجع و مستدل جهت صحت سنجی یا کسب اطلاعات، توجه مراکز مرجع به مطالبات و پرسش‌های عمومی از یکسو و پایش فضای رسانه‌ای از سوی دیگر در کنار تسهیل دسترسی و حمایت از گردش آزاد اطلاعات مربوطه توسط حاکمیت، می‌تواند از جمله اقدامات سازنده در این خصوص باشند. دسته دوم به مسائلی مربوط می‌شود که مستلزم انجام مطالعات و بررسی‌های دقیقی بوده که یا انجام نگرفته و یا انجام آن (با توجه به محدودیت‌ها و یا





در سال ۱۳۹۸، در قالب ورود صداوسیما به مقوله سدسازی و صفاآرایی مخالفان و موافقان آن در برابر یکدیگر شاهد بودیم.

### ◆ نظر شما در مورد نقش همکاری‌های منطقه‌ای برای حل بحران آب چیست؟

امروزه آب به‌عنوان یک موضوع ژئوپلیتیکی نقش پررنگی پیدا کرده و بر روابط میان کشورها تأثیرگذار بوده است. این تأثیر در برخی از مواقع در قالب شکل‌گیری نظام‌های حقوقی بهره‌برداری از آب‌های مشترک، زمینه‌ساز تعامل و همکاری بوده و در برخی دیگر منجر به تشدید تنش‌ها و مناقشات شده است. بایستی توجه داشت که منازعه بر سر آب در منطقه خشکی نظیر خاورمیانه، منازعه بر سر یک ارزش جغرافیایی است و از آنجا که ارزش‌های جغرافیایی در یک کشور جزو منافع ملی تلقی می‌شوند، دولت‌ها به آسانی نمی‌توانند بر سر منافع ملی دست به معامله بزنند. تاریخچه ۱۵۰ ساله کشور در زمینه تلاش دیپلماتیک برای حل‌وفصل اختلافات آبی با کشورهای همسایه به‌ویژه افغانستان و عراق به‌خوبی گویای این مطلب است. به هرسو، تعامل مؤثر و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند نقش ارزنده‌ای در رفع بخشی از تنگناهای کنونی کشور در حوزه آب و محیط‌زیست داشته باشد. در خصوص آب، این همکاری‌ها می‌تواند به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم در تخفیف بحران به خدمت گرفته شود. در صورت مستقیم، عمدتاً به مسئله آب‌های سطحی مشترک و حبابه‌های رودخانه‌های مرزی مربوط می‌شود که بیشتر معطوف به شرق و غرب کشور است. احداث سد دوستی یکی از جلوه‌های همکاری و تعامل بین دو کشور ایران و ترکمنستان بود ولی از آنجا که در زمان احداث سد، به دلیل فقدان ثبات سیاسی در افغانستان، این کشور در این همکاری حضور نداشت، در دوره ثبات نسبی به دلیل نیاز شدیدش به آب، اقدام به ساخت دو سد بر روی رودخانه هریرود نمود که در صورت تکمیل، به‌شدت بر رواناب ورودی بر سد دوستی تأثیر خواهد گذاشت و تأمین آب برای کشاورزی دشت سرخس و شرب مشهد از این سد را با چالش روبرو خواهد کرد. در خصوص حبابه از رود هیرمند نیز به‌رغم توافقات صورت گرفته با افغانستان، در خصوص عمل به تعهدات، پایش و راستی‌آزمایی آن‌ها همواره با چالش‌هایی روبرو بوده‌ایم. توافق و همکاری در این خصوص می‌تواند تا اندازه‌ای از شدت کم‌آبی بویژه در جنوب شرق و شکل‌گیری کانون‌های گردوغبار با منشأ داخلی در این مناطق بکاهد. به همین شکل توافق با همسایگان غربی در خصوص رهاسازی حبابه‌ها می‌تواند نقش مؤثری در جلوگیری از گسترش کانون‌های شکل‌گیری گردوغبار در عراق و پیامدهای آن بر کشور داشته باشد ولی

متأسفانه با حاکم شدن رویکرد امنیتی و نگاه‌های بخشی به حوزه آب، شاهد سیاست‌گذاری‌ها در جهت مهار حداکثری آب‌های مرزی در کشورهای منطقه به‌ویژه ترکیه هستیم. در شکل غیرمستقیم، از این همکاری‌ها می‌توان در جهت کاهش فشار بر منابع برای تأمین نیازهای اساسی کشاورزی در داخل بهره‌برداری کرد که از آن تحت عنوان کشت فرا سرزمینی یاد می‌شود. البته این سیاست چندان موردتوجه قرار نگرفته است و به استثنای اواخر دولت قبل، شاهد تحرکات بخصوصی در این زمینه نبوده‌ایم و لذا آشنایی و تجربه چندان در خصوص مزیت‌ها و چالش‌های آن در عرصه عمل نداشته‌ایم و طبیعتاً به نتیجه و دستاوردی هم منجر نشده است؛ بنابراین توجه به مسئله آب در همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوبی فراتر از صرفاً آب، مثلاً آب - غذا - محیط‌زیست شاید زمینه‌ساز دستاوردهای بیشتری باشد.

البته در مسیر تحقق اجرای چنین سیاست‌هایی با چالش‌هایی روبرو خواهیم بود. اول آنکه در مناطق به لحاظ سیاسی پرتنش نظیر خاورمیانه، این‌گونه توافقات ممکن است ذیل موضوعاتی فراتر از چارچوب‌های ذکر شده طرح شوند که خود بر پیچیدگی‌ها و دشواری‌های تحقق آن‌ها بیش از پیش خواهد افزود. مضافاً آنکه استفاده از این ظرفیت مستلزم تمایل همه طرف‌های درگیر، برخورداری و به‌کارگیری ظرفیت‌های زنده در عرصه دیپلماسی تخصصی می‌باشد که از این منظر نیز با محدودیت‌هایی روبرو هستیم.

### ◆ شما در مورد انتقال آب از یک حوزه به حوزه خارج از برنامه آمایش سرزمین چه نظری دارید؟

از مهم‌ترین خصوصیات برنامه‌های آمایش سرزمین، توجه به پایداری ترکیب میان جمعیت، سرمایه و منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین است. از این منظر، می‌توان آن را همسو با نگرش توسعه پایدار ارزیابی کرد که در آن آب به‌عنوان سرمایه‌ای فرابخشی و فرانسلی نگریسته شده که سیاست‌ها باید در جهت بهره‌گیری پایدار از آن در جهت رفع نیازها به خدمت گرفته شود. این در حالی است که در دیدگاه حاکم، آب صرفاً یک نهاد است که در جهت تأمین اهداف کمی و کیفی بخش‌های مختلف (رشد اقتصادی، امنیت غذایی، ایجاد اشتغال و ...) ایفای نقش می‌کند. این نگاه و متعاقباً هدف‌گذاری‌های ضمنی و بیرونی برای بخش آب، عملاً آن را بلااختیار، به دنبال برخی گرایش‌های فراتر از ظرفیت‌های آمایش سرزمینی، گرفتار تعهدات متعدد و ناپایدار کرده است که برای برآورده ساختن آن‌ها، برنامه‌هایی نظیر طرح‌های انتقال آب خارج از حوضه در دستور کار قرار گرفته است. ◆◆

منازعه بر سر آب در منطقه خشکی نظیر خاورمیانه، منازعه بر سر یک ارزش جغرافیایی است و از آنجا که ارزش‌های جغرافیایی در یک کشور جزو منافع ملی تلقی می‌شوند، دولت‌ها به آسانی نمی‌توانند بر سر منافع ملی دست به معامله بزنند. تاریخچه ۱۵۰ ساله کشور در زمینه تلاش دیپلماتیک برای حل‌وفصل اختلافات آبی با کشورهای همسایه به‌ویژه افغانستان و عراق به‌خوبی گویای این مطلب است.





## حمایت از توسعه کرمان؛ در عمل یا بیان؟!

محمدعلی گلابزاده

مدیر مسئول فصلنامه و مدیر مرکز کرمان شناسی



گوهرش، رونق اقتصاد کشور - پسته‌اش، طلای سبز - جیرفتش، هند ایران - قالی، پته، گلیم و... دیگر صنایع دستیش، دارای شهرت

پیش از پرداختن به بحث اصلی، ذکر این نکته را لازم می‌دانم که هر چند بر این باور نبوده و نیستم که کرمان، تافته جدا بافته کهن سرزمین ایران است، اما این واقعیت را نیز نمی‌توان از یاد برد که دیار دارالامان در گذر هزاران ساله روزگاران و به شهادت تاریخ، همواره از جهات گوناگون، پشتوانه مستحکمی برای این خطه خدائی به شمار رفته و با قابلیت‌های مختلف، نام ایران را بلند آوازه‌تر ساخته است. به همین دلیل «ژان اوبن» مستشرق معروف فرانسوی می‌گوید: هر کس تاریخ کرمان را به درستی بخواند، مانند آنست که تاریخ جهان را خوانده باشد، زیرا دامن این دیار، پروردگاه مردمی بوده که از شرنگ سختی‌ها نوشیدند، اما از شهید عزت و افتخار نوشاندند.

باری این سرزمین، از استعدادهای کلانی برخوردار است که اگر از قوه به فعل درآیند و برخی موانع از سرراهشان برداشته شود، آنوقت رشک بدخواهان را افزون خواهد ساخت. به قول دکتر فرهاد ناظرزاده عزیز، به جرأت می‌توان گفت، خداوند در هیچ کجا و برای جمعیتی در این حد و اندازه، آن‌همه نعمت و برکت منظور نکرده است. کرمانی که خرمایش، کام جهانی را شیرین کرده - مس سرچشمه‌اش، سرچشمه شکوفایی است - معادن گل

جهانی - در بخش گردشگری، دارای جاذبه‌های گوناگون از پیش از تاریخ تا کنون؛ مانند کنار صندل، تپه یحیی، تل ابلیس، ارگ بم، مسجد جامع - باغ شازده و ... که شرح هر کدام، مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

باری، چندی است که برخی دلسوزان کرمانی با سلبیقه‌های گوناگون سیاسی و آگاهی از ویرانگری عفریت اختلاف، گردهم آمده‌اند تا باب تازه‌ای بگشایند و ثابت کنند که دلشدگان سرزمین مادری، برای سرفرازی بیشتر آن، دست‌ها را به هم گره می‌زنند و در سایه جیل‌المتین عشق و ایمان، یک دل و یک زبان، در راه توسعه استان، گام برمی‌دارند.

نشست پنج شنبه شب این انجمن تا اندازه زیادی نشان داد که با هم بودن در این راه، اگرچه دشوار، اما عملی است. جلسه‌ای که از امام جمعه و استاندار و شهردار و نمایندگان مجلس تا حتی کرمانی و دعائی و هوشنگ مرادی و ... تعدادی از استانداران سابق و چهره‌های فرهنگی و اقتصادی در کنار هم نشستند و از توسعه استان سخن گفتند. یک سو اصلاح طلب و سمت دیگر، اصولگرا -

اصحاب فرهنگ، در کنار ارباب اقتصاد و ... این با هم بودن، آن قدر دلنشین بود که حتی برخی تیر و طعنه‌های سیاسی را هم شیرین می‌کرد و لب‌ها را به خنده می‌گشود، به راستی چه اکسیری است همدلی.

امام جمعه محترم کرمان، مثل همیشه، آرام و با متانتی که به جلسه آرامش بخشید، این بار در لقایه به آفت‌های اختلاف، اشاره کرد. در اینجا مرغ اندیشه، بر بام تاریخ نشست و مرا به یاد آورد که

چگونه وجود اختلاف در فرزندان سلجوقیان، همه زحمات پدرانشان را بر باد داد و بنایی یک‌صد و پنجاه‌ساله را فرو ریخت و قوم ستمگری به نام «غز» ها را بر این دیار مستولی کرد که خشت از خشت کرمان برداشتند و خاکستر داغ به گلوی بدخواهانشان ریختند، خاکستری که به «قهوه غزی» شهرت یافت و بعد از آن نیز فرزندان محمد مظفر میبیدی، بانی مسجد جامعه کرمان نیز از گذشته پند نگرفتند و اختلافات را ادامه دادند و کار را به جایی رساندند که سرانجام تیمور، همه آن‌ها را بر سفره‌ای نشاند، شام آخشان را به کام آن‌ها نشاند و در پایان، تمامی آن‌ها را بر همان سفره به قتل رساند و سلسله آل مظفر را منقرض ساخت.

حجت‌الاسلام علی‌دادی، چه درمندانانه گفت: گاه دور هم جمع می‌شویم، اما دل‌هایمان از هم فاصله دارد و چه غم‌آلود بود رنگ کلامش، آنجا که گفت: استان در مقوله درآمد شهری و روستایی رتبه ۳۵ را دارد. سپس علی‌دادی انعکاس صدای مردمی شد که تعویض زودبه‌زود استانداران و فاصله تقریبی ۲،۵ تا ۳ سال را از آفت‌های این دیار به شمار می‌آورند.

زمانی که امام جمعه کرمان سخنانش را به پایان برد و پایین آمد، با برخاستن و ادای احترام سلف او - حجتی کرمانی - چنان همدیگر را در آغوش گرفتند و بی‌خیال کرونا، اوج دل‌بستگی را به تماشا گذاشتند که انگار خیال جدایی ندارند، شاید هم حجت‌الاسلام علی‌دادی می‌خواست به برخی رقبای حاضر که چشم دیدن هم را ندارند بگوید: این‌گونه باشید، نه کارد و خیار. سیدحسین مرعشی که پیش از این با راه‌اندازی هواپیمایی ماهان، ارگ جدید، خودروسازی کرمان، هفت باغ و ... توسعه استان را عملاً کلید زده بود، این بار از آن‌ها که درآمد حاصل از پسته کرمان را به دوردست‌ها برده و با قطره‌های آخرین آب در این سرزمین کویری، طلای سبز برگرفتند و آن را خرج مطلقاً کردند و شهر و دیار خویش را از منافع آن بی‌نصیب ساختند، سخت گلایه کرد. ای کاش سرنهادگان بر بالش بی‌دردی حضور داشتند و غزلواره اندوه مردم کرمان را از زبان او می‌شنیدند. او در پایان از تولیدکنندگان و سرمایه‌داران بزرگی چون گل‌گهر، مس سرچشمه، گهرزمین و ... خواست تا سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون بخصوص در مناطق بیشتر نیازمند مانند جنوب استان را ادامه دهند و بر باقیات صالحاتشان بیفزایند. یادم می‌آید چندی پیش یکی از دوستان جیرفتی می‌گفت، باید پیگیری کنیم که جیرفت از کرمان جدا شده و به صورت استان مستقلی درآید. گفتم، مباد آن روز که بین ما و جیرفت و دیگر مناطق جنوب، فاصله افتد. پرسید چرا مخالفی؟ گفتم، زیرا در این صورت بخشی از تاریخ سرزمین ما از هم گسیخته خواهد شد. نگاهی به من کرد و گفت عظمت تاریخ کرمان در رهگذر وجود کنار صندل و دقیانوس، قلعه منوجان و ... را می‌خواهید، اما آبادانیش را نمی‌خواهید؟ البته همین که به نماینده مردم جیرفت فرصت داده شد تا به‌عنوان نخستین سخنران

نشست پنج شنبه شب این انجمن تا اندازه زیادی نشان داد که با هم بودن در این راه، اگرچه دشوار، اما عملی است. جلسه‌ای که از امام جمعه و استاندار و شهردار و نمایندگان مجلس تا حتی کرمانی و دعائی و هوشنگ مرادی و ... تعدادی از استانداران سابق و چهره‌های فرهنگی و اقتصادی در کنار هم نشستند و از توسعه استان سخن گفتند. یک سو اصلاح طلب و سمت دیگر، اصولگرا -

اصحاب فرهنگ، در کنار ارباب اقتصاد و ... این با هم بودن، آن قدر دلنشین بود که حتی برخی تیر و طعنه‌های سیاسی را هم شیرین می‌کرد و لب‌ها را به خنده می‌گشود، به راستی چه اکسیری است همدلی.

امام جمعه محترم کرمان، مثل همیشه، آرام و با متانتی که به

جلسه آرامش بخشید، این بار در لقایه به آفت‌های اختلاف، اشاره کرد. در اینجا مرغ اندیشه، بر بام تاریخ نشست و مرا به یاد آورد که

چگونه وجود اختلاف در فرزندان سلجوقیان، همه زحمات پدرانشان را بر باد داد و بنایی یک‌صد و پنجاه‌ساله را فرو ریخت و قوم ستمگری به نام «غز» ها را بر این دیار مستولی کرد که خشت از خشت کرمان برداشتند و خاکستر داغ به گلوی بدخواهانشان ریختند، خاکستری که به «قهوه غزی» شهرت یافت و بعد از آن نیز فرزندان محمد مظفر میبیدی، بانی مسجد جامعه کرمان نیز از گذشته پند نگرفتند و اختلافات را ادامه دادند و کار را به جایی رساندند که سرانجام تیمور، همه آن‌ها را بر سفره‌ای نشاند، شام آخشان را به کام آن‌ها نشاند و در پایان، تمامی آن‌ها را بر همان سفره به قتل رساند و سلسله آل مظفر را منقرض ساخت.

حجت‌الاسلام علی‌دادی، چه درمندانانه گفت: گاه دور هم جمع می‌شویم، اما دل‌هایمان از هم فاصله دارد و چه غم‌آلود بود رنگ کلامش، آنجا که گفت: استان در مقوله درآمد شهری و روستایی رتبه ۳۵ را دارد. سپس علی‌دادی انعکاس صدای مردمی شد که تعویض زودبه‌زود استانداران و فاصله تقریبی ۲،۵ تا ۳ سال را از آفت‌های این دیار به شمار می‌آورند.



در جایگاه حضور پیدا کند و در جوار برخی هشدارها، تسریع در انتقال آب را خواستار شود، بارقه‌امیدی بود که جنوب، فزادای روشن‌تری را پیش رو دارد.

سخنان فداکار، استاندار کرمان که حدی به شارع داوران رفسنجان دارد، در خصوص جنوبی‌ها از چنان تعصبی مایه می‌گرفت که انگار از قلب سبزه‌واران یا رودبار و منوجان برخاسته و عمری با هرم نفس خورشید آن دیار هم‌آغوش بوده و بنا دارد همچون حاکمان قرون گذشته - دست کم - زمستان‌ها را در آن دیار رحل اقامت بیفکند.

وقتی دکتر فداکار، از بسته شدن ۳۰ درصد از چاه‌های آب کرمان و فاجعه خشک‌سالی و فرونشست زمین در کرمان سخن گفت یاد این مصرع شعر دکتر حسین‌خانی افتادم که «خاک بر سر شدن آب، تماشائی بود.» به‌راستی چرا در این دیار با تصمیم‌گیری‌های غلط، مدیریت‌های نادرست و خاص خرجی‌های فاجعه‌بار، آب را خاک بر سر کردیم؟ فداکار، از مهجور ماندن گردشگری هم گفت که اینجا می‌خواستیم برخیزیم و ندا دهم که «بیا سوته دلان گرد هم آئیم» بیا بر این غریب بی در کجا اشکی بریزیم تا شاید نهال آرزوها را باور کند و این شجره از پافتاده را یک‌بار دیگر به برگ و بار بنشاند. در پایان دکتر فداکار به طنز و به نقل از طنزای گفت: کرمانی‌ها برای تشکیل یک دولت مستقل توان لازم را دارند که تفسیرش با خود ایشان.

وقتی حسن‌پور، رییس مجمع نمایندگان استان از انس و الفت موجود سخن گفت و یادآور شد که پیشرفت کنونی استان مدیون اصل اتحاد است، گوئی سروشی از آسمان ندا داد که: باده دُرْدالودمان مجنون کند/ صاف اگر باشد ندانم چون کند؟! او از سرمایه‌گذاری ۲۰۰ هزار میلیاردی تا ۱۴۰۴ خبر داد و با توجه به رتبه اول ذخایر معدنی استان - صادرات کنسانتره آهن - و اینکه قرار است تا چند سال آینده تولید شمش از ۴,۳ میلیون به ۱۰ میلیون تن برسد، گل از گل همه شکفت و پنجره دیگری از امیدواری به روی حاضرین گشود، اما وقتی گفت: ۲۵ درصد مردم کرمان زیر خط فقر به سر می‌برند، برگهای آن گل‌ها، یکی پس از دیگری تکیده شده و فریاد سعدی هم برآمد که با تغییری در یکی از غزلیات خود می‌گفت: «شما کنار فراتید و تشنه لب در صف؟!» انجم شعاع، کرمانی بی تکلفی که بدون تکیه بر مقام معاونت وزیر نیرو، در هر گام و هر کلام، به همه نیرو می‌داد و انجم چینی می‌کرد، راز پیروزی بیشتر استان را در یگانگی، وحدت و نهایتاً هم‌افزایی برای بهره‌گیری بیشتر از امکانات، استفاده از مدیران شایسته، آموزش مدیران کنونی، حفظ تراز علم و فناوری و مطالعه برای ساماندهی آینده اعلام کرد. اگر چه آمین حاضرین، بر لب نیامد، اما در دل‌ها غوغائی پیا ساخت.

مهندس باهنر که پیش از این با بدرد به همه پست‌ها و سمت‌ها و با خالی کردن جای خود برای جوانان ثابت کرده بود که «الاسماء

تنزل من السماء» این بار نیز تنها مرد میدان آخر جلسه‌ای سه‌ساعته و مستمعینی خسته بود که همه را فرو بنشانند و او که بانی انجمن حمایت از توسعه استان است، از تلاش خود برای الگو قرار دادن این انجمن سخن گفت و استان‌های دیگر را فرا خواند تا آستین همت بالا بزنند؛ و مثل کرمانی‌ها، انجمن حمایت از توسعه استان را راه بیندازند.

در اینجا به یاد شادروان دکتر روح‌الامینی افتادم که پس از راه‌اندازی مرکز کرمان شناسی و گرایش سایر استان‌ها به پیروی از کرمان، گیلانی‌ها او را برای سخنرانی در مراسم افتتاحیه مرکز رشت شناسی دعوت کرده بودند. او در ابتدای صحبت خود گفته بود بسیار خوشحالم که امروز مرکز کرمان شناسی رشت هم گشایش می‌یابد! حالا منتظریم که ان‌شاءالله این سلسله سرفرازی‌ها ادامه یابد. باری باهنر، همه نمایندگان، مسئولان و دلسوزان استان‌های دیگر را فرا خواند که دعوای جناحی را کنار بگذارند و مثل او و رقیبانش عمل کنند که زمان انتخابات رقیبند و در بحث توسعه استان رقیب و چنین بود که استان، راه توسعه متوازن را در پیش گرفت و درحالی‌که همین چند سال پیش یک کیلو فولاد هم تولید نداشتیم، حالا هر سال میلیون‌ها تن شمش عرضه می‌کنیم. وقتی حتی کرمانی، با یک دست بر عصا و دست دیگر به میکروفن، خواست تا چند دقیقه‌ای درباره ارتباط رهبری با کرمان صحبت کند، ابتدا صندلی را طلب کرد، زیرا توان ایستادن نداشت، در این هنگام دهه ۴۰ را به یاد آوردم که جوانی راست‌قامت، اولین اثر خود «جلوه‌های مسیح» را انتشار داد و مسیحا نفسی بود که برخاستن بسیاری، مدیون اوست، به قول حضرت خواجو: «برخواست قیامت از نشستش» و زمانی که از تبار نماینده زرد و کوهبنان یاد کرد، تازه حاضرین فهمیدند چگونه است که خانم شریعتی، دفتری را از حفظ خواند.

هوشنگ مرادی کرمانی، این بار با کلاهی بر سر آمده بود، وقتی اسمش را برای دریافت لوح تقدیر اعلام کردند، از جا برخاست و ابتدا کلاهش را از سر برداشت. می‌خواستیم بگویم نازنین تو چرا به احترام دیگران، کلاه از سر برمی‌داری؟ این دیگران هستند که باید به احترام تو کلاه از سر بگیرند. ضمناً مگر تو نگفتی «شما که غریبه نیستید» اگر ما غریبه نیستیم، می‌گذاشتی کلاهت بر سر باشد، چه اشکالی داشت زیرا تسقط الاداب بین الاحباب.

و بالاخره حسن ختام، یادی از دکتر مصطفی سلطانی که وقتی بر اریکه اجرا می‌ایستاد، نظم و نثر را به هم آمیخته و حال و هوای تازه‌ای ایجاد می‌کرد.

این نکته نیز از نظر دور نماند که برخی دانشوران، سادات جلیل‌القدر و مدیران شایسته کشور، در صفوف میانی و در جمع کم نام و نشان‌ها نشستند، حتی زمانی که به اصرار دست‌اندرکاران همایش، موقتاً در صندلی‌های جلو نشستند، باز هم به بهانه‌ای برخاسته و خود را به جای قبلی رساندند تا بگویند «شرف المکان بالمکین». ♦♦

این سرزمین، از  
استعدادهای  
کلانی برخوردار  
است که اگر  
از قوه به فعل  
درآیند و برخی  
موانع از سر  
راهشان برداشته  
شود، آن وقت  
رشک بدخواهان  
را افزون خواهد  
ساخت. به  
قول دکتر فرهاد  
ناظرزاده عزیز، به  
جرات می‌توان  
گفت، خداوند  
در هیچ کجا و  
برای جمعیتی  
در این حد و  
اندازه، آن همه  
نعمت و برکت  
منظور نکرده  
است. کرمانی  
که خرمایش،  
کام جهانی را  
شیرین کرده. مس  
سرچشمه‌اش،  
سرچشمه  
شکوفایی است  
معدان گل‌گهرش،  
رونق اقتصاد  
کشور، پسته‌اش،  
طلای سبز،  
جیرفتش، هند  
ایران، قالی، پته،  
گلیم و... دیگر  
صنایع دستیش،  
دارای شهرت  
جهانی.



● زنده‌یاد مهدی آگاد ●

# اندیشه‌های آگاه

محسن جلال پور  
فعال و تحلیل‌گر اقتصادی



او دلسوز مردم و  
کشورش بود و در  
این مسیر برای  
انتقال نظرات  
خود در ابتدا به  
سیاستمداران  
و سپس به مردم  
تلاش کرد. شاید  
همه آن‌ها که دل  
در گرو توسعه  
ایران داشتند،  
زمانی به این  
می‌اندیشیدند که  
راهنمایی کردن  
به سیاستمداران  
و آگاه کردن آن‌ها  
می‌تواند کشور را  
در مسیر درست  
قرار دهد. به  
گمانم آقای آگاه  
جزو پیشگامان  
این جریان بود  
و از دهه شصت  
به این سو تلاش  
کرد، واقعیت‌های  
بسیاری را  
درباره کمبود  
منابع کشور به  
سیاستمداران  
منتقل کند.

مهدی آگاه (زاده سوم آذرماه ۱۳۲۲ و درگذشته ششم اردیبهشت ۱۴۰۱ در کرمان) تاریخ را خوب می‌دانست و اقتصاد را خوب فهمیده بود، در کشاورزی استاد بود و در تجارت، قهار. مردی که همواره نام ایران را با بغض بر زبان می‌آورد و دلباخته توسعه کشورش بود. مردی بی‌نهایت باهوش و محاسبه‌گر و بسیار خاص و آینده‌نگر که قلبی مهربان داشت و عقلانیتی وسیع. در این نوشتار سعی بر آن دارم که اندیشه‌های مهدی آگاه، لاقلاً آن دسته از اندیشه‌هایی که من آن‌ها را دریافته‌ام، بازگو نمایم.

## \* در همه صفات، انسان فوق‌العاده ساده زیستی بود

در همه جهات از جمله لباس پوشیدن، خوراک و زندگی کردن ساده‌زیست بود. یادم هست باهم به نمایشگاه گلن پسته رفته بودیم، در آنجا ما هتل پیدا نمی‌کردیم و یک اتاق زیر شیروانی را اجاره کردیم، با ایشان خیلی با خوشحالی و روی خوش و با همراهی، مدتی را در این اتاق سپری کردیم، درحالی‌که توان، ظرفیت، سن و شرایط ایشان شایسته بهترین اتاق بود.

سال‌های طولانی در بخش‌های مختلف، افتخار شاگردی آقای مهدی آگاه را داشتم و در کنارشان تجارت و کسب‌وکار را آموختم. ایشان یکی از گنج‌های زندگی و زمانه من بود، به اعتقاد من مهدی آگاه هم خصوصیات کارآفرینی داشت و هم اقتصاد را خوب می‌فهمید، ایشان دقیقاً شخصیتی مابین پدر مرحومشان «غلامرضا آگاه» که اصالتی یزدی داشت و در مشهد به دنیا آمد و در کرمان سکنی گزید و برادر مرحومش «منوچهر آگاه» داشت. نام پدرش، با پسته ارزآورترین محصول کشاورزی ایران و نام برادرش منوچهر، با نوسازی اقتصاد ایران گره خورده است. غلامرضا آگاه را از این جهت پدر پسته ایران می‌دانند که این محصول را صنعتی کرد، او با سرمایه‌گذاری اهالی متمدول یزد، باغ‌های زیادی در رفسنجان به بار نشانند.

جنگ جهانی دوم، فرصت مناسبی برای غلامرضا آگاه بود تا پسته ایران را به جهان عرضه کند. او مغز پسته را به نام «جیره کماندو» همزمان به ارتش متفقین و آلمان معرفی کرد و به این ترتیب زمینه فروش محصول باغات پسته رفسنجان به کشورهای اروپایی و آمریکا فراهم شد. او تنها به معرفی محصولات خود بسنده نکرد. هنگامی که «نیل آرمسترانگ» نخستین فضانورد جهان که پا به ماه گذاشت، به ایران آمد، هدیه ویژه‌ای به او داد و آن چیزی نبود جز پسته ایرانی که از باغات رفسنجان به عمل آمده بود. فضانورد آمریکایی نیز در مدح پسته ایرانی، یادداشت تاریخی نوشت و آن را به غلامرضا آگاه تقدیم کرد. بعدها به همت او بود که پسته ایران به بازار نیویورک و به دنبال آن اکثر نقاط کشور ایالات متحده آمریکا صادر شد. مرحوم «منوچهر آگاه» از اقتصاددانان سرشناس ایران است که دوره دکتری اقتصاد خود را در سال ۱۳۳۷ با موضوع «بررسی و تحلیل تجربه نوسازی اقتصاد ایران در نیمه نخست قرن بیستم» در دانشگاه آکسفورد به اتمام رسانید و در سال ۱۳۳۸ به ایران بازگشت و ریاست اداره بررسی‌های اقتصادی بانک ملی و سپس اداره بررسی‌های بانک مرکزی را بر عهده گرفت و با دانش خود یک نهاد مهم تولید آمار کلان اقتصادی را پایه‌گذاری کرد. او بعدها معاون وزیر اقتصاد شد و در اواخر دوره پهلوی به ریاست سازمان برنامه‌بودجه رسید.

**\* بسیار صبور بود**

در تمام این سال‌ها هیچ‌وقت ندیده بودم که ایشان با کسی به تندی صحبت کند، همیشه با منطق، صبر و حوصله و با دوراندیشی تمام موضوعی را مطرح می‌کرد و یا می‌شنید، حتی اگر خدای ناکرده موضوع در بعضی جاها توهین‌آمیز، غلط یا به‌نوعی مغرضانه بود، همین آرامش و منطق ایشان در گفت‌وگو موجب می‌شد که همیشه حرف ایشان گویاتر و اثربخش‌تر باشد، ایشان برای من استادی آگاه، دوستی صمیمی و رفیقی هم دل بود. قد آگاهیش خیلی بلند بود، اما خیلی وقت‌ها موضوعات را کوتاه و بی‌طول و تفسیر بیان می‌کرد تا آدم‌های ناآگاه هم اهمیت مسئله را درک کنند.

**\* زاویه دید ایشان به مسائل بدیع بود**

مسائل را از مسیری تبیین می‌کرد که حتی برای نزدیک‌ترین دوستانش ناشناخته به نظر می‌رسید. خیلی اوقات محو استدلال‌هایش می‌شدم و همواره به خودم می‌گفتم چرا من از این زاویه به مسئله نگاه نکرده بودم و در جواب هر بار به خودم می‌گفتم: مگر تو آگاه هستی؟

**\* فوق‌العاده وطن‌پرست بود**

در این اواخر هر زمان اسم ایران می‌آمد، اشک از چشمانش سرازیر می‌شد، از وطن‌پرستی ایشان همین‌که از جان، مال، زندگی و منافع شخصی خود می‌گذشت و اولویت را وطن و منابع ملی می‌دانست. من کمتر این‌طور آدم‌ها را دیده‌ام که این‌طور به منافع ملی و وطن‌پرستی اهمیت دهند و به‌جای اینکه رفاه، منفعت، زندگی خوب و آرامی در خارج از کشور داشته باشند، حضور و ادامه زندگی را با همه سختی‌ها، در وطن ترجیح دهند.

**\* دل در گرو توسعه ایران داشت**

او دلسوز مردم و کشورش بود و در این مسیر برای انتقال نظرات خود در ابتدا به سیاستمداران و سپس به مردم تلاش کرد. شاید همه آن‌ها که دل در گرو توسعه ایران داشتند، زمانی به این می‌اندیشیدند که راهنمایی کردن به سیاستمداران و آگاه کردن آن‌ها می‌تواند کشور را در مسیر درست قرار دهد. به گمانم آقای آگاه جزو پیشگامان این جریان بود و از دهه شصت به این‌سو تلاش کرد، واقعیت‌های بسیاری را درباره کمبود منابع کشور به سیاستمداران منتقل کند. این تلاش تا اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ ادامه داشت، اما متأسفانه به نتیجه نرسید. ایشان وقتی متوجه شد در میان سیاستمداران گوش شنوایی وجود ندارد، از این مقطع به بعد سعی کرد مردم را آگاه کند و در نتیجه مخاطب خود را جامعه دانست و برای آن‌ها گفت و نوشت. حتی حضور ایشان در تشکل‌های

بخش خصوصی با همین هدف بود. بنابراین ایشان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم برای آگاهی مردم گام برداشت. مردم امروز متوجه شده‌اند که در اقتصاد ناهار مجانی وجود ندارد و اگر سیاست‌گذار در مقطعی لقمه‌ای دست آحاد جامعه بدهد، حتماً جایی دست در جیب آن‌ها کرده است.

**\* مدعی‌العموم نسل‌های آینده بود**

شک ندارم که آیندگان به نیکی از او یاد خواهند کرد. آگاه معتقد بود نسل ما در حال خوردن حق فرزندان است تا رفاه بیشتری داشته باشد. جنگل‌های قدیمی را بیابان می‌کند، چاه‌های هزارساله را می‌خشکاند و کوه‌های عظیم را می‌تراشد تا رفاه بیشتری ایجاد کند. او معتقد بود ما نسلی هستیم که فرزندان آینده این سرزمین را به دنیا نیامده بدهکار کرده‌ایم. دلی پردرد از نامهربانی‌های روزگار داشت و همواره از تهاجم سیاسی به منابع و آب‌وخاک این سرزمین می‌نالید. اعتقاد داشت این نسل بزرگ‌ترین صدمه را به ایران زده‌اند و همواره از دست‌درزای نسل فعلی به سهم نسل آینده در عذاب بود. همیشه می‌گفت: مغولان آن‌گونه که ما منابع کشور را غارت می‌کنیم، منابع ایران را به یغما برده‌اند.

شک ندارم که این نظرات هنوز در جامعه جا نیفتاده است، چون پوپولیسم همچنان با قدرت به کارش ادامه می‌دهد و در جامعه‌ای که فقر بیداد می‌کند، چنین نظراتی احتمالاً خریداران زیادی ندارد.

**\* بسیار دموکرات بود**

وی بر رأی‌گیری، عقل جمعی، دموکراسی در تصمیمات و نظرات تأکید داشت. بارها وقتی که موضوعی را عنوان می‌کرد باوجود اینکه ما به ایشان می‌گفتیم که نیتشان خیر و دانششان زیاد است و ما با نظر ایشان موافق هستیم و نیاز به رأی‌گیری نیست، اما قبول نمی‌کردند و در جلساتی که با ایشان داشتیم و افراد صاحب‌نظر بیشتری حضور داشتند، باز هم تأکیدشان بر رأی‌گیری بود، حتی اگر چیزی خلاف صحبت ایشان بیان می‌شد، تأکید داشتند که همان مطلب ادامه پیدا کند. گاهی پیش می‌آمد که در سفر برنامه‌ای پیش می‌آمد با اینکه خسته بودند، اما وقتی همه نظرشان به انجام کاری بود ایشان با وجود همه سختی‌ها موضوع را می‌پذیرفت و کاملاً همراهی می‌کرد.

**\* دشمن پوپولیسم بود**

زمانی آقای آگاه نسبت به پوپولیسم اعتراض می‌کرد که جامعه ایران هنوز با ابعاد مخرب آن آشنایی نداشت. ایشان جزو آن دسته از انسان‌هایی بود که روی اصولش می‌ایستاد و کوتاه

**بر رأی‌گیری،  
عقل جمعی،  
دموکراسی در  
تصمیمات و  
نظرات تأکید  
داشت. بارها  
وقتی که موضوعی  
را عنوان می‌کرد  
باوجود اینکه  
ما به ایشان  
می‌گفتیم که  
نیتشان خیر و  
دانششان زیاد  
است و ما با نظر  
ایشان موافق  
هستیم و نیاز  
به رأی‌گیری  
نیست، اما قبول  
نمی‌کردند و در  
جلساتی که با  
ایشان داشتیم و  
افراد صاحب‌نظر  
بیشتری حضور  
داشتند، باز هم  
تأکیدشان بر  
رأی‌گیری بود،  
حتی اگر چیزی  
خلاف صحبت  
ایشان بیان  
می‌شد، تأکید  
داشتند که همان  
مطلب ادامه پیدا  
کند.**

قابل انجام نیست. وقتی آقای آگاه سؤال می‌کند به چه دلیل این تصمیم گرفته شده، به ایشان می‌گویید: حالا که قیمت نفت از بشکه‌ای سه دلار به بشکه‌ای ۱۲ دلار جهش داشته، وارد کردن دلارهای نفتی به اقتصاد کشور موجب افزایش تورم به ۱۲ درصد می‌شود و تثبیت همزمان نرخ دلار در هفت تومان یا حتی کاهش نرخ دلار بسیار محتمل است؛ بنابراین در چنین شرایطی واردات کالاهای اشتغال‌زا تنها گزینه است و صادرات و تولید داخلی جوابگو نخواهد بود. دقیقاً همین اتفاق رخ داد و شاه برنامه را تغییر داد و درآمدهای نفتی را به اقتصاد تزریق کرد. او به حرف کارشناسان گوش نداد که نسبت به خطر تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد، هشدار دادند. این پول وقتی وارد اقتصاد شد، تورم ایجاد کرد. در کوتاه‌مدت، رضایت خاطر نسبی در مورد فراوانی کالاهای وارداتی به وجود آمد، اما مصرف‌گرایی تشدید شد و روحیه مردم تغییر کرد. واردات رونق گرفته بود و شرکت‌های بزرگ ایرانی رغبتی به تولید و صادرات نداشتند. طی سه سال بعد، تورم به شدت افزایش یافت و کوشش برای کاهش نرخ دلار از هفت تومان به چهار تومان در دستور کار قرار گرفت. در اثر این سیاست بود که ارج و بسیاری از شرکت‌های بزرگ به تدریج در مسیر نابودی قرار گرفتند. آقای آگاه در این شرایط مراتب نگرانی‌اش را به برادرش که آن روزها در سیاست‌گذاری نفوذ داشت، می‌رساند و تأکید می‌کند که اصرار بر سرکوب نرخ ارز به زیان بنگاه‌ها تمام می‌شود و باعث زیان دهی و ورشکستگی آن‌ها خواهد شد. دکتر منوچهر آگاه به برادرش می‌گوید این تصمیم شاه است و کسی نمی‌تواند تغییرش دهد.

#### \* در مسائل خانوادگی خیلی دقت داشت

به طوری که مسائل ملی و کاری ایشان با مسائل عاطفی و احساسی هیچ اختلاطی پیدا نمی‌کرد، کمتر آدم‌هایی را دیده‌ام که بتوانند این فاصله را رعایت کنند، در صورتی که ایشان به شدت به این موضوع توجه داشت، اصولاً کسی باور نمی‌کند که فرزندان آگاه با وجود برخورداری از ظرفیتی که در جامعه، در منافع ملی، در انجمن‌ها، در تشکل‌ها و فضای اجتماعی دارند، به هیچ‌عنوان مسائل عاطفی و احساسی، مسائل به‌اصطلاح پدر فرزندی را در کار حرفه‌ای خود لحاظ نمی‌کنند.

#### \* و در نهایت این که انسانی آزادی خواه و بسیار آزادنش بود

همیشه او را در قامت معلمی مهربان و صبور می‌دیدم که مهم‌ترین مأموریت خویش را آموزش می‌دانست. شاگردان بسیاری تربیت کرد و دست‌های بسیاری را گرفت. فکر و زبانم یاری نمی‌کند که پیش از نام مهدی آگاه، «مرحوم» اضافه کنم، او در قلب و یاد من همواره زنده است. ♦♦

می‌آمد. زمانی که در تشکل‌های بخش خصوصی حضور داشت، حرف‌هایی می‌زد و تحلیل‌هایی می‌کرد که اغلب باعث اعتراض مدیران دولتی می‌شد.

#### \* یک اصولگرایی واقعی بود

اگر سیاستمداران واژه‌ها را از معنای واقعی خود دور نمی‌کردند، می‌شد مهدی آگاه را یک اصولگرایی واقعی تعریف کرد. ایشان به واسطه ایستادگی روی اصولی که داشت همواره من را یاد شخصیت «سر تامس مور» می‌انداخت، حتماً داستان زندگی‌اش را خوانده‌اید یا فیلم معروف «مردی برای تمام فصول» را دیده‌اید. مهدی آگاه هم مثل سرتامس مور در مقابل اصول خود سازش‌ناپذیر بود، به اصول و قانون پایبندی داشت و همواره معتقد بود هیچ پدیده‌ای نباید جایگزین قانون شود. او همواره تأکید داشت که برای حفظ جامعه باید پایبندی به اصول و قانون رعایت شود، حتی اگر آن قانون، قانون خوبی نباشد، باید قانون دیگری نوشت، اما قانون را نمی‌شود جایگزین اراده و خواسته‌های فردی کرد.

#### \* تحلیل‌گر و آینده‌نگر بود

خیلی از مسائلی که ایشان از ۲۰ سال پیش مطرح کرد، تازه امروز به وقوع پیوسته و طبیعی است که افرادی با چنین افق دیدی برای مردم قابل احترامند، اما زمانی که امور روی روال پیش نمی‌رود و پوپولیسم بر سیاست‌گذاری اقتصادی سایه می‌افکند، تحلیل‌گری و آینده‌نگری بلااستفاده می‌شود. آقای آگاه نخستین بار در اواسط دهه ۵۰ گرفتار چنین وضعیتی می‌شود. همان‌طور که می‌دانید تورم از اوایل دهه ۵۰ رو به افزایش بوده و در اواسط این دهه به اوج خود رسید. این روند سیاست‌گذار را به این نتیجه رساند که نرخ ارز را تثبیت کند تا بر تورم غلبه کند، اما خطای بزرگی مرتکب شد، چراکه با اجرای این سیاست، انگیزه‌بخش خصوصی برای حضور در بازارهای جهانی را از بین برد. آقای آگاه در آن دوران مدیریت بخش صادرات شرکت ارج را برعهده داشت و پیش از آنکه سیاستگذار تصمیم به سرکوب قیمت ارز بگیرد، در بازارهای منطقه مشغول بازاریابی برای محصولات این شرکت بود. در اسفند ماه سال ۱۳۵۲ سفرهای ایشان به کشورهای خلیج فارس با موفقیت انجام شد و نزدیک به دو هزار محصول کارخانه و عمدتاً یخچال ارج در هفت کشور منطقه به قرارداد قطعی رسید و مهدی آگاه با دست‌پُر به ایران بازگشت. با این حال مدتی بعد مدیران ارشد شرکت او را فرا می‌خوانند و اطلاع می‌دهند که شرکت ارج قصد دارد واحد صادرات خود را تعطیل کند و به همین دلیل تعهداتی را که بخش صادرات برای تحویل کالا به خارج ایجاد کرده است نمی‌پذیرد و در شرایط جدید، قراردادها

#### مهدی آگاه هم

#### مثل سرتامس

#### مور در مقابل

#### اصول خود

#### سازش‌ناپذیر بود،

#### به اصول و قانون

#### پایبندی داشت

#### و همواره معتقد

#### بود هیچ پدیده‌ای

#### نباید جایگزین

#### قانون شود. او

#### همواره تأکید

#### داشت که برای

#### حفظ جامعه باید

#### پایبندی به اصول

#### و قانون رعایت

#### شود، حتی اگر

#### آن قانون، قانون

#### خوبی نباشد،

#### باید قانون دیگری

#### نوشت، اما قانون

#### را نمی‌شود

#### جایگزین اراده

#### و خواسته‌های

#### فردی کرد.



مسئله  
اعتیاد



مشکل  
بانکها



مسئله  
آب



مسئله  
طلاق



مروری بر مهم‌ترین مسائل روز  
کشور که راه‌حل علمی دارند

# کار علمی مسئله محور



آسیب‌های  
اجتماعی



مسئله  
ترافیک



مسئله  
محیط زیست



مشکل نظام  
مالیاتی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار نخبگان  
و استعداد‌های برتر علمی (۱۴۰۰/۰۸/۲۶)  
نگاه مسئله‌محور جوامع علمی و نخبگان  
را ضروری دانستند و نمونه‌ای از مسائل  
روز و مبتلا به را برشمردند که در این  
اطلاع‌نگاشت مرور میشود.



مسئله  
حاشیه نشینی



مسئله  
هوش مصنوعی



موانع رشد  
تولید داخلی



مشکلات نظام  
پولی و مالی



# رویدادها



## کرمان بهشت فرصت‌های بالقوه است

(۱۰ فروردین، ۱۴۰۱)

شود تا به‌عنوان یک مطالبه در دستور کار استان قرار گیرد. در ادامه این نشست، حجت‌الاسلام علی‌دادی سلیمانی، امام جمعه و نماینده ولی‌فقیه در استان کرمان ضمن تقدیر و تشکر از اقدامات اثرگذار اتاق کرمان گفت: اتاق کرمان می‌تواند در شورای راهبردی استان جایگاه مناسبی داشته باشد که در نشست آتی در خصوص همکاری با این مجموعه برنامه‌ریزی خواهیم کرد. همچنین نمایندگان مردم کرمان و راور در مجلس شورای اسلامی نیز به بیان نظرات خود پرداختند.

رییس اتاق کرمان گفت: استان کرمان بهشت فرصت‌های بالقوه است، اما به دلیل حکمرانی نامناسب، شاخص‌های اقتصادی متناسب با ظرفیت‌های استان توسعه پیدا نکرده‌اند. سید مهدی طبیب‌زاده، در نشست با امام جمعه و نماینده ولی‌فقیه در استان، نمایندگان مردم کرمان و راور در مجلس شورای اسلامی، اعضای هیئت نمایندگان اتاق و برخی از فعالان اقتصادی، گفت: باید وضعیت شاخص‌های توسعه پایدار در جمع مدیران ارشد مطرح



## اتاق کرمان همکار برگزیده دانشگاه شهید باهنر کرمان شد

(۱۶ فروردین، ۱۴۰۱)

رستمی رییس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان حضور داشتند.

اتاق کرمان از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌عنوان همکار برگزیده دانشگاه شهید باهنر کرمان در زمینه ارتباط صنعت و دانشگاه انتخاب شد.

به همین منظور معاون پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان و جمعی از اساتید با حضور در اتاق کرمان، این انتخاب را با اهدای لوح تقدیر به سیدمهدی طبیب‌زاده رییس اتاق کرمان تبریک گفتند. رییس اتاق کرمان در این نشست گفت: ارتباط مؤثر صنعت و دانشگاه همواره جز برنامه‌های اتاق کرمان بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که امیدواریم بتوان بهترین همکاری‌ها شکل گیرد.

گفتنی است در این نشست دکتر رنجبر معاون پژوهشی، دکتر ثمره صلواتی رییس حوزه ارتباط دانشگاه با صنعت و دکتر نظام‌آبادی پور معاون پژوهشی سابق دانشگاه شهید باهنر کرمان و همچنین دکتر



## مصوبات اخیر کمیته اقدام ارزی برای رفع مشکل صادرکنندگان بررسی شد

(۲۴ فروردین، ۱۴۰۱)

صادرکنندگان ما آسیب زده است، افزود: دارایی صادرکنندگان مشتریان آنها هستند و سالها در هر شرایطی به‌ویژه تحریم با آنها مرادوات تجاری داشته‌اند، نباید با اقتصاد دستوری به آنها گفته شود به هر روشی که ما می‌گوییم ارز برگردانده شود.

همچنین رییس اداره بازرگانی خارجی و توسعه تجارت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان، در این نشست گفت: از مجموع ۳۵۱ کارت بازرگانی که صادرات داشته‌اند، بیش از سه میلیارد و ۸۹۶ میلیون یورو تعهدات سررسیده شده داشتیم که ۲۳۱ میلیون یورو رفع تعهد نشده است. سینا خسروی اظهار کرد: از بین صادرکنندگان استان کرمان ۸۲ نفر به میزان صد در صد رفع تعهد نموده‌اند، ۱۷۰ نفر بیش از ۶۰ درصد رفع تعهد نموده‌اند و ۱۱۲ نفر هیچ رفع تعهدی را نداشته‌اند.

در نشستی با حضور رییس و نایب‌رییس اتاق کرمان و معاون اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان، مصوبات اخیر کمیته اقدام ارزی کشور برای رفع مشکل صادرکنندگان در خصوص رفع تعهدات ارزی و تعلیق کارت‌های بازرگانی بررسی شد.

رییس اتاق کرمان در این نشست ضمن قدردانی از نگاه مثبت سازمان صمت استان برای رفع مشکلات فعالان اقتصادی، گفت: درخواست می‌شود قبل از اینکه کارتی تعلیق شود، بررسی و استعلامات لازم به عمل آید و مدارک و مستندات کافی نیز جمع‌آوری شود. در ادامه این نشست نایب رییس اتاق کرمان جلیل کاربخش، با تأکید بر اینکه پیمان‌سپاری ارزی به صادرات



## خسارت وارده به باغات پسته چند ده هزار میلیارد تومان است

(۲۷ فروردین، ۱۴۰۱)

گفتنی است در این نشست جمعی از باغداران و فعالان صنعت پسته و مدیران مربوطه به ارائه نظرات و پیشنهادات خود برای جبران خسارت سرمازدگی مطرح و مواردی به تصویب رسید. همچنین در پایان این نشست از مدیران استان به‌عنوان اعضای شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان به پاس تلاش‌های انجام‌شده در سال ۱۴۰۰ قدردانی شد.

رییس اتاق کرمان گفت: خسارت وارد شده به باغات پسته استان کرمان به دلیل کاهش دما در فروردین‌ماه سال جاری، به‌صورت مستقیم ۱۳ هزار میلیارد تومان و با احتساب زنجیره محصول پسته، چند ده هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

سیدمهدی طبیب‌زاده، در هفتاد و دومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع «بررسی خسارت وارد شده به محصول پسته در اثر کاهش دما و راهکارهای پیشنهادی برای جبران آن» افزود: خسارت به باغات پسته کرمان سنگین است، اشتغال بسیاری از دست رفته و احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی نیز وجود دارد.

در ادامه این نشست رییس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان با بیان اینکه خسارت وارده بر باغات پسته در استان را بازدید و از نزدیک بررسی کردیم، گفت: این خسارت به میزانی سنگین است که در برخی باغات محصول سال آینده پسته نیز از بین رفته و خسارت روز‌به‌روز بیشتر خود را نشان می‌دهد.



## رییس اتاق کرمان در روز تکریم خیران مورد تقدیر قرار گرفت

(۲۹ فروردین، ۱۴۰۱)



همزمان با روز تکریم خیران، مدیرکل آموزش و پرورش و مدیرکل نوسازی مدارس استان کرمان با حضور در اتاق کرمان از سیدمهدی طبیبزاده رییس اتاق کرمان به نمایندگی از فعالان اقتصادی به پاس طراحی و اجرای پویش مدرسه‌سازی «کرمان دانا» تقدیر کردند. همچنین در این دیدار از آرش علوی دبیر هیئت‌ریسه و حسن امیری دبیرکل اتاق کرمان نیز تقدیر شد. مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان در این دیدار ضمن تقدیر و تشکر از اتاق کرمان در خصوص عقد تفاهم‌نامه با ادارات کل آموزش و پرورش و نوسازی مدارس کرمان در خصوص ساخت ۱۲۰ مدرسه در قالب ۷۲۰ کلاس درس در استان بر اساس پویش مدرسه‌سازی کرمان دانا گفت: استفاده از ظرفیت بنگاه‌های اقتصادی و معادن استان در امر مدرسه‌سازی و مدرسه یاری اولویت اصلی آموزش و پرورش استان کرمان است.

## انجمن توسعه رفسنجان تشکیل شود

(۸ اردیبهشت، ۱۴۰۱)

منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان را مطرح کرد. در ادامه مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان در این نشست گفت: منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان با دو هزار هکتار مساحت، در فاز اول در ۲۰۰ هکتار تکمیل شده و فاز توسعه نیز در حال انجام است. گفتنی است رییس اتاق کرمان از بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی منطقه ویژه مانند مزرعه بیت کوبین، کارخانه تولید فروکروم، کارخانه مواد اولیه کاشی و تولید لوله پلی‌اتیلن بازدید کرد.

رییس اتاق کرمان با اشاره به اینکه رفسنجان افراد توانمند، قوی و مؤثر با ایده‌های خوب دارد، گفت: پیشنهاد می‌شود انجمن حمایت از توسعه رفسنجان با عضویت همه گروه‌ها تشکیل شود و در جلسات مختلف از تجربه‌های افراد بزرگ این شهرستان در سطح ملی و استانی استفاده شود. وی همچنین در این نشست پیشنهاد راه‌اندازی لجستیک پارک در



## نظام جامع گلخانه داران تدوین می شود

(۱۱ اردیبهشت، ۱۴۰۱)

کشاورزی کرمان و فرمانداران و روسای ادارات چهار شهرستان شرقی این استان برگزار شد.



رییس اتاق کرمان، با بیان اینکه نظام گلخانه‌های استان به صورت غیرکارشناسی و بدون داشتن نقشه راه و زیرساخت‌های مشخص در حال توسعه است، گفت: اتاق در تدوین نظام جامع گلخانه داران ورود می کند.

سیدمهدی طبیب‌زاده در نشست بررسی مشکلات گلخانه داران شرق کرمان در بزم افزود: اگرچه راه‌اندازی گلخانه‌ها توصیه و در اولویت قرار داده شده، اما گلخانه‌ها برای ارتقای بهره‌وری نیاز به کنترل کیفیت و زمان دارند. گفتنی است نشست بررسی مسائل و مشکلات گلخانه داران شرق استان کرمان با حضور رییس اتاق کرمان، رییس دفتر نمایندگی اتاق کرمان در شرق استان، رییس کمیسیون کشاورزی اتاق، مدیرکل سازمان جهاد کشاورزی شمال استان، معاون آب منطقه‌ای، مسئول اعتبارات بانک

## فعالان گردشگری کرمان در نمایشگاه بین‌المللی جهان اسلام شرکت می‌کنند

(۲۱ اردیبهشت، ۱۴۰۱)

بتوان از این حوزه پیشران در اقتصاد استان بهره‌وری بیشتری داشت.



رییس کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان گفت: فعالان گردشگری و صنایع‌دستی استان در نمایشگاه تخصصی بین‌المللی گردشگری جهان اسلام که از ۱۷ تا ۲۰ خردادماه ۱۴۰۱ در تهران محل نمایشگاه بین‌المللی شهر آفتاب برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند. محمدرضا بهرامی در جمع اعضای کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان، افزود: این نمایشگاه با حضور نمایندگان از برخی کشورها مانند عراق، ترکیه، سوریه، قزاقستان، قطر، عمان، الجزایر و پاکستان برگزار می‌شود که بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها لازم برای حضور گسترده و قدرتمند در این نمایشگاه انجام خواهد شد. وی ادامه داد: هدف از شرکت در این نمایشگاه معرفی بیشتر توانمندی‌های استان در حوزه گردشگری و صنایع‌دستی است تا

اخبار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان را از این پنجره ببینید:

[www.otagh-bazargani.com](http://www.otagh-bazargani.com)

## دریافت مجوز آب و زمین برای سرمایه‌گذاری در کرمان دشوار است

(۲۶ اردیبهشت، ۱۴۰۱)

آن‌ها وجود ندارد که قصد داریم توسط انجمن سنگ این پایش صورت گیرد و اطلاعات دقیق از فعالان سنگ استان جمع‌آوری شود. وی ادامه داد: یکی از مسائل مهم این حوزه افزایش چندین برابر حقوق‌های دولتی معادن است که بدون کارشناسی صورت گرفته و همه معادن را به یک چشم دیده‌اند.



رییس اتاق کرمان گفت: دریافت مجوز آب و زمین برای سرمایه‌گذاری در کرمان بسیار دشوار است و همین موضوع یکی از موانع توسعه کرمان محسوب می‌شود.

سیدمهدی طبیب‌زاده در جمع اعضای هیئت‌مدیره انجمن سنگ استان افزود: مسائل و مشکلات مربوط به احداث و راه‌اندازی بازارچه سنگ کرمان بعد از پیگیری‌های لازم همچنان وجود دارد. وی در پاسخ به درخواست انجمن سنگ مبنی بر همکاری اتاق کرمان برای تهیه بانک اطلاعاتی فعالان حوزه سنگ استان اظهار کرد: لازمه هر کاری دستیابی به آمار و اطلاعات صحیح است که در این رابطه پروپوزال و نقشه راه استفاده از این آمار تهیه و به اتاق کرمان ارائه شود تا بررسی و در مورد آن تصمیم‌گیری صورت گیرد. عباس عزیززاده انجمن سنگ استان افزود: در حال حاضر یکسری کارخانجات و معادن حوزه سنگ تعطیل شده‌اند، اما آمار دقیقی از

## جمعی از مدیران عامل بنگاه‌های اقتصادی کشور از صنایع کرمان بازدید کردند

(۲۹ اردیبهشت، ۱۴۰۱)

گروهی ۱۶ نفره از مدیران عامل بنگاه‌های اقتصادی کشور ضمن برگزاری نشست با رییس اتاق کرمان از دو کارخانه آلومینیوم هزار و مس شهید باهنر کرمان بازدید و شرایط و مسائل حوزه تولید این دو مجموعه را بررسی کردند.

رییس اتاق کرمان در نشست با این گروه فعال اقتصادی گفت: استان کرمان ظرفیت‌های فراوانی در بخش‌های مختلف دارد و رویکرد جدید استان کرمان تکمیل زنجیره ارزش در معادن برای ایجاد ارزش افزوده بیشتر است. سیدمهدی طبیب‌زاده، با بیان این‌که سه میلیارد دلار صادرات سالانه استان کرمان است که با تمهیدات اندیشیده شده صادرات کالاهای سنتی باید به سمت صادرات تکنولوژی و دانش‌بنیان برود که کار آغاز شده است.

در ادامه این نشست عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان گفت: وضعیت بخش خصوصی باید از سه منظر حوزه کسب‌وکار، شرایط بنگاه اقتصادی و دیدگاه مشتری بررسی شود تا شرایط بهبود یابد.

همچنین در این نشست مدیرگروه فعالان اقتصادی مهمان دیار کریمان گفت: باعث افتخار ماست در کرمان این‌همه توانمندی وجود دارد و اتاق کرمان بعد از اتاق تهران، قوی‌ترین و بهترین اتاق کشور است و حتی به دلیل محدودیت‌های موجود در کرمان توانمندتر عمل می‌کند. حسین آقاخانلو تصریح کرد: مجموعه‌های مختلفی در استان فعالیت می‌کنند که با چالش‌ها و مسائل مختلفی روبه‌رو هستند که حل مسائل این



صنایع و بنگاه‌های اقتصادی برای استانی مانند کرمان بسیار اهمیت دارد. گفتنی است مدیران عامل مجموعه‌های شرکت‌کننده در این نشست، ضمن آشنایی با بنگاه‌های اقتصادی کرمان، به بیان نظرات خود در رابطه با شرایط این بنگاه‌ها پرداختند.

## استاندار کرمان: استان از باور همه کاره بودن دولت در اقتصاد خارج شود

(۱ خرداد، ۱۴۰۱)

رئیس اتاق کرمان نیز در ادامه این نشست به بیان فعالیتها و اقدامات انجام شده توسط اتاق کرمان پرداخت و افزود: مدل توسعه اقتصادی استان را با تکیه بر نیازهای ۲۰ سال آینده طراحی کرده‌ایم و با توجه به اینکه پروژه‌های توسعه‌ای استان از زیرساخت‌هایی مانند آب، برق، گاز و جاده جلو افتاده، تکمیل زیرساخت‌ها برای توسعه استان ضروری است. در پایان این نشست از یدالله موحد رئیس کل سابق دادگستری کرمان و سیدمصطفی آیت الهی موسوی معاون عمرانی استاندار کرمان به پاس تلاش‌های ایشان در شورای گفت‌وگو قدرانی شد.

«محمد مهدی فداکار» در هفتاد و سومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی مشکلات تأمین اجتماعی در حوزه تولید گفت: دولت باید شرایط را تسهیل، فرآیندهای پیچیده را اصلاح و فرآیندهای غیرضرور را حذف کند و در اجرای فعالیتهای اقتصادی دخالت نکند تا کار بهتر پیش رود. وی ادامه داد: اقتصاد استان با وجود همه ظرفیت‌ها، بر پایه معادن است و تنوع بخشیدن به اقتصاد استان یک ضرورت محسوب می‌شود.

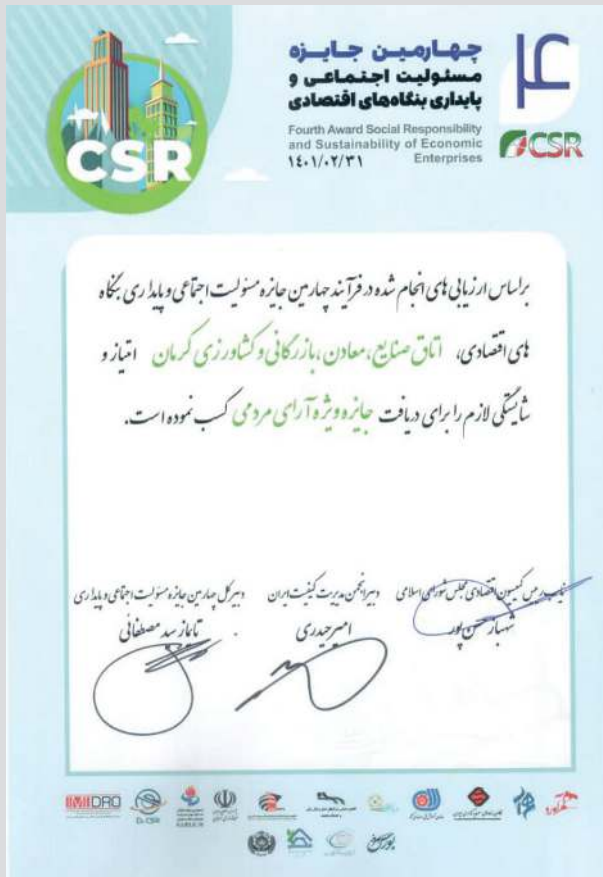


## اتاق کرمان رتبه اول جایزه مسئولیت‌های اجتماعی از نگاه ذینفعان را کسب کرد

درمان بیماران کرونایی، بازسازی خانه نیازمندان و... فعالیت داشته است.

(۲ خرداد، ۱۴۰۱)

اتاق کرمان در چهارمین دوره جایزه مسئولیت‌های اجتماعی و پایداری بنگاه‌های اقتصادی کشور رتبه اول جایزه مسئولیت‌های اجتماعی از نگاه ذینفعان را به خود اختصاص داد. این ارزیابی براساس فرمت‌های جهانی مسئولیت‌های اجتماعی (GRI) صورت گرفته که ۷۰ بنگاه اقتصادی پس از تکمیل فرم‌های خوداظهاری از طریق اعزام داوران ارزیاب اطلاعات ارسالی صحت سنجی و بررسی شدند و اتاق کرمان به‌عنوان تنها مجموعه موفق به کسب رتبه در این بخش شد. در این آئین که در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار شد از حسین نجف‌آبادی پور رییس کمیسیون مسئولیت‌های اجتماعی اتاق کرمان با اهدای لوح و تندیس تقدیر به عمل آمد. گفتنی است اتاق کرمان در حوزه‌های مختلف مسئولیت‌های اجتماعی مانند راه‌اندازی پویش مدرسه‌سازی کرمان دانا، کمک برای مبارزه با شیوع کرونا، تأمین برخی دستگاه‌ها و تجهیزات



## همایش پاسداشت نیم‌قرن فعالیت‌های میراث فرهنگی در اتاق کرمان برگزار شد

پیشکسوتان و فعالان نیم‌قرن گردشگری کرمان تجلیل شد.

(۴ خرداد، ۱۴۰۱)

همایش پاسداشت نیم‌قرن فعالیت‌های میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان با حضور استاندار کرمان، دادستان کرمان، رییس کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان، مدیران و فعالان بخش خصوصی این حوزه در اتاق کرمان برگزار شد. استاندار کرمان در این همایش خواستار اطلاع‌رسانی بیشتر و معرفی گسترده‌تر قابلیت‌های گردشگری و صنایع‌دستی استان به جامعه هدف شد.

در این همایش مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان کرمان گفت: در استان کرمان ۴۵ پروژه در حوزه میراث فرهنگی با اعتبار ۵۶ میلیارد تومان در دست اجراست. گفتنی است در این همایش از برخی





## جنوب استان باید در سیاست‌گذاری توسعه مدنظر قرار گیرد

(۴ خرداد، ۱۴۰۱)

ادامه داد: عدم استفاده مناسب از ذخایر ارزشمند و متنوع معدنی، به کار نبردن دانش اکتشاف سیستماتیک وسیع، بهره‌وری نامطلوب، رقابت‌پذیر نبودن در حوزه‌های فولاد و مس با حذف یارانه‌های انرژی، عدم خودکفایی در زمینه‌های تکنولوژی، دانش فنی و ساخت تجهیزات نشان از سیاست‌گذاری نامناسب در این حوزه است.

گفتنی است سمپوزیوم توسعه همکاری‌های دانش‌بنیان و ارزش‌آفرین صنعت مس و دانشگاه در مجموعه فرهنگی هنری (سینما) آزادی شهر سرچشمه با هدف ایجاد زمینه مناسب برای تعامل، تبادل نظر و انتقال تجارب موفق در همکاری‌های صنعت و دانشگاه با مشارکت صاحب‌نظران این عرصه، برگزار شد.

سیدمهدی طبیب‌زاده در سمپوزیوم توسعه همکاری‌های دانش‌بنیان و ارزش‌آفرین صنعت مس و دانشگاه گفت: با توجه به اینکه چهار شهرستان شهرباک، سیرجان، رفسنجان و زرنند سهم مهمی در ارزش‌افزوده معدن دارند، توسعه نامتوازن استان شکل گرفته درحالی‌که برای تحقق توسعه متوازن باید جنوب استان نیز مدنظر قرار گیرد.

وی افزود: استان با وجود ظرفیت‌های فراوان مانند معادن غنی مس سرچشمه، در شاخص‌های توسعه پایدار رتبه‌خوبی ندارد و با طرح این پرسش که آیا سیاست‌گذاری بخش معدن در کشور درست بوده است؟



## نشست هیئت نمایندگان اتاق کرمان با رییس کل دادگستری استان برگزار شد

(۵ خرداد، ۱۴۰۱)

به اطلاع این مجموعه برساند. در ادامه این نشست رییس کل دادگستری استان کرمان گفت: باید ظرفیت‌های داخل و بیرون دستگاه قضا را پای کار بیاوریم و حمایت همه‌جانبه از تولید و اشتغال انجام شود تا منویات رهبری به نتیجه برسد. وی ادامه داد: در ادامه فعالیت‌های گذشته دادگستری و اتاق کرمان که حمایت از جنبه کمی در تولید و اشتغال مدنظر بوده، امسال با توجه به تأکید رهبر معظم انقلاب بر اقتصاد دانش‌بنیان، باید کیفیت در تولید را نیز مدنظر قرار داد و از شرکت‌های دانش‌بنیان و پژوهش محور حمایت کرد. گفتنی است در این نشست اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان به بیان نظرات و پیشنهادهای خود در رابطه با حمایت دستگاه قضا از بخش خصوصی پرداختند.

نشست هیئت نمایندگان اتاق کرمان با رییس کل دادگستری استان با هدف تحکیم و استمرار روابط بخش خصوصی با دستگاه قضا برای کمک به افزایش تولید و اشتغال استان برگزار شد. رییس اتاق کرمان در این نشست ضمن معرفی هیئت نمایندگان و تشریح فعالیت‌های اتاق کرمان برای رییس کل دادگستری استان گفت: فعالیت‌ها و همکاری‌های گسترده با سیستم قضایی استان بویژه دادگستری به‌منظور حمایت از تولید انجام‌شده و اتاق کرمان سعی کرد به‌عنوان مشاور سه قوه، نقش خود را به‌خوبی ایفا کند و دغدغه‌ها، دیدگاه‌ها و مشکلات کارشناسی شده بخش خصوصی را



## استاد دانشگاه شهید بهشتی: توسعه یافتگی با همسو شدن اقتصاد و سیاست خارجی محقق می‌شود

(۵ خرداد، ۱۴۰۱)

انسانی در موفقیت بنگاه‌های اقتصادی»، «خوانشی از تجربه اوج در مدیریت منابع انسانی» و «توسعه سرمایه‌های انسانی، چالش‌ها و فرصت‌ها» ارائه کردند. در ادامه، نشست‌هایی با موضوع «تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در استان از مسیر توسعه منابع انسانی؛ چالش‌ها و راهکارها» با حضور اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران استان و «کارگاه انتقال تجربه کارکنان و دبستگي سازمانی» با حضور فعالان اقتصادی استان برگزار شد.



محمود سریع القلم در همایش «منابع انسانی و توسعه» با حضور جمعی از فعالان اقتصادی بیان کرد: وضعیت یک فرد، وضعیت یک بنگاه اقتصادی و در نهایت وضعیت یک کشور و امکان ایجاد تغییر در مسیر فعالیت، به تصمیم‌هایی که می‌گیرد، بستگی دارد. وی مهم‌ترین اولویت هر کشور را ثبات سازی و تنظیم روابط پایه با همسایگان آن بویژه همسایگان ثروتمند عنوان کرد و افزود: با یادگیری و اجرای علم توسعه‌یافتگی می‌توان به شرکای تجاری کشورهای همسایه تبدیل شد.

در ادامه این همایش رییس اتاق کرمان گفت: استان به لحاظ برخورداری از منابع فیزیکی و خدادادی جایگاه خوبی دارد اما نتوانسته جایگاه مناسب را در شاخص‌های مربوط به توسعه پایدار به دست آورد. وی اظهار کرد: توجه به نیروی انسانی از عوامل حکمرانی خوب محسوب می‌شود و در گذار از اقتصاد متکی بر منابع به اقتصاد دانش‌بنیان، اصلی‌ترین عامل نیروی انسانی است. در این همایش سایر سخنرانان سخنان خود را با موضوع «نقش مدیریت منابع



## دبیرکل اتاق کرمان به عضویت هیئت خبرگان بانکی استان منصوب شد

(۱۷ خرداد، ۱۴۰۱)

«حسن امیری نیز» دبیرکل اتاق کرمان طی حکمی از سوی رئیس کل بانک مرکزی به عضویت هیئت خبرگان مورد وثوق بانکی و اقتصادی در استان کرمان منصوب شد. در این حکم که به امضای «علی صالح‌آبادی» رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران رسیده، آمده است: با عنایت به پیشنهاد استاندار محترم کرمان،



جنابعالی برای مدت دو سال از تاریخ صدور این حکم (۱۴۰۰/۱۲/۲۴) به عضویت هیئت خبرگان مورد وثوق بانکی و اقتصادی در استان کرمان موضوع تبصره ذیل ماده ۶۲ قانون الحاق موادی به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور منصوب می‌گردید. امید است با اتکال به خداوند متعال و همکاری کلیه اعضا هیئت مزبور، در انجام وظایف محوله موفق و مؤید باشید.



محمد ابراهیم باستانی پاریزی



هوشنگ مرادی کرمانی



یدالله آقاعباسی



اکبر صوتی



محمود روح الامینی



حسین بهزادی اندوهجردی



محمد حسین ایرانمنش



مجتبی ملک زاده



سید محمد علی گلاب زاده



مهدی محبی کرمانی



داریوش مجد زاده



منوچهر عسکری نسب



نصرت عبدالرحمانی



محمد جواد زاینده رودی



علی خسروی مشیزی



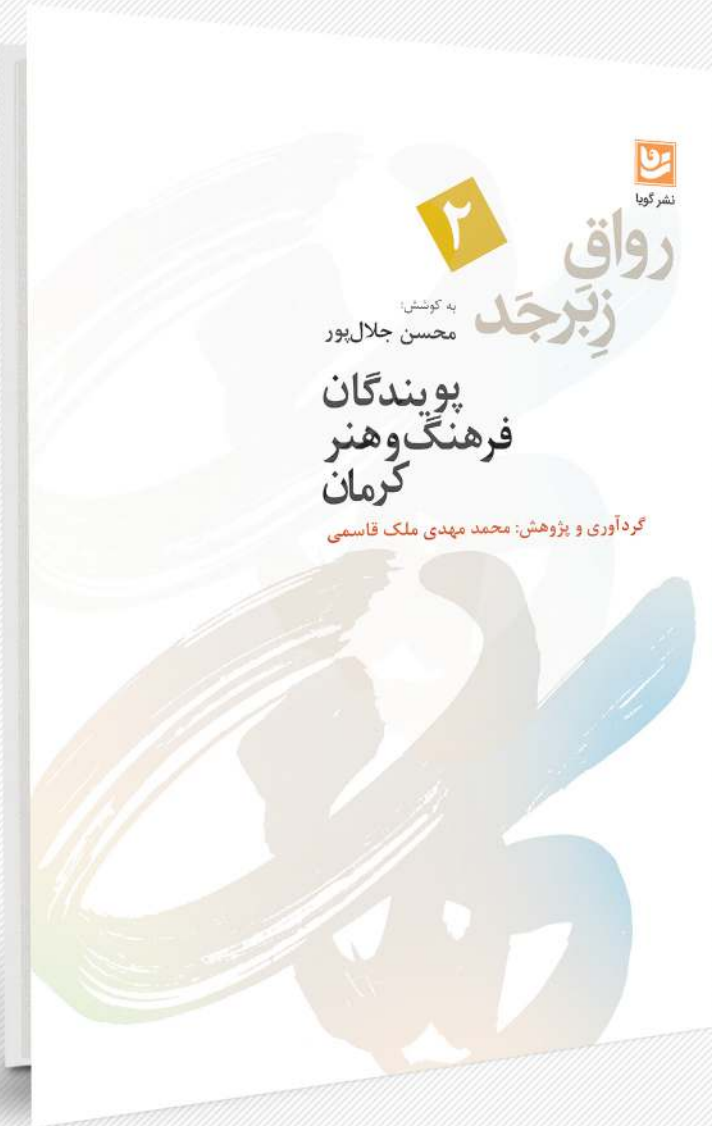
شهبین نعمت زاده



محمود نصری

در جلد دوم کتاب «رواق زیرجَد»، به خاطرات و شرح زندگی این چند تن از اهالی فرهنگ و هنر استان کرمان پرداخته شده است.

(اطلاعات بیشتر، در پشت جلد) | طراحی چهره‌ها: علی خسروی



## جلد دوم کتاب «رواق زبجد» منتشر شد



تقدیم به روان پاک مرحوم مهدی آگاه

و رادمردان سخت کوش و شیرزنان صبوری که کرمان آباد امروز، مدیون تلاش و کوشش صادقانه و راستین آنهاست.  
محسن جلال پور

این کتاب شرح خاطرات گروهی از اهالی فرهنگ و هنر کرمان است که امکان گفت و گو با آنها میسر بوده است:  
محمد ابراهیم باستانی پاریزی / محمود روح الامینی / هوشنگ مرادی کرمانی / اکبر صوتی / یدالله آقاعباسی / مهدی  
محبی کرمانی / سید محمد علی گلاب زاده / مجتبی ملک زاده / محمد حسین ایرانمنش / حسین بهزادی اندوهجردی /  
علی خسروی مشیزی / محمد جواد زاینده رودی / نصرت عبدالرحمانی / منوچهر عسکری نسب / داریوش مجد زاده /  
شهین نعمت زاده / محمود نصری

محل فروش کتاب:

کتاب فروشی ماهان کتاب

کرمان، خیابان شفا، بلوار پرستار، نبش کوچه ۱

تلفن: ۰۳۴۳۳۲۴۳۰۱۰